از آستارا تا استارباد

(جلد اول)

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از آستارا تا استاراباد

(جلد اوّل)

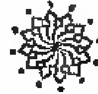
آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس

تألیف

دکتر منوچهر ستوده



این کتاب با همکاری
معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
به چاپ رسیده است.
(گنجینهٔ ایران «۱۱» شمارهٔ ۷۰)
مدیر فنی: حسین ایوبی‌زاده

ستوده، منوچهر، ۱۲۹۲ -
از آستارا تا اِستارباد / تألیف منوچهر ستوده. - تهران: آگاه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی: انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۷۴ -
ج.: مصور، نقشه
ISBN 964-416-021-5 (vol.1)
چاپ اول: جلد اول: انجمن آثار ملی ۱۳۴۹، تحت عنوان «از آستارا تا اِستارباد»
مندرجات: ج. ۱. آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس.
۱. گیلان - آثار تاریخی. ۲. مازندران - آثار تاریخی. ۳. گرگان - آثار تاریخی. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان. د.
۲ س ۳۴ الف / DSR ۲۰۵۳ ۹۵۵/۲۰۴۳
۱۳۷۴
کتابخانه ملی ایران م۷۴ - ۵۶۰۸



دکتر منوچهر ستوده
از استارا تا استارباد
(جلد اول)
آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس
(چاپ اول تابستان ۱۳۴۹)

چاپ دوم زمستان ۱۳۷۴، لیتوگرافی کوهرنگ
چاپ نیل، صحافی ایران‌کتاب
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه

شابک ۵-۰۲۱-۴۱۶-۹۶۴ (جلد ۱) ISBN 964-416-021-5 (vol.1)

دیباچه

به نام پروردگار بخشاینده مهربان

پس از حمد و ثنای خدای تعالی و درود فراوان بر پیامبر مسلمانان حضرت محمد مصطفی (ص)، کتاب حاضر که حاوی اطلاعات مربوط به آثار باستانی و ابنیه تاریخی واقع در قسمتهائی از نواحی جنوبی دریای خزر است بمعرض انتشار و استفاده علاقمندان گذارده می شود.

سراسر خطه گیلان و مازندران و گرگان که از روزگاران قدیم نام دارالمرز بدان داده اند از چند جهت اهمیت تاریخی فراوان دارد:

نخست آنکه از هزاران سال پیش اقوام متمدن آریائی در دشت ها و دره ها و کوهپایه های آن سکونت گزیده آثار هنری و فرهنگی پر ارزنده از خود بجا نهاده اند که گروههای متعدد باستان شناسی ایرانی و غیر ایرانی ضمن کاوشهای ثمربخش خود نهفته های بسیار چشم گیر و مهمی از آنها را پدیدار کرده و مورد بررسیهای علمی قرار داده اند و نمونه های گوناگون زیاد و جالب توجهی از آنها هم اکنون زینت بخش موزه ایران باستان بوده و گواهی بر این حقیقت است .

کشور ما در بزرگ، کانون ریشه های ژرف از تمدن درخشان هخامنشی که نام سرزمینهای شمال غربی و قسمت مهم شمال ایران باستان را در بر داشت طبعاً شامل استانهای کنونی گیلان و مازندران و گرگان هم بوده بدین نظر ارسهمی مشترک از تمدن وسیع و شکوهمند هخامنشی در همین نواحی شالوده گذاری شده است .

دومین عامل برگزیده هنر خطه دارالمرز در شیوه معماری خاص آنها جلوه گری می کند آشنایان به هنرهای معماری اصیل ایران بخوبی وقوف دارند که بطور کلی می توان معماری ایران زمین را بر دو گونه جداگانه مشخص دانست:

گونه ای از آن معماری محلهایی است که محروم از داشتن آب کافی و در وضع اقلیمی مساعد بوده آفتاب درخشان و آب و هوای خشک و گرمای شدید تابستان و سرمای تند زمستان و ثمرات دیگر حاصل از چنین وضعی عمده مواهب طبیعی چنان نقاطی بشمار می رود و در نتیجه چگونگی ساختمانها و اصول معماری اینگونه محلها در خور همانگونه آب و هوا ترتیب یافته است که ابنیه کرانه های کویر و دیگر نقاط مرکزی و خاور ایران نمونه های مشخص تر چنین معماری را می نماید.

گونه دیگر معماری نقاطی که بر اثر آب و هوای مساعد و رطوبت فراوان دارای کشتزارها و باغستانها و جنگلهای بیشتر بوده به پیروی از وضع چنین نقاط پوششها و سقف بندیهای زیبای مسطح و استفاده از ستون و تیر و الوار در پنجره و صندوق خبت و دیگر آثار چوبین در آنها فزونتر انجام گرفته است و مظاهر مختلف چنین معماری را طبعاً می توان در ابنیه و آثار گیلان دریافت.

پیوستگی سنت ها و آداب پیش از اسلام ایران با آنچه در عهد اسلامی و در روزگار کنونی در بسیاری از زیارتگاهها و اماکن متبرک گیلان می گذرد (و از این بابت می توان گفت وجه مشترک شگفت انگیزی با بسیاری از تکیه ها و زیارتگاههای بعضی نواحی دیگر ایران خصوصاً سرزمین یزد دارد) نام برخی از بقاع آن سامان که یادآور دورانهای پیش از اسلام است نوع مخصوصی زیارتگاه که به نام زیارت دستخط شناخته شده است و بسیاری نکات جالب توجه دیگر درباره امامزاده های گیلان و معتقدات مردم آن مرز و بوم در این زمینه عوامل اختصاصی دیگری است که بیش از پیش اهمیت استان گیلان را از جنبه های مختلف تاریخی می نماید و خوانندگان گرامی در مقدمه و متن کتاب توضیح کافی و شایسته درباره هریک از این نکات را در می یابند.

با در نظر گرفتن پهنه وسیع و آبادان نواحی جنوبی دریای خزر و لزوم بررسی و معرفی آثار تاریخی و امکنه باستانی فراوان آن منطقه

پهناور، طبعاً انجام چنین خدمت اساسی با تدوین یک جلد کتاب صورت پذیر نگشت و دانشمند گرامی آقای دکتر منوچهر ستوده استاد محترم تاریخ در دانشگاه تهران و از فرزندان فرزانه شمال ایران که خود عنصری پرشور و آشنا و علاقه‌مند به هرگونه مطالب تاریخی و فرهنگی میهن عزیز هستند گردآوری مطالب مبسوط در این زمینه و تألیف چند کتاب در این باره را با همه دشواریهای آن پذیرا شدند و بدین‌وسیله با همکاری پرارزش خویش در اجرای قسمتی از هدف دیرین انجمن آثار و مفاخر فرهنگی موجبات سپاسگزاری کامل این انجمن را فراهم ساختند و به مناسبت پیشینهٔ تاریخی خطهٔ مورد ذکر نام کلی از آستارا تا استارباد را برای تألیف پرارزش خود برگزیدند که اینک نخستین مجلد آن حاوی بررسیها و دانستنیهای مربوط به بیه‌پس گیلان (نام قسمت غربی گیلان از آستارا تا کرانه سفیدرود که به همین نام از دورانهای بسیار قدیم در کتب و تواریخ معرفی شده است) از نظر دوستداران شیفتگان چنین آثاری می‌گذرد.

باشد که مؤلف دانشمند پرتحرک و کاوشگر ارجمند کتاب در تألیف سایر مجلدات مورد نظر و انجام دنباله خدمت پرثمر خویش نیز زودتر توفیق شایسته یافته خاطر علاقه‌مندان به چنین خدماتی را بیش از پیش خشنود و موجبات امتنان افزونتر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را فراهم فرمایند.

بنده و کرمند

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

فهرست بخشهای کتاب

مقدّمه

خداوندا درِ توفیق بگشای

سه سال پیش که انجمن آثار ملی به فکر افتاد ، اطلاعاتی دربارهٔ آثار باستانی وبناهای تاریخی حاشیهٔ دریای خزر گردآوری وچاپ کند «قرعهٔ فال به نام من دیوانه زدند» ومرا مأمور انجام این کار کردند.

نگارنده در تابستان همان سال به نواحی کوهستانی روی آورد ویکی دوماه در دیلمان وکلارستاق ونوروکجوررولاریجان به گردآوری مطالب وعکس برداری ونقشه کشی وخواندن کتیبه‌ها وسنگهای قبوروقدیمی پرداخت . معلوم شد اگر روزی این کارسامانی پذیرد وآنچه ننوشته‌اند ، نوشته شود ، مثنوی هفتاد من کاغذ شود .

نامه‌ای به انجمن نوشت ویادآورشد که این کاردر زمانی محدود به انجام نخواهد رسید ودرصفحاتی معدود نخواهدگنجید . ریاست هیأت مدیرهٔ انجمن - جناب سپهبد فرج‌الله آقاولی - با گشاده روئی و گشاده دستی ، دست مرا باز گذاشتند و ازقید تنگنای صفحات مقرر ومحدودآزادم کردند. از اینرو به مبدأ وآغاز کار که رودخانهٔ آستارا بود روی آوردم ودره‌های فرعی سمت راست آب را که درخاك ایران است ، یکی پس ازدیگری با پای پیاده پیمودم وبه ثبت وضبط آثار وبناهای تاریخی مشغول شدم . بررسی بخش آستارا پس از یك ماه ونیم به پایان رسید . سپس به نواحی پنجگانهٔ تالش نشین که سابقاً «خمسهٔ طوالش» می‌خواندند . پا گذاشتم وکرگان‌رود واسالم و تالش دولاب وشاندرمن وماسال

راده به‌ده و کوی به کوی رفتم و آنچه بنا و آثار تاریخی‌بود ، از نزدیك دیدم . کنار یکایك رودخانه‌هائی که اثری تاریخی یا گورستانی قدیمی‌داشت ،تاآخرین سرچشمهٔ آب که بر قله‌های رشتهٔ صلی البرز بود ، پیاده یا بر پشت اسبهای راهوارمحلی بالا رفتم وآنچه‌بود ، از نزدیك مطالعه و بررسی کردم .

پس از بخشهای پنجگانهٔ تالش‌نشین ، نوبت به مناطقی که در زمینهای هموار گیلان است ، رسید و بخشهای فومن وشفت و تولم وچهار فریضه و خمام و موازی و کوچسفهان وسنگر ، از زیر چشم گذشت وهرجاآجری برآجری یا سنگی بر سنگی‌گذاشته بودند یادداشت‌کردم .

ازرشت «به‌مرغزاردیلم‌وطرف سفیدرود »آمدم وکهدم‌ورودبار و رحمت‌آباد و عمارلو را روستا به روستا گشتم و آنچه دیدم و شنیدم ، نوشتم ؛ تا این مجموعه فراهم آمد که اکنون به پیشگاه اهل علم و تحقیق عرضه می‌گردد .

دراین سفرها، همواره توفیق رفیق‌راه‌نبود . شرح رویدادها و گرفتاریها نیز در این مختصرجای مناسبی ندارد . همین‌قدر بگویم که برخوردها و سوء ظنها ومحبتهای‌افراد ، درذهن نگارنده،اثری محونشدنی برجای‌گذاشته‌است . یکی پیش‌می‌افتادو به دورترین‌نقطه راهنمائیم می کرد . یکی مرا تعزیه‌خوان می‌دانست . دیگری گنج گیر می‌خواند . چهارمی می‌گفت که برای خریدزیرخاکی آمده است . پنجمی مرا مأمور ادارهٔ اوقاف می‌دید واز کمی زائرونذر ونیاز می‌نالید ، «هر کسی از ظن خود شد یارمن.» دوسه‌بار، کار از گفتگو به‌مجادله ومخاصمه‌کشید ، به‌ژاندارمری محل پناه‌بردم و ازمعرفی نامه‌وسفارش‌نامه‌هائی که انجمن داده بود، استفاده کردم.

گاهی درجوش کارگرفتار بارندگی می‌شدم و ازکاربازمی‌ماندم . یکبار پس از باران خوردن فراوان ، خود را به ماشین رساندم سیلاب داخل اطاق و موتور آن شده بود وهمین امر مرا دوسه‌روز معطل وسر گردان‌کرد.

در سفری که به اتفاق مهندس پرویز فروزی برای نقشه‌برداری به قلعه‌ـ رودخان می‌رفتیم از بالای پلی چوبین که به‌عرض چهل سانتیمتر و به طول سی متر بود ، باسر به داخل آب افتادم و غوطه‌ای چند خوردم . آب در دوربین عکاسی اثر کرد و آن را ازکارانداخت . دفتر بزرگ یادداشت هم روی آب می‌رفت که همراهان وراهنمایان ، آن‌راگرفتند.

گرمای روزهای تابستان ونبودن آب گوارا وحملهٔ حشرات گوناگون‌در شب ، ازگرفتاریهای جانفرسای جلگهٔ گیلان است .

شرح این‌هجران واین خون‌جگر　　　　این زمان بگذار تا وقت دگر

با اینهمه نگارنده‌مدعی نیست کارمطالعه وبررسی خاك گیلان را ازنظر تحقیق آثار وبناهای تاریخی تمام‌کرده‌است . خودمی‌داند که این بررسی، کاری بسیار خام و ابتدائی است . شاید بتوان آن را فهرستی ازمحلهای تاریخی و آثار بازماندهٔ قدیمی دانست . اگر روزی این‌کتاب راهنمائی برای هیأتهای علمی مجهز وباستان شناسان باتجربه شد، آن وقت است که نگارنده اجر و پاداش خودرا یافته است .

بناهای تاریخی گیلان زیاد قدیمی نیست

بارندگیهای فراوان ، هوای بسیار مرطوب و درختان جنگلی متنوع ، آفتهای بزرگ بناهای‌تاریخی ناحیهٔ گیلان بوده‌وهست. خشت درصفحات‌خشك ایران یعنی حاشیهٔ کویرصدها سال دوام می‌آورد. اما آجر وسنگ درصفحات گیلان عمر زیاد ندارد . در اینجا نباید در پی بناهای پانصد ششصد ساله بود ، زیرا کمتر بنائی هرقدرهم‌محکم ساخته شده باشد، می‌تواند درمقابل عوارض جوی و وضع اقلیمی گیلان پایدار و استوار بایستد . در این سرزمین بناهای صد و دویست ساله‌را باید قدیمی دانست و به ثبت و ضبط آن پرداخت . زیرا زمانی نخواهد گذشت که از این‌هانیزاثری برجای نخواهد ماند .

باران و رطوبت دائمی ، مصالح بنا را نرم می کند و می‌پوساند و آنچه

نرم وپوسیده شد،فرومی‌ریزد وبنا به تلی تبدیل می‌شود و چیزی نمی‌گذرد که درختان جنگلی وبوته‌های‌پرخار، روی‌این تپه‌رامی گیرد واثری جز برآمدگی مختصری برجای نمی‌ماند.

عجیب‌تر اینکه بربام بناهائی که برپا هستند، درختان مختلف جنگلی، خصوصاً درخت انجیل می‌روید وریشه‌های قطور و توانای آنها، در میان‌ملاط فرسوده فرومی‌رود وآجر وسنگ را ازملاط جدا می‌کند ویکی پس ازدیگری فرو می‌افتد وبنابدین ترتیب درمدت‌کمی از میان می‌رود.

دسته‌بندی بناهای تاریخی

آب وهوا ووضع اقلیم درطرح ومصالح بناهای تاریخی بسیارمؤثربوده وشکل بناها را دگرگون کرده است، تاجائی‌که هیچگونه شباهتی میان‌بناهای تاریخی منطقهٔ گیلان و بناهای تاریخی سایر نقاط ایران نیست. گاهی، تنها چوب، مصالح‌اصلی بنای مدارس ومساجد است ودوام چوب هم درنقاط مرطوب زیاد نیست. ازگنبدهای کاشی‌کاری‌زیبا وگلدسته‌های بلند مزیّن دراینجانشانی نمی‌یابید. شاید بتوان طرح بناهای تاریخی مناطق خشک تر، نظیررودبار و رحمت‌آباد وعمارلو را همانند سایر مناطق ایران دانست زیرا دراین صفحات گنبدهای‌کاشی‌کاری و تزئینات بیشتری دربناها دیده می‌شود. اما روی‌هم‌رفته طرح بناهای تاریخی گیلان بسیار ساده است وخارج ازشکل مربع یا مستطیل نیست. بناهای تاریخی سرزمین گیلان را می‌توان به‌ترتیب زیردسته‌بندی کرد: مدرسه‌ها ـ مسجدها ـ امامزاده‌ها و بقعه‌ها و آستانه‌ها و تربت‌ها، شامل قبور امامزادگان، شیوخ، پیران، درویشان، میران، بابایان،(۱) شاهان(۲) سلطانان (۳)، ـ مقابر بزرگان وسران قوم ـ چله‌خانه‌ها ـ خانقاهها ـ تکیه‌ها ـ کاروانسراها ـ حمامها ـ بازارها ـ شهرهای قدیمی‌مثل کوراب‌گسکر ـ خانه‌های قدیمی بزرگان ـ بناهای دولتی نظیر: دارالحکومه، باستیان، توپخانه ـ

۱ـ۲ـ۳ـ بابا وشاه وسلطان از القاب وعناوین اقطاب وبزرگان‌متصوفه است

قلعه‌ها ـ قلعه کل‌ها[1] ـ پلها ـ مناره‌ها ـ راهها نظیر راه شاه‌عباسی ـ گورستانهای قدیمی که به قبور گبری معروفند.

در بیه‌پس و بیه پیش گیلان به شش «زیارت دستخط» برخوردم که شاید نظیر آنها را در سایر نقاط ایران نتوان یافت. در این گونه زیارتها، قرآنی عظیم، مجدول و مطلا با خطی خوش، در جعبه‌ای نگهداری می‌شده است. برای این جعبه صندوقی ساخته‌اند و آن را مانند مرقد راه یافتگان به حق، زیارت می‌کنند در دوزیارتگاه، قرآن درجعبه‌ای بود وجعبه در بنائی چوبین وبلند که زائران بدان دسترسی نداشتندواز پائین، دیوارو پایه‌های بنا را زیارت می‌کردند. می‌گویند این قرآنها به خط علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و یکی دو تن از ائمهٔ اطهار سلام‌الله علیهماست. درصیقلان تولم برای این گونه قرآن مسجدی ساخته‌اند و به نام «مسجد آقا پیله قرآن» یعنی «مسجد آقا قرآن بزرگ» می‌خوانند. قرآن نه‌منی چماچری شفت که به اعتقاد مردم آن سامان یك برگ آن نه‌من وتمام اوراق و جلد آن نیز نه‌من است، امامزاده نعمان که امروز «شاهزاده احمد» می‌خوانند، به وجود آورده است. به قرآنی که در «زیارت دستخط» کیجای کهدم است، کامران میرزا کهدمی قسم یاد کرد که به جمشیدخان وفادار باشد، اما جز خیانت به او نکرد.[2] قرآنی که در «زیادت دستخط» گشت فومن بوده، به یغما رفته است و امروز قرآنی چاپی به جای آن نهاده‌اند.

درخط بیه‌پس گیلان، کمتر به بناهای هشت ضلعی یا شش ضلعی برخوردم، فقط بنای بقعهٔ عون بن محمد بن علی علیه‌السلام و حرم بقعهٔ خواهر امام درشهر رشت و حرم بقعهٔ امامزاده قاسم درچولاب کوچسفهان و مقبرهٔ زرین تاج در گورستان منجیل به شکل هشت ضلعی بناشده است.

---

۱ ـ کل بضم کاف درزبان گیلکی به‌معنی «تپه» است. بیشتر این تپه‌ها خاکریزهای دستی است که بعداً بربالای آن قلعه ساخته‌اند.

(۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی چاپ نگارنده ص ۷۰.

قسمتهای مختلف بندی مساجدی که در شهرها وجود دارد از این قرار است :

قسمت اصلی مسجد که معمولاً مردان در آنجا اجتماع می کنند ـ غرفهٔ زنانه ـ حوضخانه که مرکز تطهیر و تجدید وضو است ـ انبار ـ کفش کن. در بعضی مساجد اطاقی برای خادم نیز بنا کرده‌اند.

نگارنده در هریك از این بناها ، آنچه قبلا ذکر بود ، در کتاب حاضر یادآور شد چگونگی بنارا شرح داد و تزئینات خارجی وداخلی آن را نگاشت. اگر طرح بندئی تازه بود واختلافی با سایر ابنیه داشت ، نقشهٔ آن را رسم کرد. صندوق وضریح را اندازه گرفت و نوع چوب و کنده کاری و مشبك کاری وقاب و گرهٔ هریك را نوشت . علمها و توغهای بقعه‌هارا عکس برداشت و تکایك آنها را شرح داد . آداب علم بندی وعلم واچینی وروزهای آنها را درهر امامزاده یادداشت کرد. اگر به‌رسمی عجیب یاسنتی غریب، در این محلهای متبرك برخورد، یادآور شد. درختهای عظیم هر بقعه‌را اندازه گیری کرد . مطالب سنگ قبرها و نشانه‌ها ونقوش روی آنها را نقل نمود و تا آنجا که مقدور بود، به گردآوری مطالب مختلف که درمتن کارنبود، دست‌زد ، زیرادست یافتن به‌بیشتر این بناهای دور ـ افتاده ، برای همه کس میسر ومقدور نیست .

در امامزاده‌ها چه می گذرد؟

بیشتر مردم ده‌نشین گیلان تا امروز درمرحلهٔ پرستش «توتم» هستند در گیلان مثلی سایر است که «هرجا پیله‌پیله داره ـ اونجه گیلکان مزاره» یعنی هرجا درختان بزرگ وتنومند است ، آنجا پرستشگاه و زیارتگاه گیلکهاست. تا امروز درختان بزرگ جنگل، مثل بلوط و آزاد، دردشت ودرختان زبان‌گنجشك و انواع سرو کوهی درکوهستان ، مورد تعظیم وتکریم اهالی است. اطراف آنها چراغ روشن می کنند و شمع می‌افروزند و بـه شاخه‌هـای نازك آنها دخیل

می‌بندند و آنها را به نام «آقدار» و «آقاسور» و«آقا رییس» و نظایر آنها می‌خوانند.

همین درختان با گذشت زمان به امامزاده تبدیل می‌شوند و در ظرف پنجاه سال اخیر، در حدود ده درخت که رابینو در کتاب گیلان خود به نام «مزار» خوانده و در زمان وی جز درختی تنومند چیزی دیگر نبوده است، امروز کنار آنها بنائی ساخته‌اند و به نام امامزاده حسن و امامزاده ابراهیم و نظائر آنها نامگذاری کرده‌اند(۱).

در نقاط کوهستانی، کوهی عظیم یا قله‌ای بلند و نوک‌تیز نظر ساکنان را به‌خود کشیده و محل متبرک برای ایشان شده است. بر بالای این قلل معمولاً بنائی می‌سازند و نام امامزاده بر آن می‌گذارند و نذر و نیاز خودرا بدانجا می‌برند. گالشان که از قشلاق به ییلاق می‌روند، شیر یك روز گاوان یا گوسفندان خودرا به این امامزاده‌ها می‌بخشند تا در طول تابستان گله‌های ایشان گرفتار ناخوشیهای گوناگون نشود. در سراسر تابستان نیز چند سر از این جانداران را به امامزاده می‌آورند و قربانی می‌کنند و گوشت آنها را به زائران یا متولی می‌دهند.

در بعضی از این بقاع هنوز سنن و رسوم هزاران سال پیش گیلان بدون تغییر و تبدیل دیده می‌شود. معمولاً روز زوّار کشی(۲)، بازاری محلی در این بقاع بر پا می‌شود. فروشندگان متاع خودرا از دورترین نقطه بدینجا می‌آورند و خریداران، نوترین و بهترین لباسها را می‌پوشند و روی به این نقاط یا قله‌های دورافتاده می‌کنند. در آنجا نه‌تنها اجناس و کالاهای موردنیاز زندگی روزمرّه خریدوفروش می‌شود، بلکه بالاترین سرمایهٔ آدمیان که عشق و محبت است نیز بازاری گرم و رایج دارد. دختران دم بخت با چهره‌های گلگون و قامتهای رسا، لباسهای زیبا و رنگارنگ محلی را به‌تن کرده و از عصر روز پیش به‌زیارت می‌آیند.

---

(۱) نگارنده درمتن به‌پاره‌ای از اینها اشاره کرد.

(۲) روزهای معینی از سال را مردم به‌زیارت امامزادهٔ معینی می‌روند و آن روز را روز زوار کشی آن امامزاده می‌خوانند.

پسران نیز سروصورت می‌آرایند وچموش پاتاوه (۱) می کنند و پیاده یا برپشت اسب ، خود رابه امامزاده می‌رسانند . گاهی از یك دهکده ، درحدود بیست نفر پسر ودختر باهم به‌راه می‌افتند و اگر تاریکی فرارسد وشب‌هنگام به زیارت امامزاده نرسند، برسرچشمه‌ای یاروی چمنزاری به‌زیارت یکدیگرمی‌رسند .

«چه خوش بودکه برآید به‌یك کرشمه دوکار» مقدسی که درسال ۳۷۵ قمری(۲) خودشاهد وناظر رسمی ، همانندآداب کنونی بوده است می‌نویسد :«ولهم اسواق علی‌ایام‌الجمعة فی‌السهل ، لکل قریة‌یوم ، فاذافرغوا انحازالرجال والنساء الی معزل یتصارعون فیه ورجل جالس‌معه حبل . کل من غلب‌عقدله عقده.فاذاهوی الرجل امرأة راح معها ، فیتلقاه اهلها بالبشر والترحیب ویتباهون به اذارغب فی کرمهم ، فیضیفونه ثلاثه ایام ، ثم ینادی المنادی بعده. اجتمع معها اسبوعا فی‌عمارة له بمعزل فیجتمعون ویختطون .» یعنی (ساکنان دیلم) روزهای‌جمعه در اراضی‌هموار ساحلی بازارهائی‌دارند . درهردهکده روزی معین ، این‌بازار برپامی‌شود. چون خریدوفروش بپایان رسد، مردان وزنان برای کشتی گیری درگوشه‌ای جمع می‌شوند. مردی در آنجا نشسته وطنابی دردست دارد . برای کسی که درکشتی غالب شود ، گرهی به این طناب می‌زند . اگر مردی زنی را بخواهد به او می‌رود. منسوبان زن این عمل را خوب می‌دانند وباگشاده‌روئی تلقی می‌کنندواگر به‌باغ‌ایشان بروند مباهات ومفاخره‌می کنند. سه‌روز ایشان را مهمان می‌کنند . پس از آنکه یك‌هفته مرد با زن درعمارتی که درخلوت‌گاه است گذراند جارچی جار می‌زند ، مردم گرد می‌آیند وبرای ایشان خانه می‌سازند .

---

(۱) چموش کفشهای‌چرمی گیلان و پاتاوه مچ پیچ ها مدی‌است‌که به ساق پامی‌پیچند .

(۲) شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابوبکرالبنا الشانی‌المقدسی‌البشاری‌متولد سال ۳۳۵ قمری کتاب « احسن‌التقاسیم فی معرفة لاقالیم » خودرا در سال ۳۷۵ قمری از مسوده پاکنویس کرد ودر سال ۳۷۸ تجدید نظر کرد .

یکی از طوایف ژرمنی که در دامنه‌های آلپ درقسمت آلمان نشین سوئیس زندگی می‌کنند نظیر این سنت را دارند ومعتقدند که هرکس بالاتر ازارتفاع معینی از این کوه گناهی مرتکب شود، خدای بزرگ اورا می‌بخشد ودرنامهٔ اعمال‌از آن یاد نمی‌کند. دختران وپسران، دست در دست خودرا، کشان کشان به‌بالای این کوه میرسانند و کام دل از یکدیگرمی‌گیرند. آیا منشأ این رسم وسنّت همانندکه در دوگوشهٔ مختلف جهان است می‌توانند یکی باشد؟

امامزاده‌های دور افتاده، بیمارستان و داروخانهٔ ساکنان دهکده های اطراف است. مردم دورافتاده از پزشك ودارو، درمان هرگونه مرض خودرا از این امامزاده‌ها می‌خواهند. تور وکبچی(۱) وزگیل دار ومسلول و کور و افلیج وکسانی که‌گرفتار انواع امراض جلدی هستند، همه به این امامزاده‌ها پناه می‌آورند. هریك نیازی می‌آورد ومتوسّل به یکی از این امامزاده ها می‌شود وشفای خودرا از او می‌جوید. معتقدند‌گی پاره ای از این امامزاده، شفابخش همه‌گونه ناخوشیها است. گذشته ازآدمیان، امراض گاو وگوسفند وچهارپایان بارکش را نیز معالجه می‌کند. زنان نازا، تخم مرغی‌را تزئین می‌کنند و دور آن را با ابریشم می‌بافند و به درو دیوار امامزاده می‌آویزند تابچه‌دار شوند.

درپاره‌ای ازامامزاده‌ها سنگهائی به‌اشکال عجیب است که درآنهاچاله‌های کوچکی است. آب درآنها می‌ریزند و با سنگ کوچك دیگری می‌سایند ومایعی به رنگ شیر به‌دست می‌آید، برای بیماران می‌برند تا بخورند وشفا یابند و برای تندرستان می‌برند تا بخورند و گرفتار امراض نشوند. روی صندوق‌اغلب امامزاده‌ها، فسیلهای گوناگون‌متعلق به‌ادوار مختلف زمین‌شناسی دیده شد.

برای پاره‌ای از امامزاده‌ها، زائران از پیر وجوان و بزرگ وکوچك،

---

۱ تور در گیلکی به‌معنی‌خل ودیوانه‌است وکبچی به کسی گویند که عضلات صورت او به‌علتی منقبض شده و دهانش را کج کرده است.

شاخهٔ کوچکی از کیش (= شمشاد جنگلی) از اطراف خانهٔ خود یا از سر راه به دست می‌گیرند و به‌عنوان «برگ سبزی» به امامزاده می‌آورند و به نردهٔ ایوان آن می‌زنند یا روی صندوق می‌گذارند(۱).

هدایائی که به‌عنوان نیاز به امامزاده‌ها داده می‌شود، عبارت از پول نقد، انواع پارچه‌های رنگین یا سیاه، نخی یا ابریشمی، نفت، شمع، ابریشم کلاف شده، شیر، قربانی و نظیر آنهاست.

در بیشتر امامزاده‌ها، شاخ گوزن (= گنج گاو) بر درختان حیاط، یا در ایوان یا داخل حرم بر دیوار است. بر پاره‌ای از صندوقها، شاخ گوزن یکی دوساله نیز دیده شد. در کوهستانهای بی‌درخت و بی‌جنگل که مرکز زندگی این حیوان نیست، شاخ بز کوهی همین اهمیت و احترام را دارد. در حفاریها و کندوکاوهائی که در گورستانهای مختلف این صفحات کرده‌اند، مجسمهٔ سفالی و فلزی گوزن بدست آمده است. ظاهراً این حیوان، از قدیم‌الایام در این سرزمین مورد تکریم بوده است.

علم ـ علم بندی ـ علم واچینی

بیشتر امامزادگان علمی مخصوص دارند. از ستونهای جلو ایوان امامزاده، دوستون را مزین و منقش می‌کنند و دو چوب منقش افقی بر بالای بدنهٔ آنها می‌کوبند و چوب چهار پنج متری کنده‌کاری شدهٔ علم را روی آنها قرار می‌دهند.

در بیشتر بقعه‌ها، روز اول محرم، مراسم علم بندی برپا می‌شود. غذای مفصلی تهیه می‌کنند و سینه‌زنان پس از سینه‌زدن، چوب علم را می‌آورند و عده‌ای به خانهٔ متولی می‌روند و پنجهٔ علم و بقچه هائی که در آنها انواع پارچه‌

۱ـ یك هفته قبل از جشن برخاستن مسیح از مردگان که روز یکشنبه برپا می‌شود، ارامنه در کلیسا جمع می‌شوند و کشیش شاخه‌های شمشاد را که بر آنها دعا خوانده است به دست حاضران می‌دهد. ایشان شاخه‌های شمشاد را به خانه می‌آورند و در اطاق خود می‌گذارند تا خشك شود.

های رنگین قیمتی است می آورند . پنجه را برسر چوب علم نصب می کنند و پارچه را یکی پس از دیگری برچوب علم گره می‌زنند. علم از لاغری بیرون می‌آید وهیکل قطور وتنومندی پیدا می‌کند . بعدآن را درجلودر ورودی بقعه به‌یکی‌ازستونها می‌بندند. درطول دههٔ محرم ، علم نیز درآداب ورسوم عزاداری شرکت‌داده می‌شود وهر کس پارچه‌ای نذرآن کرده است می‌آورد وروی‌سایر پارچه‌ها می‌بندد .

سرانجام روز علم واچینی می‌رسد . معمولاً علم را روز سوم امام یعنی سیزدهم‌محرم ، یاروز قتل امام‌حسن که روز بیست‌وهشتم صفر است وامی‌چینند. واچیدن نیز نظیر علم بستن آدابی دارد . غذائی آماده می کنند ، سینه ای می‌زنند و پارچه‌هارا یکی پس ازدیگری ازچوبهٔ علم باز می‌کنند ودربقچه ها می‌گذارند و به خانهٔ متولی می‌برند .

در بعضی امامزاده‌ها ، واچیدن علم را به سرخرمن ودوران چیدن برنج می‌گذارند . ظاهراً گرفتاری واشتغال رعایا را سبب نگهداری علم تا این وقت می‌دانند . ولی احتمال می‌توان دادکه در ایام گذشته در این موقع جشنی نظیر جشن محصول برداری فرنگیان(۱) در این صفحات معمول بوده است ، به این سبب علم را تا آن‌وقت نگه می‌دارند تا در مراسم محصول برداری نیزشرکت داده باشند .

این‌گونه علمهارا نگارنده هرجا دید، توصیف کرد واگرمشخصاتی داشت عکسبرداری نمود و در کتاب نشان داد ، علم قدیمی بقعهٔ آقا سید زکریا ، در بسته دیم خشت‌بجارخمام وعلم مسجد جامع امشه ، در امشهٔ سنگر و علم بقعهٔ آقاسید مهدی ، در استلک لشتنشاه وعلم‌بقعهٔ سیدعلی‌کیا ، در اژدها بلوچ‌لشتنشاه که بیشتر شباهت به توغ دارد از علمهای ظریف و دیدنی است .

۱ــ این جشن را به انگلیسی « Thanks giving day » می‌خوانند .

قدمت بناهای تاریخی بیه پس گیلان تا چه پایه است؟

مراکز اصلی تمدن گیلان را باید در دامنهٔ ارتفاعات رشتهٔ البرز، یا بر بالای تپه‌های دستی یا طبیعی حوالی جلگهٔ گیلان جستجو کرد. این تپه‌ها که نظیر آنها در مازندران و گرگان نیز فراوان است، به‌نام «قلعه‌کل» خوانده می‌شوند. امروز از قلعه هائی که براین بلندیها بوده است، نشانی نیست. درختان و علفهای بلند جنگلی یکسره روی این تپه‌هارا پوشانده و هیچگونه نشانی از نهفته های درون آنها پدیدار نیست. نگارنده یکایک این تپه ها را که از نزدیك مشاهده کرد، شرح داد و نام عده‌ای از آنهارا با ذکر محل آنها، در فهرستهای آخر هرفصل آورد.

یك دسته از بناها هیچگونه تاریخی ندارد، ولی سبك بنا حکایت از گذشته‌ای بسیار دور می کند. از آنها می‌توان اسپیه مزگت کیش خالهٔ دیناچال وقلعهٔ لیسار را درنومندان لیسار نام برد. از این‌دو بنا که بگذریم، سایر بناها که تاریخی درآنها دیده شد از این قرار است:

۱ـ بقعهٔ تاج‌الدین محمود خیوی درلمیرمحلهٔ آستارا	۷۳۲	قمری
۲ـ بقعهٔ سید امیر کیا — مدفن جانبازبن شرف‌الدوله	۸۲۷	«
۳ـ تاریخ وقفنامهٔ قرآنی که‌پری‌سلطان دختر سلطان محمدخان وقف بقعهٔ سیدعلی‌کیاکرده وفعلا دربقعهٔ فیلده است	۹۰۱	«
۴ـ تجدید بنای قلعه رودخان به امر حسام‌الدین بن امیره دباج بن امیره علاءالدین اسحقی	۹۱۸	«
۵ـ سنگ قبر میرزا محمدبن قبادجان در بقعهٔ پیر قطب‌الدین نزدیك دهکدهٔ باغچه سرای آستارا	۹۴۲	«
۶ـ اتمام بنای‌بقعهٔ آکاشاه‌دررودبر دهٔ سنگر	۹۲۵	«
۷ـ تاریخ اتمام صندوق سلیمان داراب در ذی‌الحجهٔ	۹۵۳	«
۸ـ اتمام بنای بقعهٔ عون‌بن‌محمدبن علی علیه السلام در ماسوله		

به سعی ملك خلیل بن خبر بیك	۹۶۹	قمری
۹ـ سنگ قبری در بقعهٔ سلطان سید حاجی محمود مرندی	۹۸۴	«
۱۰ـ سنگ قبر بدیع‌الزمان میرزا دربقعهٔ فیلده پنجم شهر جمادی‌الاولی	۹۸۶	«
۱۱ـ سنگ قبر ملك ابوالقاسم دربقعهٔ سلطان سیدحاجی محمود مرندی	۹۹۵	«
۱۲ـ سنگ قبر تراه خانم دختر بوح عمی تبریزی در بقعهٔ عون بن محمدبن علی علیه السلام	۹۹۵	«
۱۴ـ سنگ قبر هاشم بیك‌بن میرم بیك دربقعهٔ عون‌بن محمدبن علی علیه لسلام در ذی‌القعده	۹۹۷	«
۱۴ـ بنای گنبد سلطان سید حاجی محمود مرندی به دستور امیره تی‌تی دختر سلطان محمدخان درهشتم ماه رجب	۹۹۸	«
۱۵ـ سنگ قبـر مریم دختر میر خلیل متولی در بقعهٔ عون بن محمدبن علی علیه‌السلام	۱۰۰۴	«
۱۶ـکتیبهٔ صندوق سید ابوجعفر درشهر رشت که‌امروز ازمیان رفته است	۱۰۰۹	«
۱۷ـ تاریخ اتمام ضریح مشبّك عون‌بن محمد بن عمی علیه‌السلام در ماسوله	۱۰۱۵	«
۱۸ـ سنگ‌قبر بی‌بی رحمت دختر‌حاجی هادی ملکی دردهکدهٔ خشت مسجد کوچسفهان درماه ربیع‌الاول	۱۰۲۳	«
۱۹ـ سنگ‌قبر شاه منصور بن شاه ملك آقا دربقعهٔ فیلده‌دربیست‌و یکم‌محرم‌الحرام	۱۰۲۹	«
۲۰ـ سنگ قبر محمد بدیع‌بن محمد اسماعیل در بقعهٔ عون‌بن محمدبن علی‌علیه‌السلام‌درماسوله	۱۰۵۲	«

۲۱– بنای سردر ساقی مزار درجورشر لشتنشاه ۱۰۵۵ قمری

۲۲– سنگ قبر محمدعلی بن محمدامین زاویه در بقعهٔ سلطان حاجی سیدمحمود مرندی درحرزویل ۱۰۵۷ «

۲۳– سنگ قبری بردیواردرورودی بقعهٔ عون‌بن‌محمد بن علی علیه‌السلام درماسوله ۱۰۶۰ «

۲۴– تاریخ محجرشبکه‌ای امامزاده شفیع‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ قشلاق‌نشین امامزاده شفیع‌شاندرمن ۱۰۷۳ «

۲۵– سنگ قبر میرزا رحیم خان ولد میرزا کبیرخان در بقعهٔ فیلده در تاریخ شنبهٔ بیستم شهرربیع‌الاول ۱۰۸۰ «

۲۶– تاریخ بنای دروازهٔ‌حرزویل ۱۰۹۰ «

۲۷– تاریخ بنای مسجد صاحب‌الزمان درماسوله ۱۱۱۷ «

۲۸– سنگ قبر آقا محمد زکی‌بن محمد قاسم در بقعهٔ عون بن محمد بن علی علیه‌السلام در تاریخ بیستم شهر ربیع الاول ۱۱۶۷ «

۲۹– فرمان تولیت تربت‌قوشه‌جددرتنگ دی ذول گیلان هشتپر مورخ ۱۱۷۱ «

۳۰– تاریخ وقفنامهٔ قرآنی که‌میرقاسم‌فیلدهی بربقعهٔ فیلده‌وقف کرده است. ۱۱۹۴ «

۳۱– سنگ قبر محمد حسن‌خان ولدحاجی معصوم کسمائی در رجب ۱۱۹۵ «

۳۲– تاریخ بنای گلدستهٔ مسجد ساغری سازان درشهر رشت ۱۲۰۴ «

۳۳– سنگ تاریخی بنای مسجد جامع جورشر لشتنشاه‌مورخ ۱۲۰۶ «

۳۴– تاریخ‌اتمام‌صندوق میرشاه محمود در دهکدهٔ شیخان گفشهٔ لشتنشاه ۱۲۴۰ «

۳۵– تاریخ بنای محراب مسجد مستوفی در شهر رشت ۱۲۴۲ «

۳۶ـ تاریخ اتمام در دولتی بقعهٔ سید عباس و سید اسماعیل در
محلهٔ ساغری سازان شهر رشت ۱۲۴۳ قمری
۳۷ـ سنگ قبر کلثوم دختر میرقاسم در بقعهٔ فیلده ۱۲۵۰ «
۳۸ـ تاریخ سنگ لعنت نامه‌ای در بقعهٔ سیداحمد در کبلوای
کوچسفهان ۱۲۵۵ «
۳۹ـ تاریخ فرمان ناصرالدین شاه بر کتیبه‌ای سنگی در بقعهٔ
خواهرامام درشهر رشت ۱۲۷۲ «
۴۰ـ تاریخ بنای بقعهٔ سید قاسم بن موسی الکاظم علیه السلام در
دهکدهٔ چولاب کوچسفهان ۱۲۸۲ «

تواریخ دیگری مؤخر بر سال ۱۲۸۲ که در بناها دیده شد، در این کتاب آمده است ، از آنجا که زمان زیادی بر آنها نگذشته است در این مقدمه یادآور نشدیم.

نام تعدادی از بقاع یادآور دورانی است که هنوز دین مبین اسلام در کوه ودشت گیلان رواجی نداشته است. نامهای بقاع زیر را می توان جزء این گروه دانست:

۱ـ مزار لاله‌شوی درشهر رشت که ظاهراً بقعهٔ خواهرامام بجای آن بنا شده است . ۲ ـ ساقی مزار در جورشر لشتنشاه که محل قدیمی بقعهٔ آقا سید محمدرضاست. ۳ـ بقعهٔ دوالکوه برمرز آلیان وتنیان ۴ ـ سلطان برزکوه بر سامان اسالم وتالش دولاب . ۵ کلی لرز درخشا بر تالش دولاب ییلاقی ۶ ـ بابا بلندی دردو فرسخی لمیرمحلهٔ آستارا . ۷ـ بابامرزی در کناررودخانه ویزنه ۸ـ آکاش[1] دررودبردهٔ سنگر ونظایر آنها .

توضیحی دربارهٔ بقاع متبرک گیلان

پیش از اینکه شاه عباس اول بفکر برانداختن خان احمد خان بیفتد

۱ـ درمتن کتاب احتمال دادیم که این نام با «عکاشه» ارتباط دارد .

وطرحی برای‌ازمیان برداشتن بازماندگان خاندان اسحقی وتجاسبی واوزوند و حانمی وسایر امرای محلی گیلان بریزد، بیشتر اهالی گیلان زیدی مذهب بودند. بازماندگان اسماعیلیان نیز تااین تاریخ در صفحات دیلمان و رودبار دیده می‌شدند ولی هیچگاه قدرت زیادی به‌دست نیاورده و مرکز فرمانروائی برای خود نساخته‌اند .

شرط امامت در مذهب زیدبن علی علیه‌السلام خروج بالسیف و داشتن خصایل خمسه است. هرکس که شمشیرمی کشید وتسلط می‌یافت وخصایل‌خمسه دراوجمع بود ، مفترض‌الطاعه و نافذ الحکم بود . سـکنان خاك بیه پیش‌گیلان ، پیش از زمان سیدعلی‌کیا، مذهب زیدی داشتند . هنگامی که او از تنکابن به لاهیجان آمد «فقها وصلحا وداعیان شرع شریف ومفتیان دین حنیف، مجموع، مقدم شریف آن حضرت‌را مغتنم شمردند و بیعت کردند و امام و مقتدای خود دانستند ومجموع بر آن قائل شدند که آنچه‌شرط امامت است درمذهب‌زیدبن علی علیه‌السلام که خصایل خمسه است، دراو موجود است.»[1] عده‌ای از بقاع متبرك امروز، مقابر اولاد واحفاد این گونه امامان است .

پس ازتسلط صفویان، بازار صوفیان صافی و شیعیان دوازده امامی‌رواج پیدا کرد. اینان نیز به‌بقاع امامزادگانی که‌مورد علاقه‌شان بود، توجه کردند و برای آنها صندوق وضریح ساختند و در مواردی چند نیز قبور فرستادگان یاامرای لشکر ایشان‌که درخاك گیلان چشم‌ازجهان فرو بسته، یابه‌دست سران محلی‌کشته شده‌اند، زیارتگاه عمومی شد .

درهمین‌ایام، تعدادی از مزارهای قدیمی که مورد علاقهٔ مردم‌گیلان‌بود، با تغییر اسم و انتساب به یکی ازسادات، زیارتگاه شیعیان گردید . از اینها می‌توان مزارجانبازبن شرف‌الدوله را یادآور شد که به‌نام سیدامیرکیا خوانده شده است .

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ص ۴۱ .

به‌احتمال قوی، زیارتگاههائی که به نام «زیارتگاه دستخط ائمهٔ اطهار» شهرت دارد ، نیز در همین تاریخ به‌وجود آمده است .

توضیح بیشتر دربارهٔ پیدایش امامزاده‌ها و زیارتگاهها ، خصوصاً آنچه مربوط به پس ازدوران صفویان است از حوصله وهدف این‌مقدمه بیرون‌است .

هنر اسلامی دربیه‌پس گیلان پیشینهٔ چندانی ندارد

سنگ ظریف تنها بنای قدیمی بخش آستارا یعنی بقعهٔ شیخ تاج‌الدین محمود خیوی ، به‌دست استادشرف‌الدین عثمان‌بن‌جمال شیرازی‌حك شده‌است. سنگ‌مرمرقبر میرزا محمدبن قبادجان مورخ ۹۴۲ که دربقعهٔ پیرقطب‌الدین دردهکدهٔ باغچه‌سرای آستارا است،نظیرسنگ مرمرهائی است که دربقعهٔ عون بن محمدبن علی علیه‌السلام درماسوله وبقعهٔ فیلده رودبار وبقعهٔ سلطان حاجی سید محمود مرندی درحرزویل‌نیزدیده شده است . این‌سنگها که تعداد آنها به تعداد انگشتان‌دودست نمی‌رسد ، متعلق به‌خارج خاك‌بیه‌پس گیلان‌است. یعنی در آذربایجان و زنجان وقزوین حك کرده و بدین نقاط آورده‌اند . زیرا در صفحات نامبرده این گونه سنگها فراوان است و معدن آن هم در آن سرزمینهاست .

پای که ازبخش آستارابیرون گذاریم ، به‌پنج ناحیهٔ تالش‌نشین‌می‌رسیم. پایهٔ زندگی و امرارمعاش تالشان تا امروز هم گله‌داری است . ایشان برای گیاهخوار وعلف‌چر، شش‌ماه‌ازسال‌رادردشت وشش‌ماه دیگررادر کوه‌می‌گذرانند و کمتر متوجه آثار هنری یا معماری بوده‌اند. اگر «اسپیه‌مزگت» رادر کیش خالهٔ دیناچال ندیده انگاریم، هیچگونه اثرمعماری قابل ذکر دراین‌پنج‌بخش نیست .آگاهی‌ما از«اسپیه‌مزگت» نیزنارساست. زیرا ازنام بانی ومباشرومعمار آن خبری نداریم‌ونمی‌دانیم که این اثر هنری زادهٔ ذوق و استعدادچه کسانی است . چون تالشان رادرسایر شاخه‌های هنری ضعیف می‌بینیم نمی‌توانیم یقین داشته باشیم که طرح و تزئین این مسجد را ذوق و استعداد تالشان به وجود

آورده باشد.

ازمنبت‌کاری ومشبك سازی، آثار هنری زیادی درگیلان بیه‌پس دیده نشد. عجیب‌ترین کارچوب‌تراشی را دربقعهٔ محمودشاه دینوری وظریف‌ترین حك‌را بر صندوق سلیمان داراب ودرورودی بقعهٔ سیدعباس وسید اسماعیل در شهر رشت می‌توان دید. مشبك‌کاری بقعهٔ پیرشرفشاه ومادرش وبقعهٔ جورشرلشتنشاه در بقعهٔ سلطان غریب بنده نیز قابل ذکر است.

گچ‌بریهای ظریف وپرکار، دربیه‌پس گیلان دیده نمی‌شود. گچ‌بریهای خانهٔ سردار ومسجد صفی ومسجد حاجی صمدخان ظاهراً کار یك استاد یا بـه تقلید یکدیگر کارشده‌است. این گچ‌بریها، درشت، اما خالی ازعظمت و ابهت نیست. گچ‌بری تالاردوتخت خوابی منزل‌سردار و گچ‌بریهای تالار منزل‌میرزاعلی‌آقا مقیمی،ظریف وقابل‌ذکر است.

نقاشیهای رنگ‌وروغن سقف‌تالار دوتخت‌خوابی منزل سردار ونقاشیهای سقف ورفهای منزل سید اسماعیل حسینی ضیابری دررشت، ازنقاشیهای خوب دوران قاجاری است. این‌نکته نیز ناگفته نماند که خانه‌های زیبای مسکونی شهررشت به‌دست اهالی بنا نشده‌است وچنانکه‌صاحبان‌آنها اظهار می کردند، بنایان و نجاران و نقاشان آنها اهل‌اصفهان‌وتهران بوده‌اند.

کاشی‌سازی دراواخردوران‌قاجار، درشهررشت رونقی‌داشت وحاجی‌یوسف ودوپسرش به ساختن انواع کاشی دست زده‌انداماهیچیك دراین صنعت، هنری نشان نداده‌اند.

ازترس اطالهٔ کلام، سخن را بدین‌جا ختم می‌کند و دنبالهٔ این بحث را درمقدمهٔ مجلد دیگر که دربارهٔ آثار وبناهای تاریخی بیه‌پیش‌گیلان‌است،ادامه خواهد داد. زیراپس ازاتمام‌قسمت دوم‌این کتاب، تمام‌آثار وبناهای تاریخی‌خاك گیلان مطالعه وبررسی شده است. آنوقت است که می‌توان به دقت قضاوت و اظهارنظر،اطمینان بیشتری‌داشت.از خدای‌بزرگ‌برای آغازوپایان‌مجلددیگر یاری می‌جوید.

اکنون که کار مقدمه را به خاتمه رساند، ذکر نام کسانی که در تنظیم و چاپ این کتاب سهمی دارند و نگارنده مدیون ایشان است بسیار بجاست. از رفتگان باید نام رابینو را یاد کنم که کتاب گیلان او، راهنمای کار مطالعهٔ این ناچیز بوده است. خدایش بیامرزد و قرین رحمت خویش گرداند. از کسانی که درقید حیات هستند و إن شاءالله سالیان سال زنده و کامیاب باشند، آقای عبدالرحمن عمادی است که آنچه یادداشت دربارهٔ بناهای تاریخی گیلان داشتند، در عین صفا و گشاده‌روئی در اختیار من گذاشتند. آقای پرویز عمواوغلی فرماندار و معاون استانداری گیلان با سفارشهای متعدد، راه مطالعه مرا گشودند. آقای اتامعلی خان ماسالی اطلاعات پرارجی از ماسال و مناطق دیگر تالش نشین دادند. آقای حسین معارف دوست همراه و همپای من درخاك تالش دولاب وچهارفریضه بودند. آقای امیر کاشفی درکوه ودشت با این بنده همگام بودند وعکسهای این کتاب را ایشان تهیه کردند. بسیاری کسان دیگر هستند که به طریقی اینجانب رایاری ودستگیری کردند نام ایشان را در این مقدمه نیاورده‌ام اما بار دین ایشان را همواره بردوش خود احساس می‌کنم. از یکایك کسانی که نام ایشان ذکر شده است ودیگران را که نام نبردم برای همیشه ممنون وشکرگزارخواهم بود.

بسیار مفتخر و مباهی هستم که هیأت محترم مؤسسین انجمن آثار ملی میان کسان بسیار مرا برگزیدند ومرا مأمور انجام این کار کردند. لطف و مرحمت ایشان شامل حال این بنده بوده و احسانشان چون کمندی برگردن من است.

از کارکنان چاپخانهٔ تابان خصوصاً آقای ملکی بسیارمتشکر وممنونم که درکارچاپ این کتاب منتهای دقت را کرده‌اند. خداوند هرکه را درراه اشاعه و گسترش علم ودانش کوشاست اززندگانی کامیاب و برخوردار فرماید.

منوچهر ستوده

تهران سوم اسفندماه ۱۳۴۸

کتابشناسی حاشیهٔ دریای خزر

شامل کتب و رسائل و مقالاتی که مربوط به گیلان و مازندران و گرگان است

آذر هوشنگ، احمد : چند مثل گیلکی ، سخن ، ۱۲ : ۹۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۵۳)

آزموده ، ابوالفضل : ترانه‌های مازندرانی ، پیام نوین ، ج ۴ ش ۶: ۶۲_۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۸)

آقاخان نوری : مکتوب تاریخی از میرزا آقا خان نوری . به مقدمهٔ ایرج افشار ، یغما ، ۱۲ : ۵۶۲_۵۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۶۸)

آمار سالیانه رودخانه‌های ایران ، نشریهٔ شمارهٔ ۶ بنگاه مستقل آبیاری تهران، ۱۳۳۴ شمسی .

آمار نفوس و فواصل و مشخصات دیگر استرآباد که در پیچی ئیل ۱۲۷۶ قمری در زمان فرمانروائی ملک آرا گرفته شده است . فیلم ۱۶۴۴ ، موزهٔ آسیائی آکادمی علوم شوروی B2494 (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۳)

آملی، مولانا اولیاءالله : تاریخ رویان ، مؤلف این کتاب را به فخرالدوله‌شاه غازی (۷۶۱_۷۸۰) تقدیم کرده است . نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس خریداری از کتابخانهٔ اقبال که قبلا متعلق به آقای کیانی بوده است (مقدمهٔ شهریاران گمنام کسروی) به تصحیح عباس خلیلی تهران ۱۳۱۳ شمسی . بنیادفرهنگ ایران این کتاب را با تصحیح و تحشیهٔ نگارنده در سال ۱۳۴۸ شمسی تجدید چاپ کرد.

آهنگهای محلی ترانه‌های ساحل دریای مازندران، نشریهٔ ادارهٔ موسیقی، تهران ۱۳۲۳ شمسی.

ابن ابومسلم: تاریخ مازندران، کشف‌الظنون چاپ اروپا ج ۲ ص۱۲۳.

Herbelot, Ind, Bibl. P.74. No. 5.

ابن اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمدبن حسن: تاریخ طبرستان، در سال ۶۱۳ قمری تألیف شده‌است. به اهتمام عباس اقبال خردادماه ۱۳۲۰ شمسی. یادداشتهای قزوینی ج ۲ ص۱۸. نسخهٔ کتابخانه ملی ملک شمارهٔ ۴۰۷۱. جلد دوم الحاقی است و نباید از مؤلف اصلی باشد. این مجلد با تصحیح عباس اقبال در تهران چاپ شده ست. جلد اول به انگلیسی ترجمه شده و این ترجمه درسال ۱۹۰۵ م. در دورهٔ اوقاف گیب مجلد سوم درلیدن منتشر شده‌است.

ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل البغدادی النصیبی: صورةالارض. تألیف حوالی سال ۳۶۷ قمری. صفحات ۲۶۷-۲۶۸، چاپ دخویه ۱۸۷۳ م.

ابن خرداذ به فارسی، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله: المسالک والممالک، تالیف ۲۵۰ قمری.

ابوالفدا، عمادالدین اسماعیل بن علی ایوبی متوفی ۷۳۲ قمری: تقویم البلدان. مسودهٔ کتاب درسال ۷۲۱ قمری تمام شده‌است.

احتسابیان، احمد: جغرافیای نظامی ایران. ۱۳۱۱ و ۱۳۱۸ شمسی.

ادریسی، محمدبن محمدبن عبدالله الشریف الادریسی: نزهة المشتاق فی اختراق الافاق. سال تالیف ۵۴۸ قمری.

ادریسی استرآبادی، ابوسعید عبدالرحمن بن محمدبن محمدبن عبدالله متوفی ۴۰۵ قمری: تاریخ استراباد (کشف‌الظنون ص ۲۸۱. در ذیل کشف‌الظنون ج ۱ ص ۲۱۳ به جای سال ۴۰۵ که سال فوت اوست ۴۵۵ آمده است. مقدمهٔ تاریخ طبرستان نیز چنین است.

استرآبادی، محمد صالح بن محمدتقی بن محمد اسماعیل: شرح حال علما و

ادبای استراباد در سال ۱۲۹۴ قمری. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه وزیر علوم بود ودر سال ۱۲۹۸ به کتابخانهٔ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه منتقل شد وبا رسایل دیگر دریک مجلد، تجلید گردید و پس از سالها به ملکیت حاجی حسین آقا ملک درآمد. اکنون در کتابخانهٔ ملی ملک به شمارهٔ ۴۳۳۰ محفوظ است. این رساله ۹۸ ورق رحلی ده سطری از این مجموعه است که در استرآباد نامه ص ۱۰۵ ـ ۲۱۳ به چاپ رسیده است.

استودارت: سفرنامه، ترجمهٔ احمد توکلی، فرهنگ ایران زمین ۸:۱۶۱ـ۲۲۰.

اسفندیاری، سرهنگ احمد: پاسخ به مقالات مرحوم علی دیوسالار، راجع به اردوی برق درمنطقهٔ نور مازندران. تهران مرداد ماه ۱۳۳۷ شمسی.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمدفرسی متوفی ۳۴۰ قمری: مسالک ـ الممالک. این کتاب در سال ۳۱۸ـ۳۲۱ نوشته‌شده است ودرسال ۳۴۰ قمری مختصر شده است. لیدن ۱۹۲۷ م صفحات ۲۰۴ـ۲۰۶. ترجمهٔ این کتاب به فارسی به تصحیح ایرج افشار در مجموعهٔ متون فارسی بنگاه ترجمه و نشر کتاب شمارهٔ ۹ به چاپ رسیده است.

اصفهانی، میرزا طاهر: گنج شایگان، تهران، ۱۲۷۲ قمری.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: کتاب التدوین فی احوال جبال شروین، تهران یونت ئیل ۱۳۱۱ قمری. به گفتهٔ مرحوم میرزا محمدخان قزوینی (درمجلهٔ یادگار ش ۳ سال ۵ ص ۵۷) جزء اعظم و بلکه تمام این کتاب به‌قلم میرزا محمد حسین فروغی و غیر اوست و اعتمادالسلطنه غصباً به خود نسبت داده است.

ـــ : روزنامهٔ سفر همایونی (ناصرالدین‌شاه) به مازندران، تهران ۱۲۹۴ و ۱۳۱۴ قمری.

ـــ : رساله راجع به قلعهٔ نور، ازورق ۵۰۰ـ۵۱۵ ز جلد هشتم مجموعهٔ بیوتات

سلطنتی شمارهٔ ۷۳۱ که ذیل کرمان به شمارهٔ ۵ قرارداده شده است . این رساله را نگارنده باعکسهائی که خود تهیه کرده بود درمجلهٔ یغما ، دوره ۹ سال۱۳۳۵شمسی ، صفحات۱۱۶ـ۱۳۳و۱۵۹ـ۱۶۷ به‌چاپ رسانید. (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۸۷)

— : مرآت البلدان. تهران ۱۲۹۷ قمری.

اعلم ، هوشنگ : شهروشهرستان ساری ، ماهنامهٔ فرهنگ ج ۱ ش ۱ ص۷۹ـ ۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۱۷۶۸)

افشار ، مصطفی‌خان پسر نصرالله‌خان، منشی میرزامسعود مستوفی درپطرزبورگ ازطرف عباس‌میرزا درشعبان ۱۲۴۴: سفرنامه . فیلم ۱۶۹۱،کتابخانهٔ ملی ش ۴۹۹/۱۳۳۵ خریداری ازدکتر وصال درسال ۱۳۲۴ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۱)

اقبال، عباس : امرای آخر آل زیار ، یادگار ج ۳ ش ۹ : ۷۸ ـ۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۰)

— : امیرداد حبشی‌بن آلتون‌تاق و امیر اسماعیل گیلکی ، یادگار ج ۳ ش ۹: ۴۹ـ۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۱)

— : تواریخ طبرستان و آمل ، یادگار ج ۵ ش ۵/۴: ۱۳۴ـ۱۳۶(فهرست‌مقالات فارسی ج ۱ ش۱۳۷)

— : خاندان روز افزونی در مازندران ، یادگار ج ۴ ش ۱۰/۹ : ۱۶۳ ـ ۱۶۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۳۱۳۱)

— : خلخال ـ ترریق ـ ترکان ـ تراکمه ـ دیلم ـ دیالمه ، یادگار ج ۲ ش۹ : ۵۸ ـ ۶۳ (فهرست مقالات‌فارسی‌ج ۱ ش ۴۳۰۲)

— : شمس‌المعالی قابوس‌بن وشمگیر زیاری ، ایرانشهر ۲ : ۳۲ـ۴۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۵)

— : قابوس وشمگیر زیاری ، تهران ۱۳۰۲ شمسی .

— : مرحوم [حسن] اسفندیاری (حاجی محتشم‌السلطنه)، یادگار ج ۱ ش۸ : ۷۲ـ۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۳۲۷۳)

— : وفات سلطان‌ملکشاه‌سلجوقی، یادگار ج ۱ ش ۳ : ۶۲ـ۶۶ (فهرست‌مقالات فارسی ج ۱ش ۲۶۸۷)

— : هلالی جغتائی استرآبادی، یادگار، ج ۲، ش ۳ : ۶۵ـ۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۳۶۲)

امامزاده صالحان وهزارخال، جلد هشتم مجموعهٔ بیوتات سلطنتی به شمارهٔ ۷۳۱، ورق ۵۱۵ـ۵۱۸، به شمارهٔ ۶ ذیل‌کرمان جای داده شده است.

امیری، منوچهر: مازندران و استراباد،تالیف‌رابینو، ترجمهٔ وحیدمازندرانی [انتقاد]، راهنمای کتاب ۲ : ۴۰۰ـ۴۰۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۶۴۸)

اندریسه، ژ. ب: زمین‌شناسی مازندران از نظرکشاورزی و آبیاری، ترجمهٔ مهدی زرین، سخن علمی ۱ : ۲۶ـ۳۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲شمارهٔ ۱۷۴۰)

بارتلد،و.: تذکرهٔ جغرافیای تاریخی‌ایران، ترجمهٔ حمزه سرداد ور،تهران، بهمن ۱۳۰۸. قومس و جرجان، ۱۶۸ـ۱۷۸، گیلان و مازندران، ۲۸۲ـ ۲۸۹.

بارفروشی، مولانا محمد: تریخ جدید، روضةالصفا ج ۹، درخاتمه‌کارهدایت الله‌خن بن حاجی جمال فومنی.

باوندنامه، در عهد ملك حسام‌الدوله شهریاربن قارن (۴۶۶ـ۵۰۰) از تکاذیب اهل قری وافواه‌عوام‌الناس‌به‌نظم‌کرد آورده‌اند(تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، ص ۴)

بدخشان، منصور: افسانهٔ بنای شهرآمل، یغما ۷:۳۱۴ـ۳۱۶ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۱۷۶۷)

برج لاجیم، راه نو، ۳ : ۱۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۱)

برزگر، اردشیر بن آقاحسن بن آقابزرگ قصاب: تاریخ طبرستان پیش از اسلام جلد اول، تهران ۱۳۲۹ شمسی، ۱۷۴ صفحه.

— : تاریخ طبرستان پس از اسلام، بخش یکم از جلد دوم، تهران ۱۳۳۴ شمسی، در ۲۳۲ صفحه.

— : سخنی چند از تاریخ طبرستان، هوخت ج ۳ ش ۷ : ۲۰–۲۴ و ش ۸ : ۳۰–۳۲ و ش ۹ : ۱۶–۱۸ و ش ۱۱ : ۱۱ – ۱۳ و ج ۴ ش ۴ : ۱۲–۱۴ و ش ۵ : ۶– ۱۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۷۶۷)

بروکت، م. ای.: مقابر برجی و کتیبه‌های آنها در ایران، ترجمهٔ مهوش ابوالضیا، راهنمای کتاب، ۹ : ۱۴۸ – ۱۵۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۲۱۴)

بریمانی، احمد. دریای خزر یا دریای مازندران، تهران ۱۳۲۶ شمسی.

— : دریای مازندران، سالنامهٔ کشور ایران. ۲۰ : ۳۲۸– ۳۴۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۱)

— : رودمرده (آیا آمودریا درهیچ زمانی به دریای خزر می‌ریخت؟)، شکار و طبیعت ج ۱ ش ۳ : ۱۷–۲۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۴)

— : ماهیان دریای خزر، شکاروطبیعت ج ۱ ش ۴ : ۵۸– ۶۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۶۸)

بریمانی، لطفعلی: یك نبردتاریخی درعجیب‌ترین قلعهٔ طبرستان (قلعهٔ ماهانه‌سر) سالنامهٔ کشور ایران، ۱۳ : ۱۱۹–۱۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۸۹)

بصاری، طلعت: ترانه‌های مازندرانی، سخن ۱۱ : ۹۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۹)

بلالی: کتیك کری کری (داستان مازندرانی)، سخن، ۳ : ۳۴۴ – ۳۴۶ (فهرست

مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۴)

بلوکباشی، علی: یادداشتی دربارهٔ گاه‌شماری وچندجشن درمازندران ، پیام نوین ج ۸ ش ۷ : ۸۴ ـ ۸۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۹۹)

بوت ، پ . Bout, P : بررسی جغرافیای طبیعی شمال ایران ، ترجمهٔ سیروس سهامی ، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد ۲: ۲۷۲ـ۲۹۷(فهرست مقالات‌فارسی فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۳)

بهارمست ، احمد : جغرافیای نظامی ایران ، تهران ۱۳۰۹ شمسی.

بهرامی ، مهدی : گنجینهٔ مازندران ، آموزش وپرورش ج ۲۳ ش ۱۰:۲۲ـ۲۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۱۵۹۹)

بهلر، سرتیپ و مهندس دولت ایران که درسفرمأموریت خود از تهران‌تارشت وانزلی وکناردریای شرحی نوشته‌است : جغرافیای رشت ومازندران واستر- آباد ، فیلم ۱۶۹۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران ،کتابخانهٔ ملی$\frac{۶۳۷}{۸۸۹}$۳۰۲۲ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۶۷)

بهنام ، عیسی : ظروف گلی لعابدارگرگان ، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات ج ۳ ش۲: ۳۲ـ۴۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۶۲۹)

ــ : نمایشگاه لباس مردم‌قاسم‌آباد، نقش ونگارش۴: ۲۷ـ۳۳ (فهرست‌مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۰۹۸)

پارساءاحمد : گیاهان شمال ایران ، تهران ، ۱۳۱۸.

پتروف ، ب : مشخصات جغرافیای طبیعی ایران ، ترجمه حسین گل‌گلاب ، تهران، ۱۳۱۶.

پریان ، حسین : مردم بندرپهلوی معتقدند که ... کتاب هفته ش ۸ :۱۸۲.

پورکریم ، هوشنگ : پاکده ، هنر ومردم ، دورهٔ جدید ، ش ۲۷ : ۹ ـ ۱۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۵۳)

ــ : ترکمنهای ایران ، هنرومردم ، دورهٔ جدید، ش ۴۲/۴۱ : ۲۹ـ۴۲ وش۵۰:

۲۳ـ۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۳۲)

— : دهکدهٔ زیارت ، هنرومردم ، دورهٔ جدید، ش۴۸ : ۱۱ـ۲۹(فهرست‌مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۵۶)

پیمان ،ع : هوآلالا (آداب پاسداری مزرعه) ، کتاب هفته، ش ۱۲: ۱۳۹ـ۱۴۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۲۳)

تاریخ ایلچی نظام شاه دکنی (درذکرنسب‌ووقایع حکام‌طبرستان معاصرصفویه) ضمیمهٔ مجموعه‌ای‌از تاریخ‌آل برمك پاریس ۱۸۸۶م، ۲۸۰ ص فارسی+ ۲۹۲ ص فرانسه .

تاریخ‌جیل‌ودیلم : جوینی در مقدمهٔ تریخ خود گوید که درکتابخانهٔ قلعهٔ الموت این کتاب را یافت که برای فخرالدوله از سلاطین آل بویه متوفی ۳۸۷ قمری نوشته بوده‌اند.

تاریخ گیلان (موجود در پاریس) تاریخ مغول رشیدالدین‌فضل‌الله طبع‌کاترمر پاریس۱۸۳۵م. صفحهٔ۲۷۶درآخرکتاب. Notices et Extr. T. B. L. P. 292

تحقیقات‌سرحدیه ،کتابخانهٔ مجلس ،کتب خطی‌فهرست دستی‌ش ۲۵۱۹.

تدین،عطاءالله : قاسم انوار و غزلی‌که به زبان گیلکی سرود . ارمغان ۲۶ : ۱۷۹ ـ ۱۸۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۴۱۸۴.

ترانه‌های ساروی ،صدف ، ۱ : ۴۵۷ (فهرست‌مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۵)

ترانه‌های‌مازندرانی ،صدف ۱ : ۱۱۶ـ۱۱۷ (فهرست مقالات فارسی، ج ۱ ، ش ۴۲۱۶)

ثابتی ، حبیب‌الله : درختان جنگلی ایران ، نشریهٔ شمارهٔ ۲۰ دانشگاه‌تهران ۱۳۲۶ شمسی در ۲۷۵ صفحه .

— : صنوبر در ایران . بنگاه جنگلها ، تهران، ۱۳۳۴شمسی.

ثقفی‌اعزاز،حسین : نکاتی چند دربارهٔ انقلاب رشت ، اطلاعات ماهانه ، ج ۳ ، ش ۷: ۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱، ش ۲۹۵۹)

جرجانی معروف به‌ادریسی ، علی‌بن‌محمد متوفی ۳۶۸: جرجان(کشف‌الظنون ص ۲۹۰، درمقدمهٔ تاریخ طبرستان ظهیرالدین به جای محمد، احمد آمده است) Herbelot: Ind. Bibl. p. 839.

جغرافیای سوادکوه درصدوپنجاه ورق،نسخهٔ خطی ش ۳۷۴۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك. این کتاب پس‌از دوران اعتمادالسلطنه‌یا همزمان‌او نوشته شده‌است.گوید: اعتمادالسلطنه گوید که ورامین متجاوز از ششصد قریه است سوادکوه ، نور،نمارستاق ص۱۷ ـ لاریجان ورسك ویلور و افچه ص ۵۵ ـ کلاردشت ص ۶۷ دماوند ص ۸۳ـ فیروزکوه ص ۱۱۱ـ لارص ۱۲۷ ـ آزاد بور ولورا و جاجرود ص ۱۴۳ـ شهرستانك ص ۱۵۷ ـ طالقان ص ۱۶۱ ـمسیله ودیرکاخ ص ۱۹۳ـ دریاچهٔ قم ص۱۹۹ـخواروورامین ص ۲۰۹ـ امامزاده جعفر وشهر ورامین ص ۲۲۵ـ کرمانشاهان به‌طورمختصر ص ۲۴۱.

جمال‌زاده ، سید محمد علی : گنج‌شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران ، برلین ۱۳۳۵ قمری .

جمع وخرج ممالك محروسه ، کتابخانهٔ مجلس ، فهرست دستی کتب خطی ش ۲۲۴۴ .

جنابیان ، شاهرخ : ترانه هائی از مازندران ، سخن ، ۱۶:۸۲ـ۸۳ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۳۲۷۰)

ـ : یك ترانهٔ مزندرانی ، سخن ، ۱۵: ۴۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۱)

جواب سید علی کیا به‌امیرتیمورگورکان، ش ۲۰ از منشآت فیلم ش ۲۲۲۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران مجلس ش ۱۲۹۰۱ به نام مجموعهٔ مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۳۳)

جواب مکتوب خان احمد گیلانی از شاه عباس مورخ ۱۰۰۰ قمری ، ش ۱۱۳ ازمنشآت فیلم۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، مجلس ش

۴۱۲۵ ، فهرست ۲ : ۳۵۱ ش ۶۰۶ . (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

جواب مکتوب فتح‌علی‌خان بیکلربیگی استراباد که درشکوه و گله ازمیرزا محمد ابراهیم‌وزیر نوشته است . ش ۱۶۹، از منشآت فیلم ش۲۲۲۴کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

مجلس ش ۲۳۲۲۵(۲۵۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۲۳)

جواب مکتوب مهردار ، فرمانروای گسکر، ش ۱۶۲ ، از منشآت فیلم ۲۲۲۴ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه‌تهران(۲۵۰۶) (فهرست‌فیلم‌نسخه‌های‌خطی‌ص۲۲۳)

جواب مکتوب میرزا صادق . وزیر گسکر که کتاب کشف الایات فرستاده بود . ش ۱۴۹ ، از منشآت فیلم ۲۲۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران مجلس ش ۲۳۲۲۵ (۲۵۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۳ و ۲۳۰)

جوادی، محمدهادی : بناهای کرانهٔ جنوبی دریای خزر ، تهران چاپ رنگین

چند دوبیتی گیلکی پیام نوین ' ج ۲ ش ۱ : ۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۱)

چیریکف : سفرنامهٔ مسیوچیریکف ، سرهنگ روسی به ایران ، ترجمهٔ آبکار مسیحی از روسی به فارسی در سال ۱۳۰۵ قمری، از تاریخ ۱۸۷۱ م در آن یادشده‌است (نشریه ۲: ۲۶۳)فیلم۱۶۰۳ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، وزارت خارجه ش ۶۲۹۱ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۱)

حاجی‌میرزا‌محمد : راپورت میانکاله ، سال ۱۳۰۵ قمری ، شانزده ورق هشت سطری ازمجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملک.

حامی ، مهندس‌احمد : راههای قدیمی ایران ، تهران، ۱۳۲۳شمسی .

حجازی ، رضا : جنگل یا طلای‌سبزایران ، مسائل ایران ۱: ۳۲_۳۵و ۷۱_۸۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۵)

حجازی کناری ،سید حسن : دیوسفید، سالنامهٔ کشور ایران ، ۱۴ : ۹۷_۱۰۴ (فهرست مقالات فارسی‌ج۲ ش ۱۸۰۶.

- : روایت مازندرانی یک تصنیف قدیمی ایرانی، سخن ۲:۸۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۷)
- : طالب آملی . سالنـامهٔ کشور ایران ، ۱۱: ۱۷۶ـ۱۸۸ (فهـرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۰۴)
- : گنجینه‌های ادبی طبرستان ، سالنامهٔ کشور ایـران ، ۲۰ : ۲۵۱ ـ ۲۶۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۲)

حدودالعالم من المشرق الی المغرب ، مجهول المؤلف، تاریخ تالیف ۳۷۲ قمری. این کتاب متکی به کتاب جیهانی و آثارالعلویه ارسطاطلیس و جغرافیای بطلمیوس است . به تصحیح نگارنده چاپ دانشگاه تهران .

حسام‌السلطنه، ابوالنصر میرزا :سفرنامهٔ طوالش، مقدمه و حواشی از ابراهیم صفائی ، بهمن ماه ۱۳۴۶.

حسامی،احمد: راههای ایران، کتاب ایرانشهر ۲: ۱۴۵۳ـ ۱۴۹۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۴ .

حسین‌زاده، پوراندخت : تمایل خلیفه به تصاحب املاک طبرستان ، ارمغان،۳۵ : ۸۱ ۸۲ (فهرست مقالات فرسی ج ۲ ش ۱۶۵۲)

- : سابقهٔ تاریخی و اوضاع اقتصادی شهر بابل، کاوش ج۲ ش ۳: ۷۱ـ۷۸(فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۱۷۷۳)
- : شهر بابل ، تهران ، اردیبهشت ۱۳۴۳.
- : نامهٔ وارده [دربارهٔ مامطیر وطمیشه] ، ارمغان ۳۳: ۱۶۵ ـ۱۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۶۵۳)

حسین نجفی ، سیدمحمدبن احمدبن عمیدالدین علی : کتاب بحرالانساب .

حکم وزارت مازندران ، پس از درگذشت میرزا محمدصالح برای میرزاآقا ش۱۷۹ ، از منشآت فیلم ش ۲۲۲۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران مجلس ش۱۲۹۰۱ به‌نام مجموعهٔ مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ش۲۳۳)

حکمی یاحکمتی ، شاعر ترکستان ، درشعبان۹۷۷قمری، شعری راجع بهمشهد وجام و باخرز وسرخس وهرات وقندهار وسیستان وجرجان وعراق ومازندران وچین و آسیای مرکزی و گرجستان و کردستان گفته است . (استوری ج۲، بخش ۱، ص ۱۳۸)

خان احمد خان گیلانی مکاتیب تاریخی(در حاشیه حکم وزارت خواجه مسیح، نقل از سفینهٔ مجمع البحرین) ، ارمغان ۱۲: ۵۳۲_۵۳۳(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۵۰۶)

= : مکاتیب ، چند مکتوب خان احمدخان رارابینو در آخر کتاب گیلان و دیلمستان سید ظهیر الدین مرعشی درسال ۱۳۳۰ قمری درمطبعهٔ عروة الوثقی رشت چاپ کرده است .

خان ملك ساسانی، احمد : میرزا نصرالله خان معروف به میرز آقاخان نوری اعتمادالدوله، سیاستگران دورهٔ قاجار ، ص ۱_۸۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۹۵)

خانوار وانفاس مملکت استراباد با جمیع متعلقات در سال ۱۲۷۶ قمری (استوری ج ۲، بخش ۱، ص ۱۶۱)

خاوری نژاد، علی: اکبر پهلوون (ترانه‌های دلاویز بومی ایران) [از بابل] ، موزیك ایران ، ج ۱۰، ش ۳: ۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲، ش ۳۲۷۳)

= : نغمه‌ای ازسرزمین دیلمان ، موزیك ایران ، ج ۱۱ ش ۹/۸ : ۷_۸ و ۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ، ش ۳۲۵۴)

خچکو Chodzeko: تاریخ گیلان ، ترجمهٔ محمدعلی گیلك ، رشت ۱۳۰۷ شمسی . مجلهٔ فروغ رشت ۱۳۰۷ شمسی در ۸۴ صفحه . مترجم نام او را «شودز کو» خوانده است . کتابخانهٔ ملی ملك ش ۸۴۱۷.

خزائلی ، محمدرضا : نگاهی به خصوصیات شعر و ادب مازندرانی، نشریهٔ فرهنگ ساری ، خرداد ۱۳۳۹، ص ۲۹_۳۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۴)

خسرومرادی، اسماعیل : خرافات مردم رشت ، کتاب هفته‌ش ۲: ۱۸۳ وش۱۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۴۷)

خلعت‌بری، عبدالصمد . تاریخ مختصر زندگانی و خدمات محمدولی خان سپه سالار تنکابنی و یادداشتهای شخصی او ، تهران ۱۳۲۸ شمسی در ۱۹۴ صفحه .

خنجی ، عبدالواحد: فرهنگ کوههای ایران ، شکار و طبیعت ، ج ۱ ش ۴ : ۲۰-۲۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۷۴)

خوانساری ، مرتضی : یك روز در لاکان [دستور چوبکاری] تهران ۱۳۱۲شمسی.

خورموجی ، میرزا جعفر حقایق نگار : آثار جعفری (جغرافیای ایران و جهان به فارسی) تهران ۱۲۷۶ قمری (مشار ۱۳-ذریعه ۱: ۷)فیلم ۲۷۸۲ ، مجلس ش ۳۸۵ طباطبائی ۲۹۵۹۷ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۱) . این کتاب را پاره‌ای به میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله متوفی ۱۲۷۹ قمری نسبت داده‌اند .

دارن، برنهارد : تاریخ طبرستان وسربدار (قسمتی از حبیب‌السیرغیاث‌الدین بن همام‌الدین مشهور به خوندمیر) پطرزبورگ ۱۸۵۰ م.

— : الانتخابات‌البهیه من‌الکتب‌العربیة والفارسیه والترکیه‌فیمایتعلق بتواریخ طبرستان و گیلان و جغرافیا تلك النواحی المرعیه ، پطرزبورگ مطبعه اکادمی امپراطوری ، ۱۲۷۴ قمری

— : ومیرزامحمد شفیع : کنزالاسرار مازندرانی، پطرزبورك ،۱۲۷۷ قمری . این کتاب درسال درسال۱۳۳۶شمسی بامقدمه‌ای از نگارنده چاپ‌افست‌شده است .

دانش‌پژوه ، محمدتقی : آستانه‌های مازندران ، معارف اسلامی، ج ۱، ش ۲ ۵۶-۶۵ (فهرست مقالات‌فارسی ج ۲ ش ۲۷۴۷)

— : اسناد آستانهٔ درویش‌تاج‌الدین‌حسن‌ولی‌در نیاك لاریجان، چاپخانهٔ‌دانشگاه

۱۳۴۴ شمسی ، مستخرج از مجلد چهارم نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه، نسخه‌های خطی ۴ : ۴۸۱-۶۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۷۴۹)

- : مازندران واسترآباد ، تالیف رابینو ، ترجمهٔ وحید مازندرانی [انتقاد] ، راهنمای کتاب ۲ : ۲۳۸-۲۴۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۶۸۳)

د.ع.س: مراسم عروسی دراسترآباد، نوبهار، دورهٔ ۵: ۵۷۳-۴۷۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۹۷۰)

دمشقی، شمس‌الدین ابوعبدالله ابوطالب الانصاری الصوفی متولد ۶۵۴ متوفی ۷۲۷ : نخبة‌الدهر فی‌عجایب‌البر والبحر، چاپ پطرزبورگ ۱۲۸۱ق.

دمرگان، ژاک: زمین‌شناسی ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز، ۱۱:۱۲-۶۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۸)

- : سفرنامه مورخ سال ۱۳۲۶ق . ترجمهٔ جهانگیر قائم مقامی ، تهران ۱۳۳۵ شمسی .

دو ترانهٔ سوادکوهی، صدف ، ۱: ۲۸۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۱۸)

دو ترانهٔ عامیانهٔ گیلان ، موسیقی ، دورهٔ سوم ، ش ۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۵)

دو نغمهٔ چوپانی [ازدیلمان] ، موسیقی ، دورهٔ سوم ، ش ۳۵ : ۲۵-۲۷ (فهرست مقالات فارسی ، ج ۱ ش ۴۱۸۶)

دهاتی که حومهٔ شهر رشت است و بلوکات متعلق به آن ،سه‌ورق‌ونیم ازمجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملک .

دهقان رشتی ، اسماعیل بن حاج ابراهیم متوفی ۱۳۴۵ ش: دیوان،رشت ۱۳۲۶ شمسی .

دیباچهٔ رقمی، به جهت جمشیدخان ، منشآت فیلم ۲۰۲۰ ، کتابخانهٔ عمومی رشت ش ۱۸۹(ص ع). شکسته نستعلیق محمد مسیح،به‌فرمودهٔ محمدرضا در ۱۵ ربیع الثانی ۱۱۰۴ قمری در اصفهان در ۲۵۵ برگ شمارهٔ ۸۲ (فهرست فیلم

نسخه‌های خطی ص ۲۱۵)

دیوسالار، علی سالارفاتح : بخشی از تاریخ مشروطیت (یادداشتهای تاریخی راجع به فتح تهران وارد وی برق ، تهران آذر۱۳۳۶

دیولافوا، مادام ژان: سفرنامهٔ مادام ژان دیولافوادرایران که‌درتوردو مند ۲- ۱۸۸۱م.نوشته شده‌بود، باعکس ناصرالدین‌شاه که‌برای همین‌روزنامه‌فرستاده بود ، ترجمهٔ محمد حسن ضیع الدوله ، فیلم ۱۸۵۲ کتابخانهٔ ملی ش ۴۷۰۶/۳۱۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۴)

ذبیحی،مسیح ، باهمکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه : استرآبادنامه ، انتشارات فرهنگ ایران زمین ش ۱۲ تهران ۱۳۴۸.

ذکاء ، یحیی : یك تصنیف صدوبیست سالهٔ گیلکی ، موسیقی‌دورهٔ سوم ش۲۲:۶۸- ۷۱(فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۴۱۸۷)

رابینو .ه.ل : تاریخ‌مازندران وفرمانروایان آن‌سامان، ترجمهٔ‌باقر امیرخانی نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز ۱۳:۴۸۵-۵۱۵و ۱۴:۱۱۴-۱۳۶ و ۳۶۱-۳۹۲ و۱۵:۲۹۵-۳۱۲ و ۴۳۹-۴۵۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۰۲)

- : حکام خلافت عربی درطبرستان ، ترجمهٔ باقرامیرخانی ، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز ۱۵ : ۴۱-۶۰و ۱۲۹ - ۱۴۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۰۳)

- : دودمان علوی‌درمازندران ،ترجمهٔ میرسید‌محمدبن‌اسماعیل‌طاهری‌شهاب، تهران ۱۳۱۹ ش.

- : سفرنامهٔ مازندران و استرآباد ، باشرح بلاد ونقشهٔ جغرافی آنها، قاهره ۱۳۴۲ قمری ، شامل دوقسمت : ۱- کتیبه‌های گیلان و مازندران و استرآباد. ۲ - متن سفر نامه به زبان انگلیسی . این کتاب را آقای غلامعلی وحید مازندرانی ، در سال ۱۳۳۶ ش به فارسی ترجمه کرد وبنگاه ترجمه ونشرکتاب چاپ کرده است .

— : سلسله مرعشیه درمازندران ، ترجمهٔ ضیاءالدین دهشیری ، مردمشناسی۳: ۴ـ۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۰۴)

— : ورزشهای باستانی در گیلان ، ترجمهٔ عبدالحسین ملک‌زاده ، چاپ‌رشت

رازی ، امین‌احمد : هفت‌اقلیم ، ج ۱ کلکته ۱۹۱۸ م . ج ۲ کلکته ۱۹۳۹م.

— : ترانه‌های کرانه‌های خزر ، فرهنگ ج ۱ ش ۶: ۲۶ـ۳۱ و ش۷: ۵۶ ـ ۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۴۲۱۹)

— : چند ترانهٔ مازندرانی،ایران آباد، ج ۱ ش۱۱: ۴۷ (فهرست مقالات‌فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۵)

راهنمای‌ایران ، نشریهٔ ادارهٔ جغرافیائی ستاد ارتش ، تهران ۱۳۳۰ شمسی.

رزم‌آرا، علی : جغرافیای نظامی ایران ، گرگان ودریای خزر، تهـران ۱۳۲۰ شمسی .

— : جغرافیای نظامی ایران ، گیلان‌ومازندران ، تهران ۱۳۲۰شمسی.

رسا، مرتضی : ماهی ،کتاب ایرانشهر۲ : ۱۶۹۸ـ۱۷۲۷(فهرست فارسی ج ۲ش ۱۷۴۹)

روزنامهٔ سفراسترآباد ، شرح‌مسافرت‌شخصی است‌که درسال۱۲۶۳ قمری‌همراه حاکم وقت ، میان طوایف یموت و گوکلان سفر کرده است. اصل این نسخه در کتابخانهٔ ملی به شماره $\frac{۱۲۲۰}{۷۴۹}$ محفوظ است وفیلم آن بشمارهٔ ۱۶۹۹ (ف) در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه است. این رساله در استراباد نامه ص ۹۱ ـ ۱۰۳ به چاپ رسیده است.

رهبر، ابراهیم : ترانه‌های ماسوله‌ای ، سخن، ۱۰: ۴۷۲ (فهرست مقالات‌فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۸)

رئیس ، فریدون : پرندگان آبی یاپرندگان مهاجر ایران ، شکاروطبیعت ج۱ ش ۳: ۵ـ۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۵۰)

زهری ، محمد : اشعار گیلکی ، جهان نو ، ۲ : ۲۲۳ (فهرست مقالات فارسی

ج ۱ ش ۴۱۱۹)

ساروی ملاباشی ، ملامحمد (=مولانا محمدمازندری): تاریخ محمدی (روضة الصفا ج ۹ در ذکر شهادت حسینقلی‌خان)

سالنامهٔ دبیرستان ایرانشهر لاهیجان ، رشت سال تحصیلی ۲۲/۲۳ شمسی .

سالنامهٔ دبیرستان فردوسی بندر پهلوی سال تحصیلی ۱۳۱۷/۱۸ شمسی ، تراب تراب نیا ، انجمن سالنامه فردوسی به تصحیح رضادادرس ، بندر انزلی ۱۳۱۸ شمسی .

سالنامهٔ فرهنگ آمل ، تهران ۱۳۲۸ شمسی .

سحابی استرآبادی : دیوان ورباعیات ، لاهورچاپ سنگی .

ستوده ، منوچهر : بادهای گیلان ، ایران‌کوده جزوهٔ شماره۳ مردادماه۱۳۲۴ ص ۲۲ و۲۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۴۱۹۰)

— ، ترانه‌های گیلان ، فرهنگ ایران زمین ج ۱ سال ۱۳۳۲ ص ۴۱ ـ ۵۶ و ۲۷۱ـ۲۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۱)

— : ترانه‌های گیلان ، مجلهٔ سخن دورهٔ دهم سال ۱۳۳۸ شمسی ش ۱۰ : ۱۰۳۴ـ۱۰۳۶ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش۴۱۹۲)

— : ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترا باد [انتقاد] ، مجلهٔ سخن دورهٔ دهم ش ۷ سال ۱۳۳۸ ص ۷۸۳ ـ ۷۸۵ .

— : چاه نخجیر ، مجلهٔ شکار وطبیعت ش ۶ ، اردیبهشت ۳۹/ ص ۶۸ و۶۹ .

— : شکارسو (نوعی شکار مرغابی) شکار وطبیعت اسفند ۱۳۳۸ ش ۴ : ۲۲ ـ۲۵ .

— : فرهنگ گیلکی ، نشریهٔ انجمن ایرانشناسی ، تهران بهمن‌ماه۱۳۳۲ شمسی .

— : کشتی‌گیری در گیلان ، مجلهٔ ماد ش۱ شهریور ماه ۱۳۲۴ .

— : لهجهٔ علی‌آباد فریم ، فرهنگ ایران زمین سال۱۳۴۱ ، ج ۱۰ : ۴۳۷ ـ ۴۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۸)

— : ماهیهای دریای خزر که نام گیلکی دارند ، مجموعهٔ ایرانشناسی سال

۱۳۳۵ ش ۱ : ۱۱۲ ـ ۱۲۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۳)

ـ : مثلهای گیلکی ، فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۲ ، ج ۱ : ۳۶۳ ـ ۳۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۴)

ـ : حایش عروسی درجنگل ، یادگار ج ۱ سال ۱۳۲۴ ش ۸ : ۴۱ ـ ۴۳ .

سراج، ابراهیم : ادبیات محلی (گیلکی) فروغ ۱ : ۶۳ ـ ۶۸ و ۹۷ ـ ۱۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۵)

سفرنامهٔ گیلان ناصرالدین شاه (مرات البلدان ج ۱ ص۱۶۸)

سفرنامهٔ مظفرالدین شاه به اروپا درسال ۱۳۱۷ قمری (نشریهٔ ۲ : ۲۶۳) فیلم ۱۶۳۲ ، وزارت خارجه ش ۱۶۱۸۵ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۱۲۱)

سفرنامهٔ مظفر الدین شاه به اروپا ، سفر دوم سال ۱۳۲۰ قمری .

سفرنامهٔ ناصرالدین شاه به اروپا ـ روزنامه سفردوم فرنگستان ناصرالدین شاه قاجار ، بمبئی ۱۲۹۸ قمری .

سفرنامهٔ ناصرالدین شاه قاجار به اروپا درسال ۱۳۰۶ قمری .

سکه های طبرستان ، فیلم ۲۸۹۶ ، مجموعهٔ آقای دکترشمس الدین جزایری (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۲)

سلطان القرائی ، جعفر : عجیب مازندرانی ، دانش ، ۱ : ۶۵۶ ـ ۶۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۱۷)

سورتیچی ، فخرالدین : اطلاعاتی دربارهٔ شهر ساری ، نشریهٔ فرهنگ ساری خرداد ۱۳۳۹ ، ص ۱۲ ـ ۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۷۷)

سهراب : کتاب عجایب اقالیم السبعه الی نهایة العماره ، میان سالهای ۲۸۹ ـ ۳۳۴ قمری تألیف شده است چاپ مزیك ۱۹۲۹ م .

سهمی ، حافظ ابوالقاسم حمزة بن یوسف متوفی ۶۷۰ : تاریخ جرجان، کشف الظنون ص۲۹۰ ، مقدمهٔ تاریخ طبرستان میرظهیرالدین به‌نام‌تاریخ استراباد

Herbelot, Ind. Bibl P. 27. No 9. حاجی خلیفه ج II ص ۱۰۷ نام او را «حمزة السهمی» خوانده است.

سیاهکلی، شمسعلی: اشعار سیاهکلی، سخن ۶ : ۶۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۴۱۹۷)

— : دوبیتی‌های سیاهکلی. سخن ۶ : ۲۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۴۱۹۶)

سیف‌پور، فاطمی: بحرخزر، اختر، ۱ : ۶۲-۶۴و۱۴۹-۱۵۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۵)

شاهرخی، کاظم: آزادهٔ گمنام، شامل نکاتی دربارهٔ انقلاب رشت سال ۱۳۳۴ شمسی، رقعی ۲۱۸ صفحه

شایان، عباس. مازندران (جغرافیای تاریخی واقتصادی) ج۱ تهران بهمن ماه ۱۳۳۶شمسی.

شایان، سلیمان (رص.) دوبیتی‌های مازندرانی، جهان‌نو، ۲ : ۱۲۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۴۲۲۰)

شرح حال شیخ ولی‌الله مازندرانی: متوفی ۱۳۷۴ قمری، مؤلف نامعلوم، قم ۱۳۷۴ قمری

شرفشاه گیلانی: اشعار شرفشاه، موسیقی ج ۳ ش ۱۰/۱۱ : ۲۹ — ۴۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۸)

ششتری، قاضی نورالله: مجالس المؤمنین، چاپ سنگی، تهران ۱۲۶۵.

درچاپ سربی صفحات زیر دربارهٔ گیلان و مازندران مطلبی دارد: سادات گیلان ج ۲، جلد ششم، ص۳۱۷ — ۳۲۲. جلد سیزدهم، درمتأخرین سلاطین علویه گیلان که ایشان‌را بلسان تعظیم «کارگیا» خوانند، ص ۳۷۱ — ۳۷۹. جلد چهاردهم. درسلاطین علویهٔ قوامیهٔ مرعشیهٔ مازندرانی ص ۳۸۱-۳۸۳. جلد پانزدهم، درقدمای ملوك طبرستان ورستمدار ص۳۸۴.

شفیع‌زاده، محسن: معنی شیلات، یادگار، ج ۲، ش ۶ : ۳۳ (فهرست مقالات

فارسی ج ۱ش ۴۵۰۹)

شمس گیلانی ، شیخ حسن بن اعتماد الواعظین : تاریخ علما وشعرای گیلان ، تهران ۱۳۲۷ شمسی .

شمه‌ای دربارهٔ جنگلهای ایران : ادارهٔ جنگلبانی، تهران، ۱۳۲۱ شمسی .

شوقی ، عباس : دشت گرگان ، تهران ۱۳۱۴ .

— : رسوم وعادات مردم گرگان (مراسم عروسی) ، جهان نو، ۱ :۲۸۹(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۹۷۶)

— : گرگان (استراباد) ، جهان نو ، ۱ : ۱۳۵ ـ ۱۳۶ و ۲۵۵ ـ ۲۵۶ و ۳۳۶ . (فهرست مقالات فارسی ج۱ش ۱۷۷۱)

شیرازی ، مولانا قطب‌الدین : درة التاج لغرة الدباج ، به کوشش سید محمد مشکوة، تهران، ۱۳۱۷ ـ ۱۳۲۰ . مجلد اول ، صفحات شانزده وهفده ، نسب امیره دباج ـ حاکم گیلان ـ راآورده است .

شیروانی ، حاجی میرزا زین العابدین اسکندر : ملقب به مستعلی‌شاه ومتخلص به تمکین ، بستان السیاحه، اتمام تألیف ۱۲۴۷ قمری .

— : حدائق السیاحه ، اتمام تألیف ۱۳۴۲ قمری

— : ریاض السیاحه، اتمام تألیف ۱۲۴۲ قمری .

ص . س : سید شرفشاه،فرهنگ، ۳:۱۷۲ـ۱۷۸ و۲۰۶ ـ ۲۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۵۲۳۱)

صفاری ، محمد رضا : مثلهای لاهیجان، سخن،۲ : ۳۸۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۴۲۰۰)

صفاری ، محمد علی: خان گیلان (فهرست مراجع تاریخ گیلان عباس کدیور در آخر کتاب)

صفائی سواد کوهی ، عبدالصاحب بن شیخ محمد علی : متوفی۱۳۳۴شمسی: بیوگرافی وکلای دورهٔ چهاردهم مازندران ، جزوهٔ اول ، تهران ، ۱۳۲۴

شمسی .

صمدی، حبیب‌الله : حفریات گرمابك وتمیجن، باستانشناسی ج۱ش ۱ : ۸۰-۹۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۲۱۸۰)

— . حملهٔ مغول ودفاین گرگان ، آموزش وپرورش ۲۶ : ۶۹۲ - ۶۹۵(فهرست مقالات فارسی ج۱ش ۱۶۳۴)

— : کشف آثار انسانهای قدیم در ایران ، کنار دریای خزر ، گزارش یونسکو ج ۴ ش ۱ ,۲ : ۲۱ - ۲۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۱۸۳)

— : گنجینه کلاردشت، گزارشهای باستانشناسی۳: ۱۱۵-۱۴۶.(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۱۶۱۳)

— : هشت ماه تلاش درپی آثارعهد حجر ایران(درمازندران)،آموزش وپرورش ج ۲۵ ش ۱:۵۹-۶۲ و۷/۶: ۶۸- ۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۲۱۸۴)

طاهری شهاب، سیدمحمدبن‌اسماعیل: آرش کمانگیر وجشن تیرگان.جلوه۲: ۱۹۸-۲۰۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۲۰۴۴)

— : آشوب مازندرانی ، ارمغان ۲۳: ۲۸-۳۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۳)

— : پریش ساروی ، ارمغان . ۲۷: ۴۵-۴۷ و۷۴-۸۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۲۹)

— : تاریخ کبود جامگان ، سالنامهٔ کشور ایران ، ۱۰: ۱-۶۰ ، ضمیمهٔ سال ۱۳۳۴ شمسی (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۷۸)

— : دبیر حرم کاسمی ساروی، ارمغان ،۲۷: ۲۵۲-۲۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۶۴۰)

— : سریری ساروی ، یغما ، ۲۸۲:۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۵۵۳۰)

— : سید ظهیرالدین مرعشی ، مؤلف تاریخ مازندران و دیلمستان ، سالنامهٔ دنیا، ۸:۹۹-۱۰۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۳۷۲)

– : صوفی مازندرانی ، ارمغان ،۲۶ : ۳۰۸ـ۳۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۳۷)

– : طاهر مازندرانی ، ارمغان . ۳۵ : ۱۴۰ ـ ۱۴۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۳)

– : طوفان هزار جریبی مازندرانی ، ارمغان ، ۳۵: ۲۶۶ـ۲۷۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۵۸)

– : گنجینه‌های تاریخی مازندران، سالنامهٔ کشور ایران ، ۱۳:۱ـ۴۰(ضمیمه) (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۱۸۷)

– : مفتون ساوری ـ ارمغان ، ۱۶: ۶۸۴ ـ ۶۹۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۳۱)

– : ملاشفیع اثر مازندرانی ، ارمغان ۳۴: ۱۹۹ـ ۲۰۶(فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۵)

– : میرصبحی مازندرانی ، ارمغان ، ۳۵:۴۱۸ـ۴۱۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۶)

– : نمونه‌هائی از مسکوکات ضرب شده درمازندران ، سالنامهٔ کشور ایران، ۱۲۰: ۲۵۷ـ۲۶۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۵۳۳)

طالقان تمیمی،محمد : دکترحشمت که بوده ، جنگل ایران چه بوده ؟ شرکت شعله، تهران ۱۳۲۴ شمسی.

طباطبائی ، ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن ابراهیم بن عبدالله حسن بن ابوالحسین علی شهاب بن ابوالحسن محمد طباطبائی : منتقلة‌الطالبیه، نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس ش ۱۱۲۵ خطی .

طبرستان بهترین نقطه دنیا ، حبل‌المتین . جمادی‌الاولی سنه ۱۳۴۵ قمری.

طبری، احسان : سروائی (شعرسواد کوهی) مردم . ج ۲ ش۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۴۲۲۱)

طوسی السلمانی، محمدبن محمودبن احمد : متوفی ۵۸۹ : عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات ، به تصحیح و تحشیهٔ نگارنده ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۵ شمسی.

عباسی ، محمد : مردم گرگان معتقدند که ...کتاب هفته ش ۹ : ۱۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۱۸۵۸)

عبدالمؤمن صفی الدین بن عبدالحق یا عبدالحکم متوفی ۷۳۹ : مراصدالاطلاع علی اسماءالامکنةوالبقاع، لندن ۱۸۵۴م.

عمری دمشقی، شهاب الدین ابوالعباس : مسالك الابصار فی ممالك الامصار، بتحقق احمد زکی پاشا، قاهره ۱۳۴۲،

عیسی زاده ، محمدحسن : مثلهای گیلکی . سخن، ۲: ۵۰۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۱)

عمگسار . سالنامهٔ دبیرستان ایرانشهر لاهیجان، تهران ، ۱۳۳۳.

فارغ گیلانی : دیوان ، شرکت سهامی طبع کتاب ، ۱۳۳۱ شمسی و چاپهای دیگر .

فاضل، جواد : گیلان، مطبوعاتی امیرکبیر تهران.

فتح نامهٔ شاه طهماسب: به ملك کیومرث حاکم رستمدار مورخ محرم ۹۵۶ شمسی، ش۱۰۲، از منشآت فیلم ۲۳۲۴ ، مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۴۹۲)

فتح نامهٔ شاهرخ بهادر : به ملك کیومرث رستمداری دربارهٔ گشودن تبریز و آذربایجان در سال ۸۲۴ قمری ، شمارهٔ ۸ ، از منشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ش۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۴۹)

فتح نامهٔ میرزا محمد سلطان به امیر محمد رشتی درباره فتح هرات مورخ ۲۰ ذی الحجه سال ۸۵۳ قمری، ش۹۹ . از منشآت فیلم ۲۳۲۴ ، مجلس ش۴۱۲۵ (فهرست ۲ : ۳۶۱ ش ۶۰۶)(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۴۹۲)

فتح‌نامهٔ میرزامحمدسلطان به‌کار کیاسلطان‌محمد، فرمانروای لاهیجان، مورخ ۲۰ ذی‌الحجه ۸۵۳ قمری، شمارهٔ ۹۶، ازمنشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست ۲ : ۳۶۱ ش۶۰۶)(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

فخرائی، ابراهیم : ادبیات طبری، فروغ، ج ۱ : ۲۵۵ـ۲۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۲)

ـ : ادبیات محلی، فروغ، ج ۱ ش ۲: ۶۳ـ۶۸ و ۹۷ـ۱۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۲)

ـ : بشوتره آدم بشناس (شعر گیلکی)، فرهنگ، ۲: ۲۸۲ ـ ۲۹۱ (فهرست فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۶)

ـ : زبان گیل، فروغ، ۱: ۱ـ۳۱ (محتوی بر اشعار میرزا حسین‌خان کسمائی (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۴)

ـ : سرودوطن (درلهجهٔ گیلکی) فروغ ج ۱ ش ۳: ۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۳)

ـ : سرفشاهی، فروغ ۱: ۴۵ـ۴۶ و ۸۵ـ۸۷ و ۱۶۱ـ۱۶۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۵)

فرض‌پور ماچیانی، مصطفی : چند ترانه ازماچیان و اشکور، پیام نوین ج ۷ ش ۴: ۶۲ـ۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش۳۲۵۶)

ـ : زبان و فرهنگ ماچیان، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز ۱۶: ۲۷۷ـ۲۹۶ و ۴۵۱ـ۴۷۰ و ۱۷: ۱۰۸ـ۱۲۸ و ۲۶۱ـ۲۸۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۵۷)

فرمان دادن نشان حمایل و منصب امیر تومانی به میرزا فتح‌الله‌خان بیگلربیگی **گیلان** با تصویب امین‌السلطان صدر اعظم مورخ شوال ۱۳۱۰، شمارهٔ ۵ از؛ منشآت قائم‌مقام فیلم ۲۲۰۲ (فهرست فیلم نسخه‌های‌خطی)

فرهاد میرزا بن عباس‌میرزا بن فتحعلی‌شاه متوفی ۱۳۰۵ قمری : جام جم،

تهران ۱۲۷۳ قمری . مطالب کتاب ترجمه ایست از کتاب Wiliam Pinnock با اضافاتی از مترجم .

فرهمند ، محمد : عجیب الزمان مازندرانی ، دانش ، ۱:۴۹۹-۵۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۶۴۵)

فرهنگ جغرافیائی ایران ، استان اول ، نشریهٔ دایرهٔ جغرافیائی ستاد آرتش، ۱۳۲۸ شمسی.

فریدپاك، مهندس فرهاد : آب وهوای کرانه‌های شمال ایران ، بندر نزلی ۱۳۲۵ شمسی ، در ۵۰ صفحه.

فریدونی: مثل مازندرانی ، کتاب هفته ، ش ۱۵: ۱۸۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۷۹)

فزونی استرآبادی ، ملامیر محمود : بحیره ، تهران ، ۱۳۲۸ قمری .

فلسفی، نصرالله : زندگانی شاه عباس اول ، در دو جلد ، تهران ۱۳۳۴ شمسی.

فومنی، ملاعبدالفتاح : تاریخ گیلان (در وقایع سالهای ۹۲۳-۱۰۳۸ قمری) ، به اهتمام برنهارد دارن ، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری، از روی همین چاپ، دبیرستان شاهپور رشت درسال ۱۳۱۲ شمسی این کتاب را تجدید چاپ کرده است نگارنده نیز در سال ۱۳۴۹ بامقابله نسخ متعدد این کتاب را تجدید چاپ کرد.

فهرست آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران : انجمن آثار ملی ، مطبعهٔ مجلس ، تهران، ۱۳۰۴ شمسی .

قائم‌مقامی، جهانگیر : عزل و تبعید میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری، یغما: ۵:۴۲۶-۴۲۹ و ۴۶۸-۴۷۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۲۴)

قدامة بن جعفر : کتاب الخراج وصنعة الکتابه (تالیف ۲۶۶ قمری).

قراگوزلو، عبدالله بن مصطفی قلی خان اعتمادالسلطنه: سفرنامه و تاریخ تراکمه مورخ ۱۲۹۴ قمری (فیلم ش ۱۶۸۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران و نسخهٔ کتابخانهٔ ملی به شمارهٔ ۹۵۳ $\frac{۴۶۲۴}{۵۴۷}$)

قزوینی، زکریا بن محمد (متولد ۶۰۰ قمری): آثار البلاد و اخبار العباد (تالیف ۶۷۴ قمری)

قزوینی، میرزا محمدخان: شجرهٔ نسب ملوک آل باوند درطبرستان (فرقهٔ دوم) (بیست مقاله ج ۱ و ج ۲ ، ص ۳۵۱ . تهران دیماه ۱۳۲۲ شمسی.

قورخانچی، ملقب به‌صولت نظام، محمدعلی: نخبهٔ سیفیه ، در جغرافیای استرآباد و یموت و گوکلان ، مؤلف در سال ۲۰-۱۳۲۱ وسال ۱۳۲۵ قمری سمت مستخدمی کل قشون و مأموریت داروغگی یموت وگو کلان راداشته است . این کتاب به‌نام حاجی سیف الدوله حاکم وقت تنظیم شده است مؤلف همین کتاب را با تصرفاتی، درمحرم الحرام سال ۱۳۲۷ قمری به‌نام «نخبه کامرانی» به کامران میرزا نایب السلطنه تقدیم کرد . نسخه‌ای ازاین رساله در کتابخانهٔ ملی ملک به شماره ۳۹۵۹ ، درشصت ویک ورق تحریرشده است . این رساله در استرابادنامه ص ۱-۹۰ به چاپ رسیده است . نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس ش $\frac{۶۹۰}{۶۴۴۱}$ است . فیلم شماره ۲۲۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه از نسخهٔ مجلس در ۲۵۷ صفحه ، ۱۳۷ برگ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۶۴)

قویم، علی: قابوس وشمگیر ، ارمغان ۲۶۰:۴۶-۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۷۱۴)

کاسمی، نصرةالله: داودی مازندرانی ، ارمغان ، ۸: ۲۲۱-۲۳۴ و ۲۹۶ - ۳۱۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۴۰)

— : غیبی مازندرانی ، ارمغان ، ۸ : ۴۳۶-۴۵۲ و ۵۹۷-۶۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۴۱)

کاشانی دکتر مهدی: تاریخچهٔ پرورشگاه یتیمان رشت، به اهتمام معتمد همایون کاظم مژدهی ، تهران ۱۳۲۷ شمسی.

کتابچهٔ جمع و خرج ممالک محروسه، کتابخانهٔ مجلس، فهرست کتب خطی ش ۷۷۶.

کتابچهٔ خانوار و نفوس و اسامی اهالی و سکنهٔ انزلی و غازیان و میان پشته، کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، مجلد ششم از مجموعه‌ها، ش ۷۳۰ از ورق ۳۹۰-۴۰۰ که ذیل قزوین جای داده شده است.

کتابچهٔ راجع به کلاردشت، تحریر فی شهر المولود سنه ۱۲۹۹ قمری، نه ورق هجده سطری از مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملک.

کتابچهٔ رانکو و لنگرود (استوری ج ۲ بخش ۱، ص ۱۹۲)

کتابچهٔ کلاردشت و کلارستاق، نه ورق پانزده سطری از مجموعهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملک.

کتابچهٔ نفوس اهالی مملکت استراباد، در ابتدای جر کلباد که اول بلوک انزان است، تا انتهای فرنک و فارسیان، سوم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ قمری. صدو نود و هشت ورق با اعداد سیاقی از مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملک.

کتاب المبدء و المآل، یاقوت (۶۲۶ قمری) در معجم البلدان، ذیل طبرستان و کلار می‌نویسد که مؤلف این کتاب، تاریخ زیدیه طبرستان، خصوصاً، حسن بن زید العلوی و برادرش محمد بن زید را شرح داده است.

کتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده حضرت سید جلال الدین اشرف برادر حضرت رضا علیه السلام و شهادت آن بزرگوار، چاپ اسلامی رشت.

کجور و نور، دوازده ورق از مجموعهٔ شماره ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملک.

کدیور، عباس: تاریخ گیلان، تهران پنجم آبان ماه ۱۳۱۹ در ۱۲۷ صفحه. استوری جغرافیای گیلان خوانده است (استوری ج ۲ بخش ۱، ص ۱۷۶)

ـــ : فیاض لاهیجانی، فروغ، ۱: ۱۶۳-۱۶۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۴۰)

کسروی، احمد : انتقاد دربارهٔ مقالهٔ گنبد شیخانه و لاهیجان ، چهل مقاله ص ۹ـ۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۲)

— : تواریخ طبرستان و یادداشتهای ما ، نوبهار ، دورهٔ ۵: ۱۸۳ـ۱۸۸ و ۲۰۰ـ۲۰۴ و ۲۱۹ـ۲۲۰ و ۲۳۴ـ۲۳۶ و ۲۴۹ـ۲۵۲ و ۲۶۴ـ۲۶۸ و ۲۸۱ـ۲۸۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۳۲۸)

— : تواریخ طبرستان و یادداشتهای ما ، چهل مقاله ص۱۲ـ۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۳۲۹)

— : جستانیان در دیلمستان ، شهریاران گمنام چاپ دوم ، گفتار اول ص ۲۱ به بعد.

— : خاندانهای پادشاهی (جستانیان) ، تقدم ، ۱: ۲۲۵ـ۲۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۱۷۷۰)

— : دیلمان و دیلمستان ، شهریاران گمنام چاپ دوم ، ص ۲ به بعد.

— : قزل اوزن یا زرینه‌رود ، پیمان ، ج ۱ ش ۷ـ۳۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۴۲)

— : کادوسیان ـ کادوشان ـ تالشان، پیمان ج ۱ ش ۷ : ۳۱ـ۳۲. چهل مقاله ص ۲۱۰ ۲۱۲ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۴۳۴۳ و ۴۳۴۴)

کشتی در گیلان ، فروغ ، ۷۶ـ۷۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش۲۱۲۷).

کنارسری، سید نوری : نگاهی به لاهیجان ، ضمیمهٔ روزنامهٔ پیام ، اسفند ماه ۱۳۴۴.

کوچك خان جنگلی [میرزا ـ] : اسناد و نوشتجات تاریخی [مبادله شده میان میرزا کوچك خان و کیکاچینکوف، فروغ ۱، ۱: ۱۲۲ـ۱۲۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۶۰۶)

کوشا، جعفر : شیلات (گوشه‌ای از تاریخ) ، نامهٔ فرهنگ، ۱: ۲۳۰ـ۲۳۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۸۷۷)

کیا ، صادق : ترجمه‌ای از مقامات حریری به زبان طبری، آموزش و پرورش، ۱۴: ۴۸۷_۴۷۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۳)

— . شروین ، سخن ۱ : ۵۹۴_۵۹۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۵۵)

— : واژه‌نامهٔ طبری ، ایران کوده ش ۹: ص ۱_۲۸۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۵)

— : واژه نامهٔ گرگانی ، تهران : ۱۳۲۷ شمسی.

کیهان ، مسعود : جغرافیای مفصل ایران ، سه مجلد ، تهران ۱۳۱۰ شمسی.

گدار ، آندره : برج لاجیم ورسکت، آثار ایران ، ترجمهٔ رشید یاسمی ۱:۴۷ _ ۵۳ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۲۴۳۳)

— : گرگان وگنبد قابوس ، تعلیم و تربیت ۴:۴۸_۵۴ و ۱۰۴ _ ۱۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ص ۲۴۳۴)

گرگان سرزمین طلای سفید (یاد بود جشن فرخندهٔ ، آبان ماه ۱۳۴۶) گرگان، ۱۳۴۶ شمسی.

گل باباپور ، محمدکاظم :چندترانهٔ مازندرانی، سخن ۱۵ :۶۱۴(فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۲۳۸۰)

گلچین معانی، احمد : اشرف مازندرانی، نامهٔ آستان قدس ش ۱۹ : ۶ _ ۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۶۲)

گنجی، محمد حسن : تغییرات ناگهانی هوای ساحل جنوبی بحرخزر ، یادگار ج ۵ ش ۴/۵ : ۱۴۸_ ۱۵۰ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۱۸۸۷)

— : تغییر سطح دریای خزر، دانش، ۳:۴۸۳_۴۹۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۶)

گورگین ، تیمور : ترانهٔ چهرشنبه سوری درگیلان، پیام نوین ج ۴ش۵ : ۶۹ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۳۲۵۸)

— : ترانهٔ روستائی گیلان، پیام‌نوین، ج ۵ ش۱:۶۱_۶۲ (فهرست مقالات‌فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۰)

- : ترانه‌های دختران روستائی لاهیجان، پیام نوین ج ۴ ش ۴:۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۳۲۵۹)
- : ترانه‌های گیلکی ، پیام نوین ، ج ۴ ش۲:۵۲ـ۵۳ وش ۶:۵۷ـ۵۸ و ش ۸ : ۶۲ـ۶۳ و ش ۱۰:۵۵ـ۵۶ و ج ۵ ش ۵ : ۸۴ـ۸۵ وش ۱۰ : ۷۳ و ج ۶ ش ۲ : ۱۰۰ ـ ۱۰۱ و ش ۳:۹۴ ـ ۹۵ و ش ۵ : ۷۸ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۳۲۶۱)
- : مروارید های گیلك (ترانه های قدیمی) ، پیام نوین ج ۲ ش ۷:۲۲ ـ ۲۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۲)

گیلانی ، خان احمدخان: آزادنامه ، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری،وحید ج ۲ ش ۳:۱۴ـ۱۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۸۰۴)

گیلانی، ملاشیخعلی : تاریخ طبرستان — تاریخ مازندران، به دستور خواجه محمدعلی اشرفی مازندرانی در سال ۱۰۴۴ ، کتابخانهٔ ملی ملك ش۴۲۸۱ تاریخ تحریر ۱۱۴۰ قمری، نسخهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، مجموعهٔ شماره ۷۳۲ که مجلد هشتم از مجموعه‌هاست ص ۵۱۳ به بعد .

گیلك ، محمدعلی : شیخ زاهد گیلانی در ۱۳۱ صفحه،رشت.

لاریجانی ، حاجی‌میرولی : دیوان،سید غلامعلی مسمی بهٔفاروق‌الاولیاوبرهان الحق،رباعیات،دریك مجلد، تهران۱۳۱۱شمسی،

لامعی گرگانی دهستانی : ابوالحسن بن محمد بن اسماعیل : دیوان ، تهران ۱۲۹۵ قمری، به اهتمام سعید نفیسی تهران ۱۳۱۹ شمسی.

لالائی گرگانی ، موسیقی، دورهٔ دوم ش ۱ : ۳۴ـ۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۱)

لاهیجانی،علی‌بن‌شمس‌الدین‌بن حاجی حسین : تاریخ خانی (محرم ۹۲۱) ، به جهت سلطان احمد خان ، به اهتمام برنهارد دارن ، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری .

لاهیجانی، م. م : جغرافیای گیلان ، نجف اشرف، ۱۳۸۹ قمری .

لسترنج : تاریخ‌سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمهٔ محمود عرفان، تهران ۱۳۳۷ شمسی این کتاب را بشیر فرنسیس و کورکیس عواد به‌عربی ترجمه کردند وبامراجعهٔ به‌مراجع ومآخذ متن را تصحیح وتنقیح کرده‌اند ، بغداد ۱۳۷۳ قمری .

لشکرنویس، سید محمد : سفر نامه ، مؤلف همراه قوام الدوله به سر کوبی ترکمانان گوکلان ویموت وسالور به سوی مرو رفته ورسوم مردم آنجارادر این کتاب‌کرد آورده‌است، فیلم ش ۱۶۹۳ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه‌تهران، کتابخانهٔ ملی ش ۹۶-۹۸/۱۳۴۵ مورخ ۱۲۷۷ قمری (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۱۲۱)

لمعه ، منوچهر : ترانه‌هائی که مردم‌رشت برای‌نوازش‌کودك خویش‌می‌خوانند، کتاب هفته ش ۱۲: ۱۶۳_۱۶۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۴)

— : ایلا (ترانه‌ها) ، کتاب هفته ش ۴: ۱۶۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۵)

لوات، بدسفورد (کلنل...) (C. Bedesford Lovett) : سفرنامه، که درسالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ قمری مطابق ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ میلادی، درگرگان سفر کرد و شرح مسافرت خودرا به زبان انگلیسی نوشت ودرهمان ایام، رحیم نامی ، آن‌را به فارسی ترجمه کرد . نسخه‌ای از آن در اختیار آقای ایرج افشار بود که به کتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه داده‌اند. ترجمهٔ این‌سفرنامه‌دراستر آباد نامه ص ۲۱۵_۲۶۳ چاپ شده است. نسخه‌ای ازآن در ۴۹ ورق از مجموعهٔ شمارهٔ ۴۰۸۶ کتابخانهٔ ملی ملك است.

مارتن : یك بنای تاریخی (درشاه میدان،کنار سفیدرود) ، ترجمهٔ ا . ح . پ . ، مردشناسی ۳: ۷۱_۷۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۱۶۷)

مازنی، ابوحامد ابو عبدالله محمدبن عبدالرحیم المازنی القیسی الغرناطی الاندلسی : تحفةالألباب ونخبةالاعجاب، مؤلف سفرهای متعدد کرده است - ایران را سال ۵۲۵ و بحرخزر تهنگری را در سال ۵۴۵ قمری دیده‌است. G. Ferrand این کتاب را در ژورنال آزیاتیك سال ۱۹۲۵ نشر کرده است.

ماهوند، زیور : پلنگ دوله (از مازندران)، مردم، ج ۱ ش ۵:۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۶)

مثلهای مازندرانی، پیام نو، ج ۲ ش ۸/۷ : ۶۴ (فهرست مقالات فارسی ج۱ش ش ۴۲۲۷)

محمدبن زاهد گیلانی : یك صفحه از کتاب مناظر الانشاء تألیف محمود بن محمدبن زاهد گیلانی، فروغ، ۱: ۲۱۴-۲۱۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۸۸۹)

محمدالحسینی (و عباس اقبال) : درباب مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، یادگار ج ۴ ش ۴: ۷۱-۷۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۲۱)

محیط طباطبائی، محمد: سحابی استرآبادی، ارمغان ۱۳:۱۷:۶۱۷-۶۲۰ و ۶۶۸-۶۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش۵۴۱۹)

= شرفشاه گیلانی، موسیقی، ج ۳ ش ۱۱/۱۰: ۲۵-۴۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۷)

مخبر فروغ فسائی، محمد علی‌بن شیخ محمدکاظم : مرز های ایران، تهران ۱۳۲۴.

مخفی رشتی : دیوان، لکنهو ۱۲۹۹ قمری= ۱۸۸۲ م.

مدائینی، ابوالحسن‌بن محمد (متوفی ۲۲۵ قمری): کتاب فتوح جبال طبرستان.

مدرسی چهاردهی، مرتضی : شیخ زین‌العابدین مازندرانی، جلوه ۱ : ۱۹۵ - ۲۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۴۱)

مرادیان، علی‌اکبر : ترانه‌های روستائی گیلك، رشت ۱۳۴۷ شمسی.

— : مثلها و ترانه های گیلک، وزارت فرهنگ وهنر، انتشارات فرهنگ و هنر گیلان، آبان ماه ۱۳۴۷ شمسی.

مرز ایران و شوروی، یغما، ۳:۲۳۹_۲۴۱ [مکتوب] (فهرست مقالات‌فارسی ج ۱ ش ۲۹۳۷)

مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین (متوفی ۸۹۲ قمری): تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، چاپ دارن، پطرزبورگ ۱۲۶۶ قمری، به اهتمام عباس شایان، تهران ۱۳۳۳ شمسی، نسخهٔ کتابخانهٔ ملی ملک شمارهٔ ۳۹۵۱. تاریخ تحریر ۱۰۹۷ قمری.

— : تاریخ‌گیلان و دیلمستان، به سعی و اهتمام ه. ل. ر بینو، رشت مطبعهٔ عروة‌الوثقی، ۱۳۳۰ قمری، آخر کتاب از ص۱_۲۱ مکاتیب خان احمد خان است. با تصحیح وتحشیهٔ نگارنده، بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۴۶، در ۵۵ ص مقدمه و۵۵۹ صفحه متن.

مریم و زبیده ولیلا (از ترانه‌های عامیانهٔ گرگان)، موسیقی دورهٔ سوم ش ۸: ۹۱_۹۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۲)

مسافات **راههای کشور**، وزارت راه ۱۳۲۷ شمسی.

مسافت **راههای اتومبیل‌رو مملکتی**، نشریهٔوزارت طرق، تهران۱۳۱۳شمسی.

مستوفی قزوینی، حمدالله: نزهةالقلوب (۷۴۰ قمری)، به تصحیح لسترنج، لیدن ۱۳۳۱ شمسی.

مشکوتی، نصرةالله: جرجان_ گنبد قابوس، ایران امروز ج ۳ ش۷/۸:۹_۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش۲۲۳۵)

— : جرجان، گنبد قابوس، هنر و مردم، دورهٔ جدید، ش ۵۱:۳۳_۳۹ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش۲۱۶۷)

مشیری، لطف‌الله: آهنگ امیری مازندرانی، موسیقی دورهٔ سوم ش۱۷: ۷۱_ ۷۷ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۴۲۲۸)

مظاهری، علی : پاسخ [دربارهٔ طمیشه] ، ارمغان، ۳۳: ۱۶۸ ـ ۱۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج۲ ش ۱۶۶۴)

معتمدالسلطان ، محمدتقی خان متخلص به حکیم : گنج دانش ، تهران ۱۳۰۵ قمری ،

معین ، محمد : معنای استرآباد ، دروازه ، یغما، ۱۱ : ۵۶۹ ـ ۵۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۴۳۵۶)

معینی، اسدالله . جغرافیا وجغرافیای تاریخی گرگان ودشت (طبیعی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی) تهران ۱۳۴۴ شمسی .

مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله‌محمدبن احمدبن ابی‌بکرالبناالشامی‌المقدسی البشاری : احسن‌التقاسیم فی‌معرفة‌الاقالیم(درسالهای۳۷۵ و۳۷۸ تنقیح شده شده است) صفحات ۳۵۳ ، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۷۳ .

مقدم، صادق : آبهای معدنی رامسر،سالنامهٔ کشورایران۹: ۱۶۰ـ۱۶۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۶۱)

مکتوب امیر تیمور گورکان به سیدعلی کیاحاکم گیلان،شمارهٔ ۱۸،ازمنشآت فیلم شماره ۲۲۲۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ، مجلس ش ۱۲۹۰۱ به نام مجموعهٔ مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۳۳) و همین مکتوب شمارهٔ ۵۱، از منشآت فیلم شمارهٔ ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه تهران مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹) همین مکتوب در ارمغان ۱۴: ۵۱۰ـ۵۱۴ به‌چاپ رسیده‌است (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش۳۴۷۹)

مکتوب امیرمحمد رشتی به کارگیا ناصر ، درسال ۸۴۸ قمری، شمارهٔ ۵۵ ، از منشآت فیلم ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵ ، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب خان احمدگیلانی ، شمارهٔ۸۷ . از منشآت فیلم ش۲۳۲۴ کتابخانهٔ

مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش۴۱۲۵، فهرست۲:۳۶۱ ش ۶۰۶، (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۴۹)

مکتوب خان احمد گیلانی به شاه عباس ، شمارهٔ ۱۱۲، از منشآت فیلم ش۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵ ، فهرست ۲:۳۶۱ ، ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب **خان احمد گیلانی** به ملاعبدالله به مسوده ملاعبدالواسع منشی ، شمارهٔ ۹۱ ، ازمنشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵ ، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۴۹)

مکتوب خان احمد درجواب شاه عباس ، شمارهٔ ۲۸. ازمنشآت فیلم‌ش۲۳۲۴، مجلس ش ۴۱۲۵ . فهرست ۲:۳۶۱ ش ۶۰۶)فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاه اسماعیل ثانی به‌خان احمد گیلانی، شمارهٔ ۱۳۱ ، ازمنشآت‌فیلم ش ۲۳۲۴ ، مجلس ش ۴۱۲۵ ، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم‌نسخه‌-های خطی ص۲۴۹)

مکتوب شاهرخ میرزا به‌ناصر کیا وسادات و داعیان کوه و گیلان درسال۸۴۹ قمری، شماره ۱۰ ، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲:۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه ه.ی خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاه عباس به خان احمدگیلانی دررجب ۱۰۰۰ قمری، شمارهٔ ۲۶ ، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش۴۱۲۵ ، فهرست ۲:۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاه عباس به‌خان احمد گیلانی در روز شنبهٔ ۲۷ صفر۹۷۵ در این مکتوب از مردم‌خواری صوفیان یاد شده است، شمارهٔ ۲۷، از منشآت‌فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، مجلس ش۴۱۲۵ ، فهرست ۲ :

۳۶۱، ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارکیا رضی به ملک مظفر، شمارهٔ ۵۴، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارکیا ناصر به‌امیرخلیل شیروانی، شمارهٔ ۵۲، از منشآت فیلم شمارهٔ ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۲۱۵، فهرست۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارکیا ناصر به امیرزاده سلطان محمد، شمارهٔ ۵۳، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارکیا ناصر به ملک کیومرث، شمارهٔ ۵۶ ازمنشآت، فیلم شماره۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب میرزابابا به‌کارکیا سلطان محمد درفتح‌جرجان‌مورخ ششم ربیع‌الثانی سال ۸۵۴ قمری، شمارهٔ ۹۷، از منشآت، فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ و شماره ۱۲۲ همین فیلم (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب میرزا جهانشاه به‌کارکیا سلطان محمد، شماره ۱۲۱، از منشآت، فیلم شمارهٔ ۲۳۲۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

ملگونوف، کارمند دفترخانهٔ ژئوگرافی امپراطوری در شمال ایران و اطراف سواحل دریای خزر درسال ۱۸۶۰ م (=۱۲۷۷ قمری): سفرنامه: ترجمهٔ پطرس مترجم دولتی از روسی به فرسی، به دستور میرزا سعید خان وزیر کل مهام خارجهٔ ایران درزمان ناصرالدین شاه. مؤلف در سپتامبر ۱۸۶۰م.

به دعوت دفترخانهٔ جغرافیائی آکادمیک براندر به تفلیس رفته و از آنجا در شمال گردش کرده است. فیلم شمارهٔ ۱۶۸۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانهٔ ملی ش ۵۷۹/۱۳۷۲ (۱۰۵۹) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۱۲۰)

مولوی گیلانی، میرزا هادی، معروف به وفا علیشاه متوفی ۱۳۳۶ قمری: دیوان، تهران ۱۳۴۳ شمسی.

مهجوری، اسماعیل: تاریخ مازندران، ج ۱ ساری دیماه ۱۳۴۲، ج ۲ ساری تیرماه ۱۳۴۵.

مهدوی نادری، فرامرز: آنچه در بابلسر گذشت، تهران ۱۳۳۳ شمسی.

میراغلو، جمیل: درباب کلمات ترك و تراکمه واتراك، یادگار ج س ش ۳: ۷۰-۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۵۷)

میر پنجه، مصطفی قلی خان: سفرنامهٔ مسکو از روز شنبه ۱۱ رجب تا ۱۱ ذی‌القعده ۱۳۰۰ قمری (۲۶ آوریل تا ۲ دسامبر ۱۸۸۳ م.) فیلم ش ۱۷۰۴ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانهٔ ملی ۹۰۸/۱۱۲۷ ۸۶۴ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۱)

میرزا ابراهیم: جغرافیای مازندران و گیلان و دامغان و سمنان، مؤلف از راه سمنان و دامغان و شاهرود و استراباد و ترکمن صحرا و مازندران و گیلان و آستارا رفته است. سفرنامه‌ایست که از روز شنبه ۲۵ رمضان ۱۲۷۶ پیچی- ثیل (استوری: ۲ رمضان ۱۲۷۶) آغاز شد و در ۲۰ ذی‌الحجه ۱۲۷۷ ختم شده است، فهرست آکادمی علوم شوروی ص ۴۲۰ - استوری ج ۲، بخش ۱، ص ۱۶۲، فیلم ش ۱۶۴۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، آکادمی علوم شوروی C. 1885 مورخ دوم ذی‌القعده ۱۲۷۷ برای جنرال برتهاردارن (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۶۸)

میرزا حسین خان نایب وزیر: کتابچهٔ جمع و خرج سال ایت ئیل مملکت ایران که در سال ۱۳۰۴، میرزا حسین نایب وزیر دفتر، به دستور ناصرالدین شاه

تدوین کرده‌است(فهرست‌مجلس ۲ : ۴۸۷ش ۷۷۶ ، فیلم شماره۲۲۳۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، مجلس ش ۸۴۷۵ ، نستعلیق وسیاق در ۱۱۰۰ ص. فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۵۷)

ناصرخسرو علوی قبادیانی : سفر نامه ، شروع سفر درسال ۳۹۴ قمری.

ناظرزاده کرمانی : ابوالحجاج مرداویزبن زیارگیلی، مهر ۴ : ۸۳۷ ـ ۸۴۴ و ۹۲۹ـ۹۳۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش۲۷۳۰)

ناصرالدین بن‌امیر معصوم :جغرافیای‌ایران‌و توران ، فیلم شماره۸۶۰ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه‌تهران،موزهٔ بریتانیا Or. 6711 ، نستعلیق در سال ۱۲۴۳ قمری ، در ۲۴ برگ ۲۱ سطری(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۶۷)

ناصرالملك ،مترجم‌سفرنامهٔفریزر J . Fraser ،در کرمانشاه‌سال ۱۳۲۷قمری.

ناظمی،فخری : دوبیتی‌های آملی وبابلی ، جهان نو ۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۹)

نامه‌ای به میرزائی ،میرزا ابراهیم‌به‌استرآباد ، شمارهٔ ۱۹۳ ، از منشآت،فیلم شمارهٔ ۲۲۲۴ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه تهران ، مجلس ش ۲۳۲۲۵(۲۵۰۶) فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۲۳)

نامهٔ جعفرقلی‌خان بیگلربیگی استرآباد ، ازاشرف مصحوب‌یوسف آقا(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۳۱)

نامه‌های سیاسی زمان قاجار ، خطاب به الکساندرشودزکو ، فیلم شماره ۲۱۸۳ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، پاریس ش ۶۸۶ و ۶۸۷ ، بلوشه۱۱۳۵ و و۹۹۵ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۶۳)

نجیبی رویانی، علی‌بن‌جمال‌الدین‌بن علی‌بن محمود : تاریخ طبرستان (؟) که برای کارکیا میرزا علی پسرسلطان محمد کیا قبل از سال ۸۸۱ نوشته است، زیرا سید ظهیرالدین از این شخص درسال ۸۸۱ بلفظ مرحوم یاد می کند (کشف‌الظنون ص ۲۹۷)

نذیر، احمد : فزونی استرابادی ، اورینتل ، ح ۳۵: ۱ ـ۴۴ [اردو] (فهرست

مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۵۵)

نظری، بزرگ: مازندرانیها معتقدندکه...، کتاب هفته ش ۱۸: ۱۶۴(فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۶۲)

نفیسی، سعید: آثار تاریخی چهارپادشاه درلاهیجان، تعلیم و تربیت ۳: ۲۶۶ـ ۲۸۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۶)

ـــ : اسامی ماهیها [به‌گیلکی]، فروغ ۱: ۱۳۲ـ۱۳۴(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۸)

ـــ : بقعهٔ سلیمان داراب درمغرب رشت. فرهنگ ۳: ۳۵۹ـ۳۶۶(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۷)

ـــ : صنعت تخم نوغان در ایران، تهران، سروبی.

ـــ : لامعی گرگانی. آینده ۱: ۳۶۷ـ۳۷۳ و ۴۴۱ـ۴۴۳ (فهرست مقالات فارسی ج۱ ش ۴۹۰۵)

ـــ : مخلدی گرگانی. مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات ج۴ ش ۱: ۱۸ـ۲۲(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۹۰۶)

نوائی، عبدالحسین: انقلاب گیلان چگونه آغاز شد. یادگار ج ۴ ش ۳: ۴۱ـ ۵۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ش ۶۹۹۶)

نوشتهٔ خان احمد گیلانی درحاشیهٔ حکم معافی طبیب‌باشی، شمارهٔ ۵۳ ازمنشآت، فیلم ش ۲۲۲۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش۱۲۹۰۱ به‌نام مجموعهٔ مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۳۳)

نیابةالانساب که‌به‌نام سید میرزا مرشدالدین شاه عبدالله، شاهزادهٔ مازندران نوشته‌شده است. فیلم شماره ۹۲۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، آستان قدس ش ۲ رجال و انساب، به نام انساب درفهرست ۲: ۳۵۲ معرفی‌شده‌است (فهرست فیلم نسخه های خطی ص۲۷۰)

نهرهای اطراف رشت ـ دهات رشت ـ نهرهای گیلان، کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی جلدششم مجموعه‌ها ش ۷۳۰، از ورق ۶۶۶ تاورق ۶۷۴ که ذیل

قزوین جای داده شده است .

نثر نوری، حمید : اعتماد الدوله وداوری تاریخ . مهر ۸: ۴۶۹ـ۴۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۳۸۹)

نیک‌پو ، قاسم: ترانهٔ شهسواری ، موسیقی ج ۳ ش ۷/۶: ۱۱ـ۱۲(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۹)

نیک‌سیر ،منوچهر : درنگ‌مرنگ (بازیهای محلی از گرگان) ،کتاب‌هفته ش ۳۱: ۲۰۴ـ ۲۰۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۹۵)

وحیدقزوینی ، محمد طاهر : عباسنامه ، شرح زندگانی بیست ودو سالهٔ شاه عباس دوم (۱۰۵۳ـ۱۰۷۳ قمری) به تصحیح ابراهیم دهگان ، اراک .

وقف‌نامهٔ سیف‌الدین مظفر بتکچی مورخ ربیع‌الاول‌سال۹۱۹ وهفتم ربیع‌الاول سال ۹۲۰ قمری ،دوطغراست ومربوط به روستاهای استرآباد ،ست ، نشریهٔ دانشگاه۴ :۴۹۱، فیلم شماره ۲۴۱۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران،اصل به شکل طومار(فهرست فیلم‌نسخه‌های خطی ص ۲۷۱)

وقف‌نامهٔ قهارقلی‌خـان دربار فروش (درخاتمهٔ کتاب حاشیهٔ بر فوائدالاصول از شیخ محمدحسن‌بن صفرعلی بارفروشی ، تهران ۱۳۳۴ قمری)

وقف‌نامه‌های گرگان ، شامل سه‌وقف‌نامه (استرآباد نامه ص۲۶۵ـ۲۹۰)

هادیان ،حسن : دوبیتی های دیلمان ، پیام نوین ج ۲ ش ۹: ۶۱ـ۶۲(فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۶)

— : چنددوبیتی از دیلمان باترجمهٔ فارسی ، پیام نوین ج ۲ش ۴ : ۴۵ ـ ۴۶ (فهرست مقالات فارسی‌ج ۱ش۴۲۱۰)

— : سعیدای گیلانی ، مجموعهٔ مقالات ص۲۴۲ـ۲۵۱(فهرست مقالات فارسی‌ج ۱ش ۵۴۵۹)

هجیم آملی : قطعهٔ مطایبه ، ارمغان ،۱۶:۱۳۴(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۳۰)

هدایت نوری،رضاقلی‌خان‌بن‌محمد : سفارت‌نامهٔ خوارزم ، متن‌سفرنامه درج۲

مرآت البلدان ناصری است این متن را مسترح . شفر با ترجمهٔ فرانسه در سال ۹: ۱۸۵۵/ م . طبع و نشر کرد

هلالی جغتائی استرآبادی، بدرالدین (مقتول ۹۳۶ قمری): دیوان، لاهور ۱۳۳۳ قمری ، تهران ۱۳۱۵ قمری.

یاقوت ، شهاب‌الدین ابوعبدالله بن عبدالله حموی : معجم‌البلدان . تاریخ تالیف ۶۲۳ قمری ، ذیل نامهای جغرافیائی حاشیهٔ دریای خزر مطالب مفصلی دارد.

یزدان ، لطیف ، اکبر : پدرانی از مادر شوهر (درفولکلر گیلان) ، پیام نوین ج ٤ ش ۱۰ : ۵۶ـ۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۷)

ـــ : ترانه‌های ماهیگیران دریای مازندران پیام نوین ، ج ۴ ش ۶: ۶۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۸۱)

یزدادی، ابوالحسن علی بن محمد: عقد سحر و قلائد در (با تاریخ کوره زملوك طبرستان)، ابن اسفندیار این کتاب را در دارالکتب مدرسهٔ شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار دری دیده است (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ۴ و ص ۵ ، استوری ج ۱ : ۳۶۰)

پایان

این فهرست ناقصی است از نامهای کتب فارسی وعربی ورسایل ومقالات که درباره حاشیهٔ دریای خزر نوشته شده است . درمقدمهٔ مجلد دوم که شامل آثار وبناهای تاریخی بیه‌پس گیلان است ، این فهرست را تمام خواهیم کرد وفهرستی از نامهای کتب ورسایل ومقالاتی که به زبانهای خارجی نوشته شده است، بدان خواهیم افزود .

برای گرد آوری فهرست مقالات و مکتوبات و پاره‌ای از کتب، از کتابهای زیر استفاده شد:

افشار، ایرج: فهرست مقالات فارسی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۸ شمسی.

ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران ش ۶۹۷/۲، تهران ۱۳۴۰ شمسی.

دانش‌پژوه، محمدتقی: فهرست فیلم نسخه‌های خطی،

مشار، خانبابا: فهرست کتبهای چاپی فارسی، ج ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷ شمسی.

مراجع ومآخذ کتاب

۱ ـ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تالیف شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد ابوبکر مقدسی معروف به بشاری ، لیدن ، ۱۹۰۶م.

۲ ـ اسامی دهات کشور ، ادارهٔ آمار و ثبت احوال : چاپ اول.

۳ـ ایستویك= Eastwick, E B : Journol of a Diplomate,‹ Three Years Residene in Persia, London 1864 .

۴ ـ تاریخ علما وشعرای گیلان تالیف ، شیخ حسن شمس گیلانی بن اعتماد ـ الواعضین تهران ۱۳۲۷ شمسی .

۵ ـ تاریخ گیلان خچکو = تاریخ گیلان تألیف شودزکو ، ترجمهٔ محمدعلی گیلك، رشت ۱۳۰۷ شمسی.

۶ ـ تاریخ گیلان ودیلمستان تألیف سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی، رشت مطبعهٔ عروة الوثقی سال ۱۳۳۰ قمری . از صفحه دویست این کتاب تا آخر به همین کتاب تصحیح نگارنده ، انتشارات بنیاد فرهنگ شمارهٔ ۳۶ ، دی ماه ۱۳۴۷ ، نگاه کنید.

۷ تاریخ گیلان تالیف ملاعبدالفتاح فومنی ، به اهتمام برنهاردارن، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری .

۸ ـ تقویم البلدان تالیف عمادالدین اسماعیل بن محمد بن عمر معروف به ابوالفدا متوفی ۷۳۲ ، پاریس ۱۸۴۰.

۹ ـ حاشیهٔ دریای خزر ملگونوف: Melgunof, G : Die Sudliche ufer des Kaspichen Meeres ofer die Nordprovinzen Persien, Leipzig 1868.

۱۰ حدودالعالم من المشرق الی المغرب (مؤلف در ۳۷۲ قمری) به تصحیح نگارنده

چاپ دانشگاه تهران .

۱۱ـ روضة الصفای ناصری تألیف رضا قلی خان هدایت، تهران ۱۲۷۰ قمری.

۱۲ـ زندگانی شاه عباس اول تألیف نصرالله فلسفی ، تهران ۱۳۳۴، شمسی.

۱۳ـ سفرنامهٔ از خراسان تا کشور بختیاری ، ترجمهٔ علی محمد فروشی (مترجم همایون) ابن سیناء تهران.

۱۴ـ سفر نامهٔ بل = Bell, J. : Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia; Glasco, 1863, vol I .

۱۵ـ سفرنامهٔ فریزر — Fraser , J - B . Travels and adventures into the Persian Provinces on The southern banks of the Caspian Sea, London 1826 .

۱۶ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو = Robino , H. L . : Mazandaran and Atarabad; London, 1928.

۱۷ـ شهریاران گمنام تألیف احمد کسروی ، چاپ دوم.

۱۸ـ شیخ زاهد گیلانی تألیف محمدعلی گیلک ، چاپ رشت.

۱۹ـ طرائق الحقایق تألیف محمدمعصوم شیرازی معروف به معصوم علیشاه (نایب الصدر) به تصحیح محمد جعفر محجوب ، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی.

۲۰ـ عجایب الاقالیم = کتاب عجایب الاقالیم السبعة الی نهایة العماره تألیف سهراب چاپ مزیك، ۱۹۲۹ م.

۲۱ـ فرهنگ جغرافیائی ایران، استان یکم، از انتشارات دائرهٔ جغرافیائی ستاد ارتش .

۲۲ـ کتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده حضرت سیدجلال الدین اشرف برادر حضرت رضا علیه السلام و شهادت آن بزرگوار ، چاپ اسلامی ، رشت.

۲۳ـ گیلان رابینو = Rabino H . L Les Provinces Caspienes de la Perse Paris. 1917.

۲۴ـ لسترانج — Le Strange : The Lands of the Eastern Caliphates cambridge, 1905.

۲۵ـ مجلهٔ فروغ، مؤسس ابراهیم فخرائی سال اول، رشت .

۲۶ـ مجلهٔ فرهنگ، مؤسس جمعیت فرهنگ رشت، سال سوم، رشت .

۲۷ـ مجلهٔ موسیقی، از انتشارات ادارهٔ موسیقی کشور ، سال سوم، تهران .

۲۸ ـ مرآت البلدان تالیف میرزا حسن خان اعتماد السلطنه ، تهران ، ۱۲۹۷ قمری .

۲۹ـ مسالك الممالك تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری ، لیدن، ۱۹۲۷ م.

۳۰ـ نخبة الدهر فی عجیب البر والبحر تألیف شمس الدین ابوعبدالله محمد بن ابوطالب انصاری دمشقی متوفی ۷۲۸، لیپزیك، ۱۹۲۳م.

۳۱ـ نزهة القلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی، به سعی واهتمام لسترنج ، لیدن، ۱۹۲۳م.

۳۲ـ یادداشتهای تایپ شدهٔ «ابت Abbott » متعلق به آقای چنگیز شیخلی .

۳۳ ـ یادداشتهای تایپ شده « مکنزی Mackesnzie » متعلق به آقای چنگیز شیخلی

مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی

گیلان

گیلان بخشی از سرزمین ایران است که میان سی‌وشش درجه و بیست‌وهشت دقیقه تا سی وهشت درجه و یازده دقیقه عرض شمالی و چهل وهشت درجه و چهل‌وچهاردقیقه تاپنجاه درجه و سی و دودقیقه طول شرقی قرار گرفته است.

خاك گیلان ازطرف شمال به‌دریای خزر وبخش کوچك نمین، از مشرق به‌مازندران، ازجنوب به‌قزوین وزنجان وآذربایجان وازمغرب نیز به‌آذربایجان محدود می‌شود. درازای این‌خاك‌از شمال غربی به‌جنوب شرقی دویست‌وبیست وپنج کیلومتر وپهنای‌آن میان بیست وپنج تاصدوپنج کیلومتر است.

رودخانهٔ سفید رود [1] خاك گیلان‌را به دو بخش جداگانه تقسیم کرده است: بخشی‌که امروز مرکز آن شهر رشت است به نام گیلان بیه‌پس‌یا گیلان روپس یا پساگیلان یا به‌قول مؤلف حدودالعالم «آن‌سوی رودیان» و بخشی که‌مرکز آن لاهیجان بوده است، به نام‌گیلان بیه پیش یا گیلان‌روپیش، یا به قول‌مؤلف حدود العالم« این سوی‌رودیان »[2] خوانده می‌شده است.

هنگامی که‌مقدسی‌درقرن‌چهارم کتاب خودرا می‌نوشت، سلاطین آل‌بویه فرمانروائی داشتند. دراین وقت تمام گیلان، حتی قسمتهای کوهستانی شرقی

(۱) اسپیذ روذ = نهر اسدیلم . از جیلان و دیلم می‌گذرد، در بحر دیلم به دریا می‌ریزد (عجایب الاقالیم سهراب ص ۱٤۸) (۲) یا «از آن سوی رودی» و« از این سوی رودی» (حدود العالم ص ۳۲) در تاریخ گیلان ودیلمستان این نامها بدین شکل آمده‌است: پساگیلان ص ۸٦ و ۱۰۱ وبی پس ص ٦۲ بی‌پیش ص ۵۷ رو پیش ص ٤۳ روه پیش ص ۸۳ روه پیش گیلان ص ۳۲ و ۳۵ .

آن وولایات حاشیهٔ دریای خزر ، یعنی طبرستان وجرجان و خـاک قومس نیز جزء دیلمان به‌شمار می آمد . این تقسیمات ، زیاد پایدار نماند . پس ازچندی کلمهٔ دیلمان به‌قسمت کوهستانی شرقی گیلان فعلی ، اطلاق شد وقسمت هموار کنار دریا را « جیلان » خواندند . در ادوار بعد ، گاهی کلمهٔ دیلمان شامل هردو ناحیه و زمانی کلمهٔ گیلان به منطقهٔ کوهستان ر دشت اطلاق می شد . (۱)

اصطخری در سال ۳۴۰ هجری دربارهٔ سرزمین دیلم چنین نگاشته است :

ناحیهٔ دیلم ومنضمات آن ، از طرف جنوب به‌قزوین وطـارم وقسمتی از آذربایجان وقسمتی ازری محدود می‌شود. درطرف شمال آن بحرخزر واقع‌شده‌است واز سمت‌مغرب به‌قسمتی از آذربایجان وشهرهای اران می‌رسد . بدین ناحیه کوههـای رویبنج (— رویان) وپادوسبان و کوههای قارن و جرجان را نیز افزوده‌ایم .دیلم به‌دوقسمت سهل وجبل‌تقسیم می‌شود. طایفهٔ گیل درقسمت سهل وزمین‌های هموار کنار دریا هستندوسرزمین ایشان درپای کوههای دیلم است. قسمت جبل‌در دست طایفهٔ دیلم است و کوههای بلند دارد. محلی که پادشاهان ایشان درآنجاست « رودبار » خوانند وفعلاً در دست سلاطین آل جستان (۲) است . پاره‌ای ازمردم ، دیلم‌را طایفه‌ای ازبنی ضبّه دانسته‌اند . سرزمین ایشان جنگلی وپراز درخت است.درقسمتی که گیلها نشسته‌اند وطرف‌دریای‌طبرستان است، درختان بیشتری‌دارد . دیهای اینجا پراکنده‌است وساکنان آنها‌مردمی کشاورزندوچهارپای‌ندارند . زبانشان‌غیر ازعربی وفارسی‌است‌ودر بعضی‌قسمتهای کوهستان ، چنانکه‌من‌شنیدم گروهی هستند که زبانشان‌غیراز زبان گیل ودیلم است . طایفهٔ‌دیلم مردمی‌عجول و بی‌مبالات وکم موی و لاغراندامند . تا زمان حسن بن‌زید ،کافر بودند وپاره‌ای ازآنان درآن‌وقت مسلمان‌شدند. تا امروز ،

---

(۱) متن انگلیسی لسترانج ص ۱۷۳ .

(۲) برای اطلاع بیشتر در آل‌جستان به شهریاران گمنام کسروی گفتار اول «جستانیان در دیلمستان» ص ۲۱ به بعد در چاپ دوم نگاه کنید .

در کوهستان متصل به این ناحیه، کافران زندگی می کنند.[۱]

صاحب مسالك الابصار شرحی کافی دربارهٔ گیلان بیه پس نوشته است که مختصر آن را در اینجا می آوریم:

گیلان [بیه‌پس] چهار شهر بزرگ دارد که در هر شهر وحومهٔ آن سلطانی حکمرواست. این چهار شهر، فومن و تولم و کسکر ورشت ست. مردم اینجا حنبلی مذهب‌اند. باران در اینجا زیاد می بارد و رودهای متعدد در اینجا جاری ست. درختان میوه زیاد دارد ومحصول این درختان را به مازندران می برند. شهرهای گیلان استحکاماتی ندارد، اما سلاطین آنها، هریك قلعه‌ای دارند. بناهای آن بیشتر از آجر است. چاههای آب در اینجا فراوان است و در عمق کمی به آب می‌رسد. غذای اصلی مردم برنج است. جو نیز می کارند. گاو و گوسفند فراوان دارند و به‌قیمت مناسب می‌فروشند. مساجد ومدارس وخانقاهها وزوایا وحمامهای خوب دارند. بر سرحد مازندران استحکاماتی ساخته‌اند. در دریای قلزم جزایری دارند که درختان میوه در آنها می‌روید. مردم در فکر به‌دست آوردن این جزایر هستند، زیرا ایشان را درمقابل دشمنان حفاظت می کند. سرزمین جبل سرزمین فراوانی و نعمت است. هر سلطانی سکه به‌نام خود می‌زند و تاکنون به‌نام پادشاهان مغول سکه نزده‌اند. سکهٔ شهری، درشهر دیگر رواج ندارد. رعایا آزادند وبردگی رواجی ندارد.

بارویدادهای زیر، دردوران صفویه گیلان تابع حکومت مرکزی شد.

روز پنجشنبه دوازدهم محرم سال ٩٧٤ قمری معصوم بیك وکیل شاه طهماسب به جانب گیلان آمد و خان احمد خان سلطان بیه‌پیش را دستگیر کرد.[٢]

در سال هزار قمری، شاه عباس، فرهاد خان قرامانلو را برای گرفتن گیلان فرستاد[٣] و کم کم گیلان نیز نظیر مازندران تسلیم حکومت مرکزی شد.

---

(١) مسالك الممالك ص٢٠٤ و٢٠٥ 　　(٢) تاریخ گیلان عبد لفتاح ص ٣٠.

(٣) همین کتاب ص ٩٨.

درجمادی‌الاولی سال ۱۰۲۲ قمری شاه عباس به گیلان آمد ودررانکوه به شکار رفت. (۱)

لرد کرزن (Curzon) شرح مفصلی دربارهٔ گیلان نوشته است. ما نکات اصلی آن را در اینجا یاد می کنیم:

گیلان و مازندران سرزمینی است که از حاشیهٔ دریای خزر (۲۵ متر پائین تر از سطح اوقیانوس آزاد) تا قلل رشتهٔ البرز (۳۵۰۰-۴۰۰۰ متر) کشیده شده‌است. این خاك وسیع آب وهوایش مختلف‌است ونمی‌توان آن راطبقه‌بندی کرد. امامی‌توان بچهارقسمت مشخص‌بشرح زیر تقسیم نمود:

۱- حاشیهٔ دریای خزر باتوده های شن به‌ارتفاع هشت تاده متر وپهنای دویست تاچهارصد متر بابادهای شمالی و شمال غربی که رطوبت رابه‌لبهٔ‌جنوبی دریا می‌رساند.

۲- اراضی‌پشت این‌تپه های شن که‌رودخانه هائی که از کوهها‌سرچشمه می گیرند بدین جا می‌رسند وچون راهی به دریا ندارند پس می‌زنند وباطلاق هائی به وجود می‌آورند. مرداب انزلی در غرب وخلیج استراباد درشرق ومیان اینها مردابهای لنگرود ومشهد سر (= بابلسر) رامی‌توان جزء این باطلاقها دانست.

۳- حاشیهٔ پشت این مردابها که منطقه جنگلی است وانواع درختانی که به رطوبت زیاد احتیاج دارند دراینجا می‌رویند. آب وهوای این حاشیه خوب نیست ومردم بومی گرفتار امراض گوناگون‌اند. شهرهای مهم ودهکده های پرجمعیت دراین قسمت است.

۴- دامنه های البرز که لطافت هوا و زیبائی آن نظیر ندارد.

کرزن پس‌ازاین شرحی دربارهٔ درختان حاشیهٔ دریای خزرمی‌دهد وپس ازآن جانداران وحشی را می‌شمارد. (۲)

---

(۱) تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۱۷۱. (۲) گیلان رابینو ص ۲۱ و ۲۲.

جمعیت گیلان را می‌توان به دو قسمت مشخص تقسیم کرد : ۱ـ مردم ساکن زمینهای هموار که به برنج‌کاری و پرورش نوغان یا چهار پادن اهلی مشغول اند و در یك محل ساکن‌اند و ییلاق وقشلاق ندارند . ۲ـ کسانی که زمستان را در این زمینهای هموار هستند و تابستان را به کوهستان می‌روند . این گونه مردم در کوهستان نقاط مشخص ومعینی برای ییلاق خود دارند .

گیلان یکی‌از سرزمینهای‌آباد و پرحاصل ایران‌است . انواع‌محصولات ودرختان میوه دراینجا به بهترین وضعی می‌روید و بر می‌دهد . این سرزمین آباد از قدیم مسکون بوده و ساکنان قدیمی‌آن گیلها هستند (۱) که‌خونشان با خون عرب و مغول و ترك و پارسی مخلوط شده است . طاعون سال ۱۲٤٦ هجری (– ۱۸۳۰ ـ ۱۸۳۱ میلادی) بسیاری ازساکنان اینجارا‌ازمیان‌برداشت وسپس از بخشهای مجاور مانند آذربایجان و مازندران وعراق عجم وماورای قفقاز گروهی را بدین‌جا کوچانده‌اند ، از اینرو زبان وخون ایشان پس‌ازاین تاریخ بسیار آمیختگی پیدا کرده است .

گیلکهائی که درزمینهای هموارساحلی‌زندگی‌می کنند، سفید پوست‌اند وقدرت جسمی زیادی ندارند . فریزر (Fraser) ظاهر ایشان را همچون ظاهر بیماران می‌داند . مورخین دوران صفویه متوجه استعداد کم و کند فهمی‌ایشان شده‌اند ومی‌نویسند که سرکشی و بی‌انتظامی را دوست دارند . درسال ۱۰۳۸ هجری شاه صفی ایشان را خلع سلاح کرد و فقط اجازه داد که داسی با خود حمل کنند . (۲)

گالشها، گله داران صفحات گیلان هستند . زمستان را در تپه های پای کوه می گذرانند وتابستان رابه ارتفاعات می‌روند . محلهای ییلاقی‌ایشان معین و مشخص است . طوایف و تیره هـای مختلف ایشان در نقاط مختلف گیلان زندگی می کنند .

---

(۱) در کتب جغرافیائی یونانی Gelae .
(۲) گیلان رابینو ص ۲۷ .

تالشها در شمال غربی گیلان در پنج بخش جداگانه زندگی می کنند. بخشهای تالش نشین ایران ازقرار زیراست: کرگان رود، اسالم، تالش دولاب شاندرمن و ماسال. اینان نیز مانند گالشها در حرکت هستند. زمستانها را در پای کوه، در گیلان و تابستانها را در ارتفاعات دامنهٔ البرز می گذرانند.

گروهی اصل ایشان را ترك دانسته و می گویند یکی از پسران امیر چوپان- تالش نام- که سرکردهٔ سربازان چنگیزخان بود ایشان‌را بدین جا آورده است.

کردان رشوند درکناره‌های شاهرود و کنارهٔ راست سفیدرود زندگی می کنند. نخست‌هشتصداجاق (= خانوار) بوده‌اند که شاه عباس اول ایشانرا از ارزروم وشهر زور بدین جا آورده است.

طایفه ای چند از ترکان در عمارلو و رحمت آباد و رودبار زندگی می کنند. (۱)

خلخالیها به‌دنبال کار، زمستان‌را به گیلان روی می‌آورند. کارهای سخت ومشکل گیلان‌را اینان‌انجام می‌دهند.

کولیها نیز دراین سرزمین در زیر چادرهای محقر خود زندگی را می گذرانند. زنانشان فالگیرند ومردان آهنگری می کنند.

یهودیان از قدیم در گیلان راه یافته‌اند. میر ظهیرالدین از یهودیان دهکدهٔ چاکان اشکور درسال ۸٤٥ هجری یاد می کند.(۲) ترزل (Trézel) در سال ۱۲۲٤ هجری (= ۱۸۰۹ میلادی) جمعیت یهودیان رشت را پنجاه خانوار می‌نویسد.

درسیاهکل دیلمان درزمان رابینو(۱۳۳۱هجری) پانزده تا بیست خانوار

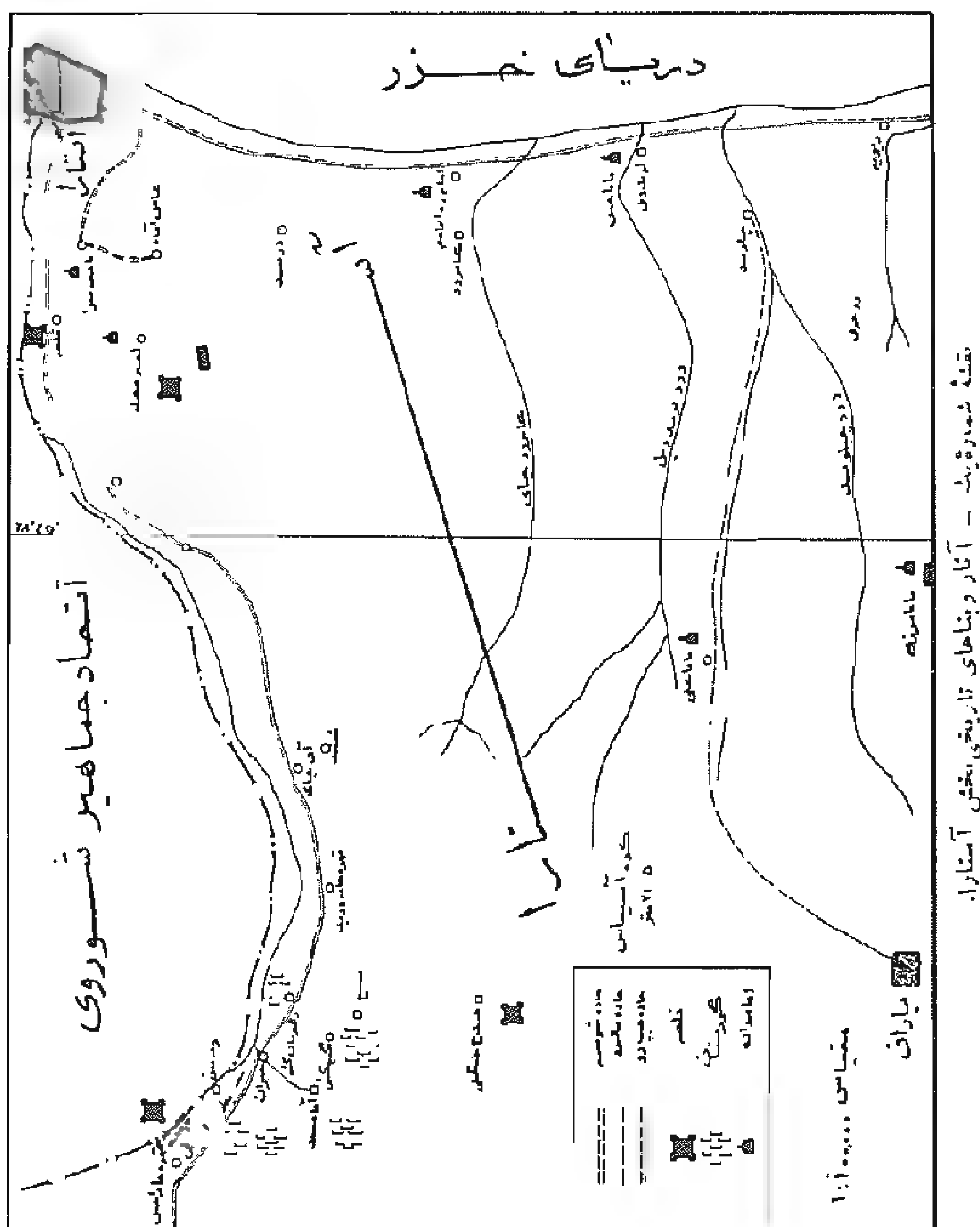
---

(۱) گیلان‌رابینو ص ۳۰ و ۳۱

(۲) سه نفر یهودی از یهودیان قریهٔ چاکان ازبدرقه جهت گشایه اشکور بگروت (؟) گیلان و دیلمستان ص ۲۰٥.

یهودی باد دوستند مختصری زندگی می کرده‌اند .

رابینو می‌نویسد : ارامنهٔ رشت به‌چهل خانوار می‌رسند . چندخانواری نیز در بندرانزلی هستند . اینان بازماندگان ارامنه‌ای هستند که شاه‌عباس به صفحات جنوبی دریای خزر آورده است .



نقشهٔ شمارهٔ یک — آثار و بناهای تاریخی بخش آستارا

بخش یکم

۱ـ جغرافیای تاریخی آستارا

درمتون جغرافیائی قدیم ازشهر آستارا ودیهای مهم اطراف آن یادی به‌میان نیامده است . گویا این شهر که پاره‌ای از مردم گمان می کنند تازه آباد است ، در آن روزها اهمیتی نداشته است . تا آنجا که نگارنده خبردارد، میرظهیرالدین مرعشی قدیمترین تاریخ نویسی است که از این شهر در کتاب خود یاد کرده است . او سه‌بار ، این محل‌را به‌نام «آستارا» (۱) ویك‌بار به‌اسم «استاره»(۲) خوانده است.

میرخواند نیز پس از میرظهیرالدین از آستارا یادکرده است . او می‌نویسد که در جمادی‌الثانیه سال ۱۰۰۲ که شاه‌عباس از راه خرزویل‌ومنجیل به کهدم وپس از آن به لاهیجان رفت ، علی‌خان حاکم بیه‌پس وامیره مظفر برادر امیره سیاوش در گسکر ، اظهار بندگی واطاعت نکردند . شاه‌عباس ، فرهادخان روملورا که سردار سواران والپیان بیك قاجار را که سرهنگ پیادگان آتشبار بود ، به‌دفع ایشان بفرستاد و به ذوالفقارخان قرامانلو امر کرد که ازراه طالش‌وآستارا ، باسپاه‌آذربایجان برسر گسکروامیره مظفر آید . (۳)

عبدالفتاح فومنی نیز از این‌شهر ذکری به میان آورده است ومی‌نویسد که شاه عباس به بهزاد بیك دستور داد ، از ابتدای آستارا تا سرحد و سامان مازندران درترتیب شوارع وتعمیر پلها دقیقه‌ای فروگذار ننماید . بهزادبیك

---

(۱) گیلان و دیلمستان صفحات ۲۸۳ و ۲۹۲ و ۲۹۶ . (۲) همین کتاب ص ۲۲۷ .
(۳) روضة الصفا ج ۸ ص ۱۷۱ .

راهها و پلهارا از آستارا تا اسپچین (۱) مرتب و معمور کرد. (۲)

یکی دوتن از جهانگردان، این‌محل را دیده و آنرا وصف کرده‌اند. شاید توصیفی که «ابت» (Abbott) ازاین شهر کرده است، رساتر از توصیف دیگران باشد. او نام قدیمی این شهر را«دهنه کنار» می‌داند ودربارهٔ آن می‌نویسد:

دهکدهٔ دهنه کنار (= آستارا) درمصب رودخانهٔ آستاراست. در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) که ابت از این محل عبور می کرد، پنجاه تا شصت خانوار جمعیت داشت و دکانهائی داشت که اجناس آنها به خارج از ایران حمل‌میشد.

در طرف دیگررودخانهٔ آستارا، سیصد تا چهار صد خانوار پراکنده است که محل ایشان به نام «کیل کران» مشهور است. اما از خاك ایران، چیزی ازاین‌خانه‌ها دیده‌نمی‌شود. در اینجا پنجاه تن قزاق‌روسی به‌مرزداری مشغولند. دیگر از روسیان در اینجا نشانی نیست. رئیس گمرك آنجا به اجناسی که وارد خاك روسیه می‌شود، مهری می زند و آنها را به لنکران (= لنگر کنان) می‌فرستد تا به‌کار گمرك آنها رسیدگی شود. قرنطینهٔ‌روسها نیز درلنکران است. دهانهٔ رودخانهٔ آستارا، پنجاه تا شصت یارد است که فعلاً آب درآن جاری است، اما بستر اصلی این‌رودخانه بیشتر از این‌مقدار است. آستارا بندرگاهی ندارد و کشتیها، بارهای خود را تحویل قایقها می‌دهند و به‌ساحل می‌آورند. حدود ناحیهٔ آستارا، به‌ساحل شمالی رودخانه نیز کشیده می‌شده است. وحد جنوبی آن درخاك ایران به‌رودخانهٔ‌چیلوند می‌رسد. ظاهراً این ناحیه کم جمعیت است. درکوهستان جمعیت ثابتی‌نیست و در دشت و زمینهای هموار غیر از دهکدهٔ دهنه کنار، چهار دهکدهٔ دیگر نیز وجود دارد (۳).

(۱) در اصل: رسچین. (۲) تاریخ گیلان ص ۱۵۹.

(۳) یادداشتهای ماشین‌شدهٔ ابت متعلق به آقای چنگیز شیخلی‌صفحات ۱۰و۱۲.

بخش طالش نشین ، بخش وسیعی است که اکنون میان روس و ایـران تقسیم شده است . حد شمالی آن رودخانهٔ ارس ومحل اتصال ارس و کر است که این بخش را از سالیان که متعلق به شیروان است ، جدامی کند و از جنوب به دماغهٔ شنی که بـــنـــدرانـــزلـــی در آنست می‌رسد . حدشرقی آن سواحل دریا و حدغربی آن قلل کوههاست و گاهی دهکده‌هائی درآن سوی کـوه نیز طالش نشین است .

طالش آستارادرزمانی به بخشهای کوچکتر زیر تقسیم می شده است .

۱ ــ خومبلی . ۲ ــ زووند . ۳ ــ دریج . ٤ ــ الوف (= لنکران) ایـن بخشها فعلاً در خاك روسیه است .

اوجارود ومغان وآستارا میان روس و ایران تقـیم شده استو ولکچ (= پلکچ)متعلق به ایران است ــ بخش طالش نشین کرگان رود درآن وقت در دست بالاخان‌واسالم در دست مصطفی‌خان ، طالش دولاب دردست علی‌قلی خان ، شانـدرمن در دست نصرالله‌خان وماسال‌دردست محمدخان بوده‌است .

اراضی‌مغان‌ایران سکنه‌ای‌ندارد ، طوایفی درزمستان فقط‌درآنجاساکن هستند . طالش کرگان رود و اسالم شامل هجده بخش کوچکتر است . دیها و قصبات آن در حدود چهار هزار خانوار جمعیت دارد . اینان در تـابستان به کوههای زیبا وخوش منظر ییلاقی خود می‌روند و چندنفری برای‌رسیدگی به شالیزارها ، در محل می‌مانند . جمعیت طالش کسکر معلوم‌نیست ولی دیهای آن آبادتر است واثر خوبی از بخش‌طالش در ذهن‌مسافرمی گذارد.(۱)

۲ ــ آثار وبناهای تاریخی آستارا

ترتیب و تنظیم منطقی ثبت آثار وبناهای‌تاریخی ناحیهٔ آستارا که‌قسمت اعظم‌آن کوهستانی و کنار رودخانه است ، ایجاب می کرد که‌ابتدا از آبریز سمت راست این‌رودخانه که جزء خاك‌ماست شروع کنیم و ازگردنهٔ‌حیران در

---

(۱) یادداشتهای‌ماشین شدهٔ ابت متعلق به‌آقای‌چنگیزشیخلی صفحات ۱۳ و ۱٤

امتداد آب پائین آئیم و یکایک دره‌های فرعی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. کار نگارنده نیز چنین بود. اما در ضمن جستجوی این آثار، به مزار پیری برخورد که پس از ششصد و پنجاه سال قمری هنوز مورد احترام و تعظیم ساکنان دهکده‌های اطراف است و مسلماً سالهای چندی، پند و موعظهٔ او کج اندیشان را به راه راست آورده و زهد و پاکی او سرمشق عده‌ای در این صفحات بوده است. از اینرو یاد مزار اورا در این کتاب مقدم بر سایر آثار قدیمی کردیم و نام اورا سرلوحهٔ این کتاب قرار دادیم تا شاید روح پرفتوح او، این کمترین را یار و یاور باشد و همتی بدرقهٔ راه این بنده کند.

همتم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس　　　که دراز است رهٔ مقصد و من نوسفرم

بقعهٔ شیخ تاج‌الدین محمود خیوی (۱) در لمیر محلهٔ (۲) آستارا

کنار یکی از شعب طرف راست رودخانهٔ آستارا، پوزه کوهی است که مسلط بر اراضی شالی‌زار اطراف است. درمیان جنگلی از درختان کیش قدیمی که دوازده اصله آنها بسیار کهن است و زیر سایهٔ سه درخت آزاد قطور کهنسال، بنائی مکعب شکل از سنگ و آجر است. قسمت پائین چهار دیوار بنا، سنگ تراشیده و ارتفاع آن در دیوارهای جنوبی و غربی و شمالی ۲۵۰ سانتیمتر و طرف شرقی ۳۵۰ سانتیمتر است. مابقی ارتفاع دیوارها تا ۵۸۰ سانتیمتر که ارتفاع اصلی بنا غیر از گنبد است، از آجر چیده شده است. ابعاد ضلع شرقی و غربی از خارج ۵۲۰ سانتیمتر و اضلاع شمالی و جنوبی ۵۱۰ سانتیمتر است. بام این بنا، گنبدی مدور آجری است که آبروی آن به دو ناودان سنگی که در دو گوشهٔ اضلاع جنوبی و شمالی تعبیه شده است، منتهی می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۵) در ورودی شرقی و به عرض ۷۶ سانتیمتر و ارتفاع ۱۶۷ سانتیمتر است. از این در وارد اطاقی به ابعاد ۳۷۳ سانتیمتر می‌شود. درسه دیوار غربی و جنوبی و شمالی به ترتیب،

(۱) خیاو، نام سابق مشکین‌شهر امروزی است.　(۲) لمیر بایاء مختفی تلفظ می‌شود.

پنجره هائی به‌ابعاد ۵۳ سانتیمتر × ۹۲ سانتیمتر و ٤٥ سانتیمتر × ۹۲ سانتیمتر و ٤۷ سانتیمتر × ۹۳ سانتیمتر ، باطاقی هلالی بند شده است که هر سه پنجره آهنی مشبک است واز خارج توری دارد .

دراین اطاق مربع شکل سه قبر با سه سنگ قبر است . قبر وسط که مزار شیخ محمود است ، سنگی به‌طول ۲۱۰ سانتیمتر وعـرض ٦۹ سانتیمتر وارتفاع آن ازسطح بقعه ۳۵ سانتیمتر است . قبر شمالی سنگی به‌طول ۲۱۰ وعرض ۷۲ وارتفـاع ۲۸ سانتیمتر دارد. سنگی به‌شکل مکعب مستطیل ، عموداً بربالای سر مدفون و سنگ دیگری به همان شکل پائین پای او نصب شده است . قبر سوم که طرف جنوبی قبر شیخ است، سنگی به طول ۲۱۰ وعرض ٦٦ وارتفاع ۳۰ سانتیمتر دارد . مسلماً دوقبر طرفین قبر شیخ ، قبور نزدیکان یا جانشینان اوست . (عکس شمارهٔ ۲)

بربالای سر شیخ محمود سنگی سیاه رنگ به عرض ٥٤ و ارتفاع ۹٥ سانتیمتر است که با خط خوش نسخ بر آن عباراتی نوشته شده است . برپائین پای شیخ نیز سنگی عموداً نصب شده است . ارتفاع این سنگ ۷۳ وعرض پایهٔ آن ٤۰ وقطر دایرهٔ بالای آن ۳۸ سانتیمتر است .

بر بدنهٔ خارج سنگی که بر بالای سر شیخ محمود است، این عبارات خوانده می‌شود :

هذا مرقد الشیخ العالم العامل الفاضل الکامل الزاهد العابد تاج الملة والدین محمود بن الشیخ هدیة الخیوی طاب ثراهما توفی ضحوة الحادی و العشر من جمادی [الثانیـه] سنة اثنین وثلثین وسبعمایه . (عکس شمارهٔ ۳)

بر طرف دیگر سنگی که روی آن به‌طرف قبر شیخ است ، نقش ونگار زیبـا و اطراف آن دو بیت شعر عربی از ابوالعتاهیه است . بدین قرار :

کفی حزناً بدفنك ثم انی		نفضت تراب قبرك من یدیّا

وكانت في حيوتك لي عظات وأنت اليوم او عظ منك حيّا(۱)

(عکس شمارهٔ ٤)

بر قسمت پائین قطر سنگ که رو بهشمال قرار می گیرد ، این عبارات حك شده است .

عمل يد الاستاد شرف الدين عثمان بن جمال الشيرازى .

درحاشیهٔ پشت سنگ این عبارات است :

الساعي في عمارة هذه ابنه والوالى فى عهده المجاهد [حق الجهاد ؟ شکسته است] قال حكيم أبلغ العظات النظر الى محلة الاموات . (۲)

درحیاط بقعه ، در زیر درختان کیش . سنگهای قدیمی بهاشکال مختلف دیده می‌شود که بیشتر نقشها و نوشته‌های آنها فرسوده شده و ازمیان رفته است . یکی دو سنگ‌شکستهٔ مرمر که یکی متعلق به‌محرابی قدیمی بوده است، جلو در ورودی‌بقعه است وبردیگری نقوش تیر و کمان ونظایر آنها دیده می‌شود . سنگ‌آهکی دیگری که داخل‌آن خالی است به‌طول ۳۵ وعرض ۳۱ وارتفاع آن با پایه ٥٥سانتیمتر ، درحیاط بود که برچهار طرف‌آن نقش ونگار داشت وبر حاشیهٔ قسمت بالای آن ، باخط نسخ آیة الکرسی تا آخرحك‌شده بود .

سنگهای تراشیدهٔ متعدد که شایدروزی سنگ قبرمردی یا زنی‌می‌شده است دراطراف‌بقعه زیاد است . این بنا به‌نظرمن، واسطة العقدونگین‌انگشتری بناهای تاریخی گیلان است .

---

(۱) دوست ارجمند جناب آقای حکمت آل‌آقا ، این دو بیت‌را که در پاره‌ای جاها ریختگی داشت وغلط نقل‌کرده بودم تصحیح کردندومتذکر شدند که این ابیات ازقصیده‌ایست که ابوالعتاهیه در رثاء دوستی علی‌نام گفته است . (۲) آقای آل‌آقا فرمودند اصل این گفته چنین است :

«ابلغ العظات السير فى الفلوات والنظر الى محلة الاموات» و از قس بن ساعدة الايادى است .

قلعهٔ شیندان

این قلعه که امروز بیرون از خاک ما است، قرون متمادی، جزء خاک ما بود و آنچه بر او گذشته است، مستقیماً با تاریخ ما بستگی دارد. تاریخ بنای این قلعه که از قلاع قدیمی ایران بوده است، همچون دژ بذ که در دست بابک خرم‌دین بود، به قبل از دوران اسلامی می‌رسد. این قلعه از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی آستاراست واز بالای گردنهٔ حیران (= گردنهٔ حاجی امیر) ، در فاصلهٔ پانصد متری ، با حصارهائی از سنگ تراشیده نمایان است .

ابت(Abbott) جهانگرد انگلیسی از قلعه‌ای به‌نام«شنغان» بر کوهی طرف غرب دهکدهٔ آستارا یادمی کند . (١) نامبرده ، سمت وجهت قلعه‌را نسبت به‌آبادی آستارا درست‌تعیین کرده، اما در نقل‌نام دچاراشتباه کرده است بی‌شك این‌قلعه، همان‌قلعهٔ مورد بحث ماست .

از سوانحی که دراین‌قلعه‌روی داده است، قیام‌امیرحمزه‌خان طالش ، در زمان‌شاه‌عباس ومأمورشدن ذوالفقارخان قرامانلو به‌دفع‌اوست . شرح‌این‌واقعه را عبدالفتاح فومنی‌چنین نوشته است :

چون مدتی‌بود که امیرحمزه خان‌طالش حاکم‌آستارا ، دم از مخالفت و عصیان زده ، در قلعه شیندان که در نهایت ، متانت وحصانت داشت، متحصن گشته‌بود . حسب الحکم مقررشد که ذوالفقارخان حاکم اردبیل ، به‌اتفاق عساکر،قلعهٔ‌مذکوره‌را قبل‌نمایند. ذوالفقارخان قرامانلو بالشکرآذربایجان مدت نه ماه قلعهٔ شیندان را قبل نموده ، در تسخیر قلعهٔ مذکوره و تصرف ولایت‌آستاراو لنکرکنان سعی‌موفور وجهد نامحصور می‌نمود . وجمعی کثیرو جمّی غفیر از غازیان عظام ودلیران خون‌آشام بزخم تیر سخت کمانان طالش ازپای درآمدند . والاخر طرفین از این گیرودار به تنگ آمده،امیرحمزه‌خان

---

(١) یادداشتهای ماشین‌شدهٔ «ابت» متعلق به‌آقای چنگیز شیخلی ص ١١ .

عرضه داشت نوشته و مصحوب آدم اعتباری بنزد شاه عباس فرستاد ، شفعاً برانگیخته عرض می کند که بنده سگ و بندهٔ آن آستان اقبال آشیانم واز بیم عداوت فرهادخان و ترس ازالهٔ ناموس وحفظ جان به این مکان ناپسند قیام نموده‌ام . نواب شاهی حسین خان شاملو را که از مختصان درگاه است ، روانهٔ این صوب نمایند ، تا من به‌امن و امان او اعتماد کرده و قلعه‌را به او سپرده ، به مأمنی که خواهم بروم . بندگان شاهی ملتمس او را به قبول مبذول گردانیده ، فرمان داد که حسین‌خان‌شاملو از ولایت بیه‌پیش روانهٔ مملکت آستارا شده ، امیرحمزه‌خان طالش‌را با اهل‌وعیال ومتعلقان مرخص سازد که بهرجا که خواسته‌باشد برود. حسین‌خان درروز پنجشنبهٔ صفر سنهٔ ۱۰۰۱ علی‌آبادفومن را وداع نموده . از راه گسکر عازم آستارا گردید وبعداز وصول قلعهٔ شیندان وحصول استیمان ورفع استنجات امیرحمزه خان‌را با اهالی حرم وفرزندان از قلعهٔ‌شیندان بیرون‌آورده ، وبفرضهٔ خشکه دهنه، کشتیها حاضر آورده، روانهٔ شروان گردانید . وقلعهٔ شیندان با الکای آستارا ولنگرکنان تسخیر شده ، به‌ضبط وربط ودارائی ذوالفقارخان مقرر گشت وحسین‌خان از آن راه معاودت نموده، سالماً غانماً به‌درگاه‌رسید . (۱)

امیر حمزه خان به دست محمد باقر و ملا فاضل که اصل ایشان از ولایت خلخال بود در صحرای شماخی هنگام شکار باز و بحری کشته شد . (۲)

قبرستان قدیمی وَنَه‌بین(۳)

درسر راه فرعی نمین که از نزدیکی دهکدهٔ حیران جدا می‌شود ، نزدیك به ونه‌بین ، زیرتگاهی است که چند سنگ تراشیدهٔ نقش‌دار قدیمی در آنجا است .

---

(۱) عبدالفتاح ص ۱۰۸ و ۱۰۹ . (۲) عبدالفتاح ص ۱۸۹ و ۱۹۰

(۳) بفتح واو ونون .

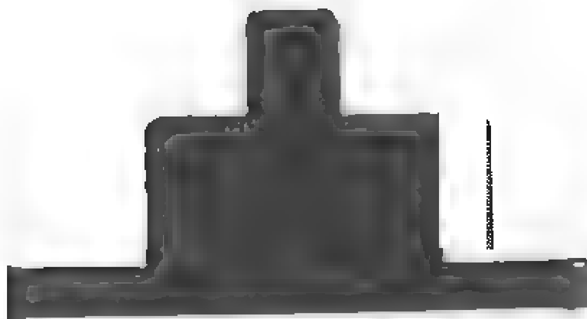
قبرستان قدیمی بالای دهکدهٔ حیران

در این قبرستان پنج سنگ تراشیده با علائم تیر و کمان وشمشیر زیر درخت گردوئی وجود دارد.

قبرستان قدیمی دهکدهٔ گنج کشی از آبادیهای نزدیك به حیران

در دامنهٔ کوهی که مقابل دهکدهٔ گنج کشی است، قبرستانی قدیمی بوده است. سراسر این قبرستان فعلاً کشتزار است وسنگها از میان کشتها سر بیرون کرده‌اند. یازده سنگ در این قبرستان دیده شد. برهیچیك نوشته و تاریخی نبود. این سنگهای تراشیده، پایه‌ای پهن‌وصاف‌دارند که تمام‌مساحت گوررا می‌پوشانده است. از چهار جهت قسمت بالای این پایه، در حدود سی سانتیمتر تراشیده وقسمت‌وسط را به‌وجودآورده‌اند. قسمت سوم، بالای‌قسمت وسط و آن نیز به‌همین ترتیب تراشیده شده است. شکل این سنگها، وقتی به طول آنها نگاه کنیم شبیه پلکانی است. یکی از سنگهای این قبرستان که تراش ظریف‌تری داشت، ابعادآن بدین ترتیب بود.

قسمت‌پهن‌پایه به‌طول ۱۷۷ وعرض ۵٦وقطر ۱۸ سانتیمتر، قسمت‌تراشیدهٔ‌روی‌پایه‌به‌ارتفاع ٤۳ وقسمت بالائین بـه ارتفاع ۱۸ سانتیمتر بود. (شکل شمارهٔ یك)



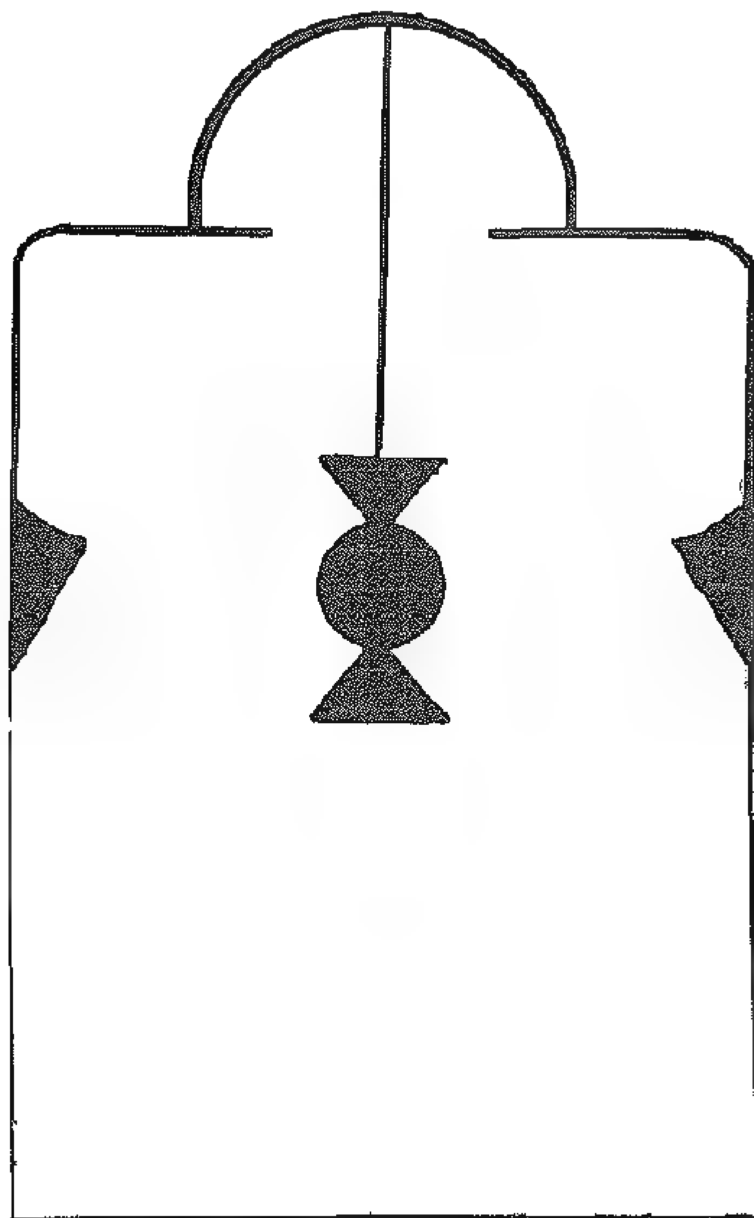
شکل شمارهٔ یك ـ مقطع‌عمودی یکی از سنگهای قبرستان دهکدهٔ گنج کشی

قبرستان قدیمی آقا مسجد

برای رسیدن به قبرستان آقامسجد، از گنج کشی به گول[1] واومید مرزی‌وخدرکشی[2] می‌توان رفت ودر اینجا پس‌از گذشتن ازآب‌رودخانه و

(۱) بفتح کاف و کسر واو. (۲) بکسر خاء و دال و فتح کاف.

پیمودن سربالائی سمت راست رودخانه، به آقامسجد می‌رسیم. راه دیگر از گول به بش اولری [۱] و قبل از رسیدن بـه رودخانه به راه سابق بر می‌خورد. اراضی آقا مسجد جزء دهکدهٔ بش اولری و این دهکده جزء دیهای حیران است.



شکل شمارهٔ دو ـ قندیلی که بر بدنهٔ سنگ شمارهٔ یك حك شده است

در این قبرستان، در محوطه ای کـه دور آن سنگ چین شده بود، هشت قطعه سنگ تراشیده به شرح زیر دیده می‌شود:

* سنگ شمارهٔ یك: به طول ۱۲۵ و عرض ۴۰ وقطر ۲۶ سانتیمتر است. بر یك بدنهٔ سنگ، در طرف دست راست با خط نسخ چنین حك شده است:

الدنیا ساعة واجعلها طاعة. طرف دست چپ همین بدنـه:

قال رسول الله (به علت فرسودگی خوانده نشد).

بر بدنهٔ دیگر سنگ، (شکل شمارهٔ دو) قندیلی در وسط و طرفین آن

(۱) به معنی پنج خانواری است. اما امروز بیش از سی خانوار جمعیت دارد.

دو حدیث است که درست خوانده نشد.

*سنگ شمارهٔ دو: به‌طول ۱۵۶ وعرض ۳۵ وقطر ۲۰ سانتیمتر است. قسمت بالای روی سنگ، نام صاحب قبر است که خوانده نشد. پائین‌تر از آن به خط کوفی مربع، چهار نام محمد در چهار جهت مختلف ونام علی در وسط آنهاست. زیر این نامها شکل محرابی برسنگ نقراست. بریکی ازبدنه‌های سنگ نقش رحل وتنگ ومهروتسبیح است.

*سنگ شمارهٔ سه: به‌طول ۱٤۰ وعرض ۳٦ وقطر ۱۹ سانتیمتر است. قسمت بالای روی سنگ به‌خط کوفی مربع، چهار نام محمد درچهار جهت مختلف و یك نام علی در وسط آنهاست وزیر نامها، محرابی درسنگ نقر شده است.

*سنگ شمارهٔ چهار: به‌طول ۱۸۰ وعرض ۳۸ وقطر آن با پایه ٤۳ وقطر پایه ۱۰ سانتیمتر است. روی سنگ قسمت بالا، چهارنام محمد در چهار جهت مختلف ووسط آنها نام علی باخط کوفی مربع حك شده است وپائین آنها محرابی در سنگ نقر است.

*سنگ شمارهٔ پنج: به‌طول ۱٤٦ وعرض ٤٤ وقطر ۲۸ سانتیمتر است. بر روی یك بدنهٔ آن نقوشی با کمر شمشیر و کمان ونظایر آنهاست، که پاره‌ای از آنها زیاد روشن نیست.

*سنگ شمارهٔ شش: به‌طول ۱٤۷ وعرض ۳۵ وارتفاع ۳۰ سانتیمتر است. قطر پایهٔ این سنگ به هشت سانتیمتر می‌رسد. این سنگ از جنس سنگهای دیگر نیست وبقدری صاف است که به‌نظر ریخته وقالب‌زده می‌آید. قسمت بالای روی سنگ عبارت زیر، باخط نسخ حك شده است:

غلام شاه ولایت المرحوم المبرور (نام صاحب قبر خوانده نشد).

زیر این قسمت درمربعی باخط کوفی مربع، چهار طرف چهار نام محمد و یك نام علی در وسط است وزیر این نامها، محرابی درسنگ نقر شده است.

*سنگ شمارهٔ هفت: به‌طول ۱۷٦ وعرض ۵۰ وقطر ۳۰ سانتیمتر است. برروی آن نقوشی از شمشیر وآلات دیگر جنگی زمان که زیاد روشن نیست

دیده می‌شود. نقوشی از بز کوهی نیز بر این سنگ نقر شده است.

* سنگ شمارهٔ هشت : به طول ۱۳۰ و عرض ۲۹ و قطر ۴۷ سانتیمتر است. بر حاشیهٔ بالای چهار بدنهٔ سنگ نوشته داشته‌است، از آنها هیچ خوانده نشد.

سنگ دیگری در این محوطه است که روی آن فقط نقشی از محراب نقر شده است. شاید این سنگ قبر آماده، برای مدفن کسی مورد استفاده قرار نگرفته است. این سنگ به طول ۱۶۵ و عرض ۳۲ و ارتفاع ۵۱ سانتیمتر است

این سنگها بی‌شك مربوط به دوران صفویان است و احتمال دارد که این محل روزی صحنهٔ جنگی بوده است و این سنگهای قبور سران و سرکردگانی است که در جنگ کشته شده‌اند.

قبرستان قدیمی سر پیچ دگرمان کشی
در راه آستارا به اردبیل

در این قبرستان قدیمی، تعداد نه سنگ تراشیدهٔ ظریف به سبك سنگهای گنج کشی که مانند پلکانی تراشیده شده است وجود داشت. اندازهٔ یکی از اینها که پایه‌ای پهن داشت، از قرار زیر بود:

طول پایه ۱۴۵ وقطر آن ۸ و ارتفاع دو تراش سنگ از کف پایه ۶۰ سانتیمتر بود. لبهٔ تراش اول ۱۰ و لبهٔ تراش دوم ۱۱ سانتیمتر بود.

در این قبرستان سنگی صاف دیده شد که ریشه‌ای ناصاف داشت. این قسمت ریشه در خاك جای داشته و سنگ عموداً بر بالای سر مدفون قرار می گرفته است. بر این سنگ نقش کمانی بسیار ظریف بود. طول این سنگ ۱۰۶ و ارتفاع آن تا آخر ریشه ۱۱۴ سانتیمتر بود بر بالای قطر سنگ سه تراش طبقه طبقه بود.

دیو اولری(۱) دوستاق خانه(۲)
نزدیك آب گرم علی داشی در فندخ جنگلی

راه آب گرم علی داشی از آق چای در راه آستارا به اردبیل جدا می‌شود و از محلهای زیر می گذرد:

---

(۱) به معنی : خانه‌های دیو.   (۲) به معنی : زندان.

کیلاده ـ قبله‌بولاغی ـ کربولاغی[۱] ـ چم‌کشی ـ اُت‌کیلان داش [۲] کشه درما ـ [۳]علی داشی . از آب گرم علی داشی تامحل دوستاق‌خانه ، در حدود سه کیلومتر راه است . فاصلهٔ میان آق چای و دوستاق خانه تقریباً ده کیلومتر است . بربالای کوهی که مسلط به رودخانه است ، اطاقی در سنگ کنده‌اند .طول اطاق چهارمترو نیم‌وعرض آن سه‌متر است(عکس شمارهٔ ۵). اهالی آق‌چای اظهارمی کردند که دراین محل قبرستانی نیز هست ،ولی هرچه در اطراف وجوانب جستجو کردیم، نشانی ازقبرستان نیافتیم.

قلعه

نزدیك بده‌کدهٔ لمیر محلهٔ آستارا

بربالای کوهی که مسلط به لمیر محله است ، آثار قلعه خرابه ایست . مصالح اصلی بنای قلعه، سنگهای طبیعی رودخانه بوده است که به رنگهای مختلف در اطراف و جوانب پرا کنده است . اطراف محوطهٔ اصلی ، سه خندق دایره‌ای شکل است که عرض‌هریك درحدود دومتر هنوز باقی است.عمق آنها به‌علت شسته‌شدن خاك‌وسبزشدن گیاه ودرخت‌فراوان معلوم نشد. ازخودبنا نیز آثارزیادی بر جای نیست .

بابا بلندی

در دو فرسنگی لمیر محلهٔ آستارا

بابابلندی دراراضی سجیه [٤]است . قبور قدیمی بدون سنگ قبروتاریخ اینجا زیاد است .

تربت یحیی

درشونده چاله[٥]محلی به نام تربت یحیی است ، در اینجا نیز قبور قدیمی زیاد است .

---

(۱) بضم‌کاف . (۲) بضم الف وکاف وفتح لام . (۳) بضم کاف و فتح دال .
(٤) بفتح سین وباء . (٥) بفتح دال ولام .

قبور شیخ محله

درشیخ محله نیز قبور قدیمی بدون سنگ قبر رباد است .

بقعهٔ پیر قطب الدین
نزدیك دهکدهٔ باغچه سرا

در سه کیلومتری راه آستارا به‌اردبیل، نزدیك دهکدهٔ باغچه‌سرا، بنائی آجری قدیمی است که مدفن ومزار پیر قطب‌الدین است. طول‌این‌بنا ۱۱/۳۰ متر وعرض آن شش متر است . در آخرین قسمت ضلـع جنوبی ، دری است که به کفش کن باز می‌شود. طول کفش کن باعرض بنا یکی استودر آخرین‌قسمت آن انباری کوچك است . دری میان کفش کن و بنای اصلی بقعه ، درضلع جنوبی است . (عکس شمارهٔ ٦)

صندوقی تخته‌ای‌وساده به‌طول ۱۹۰وعرض ۱۰۰وارتفاع ۹۰ سانتیمتر ،درقسمت غربی‌اطاق، میان‌ضلع‌شمالی وجنوبی، قرارداده‌شده‌است. سقف‌اطاق و کفش کن واشان کشی وروی‌واشانهاپل کوبی است. بام هردوقسمت سفال‌سر است.غیر از در ورودی،پنجره‌ای‌نیزاز کفش کن به‌اطاق بازمی‌شود. طرف‌جنوبی‌اطاق‌چهار پنجره‌وطرف‌شرقی دوپنجره‌باطاقهای‌هلالی است. طرف‌شمال اطاق دوطاقچه‌در دیوار بنا شده است.

سنگ‌مرمری‌داخل بقعه‌است که طول آن ۱۲۲ وعرض آن ۳۰وقطر آن۱٦ سانتیمتر است وفعلاً برروی آن‌شمع روشن می کنند. بردوقطر آن این‌عبارات خوانده می‌شود :

ذنوبنا و کفرعنا سیئاتنا وتوفنا مع‌الابرار[۱]صدق‌الله العظیم . قسمت‌اول آیه‌و آیهٔ‌مقدم برآن بر طرف‌دیگر بود که بعلت‌همجواری‌بادیوارخوانده‌نشد، احتمال دارد آن قسمت ،آیهٔ۱۹۳ همین سوره[۲]باشد . (عکس شمارهٔ ۷ و۸)

---

(۱) قسمتی ازآیهٔ ۱۹۳ سورهٔ آل عمران ابتدای آیه چنین ست . ربنا فغفرلنا ذنوبنا الخ .

(۲) این آیه چنین شروع می‌شود . ربنا انـا سمعنا الخ .

روی‌سطح سنگ درحاشیهٔچهار طرف ،آیةالکرسی تا عروة الوثقی لاانف (شکستگی) خوانده می‌شود.

درقطر قسمت‌پائین‌سنگ، این‌عبارات روشن خوانده می‌شود:

تاریخ وفات میرزامحمدبن قبادجان‌سنة اثنی اربعین تسعمایه.

میان‌سطح‌سنگ، گل‌وبته ونقش‌بسیارطریف وپرکاردارد.

کنار در ورودی بقعه، داخل کفش کن، سنگی‌سیاه بزرگ تو خالی‌است که روزی سنگ قبری بوده است. اما به علت فرسودگی، نوشته های آن خوانده نشد.

چون نظیر آن‌را در نقاط دیگر گیلان دیده‌ام، تاریخ آن نباید مقدم بر سنهٔ نهصد هجری باشد. نقوشی زیبا و پر کار بر چهار بدنهٔ آن حك شده است. (عکسهای شمارهٔ ۹ و۱۰ و ۱۱)

قلعه
برسرراه آستارا به‌اردبیل نزدیك شهر آستارا

کنار راه آستارا به اردبیل، طرف راست‌جاده در دهکده‌ای به‌نام قلعه، نزدیك به‌پاسگاه‌مرزبانی فعلی،درمیان شالی‌زار، خاك‌ریزی‌دستی است که‌به‌نام قلعه‌معروف است‌ونام دهکدهٔ قلعه‌نیز ازاین‌دژ قدیمی گرفته شده‌است. دراین تپه،آجرپاره وسفال‌زیاد دیده‌می‌شود.

بقعهٔ سید ابراهیم وسید قاسم پسران امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ کان رود آستارا

برطرف راست راه‌آستارا به بندرنزلی، در نه کیلومتری آستارا، بنائی نوساز است که‌دارای چهارپایهٔ‌اصلی‌وگنبدی‌مدور برسر آنهاست. بنای‌قدیمی‌آن چوبی وسفال سر بوده است. بتازگی‌آن‌را خراب کرده وبنائی تازه‌به‌جای‌آن ساخته‌اند. صندوقی‌ساده درمیان‌چهار طاقی اصلی است.طول‌آن ۱۹۰ وعرض۱۳۰ وارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر است.درطرف شمال وجنوب، دوایوان

است که از دو درآهنین، از ایوانها به‌صحن بقعه می‌آیند. طرف شرقی‌بنای جدید، عباسیه قدیم و طرف غربی‌آن زنینیه [1] قدیمی برجاست. (عکس شمارهٔ ۱۲)

بقعهٔ باباحسن
درلوَندِویل[2] آستارا

باباحسن از پیرانی است که شاگردی شیخ زاهد گیلانی را کرده است. صندوقی کوچك چوبین در میان بقعه ای سفال سردر میان درختان کیش است. اطراف بقعه این‌مرد قبرستان عمومی وقدیمی‌است.

بقعهٔ باباعلی
در دهکدهٔ باباعلی

این مرد بزرگ از کسانی است که خدمت شیخ زاهد گیلانی را کرده است. مزار اودر آبادی سیصد خانواری به نام بابا علی است که از کنار آب رودخانهٔ چیلونددرحدود پنج فرسنگ بالامی‌رود. بنائی است چوبین وساده‌با صندوقی ساده وبدون تزئین وبامی‌لت پوش.

مزار بابا عرزی
کنار رودخانهٔ ویزنه .

شامل بنائی‌چوبین‌وساده و بدون تزئین است. مزار این مرد دور از آبادی واز کنار رودخانهٔ ویزنه، درحدود پنج فرسنگ‌بالا می‌رود. اطراف این بقعه قبرستان اربابان واشراف محل‌است.

---

(۱) دراین صفحات ، مسجد مردانه را عباسیه ومسجد زنانه را زنینیه خوانند .

(۲) بفتح لام و واو و کسر دال .



عکس شمارهٔ ۱ ـ بقعهٔ شیخ محمود خبوی



عکس شمارهٔ ۲ ـ سنگ پائین پای مزار شیخ محمود خیوی و قبر مجاور آن

عکس شمارهٔ ۳ قسمتی از سنگ قبر شیخ محمود خیوی



عکس شمارهٔ ٤ ـ نقش سنگ مزار شیخ محمود خوی

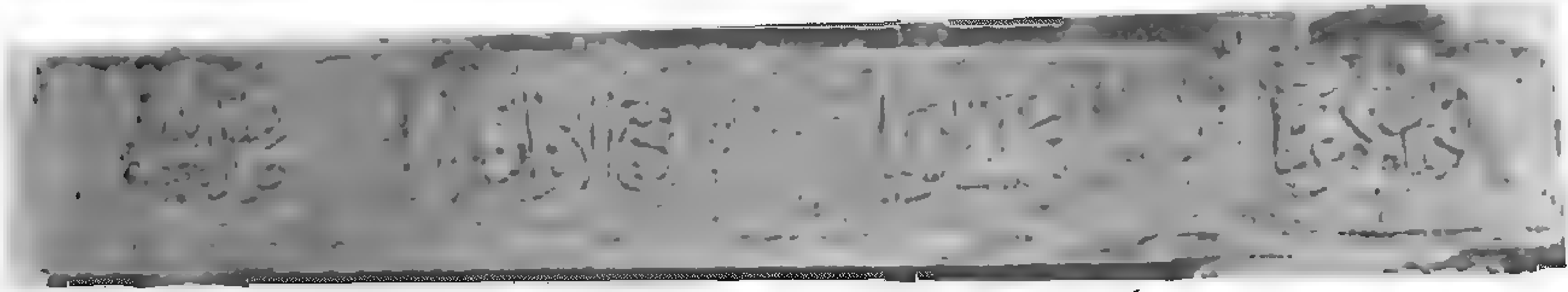


عکس شمارهٔ ۵ ـ اطاقی که در دل سنگ در فندخ جنگلی کنده شده است



عکس شمارهٔ ۶ ـ بقعهٔ پیر قطب الدین

عکس شمارهٔ ۷ ـ قسمتی از نوشته و نقوش سنگ مرمر در بقعهٔ پیر قطب‌الدین

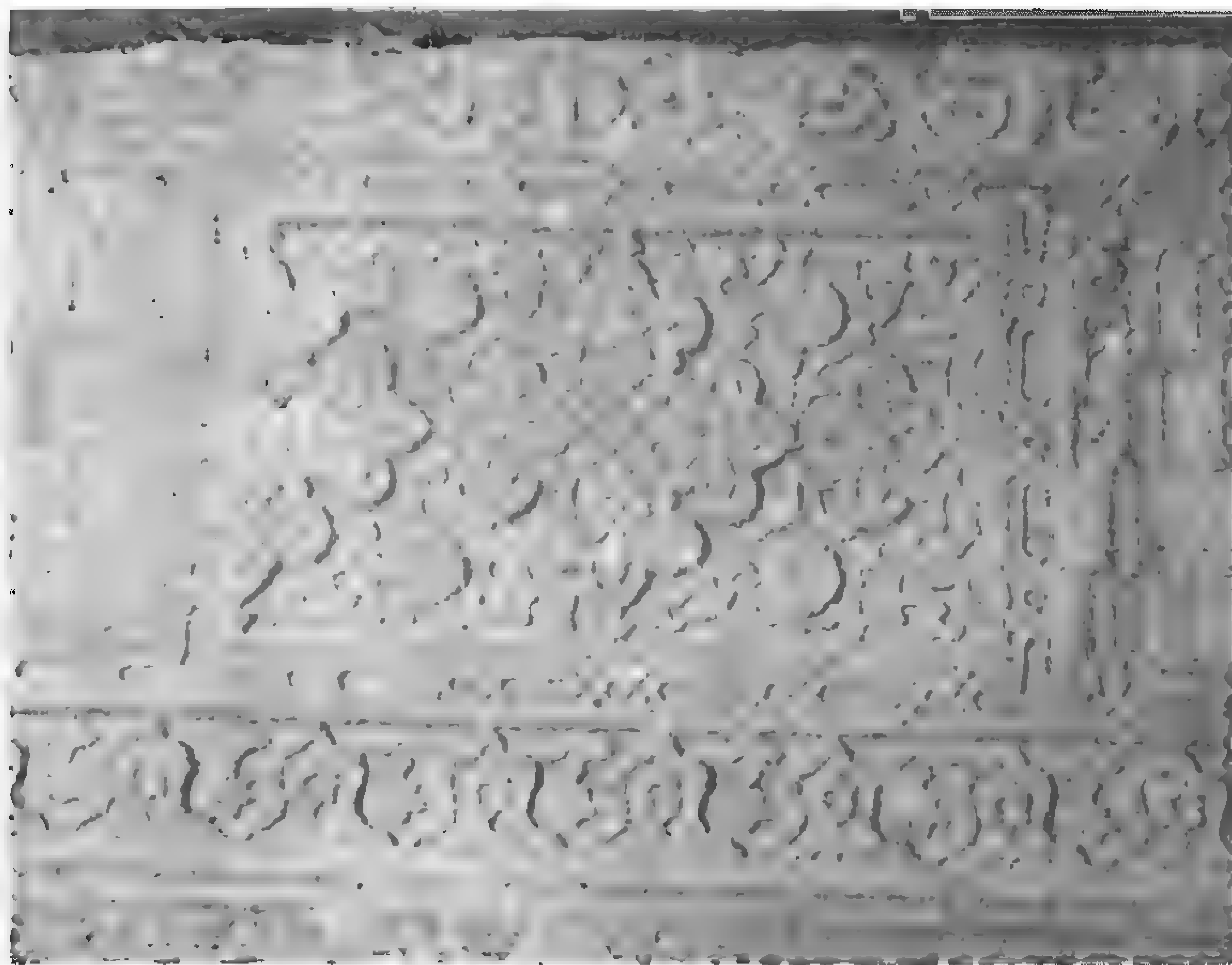


عکس شمارهٔ ۸ ـ نوشته‌ها و نقوش سنگ مرمر در بقعهٔ پیر قطب‌الدین



عکس شمارهٔ ۹ ـ نقوش یک سر سنگ قبری که در کفش کن پیر
قطب الدین است

عکس شمارهٔ ۱۰ – نقوش بدنهٔ سنگ قبری که در کفش کن پیر قطب الدین است.



عکس شمارهٔ ۱۱ ـ قسمتی از نقوش بدنهٔ سنگ قبری که در کفش کن
پیر قطب الدین است



عکس شمارهٔ ۱۲ ـ بقعهٔ سید ابراهیم و سید قاسم در دهکدهٔ کان رود آستارا

بخش دوم

جغرافیای تاریخی کرگان رود

بخش کرگان رود در حاشیهٔ جنوب غربی دریای خزر است : . از شمال به نمین واستارا ، از غرب بـه اردبیل و خلخال و از جنوب بـه اسالم محدود می‌شود . این بخش رو بهمرفته منطقه‌ای کوهستانی است . خاك هموار آن در طول دوازده تا سیزده کیلومتر از پای کوه شروع می‌شود و به‌عرض دو تا سه کیلومترو نیم به‌لب دریا ختم می گردد . ارتفاعات جنگلی میان ایـن‌سرزمین هموار و مناطق ییلاقی، به‌نام «روهان گیلان» یا «میان روهان» معروف است. در تابستان به علت گرما ، درسرزمینهای هموار نمی‌توان ماند و تمام سکنهٔ این بخش هم به‌همین‌علت به‌ییلاق می‌روند . درازای کرگان‌رود از شمال به‌جنوب چهل وهشت کیلومتر و پهنای آن از شرق به‌غرب سی‌وسه کیلومتر است .

خواجه رشیدالدین‌فضل‌الله می نویسد که هنگام حملهٔ مغولان بـه گیلان در سال ۷۰۶ هجری ، امیرچوپان از راه آستارا و سپهبد و گسکر خود را به گیلان رسانید . این گفته‌می‌رساند که اراضی میان آستارا و گسکر را «سپهبد» می‌خوانده اند . حمدالله مستوفی گوید « اصفهبد از اقلیم چهارم است . طولش از خالدات «فد» وعرض از خط استوا «لح» . شهری‌وسط است . حاصلش غله و برنج و اندکی میوه باشد : ولایت بسیار است و قریب صدپاره دیه از توابع اوست . حقوق دیوانیش دوتومان و نه‌هزار دینار است .» [1] با این‌شرح معلوم می‌شود که سرزمین اصفهبد میان سی‌وهشت درجه عرض شمالی و هشتاد

---

۱ ـ نزهةالقلوب ص۶۲ . مطالب بالاترجمه از گیلان رابینوص ۸۹است .

و پنج درجه طول شرقی جزایر خالدات است ، درجات عرض شمالی چنانکه حمدالله ذکر کرده است ، با عرض خاک منطقهٔ تالش نشین سازش دارد . اما هشتادوپنج درجه طول شرقی آن صحیح بهنظر نمی‌رسد . احتمال می‌توان داد که به‌جای عدد «فه» عدد «نه» از زیر قلم‌حمدالله‌در آمده است که پنجاه‌وهشت درجه می‌شود و با افزودن بیست‌درجه تقریبی اختلاف طول جزایر خالدات با گرینویچ ، تقریباً با طول امروزی سازش پیدا می‌کند .

میرظهیرالدین‌مرعشی در ذکر وقایع سال ۸۷۹ همراه لشکریانی بوده است که از گیلان به‌خلخال می‌رفته‌اند . این نقاط را از انزلی تا خلخال یاد می‌کند : ترى‌دری‌سر ـ روه‌سر گسکر ـ کتیك‌داربنه ـ خشماتادان ـ گیلان ـ ریك درخواجه‌گری ـ کوه‌ریك ـ تول ـ برم خلخال . (۱)

شهر مهم‌بخش کرگان رود ، شهر «ریك»است که معمولاً به‌نام کرگان رود خوانده می‌شود . این‌شهر درعرض شمالی سی‌وهفت‌درجه وچهل‌ونه‌دقیقه‌و طول شرقی چهل‌ونه درجه‌ویك‌دقیقه قرار گرفته است .

اصل تالشان از کجاست ؟

خچکو می‌گوید که چنگیزخان یا سلطان‌محمد خدابنده ، با نظر و یاری امیرچوپان ، طوایفی از مغولان را در خاك میان آذربایجان و گسکر جای داده است . طالش ، نام سرکردهٔ این طوایف بوده است . با اینکه خود مغولان در ساکنان این نواحی حل شده‌اند ، اما نام تالش بر طوایف مغول این صفات باقی مانده است و طوایفی که از دیناچال تا لنکران را محل‌سکونت خود قرار داده‌اند به‌این نام خوانده می‌شوند . نظر خچکو صحیح نیست زیرا نام تالش پیش از حملهٔ مغول در آثار جغرافیائی و نوشته‌های تاریخی آمده است . (۲) دلیل دیگری که می‌توان برای رد گفتهٔ خچکو آورد اینست که زبان تالشان یکی از لهجه‌های اصیل فارسی است و با هیچیك از لهجه‌های

---

۱ ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ص ۳٤۳ و ۳٤٤ . ۲ ـ گیلان رابینو ص ۹۱و۹۲ .

ترکی و مغولی ارتباط ندارد .

زبان و مذهب تالشان کرگان‌رود :

تالشان کرگان‌رود اهل سنت و جماعت‌اند مگر خان‌لیسار وهره‌دشت و نوکران ایشان که شیعی مذهب‌اند . ساکنان بخش کرگان‌رود به‌زبان تالشی و ترکی سخن می‌گویند . رابینو که تا سال ۱۳۳۱ هجری در گیلان بوده است جمعیت این بخش را پنج هزار خانوار نوشته است . (۱)

رودخانهٔ قابل ذکر این بخش کرگان‌رود است که سرچشمه‌های آن در کوههای میان آذربایجان و بخش کرگان رود است و از مغرب به مشرق جاری‌است‌و به‌دریای خزرمی‌ریزد. در بهار سیلابی است ودر تابستان نیز خشک نمی‌شود .

آق اولر منطقهٔ ییلاقی :

ییلاق خان کرگان رود . آق اولر است (۲) . فریزر در ماه ژوئن سال ۱۸۲۱ میلادی ، آق اولر را دیده است . در همین محل فریزر ، بالاخان را که دراین‌وقت، خان کرگان رود بوده ، ملاقات کرده است. تربیت ونجابت‌واصالت بالاخان ، نظر فریزر را جلب کرده است .(۳)

فریزر راهی را که از کرگان‌رود به‌آق‌اولر واز آنجا به‌اردبیل‌می‌رود، دنبالهٔ شاهراه شاه‌عباسی‌می‌داند ومی‌نویسد که این راه عادی و معمولی مالرو نیست . زیرا نقاط خطرناك آن تراشیده و دستکاری شده است . (٤)

این نظر صحیح نیست ، زیرا عبدالفتاح می‌نویسد که شاه‌عباس به‌بهزاد ــ بیك دستور داد ، از ابتدای آستارا تا سرحد وسامان مازندران در ترتیب شوارع و تعمیر پلها دقیقه‌ای فروگذار ننماید . بهزادبیك راهها و پلها را از آستارا تا اسپچین مرتب ومعمور کرد . (۵)

---

۱ ــ گیلان رابینو ص ۹۲ .　　۲ ــ گیلان رابینو ص ۹۳ .

(۳) سفرنامهٔ فریزر از ستر‌آباد به گیلان ص ۲۹۰　(٤) همین کتاب ص ۲۸۰ .

(۵) تاریخ گیلان ص ۱۵۹ .

راه کرگان‌رود به آق‌اولر که به راه زنجان واردبیل ملحق می‌شود، راهی فرعی به‌نظر می‌رسد. بخش کرگان‌رود به‌سه ناحیهٔ کوچکتر به این شرح تقسیم می‌شود: اطاق سرا سمت جنوب، لیسار و هره دشت در شمال اطاق سرا، حویق وچوبر شمال لیسار وهره‌دشت، که سامان آن تا سرحد آستارا کشیده می‌شود.

خلفا رود که درعرض شمالی سی‌وهفت‌درجه وچهل‌وهفت‌دقیقه و طول شرقی چهل ونه‌درجه‌وشش‌دقیقه قرار گرفته است و میان چشمه خاله‌وهنده‌کران به‌دریای خزر می‌ریزد، حدفاصل کرگان رود واسالم است.

ابت (Abbott) در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) از بخش تالش نشین کرگان‌رود دیدن کرده است و دربارهٔ آن‌چنین می‌نویسد:

کرگان‌رود، رودخانهٔ کوهستانی تندی است که از درهٔ زیبای آق‌اولر سرچشمه می‌گیرد. سفر قبل این دره را من سرازیر آمده‌ام. بستر آن ۱۵۰ یارد است. این رودخانه در فصل بهار در بستر خود، از روی شاخه‌ها وتنه‌های خوابیدهٔ درختان عبور می‌کند. درمصب این‌رود، ماهی ازون‌برون وقسمتهای بالاتر، آزاد ماهی‌صید می‌شود. مأمور روسی، صید ماهی ازون برون را در مصب‌این رودخانه، هفتصدتومان اجاره داده بود ودولت‌ایران بدواعتراض کرده بود و بالاخان ازگرفتن ماهی جلوگیری می‌کرد.

از دهانهٔ آستارا تا دهانهٔ کرگان‌رود، بیش ازپنجاه میل است. یک خانه‌درساحل‌دیده نمی‌شود. آبادیها در دل جنگل است و از راه ساحلی‌پیدا نیست. (۱)

آثار و بناهای تاریخی کرگان‌رود
قبور گبری و بقعه‌های چوبر

۱ ـ بقعهٔ شیخ‌مراد. ۲ ـ ازون داشلر درمزرعه‌ای زیرمزرعهٔ نوروز ۳ ـ مرفش‌داشلری در کربولاغ ۴ ـ گور قبری درپالاسی. ۵ـ گورقبری

(۱) یادداشتهای ماشین شدهٔ ابت(Abbott)متعلق به آقای چنگیز شیخلی ص ۱۳.

در رشی ٦ ـ تربهٔ پیاچم درحاجی یداللّٰه‌محلهٔ چوبر ٧ـ بقعهٔ‌خانم ترکیساوا .

قبرستانهای قدیمی و بقعه‌های حویق

۱ـ بقعهٔ نوسالا (زال‌کوی) ۲ـ سیداجافی دردهکدهٔ‌حویق،سرراه‌آستارا به‌بندرنزلی‌طرف دست راست جاده یعنی‌سمت غربی حویق .

قبرستانهای قدیمی و بقعه‌های‌شیرآباد

۱ ـ کور قبری (= قبور کبری) در بُزُرگو . ۲ ـ تربه‌ای در دهکدهٔ شیرآباد شامل بنائی ساده با صندوقی‌چوبین و بام ایوانها و بنــای اصلی سفال سر است .

تربهٔ امام سلطان محمودشاه دینوری بن زیدبن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ شاه میلارزن(= میل‌لرزان) خطبه‌سرا [۱]

بنای اصلی ازداخل هشت ضلعی است . طول اضلاع آن از ۱٤٥ تا۱٥۰ سانتیمتراست.مصالح بنا ، گچ وآجری است که درمحل پخته‌وتهیه شده‌است . در چوبین‌سادهٔ ورودی‌طرف‌مشرق‌وارتفاع آن ۱٥۰وعرض آن ۷۱سانتیمتر است . در سمت جنوب ، قسمت پائین گنبد ، پنجرهٔ‌نورگیری‌است که کتیبهٔ دور گنبد را قطع می‌کند طاق بناگنبدی مدور است که از فاصلهٔ دومترونیمی از کف بنا شروع می‌شود . در حاشیه ، خط نزدیك به‌نسخ بـا رنگ نـوشته‌اند : لااکراه‌فی‌الدین‌قدتبین الرشدمن‌الغی فمن‌یکفر بالطاغوت‌ویومن‌باللّٰه‌فقدالعلی العظیم . این‌عبارت به‌همین شکل چندین‌بار در حاشیه تکرار شده ست . به فاصلهٔ نیم‌متری از این کتیبه چهار نقش با چهار نام علی گچ‌بـری شده است. درقسمت بالای گنبد که خودبه‌شکل گنبد کوچکتری است ،نقش ترنجی‌هجده قسمتی پیداست .

---

(۱) درمحلهٔ ایشیك‌آغاسی خطبه‌سرا ، بازماندگان حسین قلی‌خان ایشیك آغاسی نادرشاه افشار زندگی‌می‌کنند . حسین‌قلی‌خان‌را کشته وبرادرش را کور کرده وخاندان‌هردو را بدینجا کوچانده‌اند . راه دهکدهٔ شاه میلارزن از محلهٔ ایشیك‌آغاسی ، درکنار رودخانه در حدود بیست کیلومتر بالا می‌رود

در پنجرهٔ نورگیرسابق الذکر الواری چهارسو قرارداده‌شده است . در مرکز بنا ، این الوار برپایه‌ای چوبین صندل قرار دارد . این پایه متحرك و معروف به‌میل‌لرزان است.درقسمت جنوبی این‌میل، صندوق مشبك مزاراست. طول آن ۱۸۰ و عرض آن ۱۳۰ و ارتفاع آن ۱۲۵ سانتیمتر است . صندوق ، چوبین ودارای دونقش است . قسمتی از بدنهٔ آن شطرنجی حصیری است‌و قسمتی ازآن نقش پرکار تری دارد . یعنی چهار چوب تراشیده ، افقی و چهارچوب با همان ابعاد عمودی قرار داده شده است . بالای سر در ورودی نیزپنجرهٔ نورگیر کوچکی تعبیه شده‌است .

گنبد وپایهٔ آن ازخارج سفیدکاری است وگنبد درچهار طرف‌محجری چوبین دارد این محجرهای چوبین بدنهٔ ایوانی را تشکیل می‌دهندکه ازکف ایوانهای اطراف نود سانتیمتر پائین‌تر افتاده است . ایوانها از طرف شمال‌به عباسیه وزینبیه راه دارد . ایوان جنوبی وغربی‌وشرقی روبه‌حیاط بقعه است . جلو این ایوانها تکائلی چوبین ست که هر طرف آن هفت ستون چهار سوی پخ‌زده باسرستون دارد . ایوانهای اطراف‌گنبد اصلی نیزهریك شش‌ستون با همان مشخصات دارد . در ایوان شمالی گنبد ، محرابی ازگچ است .

بالای سر در ورودی بقعه‌زنجیری چوبین‌که‌گویا چوب‌کیش‌است به‌ـ طول سه‌متر در دوطرف‌آویزان است که علامت بست بودن بقعه‌است. (عکس شماره ۱۳) میان زنجیر قندیلی‌مکعب چوبین که‌هرضلع آن ۱۱ سانتیمتراست آویزان‌است . چهارطرف‌این‌قندیل سوراخ است‌وسوراخهابه‌محفظه‌ای راه‌دارد که‌دروسط آن گوئی‌چوبین‌است که‌ازهیچیك‌ازسوراخها بیرون نمی‌آید.(عکس شمارهٔ۱٤) بام‌گنبدوایوانهاسراسر حلب پوش و لبهٔ ایوانها یك پشته است .

مسجد بقعه درشمال بنای اصلی بقعه است . قسمت پائین ضلع جنوبی مسجد تخته‌کوبی وقسمت بالا ، مشبك شطرنجی است . در ورودی ایوان بقعه نیز در ایوان مسجد است .

در ضلع شرقی عباسیه (= مسجد مردانه) . دوستون لاچ لنگری است که تاکنون عجیب ترین ستونهائی است که من در گیلان دیده ام . درقسمت پایهٔ یکی از آنها که مکعب شکل است چهارسوراخ مدور ، درچهار بدنهٔ این مکعب است و داخل محفظه ای که سوراخها بدان راه دارد ، گوئی آزاد است که ازهیچیك زسوراخها بیرون نمی آید . (عکس شمارهٔ ١٥) قسمت میان این ستون ، یعنی قسمتی که میان پایه وسرستون است ، لاچ لنگری مارپیچ است . (عکس شمارهٔ ١٦) طرح بدنهٔ ستون دیگر لاچ لنگری حصیری است و بسیار ظریف کار کرده اند . (عکس شمارهٔ ١٧) در زیرسرستونها ، در طرفین ستون ، دو میله است که خود حلقه ای دارد و حلقه های آنها داخل حلقه هائی است که ازستون در آورده اند . (عکس شمارهٔ ١٨) بر این دومیل که طرفین ستون آویزان است کنده کاری ونقشهای زیبا است . (عکس شمارهٔ ١٩)این دوستون درمقابل ایوان شرقی است که عرض آن به اندازهٔ یك متر است . طرف غربی مسجد مردانه پنج ستون است که پائین آنها تکائل دارد . زینبیه (= مسجد زنانه) متصل به مسجد مردانه است و طرف شمالی آن هفت ستون چهارسوی پخ زده باسرستون است .

ضلع غربی بنای اصلی بقعه ٧٤٥ سانتیمتر و ضلع شمالی ٧٥٠ سانتیمتر است . طول مسجدها ٧٣٠ وعرض مسجد زنانه با ایوان شرقی آن ٧٢٠سانتیمتر است . بام مسجدها نیز حلب پوش ولبهٔ آنها یك پشته است . سقف مسجد دماسا (= لمبه کوبی) ودچین (= پل کوبی) است . اطراف حیاط بقعه خندق و حصاری دارد . درختان کیش درحیاط بقعه دیده می شود . محیط دایرهٔ یکی از آنها ١٣٠و دیگری ١٥٠ سانتیمتر بود . کیشها بسیار کهن وقطور وعمر آنها بیش از هفتصد یاهشتصد سال است .

مراسم علم بندی در این بقعه اول محرم ومراسم علم واچینی سیزدهم محرم برپا می شود.

قبر سیدان سرراه تربت سلطان محمود شاه دینوری

برسرراه تربت سلطان محمود شاه ونزدیك بـه آبادی شاه میلارزن وبر رشته کوهی که تربت سلطان‌محمودشاه برآن بنا شده‌است درخت بلوط عظیمی است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتر است . درزیر این درخت کهنسال دو سنگ قبر قدیمی عجیب است . طول اولی ۱۳۰ وعرض آن ۴۰ وارتفـاع آن ۴۵ سانتیمتر است. برسطح بالای سنگ، درسمت سرشخص مدفون ، نیم کره‌ای از بدنهٔ سنگ بیرون آمده‌است که قطر دایرهٔ آن ۲۵ سانتیمتر است : گـوشهٔ این سنگ ومقداری از این نیمکره به‌زیر ریشهٔ بلوط رفته است . سنگ دیگر کـه پائین‌تر است ، طولش ۱۵۰ وعرض ۴۰ وارتفاع کلی، به‌انضمام پایه ۴۸ وپایهٔ آن ۱۰ سانتیمتر است . بربالای این سنگ نیز نیمکره‌ای به‌قطر ۳۰ سانتیمتر بیرون آمده‌است. درفاصلهٔ ۸ سانتیمتر از لبهٔ بالای سنگ حاشیه کشی دارد وطرح محرابی نیم‌دایره‌ای نیز بر آن دیده‌می‌شود.

سنگ دیگری که خارج ازحصار سنگین این گورستان است به‌طول ۱۳۰ وعرض وارتفاع ۳۵ سانتیمتر وساده وبدون نقش ونیمکره است .

قبرستانها وبقعه‌های اطراف خطبه‌سرا

۱ــ بقعهٔ کشاور . ۲ــ بقعهٔ بورسرا. ۳ــ پیر باغرو دربیلاق میان خطبه‌ـ سرا وهره دشت بر بالای قلهٔ کوه .

تربهٔ سوست

نزدیك دهکدهٔ سوست، سمت راست راه خطبه‌سرا به‌لیسار، درپنجاه متری جاده درمیان جنگل کیش، اطاقی چوبین قدیمی است. می گـویند دراین اطاق دوبرادر از اولاد پیغمبر مدفونند. اطراف آن ایوانی باتکاتل چوبین دارد . در ورودی بقعه‌در ایوان شرقی است وجلـو این ایوان، هفت‌ستون چهارسوست. ایوان‌غربی پنج‌ستون چهارسو دارد .

قلعهٔ لیسار

در نومندان لیسار

این قلعهٔ استوار باباروئی بسیارمستحکم بربالای تپه‌ای برچهار کیلو-
متری دریای‌خزر بنا شده است . رابینو درسال ۱۳۳۱ هـ . ق ازقول Monteith
که‌مقدم براین تاریخ این‌قلعه‌را دیده است چنین می‌نویسد:

قلعهٔ لیسار، روی تپهٔ کوتاهی درچهار کیلومتری دریای‌خزر است. بنای
قلعه سراسر اراضی‌مسطح بالای تپه‌را فراگرفته‌است. حصارآن‌بسیار مستحکم
بنا شده واحتمال‌دارد قبل‌از دوران‌اسلامی نیز وجود داشته است .آب‌انبـار
آن به‌بهترین وضعی‌باقی مانده وهنوز پرآب است وهرچه ازآب آن بردارند
سطح آب پائین نمی‌رود . محتمل است که از زیرباکنگ به‌یکی از سرچشمه
های کوهستانی که در سطح آب قرار دارد، راه داشته باشد. مسیر این کنگ‌ها
ابداً معلوم نیست و بسیار خوب پوشانده شده است . با اینکه بنای این‌قلعه به
بهترین‌وضعی برپای مانده است ، چیز قابل توجهی‌در این قلعه نیست‌وکتیبه و
نوشته‌ای ندارد. (۱)

محمدعلی گیلک‌درآخر کتاب‌شیخ‌زاهدگیلانی‌فهرستی ازنامهای‌جغرافیائی
گیلان‌را آورده است ودرذیل کـرگان رود می‌نویسد «در قریهٔ قلعه بین، قلعه
ایست به‌نام صفاری. »(۲)فرهنگ جغرافیائی آرتش اطلاعات زیررا دربارهٔ این
قلعه به ما می‌دهد :

« قلعه خرابه ای به نام قلعهٔ صلصال در قلعه بین دهکده‌ای جزء دهستان
لیسار هره‌دشت بخش مرکزی شهرستان طوالش هیجده کیـلومتری شمال
هشت‌پر ودو کیلومتری غرب‌راه آستارا به پهلوی است.»

مردم اطراف نیز این قلعه را از صلصال می‌دانند . بسیاری ازقلعه‌های
کوهستانی‌منسوب‌به این‌مردناشناخته وشخصیت غیرتاریخی است. تنهامحمد-

---

(۱) گیلان رابینو ص۹۷ و۹۸ .   (۲) شیخ زاهد گیلانی ص ۱۱۱ .

علی کبلك است که این قلعه‌را قلعهٔ‌صفاری خوانده واسناد و مدارکی‌هم برای این نام‌گذاری نشان نداده است . این قلعه سنگی یا بجا مسلماً روزی پایگاه یا پناهگاه یکی‌از امرای محلی و سربازان‌واطرافیان او بوده است .

مساحت تقریبی‌سطح کوهی که‌این‌قلعه بر آن قرارگرفته است٤٠ متر × ٥٠ متر است که به علت روئیدن درختان زیاد وبوته‌های خار اندازهٔ دقیق نتوان گرفت .در ورودی قلعه شرقی و به‌ارتفاع ٣٥٠ سانتیمتر تاوسط هلال طاق شکسته وعرض آن ٢٢٠ سانتیمتر است . در ورودی قلعه روزی جلوتر بوده است، به‌علت خرابی باروی خارج، سردر دومی، در ورودی قلعه شده است . (عکس شمارهٔ ٢٠)عرض باروی‌قلعه ١٨٠ تا ٢١٠ سانتیمترو ارتفاع موجود آن پنج تا شش متر ودرپاره‌ای‌جاها، ده تا دوازده‌متر است . قطردیوارجنوب‌غربی ١٩٠ سانتیمتر است . مصالح ساختمانی‌دیوارها سنگ بادبر وساروج است .

آب انبارقلعه خارج از ارگ وداخل باروی اصلی است ودر شمال‌شمال غرب بنای‌قلعه، بناشده است. طول آن درحدود پنج متر وعرض سه‌متر وارتفاع از کف موجود چهار متر است . مصالح ساختمانی آن آجرهائی به ابعاد ٢٢ سانتیمتر و قطر٤ سانتیمتر وملاطی نظیر ساروج سپید است. (عکس شمارهٔ ٢١)

متصل به‌باروی شرقی ، حصار ارگ قلعه است . مدخل ارگ نیز دارای طاقی باهلال شکسته است . ارگ بنائی مربع شکل به ابعاد ده تا دوازده متر است که چهار کنج آن برجهای گرد پهلو (= نوپر) دارد . (عکس شمارهٔ ٢٢ و٢٣و٢٤)درباروی شرقی‌ارگ دوپنجره‌است . پنجرهٔ‌طرف راست‌آن کوچکتر است . هر دو پنجره دارای طاقی با هلال شکسته و از آجر بنا شده است . مصالح ساختمانی ارگ نیز سنگ وساروج است . طاقی‌گنبدی شکل نیزداخل ارگ دیده شد .

تربهٔ آجری لیسار

درمحوطه‌ای ازجنگل کیش که سه‌اصله کیش آن‌بسیار کهن است‌و دارای

دو درخت آزاد کهنسال است، گنبد آجری که کمربند گنبد درخاك وفقط طاق هلالی آن بیرون است، دیده می‌شود. قطر دایرهٔ این گنبد ٤٤ سانتیمتر وقطر دیوار آن چهل سانتیمتر است. ارتفاع میان طاق از کف زمین اصلی ۲۳۰ سانتیمتر است. ابعاد آجرهائی که دراین بنا به کار رفته است میان ۲۲ تا ۲۵ سانتیمتر است و قطر آنها به پنج سانتیمتر می‌رسد، اطراف این گنبد قبرستانی قدیمی است.

تربهٔ سلطان سیدمحمود
در قنبری محلهٔ جوکندان

بنای اصلی به طول ۵/۵۰ و عرض ۵ متر است. چهار طرف آن ایوان دارد. عرض ایوان قبلی، هشتاد سانتیمتر وایوانهای شرقی وغربی، یك متر وایوان شمالی دو متر است. درهر طرف ایوان شش ستون چهار سوست. لبهٔ ایوانها تکائل دارد. (عکس شمارهٔ ۲۵) در ورودی بقعه درایوان جنوبی است. ضریحی مشبك، صندوقی چوبین ساده را که میان بنای اصلی است. احاطه کرده است. سقف بنا وایوانها، واشان کشی واز روپل کوبی است. بام منشور مربع القاعده ولت پوش است. اطراف بقعه قبرستانی قدیمی است و بقعه و قبرستان در زیر درختان قدیمی کیش و آزاد و کنوس است.

تربهٔ سید صلاح الدین وسید فضل الله معروف به قوشه‌جد (۱)
در ترك محلهٔ جوکندان

بنای این بقعه نظیر بقعهٔ سلطان سیدمحمود و بزرگتر از آن است. قبرستانی بزرگ وقدیمی بالای بلندی نزدیك آن است.

تربهٔ باباکمال
درجنگل کرالا در راه ییلاق اسبومار جوکندان

بنائی کرسی بلند، چهارطرف ستونهای چوبین چهارسو ولبهٔ ایوانها دارای تکائل است. بام بنا، منشور مربع القاعده ولت پوش است.

---

(۱) قوشه‌جد (بفتح جیم) در زبان تالشی به معنی یك جفت سید است.

تربهٔ نتین کشی در پرد ِسردر راه‌ییلاق اسبومار جوکندان

این‌بنا نظیر بنای باباکمال است.

تربهٔ سید محمود وسید زین‌العابدین فرزندان امام جعفر الصادق علیه‌السلام معروف به قوشه‌جد در تنگ دی (= تنگ‌ده) تول گیلان هشتپر

این‌دو برادر، دردو بنای‌جداگانه مدفونند. بنای‌اول که‌مدفن سیدمحمود وزن‌ودختر وپسر اوست، شامل‌بنائی‌آجری وسنگی است. دیوارشرقی این‌بنا ، شامل‌چهارستون‌چهارسوست که سقف برآنها تکیه‌دارد. جلو ایوان شرقی‌نیز چهارستون چهارسوست.

بنای دوم که کمی بالاتر است،مدفن سیدزین‌العابدین‌وهمسروپسراوست. این‌بنا سه‌پنجره درشرق وجنوب وشمال‌دارد. سقف هردوبنا واشان کشی وبام آنهالت ِپوش‌است. دربقعهٔسیدمحمود، چهارقبرآجری‌ودربقعهٔسیدزین‌العابدین سه‌قبرآجری دیده می‌شود .

شجره نامه‌ای به شرح زیر ، باخط خوش نسخ ، دردست آقای سید قادر اشرف تالش، متولی‌بقعه استوایشان‌اظهارمی کنند که این‌شجره‌مربوط به‌سید محمود وسید زین‌العابدین مدفون دراین‌دو بقعه است.

شجره‌نامه به‌شرح زیراست:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
و بك نستعمد و نستعین
یا قدیم یا قدیر

صاحب هذا الکتاب الصحیح المستطاب سیّد خوره کیای‌بن امیـرمحمد کیای‌بن‌سیدخوره کیای‌بن میر عبدالجلیل‌بن مهـدی کیای‌بن حسن کیای‌بن هادی کیابن امیر کیای بن‌حیدر کیای‌بن‌قاسم کیای‌بن یحیی کیای‌بن ابورضی‌ـ

کیای بن ابی‌الحرب کیای بن محمد کیای بن شمشیرزن کیای بن مهدی کیای بن ابی رضی کیای بن کوچك کیای بن مهدی کیای بن امیر احمد کیای بن عیسی بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب صلوات الله علیهم اجمعین فی سنة سبعین والف من الهجرته خیرالبریه .

اسناد ومدارکی قدیمی دردست آقای سیدقادر اشرف است که حاکی است پدران او بخشودگی از انواع مالیات‌را داشته‌اند. تاریخ این اسناد میان سالهای ۱۱۰۸ و ۱۲۶۷ قمری است.

* عرضه‌داشت اول ٤٠ سانتیمتر × ۲۰ سانتیمتر که شامل سیزده سطر اصلی باسه سطر کوتاه درحاشیه است ودر حاشیهٔ بالای آن حکم عالی شد مورخ ۱۱۶۸ .

* عرضه داشت کمترین سیدبابا تنگه دیهی کرگانرودی به‌طول ۱۱۵ سانتیمتر وعرض ۱۷ سانتیمتر . درحاشیهٔ بالا نوشته شده‌است حکم‌عالی شدآنکه کلانتران و کدخدایان‌محال‌مزبور بدانند که چون‌عارض‌مرد سیدواهل دعا و واجب الرعایه می‌باشد وازقدیم ‌الایام الا الآن معاف ومسلم بوده مرفوع‌القلم می‌باشد لهذا به هیچوجه من‌الوجوه مزاحم و متعرض‌حال عارض نشده دیناری وجه ازعارض طمع وتوقع ننموده گذرانند که بدعاگوئی اشتغال نماید دانسته‌در عهده‌شناسند سنه ۱۱۷۱ .

* عرضه‌داشت سید بابا اردبیلی الاصل ساکن کرگان رود به‌طول ٤٠ سانتیمتر وعرض ۱۱ سانتیمتر یادآوری ازظلم وجور وچپاول دوران نادرشاه کرده ومی‌نویسد الحال که‌عدل‌وداد حکمفرماست به‌کار اورسیدگی کنند واو را کمافی‌السابق معاف دارند . درحاشیهٔ بالاحکم عالی شد وسپس نامبرده‌را از پرداخت مالیات معاف کرده‌اند مورخ ۱۱۸٤ .

* حکم‌دیگری به کدخدایان ورعایای محال کرگانرود ناحیه جمکوه به‌طول ۱۲ سانتیمتر وعرض ۱۱/٥ سانتیمتر که سید حسن‌را ازپرداخت انواع مالیات‌معاف می‌کنندسنه ۱۱۹۲ .

* حکم دیگری مورخ به سال ۱۲۴۱ به‌طول ۲۸ سانتیمتر وعرض ۱۴ سانتیمتر. عموم مباشرین و عمالان وضابطان و کدخدایان و ریش‌سفیدان محال بلوکات کرگانرود اعلام‌میدارد که‌عالیجاه‌سلالة‌السادات سید باباأردبیلی‌الاصل ساکن قریه تنگه ده من بلوکات کرگانرود از قرار تعلیقه جات و نوشتجات حاکمان سابق‌وماسلف که دردست داردواز جملهٔ‌سادات‌حسینی مراعات‌جانب‌او برهمه کس‌لازم ومتحتم است. فلهذا محض‌مرحمت والطاف عالی شامل‌حال و کفیل احوال‌عالیجناب معزی‌الیه منظورنظر شده متوجه‌حال ومراقب احوال‌او باشندوقدغن اکیده نمایند احدی ازمباشرین دیوان‌مزاحم ومتعرض معزی‌الیه نباشند گذارند فارغ‌البال ومرفه‌الحال بدعاگوئی وثناخوانی در زاویهٔ معبد بازدیاد عمر ودولت‌عالی مشغول بوده و قدغن نمایند احدی باملاك موروثهٔ آباء واجدادی‌او مزاحم‌نشوندودراینباب قدغن‌لازم‌دانسته درعهده‌شناسند. بتاریخ شهر صفرالمظفر ۱۲۴۱ .

* حکم‌دیگری به‌طول ۲۰ سانتیمتر وعرض۱۴ سانتیمتر برای‌بخشودگی سیدحسن ازمالیات ورفع مزاحمت کارگزاران دولت مورخ۱۲۶۷ .

نالة تربه
در هشتپر

بنائی است چوبین ومستطیل شکل . درقسمت‌آخر بنا . اطاقی کوچك است که درآن صندوقی چوبین است. اطراف این‌بقعه قبرستان بزرگی است .

تربهٔ‌سید نیکی‌بن سید جمال‌الدین روحی
دردهکدهٔ سیدنیکی هشتپر

بنای اصلی‌شامل اطاقی است به‌طول ۷/۱۰ متروعرض۳/۹۰ متر. این بنا به جای دیوار ، محجری مشبك دارد . (عکس شمارهٔ ۲۶)نگار محجرها یکسان است . ضلـع شمالی وجنوبی بقعه از هفت قسمت مشبك وضلع غربی وشرقی از چهار قسمت‌مجزا تشکیل‌شده است. در وردی ظرف شرق است وقسمت سومین

شبکه شرقی‌را گرفته‌است. در ورودی دولنگه‌است‌ونگار مشبك آن با نگارهای محجر اختلاف دارد . (عکس شمارهٔ ۲۷) .

در وسط‌اطاق صندوقی‌است که اطراف آن‌را ضریحی‌مشبك‌چوبین فرا۔ گرفته است . طول این ضریح ۲۵۴ و عرض آن ۱۲۸ و ارتفاع آن ۱۱۵ سانتیمتراست . (عکس شمارهٔ ۲۸) .

سقف‌سراسر بقعه‌واشان کشی واز رویل کوبی است . بام‌بقعه نوعی تخته کوبی است‌که درمحل «مخ لمه» می‌خوانند . پرهٔبام یك‌پشته است.

قبرستانی‌قدیمی‌اطراف‌بقعه است. دوسنگ خوش‌تراش و نسبةً قدیمی در در گوشهٔ ضلع‌غربی‌بنا درحیاط دیده‌شد. بردوبدنهٔ سنگ‌سمت راست، این‌بیت باخط خوش نستعلیق‌حك شده‌است:

رفت از بر من آنکه مرا مونس جان بود

دیگر بچه امید در این دهر توان بود

روی سطح سنگ نام دوازده امام حك شده است . صاحب سنگ شناخته نشد .

خانهٔ نصراللهخان سردار امجد
دراطاق سرای هشتپر

این خانه بنای آجری عظیمی است که نظیر آن در صفحات گیلان دیده نشد .راهروئی‌دروسط . درطول‌وعرض ساختمان ، درطبقهٔ اول ودوم دیده می‌شود که ازاین راهرو به‌ده اطاق طبقهٔ زیرین و ده‌اطاق طبقهٔ بالائین‌می‌توان رفت. پس‌از ورود ازسردر اصلی‌بنا، سمت راست پلکانی است که به‌طبقهٔ بالائین می‌رود . سبك بنا وهلال‌طاقهای درگاهها و سردرها در گیلان بی‌سابقه است. (عکسهای‌شمارهٔ ۲۹ و ۳۰)

ازطراح و بنّای آن‌اطلاعی به‌دست نیامد . معروف است که‌آب این‌خانه ازییلاق«سوبتن» می‌آمده است . ازنصرالله‌خان سردار امجدصاحب این‌خانه‌سه

فرزند به نامهای فتح‌الله خان ارفع السلطنه و یحیی خان افخم الدوله و محمد حسین خان سالار اسعد باقی مانده است . خود او پسر فرج‌الله خان سرتیپ پسر حسن خان یک پسر حاجی امیر گونه خان پسر امیر ابراهیم خان پسر امیر گونه خان پسر حسین خان است .

قبرستانهای قدیمی و بقعه‌های اطراف هشتپر

۱ ـ بقعهٔ محمد ترکش بند در تولارود هشتپر . ۲ ـ اولیای کرامار درمکش ییلاق آق اوار . ۳ ـ پیر علی در دهکدهٔ آق اوار . ۴ـ پیر اعرابی در دهکدهٔ سراگاه در کنار رودخانهٔ هشتپر .



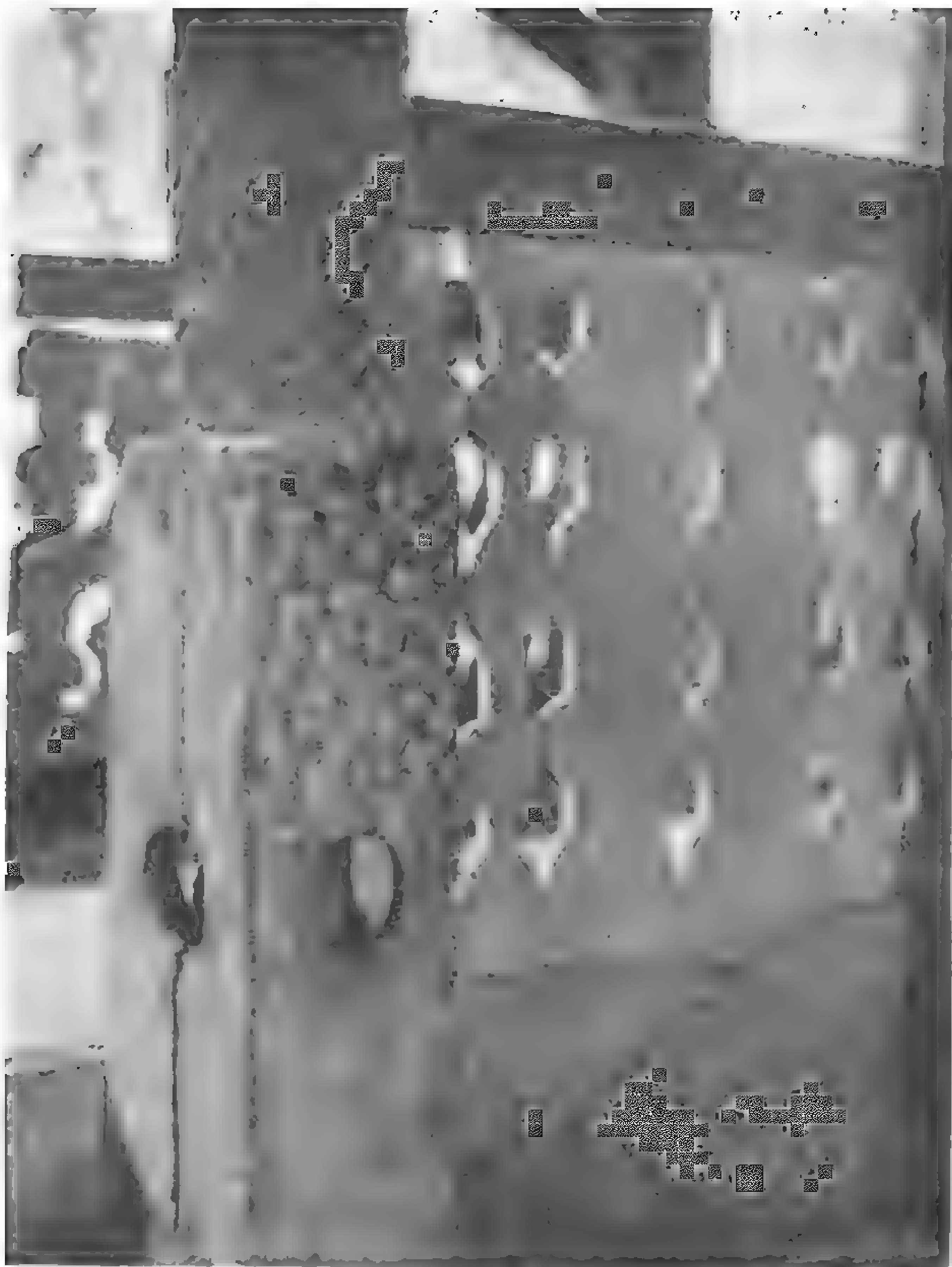
نقشهٔ شمارهٔ دو ـ آثار و بناهای تاریخی بخش شمال گرگان رود.



عکس شمارهٔ ۱۳ ـ زنجیر چوبین بر بالای در ورودی بقعهٔ سلطان محمودشاه دیشوری



عکس شمارهٔ ۱۴ـ قندیل چوبین زنجیری که بالای در ورودی بقعهٔ سلطان محمود شاه تیموری است



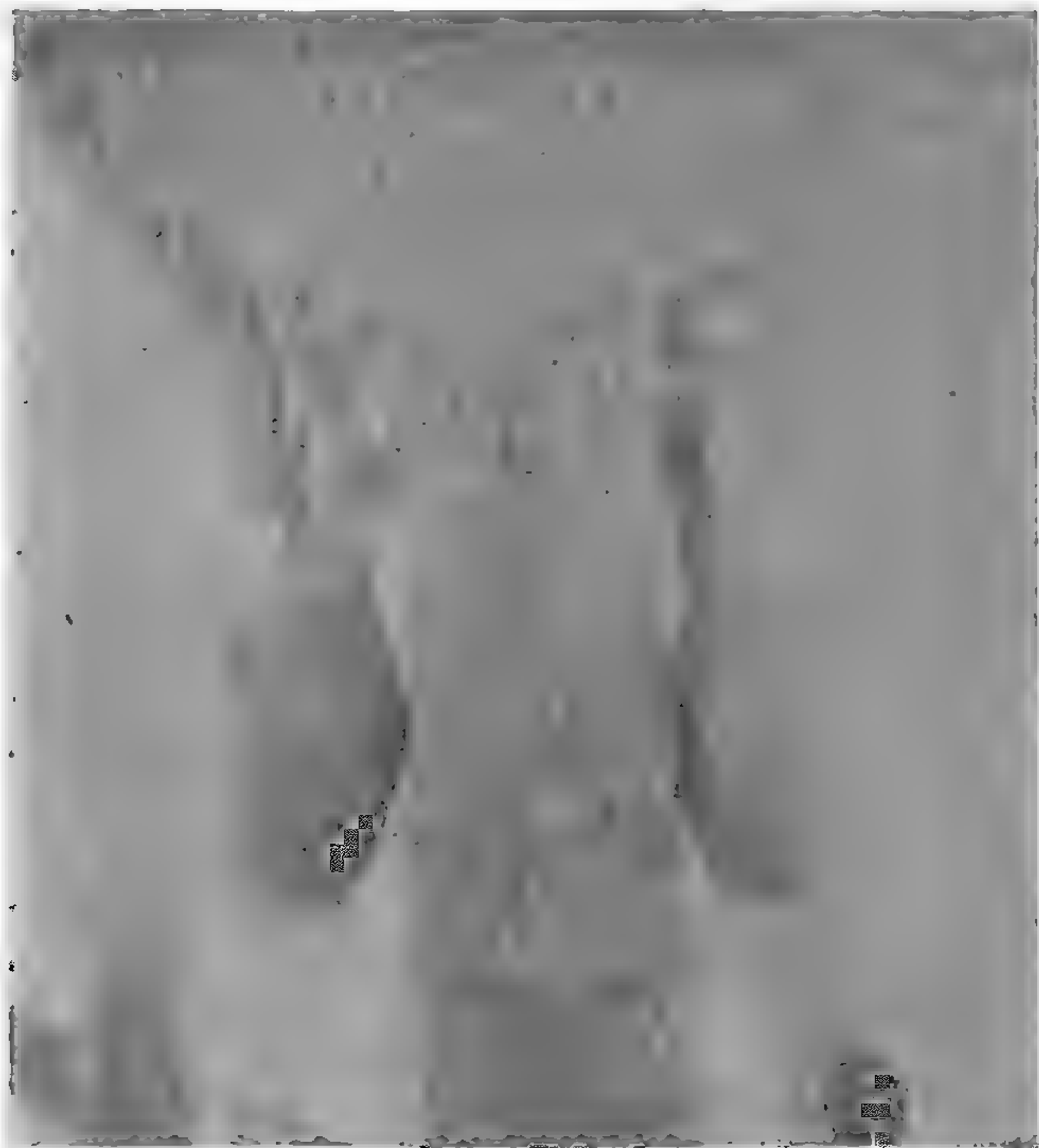
عکس شمارهٔ ۱۵ ـ قسمت پائین یکی از ستونهای مسجد متصل به بقعهٔ سلطان محمود شاه‌دینوری



عکس شمارهٔ ۱۶ - لاجامگری های پیچ یکی از ستونهای مسجد متصل به بقعهٔ
سلطان محمودشاه غوری



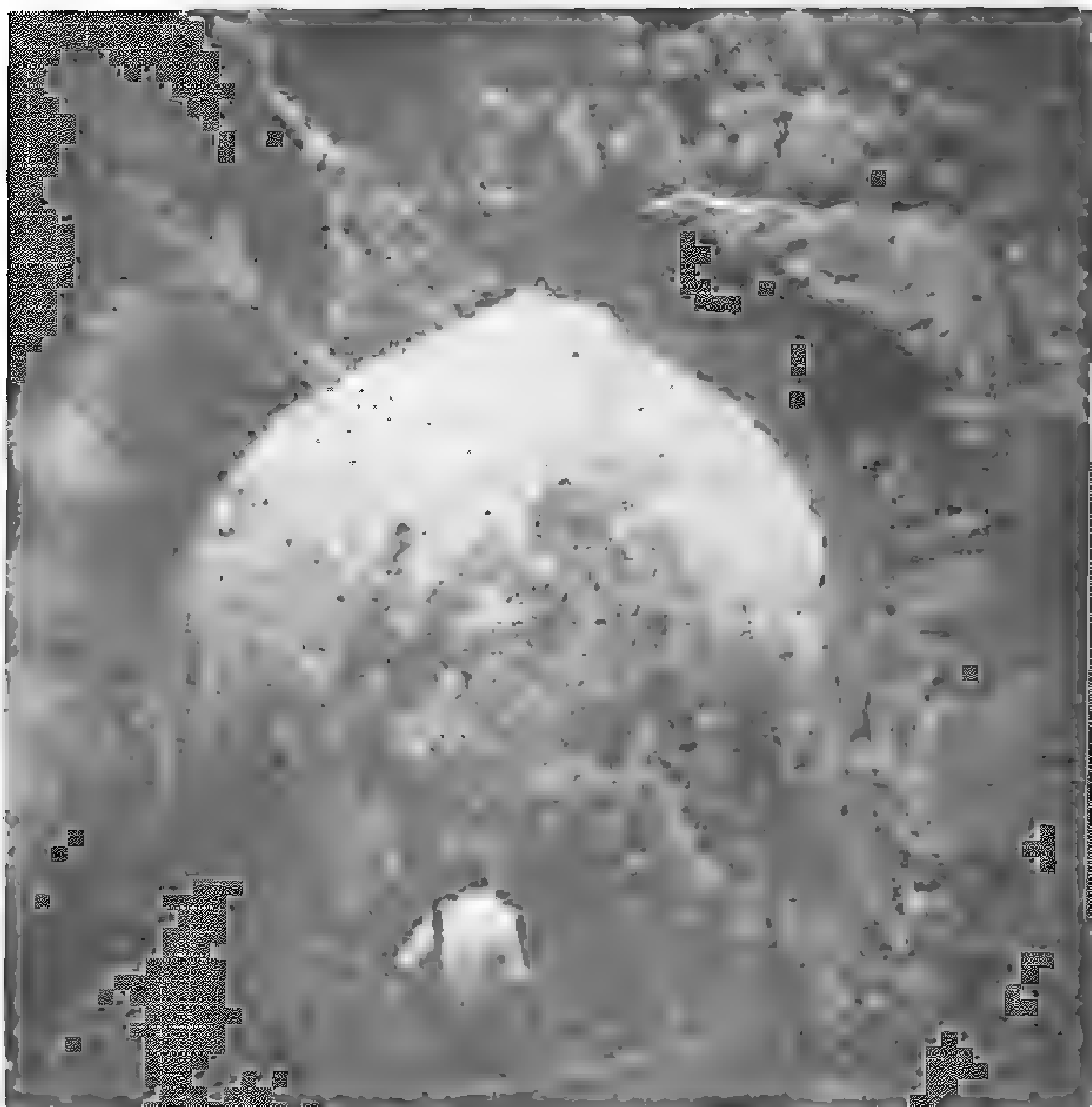
عکس شمارهٔ ۱۷ ـ لاچلنگری معیری یکی از ستونهای مسجد متصل به مقبرهٔ سلطان محمودشاه دیموری



عکس شمارهٔ ۱۸ - میلها وحلقه‌های یکی ازستونهای مسجد متصل‌به‌بقعهٔ سلطان محمودشاه دیلوری



عکس شمارهٔ ۱۹۵ – کنده‌کاریهای سرستون ومیل‌های متصل به آن، درمسجد متصل بمقبرهٔ سلطان محمودشاه دینوری



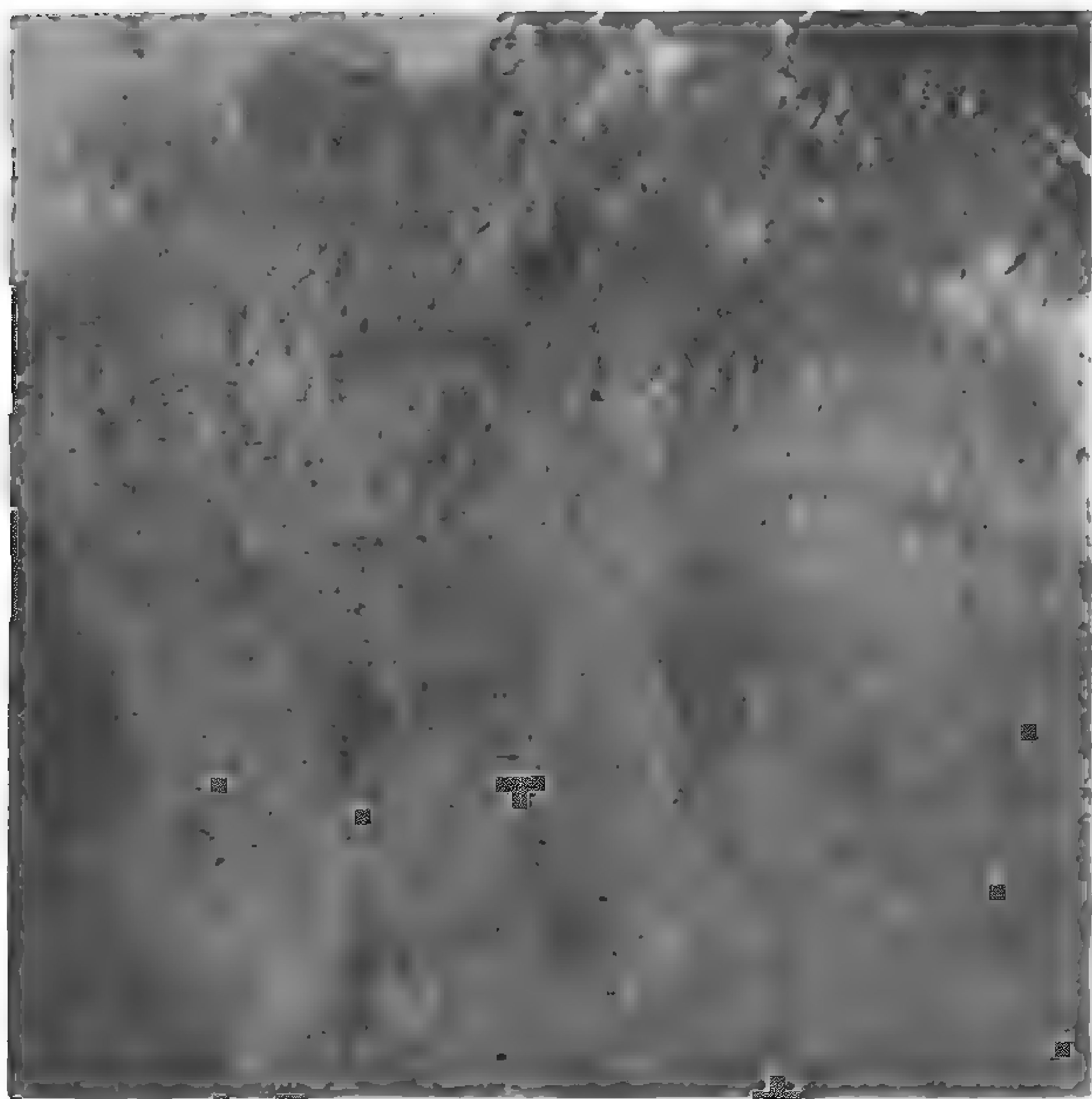
عکس شمارهٔ ۲۰ ـ در ورودی قلعهٔ لیسدر



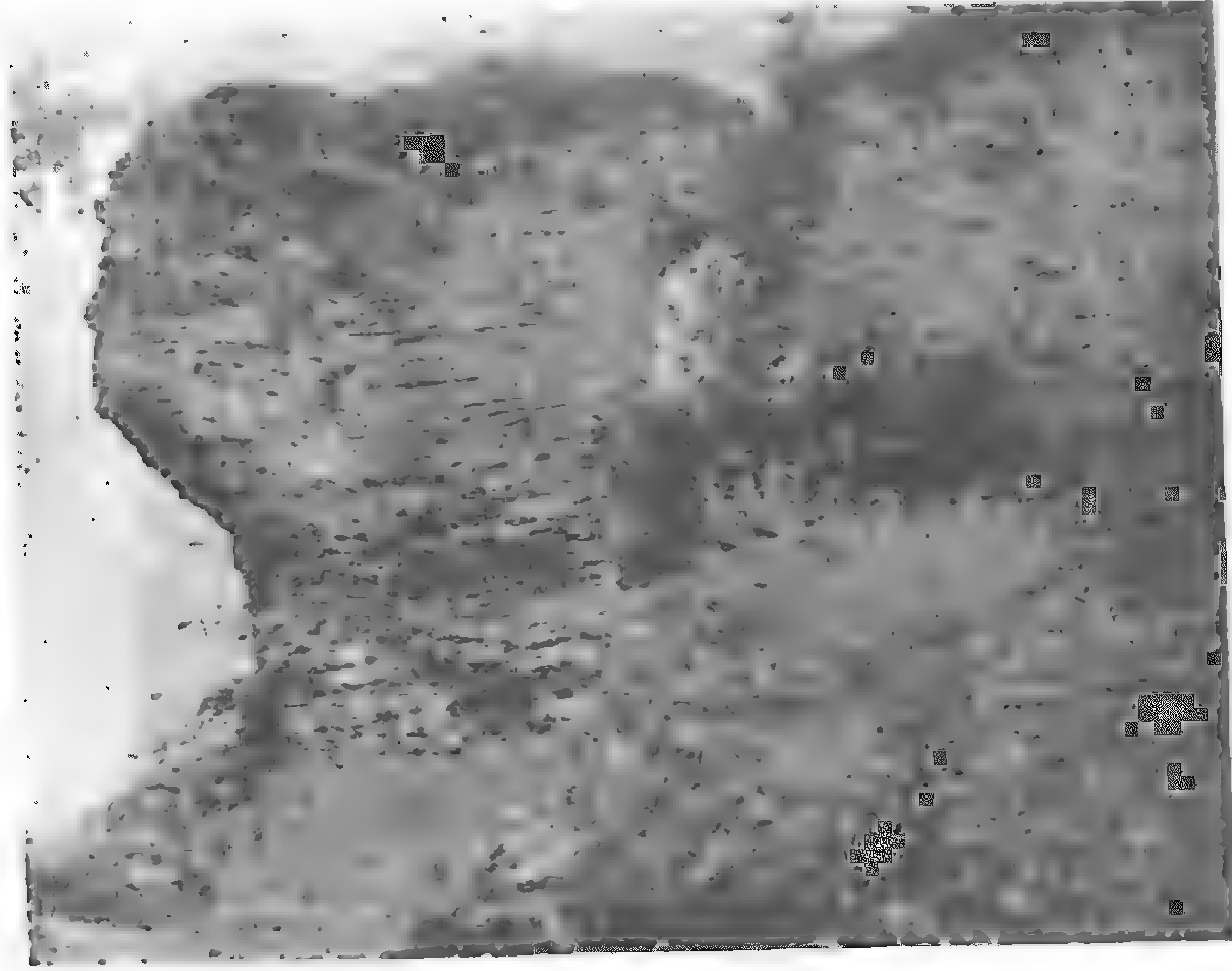
عکس شمارهٔ ۲۱ ـ آب‌انبار قلعهٔ ایسار



عکس شمارهٔ ۲۲ - نمای شمالی ارک قلعهٔ لبسار



عکس شمارهٔ ۲۳ ـ قسمتی از ارگ قلعهٔ لیسار



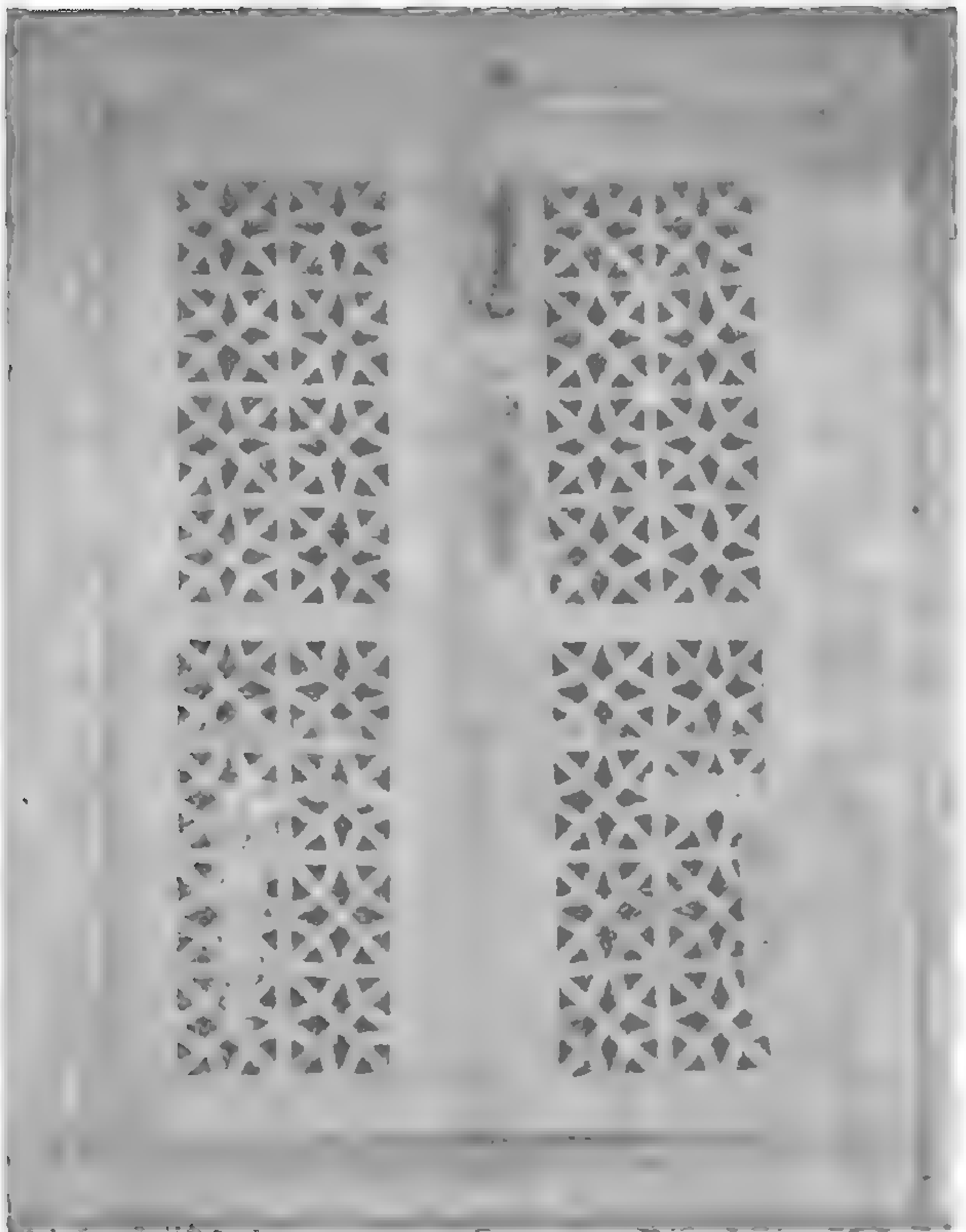
عکس شمارهٔ ۲۴ ـ قسمتی از ارگ قلعهٔ ایـار



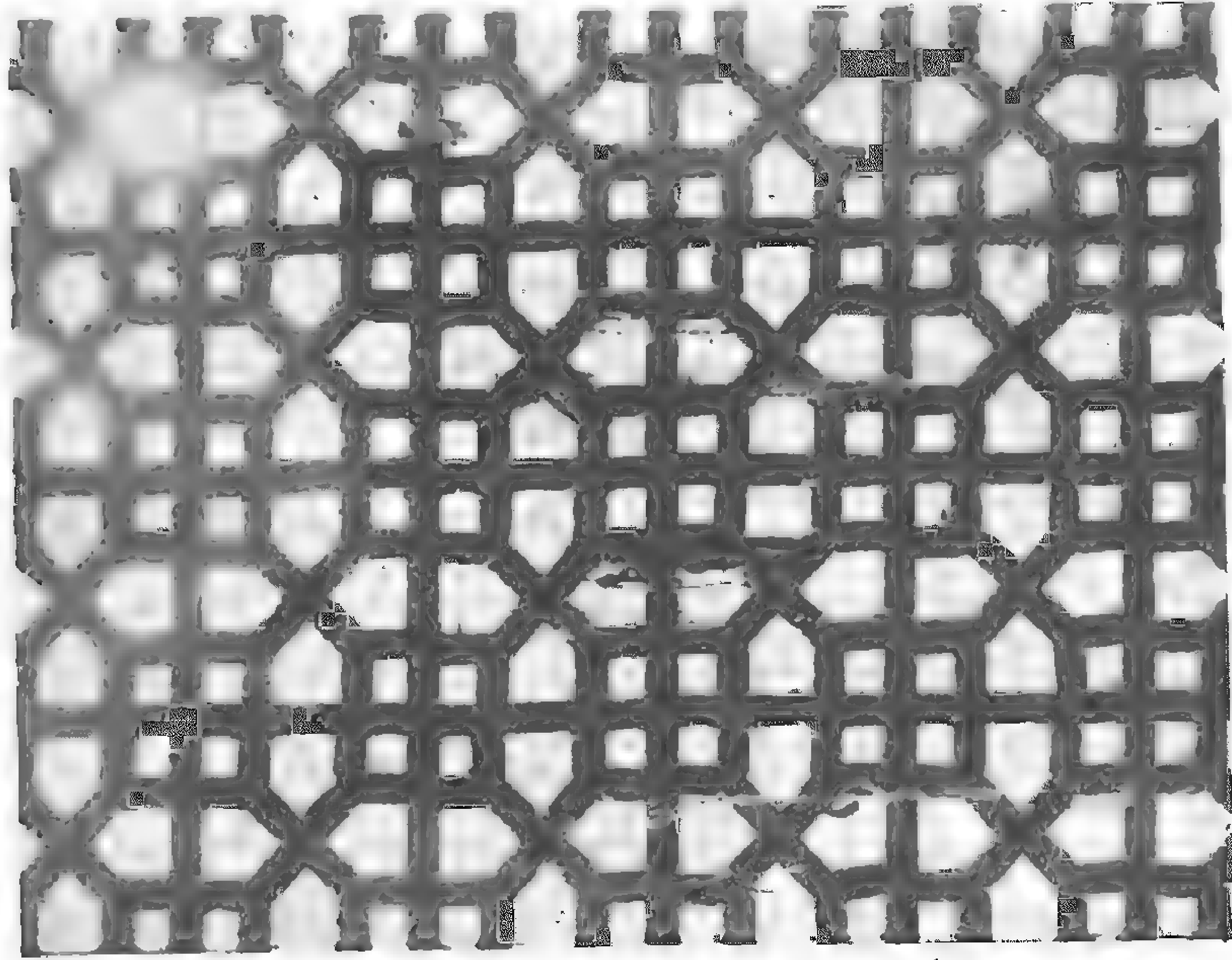
عکس شمارهٔ ۲۵ ـ تربهٔ سلطان سیدمحمود در قنبری‌محلهٔ جوکندان



عکس شمارهٔ ۲۶ ـ تربهٔ سیدنیکی بن سیدجمال الدین روحی در دهکدهٔ
سیدنیکی هشتپر



عکس شمارهٔ ۲۷ – در ورودی تربهٔ سید بیکی بن سید جمال الدین روحی .



عکس شمارهٔ ۲۸ ـ قسمتی از ضریح تربهٔ سید نیکی بن سید جمال الدین روحی .



عکس شمارهٔ ۲۹ – نمای جنوبی وشرقی خانهٔ نصرالله‌خان سردار امجد دراطاقسرای هشتپر .



عکس شمارهٔ ۳۰ ـ نمای شمالی و شرقی خانهٔ نصرالله‌خان سردار امجد دراطاق‌سرای‌هشتپر.

بخش سوم

۱ ـ جغرافیای تاریخی اسالم

بخش اسالم از شمال به کرگان‌رود، از مشرق به‌دریای خزر، از جنوب‌به تالش دولاب وازمغرب به‌خلخال محدودمی‌شود. درازترین قسمت این بخش‌از لبهٔ دریای‌خزر تا قلل کوههائی که حدغربی‌آن‌است، درحدودسی وپنج کیلو-متر است. این بخش یازده کیلومتر ازحاشیهٔ دریارا گرفته است و رویهمرفته بخشی کوهستانی است. آبادی مهم این بخش درزمان رابینو «دیبک‌سرا» بوده ،ست که در دوفرسخی دریا ، کنار رودخانه‌ای به‌همین‌نام بنا شده است.

ساکنان این بخش تالش واهل سنت وجماعت‌اند. سلسلهٔ خان ایشان شیعی مذهب است . جمعیت این بخش درسال۱۳۳۱ هجری (= ۱۹۱۲میلادی) به اظهار رابینو، هزاروچهل خانواربوده است. صد خانوار ایشان غریب ومابقی تالش بوده‌اند. (۱)

رودخانهٔ دیناچال بخش اسالم‌را از تالش دولاب جدا می‌کند. سرچشمهٔ این‌رودخانه نزدیک‌لمیر است ودرطول مسیرخود تا دریای‌خزر حدفاصل‌میان این‌دو بخش است.

ازگذشتهٔ این بخش اطلاعی در دست نیست تنها حسن‌بیک‌روملو ازامیر مطهرنامی یاد می‌کند که اهل‌تولوناو بوده است. (۲)ناو یکی از دیهای ییلاقی این بخش است وناورود که در این بخش ازغرب به‌شرق جریان دارد، نام‌خود را ازاین دهکده گرفته است.

---

(۱) گیلان‌را بینو ص۱۰۱ (۲) گیلان را بینو حاشیهٔ ص ۱۰۱ .

۲ ـ آثار و بناهای تاریخی بخش اسلم

اسپیه مزگت (۱)

در دهکدهٔ کیش خاله دیناچال

این مسجد کهن که باید آن را یکی از عجایب هفتگانهٔ بناهای تاریخی گیلان دانست ، بردست راست رودخانهٔ دیماچال است و در حدود یك کیلو متر ونیم از جادهٔ ماشین رو آستارا بـه انزلی فاصله دارد وطرف شرق جاده افتاده است .

این بنا که امروز روی در خرابی وفنا دارد ، باید روزی در محلی آباد و معروف بنا شده باشد ، اما درهیچیك از کتب تاریخی محلی وسفرنامه‌های خارجیان وایرانیان ، نامی از این مسجد نیامده است . عجیبتر اینکه رابینو نیز این بنای تاریخی را ازقلم انداخته است ، با اینکه درختان متبرك وقدمگاهها نیز درکتاب او فهرست شده است .

این مسجد چون دری درخلاب است . مردم بی‌تمیز جز بطمع گنج به سروقت آن نیامده‌اند و درتاریکی شب وگاهی در روز روشن باکلنك نوك تیز بنیاد وشالودهٔ آن را کنده وسست کرده‌اند . طبیعت بی‌رحم گیلان نیز درخرابی آن سهم بسزائی داشته ودارد . درختان جنگلی عظیم بربام آن رُسته وریشه‌های خودرا چون گوه‌ای که میان کندهٔ چوبی گذارند ، میان دیوارها فروبرده وآنها را دوشقه کرده‌اند . رودخانهٔ سیلابی دیناچال نیز ، قسمت جنوبی آن را کنده و برده وپاره‌ای ازپایه‌ها ، که اجزای آنها ازیکدیگر هنوزجدانشده ، درآب رودخانه افتاده است . بارندگی ورطوبت نیز گچکاری وسفیدکاری وگچ بریهای آن را فرسوده کرده واز میان برده است . با اینهمه این بنا چون پهلوانی سالمند برپای ایستاده وناظر لاابالیگری وبی‌دقتیهای ماست .

---

(۱) بکسر الف وفتح باء و میم وکاف ، به معنی سفید مسجد است . پاره‌ای این مسجد را به نام آق مسجد وگروهی به نام مسجد عبدالهی می‌نامند . احتمال دارد عبدالله نامی آن را مرمت کرده باشد

معلوم نیست بانی این بنا کیست. تا جائی که می‌دانیم، سلاطین قدیم زورمند براین بخش از مملکت ما دستی نداشته‌اند و تا سنهٔ هزار هجری که این صفحات جزء حکومت مرکزی به شمار آمده است، حکام محلی یاخانان در این صفحات حکمروا بوده‌اند. اینان نیز هیچگاه به‌فکر آباد کردن حوزهٔ حکومت خود نبوده‌اند و اگر یکی از آنان درد دین داشته، قدرت مالی به او اجازهٔ ساختن چنین بنائی عظیم را نمی داده است. وضع بنا و کتیبهٔ کوفی سادهٔ آن گواهان صادق بر قدمت بنا هستند، اما هردو خاموش به‌ما می‌نگرند و نشانی از بانی نمی‌دهند.

مصالح اصلی بنای این مسجد، آجرهائی به‌ابعاد ۶ × ۲۳ × ۲۳ سانتیمتر است. قطر دیوار آن ۱۷۵ سانتیمتر و گوشه‌ای از این بنا که یک ضلع آن ۱۶/۷۵ متر است، فعلاً برپای است و دیوار یکی از دهلیزهای مسجد است. (عکس شماره ۳۱) بردیوار شمالی همین دهلیز است که پنج شش متر کتیبهٔ کوفی ساده باقی‌مانده و کلمات « لم یخش الا الله فعسی اولئك أن یکونوا من المهتدین» [۱] روشن خوانده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۳۲و۳۳).

در دنبالهٔ این آیه بدون شك نام بانی می‌آمده است که امروز هیچگونه اثری از آن باقی نیست. این کتیبه که ابتدای آن در همین دهلیز بوده، روزی چهار دهلیز اطراف را تزئین می‌داده است. ازارهٔ دهلیزها نیز گچبری عجیبی به به ارتفاع یك متر داشته، که فعلاً دومتر از این ازاره، بر دیوار شمالی هویدا است. (عکس شمارهٔ ۳٤)

شاید بتوان از آنچه که باقی مانده، حدس زد که این بنا شامل یك رواق در وسط وچهار دهلیز درچهار طرف بوده است. (نقشهٔ شمارهٔ ۳۵) در ورودی تقریباً شمالی است و وارد دهلیز شمال می‌شود وعرض آن بالغ بر ۱۶۰ سانتیمتر

---

(۱) انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر وأقام الصلو وآتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین. سورة التوبه ۹، آیه: ۱۸.

است. ارتفاع طاق دهلیزها از کف کنونی ۵۷۰ سانتیمتر است. یک طرف دهلیزها، دیوار خارجی مسجد و یک طرف آنها پایه‌هائی هشت ضلعی است که محیط آنها به ۵۵۰ سانتیمتر می‌رسد. پایه‌هائی که درچهار کنج است، زائده‌ای دارد که در روی نقشه نشان داده شده است. فاصلهٔ میان دو پایه‌ای که یکی از آنها زائده دارد ۲۳۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان دو پایهٔ اصلی ۲۸۰ سانتیمتر است.

بالای هردو پایه، طاقی با هلال شکسته زده شده است. (عکسهای شمارهٔ ۳۶ و ۳۷) وسقف دهلیزها بردیوارهای خارجی و این پایه‌ها استوار است. عرض هریک از دهلیزها به ۳٤۰ سانتیمتر می‌رسد.

شاید روزی رواق میان نیز سقفی گنبدی داشته است. اما شرفات بنا باید کم کم جمع شود تا برای زدن طاق آماده باشد. آنچه از کتیبه دندانه‌ها باقی مانده است حاکی از این امر نیست. سقف سراسر بنا، سفال پوش بوده است. اما بخلاف بامهای سفال‌پوش امروزی گیلان، سفال آنها با ملاط برروی طاقها چسبانده شده است و اندازهٔ آنها به ۳٦×۵۰ سانتیمتر می‌رسد.

چوو اولیا (۱)
دردهکدهٔ کاربند اسالم

درمیان درختان کیش کهن و بلوطهای قدیمی بقعه‌ای به‌شکل برج است محیط دایرهٔ این برج شانزده متر و ارتفاع آن سه متر و گنبد شلجمی شکلی بر بالای آن بنا شده است. دری کوچک چوبین به ارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر و عرض نیم‌متر در مشرق بنا است.

چهارطرف بنا ایوان دارد. در هر ایوان شش ستون است که سرستونهای آنها دو شاخه‌ای شکل و سرنال دراین دوشاخه‌ها قرار گرفته است. بام اصلی

---

(۱) چوو (بفتح چ) نام یکی از درختان جنگلی است.

بنا وایوانها لت پوش، سقف ایوانها، واشان واز بالا پل کوبی است. بنا کرسی بلند است و کسی که در اینجا به خاک سپرده شده است به نام سیدحجت معروف است.

نزدیك این بنا تربت دیگری است. بنای اصلی این بقعه مربع و چهار طرف آن ایوانی به‌عرض ۶۰ سانتیمتر دارد. درهر ایوان هشت‌ستون چهارسوست. سقف بنا کوتاه و واشان کشی و از بالا پل کوبی است. بام اصلی بنا وایوانها لت پوش است. در ورودی این تربت نیز شرقی و کوچك است.

تربهٔ پیر هرات

درگیلن دی (= گیلان‌ده) اسالم

بنائی است کرسی بلند، دیوارهای آن ازسنگ و گل که به‌زبان محلی «دش‌دیوار» (بفتح دال) گویند. درمشرق بنا ایوانی به‌عرض یك‌متر است که نردهٔ جلو آن دستك صراحی است. سقف بنا واشان کشی، وبام لت پوش است. (۱)

تربهٔ نسا اولیا

در دهکدهٔ کله‌سرای اسالم

بنائی است کرسی بلند که ارتفاع آن از کف زمین کمی بیشتر از نیم‌متر است. چهار دیوارهای آن سنگ و گل است وطرف جنوب بقعه ایوانی کم عرض است. سقف بقعه وایوان واشان کشی وبام هردو لت پوش است.

چل کسان(۲)

در دهکدهٔ کله‌سرای اسالم

بالای تپهٔ خل بند(۳) بنائی است کرسی بلند که چهار دیوار آن سنگ و

---

(۱) پیر هرات درگیلان‌ده از دهستان اسالم بخش مرکزی شهرستان طوالش سیزده کیلومتری جنوب هشتپر کنار راه آستارا به انزلی است (فرهنگ جغرافیائی آرتش).

(۲) به‌کسر چ وفتح کاف (۳) بضم خاء وکسر لام وفتح باء

گل است. در بقعه کوچك است وطرف شرق بار می‌شود.

گورستانهای قدیمی و آثار تاریخی

ییلاق وقشلاق اسالم

۱ ــ گورستان رزوان. (۱)

۲ ــ گورستان قدیمی هجرم (۲) بزرگوار.

۳ــ گورستان اطراف اسالم اولیاء.

٤ ــ گورستان اطراف پیرخواجه در دیکسرای اسالم.

٥ ــ گورستان اطراف مزار بستان گاه بزرگوار در دیک سرای اسالم.

٦ ــ درناواسالم، درشمال غربی دهکدهٔ کوچکی به‌نام «نارنجدول». (۳) گورستان قدیمی است. دو سنگ تراشیده به صورت قوچ و گوسفند دراین گورستان است. فعلاً گردن قوچ‌را به‌قصد یافتن گنج شکسته‌اند.

۷ ــ دردهکدهٔ ییلاقی ناو، آثار بنائی قدیمی از آجر، در کنار رودخانه است. معروف است که دراین جا کلیسائی بوده است.

---

(۱) بفتح راء وزاء. (۲) بکسر هاء وفتح‌راء (۳) بفتح جیم.



عکس شمارهٔ ۳۱ - یکی از دهلیزهای اسپیه‌مزگت در کیش‌خالهٔ دیناچال. کتیبهٔ گچ‌بری کوفی در دیوار سمت راست دیده می‌شود.

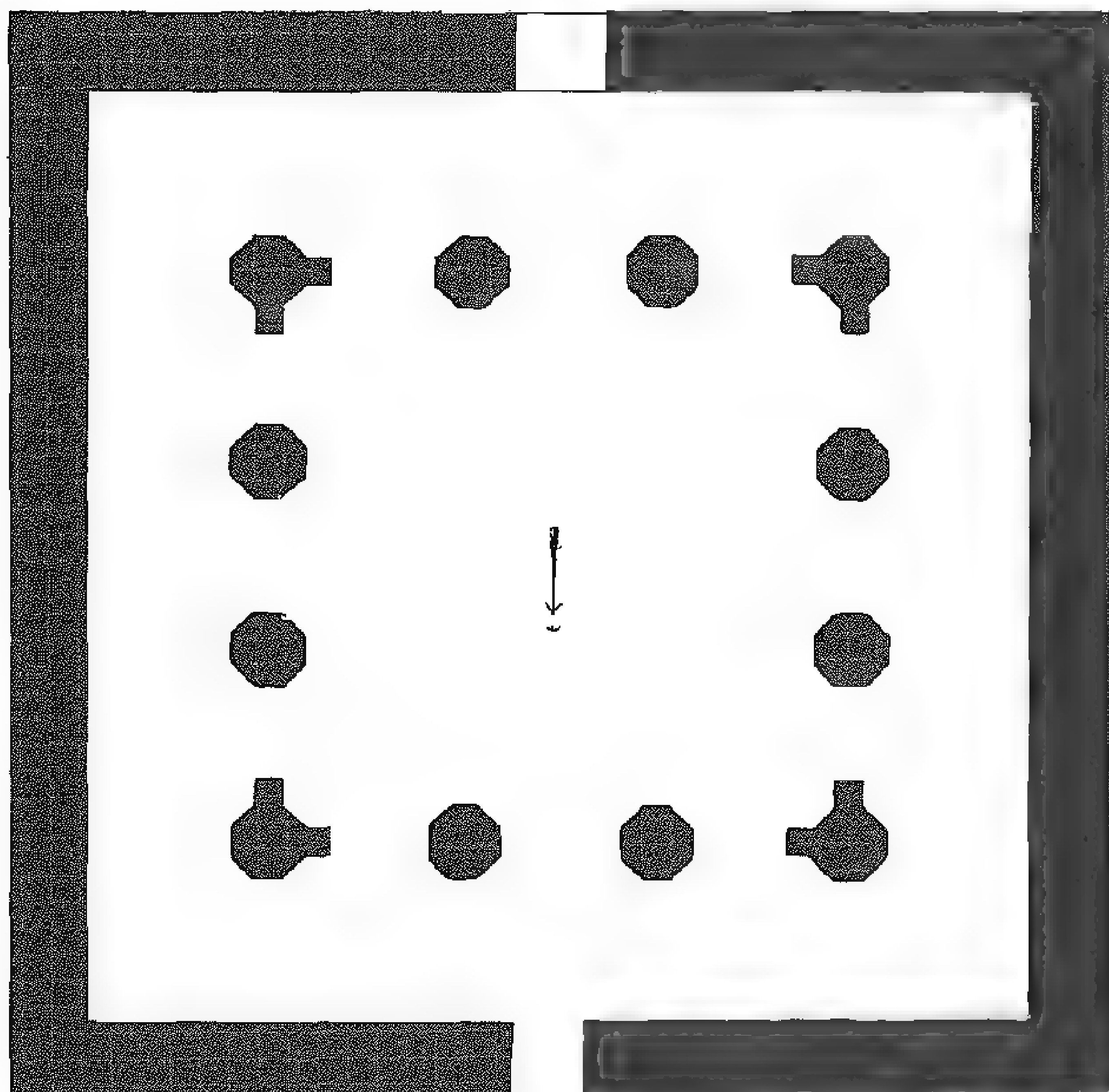


عکس شمارهٔ ۳۲ ـ کتیبهٔ کوفی‌اسپیه مزکت کیش خالهٔ دیناچال که بر دیوار شمالی گچ‌بری شده است.

عکس شمارهٔ ۳۳ ـ آنچه از کتیبهٔ کوفی اسپیه مزکت کیش خالهٔ دیناچال تا امروز باقی است.



عکس شمارهٔ ۳۴ – نقوش گچ‌بری عجیب اسپه‌مز گت‌کیش خالهٔ دیناچال که‌قسمتی از آن درازارهٔ دیوار شمالی دهلیز شمالی هنوز باقی است .



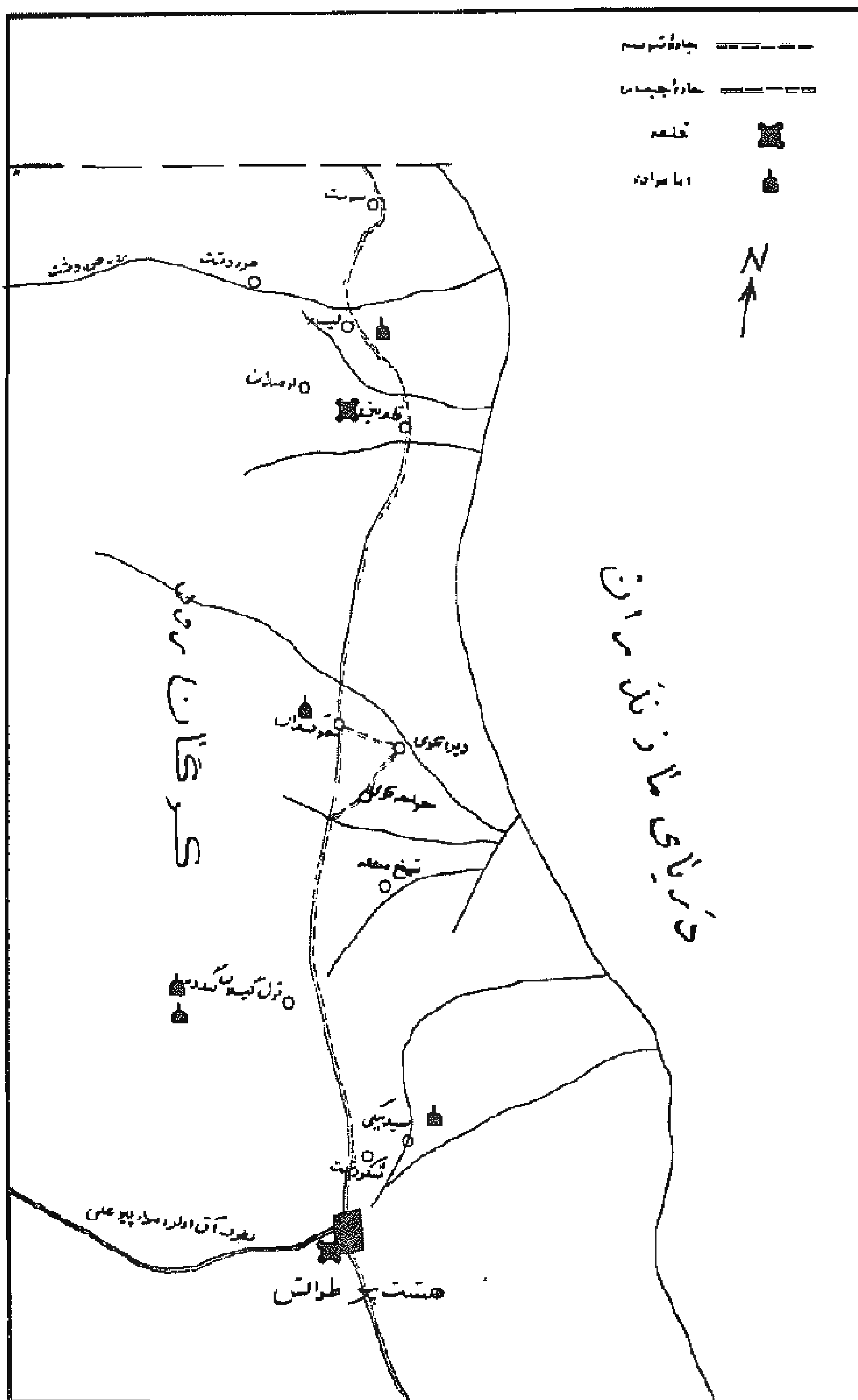
عکس شمارهٔ ۳۵ ـ شاید روزی طرح بنای اسپیه‌مزگت بدین‌شکل از زیرقلم‌طراح آن بیرون آمده باشد.



عکس شمارهٔ ۳۶ - یکی‌از طاقها که‌میان دهلیز شمالی و قسمت‌میانین اسپیه‌مزگت درکیش خالهٔ دیناچال است.



عکس شمارهٔ ۳۷ - یکی از طاقها که میان دهلیز غربی قسمت‌میانین اسپیه‌مزگت
کیش خالهٔ دیشچال است .



نقشهٔ شمارهٔ سه ـ آثار وبناهای تاریخی بخش جنوب گرگان رود.

بخش چهارم

۱ـ جغرافیای تاریخی تالش دولاب

تالش دولاب شامل دوقسمت است : ۱ـ اراضی هموار وپست ساحلی به‌نام گیل دولاب . ۲ـ سرزمین کوهستانی به‌نام تالش دولاب . قسمتی از اراضی گیل ـ دولاب که نزدیك مرداب انزلی است، آب وهوای بدی دارد . این بخش درشمال غربی مرداب انزلی است . ازطرف شمال به‌دریای خزر واسالم ، ازمغرب به خلخال وازجنوب به شاندرمن و گسکر محدود می‌شود . درازای آن ازمشرق به مغرب ، چهل‌ودو کیلومتر وپهنای آن ازشمال غربی به‌جنوب غربی سی کیلومتر است . درسال ۱۳۳۱ قمری که رابینو کتاب گیلان خود را می‌نوشت ، بیش از صدوپنجاه سال بود که سرزمین تالش دولاب ازخاك گسکرجدا شده بود .

پونل مرکز بخش ومهمترین آبادی آن‌است . آب وهوای پونل به‌خوبی مشهوراست وشاعری محلی دراین‌باره چنین گفته است :

جز آب شفارود وبجز منزل پونل　　　طبعم نپذیرد به خدا هیچ مکان را

دهکدهٔ پونل میان چاپ سرا وشفارود است وامامزاده غریب‌بنده نزدیك این آبادی است . از کوههای پشت این آبادی سنگهائی را که برای بندر انزلی مورد نیاز بود ، تهیه می‌کردند . راه‌آهن کوچکی پونل را به سیاه وزان (بفتح واو) درکنار مرداب انزلی متصل می‌کرد . طول این‌راه‌آهن چهارده کیلومتر بود . ازپونل دوراه به‌خلخال می‌رود : ۱ـ راه تابستانی ازارده (بفتح الف) ودشت دامان . ۲ـ راه زمستانی ازسینده .

ساکنان زمینهای هموار و پست ساحلی گیلک وشیعی مذهبند و به زبان گیلکی سخن می گویند. کوه نشینان تالش واهل سنت و جماعت‌اند و به زبان تالشی گفتگومی کنند. ملگونف جمعیت‌این‌بخش رادرسال ۱۲۷۷هجری (= ۱۸٦۰ میلادی) دوهزار وهشتصدوچهل و نُه خانوار باچهارده هزاروششصد وچهل وچهارتن می‌داند. درزمان رابینو یعنی درسال ۱۳۳۱ هجری جمعیت اینجا درحدود دوهزار وهشتصد خانوار بوده‌است.

ازتیره های مهم این‌بخش تیرهٔ خشابر (بضم خاء وفتح راء) است که‌پانصد باششصد خانوارند و تیرهٔ شیرازی که سابقاً ازشیراز بدین‌جا آمده‌اند و سی خانوارجمعیت ایشان‌است، جزتیرهٔ خشابربه حساب آمده‌است. تیرهٔ بوداق‌و تیره های دیگرنیز دراین‌بخش زندگی می کنند.

Haentzche دربخش تالش دولاب از رودخانهٔ آشور کنده و الخام (بفتح الف) نام‌می‌برد. رود الخام شاید همان سندیان خالهٔ امروزی باشد. همین مؤلف رودخانهٔ «تلیک» (بکسرتاءوتشدیدلام)راحدفاصل تالش‌دولاب‌وشاندرمن می‌داند. شفارود که ازمیان پونل می گذرد، بخش تالش دولاب را تقریباً به دوقسمت مساوی تقسیم می‌کند. (۱)

تالش دولاب به چند بخش جزء به‌این شرح تقسیم می‌شود:

۱ـ آب کنار، ناحیهٔ کوچکی است کنار مرداب انزلی درجنوب شرقی تالش دولاب.

۲ـ گیلان دولاب درجنوب دریای خزر ومغرب مرداب انزلی. (۲)

۳ـ قشلاق تالش دولاب.

٤ـ ییلاق تالش دولاب.

۵ـ خشابر و پرهسر (بفتح پ و کسر راء) شامل زمینهای نیمه مرتفع میان گیلان، فاصلهٔ میان ییلاق وقشلاق است.

۱ـ گیلان رابینو ص ۱۰۹. ۲ـ رابینو شمال دریای خزر ومشرق مرداب نوشته است. گیلان رابینو ص ۱۱۰.

۴ـ آثار و بناهای تاریخی بخش تالش دولاب

پل آجری قدیمی
بر رودخانهٔ شفارود تالش‌دولاب

این پل که در مسیر راه شاه عباسی است وازجنوب به پرده‌سر کوچک و بزرگ کسما ومناره بازاروازشمال به‌هشتپروهره دشت ولیسار وآستارامی‌رفته است ، تا امروز برپاست. طول این پل ۳۰/ متر وعرض آن ۲/۴۰ متر ودر طول دولبهٔ پل ، دوجان‌پناه به‌ارتفاع چهل‌سانتیمتراز آجر بنا شده است . این پل یك دهنه تمام از آجر بنا شده و چهار کنج آن چهار میلهٔ سنگی ساخته اند . (عکس شمارهٔ ۳۸ و ۳۹) .

عرض پل تمام با سنگ رودخانه فرش‌شده واین‌همان سنگفرش است که آثار آن درطول این‌جاده در خاك مازندران و گیلان دیده می‌شود .

برسمت چپ رودخانه متصل به این پل ساختمان محقری به‌نام «شیخ‌ـ قبر سر» است که خاك آن‌را برای معالجهٔ زگیل مؤثر می‌دانند .

مزار پیر شرفشاه
در حاشیهٔ جنگل هفت دغنان
آخر خاك گسکر و ابتدای خاك
گیل دولاب

پیرشرفشاه همان شاعر وعارف وارسته‌ای است که ترانه‌های گیلکی او را مردم گیلان ، از پیروجوان ، باآهنگ مخصوص موسوم به « شرفشاهی » می‌خوانند. آهنگ شرفشاهی در دستگاه شور ویکی از گوشه‌های پهلوی این دستگاه[۱] و منسوب به همین شاعر دل سوخته است . حتمال دارد خوداو نیز روزی ترانه‌های سرودهٔ خود را با همین‌آهنگ زمزمه می کرده است .

از سال‌تولد ودوران زندگی وفوت این‌مردخدا بی‌خبریم. شاید نخستین

(۱) تعیین این دستگاه در مجلهٔ فروغ‌سال اول شمارهٔ یك ص ۸۶ دیده می‌شود .

سندی که اورا یاد کرده است تذکرهٔ حشری تبریزی باشد . صاحب این کتاب نام اورا میان مریدان باباحسن عارف معروف تبریزی آورده است. عبدالفتاح فومنی یك بار از او نام می‌برد و می نویسد «... به‌مرقد غفران دستگاه پیر شرفشاه گسکر ملتجی‌شد .»(۱)

این پیر بعدها بر اثر علاقهٔ مردم بدو ، به مقام سیادت رسیده و فرزند سیزدهم امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام شمرده شده است‌وسلسلهٔ‌نسبی بدین ترتیب برای او فراهم‌آورده‌اند : سید شرف الدین (= سید شرفشاه) بن عبدالله بن حسین‌بن عبدالله‌بن ابراهیم‌بن موسی‌بن احمد‌بن ابراهیم بن محمد‌بن عبدالله بن موسی‌بن ابراهیم‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام .

سید صالح ، سید مولاجان و سید محمد جان را که فعلاً در ضیابر گسکر مدفونند اولاد شرفشاه می‌دانند ودر بارهٔ این دو تن و پدرانشان چنین نوشته‌اند : «سید مولاجان بن سید محمدجان‌بن سید ابراهیم‌بن سید محمد‌بن سید یعقوب‌بن‌سید شرف الدین (= سید شرفشاه) که درضیابر گسکر مدفونند برحسب بعضی اوراق که ازقدیم باقی مانده، (۲) معاصرامیره ساسان گسکری بوده وامیره‌ساسان‌هم معاصر امیره دباج‌فومنی وامیره محمدرشتی وامیره‌محمد شفتی بوده که درحدود سنهٔ ۷۸۵هجری می‌زیسته ودرنقاط مختلف گیلان‌امارت داشته‌اند. (فصل۲۶ تاریخ گیلان مرعشی) چوق مدت فاصلهٔ حیات‌سید مولاجان را با دورهٔ حیات‌سید شرفشاه به‌نسبت تقریبی اعمار وفواصل زمانی، یك‌صدو سی‌سال فرض کنیم، تقریباً سید شرفشاه درحدود سال۶۵۵ هجری یعنی‌درمائه هفتم هجری زندگی می کرده است.» (۳)

چنین معروف‌است که«خروسك»تالش‌دختری‌است که‌بازیبائی‌خودتوانسته ،

(۱) عبدالفتاح ص ۱۹۸ . (۲) شاید منظور اوراقی است که معروف است نزد آیةالله ضیابری است. با مراجعهٔ بدیشان معلوم شد چیزی دردست ندارند .

(۳)مجلهٔ فرهنگ سال سوم‌ص ۱۷۲– ۱۷۸ و ۲۰۶ –۲۱۲ .اطلاعات بیشتری در بارهٔ پیرشرفشاه دارد .

دل این عارف منزوی را از کف او برباید. گروهی این دختر را خواهر امیره ساسان گسکری می‌دانند. این دختر نیز مانند پیر شرفشاه در سلسلهٔ اولاد پیغمبر درآمده و مزارش به نام «سیّد خروسه»(۱) در کنار رودخانهٔ واویلا در جنگل هفت دغنان، زیارتگاه ساکنان دهکده های اطراف است. (۲)

بنای قبلی مزار پیر شرفشاه چوبی و دیوارهای اطاقی که مرقد او در آن قرار داشته، سراسر مشبک بوده است. این بنای چوبی زیبارا آقای علی‌زادهٔ سپاس خواه درسال ۱۳۲۵ شمسی خراب کرده و بنای فعلی‌را به‌جای آن ساخته است. بنای کنونی اطاقی است به ابعاد داخلی سیزده متر و یازده متر و شصت سانتیمتر. درمیان چهار دیوار بنا، چهار در ورودی است. مصالح ساختمانی آجر واز خارج و داخل سفیدکاری است ـ سقف بنا، واشان ولمبه کوبی و بام آن‌سفال سراست. (عکس شمارهٔ ٤٠ و٤١)

صندوقی که مرقد پیرشرفشاه را پوشانده است به‌طول۲/٥۲ متر وعرض ۱/٥۸ متر وارتفاع۱/٤٠ متر است. ضریح چوبین مشبکی اطراف این صندوق است که طول و عرض‌آن پنج متر است. (عکس شمارهٔ ٤۲) چهار کنج این ضریح، چهارستون قطور چهارسوست که گنبدی برسرآنها بنا شده است. بام گنبد نیزسفال‌سراست. کف بقعه مقداری‌موزائیک‌کاری ومقداری گل‌است. تمام محوطهٔ اطراف ضریح با حصیر، مفروش است. برضریح و صندوق هیچگونه نوشته‌ای دیده نشد. قسمتی‌ازصحن‌مزاردوطبقه‌وغرفه‌مانند است که پنجره‌های مشبک بسیارظریف دارد. (عکس شمارهٔ ٤۳).

درآبدارخانهٔ بقعه قطعه سنگ مرمر سفید شکسته‌ای به‌ابعاد ۳٥×۲۲ سانتیمتر دیده شد. این عبارات بر آن خوانده می‌شود:

---

(۱) شاید: ستی خروسه. (۲) مجلهٔ موسیقی سال سوم شمارهٔ دهم و یازدهم صفحات ۲٥ ـ ٤٤ مقاله‌ای به قلم محیط طباطبائی در بارهٔ شرفشاه گیلانی است و مرحوم ابوالحسن خان صبا در دوصفحهٔ آخر نت ترانهٔ اورا نوشته ست.

وهمچنین .... توفیق ربانی هر کس از ... امر دار آئین این ولایت اشتغال داشته باشد رسومات مذکور را برطرف دارند که .... از مردان شاهی است رابع خلفای ثلاثه لعنهم الله که غصب خلافت کرده‌اند خواهد بود فی سنه ۱۰۷٤ .

قطعه سنگ سیاهی به ابعاد ۵۸ × ۸۵ سانتیمتر در ایوان جلو در ورودی اصلی دیده شد این عبارات بر آن خوانده می‌شود:

درحاشیه: نصرمن‌الله وفتح‌قریب الدنیا ساعه وجعلها طاعة وبشر المؤمنین یا محمد یا علی . وسط این سنگ سروی در وسط ودوسرو واژگون طرفین آن و بالای آنها ، یا الله یا محمد یا علی حك شده‌است . (عکس‌شمارهٔ ٤٤) .

بقعهٔ سیده‌بانو
نزدیك مزار پیرشرفشاه

معروف است که‌سیده‌بانو مادرپیرشرفشاه است. عرض‌وطول داخلی‌بنای اصلی ۷ × ۸ متراست. این بقعه که برستونها استوار است . دیواری‌ندارد (عکس شمارهٔ ٤۵) ، فقط‌ضریحی‌چوبین ومشبك به‌ابعاد پنج‌مترجای‌دیوار بناست.(عکس شماره ٤٦) ارتفاع این‌ضریح بالغ بردومتر است. چهارطرف‌بقعه ایوانی‌به‌عرض دومتر دارد . ایوانی که درورودی‌بقعه از آن‌است نهستون چهارسو و ایوانهای دیگرهریك هشت‌ستون چهارسودارند . تمام ستونها سرستون دارند و این نوع سرستونها،با این‌برش به‌نام‌کلهه «Kolha» معروف است . لبهٔ ایوانها تکائلی به ارتفاع یك متر دارد . سقف بنای اصلی بقعه و ایوانها و اشان کشی و از رو پل کوبی بادرزپوش زده و بام سفال‌سراست .

برضریح‌مشبك چوبین کتیبه‌ای به‌این‌شرح دارد:

بتاریخ شهر رمضان المبارك سنه ۱۲٤۳ سیده بانو بنت امام الهمام

موسی الکاظم علیه السلام.

مزار سلطان غریب بنده
در چهار راه رضوان ده
تالش دولاب

نام اصلی سلطان غریب بنده ، سیدامیر سلطان بن موسی بن جعفر علیه السلام است . بنای اصلی بقعه به شکل مربع است (عکس شمارهٔ ٤٧) به جای دیوار آجری، دیواری مشبک و چوبین با طرحهای گوناگون دارد. (عکس شماره ٤٨) در وسط، ضریحی چوبین و مشبک به ابعاد ۳/۹۰ متر قرار دارد . ابعاد بنای اصلی بقعه از خارج ۸/۸۰ متر است . طاق بقعه ، واشان کشی وازروپل کوبی با درزپوش زده است . بام بنا حلب پوش است . دوسنگ قبر درقبرستان این بقعه است که تاریخ ۱۲۷۳ قمری بر آنها خوانده می شود . درحاشیهٔ یکی از این سنگها نامهای چهارده معصوم وقسمت میان آن عبارات زیر است :

هوالباقی هذا مرقد المرحوم المغفور الی جوار رحمة الله تعالی جعفرقلی بن مرحوم حاجی دولتعلی وفاته در ١٤ رمضان المبارک ۱۲۷۳ .درمیان سطور مطالب بالا چهار یاعلی درچهار جهت مختلف حک شده است . (عکس شمارهٔ ٤٩)

سنگ دیگری درقبرستان بقعه است که به نظر قدیمی تر می آید. چون سنگ بزرگتری درجلو آن قرار داشت به تاریخ آن دسترسی نیافتم . درحاشیهٔ بالای این سنگ بیت معروف: «ای خاک تیره دلبر مارا عزیزدار- این نورچشم ماست که دربر گرفته‌ای» خوانده می شود - قسمت وسط سنگ این عبارت حک شده است :

هوالباقی هذا المرقد المرحوم المغفور مظفر . . . (عکس شمارهٔ ٥٠)

برج شاتکاور(۱)
درآب کنار تالش دولاب

رابینو در کتاب گیلان خود از این برج یاد کرده است. اما نگارنده نتوانست درمحل چنین برجی را بیابد.

(۱) بکسر نون وفتح واو.

امیر قلعه
در رودبارسرای تالش دولاب

تپه‌ایست به‌نام «امیرقلعه» که درمحل معروف به«امیرسامان» قرار دارد فعلاً خندقی بزرگ وسنگهای فروان که روزی‌جزء مصالح ساختمانی قلعه بوده است دربالای تپه دیده می‌شود .

گلی لرز(۱)
در خوشابر تالش دولاب ییلاقی

بربالای تپه‌ای نزدیك خوشابر بنائی زگالی ساده است که دروسط آن قبری است وزیارتگاه اهالی است .

زرین کول
در خوشابر تالش دولاب

برسر تپهٔ نسبةً مرتفعی درخوشابر چندین پلهٔ سنگ چین قدیم دیده می‌شود .

سلطان برزکوه (۲)
برسامان اسالم و تالش دولاب

برسر تپهٔ بلندی که سامان اسالم وتالش‌دولاب است، بنائی‌ازسنگ‌وگل است. بام‌این‌بنا لت‌پوش‌ودرآن سه‌مرقداست. حصاری‌سنگ‌چین‌اطراف‌بناست. پائین این‌بقعه دهکدهٔ کوچکی به‌نام «برزکوه» است که دوازده‌خانوارزمستان وتابستان درآنجا زندگی‌می کنند . چراغ‌روشن کردن و تولیت این بقعه با ساکنان این محل است .

---

(۱) بضم گاف‌وفتح‌لام دوم. (۲) بفتح‌باء و کسرزاء.

دیه‌گا

بر سامان شاندرمن و تالش دولاب

گوری است که اطراف آن را باسنگ‌طبیعی‌حصار کرده‌اند . شخصی که در اینجا به‌خاك‌سپرده شده است ، شناخته نشد . مردم زیاد به زیارت‌این‌محل می‌آیند .

بقعهٔ سید نجم‌الدین
درجنب سرای‌پره سر تالش دولاب

بنائی است کرسی‌بلند که‌دیوارهای‌آن چوبین ومشبك‌است و چهارطرف آن ایوانهائی باستونهای‌چهارسودارد . میان این بنای چوبین صندوقی چوبین مرقد سیدنجم‌الدین‌راپوشانده است.سقف‌بناواشان کشی‌وبام‌سفال‌سراست.شجره نامه‌ای در دست سیدمصطفی موسوی متولی بقعه است که بیش ازسیصدسال از تاریخ تحریر آن می گذرد .

بقعهٔ شیخ‌المعالی

بنائی است تخته‌ای باسقف واشان کشی وسراسر بام آن لت پوش است .

گورستانهای قدیمی و آثار تاریخی بخش تالش دولاب

۱ ـ در کدوك چروده (۱) پره‌سر محلی است به نام زلرز(۲) که نشیمنگاه تابستانی است . در محلی به نام آهنگر کوله (۳) آثار ساختمانی قدیمی است .

۲ ـ در کدوك چرروده ، در محلی به نام شَلَه خوار (٤) آثار ساختمان قدیمی است .

۳ ـ درچروده در محل کُله‌ژیه (۵) ، قبرستانی قدیمی است.

٤ ـ دربالای اَرده (٦) درمحل کَفسه(۷) قبرستانی قدیمی است.

---

(۱) بفتح چ و واو ودال . (۲) بفتح زاء ولام (۳) بفتح لام . (٤) بفتح شین ولام وخاء . (۵) بضم کاف وفتح لام وباء . (٦) بفتح‌الف ودال. (۷) بفتح کاف وسین.

۵ – در ییلاق چرروده درمحلی به‌نام خرسی‌نسا (۱)قبرستانی‌قدیمی و آثار آجر فراوان است .

۶ – در ییلاق چرروده در محلی به‌نام دیان‌سر قبرستانی قدیمی است.

۷ – درلوئیم پهلوی جنّ دره (۲)پله‌های سنگ‌چین قدیمی است.

۸ – روبروی قریهٔ یارکام قبرستانی قدیمی است. از گورها اشیاء قیمتی و کوزه‌های سفالین بیرون آورده‌اند . سمت پاره‌ای از گورها اسلامی است و نشان می دهد که در قدیم مسلمانان نیز مردگان خود را در اینجا به خاك سپرده اند .

۹ – درمحل چـران، در اطراف بقعهٔ پیراسد سنگ قبری‌قدیمی است.

۱۰ – درملاّ تربه ، جنب ملا محلهٔ پره‌سر سنگهای قبور قدیمی است.

۱۱ – زینل تربه ، گوری تنهاست که اطراف آن محجری چوبین‌دارد.

۱۲ – مسجد سیامکان به نام مسجد سید قادر آقا نسبةً قدیمی است .

۱۳– در دهکدهٔ ییلاقی روشنده قبرستان قدیمی بزرگی است و وسط آن تربت ومزاری است .

۱٤– مسجد وبقعهٔ خیمه سر شفارود .

۱۵– برزه تربه درصیقل سرای پره سر.

۱٦– مسجد صیقل سرای پره سر .

۱۷– مسجد وقبرستان ارده‌رود کنار گیل دولاب .

۱۸– قبرستان قدیمی بادتربه در اردجان گیل دولاب .

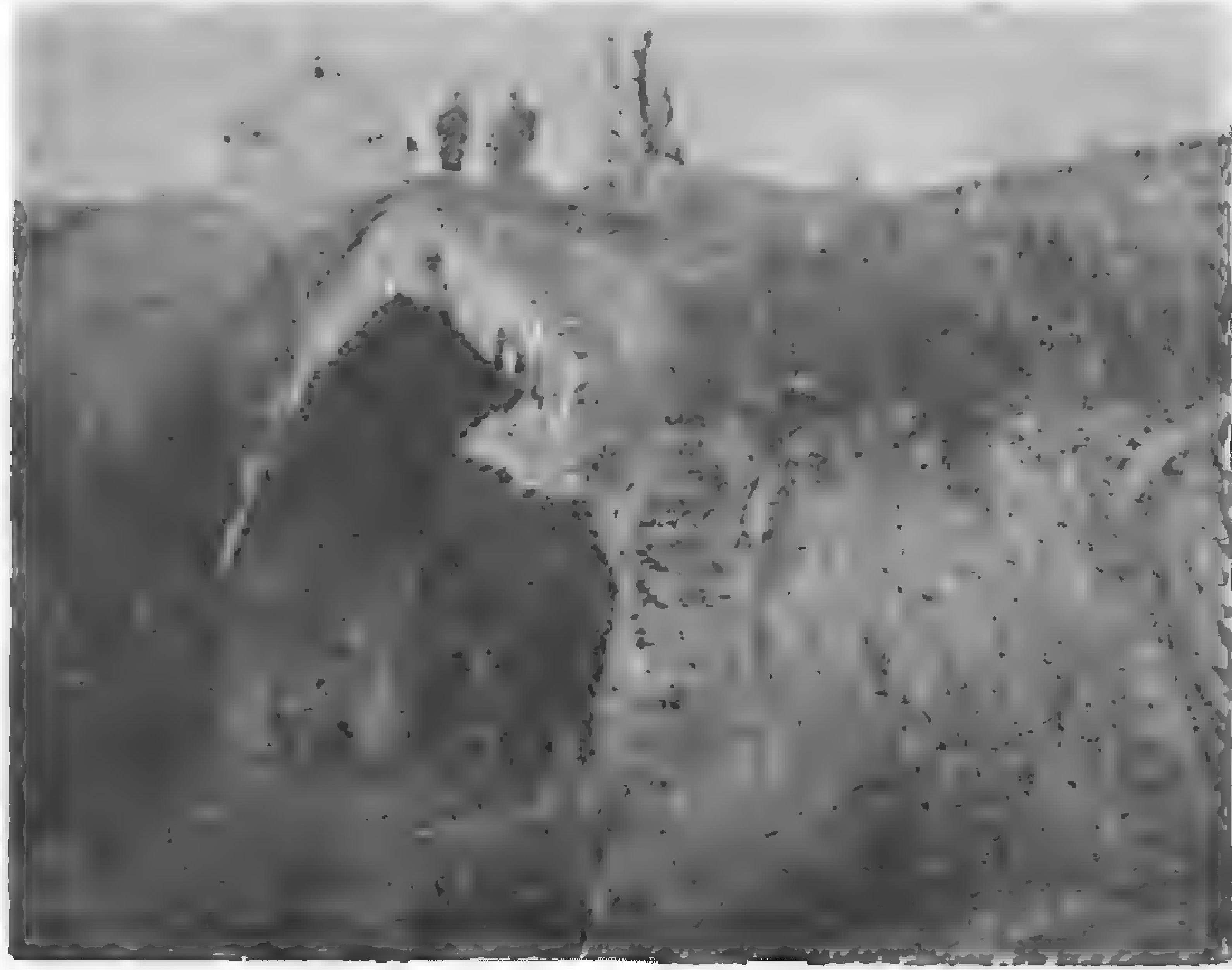
۱۹– مسجد رود پشت تالش دولاب .

۲۰– مسجد محمد شفیع درشفارود .

۲۱– سنگ نوشته‌ای برسر راه و تول گوند (۳) وخوشابر .

---

(۱) بفتح خاء ونون . (۲) بکسر جیم ونون مشدد مفتوح .
(۳) بفتح واو و تاء وکسر واو دوم .



عکس شمارهٔ ۳۸   نمای شمالی پل‌قدیمی شفارود در پونل تالش‌دولاب.



عکس شمارهٔ ۳۹ ـ نمای جنوبی پل قدیمی شفارود در پونل تالش‌دولاب .



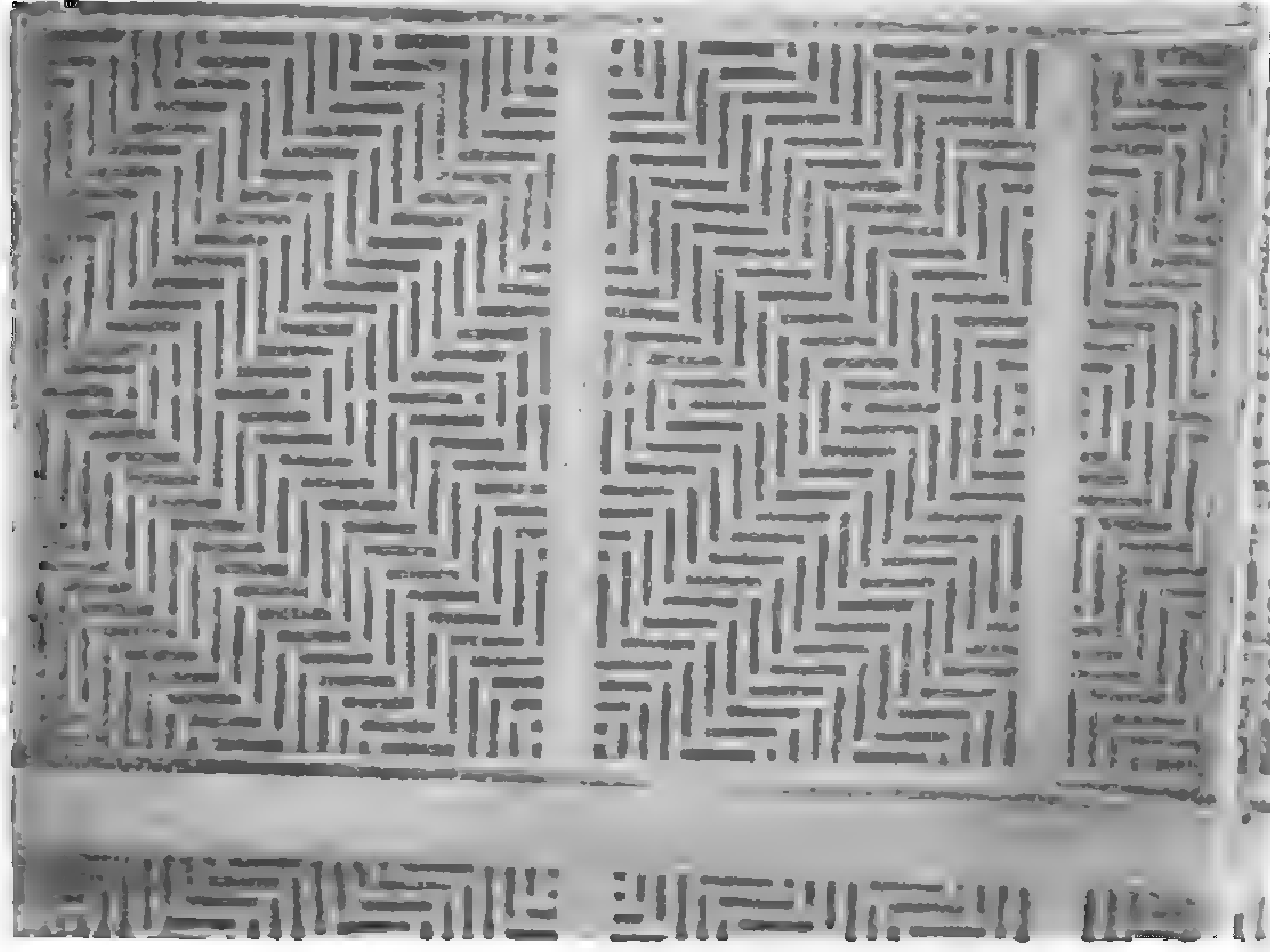
عکس شمارهٔ ۴۰ ـ نمای جنوبی مزار پیرشرفشاه درحاشیهٔ جنگل هفت‌دغنان.



عکس شمارهٔ ۴۱ - نمای شمالی مزار پیر شرفشاه درحاشیهٔ جنگل هفت دغنان.



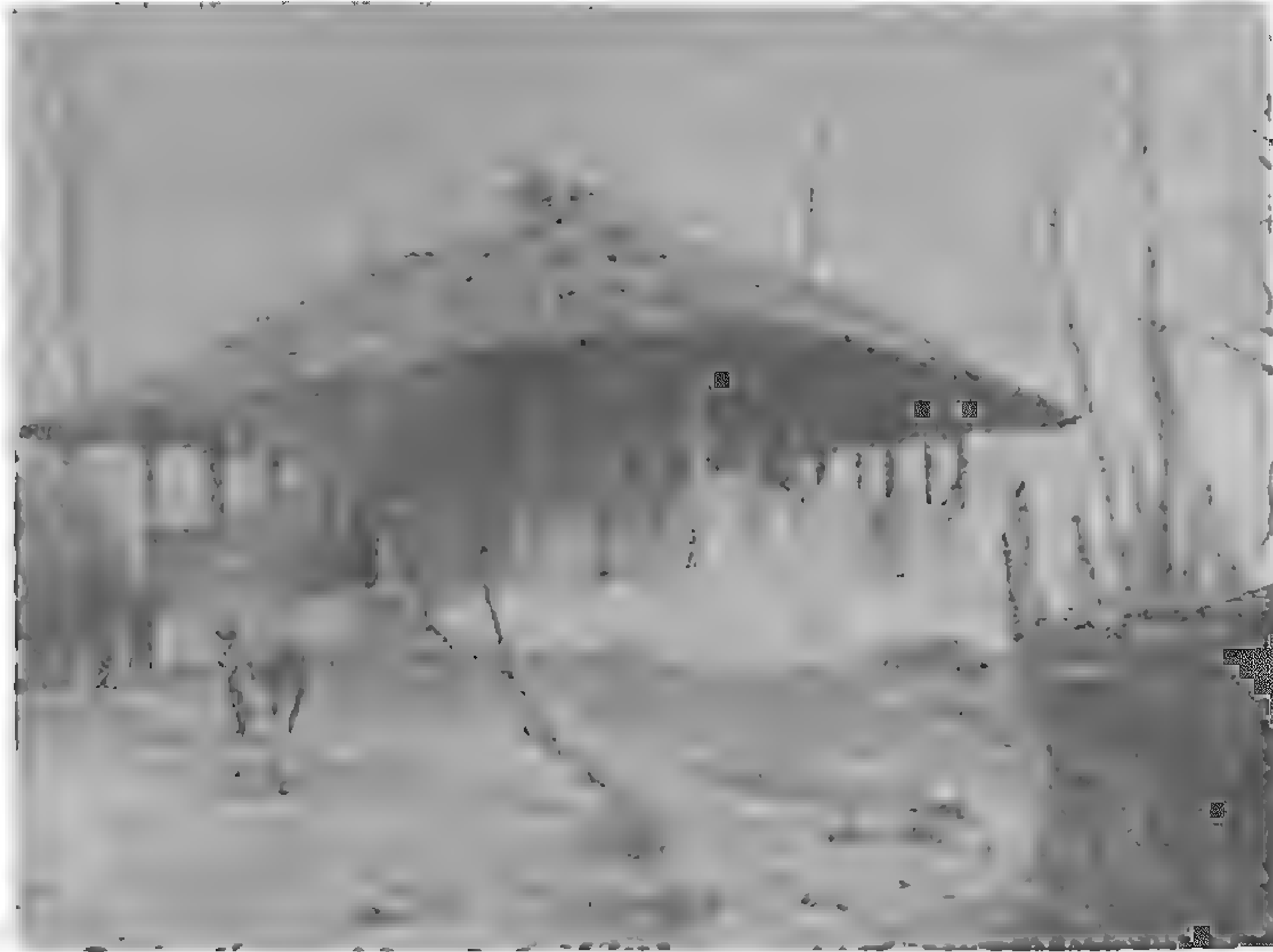
عکس شمارهٔ ۴۲ - صندوق وضریح مرقد پیر شرفشاه درحاشیهٔ جنگل هفت دغنان .



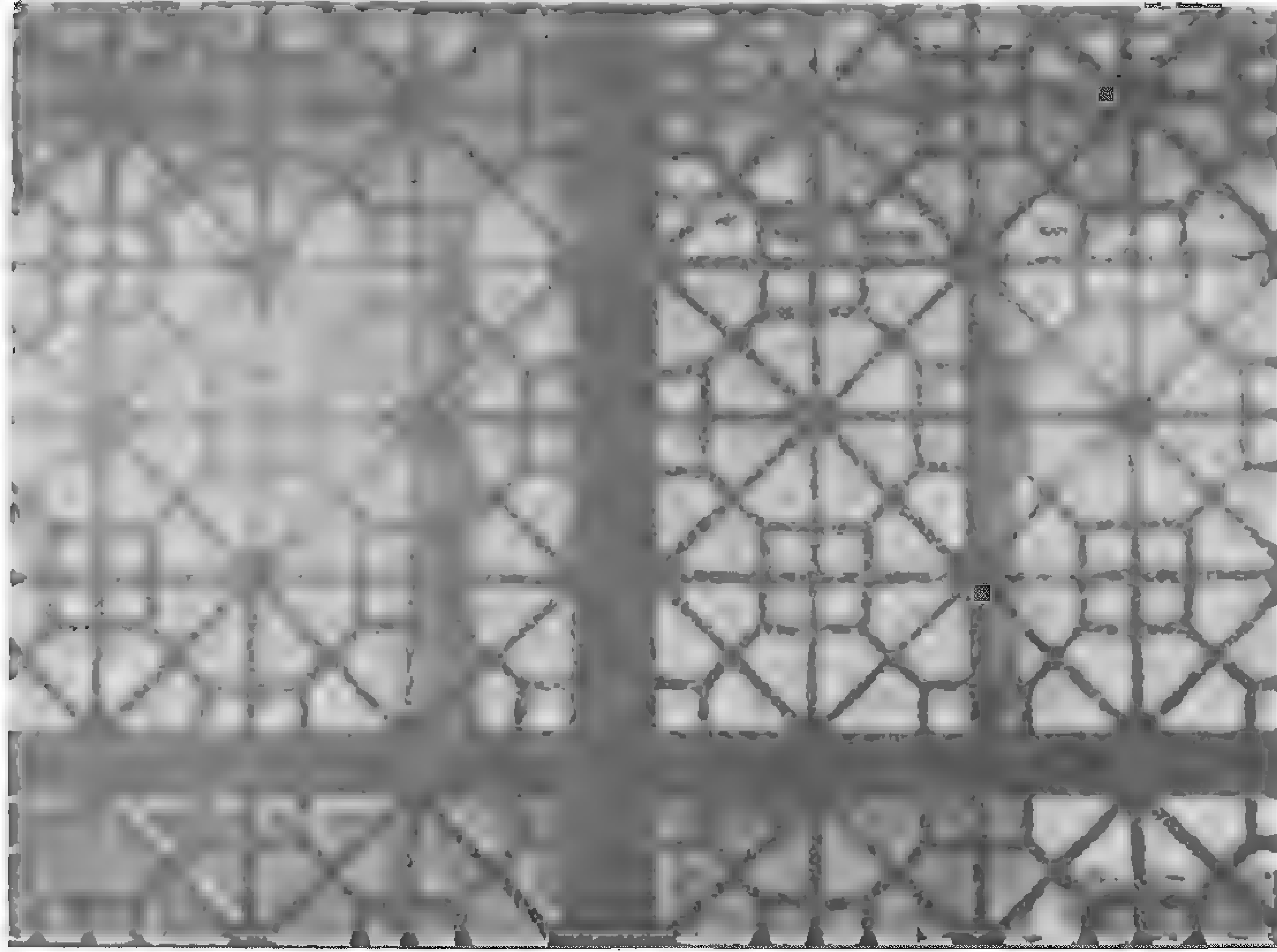
عکس شمارهٔ ۴۳ ـ پنجره‌های مشبك غرفه‌های بالائین صحن پیرشرفشاه بدین‌شکل‌است.



عکس شمارهٔ ٤٤ ـ سنگ سیاهی که جلو در ورودی مزار پیر شوفشاه است .



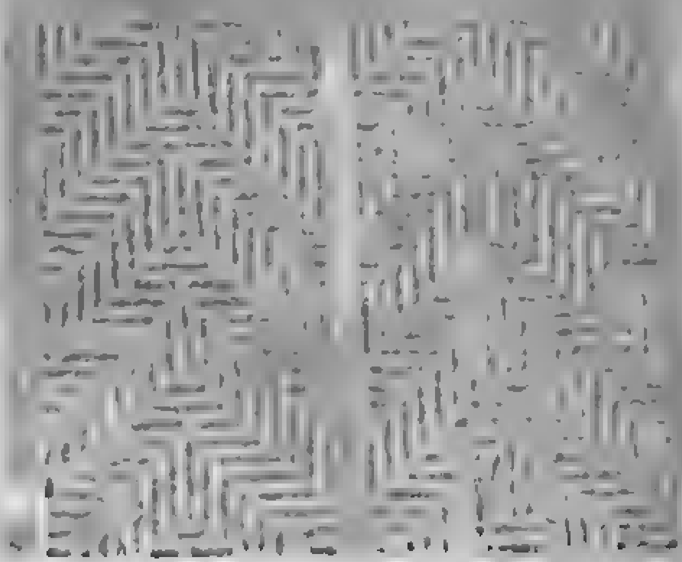
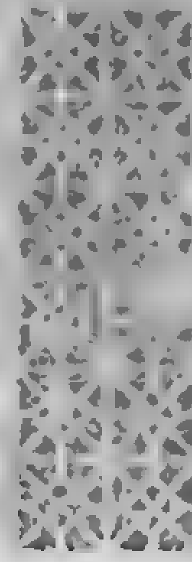
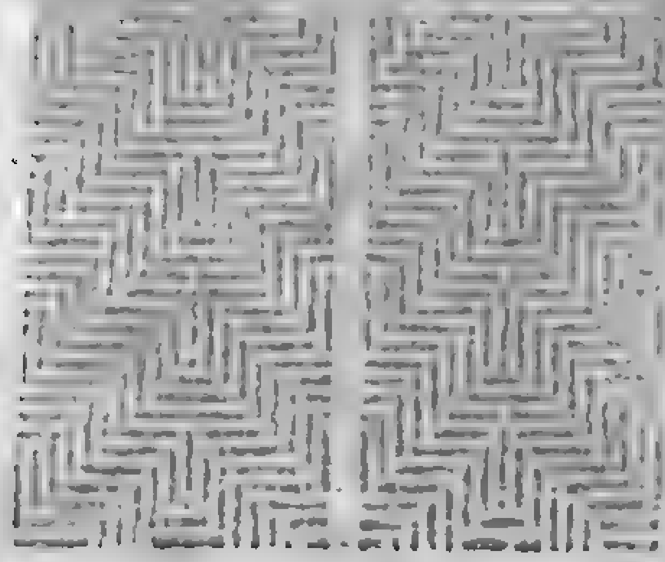
عکس شمارهٔ ٤٥ ـ بقعهٔ سیده‌بانو، مادر پیرشرفشاه در نزدیکی مزار پیرشرفشاه.



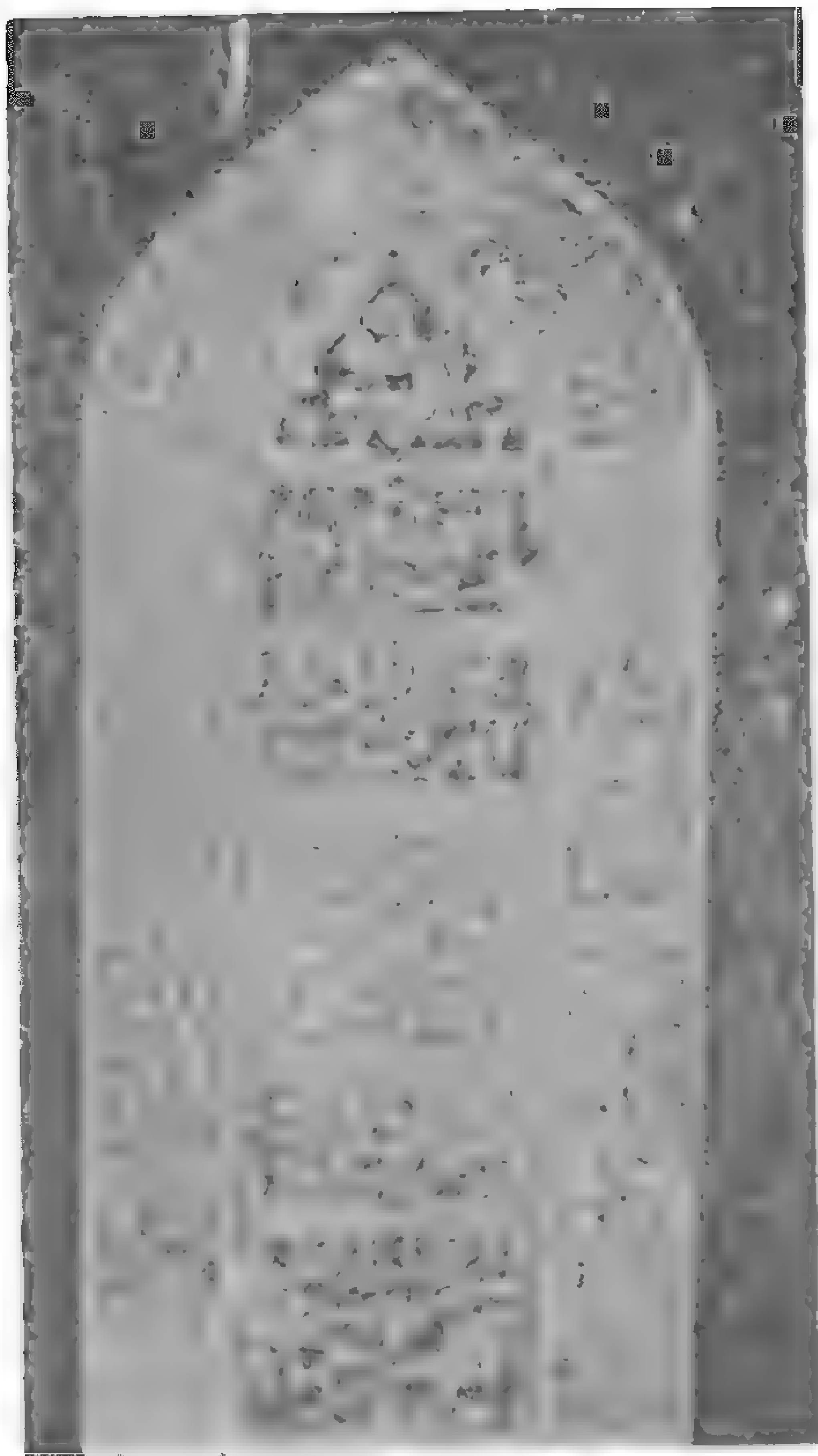
عکس شمارهٔ ٤٦ قسمتی از ضریح چوبی مشبک بقعهٔ سیده بانو نزدیک مزار پیر شرفشاه



عکس شمارهٔ ۴۷ مزار سلطان غریب نده در رضوان ده تالش دولاب.

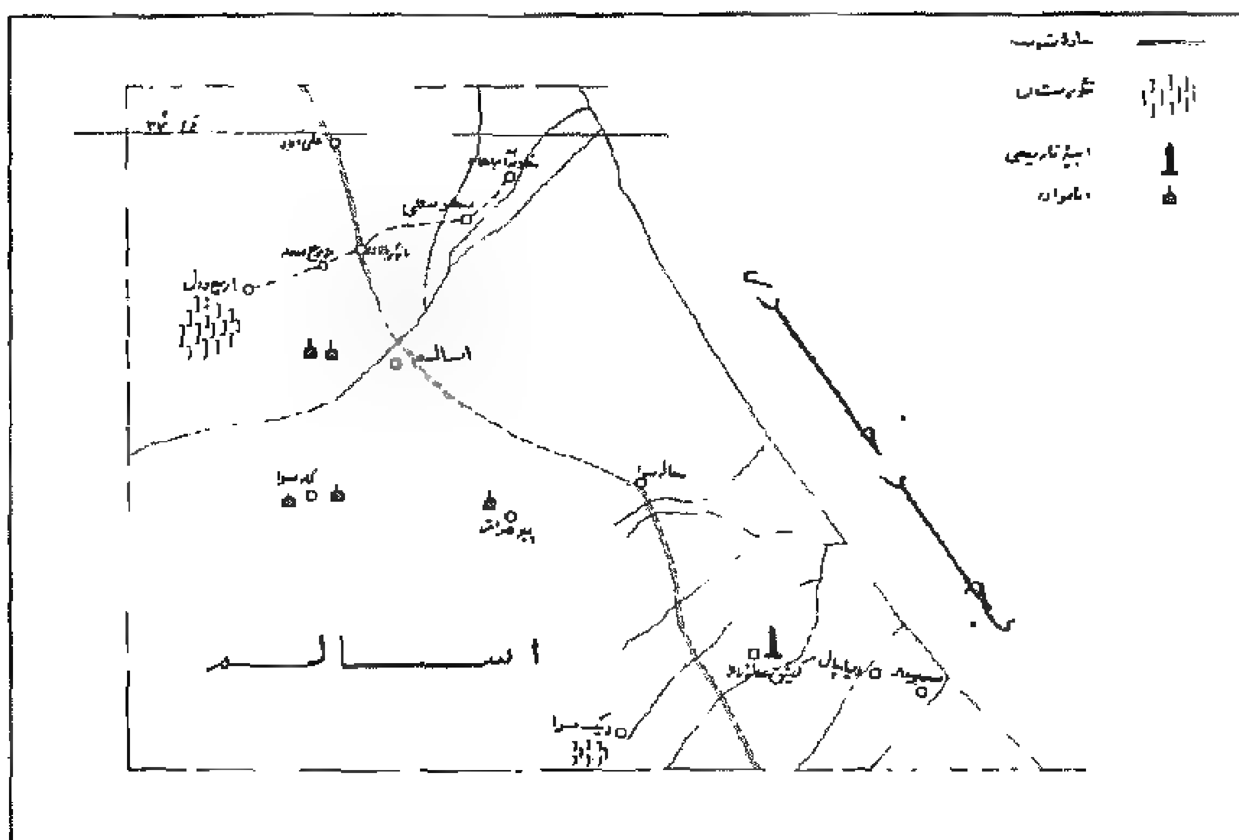
عکس شمارهٔ ۴۸ ـ قسمتی از دیوار چوبین مشبک بقعهٔ سلطان غریب‌بنده در رضوان
ده تالش دولاب



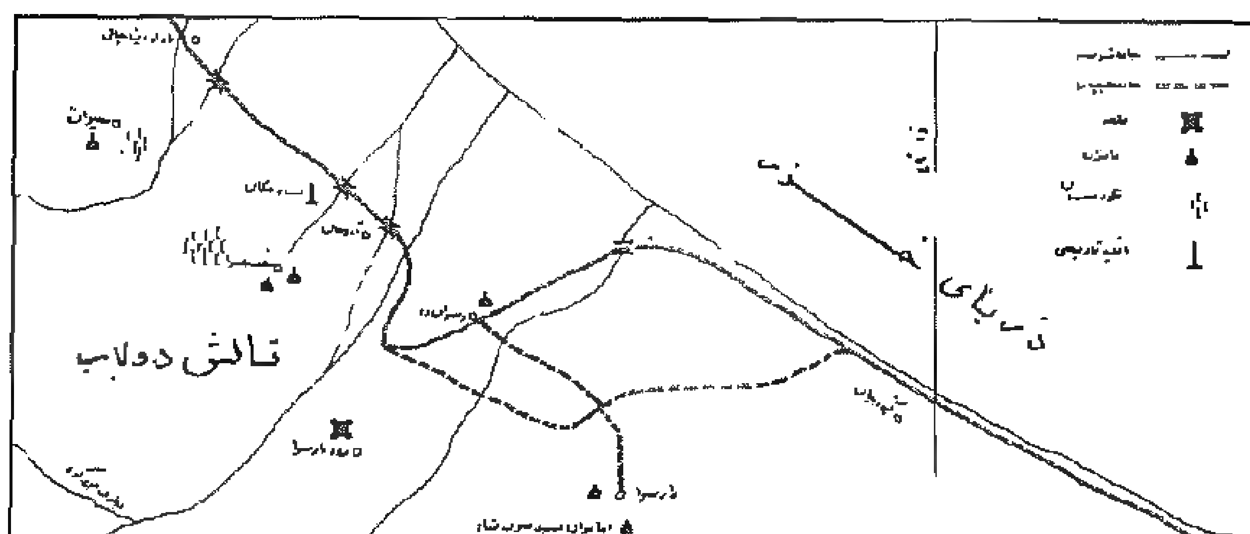
عکس شمارهٔ ۴۹ - یکی از سنگهای قبوری که در قبرستان بقعهٔ سلطان غریب بنده است.



عکس شمارهٔ ۵۰ - یکی از سنگهای قبور قبرستان مزار سلطان غریب‌بنده دررضوان ده تالش دولاب .



نقشهٔ شمارهٔ چهار مقابل صفحهٔ ۷۴ ـ بناهاو آثار تاریخی بخش اسالم.



نقشهٔ شمارهٔ پنج مقابل صفحهٔ ۹۰ ـ آثار وبناهای تاریخی قسمتهای ساحلی وپست تالش دولاب.

بخش پنجم

۱ـ جغرافیای تاریخی شاندرمن

بخش شاندرمن ازشمال به‌تالش دولاب ، ازجنوب به ماسال ، ازمشرق به گسکر وازمغرب به خلخال محدود می‌شود . این بخش روزی قسمتی ازخاك گسکر بوده است .

ملگونف (Melgounoff) در سال ۱۲۷۷ هجری (=۱۸۶۰ میلادی) می‌نویسد که ساکنان شاندرمن فقیرند ودهکده های آن اززمان هدایت خان رو به خرابی‌است .

بیست سال پس ازاین تاریخ زنوویف (Zenovieff) شمارهٔ دهکده های این بخش راموازی شانزده پاره می‌داند که چهارپارهٔ آن خراب‌است وساکنان دهکده های آبادنیزمردمانی‌فقیرند . جمعیت این‌بخش که درآن تاریخ به‌هزار ودویست‌وپنجاه تن می‌رسید ، درزمان رابینو (۱۳۳۱ هجری)بالغ برسه‌هزارتن بوده‌است . معاش ایشان‌از زراعت وگله داری وزنبورداری است وچون بیشتر ایشان‌گله دارند ، همیشه به دنبال چراگاه در دامنه های کوه بالا و پائین می روند .

دهکده های بخش‌معاف کردنشین‌است(۱) کردانی که یك‌روز اززنجان‌یا خلخال بدین جا آمده‌اند . Haentzsche می گوید که اینان به مذهب داودی پای بندند که همان‌آئین علی‌اللهی‌است . مابقی ساکنان این‌بخش‌شیعی‌مذهبند جزپاره‌ای که اهل سنت وجماعت‌اند . ساکنان این بخش به‌زبان تالشی‌سخن

۱ـ اولیه (بفتح لام) معاف فعلاً برجاست وساکنان این محل تالش‌اند .

می گویند . (۱)

از گذشتهٔ شاندرمن اطلاعی در دست نیست و نام این بخش در کتب جغرافیائی وتاریخی به چشم نمی‌خورد . دهکدهٔ بیتم (بکسر تاء) که تاامروز برجای‌است درسال ۱۳۳۱ قمری یعنی زمانی که رابینو کتاب گیلان خودرا می‌نوشت حاکم نشین این بخش بوده‌است .

دهکدهٔ چله خانه (بکسر چ وتشدیدلام) نیزمحل نجفقلی‌بیك شاندرمن بوده‌است . این‌مرد برپنج بخش تالش‌نشین حکمروائی داشته‌است .

گیلارود حدمیان شاندرمن وتالش دولاب‌است .

ازشاندرمن دوراه به‌خلخال می‌رود : راه دهکدهٔ شال خلخال که‌ازلچور وکوسار و دریا و سرخ سنگان می گذرد . راه کلور (بضم‌کاف و لام) کـه از روخانـه سرو پائین لچور وامرادول و آویجه پاسر والنزه وسیابیل و گدوك می گذرد .

۴ـ آثار وبناهای تاریخی شاندرمن

بقعهٔ امامزاده شفیع بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندرمن

بنائی‌است مربع به‌ابعاد ۳/۷۰ متر، چهارطرف‌بنا ، ایوانی به طول ۹ متر وعرض ۲/۷۰ متراست وهرایوان نه‌ستون چهارسوی چوبین دارد.(عکس‌شمارهٔ ۵۱) دیوارهای‌این‌بناچوبین ومشبك‌است ، (عکس‌شمارهٔ‌۵۲) داخل‌اطاق‌ودروسط آن صندوقی چوبین مشبك به‌طول ۱۸۰ وعرض ۹۵ وارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر است . (عکس شماره ۵۳) صحن امامزاده ، دری چوبین به‌ایوان قبلی دارد . این عبارات بر کتیبهٔ بالای درقسمت بالاوپائین چهارچوب آن دیده می‌شود : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم السلام‌علیکم یاامامزادهٔ شفیع‌بن موسی‌الکاظم باعث‌بانی شد علی‌بن رستم‌خان عمل خان سعید ..... سید محمد و احمدبن استاد آقا بابا سارشاك ربود[کذا] ۱۰۷۳.

۱ـ گیلان رابینو ص ۱۱۵.

این عبارات بامرکب سیاه برطرف چپ چهارچوب نوشته‌شده‌است :
در آستانۀپائین بقعۀمتبر که‌تاریخ‌ساختمان معجرکاری به‌خط‌جمل‌وحساب ابجدی حك شده به‌لفظ بودتاخمسك مثلاب و دتاخ م س ك ۱۰۷۳.

سقف‌صحن بقعه واشان کشی‌وازرویل کوبی‌است . سقف‌ایوانهاواشان کشی خالی بدون پل کوبی و لمبه کوبی‌است . مراسم علم بندی دراین بقعه روز اول محرم و علم واچینی روزسیزدهم محرم یعنی سوم امام برپا می‌شود .

سنگ قبر کوچکی‌درقبرستان بقعه‌است . این عبارات‌برآن خوانده‌شد :
هذا مرقد مرحوم مشهدی یعقوب علی ولد علی ۱۳۰٦. نشانها:شانه ومهر.

بقعۀ پیران بست
در پلنگ سرای شاندرمن

این بقعه ، اطاقی مربع شکل است که سه طرف آن ایوان دارد. عرض ایوانها ۸۰ سانتیمتراست . وسط اطاق صندوقی چوبین ساده است . سقف بنا و ایوانها واشان کشی وسراسربام‌آنها لت پوش‌است . چنداصله‌درخت‌آزاد کهن که یکی‌ازآنها پوسیده وبرزمین افتاده‌بود ، اطراف بقعه دیده شد .

بقعۀ آقا سید ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در پاشکم شاندرمن

بنای قدیمی این‌بقعه راخراب کرده وبه جای آن بنای جدیدی برپا کرده بودند . بنای‌جدید مستطیل شکل‌است ویك زاویۀآن که نزدیك به‌مرقد است تدویردارد . صندوقی چوبین ساده به‌طول ۱٦۹ وعرض ۱۰۸ و ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر دریکی‌از زوایا قرارداشت . سقف‌بنا لمبه کوبی وبام‌آن حلب سراست . مسجدی متصل به‌بقعه‌است . دوسنگ فسیل حلزونی که می گفتند از محل قبربیرون آورده‌اند ، ازخارج بردیوار مسجد نصب کرده بودند واظهار می کردند اینها خط شجری است . مراسم علم بندی‌اول محرم وعلم واچینی هفدهم محرم وگاهی بیست وهشتم صفردراین بقعه برپامی‌شود .

بقعهٔ ملا محمد
در وزمتر (١) شاندرمن

بنای‌اصلی بقعه‌ازخارج به‌طول ٣/٧٠ وعرض ٣/٥٠ متراست. صندوقی چوبین دروسط بناست. سه طرف بقعه‌ایوان‌دارد. عرض‌ایوان جنوبی ١٧٠ و ایوانهای شرقی وغربی ٩٠ سانتیمتراست. سقف هرایوان برپنج ستون چهار-سومتکی‌است (عکس‌شمارهٔ ٥٤)

جلوایوانها دستك تکالی‌دارد. سقف‌بقعه واشان کشی‌وازروپل کوبی‌است. سقف ایوانهافقط واشان کشی دارد. بام سراسربنالت پوش‌است. دودرخت‌آزاد کهنسال‌درپشت‌بناست. محیط‌دایرهٔ درخت غربی ٤٥٠ سانتیمتر و محیط دایره درخت شرقی ٥٧٠ سانتیمتراست.

باقیماندهٔ آثار و بناهای تاریخی بخش شاندرمن
که پاره‌ای از آنها ممکن است بسیار قدیمی باشند

١- بقعهٔ درویش شاهمیر نزدیك دهکدهٔ چال سرای.
٢- بقعهٔ اولم (٢).
٣- مسجد قدیمی چال سرا.
٤- سیدرضا مسجددر دیلمه جان (= دلیجان).
٥- مسجد قدیمی‌آجری وبنای قدیمی حاکم نشین دربیتم. (٣)
٦- آقاسید عبدالله بن موسی بن جعفر درملك جهان.
٧- میرزا علی‌آقا مسجد در سیادله. (٤)
٨- بقعهٔ آقا سید محمد ومسجدآن درپایه زاد شیخ نشین.
٩- بقعهٔ میردن (٥) قبرخانه ومسجدآن در ملك‌بکور (٦) شیخ نشین.
١٠- بقعهٔ شاه نجف ومسجد شیخ نشین لب جاده نزدیك پل.

١- بفتح واو و میم وتاء. ٢- بفتح لام. ٣- بکسر تاء. ٤- بفتح دال.
٥- بضم دال. ٦- بکسر میم وکاف.

۱۱ــ مسجد شیخ نشین دردهکدهٔ شیخ نشین .

۱۲ــ سید مدینه یابجارسری امامزاده درشیخ نشین .

۱۳ــ بقعهٔ جیرسرا بـا مسجدآن درسلیچر.[۱]

۱۴ــ چلّه خانه درجنگلی نزدیك بیتم. [۲]

۱۵ــ بقعهٔ رشکوم بالای سیابناور. [۳]

۱۶ــ قلعهٔ سیابناور.

۱۷ــ قلعهٔ کله پیرسر[٤] .

۱۸ــ قلعه دیه‌گا (= دید گاه) .

۱۹ــ بقعهٔ بارگاه برم [۵] دربیلاق شاندرمن .

۲۰ــ قله پشت نزدیك بارگاه برم .

۲۱ــ گنگ آبی که ازکوه سویله سر[٦] به خشك دریامی‌آید .

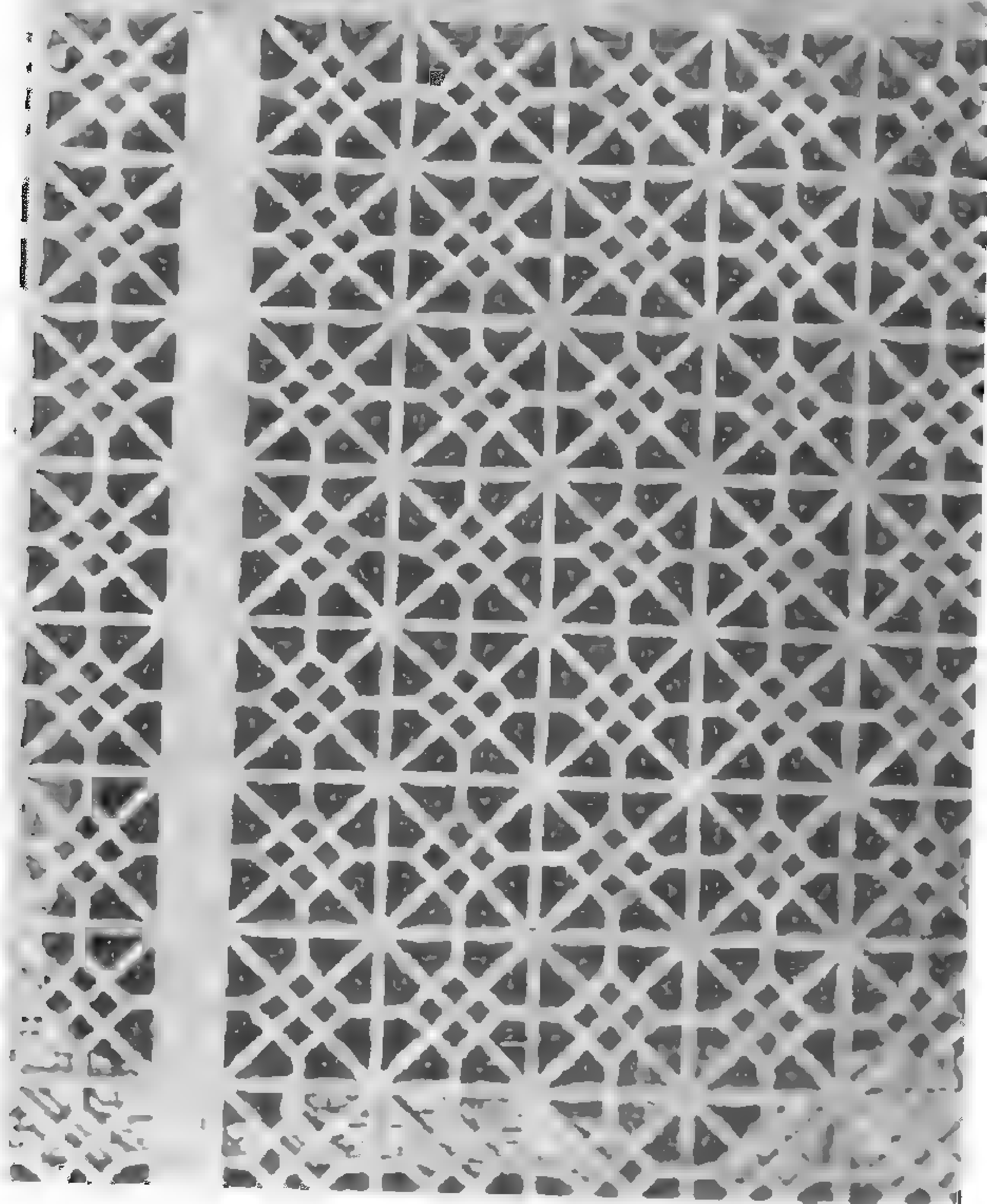
۲۲ــ بقعهٔ میان راه شاندرمن به‌کفوت .

۲۳ــ امامزاده پیلیم (Pileym) معروف به شاه معلم برسامان‌میان‌شاندرمن و خلخال .

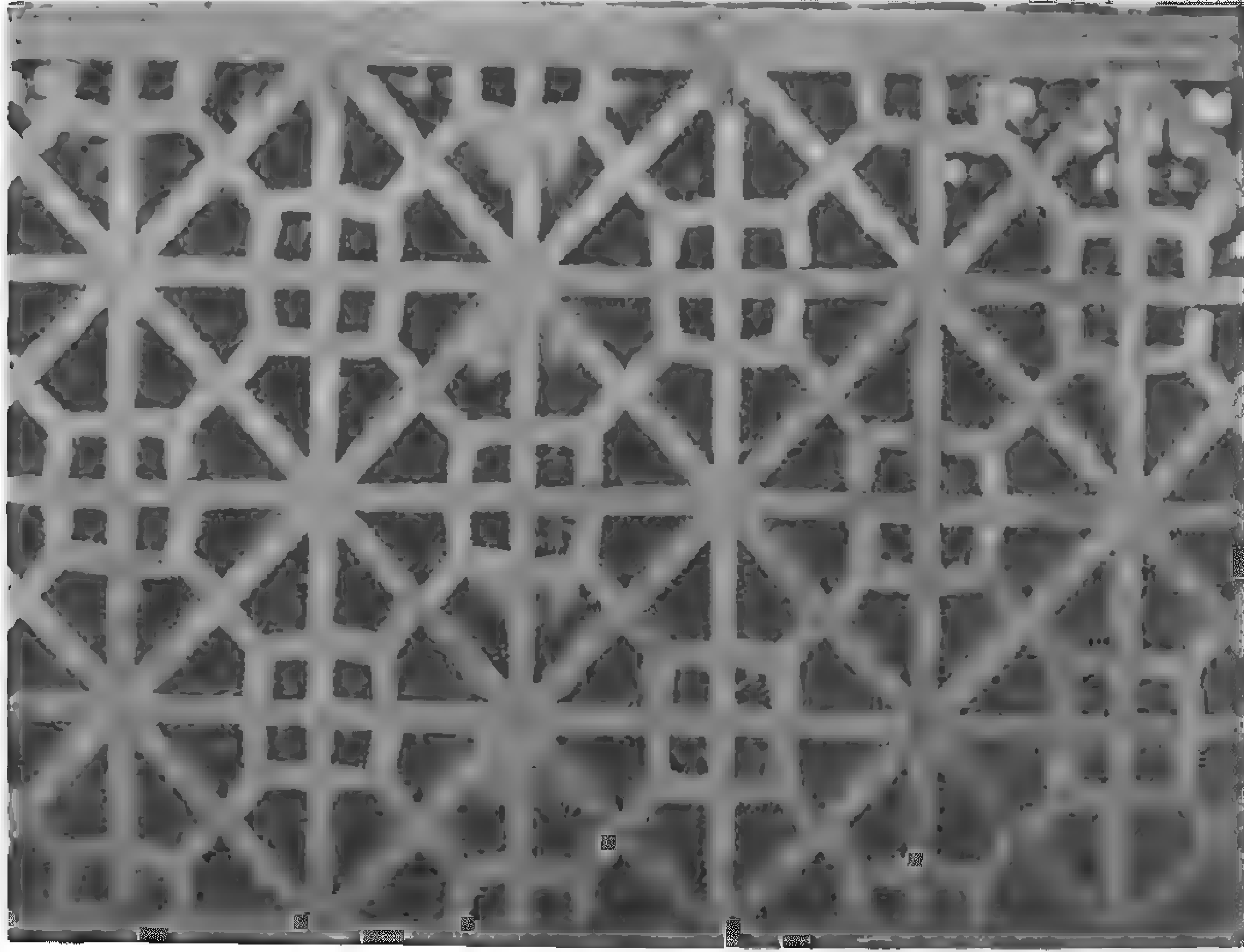
۱ــ بکسرسین وچ .　۲ــ بکسر راء .　۳ــ بفتح باء و واو .　٤ ــ بضم کاف وفتح لام . و راء و سین .　۵ــ بکسر باء وفتح راء .　٦ــ بفتح لام و سین .



عکس شمارهٔ ۵۱- بنای امامزاده شفیع بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندرمن.



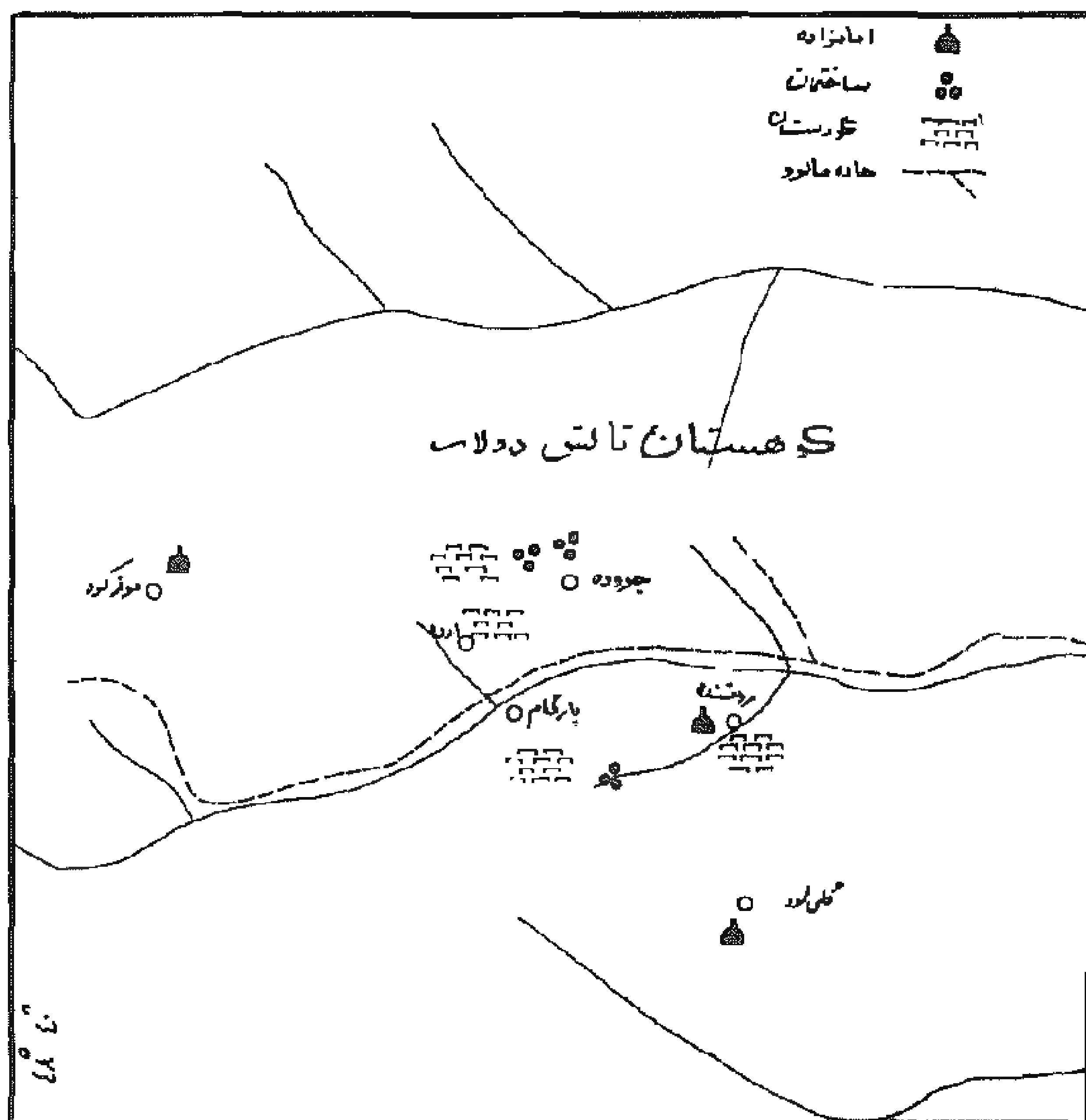
عکس شمارهٔ ۵۲ – دیوار مشبک امامزاده شفیع بن موسی الکاظم در دهکدهٔ قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندرمن.



عکس شمارهٔ ۵۳ ـ ضریح امامزاده شفیع‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ‌قشلاق شین امامزاده شفیع شاندرمن



عکس شمارهٔ ٥٤ ـ بقعهٔ ملامحمد دروزمتر شاندرمن .



نقشهٔ شمارهٔ شش ـ آثار و بناهای تاریخی کوهستان تالش دولاب.

بخش ششم

۱ - جغرافیای تاریخی ماسال

بخش ماسال درجنوب شرقی تالش وشمال غربی گیلان است. این بخش کوهستانی ، در مغرب و جنوب غربی خلخال قرار گرفته است . حد شرقی و جنوب شرقی آن فومن وحد شمالی آن گسکر وشاندرمن است. حد اکثردرازای آن ازشرق به‌غرب سی‌وهشت کیلومتر وپهنای آن ازشمال به‌جنوب ده تا دوازه کیلو متر است .

درخانه ـ درجنوب شرقی بازار ماسال در فاصله‌ای بیشتر از یك کیلو- متر در خانه قرار داشته است . این بنا از زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) محل اقامت خان بوده و بر حد میان لوحه سرا و وردون قرار داشته است . یازده خانوار از نوکران خان در اینجا اقامت داشته‌اند . محل زندگی جواد خان که بنائی است دوطبقه با دیوارهای آجری وبامی لت پوش و حمامهای خراب آن تازمان رابینو باقی بوده است. (۱)

بازار ماسال که روز های شنبه برپا می‌شود ، به شنبه بازارنیز معروف است . رابینو پس از وصف دکانهای گالی پوشی آن، این بازار را یکی ازبازارهای اولیه گیلان می‌داند. (۲)

اهالی ماسال تالش‌اند. زبانشان تالشی است وبه‌زبان ترکی وفارسی نیز سخن می‌گویند . اهالی این بخش شیعی مذهبند .

---

(۱) این بنا که شامل بیست‌وهشت اطاق بوده است، به‌دست ورثهٔ جوادخان آتش گرفت وسپس به‌قسطنطین ارمنی فروختند وبعداً اراضی آن راپدر اتامقی خان ماسالی خریده است.
(۲) امروز اطراف این بازار آباد شده است وبناهای خوب ساخته‌اند .

رود مهم این بخش ، رود ماسال است که از درهای طولانی سرازیر می‌شود .رشته کوههای شاه معلم‌درجنوب‌و کوههای پریسبند در مغرب این‌دره است . سرچشمهٔ رود ماسال از سفیدآب در رشته کوههای‌پریسبند است. این رودخانه پس ازرسیدن به‌ابتدای کوههای «اوری» به‌طرف‌شمال‌شرقی‌می‌چرخد و به‌زمین هموار ساحلی وارد می‌شود وسپس‌به‌طرف مشرق متمایل‌می‌شود. آب آن در بهار به‌مـــــرداب‌انـــزلـــی می‌ریزد ودر فصول‌دیگرصرف آبیاری می‌شود . دراستفاده از آب این‌رودخانه ، میان اهالی ماسال و کسکر همیشه گفتگوست . راه‌شنبه بازار ماسال به‌ییلاق از کنارهمین‌رودخانه است.

این راه از کنار شالما و سلنگه‌وا (= سلیم‌آباد) می‌گذردو به‌سرچشمهٔ ماسوله‌خانی می‌رسد . از دهکدهٔ شالما تا سرگردنه ، بیست و دو کیلومتر سربالائی است و از سرگردنه به‌طرف دهکده کیلوان و دیزدر خلخال شانزده کیلومترسرازیری‌است. فریزر درسال۱۲۳۸قمری(= ۱۸۸۲میلادی)همین‌راه را طی کرد و پس از دستگیری ، دوبـاره او را ازهمین‌راه‌برگرداندند ، اهانتی که بدو در این راه شده است ، خاطرات تلخی برای او به‌بارآورده ویکی دوصفحه از کتاب خودرا بایادداشت کردن این خاطرات‌سیاه کرده است . (۱)

دکتر فریم‌آب و هوای‌ییلاق ماسال را می‌ستاید و می‌نویسد که‌بر سایر ییلاقها برتری دارد .

۲ــ آثار و بناهای تاریخی بخش ماسال

بقعهٔ

آقاسید رضاعلی و آقا سیدمهرعلی پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام درشالما (۲) ماسال

دیوار اصلی‌بقعه چوبین ومشبک‌وظریف است . طول‌وعرض آن۳/۹۰متر

---

(۱) فریزر ص ۲۵۵ ـ ۲۵۷ . (۲) شالماده از دهستان ماسال شاندرمن شهرستان طوالش پنج کیلومتری جنوب غربی بازار ماسال سر راه عمومی ماسال بخلخال (فرهنگ جغرافیائی).

وارتفاع آن ۲/۱۰ متر است. (عکس شماره ۵۵) در کنج ایوان شمالی دری است که از آن می‌توان وارد بنای اصلی بقعه شد. صندوقی چوبین در وسط صحن است که طول آن ۱۹۰ و عرض آن ۱۷۰ وارتفاع آن ۱۳۰ سانتیمتر است. (عکس شماره ۵۶) طاق این صندوق گهواره‌ای است. سقف از داخل منشور مربع القاعده و روی واشنهای آن پس کوبی با درزپوش زده است. چهار جهت اصلی بنا ایوان دارد. طول ایوانها ۶/۷۰ متر و عرض آنها ۱/۳۰ متر. غیر از ایوان شمالی که عرض آن ۱/۳۵ متر است. جلو ایوانها دستك تکائل است. ستونها چهارسو و دارای سرستون ظریف است و هر طرف بنا شش ستون دارد. سرنال و بن نال چهار-سوست. لبهٔ بنای سابق یك پشته بوده است، پس از حلب سرشدن دو پشته شده است. (عکس شمارهٔ ۵۷) در محوطهٔ اطراف این بقعه پنج اصله درخت آزاد قدیمی است و به کهن‌ترین آنها دخیل زیاد بسته‌اند. سیزده بیت شعر با خط نستعلیق بر تخته‌ای نوشته و به دیوار مشبك بقعه آویخته‌اند. بیت اول این قصیده چنین است:

هست این دوشاهزاده زاولاد مصطفی — ابن امام هفتم وساکن به شالما

بقعهٔ
سید صفی‌الدین بن سید اسماعیل بن شیخ صفی‌الدین اردبیلی [۱]
در میر محلهٔ [۲] ماسال

بنای اصلی بقعه اطاقی است به طول ۶/۹۰ متر و عرض ۳/۹۰ متر. صندوقی ساده و تخته‌ای به طول ۲/۲۵ و عرض ۰/۹۵ و ارتفاع ۸۵/۰ متر قبر سید صفی‌الدین را پوشانده است. ضلع شمالی بقعه دارای سه درارسی در ایوان و دو پنجرهٔ نورگیر مشبك است. در ضلع جنوبی فقط دو پنجره نورگیر مشبك است. طرف غرب دو پنجرهٔ روبپوش دار و طرف شرق، در ورودی بقعه است که از ایوان بقعه وارد صحن می‌شود. سراسر سقف لمبه کوبی و بام حلب‌سر است. (عکس شمارهٔ ۵۸)

(۱) با اینکه ظاهراً شیخ صفی‌الدین سید نیست نمی‌دانم بازماندگان او به چه سبب به مقام سیادت رسیده‌اند. (۲) میرمحله ده از دهستان ماسال بخش ماسال شاندرمن شهرستان طوالش. (فرهنگ جغرافیائی)

جلوایوان را دورتادور ارسی کرده‌اند. بریکی‌ازدرهای ارسی بقعه این‌عبارات نقر شده است :

باقی این‌خانه جناب آقای‌سیدمیرمنصور سلمه‌الله‌تعالی‌درعهددولت ابد مدت جلوس مظفرالدین‌شاه اتمام پذیرفت . عمل‌استاد رمضان گیلوانی (۱) کاتب مهدیقلی پیچی‌ئیل۱۳۱۴

بقعه‌ای

درچسلی ماسال

صندوقی‌چوبین و ساده در وسط و اطراف آن ضریحی مشبك است که قسمتهای پائین آن تخته‌ایست وچهارطرف‌آن ایوان دارد ، دوطرف‌آن ایوان کتابی و دوطرف دیگر پهن‌تر است ، سقف بنای‌اصلی و ایوانها لمبه‌کوبی و بام هردوحلب سر است .

بقعه و مسجد سنگ‌بست‌ماسال

بنای بقعه بسیار ساده باصندوقی‌چوبین و ساده بربالای پایه‌ای سیمانی است ومسجدی تازه ساز روبروی‌آن بدون هیچگونه‌هنر و آرایش ساخته‌اند. بام هردو بناحلب‌سراست. درمحوطهٔ اطراف بقعه ومسجد قبرستانی‌قدیمی‌بدون سنگ قبر است .

قلعه کول

نزدیك به‌کیش خانی ماسال

ارتفاع تپه‌ای که قلعه بر آن‌بناشده‌است درحدوددوبیست‌متراز‌سطح‌شالی‌زارهای‌اطراف‌بلندتراست . خرابه‌های‌قلعه زیرریشه‌های درختان‌وعلف‌و کرف پنهان است . پاره‌آجرهای فراوانی بربالای این‌تپه دیده‌شد. چون‌آجر درستی پیدا نشد ، ابعاد آنها معلوم نشد . ضخامت‌آجرها ازسه تاچهارسانتیمتر بود .

---

(۱) گیلوان ازدیهای خلخال است

قلعهٔ تاس کوه

درو عده گاه ماسال

قلعه‌ای قدیمی بر یکی از ارتفاعات این محل ساخته بوده اند فعلاً هیچگونه آثاری دیده نشد.

محلهای تاریخی وقبرستانهای قدیمی

بخش ماسال

احتمال می‌رود در محلهای زیر روزی پس از حفاری آثاری تاریخی و قدیمی به‌دست آید.

۱ ـ شهر گاه، خرابه‌های شهری قدیمی است درشمال غربی ماسوله‌خانی.

۲ ـ بقعهٔ گرده کوه نرسیده به ییلاق تنیان [۱] در مرز و حدود ماسال و تنیان.

۳ ـ بقعهٔ گواله پشته [۲] و گورستان اطراف آن.(عکس شمارهٔ ۵۹)

۴ ـ بقعهٔ رشیره‌پشت [۳] در ییلاق رشیره پشت ماسال، میان دو محل رشیره‌ـ پشت و گوراکاچال است.

۵ ـ بقعهٔ خندیله پشت [۴] در ییلاق خندیله‌پشت ماسال. این بقعه میان چندمحل ییلاقی است : ۱ ـ خندیله‌پشت. ۲ ـ نواشر [۵]. ۳ ـ لمه [۶]. ۴ ـ شمبرا [۷]. ۵ ـ خری دول.

۶ ـ بقعهٔ شاه معلم وخواهرش در مرز وسامان ییلاق ماسال و ماجلان شاهرود خلخال است.

۷ ـ گورستان خون.

۸ ـ گورستان ویزه‌دله‌روار. [۸]

۹ ـ گورستان ریشاب و اسپه‌ریسه ـ گورها سمت قبلی نیست. شمشیر و پیکان و لوازم زندگی از آنها بیرون می‌آید.

---

(۱) بفتح تاء. (۲) بضم گاف وفتح لام. (۳) بفتح راء (٤) بفتح حاء (٥) بفتح نون وشین. (٦) بکسر لام وفتح باء (۷) بفتح شین. (۸) بفتح زاء ودال ولام

۱۰ ـ سردوراهی دوروباران که جاده می‌ساختند گورستانی قدیمی پیدا شد.

۱۱ ـ گورستان گوراگاچال ییلاق ماسال قدیمی و اسلامی است.

۱۲ ـ گورستان بقعهٔ رشیره‌پشت .

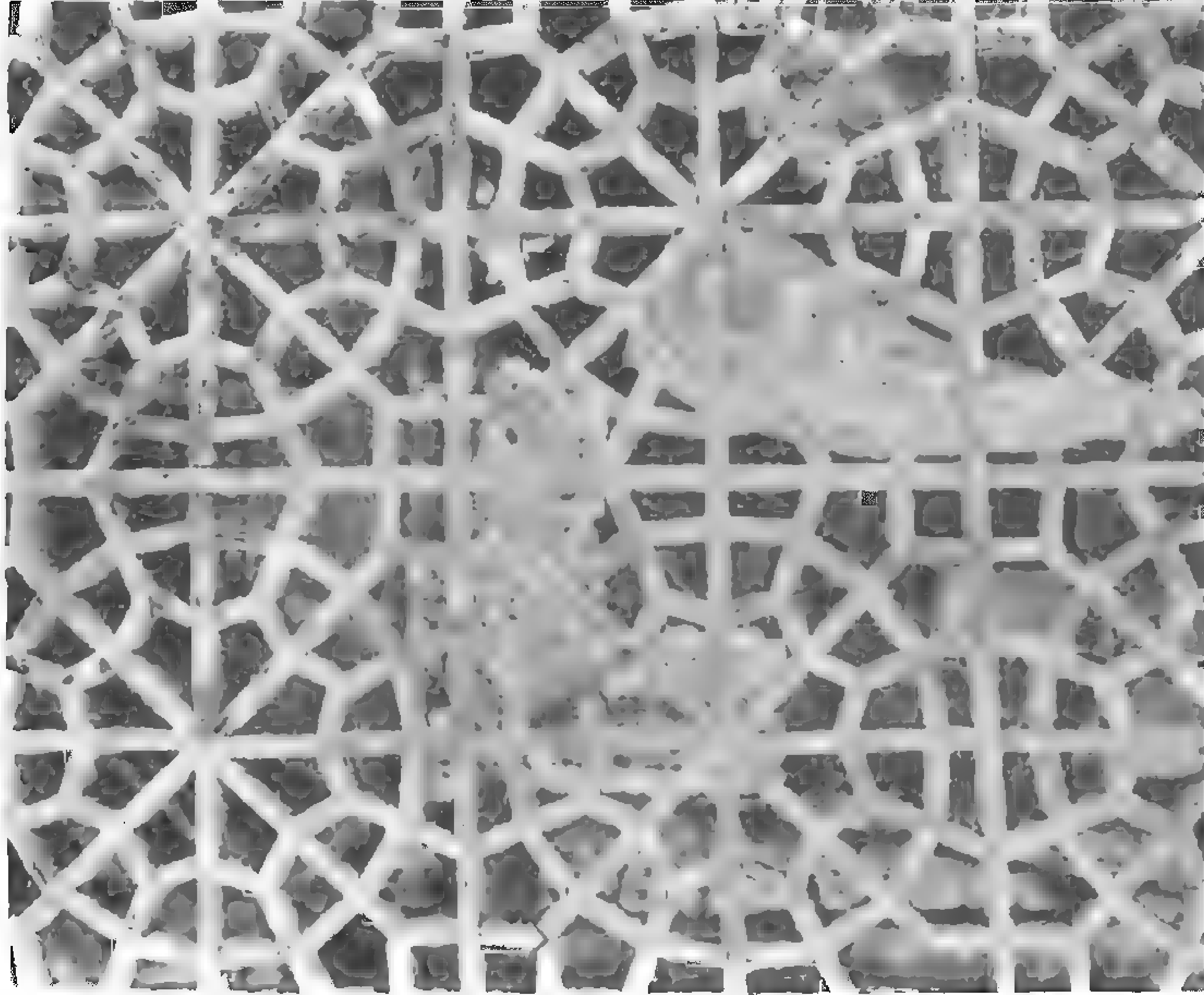
۱۳ ـ گورستان سلنگه‌وا (= سلیم‌آباد) گورها سمت قبلی نیست .

۱۴ ـ گورستان شهرگاه . پاره‌ای از گورها سمت قبلی دارند .

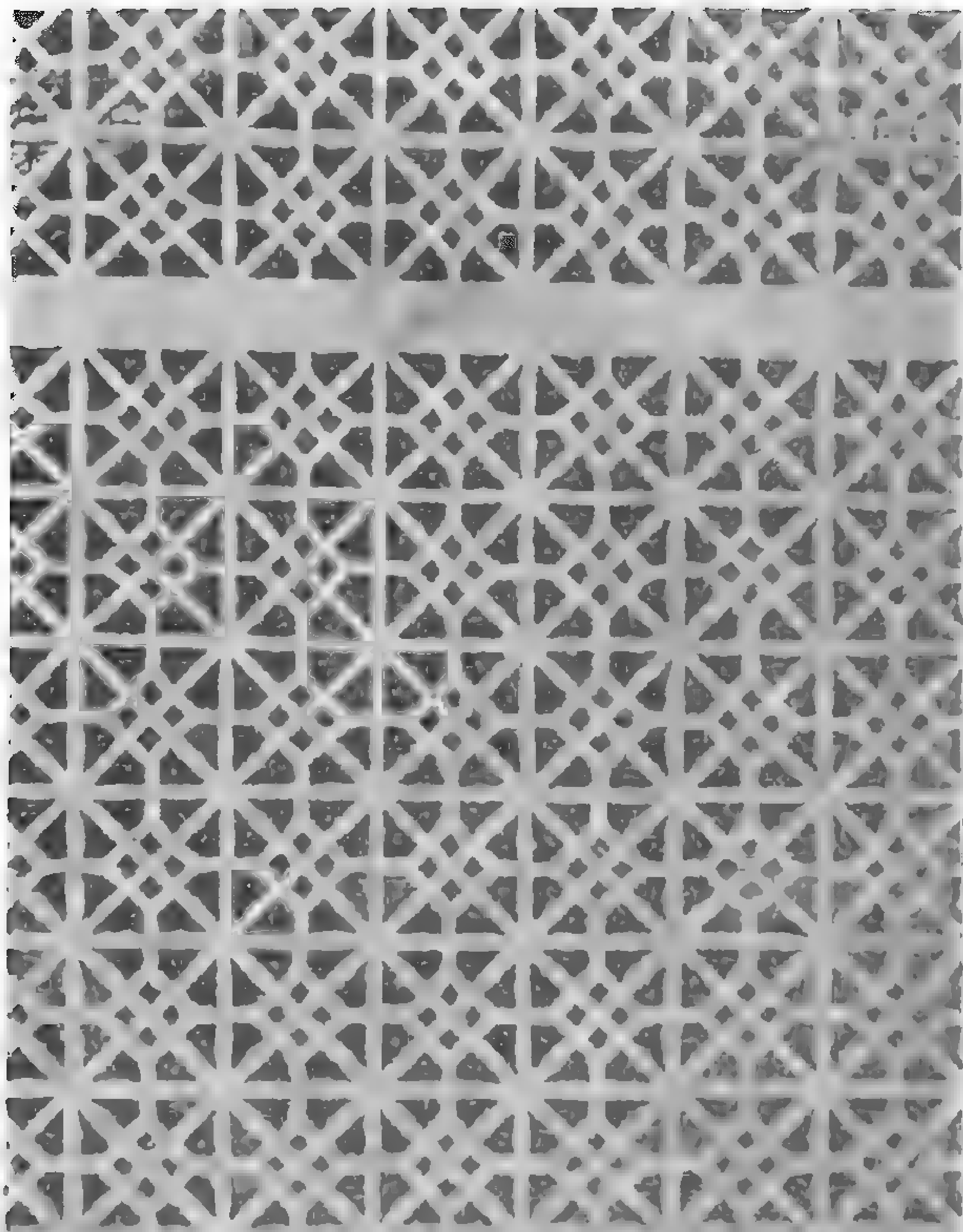
۱۵ ـ گورستان میله‌سرا ، گورستانی قدیمی است .

کوهستان شاندرمن و ماسال

نقشهٔ شمارهٔ هفت ـ آثار و بناهای تاریخی کوهستان شاندرمن و ماسال



عکس شمارهٔ ۵۵ ـ قسمتی از دیوار مشبک بقعهٔ آقارضاعلی و آقاسید مهرعلی ابنان امام موسی الکاظم علیه‌السلام در شالمای ماسال.



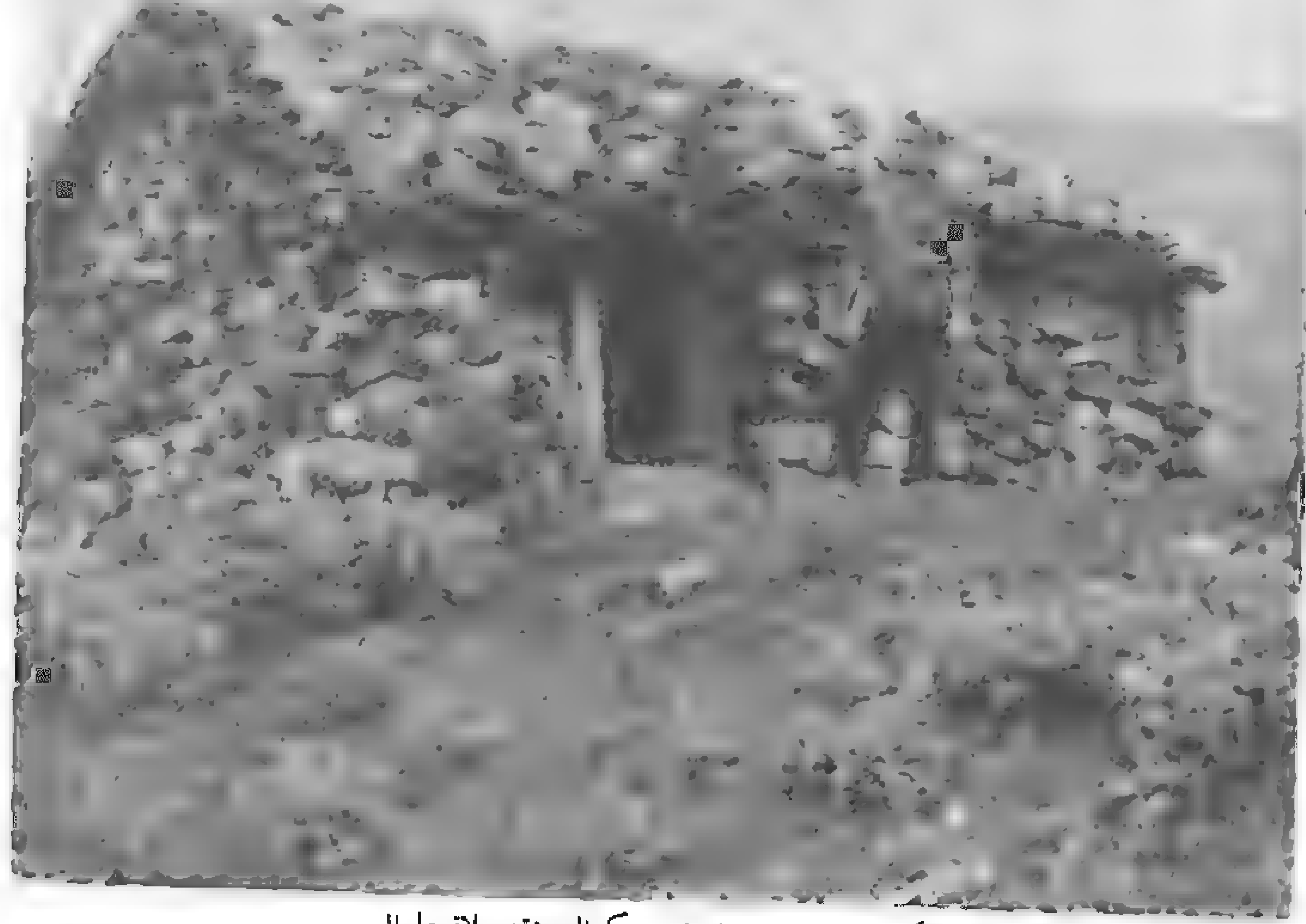
عکس شمارهٔ ۵۶ ـ ضریح چوبین آقا سیدرضاعلی و آقاسیدمهرعلی بنان امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام درشالمای ماسال.



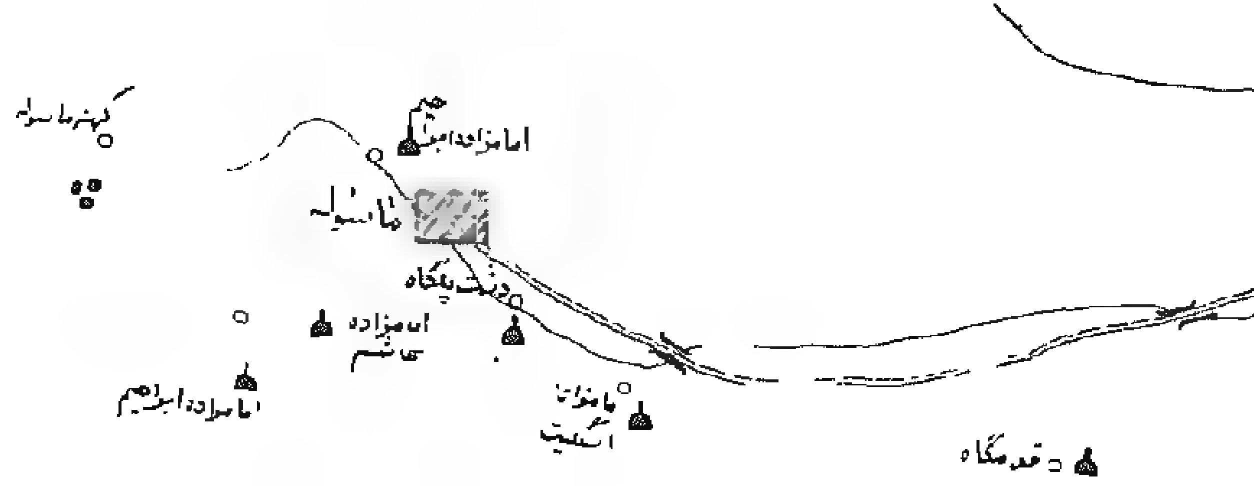
عکس شمارهٔ ۵۷ – بقعهٔ آقاسیدرضاعلی وآقاسیدمهرعلی ابنان موسی الکاظم علیه‌السلام
در شالمای ماسال.



عکس شمارهٔ ۵۸ – امامزاده سید صفی الدین سید اسمعیل بن سید عباس بن شیخ صفی الدین
اردبیلی در سرمحلهٔ ماسال .



عکس شمارهٔ ۵۹ ـ بقعه‌ای در گواله پشته ییلاق ماسال.



نقشهٔ شمارهٔ هشت ـ آثار و بناهای تاریخی بخش ماسوله.

بخش هفتم

۱ ـ جغرافیای تاریخی ماسوله

ماسوله بخشی کوهستانی است که درغرب جنوب غربی فومن است. از طرف شمال غرب به ماسال، ازطرف غرب به خلخال، ازجنوب به پشتکوه خمسهٔ زنجان وازمشرق به فومن محدود می‌شود. درازای آن ازشمال به جنوب دوازده کیلومتر وپهنای آن ازشرق به غرب سی کیلو متر است.

میرظهیرالدین درکتاب خود چهار بر از «موسله» یاد می‌کند که همین ماسولهٔ امروزی است (۱)

نامهای قدیمی این بخش ، خورتاب خانی و بیشة البقر و ماسالار بوده است .

گروهی می‌گویند که درقرن سوم هجری وقتی که سیدجلال الدین اشرف درطارم شکست خورد، عون بن محمدبن علی که همراه اوبود، زخمی برداشت وبه ماسوله آمد وبه چوپانی برخورد وبه او گفت که جسداورا هرجا یافت به خاک بسپارد. پس از به خاک سپردن جسد او، چوپانان یکی پس از دیگری خانهٔ خود را درجوار قبر او ساختند تا آبادی ماسوله به وجود آمد .

درنسخهٔ خطی تاریخ سالوک معلم چنین آمده است که پس از شکست سالوک معلم درپای قلعهٔ شمیران، دونفر ازشاگردان او که دو برادر به نام عین علی وزین علی بودند، به ماسوله آمدند واهالی را به دین اسلام مشرّف کردند. افراد جدیدالاسلام گرد این دوقبر جمع شدند وکم کم زیارتگاه عمومی شد.

---

(۱) تاریخ گیلان ودیلمستان ص ۲٤۲ و ۳۰۰ و ۳۱۳ و ۳٦٦ .

گروهی دیگر می‌گویند که درزمان مختار که در تعقیب قاتلان حضرت حسین‌علیه‌السلام کوشش می‌شد، کسانی ازساکنان موصل‌و کرکوك به کوهستان غربی گیلان افتاداند. کسی که اهل موصل بود ماسوله را ساخت و آنکه اهل کرکوك بود کرگان‌رود را بنا کرد.

بیشتر این گونه‌اخبار که در گیلان سینه‌به‌سینه نقل‌شده وامروز نیز از زبان‌ساکنان دیهـاوشهرها شنیده می‌شود، متکی بر «کـتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده حضرت سیدجلال‌الدین اشرف برادرحضرت رضاعلیه‌السلام وشهادت‌آن بزرگوار» می‌باشد. این کتاب‌بی‌شك ازساخته‌ها وپرداخته‌هـای دوران‌صفویان است ومطالب آن ازشیخ ابوسعید خوارزمی، شخصیت دروغینی نقل شده است‌وبا هیچیك‌از کتب‌تاریخی سازش‌ندارد.(۱)

عجیبتر اینکه درزمان حاضردر کتاب شیخ زاهد، ذیل‌دهستان ماسوله مطالب‌زیررا می‌خوانیم:

«دهستان‌ماسوله بیست‌وهفت قریه‌دارد که همگی‌در کـوهستان واقع‌اند. از ابنیهٔ تاریخی‌در ماسوله یك بقعه‌به اسم‌عون‌بن علی(۲)است که در داخل‌آن سنگهای‌مرمر حجاری‌شده قرار دارد وتاریخ‌بنارا به ۱۲۰۰ سال‌قبـل نسبت می‌دهند وهمچنان درب‌آن که ۷۰۰ سال ازتاریخ‌آن گذشته قابل توجه است و نیز مسجدی به نام مسجد صاحب دارد کـه ۴۰۰ سال از تاریخ آن گـذشته است.» (۳)

توقع‌ما از مأموران‌ادارهٔ آمار وسرشماری بیش‌از این نبوده و نیست. ولی‌جای تعجب است که‌آقـای محمد علی گیلـك که خوداهل تتبع و مطالعه هستند، این‌مطالب بی‌اساس‌را نقل کرده‌اند. نگارنده که درماسوله بنای‌هزار ودویست‌ساله ودر هفتصدساله ومسجدچهار صدساله ندید.

---

(۱) این کتاب برای آخرین‌بار درچاپخانهٔ اسلامی رشت با حروف سربی چـاپ شده است. (۲) در اصل: ابن‌علی به‌جای‌عون‌بن‌علی. (۳) شیخ زاهد گیلانی تألیف محمدعلی گیلك ص ۱۱۴. به نقل ازجلد اول کتاب اسامی دهات کشور ص ۱۲۶ سال ۱۳۲۹

سران وتیره‌های ماسوله:

درزمان هدایت خان، محمدرضاخان و فتحعلی‌خان ایل‌بیگی بودند. شیرزادبیك پسرمیرزاعلی اکبر پسر اسدبیك‌که ازبازماندگان فتحعلی خان بود، روی‌اصل وراثت‌جانشینی، بالقب کلانتر، بزرگ ماسوله‌شد. بههمین جهت‌طایفهٔ ایل‌بیگی سران‌ماسوله‌شدند.

طایفهٔ‌دیگر ماسوله بازماندگان حاجی یوسف‌تبریزی‌هستند که درزمان کریم‌خان‌زند از تبریز، به ماسوله‌آمده است. اینان تازمان تقسیمات جدید مالیاتی به‌دست مشیرالسلطنه ازپرداخت مالیات معاف بوده‌اند، زیراکه‌ایشان دراستحکامات ماسوله باطایفهٔزند که کریم‌خان ایشان‌را بدین‌جا فرستاده بود، یاری کردند. ماسوله همیشه جزء فومن‌بوده است، بغیر ازچندصباحی که‌در زمان‌فتحعلی‌شاه، زیرنظررئیس‌قورخانه اداره می‌شد، زیرا دراین‌جا گلوله‌های توپ‌برای توپخانهٔ ایران‌می‌ساختند.(۱)

این ناحیه فقط یك‌دهکده دارد و آن دهکدهٔ ماسوله است که ارتفاع آن هزاروپنجاه‌متر ودرسی‌وشش کیلومتری غرب فومن است، سه‌طرف‌آن‌را کوه فراگرفته ودرشیبی تند بنا شده است که گاهی بهمن ازاین‌شیب پائین‌می‌آید. (عکس‌شمارهٔ ۶۰) فریزر درسال۱۲۳۸ قمری‌شرحی راجع به‌محل این دهکده‌و بناهای آن نوشته است.

در تابستان، گرمای ماسوله غیرقابل تحمل است. در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) دهکدهٔ ماسوله به‌پنج محله، به‌این شرح تقسیم می‌شده‌است: ۱ـ کش‌سر بالا. ۲ـ کش‌سر پائین. ۳ـ مسجد بر. ٤ـ اسد محله. ٥ـ خانه‌بر.

دراین دهکده هفت مسجد به نامهای زیر بوده است: ۱ـ مسجد جامع. ۲ـ مسجد صاحب‌الزمان. ۳ـ مسجد کش‌سر علیا. ٤ـ مسجد

---

(۱) گیلان‌رابینو ص۱۸٤.

کش‌سرسفلی. ۵ ـ مسجد ریحان‌بر . ٦ ـ مسجد خ ته‌بر . ۷ ـ مسجد اسدمحله.
درزمان رابینو دوحمام وسه کاروانسرا داشته است . بازارش چهارصد دکان داشته که شامل نانوائی، عطاری، قصابی، داروخانه، کفاشی، بزازی بوده است. دوآسیاب برای نرم کردن پوست انار داشته‌اند وپوست انار سائیده‌را در رنگ کاری به‌کار می‌برده‌اند. (۱)

پلهای زیادی برروی ماسوله رودخان بناشده‌اند . از آنها می‌توان پلهای مهدی‌ور، چوپل ، آسن‌پل، خرابه‌رو ، را نام‌برد. تمام اینها پلهای چوبینی هستند که جای پلهای آجری کـه مدتهاست ازمیان رفته ، گرفته‌اند . پلهای آجری‌قدیمی موقوفاتی برای‌مرمت وتعمیر داشته‌اند که فعلاً به‌مصرف‌اصلی نمی‌رسد . پل بنّاعلی و پل‌حاجی محمد حسین کـه برراه صفهٔ صفا یا بنگه صفا ساخته شده است نیز قابل ذکراست . از اینجا دهکدهٔ ماسوله منظره‌ای جالب دارد .

رابینومی‌نویسد که بیشتر ساکنان ماسوله چمـوش دوزند یاآهنگری می کنند. اوایل پائیز به‌نواحی‌شفت وفومن گیلان می آیند وهفت مـاه سال‌را درآنجا می گذرانند .

عده‌ای‌قاطرداراند ودرراه گیلان به‌زنجان بار حمل‌می کنند. رویهمرفته پانصدتن درعرض‌سال دردهکدهٔ ماسوله‌می‌مانند. میان اینها چندتن‌حاجی است که بارشت وزنجان‌تجارت دارند. اهالی مـاسوله روز دوم محرم‌را مسلماً در دهکدهٔ‌خود هستند.(۲)زنان دردهکده می‌مانند وشال وپارچهٔ‌پشمین برای‌چادر می‌بافند. با داشتن گله‌های‌زیاد،تابستان‌را درزیر این‌چادرها که خودپارچهٔ آن را بافته‌اند ، دریيلاق می گذرانند.

غیر از تالشها که درکوههای ماسوله ساکنند ، تیرهٔ عالیوند Alivand که بازماندگان مردی به‌نام حاجی حسن هستند و تیرهٔ آستارائی نیز ساکن

(۱) گیلان‌رابینو س ۱۸۵

(۲) گیلان رابینو ص ۱۸٦ .

همین دهکده‌اند .

زبان مردم ماسوله تالشی است ولهجهٔ مردم ده نشین با اطرافیان کمی اختلاف دارد ساکنان این ناحیه شیعی مذهبند.

در زمان رابینو جمعیت کلی این ناحیه هفتصد خانوار بوده است که پانصدخانوار آنها در دهکده ماسوله ودویست‌خانوار گالش وتالش کوه‌نشین بوده‌اند .

کوههای ماسوله‌معدنهای فراوان دارد. معدن آهن‌آن نزدیك کوره یا کورهٔ آهنگران است که نزدیك ییلاق خلیل دشت قرار گرفته است.

لیدل(Liddel) در سال ۱۳۰۹ قمری(=۱۸۹۱ میلادی) معدن آهن ماسوله را دیده وشرح مفصلی دربارهٔ معدن ومحل‌آن و کوره‌ها واندازه‌های آنها نوشته است . (۱)

ازاتفاقات مهمی که درییلاق‌ماسوله روی‌داده است، فوت‌خیرالنسابیگم، همسر امیره دباج فومنی دختر شاه اسماعیل در سال ۹۳۸ است . جسد اورا از اینجا به‌اردبیل‌بردند و درگورستان خاندان صفویه به‌خاك‌سپردند ومالیات دهکدهٔ واقعه‌دشت فومن راکه دردو کیلومتری صومعه سرا ست ، وقف حفاظت گور او کردند . (۲)

۴ ـ آثار و بناهای تاریخی ماسوله
بقعهٔ عون‌بن محمد حنفیهٔ‌بن علی‌علیه‌السلام
دردهکدهٔ ماسوله جنب‌مسجد جامع

بنای اصلی‌ازآجر وازداخل وخارج هشت ضلعی وطول هریك از اضلاع داخلی‌آن۱۷۰ سانتیمتر است. سقف بقعه‌گنبد شلجمی شکل وبام آن‌ازخارج هرم مثمن‌القاعده‌و حلب‌پوش‌است. درهرضلع‌ازخارج وداخل‌طاقنماهای کم‌عمقی

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۸۷ .

(۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۱۰ و گیلان‌رابینو ص۱۷۶ .

است. (عکس شمارهٔ ٦١) درضلع جنوبی دری نور گیر ودرضلع شرقی درورودی سادهای بهارتفاع ١٨٠ وعرض ٩٦ سانتیمتر است که میان رواق وصحن اصلی بقعه قرار دارد. در غربی داخلی قدیمی است و کنده کاری ظریف دارد. این در که ارتفاع آن ١٤٥ وعرض آن ٧٢ سانتیمتر است ، معروف بهدرچله خانه است. می گویند این در را از کاخ قلندر شاه در گلونده رود آوردهاند . (عکس شمارهٔ ٦٢) .

صندوقی بهطول ٢٢٠ وعرض ٩٠ وارتفاع ١٠٢ سانتیمتر درمیان بناست . بر کمر صندوق کتیبهای بهعرض ١٠ سانتیمتر است که با رنگ زرد وخط خوش نسخ ، بربدنهٔ شمالی آن آیاتی ازسورهٔ فتح بهاین شرح نوشتهاند:

[انا فتحنا لك فتحاً مبينا ليغفر لـك] الله ما تقدم من ذنبك وما تأ[خر] ويتم نعمته عليك ويهديك صراطاً مستقيما وينصرك الله نصراً عزيزاً هو الذى انزل السكينته فى القلوب المؤمنين ليزدادوا ايماناً مع ايمانهم ولله . (١)

بربدنهٔ جنوبی آن دنبالهٔ آیات بالا بهاین شرح خوانده میشود:

جنود السموات و الارض وكان الله عليماً حكيما ليدخل المؤمنين و المؤمنات جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها و يكفر عنهم سيئاتهم و كان ذلك عندالله فوزاً عظيما . (٢)

بر لبهٔ زیرین صندوق نیز دنبالهٔ همین آیات تا « ليس على الاعمى حرج ولا على »(٣) نوشته شده بود.

مرقد عون بن علی صندوقی قدیمی ، با کنده کاری ظریف داشته است ، فعلاً پارهای از آن را در بدنهٔ غربی صندوق کنونی کار گذاشتهاند . (عکس شمارهٔ ٦٣) درحاشیهٔ این قسمت چوبین صندوق قدیمی این آیات خوانده میشود :

كل من عليها فان ويبقى وجه ربك ذوالجلال والاكرام. (٤)

---

(١) سورة الفتح ٤٨ ، آيات ١ و٢ و٣ و قسمتی ازچهار . (٢) سورة الفتح ٤٨ ، قسمتی ازآیهٔ چهار وآیهٔ پنج (٣) سورةالفتح ٤٨ ، آیت ٥ تا ١٧ .
(٤) سورة الرحمن ٥٥ ، آيات ٢٦ و٢٧ .

شید در حاشیهٔ صندوق قدیمی قسمتی از سورهٔ الرحمن حك شده بوده است .

ضریحی مشبك چوبین اطراف صندوق است که ظرافت زیادی ندارد . (عکس شمارهٔ ٦٤) در بدنهٔ شرقی این ضریح قسمت بالای آن این عبارات دیده می شود :

خیرات بندهٔ شاه هدایت الله بن محمدبن بویه عمل غلام شاه ولایت استاد تامیرس بث نومی [۱] عفی عنهما تحریرا فی‌شهر ذوالقعده سنة خمس عشر والف .

پس‌از برداشتن ضریح وصندوق ، به سنگی دسترسی پیدا کردم که عموداً دربدنهٔ جنوبی‌صندوق درزمین نصب‌شده بود. این عبارات به‌خط نستعلیق بر آن حك بود :

بسم‌الله لرحمن الرحیم هذا المرقد المنور المطهر المغموم المحترم و عالم‌علم المتکوم بدر النجوم‌السیدالشهداء المظلوم عون‌بن‌محمد بن علی‌علیه السلام الهم زدنا محتشم و رزقنا شفاعة فی الدنیا و الاخره یا ارحم الراحمین هذا تعمیر کتب میرزا حسن کربلائی میرزا محمد عمل کربلائی نور وزعلی. [۲]

سنگ قبری بردیوار دست راست در ورودی امامزاده است. بر این سنگ مرمر سفید بسمله وهشت بیت شعر فارسی حك شده و مورخ ۱۰٦۰ قمری است .

سنگ قبر مرمر سفید دیگری جلو در ورودی و مورخ ۱۲٦۲ قمری است .

در ورودی بقعه دررواقی بازمی‌شود که دوستون قطور هشت پر چوبین میان‌آن است وحمال‌سقف‌بنای رواق‌براین ستونها متکی‌است. بریکی‌ازستونها

---

(۱) این کلمات زیاد روشن نیست وتقطه‌های‌آن افتاده است.

(۲) پاره‌ای از کلمات به‌جا به‌کار نرفته است وعبارات گسیخته به‌نظر می‌رسد.

که نزدیك به در وردی بقعه است مطالب وعبارات زیر دیده شد:

دوازده امام ـ اشعاری ازهفت بندمحتشم ـ آیة‌الکرسی ـ چند بیت شعر فارسی که پاره‌ای از آن خوانده نشد:

. . . . . . این بارگاه پیرو سادات اولیاست

ابن محمد بن علی عون ماه‌رو عالم فروز گوهر دریای لافتاست

پاك مصحف . . . محیط چون نخل طور دلکش وپر نور و باصفاست

خدام امامزادهٔ واجب‌التعظیم عون بن محمدبن علی(ع) محمدعلی و محمد شریف ابنان مرحوم ملایوسف سنه ۱۲۲٤ .

در بهترین عصر که شاه فلك جاه فتحعلی [شاه] بمسند اجلال داشت .

تاریخ . . . . . عقل معانی زیبا ستون بعزت و اقبال بین بجا

برستون دیگری که نزدیك بهدر وردی رواق است، آیة‌الکرسی ودوازده امام خوانده شد .

مشعل برنجی بزرگی با نقشهای ظریف وبسیار پرکار وقف این بقعه شده است (عکس شمارهٔ ٦٥) که این دو بیت بر آن حك شده است:

چراغ اهل دل را روشن از روی تو می‌بینم

همه صاحب دلانرا روی دل سوی تو می‌بینم

توئی خلاق عالم کم مبادا ازسرت موئی

که عالم را طفیل یك سر موی تو می‌بینم

بر بدنهٔ مشعل این عبارات خوانده می‌شود :

وقف حضرت عون بن علی بن ابـی طالـب علیه الصلوات و السلام کرد |شمس الدین محمـدبن عنایت هر کس این را طمع کنـد به لعنت خدا و غلام شاه ولایت .

٭در ایوان طبقهٔ دوم مسجد متصل به بقعه، نزدیك کاشیهای شیر وخورشیددار دوران قاجاری سنگ قبـری بر دیوار نصب است کـه پس از ذکر نـام دوازده

امام، کلمات زیر را می‌توان بر آن خواند:

تاریخ وفات مرحوم محمد بدیع بن محمد اسماعیل اوت ئیل سنهٔ ۱۰۵۲.

* سنگ قبر دیگری درهمین ایوان است که درحاشیهٔ اطراف آن نامهای دوازده امام ووسط آن، این کلمات خوانده می‌شود:

تاریخ وفات مرحوم مغفور هاشم بیك بن میرم بیـث تبریزی فی شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۹۹۷.

* سنگ بزرگ مرمر به طول ۱۶۱ وعرض ۶۹ سانتیمتر که بردیوارهمین ایوان است، نسبةً قدیمی به نظر مـی رسد وفوت آقا هادی بن حاجی عسکر ماسوله‌را نشان می‌دهد، اما تاریخی ندارد.

سابقاً دررواق بقعهٔ عون بن علی، عده‌ای را به خاك سپرده بودند کـه پس از تعمیر ومرمت بقعه درسالهای اخیر، سنگهای قبور آنان را بر بدنهٔ جنـوبی بقعه بردیوار نصب کرده‌اند. اینك شرح این سنگها:

۱ ـ با خط خوش نسخ برسنگی سیاه رنگ، نامهـای چهارده معصوم در حاشیه ودرمتن عبارات زیر دیده می‌شود:

یا حی کل من علیها فان هذا المرقد المرحومه المبروره المغفوره الصالحه العفیفه حاجی مریم بنت المرحوم المغفورحاجی میرخلیل المتولی فی ثانی عشر شعبان المعظم عام اربع و الف من هجرة النبی علیه و آله السّلم. (عکس شمارهٔ ۶۶)

* سنگ مرمری برهمین بدنه است که پس از هفت بیت شعر این عبارات بر آن خوانده می‌شود:

وفات مرحوم محمد حسن خان ولد مرحوم حاجی معصوم کسمائی فی شهر رجب سنه ۱۱۹۵.

* سنگ سیاه رنگ دیگری بردیوار جنوبی است. عبارت زیر بـخط

خوش نسخ بر آن حك شده است:

اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والزکی العسکری الحسن والحجة القائم الخلف الصالح محمد المهدی صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین تم المرقد المنور والمشهد المعطر امامزاده عون بن محمد بن امیر المؤمنین علی علیه السلم بسعی ملك خلیل بن خبر بیك فی سنه ۹۶۹. (عکس شمارهٔ ۶۷)

* سنگ دیگری بر قسمت پائین بدنهٔ غربی امامزاده است که این عبارات درحاشیهٔ آن حك شده است :

هذه المرقد النورانیه والتربة الروحانیه المرحومه المبروره المغفوره المسمات بترك خانم[1] بنت الاعز برج علی تبریزی بتاریخ شهر ربیع الاول سنه خمس وتسعین وتسعمایه . قسمت میان حاشیه‌ها نقش‌ونگار طریفی است. نشانها: مهر و انگشتر و تسبیح و رحل و گلاب‌پاش و گلوبند . (عکس شماره ۶۸)

* سنگ مرمر بلند کم عرضی بر دیوار شرقی است که پس از ده بیت شعر، این عبارات بر آن حك شده است :

تاریخ وفات مرحمت و غفران پناه آقا محمد زکی... بن مرحمت پناه ملا محمد قاسم فی بیستم شهر ربیع الاول سنه ۱۱۶۷ .

مسجد صاحب‌الزمان
در محلهٔ خانه برماسوله

مسجدی است از خشت و گل با بامی گلی. بر سر ستون قطور این مسجد ابیات زیر، باخط نسخ حك شده بود. (عکس شمارهٔ ۶۹) :

شکر لله که باز شد احیا	مسجد خانه بر ز لطف خدا
بیشك آید ملك در او هر شب	بهر طاعات خالق یکتا
کرد اهل محله سعی بسی	بهر اتمام آن ز روی رضا

۱ـ شاید : تبرك خانم .

بی توقع نمود استادیش   طرح آن از پی رضای خدا
یعنی سلطانعلی نیت فعال   یا بسر چون تمام کرد آن را
بهر تاریخ سال او سامی   عقل گفتا دهد ثواب خدا

عبارت «دهد ثواب خدا» باحساب جمل معادل ۱۱۱۷ هجری قمری است.

بقعهٔ امامزاده هاشم

نزدیك ماسوله درراه طارم

برسمت چپ رودخانهٔ ماسوله و درسه کیلومتری آن برسرراه ماسوله به طارم بقعهٔ امامزاده هاشم است. بنای اصلی بقعه مربع، چهارطرف ایوانی به عرض دومتر دارد. ضریحی چوبین مشبك ساده که داخل آن صندوقی چوبین است مرقد امامزاده را پوشانده است.

سقف بنا وایوانها واشان کشی ولمبه کوبی وبام آن حلب سر است. طرف غربی امامزاده قبرستان عمومی قدیمی است.

بقعهٔ امامزاده ابراهیم

درمحل خروه‌بین(۱) ماسوله در راه خلخال

بنائی است مربع شکل، چهارطرف ایوان دارد. وسط بنای اصلی ضریح وصندوقی چوبین است. سقف بناوایوانها واشان کشی ولمبه کوبی است. بام آن حلب سر است.

بقعه‌های اشکلت(۲)

دریك کیلومتر و نیمی راه ماسوله به‌فومن دردهکدهٔ اشکلت

ملگونف می‌نویسد که این‌دومزار به‌دست جمشیدسلطان که درسال نهصدویازده هجری‌حاکم بیه‌پس‌بوده‌است، بناشده‌اند. هموهمی‌نویسد که‌این‌مزار، کتیبه‌ای نیزدارد. (۳) از کتیبه‌ای که ملگونف نام برده است، امروز اثری نیست.

---

(۱) بفتح خاء وواو وضم باء.   (۲) بکسر الف وکاف ولام.
(۳) حاشیهٔ دریای خزر ملگونف چاپ ۱۸۶۳ ص۲۴۱.

بقعهٔ زین‌الدین بن‌علی‌علیه‌السلام در دهکدهٔ اشکلت است وشامل اطاقی است چهارگوشی ازخشت وسنگ که بر بالای آن گنبدی است که کمربندوتاج آن‌هشت ضلعی‌است . صندوقی‌چوبین مشبك در وسط بناست . سقف‌بقعه‌واشان‌کشی‌ولمبه‌کوبی است‌و بـام‌آن حلب‌سر است (عکس شمارهٔ ۷۰) علم‌چهارپـر کنده‌کاری ظریفی دربقعه‌بود که تاریخ نداشت . مسجدی که باخشت‌ساخته‌اند، متصل به‌بقعه است .

بقعهٔ عین‌الدین‌بن‌علی‌علیه‌السلام بیرون از دهکدهٔ اشکلت وبردامنهٔ سمت چپ رودخانه ، در ارتفاع ۲۵۰ متری از کف رودخانهٔ ماسوله بنا شده است . بنای این بقعه شامل کفش کن و صحن مربع‌شکل است که وسط آن صندوقـی مرقد عین‌الدین‌را پوشانده است . (عکس شمارهٔ ۷۱) سقف بنالمبه کوبی ، بام آن حلب‌سر ولبهٔ بام سه پشته است پنجرهٔ نورگیر مشبك نسبةً ظریفی‌درشرق بنا بود . (عکس شمارهٔ ۷۲)

باقی بناها و آثار تاریخی ماسوله

۱ ـ درچهار کیلومتری ماسوله زمینهائی به‌نام کهنه‌ مـاسوله خـوانده می‌شود .

۲ ـ مسجدجامع‌متصل به‌بنای بقعهٔ‌عون‌بن‌محمدحنفیه‌بن‌علی‌علیه‌السلام .

۳ ـ مسجد محلهٔ ریحان بر.

٤ ـ مسجدمحلهٔ کش‌سر [۱] علیا .

۵ ـ مسجد محلهٔ کش‌سر سفلی‌بر کرسی سنگ چنین ظریفی ساخته شده است .

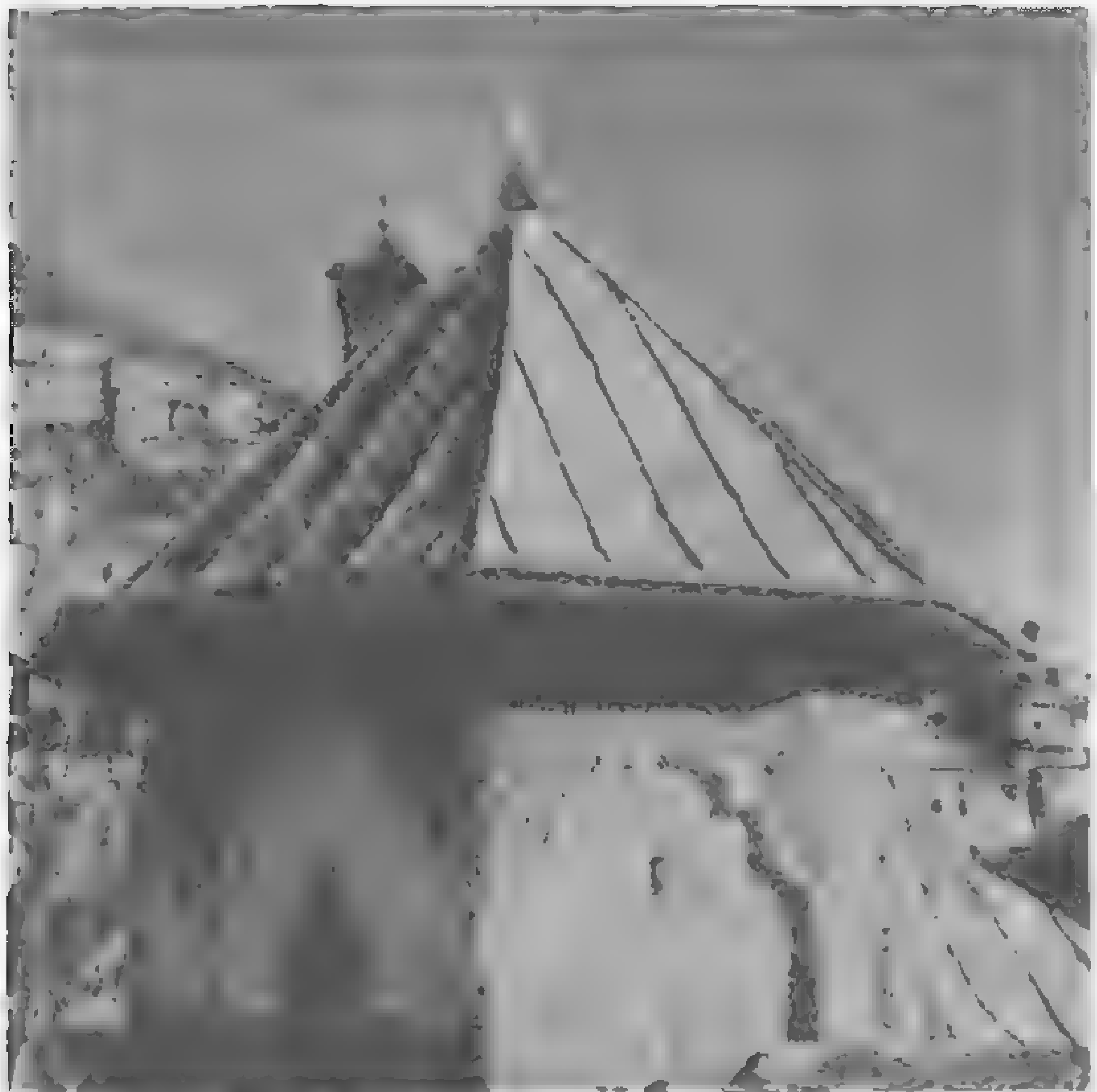
٦ ـ مسجد اسد محله .

---

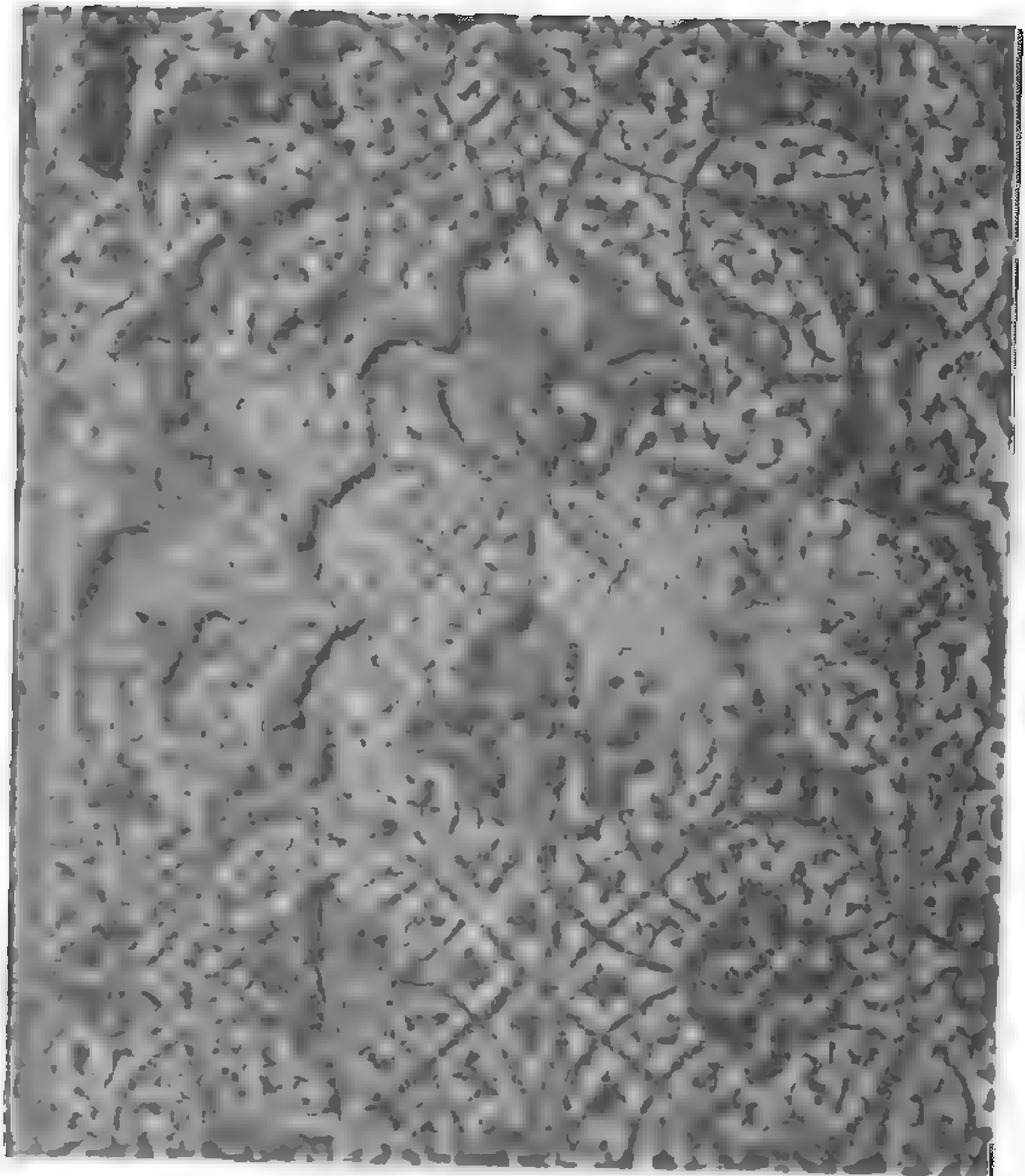
(۱) بفتح کاف و کسرشین .



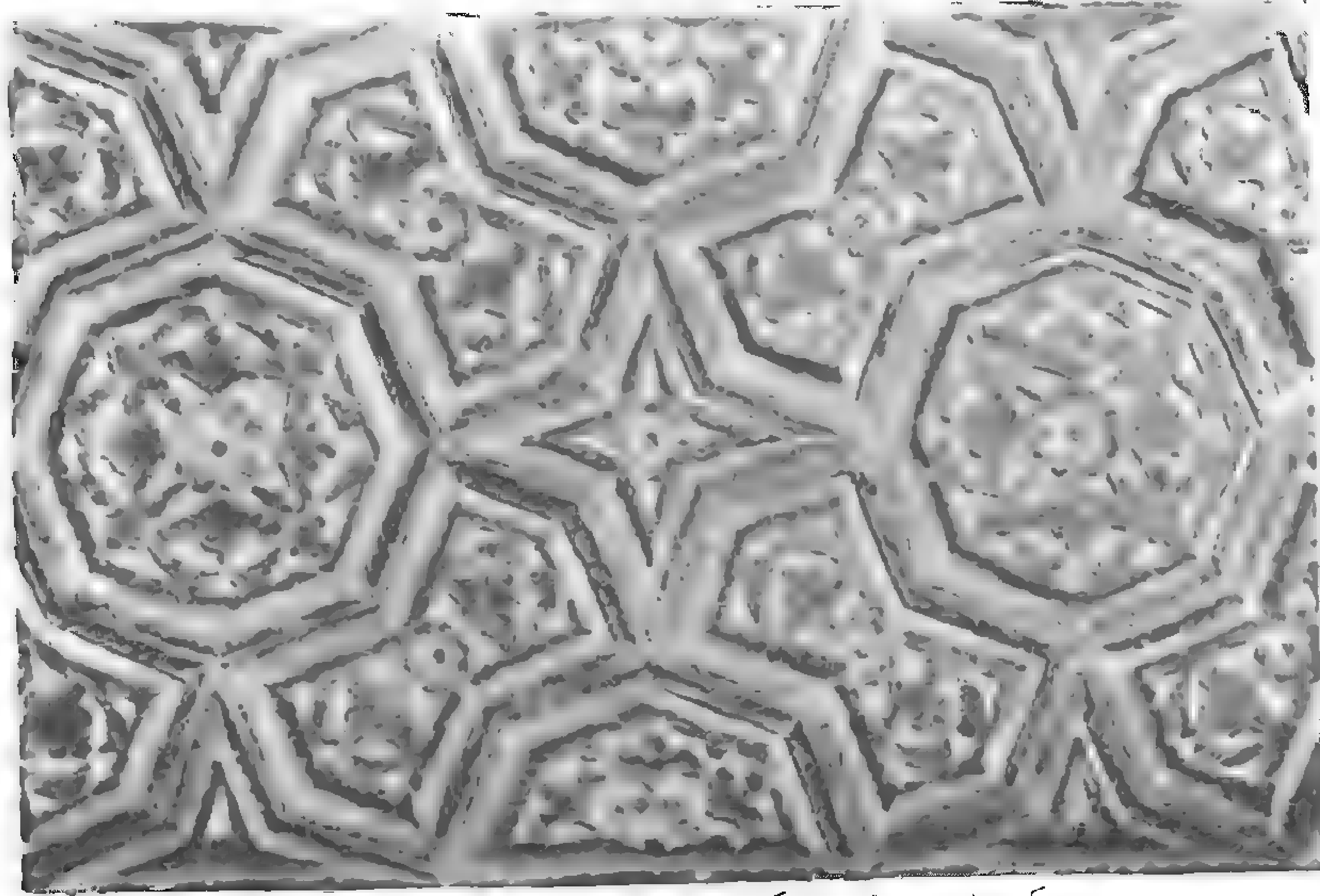
عکس شمارهٔ ۶۰ ـ دورنمای دهکدهٔ قدیمی ماسوله که در گیلان بی‌نظیر است



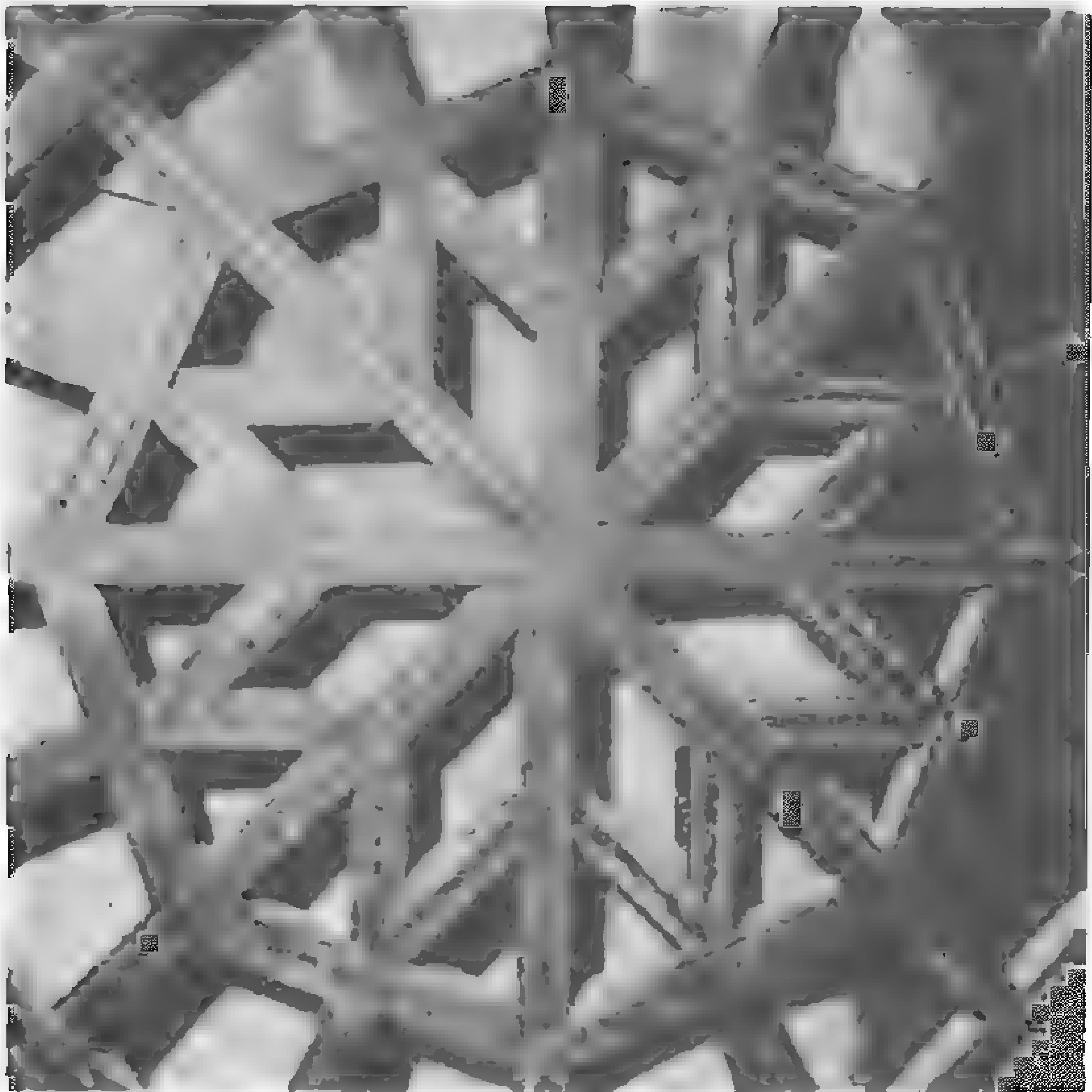
عکس شمارهٔ ۶۱ ـ بقعهٔ عون‌بن‌محمد حنفیة بن‌علی علیه‌السلام در ماسوله.



عکس شمارهٔ ۶۲ درغربی بقعهٔ عون بن محمد حنفیة بن علی علیه السلام درماسوله که معروف به در چله خانه است و می گویند که از کاخ قلندرشاه به اینجا آورده اند .



عکس شمارهٔ ۶۳ ـ قسمتی از کنده‌کاری صندوق قدیمی عون بن‌محمد حنفیه بن علی علیه‌السلام در ماسوله .



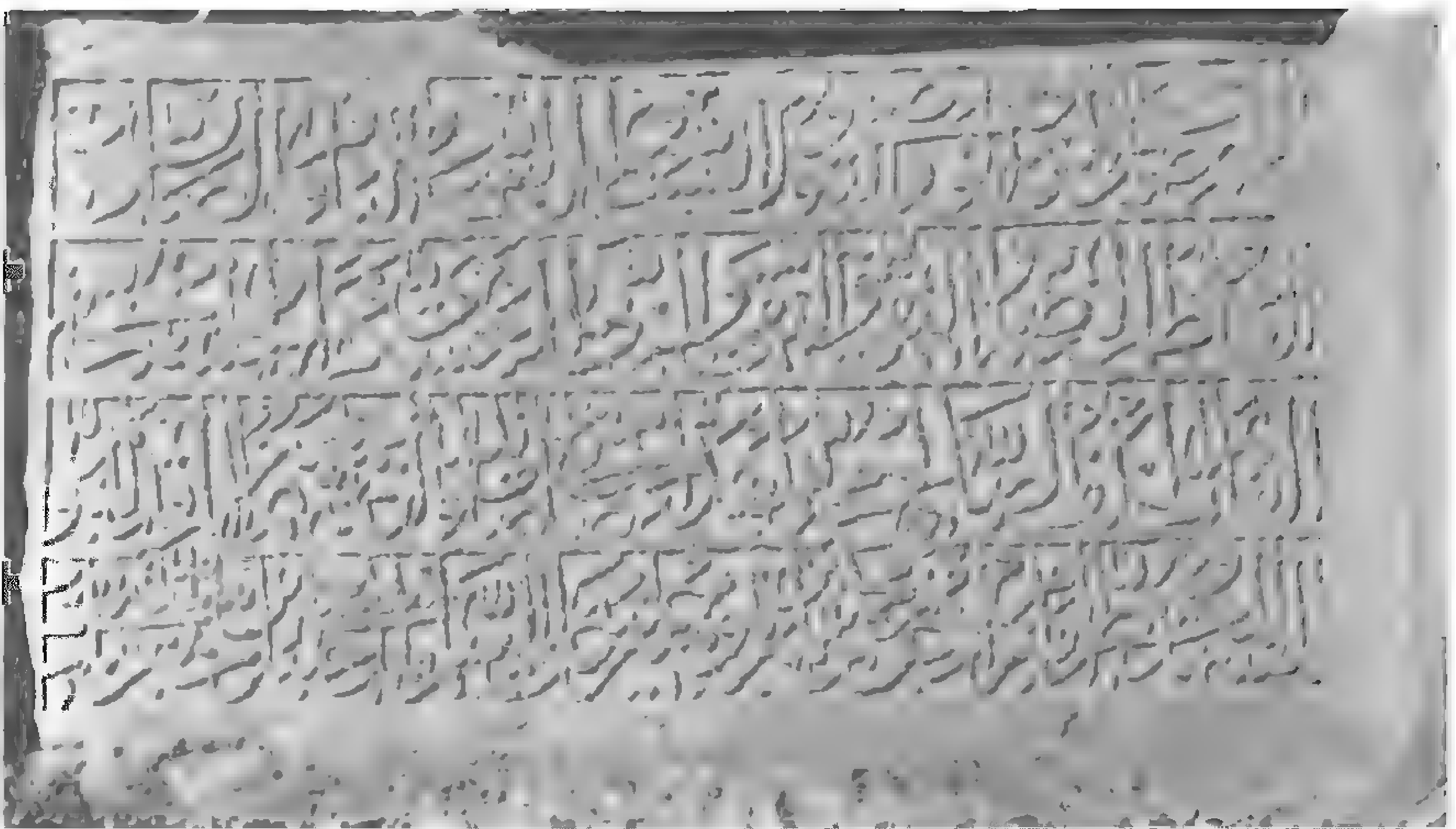
عکس شمارهٔ ٦٤ - یکی از نگاره‌های ضریح عون‌بن‌محمدحنفیة بن‌علی علیه‌السلام
در ماسوله.



عکس شمارهٔ ٦٥ ـ مشعل برنجی کنده‌کاری ظریف با درآن در بقعهٔ عون‌بن‌محمد حنفیة‌بن علی علیه‌السلام درماسوله.



عکس شمارهٔ ٦٦ ـ از سنگهای قبور قدیمی که از رواق عون بن محمد حنفیة بن علی علیه السلام بیرون آورده و بر دیوار جنوبی بقعه نصب کرده‌اند .



عکس شمارهٔ ۶۷ – سنگ تعمیر بنای بقعهٔ عون‌بن‌محمد حنفیة بن‌علی علیه‌السلام در
ماسوله که بر دیوار جنوبی بقعه نصب است

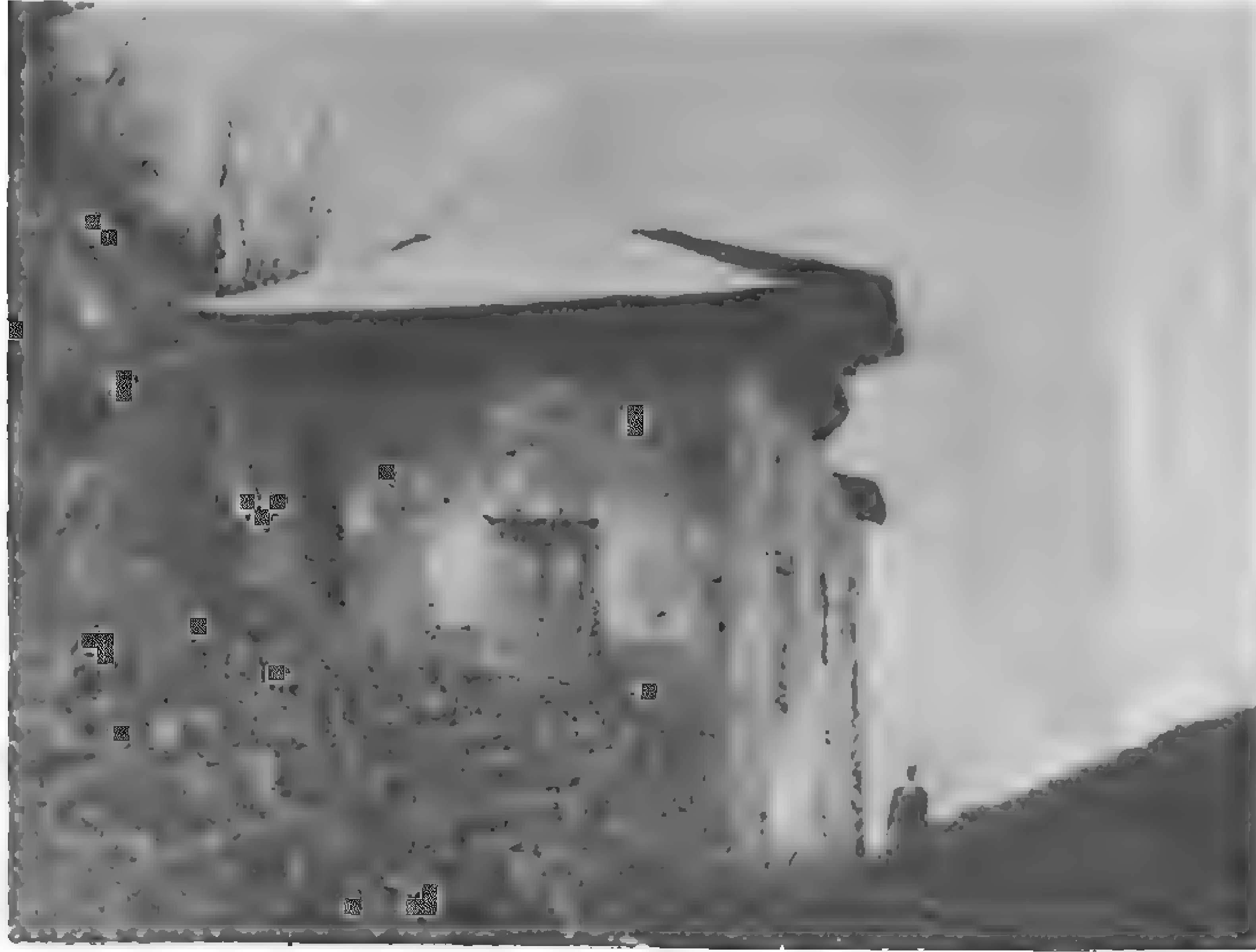
عکس شمارهٔ ۶۸ ـ از سنگهای قبوری که از رواق قدیمی عون بن محمد حنفیة بن علی علیه‌السلام بیرون آورده و بر دیوار جنوبی بقعه نصب کرده‌اند.



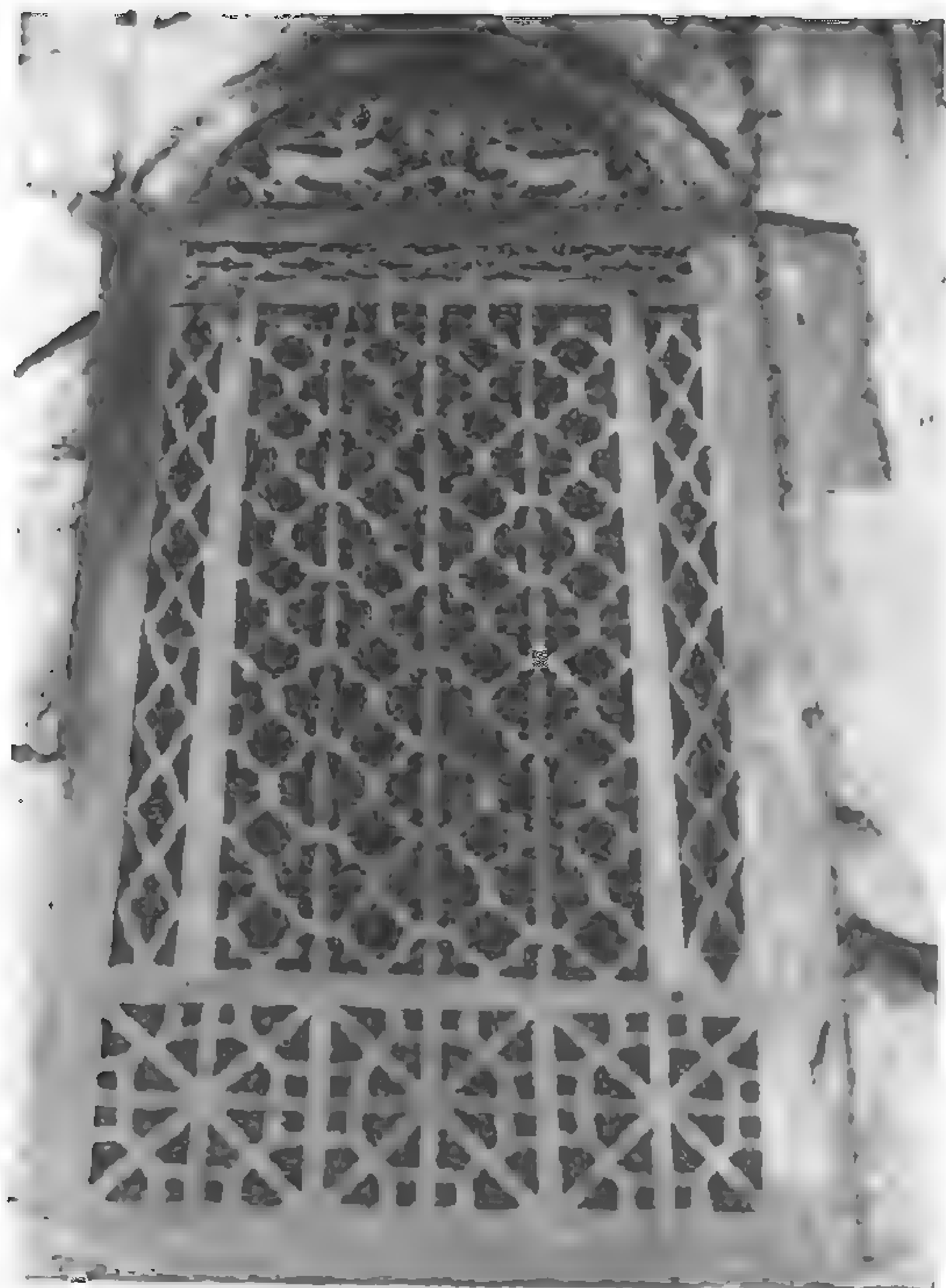
عکس شمارهٔ ۶۹ - یکی از سرستونهای مسجد صاحب‌الزمان در ماسوله.



عکس شمارهٔ ۷۰ ـ بقعهٔ زین‌الدین بن علی علیه‌السلام در دهکدهٔ اشکلت.



عکس شمارهٔ ۷۱ بقعهٔ عین‌الدین بن علی علیه‌السلام نزدیک دهکدهٔ اشکلت در راه فومن به‌ماسوله .



عکس شمارهٔ ۷۲ ــ پنجرهٔ مشبک عین‌الدین بن‌علی علیه‌السلام نزدیک دهکدهٔ اشکلت در راه فومن به‌ماسوله .

بخش هشتم

۱ ـ جغرافیای تاریخی فومن

بخش فومن درغرب جنوب غرب رشت است. گذشته ازجنوب شرقی این بخش مابقی اراضی آن صاف وهموار است. از شمال به کسکر و مرداب انزلی و تولم، ازمشرق به شفت و رودخانهٔ پسیخان ، ازجنوب به پشت کوه طارم و کوههای شفت وماسوله وازمغرب به ماسال محدود می‌شود. درازترین قسمت آن از شمال به‌جنوب، شش فرسنگ و پهنای آن ازشرق به غرب، چهار فرسنگ است . صاحب مسالك‌الابصار در بارهٔ فومن چنین می‌نگارد :

«سلطان فومن، برخلاف سایر شاهزادگان گیلان ، شافعی مذهب است . وسلاطین این بخش با فروع این مذهب آشنائی پیدا کردند . هزار سوار زیر دست اوست. سلطان فومن وحکمران لاهیجان ، بردو بخش کوچك حکمروائی دارند . قسمت اعظم مالیات ایشان از تجارت گرد آوری می‌شود. ابریشم بسیار عمل می آورند .

سلطان مغول، با سلاطین فومن ولاهیجان معاهدهٔ تجاری دارد . اجناس مغولان بدون قید وشرطی وارد خاك ایشان می‌شود وبه فروش می‌رسد وابریشم فراوانی ازاین دو بخش می‌خرند و می‌برند . این جریان وضع تجاری این دو بخش را بهبود بخشیده است . بخشهای دیگر گیلان نیز اجناس واردهٔ این دو بخش را خریداری می کنند. دربخش فومن یا کوههای نزدیك آن معدن آهن است. سلطان فومن خودرا به‌خاندان علی علیه‌السلام منسوب می‌داند. این‌مرد پشتیبان اهل ادب ومردمان لایق‌است . لباس سلطان وسربازان او مانندپوشش

تیره‌ای ازمغولان است . علما و تجار نیز لباسی نظیر همان به‌تن دارند.

فومن محل اقامت دابو پسر گیل گاوباره بوده است. پیش ازسلطان شاه گیل از سلاطین وحکمرانان فومن اطلاعی دردست نیست. علاءالدوله پسر شاه غازی رستم، پادشاه مازندران که پس ازپدر درسال ۵۵۸ قمری به‌سلطنت‌رسید، هنگامی که ازاستندار کیکاوس شکست‌خورد، به‌شاه گیل پناهنده شد.

اسکندرمنشی‌می‌نویسد که سلاطین‌اسحقی‌فومن‌می‌گویند که بازماندگان حضرت اسحق پیغمبرند . رشیدالدین فضل‌الله ایشان را از احفاد ساسانیان می داند .

شهرفومن: فومن مرکز بخشی به‌همین نام و پس‌ازآن تاسال ۹۸۰ قمری مرکز تمام ناحیهٔ بیه‌پس گیلان بوده است. دراین‌سال است که جمشیدسلطان، مرکز حکومت خودرا بـه‌رشت انتقال داده است . قصر حاجی جمال هنوز در فومن برقرار است. این شخص در سال ۱۱۵۹ قمری (۱۷۴۶ میلادی) ، جان التن (Elton) راکشت . این قصر محل اقامت بازماندگان او بوده است .

حاجی محمدخان نیز در همین قصر زندگی می کرد. در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه خوداو و اطرافیانش را به‌رشت منتقل کردند. ازآن‌وقت‌فومن اهمیت خودرا از کف داد و به‌نام «قصبه» خوانده شد ویکی ازدهکده‌های‌مهم این بخش به‌حساب آمد .

بر سکه‌ای طلا که زمان فتحعلی‌شاه ضرب شده است ، محل ضرب به‌نام «فومن‌المبارک» خوانده شده است . مورخین محلی قدیم این مرکزحکومت‌را «دارالعماره» خوانده‌اند .

فومن برساحل چپ رودخانهٔ گاز رودبار بنا شده است و به‌خط مستقیم‌در حدود بیست‌و یك کیلومتری غرب جنوب غرب رشت است.

رابینو می نویسد این شهر سه‌شنبه بازاری دارد که بنای دکانهـای آن آجری است و بام آنها سفال‌پوش‌است ودرحدود شش‌سال‌است که سردارهمایون،

شصت باب دکان در آنجا بنا کرده است . فومن دارای دومحله است . بالا محله شامل: شهر بجار- تو کوراب- پلنگ گل - جهودبجار- گاو جاره و پائین‌محله شامل : دزدك (بضم دال) - خندق بجار - جهود بجار دیگر است .

ساکنان این بخش: در زمین‌های هموار این بخش گیلکها ساکن‌اند و ییلاق وقشلاق نمی کنند . ساکنان اراضی کوهستانی ، گالش و تالش‌اند و زمستان را در دهکده‌های پای کوه که به نام تالشستان فومن خوانده می شود می‌مانند و تابستان را به ییلاق می‌روند . اراضی گیل نشین فومن به نام «گیل فومن» معروف است. دشت نشینان به یکی ازلهجه‌های گیلکی سخن‌می‌گویند و گالشان وتالشان به‌زبان تالشی گفتگو می کنند . معدودی ازمردم این ناحیه شیخی و باقی شیعی مذهبند. جمعیت بخش فومن درزمان رابینو (۱۳۳۱قمری) به پنج هزاروچهارصد خانوار پنج نفری می‌رسید که رویهمرفته بیست وهفت هزار تن می‌شوند . ازاین‌جمعیت هشتصد و پنجاه تن گالش وتالش‌اند. راه‌رشت به کسما از فومن می گذرد این‌راه‌را سپهدار اعظم ساخته است.

نواحی‌فومن : در زمان رابینو (۱۳۳۱قمری) فومن به پنج ناحیه تقسیم می‌شده است :

۱- علی آباد که شهر فومن نیز دراین بخش افتاده است. از شرق به‌فیکو، از شمال به‌لیشاوندان و کسما، ازغرب به کسما ولولمان و از جنوب به ییلاق شفت ۲- فیکو درشرق علی‌آباد است . ازشمال به‌شفت، ازغرب به‌ورزل (بفتح واو وزاء) پسیخان وازجنوب به لیشاوندان ۳- کسما ، ازجنوب به‌علی‌آباد و لولمان، ازغرب به‌ماسال، ازشمال به کسکر ومرداب انزلی وتولم وازمشرق به تولم ولیشاوندان ٤- لیشاوندان که به‌نام فیالم (بکسر لام) نیز معروف است . در شرق کسما وجنوب تولم و مغرب پسیخان وشمال فیکو و علی آباد است .

۵ - لولمان در مشرق علی آباد و جنوب و مشرق کسما و شمال شرقی ماسوله است .

۴ ـ آثار و بناهای تاریخی بخش فومن

قلعه رودخان

در بیست کیلو متری جنوب فومن (۱)

در دل کوهستان

با اینکه قلعه رودخان مدتها تخت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان بیه‌پس بوده، در متون تاریخی و جغرافیائی موجود، ازاین قلعه نامی به میان نیامده است. تنها عبدالفتاح یک‌بار ازکوه قلعه رودخان یاد می‌کند ومی‌نویسد که امیره شاهرخ و کامیاب، پسران امیره سالار و بنی اعمام حسین خان بودند به دستور حسن‌خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند. (۲)

خچکو (Chodzeko) می‌نویسدکه در دشت فومن بیش از باقی قسمتهای گیلان آثاری است که نمودار محلهای دهکده های کهن است سپس در بارهٔ قلعه رودخان که دژی است کوهستانی چنین نوشته است:

قلعه رود خان دژی است بر بالای کوهی در قسمت علیای رودخانه ای به همین نام. باروی آن از سنگ و آجر است. طرفین در ورودی دو برج دفاعی مستحکم است. بر بالای در کتیبه ای است‌که مطالب زیر بر سنگی حک شده است:

این قلعه‌که بنام قلعهٔ حسامی است نخستین‌بار درسال نهصدوهجده تاسال نهصدوبیست‌ویک به امر سلطان حسام‌الدین بن امیره دباج بن امیره علاءالدین اسحقی تجدید بنا شد. این کتیبه‌را کمال‌الدین‌بن محمدگیلانی نوشت. عبارات آن از خان احمد شیروانی وتحریر آن از ابن‌حسین الخراسانی است. (۳)

---

(۱) از فومن تا کوراب پس ۸ کیلومتر واز کوراب‌پس تا قهوه‌خانهٔ کربلائی مهدی ۵ کیلومتر و از آنجا تا قلعه ۷ کیلومتر است. فرهنگ جغرافیائی اطلاعات زیر را به ما می‌دهد: قلعه رودخان ده حزء دهستان مرکزی شهرستان فومن ۱۲ کیلومتری جنوب شهر فومن قلعه ی قدیمی دارد که به نام سکسار معروف است. این قلعه در حدود ۳ کیلومتری جنوب آبادی روی قلهٔ کوه بنا گردیده (فرهنگ جغرافیائی ایران) (۲) تاریخ گیلان ص ۱۸۳. (۳) این عبارت ترجمه از گیلان رابینو به زبان فرانسه ص ۱۶۶ و۱۶۷ است و عین متن کتیبه نیست.

هدایت خان، هنگام قیام علیه کریم خان زند، به تعمیر قلعه پرداخت و توپهایی در آنجا نصب کرد.

رابینو پیش از ذکر مطالبی که از خچکو آورده است از این قلعه نام برده ونوشته است: در دهکده ای به نام قلعه رودخان، در علی آباد فومن، در جنوب غربی دهکدهٔ فومن در حد میان رشت و فومن. در جنگل در پای ارتفاعات، دژی به نام قلعه رودخان است.(۱)

دژی که به نام قلعه رودخان خوانده می شود، سومین بنا از بناهای عجیب هفتگانهٔ گیلان است. نگارنده که دژ های زیادی را دیده و مطالعه کرده، تا کنون دژی به این عظمت و استحکام ندیده است. شاید بتوان این دژ را یکی از دژهای عجیب ایران دانست. تنها دژی که می تواند برابر و همسر او باشد، قلعهٔ اصطخر فارس است. دژهای خراسان و الموت و رودبار و طارم زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچك و ناچیزند وشاید مساحت ده دوازده دژ این صفحات مساوی اراضی قلعه رودخان باشد.

این دژ بالای پوزهٔ سوم رشته کوههای جنوبی فومن که بردست چپ آب قلعه رودخان است، بنا شده است و ارتفاع آن از شهر رشت ۶۸۰ متر است. در شمال این پوزهٔ کوه، رود کوچکی است که آب آن به آب قلعه رودخان که در مشرق این پوزه است می ریزد. آب قلعه رود خان نسبةً زیاد است و با باران مختصری چندین برابر می شود و مانع حرکت سربازانی بوده است که به طرف این قلعه می رفته اند. زیرا مجبور بوده اند، چندین بار این رودخانه را قطع کنند. جنگلهای انبوه قدیم نیز مانع دیگری برای حرکت مردان جنگی بوده است. به همین جهت کمتر این دژ، در دوران آبادانی ممتد خود، مورد حملهٔ متجاوزین قرار گرفته است.

در ورودی یا دروازهٔ قلعه، شمالی است (عکس شمارهٔ ۷۳) در دو طرف آن

(۱) گیلان رابینو ص ۱۷۱.

دو برج تو پر بسیارعظیم ساخته‌اند . (عکس شمارهٔ ۷٤) قطر دایرهٔ اطاقی که بالای برج است ، ازداخل به پنج متر ونیم می‌رسد . (نقشه شمارهٔ ۷۵) دواطاق بالای این دو برج فقط از داخل قلعه، مدخلهائی دارند . (عکس شماره ۷٦ و ۷۷) ارتفاع در ورودی از کف بام ۶/۵ متر وارتفاع میان هلال طاق از کف در ورودی ۳/۵۰ متر است .

از در ورودی اصلی که به قلعه وارد می‌شویم ، دیوارجنوبی نزدیك است وبیش از بیست‌متر از دردوم هشتی فاصله ندارد. در ورودی اصلی ابتدابه‌هشتی بزرگی (عکس‌شمارهٔ ۷۸) وارد می شود و سپس از هشتی به حیاط قلعه می رود. این دو مدخل مسلماً روزی درهای محکم واستوار داشته‌اند. هنگامی‌که داخل حیاط شدیم ، اگر به دست راست یعنی ، به طرف غرب منحرف شویم ، به اطاقهای متعدد خرابی می‌رسیم وسپس چشمهٔ آبی که منبع اصلی آب قلعه است جلوی ما نمایان می‌شود . معروف است که این آب را باکنگك (= تنبوشه) از ییلاق زردِ خونی (بکسر دال) آورده‌اند . پس‌از گذشتن ازاین چشمه‌باپیمودن فاصلهٔ زیادی به بنائی عظیم و مدور برمی‌خوریم که روزی دو طبقه بوده است . و طبقهٔ زیرین فعلاً دارای تونلی است که‌به خارج می‌رود . معروف‌است که این سمج، فرارگاه قلعه بوده‌است[1]. باادامه‌دادن راه ، به‌طوری‌که دیوارجنوبی به طرف دست‌چپ ماست ، طرف دست‌راست، بناهای متعدد و زیاد است . تا پس از طی دویست متر به قسمت شاه‌نشین می‌رسیم‌که در منتهاالیه غربی قلعه، در دو طبقه با آجر بناشده است . پهلوی دیوار جنوبی و شمالی پس از بالا رفتن از پنجاه پله به این شاه‌نشین وارد می شویم دیوار غربی شاه‌نشین ، دیوار غربی قلعه است .

طبقهٔ زیرین شامل راهروئی باطاق آجری هلالی ازشمال به‌جنوب‌است که ازوسط این‌راهرو به‌طرف شرق راهروی دیگری باطاقی‌شیب‌دارو پله‌هائی متعدد

(۱) می گویند این تونل به دهکدهٔ شانیش در طارم کنار سفیدرود راه دارد .

مارا به دواطاق طبقهٔ زیرین می‌برد. دوطرف راهروی شمالی جنوبی، پلکانی است که به اطاقهای طبقه بالا وپائین می‌رود. طبقهٔ بالا شامل سه اطاق است، دواطاق در جنبین و یك اطاق که مسلط بر این دو اطاق است در غرب این دو اطاق بنا شده است. غیر از سقف این اطاق جدا که خراب شده است باقی قسمتهای بنا از دیوار و سقف وپلکان کاملاً برجاست (نقشه‌های شمارهٔ ۷۹ و ۸۰)

اگر پس از وارد شدن از در ورودی اصلی قلعه به‌طرف شرق رفتیم، باز دیوار جنوبی نزدیك ماست و برطرف دست‌راست ما قرار می‌گیرد(عکس‌شمارهٔ ۸۱). طرف دست چپ، آثار بناهای مخروبهٔ زیاد است. پس از طی صد وپنجاه متر به سردری می‌رسیم که بالای آن اطاقهائی است. (عکس‌شمارهٔ ۸۲) دراین جا دو دیوار جنوبی و شمالی خیلی نزدیك یکدیگر می‌شوند. پس از عبور از زیر این سر در وطی صد وپنجاه متر به بناهای قسمت شرقی می‌رسیم که بسیار در هم ریخته است.

در دیوار شمالی (عکس شماره ۸۳) وجنوبی درفواصل نامنظم، برجهائی است (عکس شمارهٔ ۸٤) که بالای آنها اطاقهائی هشت ضلعی از آجر ساخته شده وتا امروز تقریباً تمام آنها سالم است. (عکس شماره ۸۵ و۸٦) آبریزهائی برای پاسبانان ونگهبانان ساخته اند. تعداد این آبریز ها در دیوار جنوبی بیشتر است. تقریباً تمام برجهای قلعه از بیرون از سنگ تراشیده بنا شده و ارتفاع آنها بیش از ده متر است.

ملیونها آجر دراین قلعه به‌کار رفته‌است. آجرهارا بدون‌شك درجلگه گیلان درمحلی که خاك مناسب داشته‌است، پخته‌اند وسپس بدینجا آورده‌اند. ابعاد و قطر این آجرها ازقرار زیراست:

٤۰ × ۲۳۵ × ۲۳۵ میلی‌متر و۲۵ × ۲۱۰ × ۲۱۰ میلی‌متر و ۳۵ × ۲۰۰ × ۲۰۰ میلی‌متر.

طول این قلعه درحدود پانصدمتر وعرض آن درنقاط مختلف فرق می کند.
(نقشه شمارهٔ ۸۷)

عظمت این قلعه به قدری است که به شهری آباد بیشتر شباهت دارد. نگارنده که بیش از بیست قلعه از قلاع انگلستان را ازنزدیك دیده است . این قلعه‌را بزرگتر ومستحکم‌تر ازهریك از آنها می‌داند . بسیار بجاست که پس ازانداختن درختان جنگلی که خود عامل بسیار مؤثری درتخریب بناهای باستانی گیلان است ، این قلعه را تعمیر ومرمتی کنند وراهی برای آن بسازند ، تاجهانگردان بتوانند یکی ازبناهای عجیب ایران‌را ازنزدیك مشاهده کنند .

جلو در ورودی قلعه پایهٔ ستونی ازسنگ سفید است که طول فعلی آن ۷۷ سانتیمتر وعرض آن ۳۳ سانتیمتر و طول پایهٔ آن ۳۵ سانتیمتر وعرض آن ۲۵سانتیمتراست . این‌عبارات بخط خوش نستعلیق بر آن حاك شده‌است:

« علاءالدین اسحقی خلدملکه وسلطانه درتاریخ ثمان عشروتسعمایه این قلعهٔ مبارکه را که مسمی بقلعهٔ حسامی‌است و هرگز درجهٔ تعمیر نیافته .... ۹۱۸ دانا چون دهر دشمن خوی هرزه جوی ... خویش اظهار کند و عهد ...»
باقی مطالب آن فرسوده شده وازمیان رفته است .

کتیبه‌ای که خچکو ازآن یاد کرده‌است ، امروز بربالای در ورودی نیست . راهنمایان اظهار می کردند که مردی هندی این‌سنگ‌را ازمحل خود کنده وپائین انداخته است . دیگران آن‌را شکسته‌اند وپاره‌های آن‌را به درهٔ مقابل درورودی انداخته‌اند . مدتها درمیان درختان وعلف‌های جنگلی جستجو کردیم وپاره‌های آنرا نیافتیم .

مدرسه ومسجد قدیم مشهور به مسجد جامع
درشهر فومن (۱)

بنائی است آجری به ابعاد داخلی ۱۳/۳۰ × ۱۲/۸۵ متر ، که دو ردیف پایهٔ آجری درمیان بناست که صحن‌مسجدرا به سه‌قسمت اصلی تقسیم می کند.

(۱) رابینو محل آن‌را درناحیهٔ علی آباد بخش فومن می‌داند . (گیلان رابینو ص ۱۶۹)

درهرردیف چهار پایه‌است. قسمت پائین وبالای پایه‌ها چهارضلعی ومیانهٔ آنها هشت ضلعی است . اضلاع این هشت ضلعی دوبه‌دو مساوی‌است . در سمت قبلی محرابی‌ساده دارد که بسمله بر آن گچ‌بری شده‌است. چهارردیف کاشی‌سبزرنگ به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر که دردرگاه در ورودی است ، گلدار وقدیمی‌است .

بالاخانه مانندی چوبین که بردوپایه متکی‌است، قسمت‌زنانهٔ مسجداست. درغرب بنا یك در ورودی وشش پنجره درپائین وهفت پنجره دربالااست . این دروپنجره‌ها درقسمت زنانهٔ مسجداست . درسمت‌شمال پنج‌پنجره درپائین وشش پنجره ویك در ورودی دربالااست .

درضلع شرقی، دودر ورودی ویك‌پنجره‌است. سقف لمبه‌کوبی بادرزپوش خط دار ، بام‌آن سفال‌سر و حلب‌سر است .

بقعهٔ پیرجلودار
درپائین محلهٔ فومن (۱)

بنای اصلی شامل اطاقی‌است به ابعاد داخلی ٤/٥ × ٤/٢٠ متر. صندوقی قدیمی ازچوب آزاد دروسط به طول ۱۹۰ وارتفاع ۹۵ سانتیمتر قرار دارد . در ورودی درسمت غربی‌است . در طرف جنوب یك‌در ودو پنجره ، طرف شرق و شمال یك در و دو اشکاف دارد . در شمال به‌آبدارخانه باز می‌شود . سقف بنا لمبه‌کوبی بادرزپوش وبام‌آن حلب‌سر وسفال‌سر است . (عکس شمارهٔ ۸۸)

بقعهٔ آقا سید جعفر آقا
درشهر فومن

بنای بقعه ومسجد قدیمی را خراب کرده و مشغول ساختن بنائی بسیار مجلل هستند . صندوقی قدیمی به‌طول ۱۸۰ وعرض ۱۰۰ وارتفاع ۱۳۰ سانتیمتر در هوای آزاد بود که ضریحی چوبین مشبك آنرا احاطـه کرده بود . برقید ضریح این عبارات خوانده شد :

... رسید این منزل ... آنکس که این خط نوشت علی اکبر ابن محمد علی الاصفهانی فی یوم جمعه بیست‌وهشتم ... ۱۲۵۵ .

---

(۱) پیر جلوئی درناحیهٔ علی‌آباد بخش فومن (گیلان رابینو ص ۱۶۳) .

قلعه کُل

دردهکده‌ای به‌همین نام نزدیك شهر فومن

اطراف تپه‌ای را که سطح آن درحدود چهارپنج هزار متراست خندقی کنده‌اند که آثار آن برجای است . دربالای این تپه بناهائی بوده‌است که فعلاً دهکدهٔ قلعه کل به‌جای آنها بنا شده‌است . دربازدیدی که رابینو ازاین قلعه کرده‌است می‌نویسد «آثار بنا وخندق آن باقی‌است .» (۱)

بقعهٔ آقا سید عبدالله بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام دردهکدهٔ کلرم (۲) فومن

بنای اصلی این بقعه به ابعاد ٤/٦٥متر و۵/۷۰ متراست . صندوقی چوبین مشبك دروسط بناست که طول آن ۲۲۰ وعرضش۱۰۰ وارتفاعش ۱۲۰ سانتیمتر است . درداخل بقعه بردیوار غربی که ارسیهء‌ی چوبین‌دارد «وان یکاد» تاآخر بارنگ نوشته شده‌است . دردیوار جنوبی ارسیهائی‌است که شیشه های رنگین دارد . پائین این ارسیها این‌اشعار برچوب حك شده‌است :

در سنگ نوشته بود نقاش　　　　دنیا نکند وفا تو خوش باش
گرجمع کنی‌تومال قارون　　　　باخودنبری‌دودانه‌خاش‌خاش (۳)

عمل حبیب‌الله

برسمت چپ‌این‌اشعار باخط نستعلیق برچوب ارسی این‌اشعار حك‌شده‌بود:

ای‌دل توچرا دراین‌زمان بیخبری　　　　روزان و شبان درطلب سیم وزری
سرمایهٔ‌این‌جهان یکی‌تو کفن‌است　　　　آنهم بـه‌گمان آیا بری یانبری

چهار طرف بقعه ایوان دارد . عرض ایوان شرقی یك‌مترو نیم و ایوان شمالی وغربی دومترونیم وایوان جنوبی یك‌متراست . درهر ایوان ، ۸ ستون با سرستونهای بسیارظریف‌است . بربیست‌وشش‌عدد سرستون آیات قرآنی‌وا شعار

(۱) گیلان رابینو ص ۱۷۸ . (۲) بفتح کاف ولام نویسندهٔ فرهنگ جغرافیائی به ضم کاف ضبط کرده ومی‌نویسد « ده از دهستان حومهٔ‌بخش مرکزی‌شهرستان فومن، شش کیلومتری غرب فومن ، کنار راه فرعی فومن به ماسوله . » (۳) مقصود خشخاش‌است .

فارسی نوشته‌اند. درمیان این نوشته‌ها سنهٔ ۱۳۴۶ نیز خوانده می‌شود. سقف بقعه وایوانها لمبه کوبی و بام سفال‌سراست، گلدستهٔ چوبین زیبائی دریکی از زوایای بناست که با نردبان به داخل آن می‌روند. (عکس شمارهٔ ۸۹) درخت آزاد کهنی درمحوطهٔ بناست که محیط دایرهٔ آی ۵۴۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ سیدحمزه وسیدسلیمان ابنان امام موسی الکاظم علیه‌السلام درنفوت لولمان فومن (۱)

صحن اصلی بقعه، اطاقی‌است به طول ۱۵ وعرض ۷متر. صندوقی نزدیك به ضلع شرقی‌است که طولش ۲۱۰ وعرضش۱۶۰ وارتفاعش ۱۱۵ سانتیمتراست وطاقی گهواره‌ای مشبك‌دارد درضلع غربی یك در ورودی وسه پنجره بزرگ درضلع شمالی سه‌پنجرهٔمتوسط، درضلع‌شرقی شش پنجره بزرگ ودرضلع‌جنوبی سه پنجرهٔ بزرگ است. سراسر سقف لمبه کوبی و بام حلب سراست.

سنگ مرمر کوچکی به‌طول ۵۰ وعرض ۳۵ سانتیمتر دراین اطاق‌است که عبارات زیر باخط نستعلیق برآن حك است.

وفات مرحوم مغفورغفران ورضوان جایگاه ملااحمد متولی امامزادگان بقریه نفوت ولد مرحوم ملاعبدالباقی قزوینی الاصل بتاریخ بیست وهفتم شهر ربیع‌الاول ۱۲۲۶ نشانها: شانه وتسبیح ومهر وانگشتر.

سنگ مرمر دیگری به‌طول۳۰ وعرض۲۱سانتیمتر دراین اطاق‌است که سنگ قبر دختر ملااحمد است وعبارات زیر برآن حك شده است:

وفات مرحومه مغفوره رضوان جایگـاه نساخانم بنت مرحوم ملااحمـد بتاریخ یوم سه‌شنبه ربیع‌الاول سنه۱۲۳۰. نشانها. تسبیح، مهر وانگشتر.

رابینو پس‌از نام‌بردن این‌بقعه می‌نویسد که چشمهٔ‌آب گوارائی‌زیر بنای امامزاده‌است.(۲)

---

(۱) نفوت امروز جزء صومعه سراست. (۲) گیلان رابینو ص ۱۷۸.

خشت پل
برروی نهر شیرك منشعب از ماسوله رودخان
درپشتیر (۱) لولمان فومن

پلی‌است آجری به‌طول ۱۷/۸۰ وعرض ۴/۵۰متر، شامل دوطاق که یکی ازآنها کوچك و دیگری بزرگ است . ارتفاع آخرین نقطهٔ هلال طاق بزرگ ازسطح‌آب ۳/۶۰متراست . (عکس‌شمارهٔ ۹۰)

بقعهٔ پیر زاهد
در سیاوه رود آلیان فومن (۲)

قاضی‌نورالله می‌نویسد که شیخ زاهد گیلانی مرشد شیخ صفی‌الدین‌اسحق اردبیلی، جدّ سلاطین صفویه درسال هفتصدقمری درگیلان درگذشته ودر سیاوه رود به‌خاك سپرده شده است .[۳] بقعهٔ شیخ زاهد فعلا بنائی بسیار ساده زگالی است که برزمینی صاف بنا شده‌است . صندوقی مشبك دروسط بناست . طـرف مغرب آن ، ایوانی گلی دارد که در ورودی بقعه دراین‌ایوان‌است. سقف‌سراسر ایوان واشان کشی وبام لت‌ پوشی‌است .

بقعهٔدوالکوه (۴)
جزء خاك آلیان فومن برمرز آلیان و تنیان

برسرارتفاعی جنگلی بقعه‌ایست چوبین، باحفاظی که ازارسیهای مختلف تشکیل شده‌است. صندوقی چوبی میان‌صحن بقعه‌است . طرف غرب بنامسجدی است . چهـار طرف بنا ایوانی ساده دارد . سراسر سقف واشان کشی و بام لت‌ سراست .

---

(۱) هفم پ . ده از دهستان مرکزی بخش صومعه سرا شهرستان فومن یك کیلو متری جنوب غربی صومعه سرا . (۲) سیاوه رود در زمان رابینو (سال ۱۳۳۱ قمری) جزء منطقه قشلاق نشین ماسوله بوده است و فرهنگ جغرافیائی نیز آن را جزء ماسوله دانسته است . (۳) مجالس‌المؤمنین به نقل از گیلان رابینو ص ۱۷۵ . سیاه ورود ، ده جزء دهستان ماسوله بخش مرکزی شهرستان فومن ، ۱۸ کیلومتری باختر فومن (فرهنگ جغرافیائی ایران) گاهی سیاوه رود را جزء کسما به حساب آورده‌اند . (۴) دوال کوه ، ده کوچکی است از بلوك آلیان دهستان ماسوله بخش مرکزی شهرستان فومن . (فرهنگ جغرافیائی ایران)

دوقلعهٔ متصل به یکدیگر معروف به قلعه کل (۱)
در دهکدهٔ زیدهٔ فومن

براطراف تپه‌ای که سطح آن در حدود پنج‌هزار متراست آثار خندقی دیده می‌شود. آثار خرابه های آن قبل‌ازاینکه اراضی به‌باغ چای تبدیل شود پیدا بوده‌است. معروف‌است که دربناهای آن سنگهای بزرگی به‌کاررفته بوده است. ازسنگها نشانی نیافتم.

پیربا ولی (۲)
درکما مردخ (۳) لولمان فومن

بنائی است دارای چهار حفاظ مشبك چوبین. صندوقی مشبك در وسط بناست. چهار طرف بنا، ایوان‌دارد وستونهای ایوانها دارای سر ستون است. سقف سراسر بنا واشان‌کشی وبام لت پوشی است.

منار ازبر (٤)
درازبر فومن

باقی ماندهٔ این منار در حدود یك مترونیم ارتفاع دارد. بنائی مدوراست که قطر داخلی فعلی آن، پس ازریختن لبهٔ آجرها، چهارمتر و قطر خارجی آن پنج‌متر است. ابعادآجرهائی که دراین بنا به‌کار رفته است، ۲۱×۲۱×۵ سانتیمتر است. اهالی ازبر می‌گویند، آشپزخانهٔ قلعه رودخان دراینجا بوده است و غذا پس از آماده شدن، از این محل دست به دست به قلعه رودخان می‌رفته است.

زیارت دستخط امیرالمؤمنین
درگشت (٥) فومن

رابینو می‌نویسد که دراینجا قرآن کوفی کهنه‌ایست.[٦] نگارنده به‌محل رفت و از متولیان جویا شد. ایشان اظهار داشتند که این قرآن در جعبه‌ای

---

(۱) به ضم‌کاف به‌معنی تپه یاخاکریزدستی تپه ماننداست. (۲) شاید: پوریای ولی.
(۳) بفتح کاف و میم و دال. (٤) بفتح الف و سکون زاء و فتح باء. (٥) به فتح‌کاف (٦) گیلان رابینو ص ۱۷۰.

داخل ضریح است. اما پس از اینکه ضریح‌را از جای کندند و به‌جعبه‌رسیدند، داخل جعبه قرآنی چاپی بود که بیش‌از پنجاه سال عمر نداشت. این‌ضریح که یك‌طرف آن مشبك است (عکس‌شمارهٔ ۹۱) دراطاقی نوساز قرار دارد . سقف بنا لمبه‌کوبی وبام‌آن حلب‌سراست .

قلعهٔ الله داده‌کوه
بر بالای‌کوهی در جنوب‌گشت رودخان

این قلعه‌که به‌نام الله دادی‌کوه والله دارکوه نیز خوانده‌می‌شود، برسر راه‌گشت به‌کرد محله ، ابتدای ارتفاعات سمت راست بربالای‌تپه‌ای بوده‌است. امروز سراسر تپه تبدیل به‌باغ چای شده است وبربالای این‌تپه ازقلعه نشانی نبود. رابینو این قلعه را « اللّه‌دادکوه » می‌خواند ومی‌نویسدکه بر سر کوهی در جنوب‌گشت قرار دارد، هنگامی که سلاطین فومن به قلعه رودخان‌پناهنده می‌شدند ، خزاین وجواهر خودرا بدین قلعه می‌فرستادند.(۱)

باقی بناها وآثار تاریخی فومن

۱ـ قلعهٔ زرین‌کُل درگشت رودخان نزدیك پل .

۲ـ عمارت سردار همایون ، کنار رودخانهٔ پسیخان در جوار پل‌کاسان در لیشاوندان فومن . سردار همایون لقب دوم عبدالحسین‌خان مدیرالملك است . عبدالحسین‌خان پسر محمدخان‌سرتیپ‌ملقب به مدیرالسفرا پسرحاجی‌قاسم‌خان است. رابینو درکتاب‌گیلان خود ص ۱۷۷ از این بنا یادکرده است.

۳ـ امامزاده میرزا در قبرستان عمومی شهر فومن

٤ـ پیر یوسفعلی در جور بجار فومن .

٥ـ امام بر در شهر فومن .

٦ـ پل قدیمی فومن .

۷ـ امامزاده تقی در راه‌گشت .

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱٦۷ .

۸ـ بقعهٔ درویش محب علی در بوئین فومن.[۱]

۹ـ قلعهٔ تیمور لنگ در آلیان.

۱۰ـ آثار خندق و قلعه و خانه‌هائی در شیرزیل فومن.

۱۱ـ مزار کمال‌الدین محمد و کمال‌الدین احمد[۲] در محل وله‌پشت کلنده‌رود.

۱۲ـ مزار آقا سید یعقوب در گوراب پشتلم در ایشاوندان فومن. رابینو می‌نویسد درختی کهنسال بود که اهالی آنجا بدان احترام می‌گذاشتند. در دوران او یعنی سال ۱۳۳۱ قمری بنائی ساختند وامامزاده‌اش کردند.[۳]

۱۳ـ مزار سید ابراهیم در فلاه (= فلاح‌آباد) فومن بر سر جادهٔ قدیم رشت به فومن. رابینو نیز از این مزار یاد کرده است.[٤]

۱٤ـ بقعهٔ آقا شیخ جمال در شاویزان در درهٔ قمه رودخان سمت راست رودخانه.

۱۵ـ سید صالح در دهکدهٔ نوده فومن.

۱٦ـ مسجد کولك در بالای تپه در دوبخش[٥] در نزدیکی اربر.[٦]

۱۷ـ بنای مربع آجری میان گوراب‌پس وخسروآباد فومن. رابینو از این بنا یاد کرده است. اما نگارنده آن‌را نیافت[۷].

۱۹ـ مسجدقدیمی زودل در دهکدهٔ زودل در هجده کیلومتری غرب فومن بر سر راه فومن به ماسوله.

۲۰ـ مزار آقاسیدابراهیم بن‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام در گوراب‌زرمخ.[۸]

۲۱ـ مزار امامزاده عبدالله در کسما. رابینو می‌نویسد متولیان اینجا فرمانهائی از سلاطین صفویه دارند که ایشان را از پرداخت مالیات معاف کرده‌اند.[۹]

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱٦۹. (۲) اهالی کلارالدین محمد و کلارالدین احمد خوانند. (۳) گیلان رابینو ص ۱۷۷. (٤) گیلان رابینو ص ۱٦۹. (٥) بفتح باء وشین. (٦) بفتح الف و سکون زاء و فتح باء. (۷) گیلان رابینو ص ۱٦۷. (۸) بفتح زاء و میم. رابینو نیز از این بقعه یاد کرده است (گیلان رابینو ص ۱۷۳) (۹) گیلان رابینو ص ۱۷٤.

نگارنده دسترسی به این فرمانها پیدا نکرد.

۲۲- قلعهٔ قلندرخان در بالای کوهی در گلمندرود. رابینو می‌نویسد «قلندرخان، مردی شیاد واز یاغیان دوران نادرشاه بود. در این محل قلعه‌ای ساخت که زیر زمینهای آن تا دوران خچکو (Chodzeko) باقی بوده است.»[۱]

۲۳- مقبرهٔ خانوادگی خاندان اسحقی در فومن. عبدالفتاح فومنی در تاریخ گیلان می‌نویسد که امیره علاءالدین پدر امیره دباج فومنی در مقبرهٔ اجدادی خود در فومن به‌خاک سپرده شد.[۲]

۲٤- مقبرهٔ شاه‌جمشیدخان[۳] نوهٔ امیره دباج فومنی (= مظفرسلطان)[٤] در فومن. عبدالفتاح می‌نویسد که جسد شیرزاد سلطان را در مزار شاه جمشیدخان به خاك سپردند وسر اورا برای خان احمدخان به گیلان بیه‌پیش فرستادند.[٥] احتمال می‌رود مزار شاه‌جمشیدخان درهمان مقبرهٔ خانوادگی خاندان اسحقی در فومن باشد.

۲٥- مقبرهٔ آبای بوسعید میر در موضع شنبه بازار فومن. عبدالفتاح می‌نویسد که بوسعید میر را در موضع شنبه بازار فومن به جوار مقبرهٔ آبای او مدفون ساختند.[٦]

---

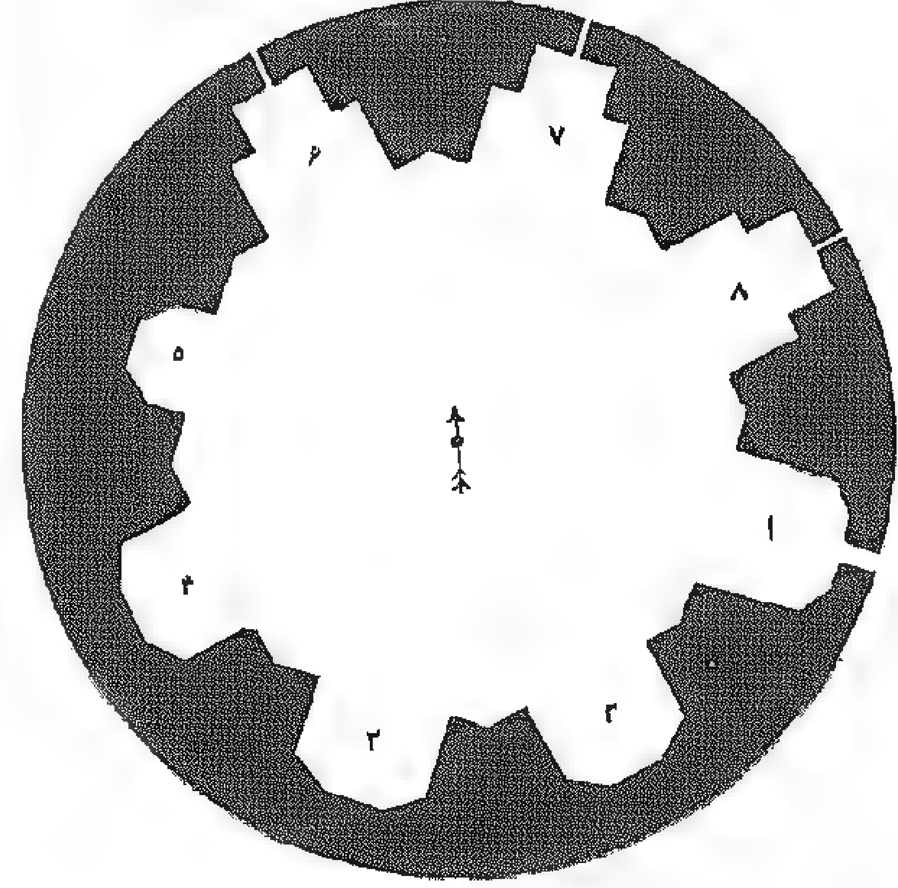
(۱) گیلان رابینو به نقل از خچکو ص ۱۶۷ و نظر خود مؤلف ص ۱۲۷ و ۱۲۸.
(۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۳۰۶ (۳) خدیجه بیگم دختر شاه‌طهماسب در ۲۲ شعبان سال ۹۷۷ زن جمشیدخان نوهٔ امیره دباج (= مظفر سلطان) شد (٤) امیره دباج پس از ازدواج با خیر بیگم دختر شاه اسمعیل به‌لقب «مظفر سلطانی» مفتخر گردید. (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۸) در تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۷ شرحی درباره این عروسی هست. (٥) تاریخ گیلان ص ۹٥. (٦) تاریخ گیلان ص ۲۰۲.



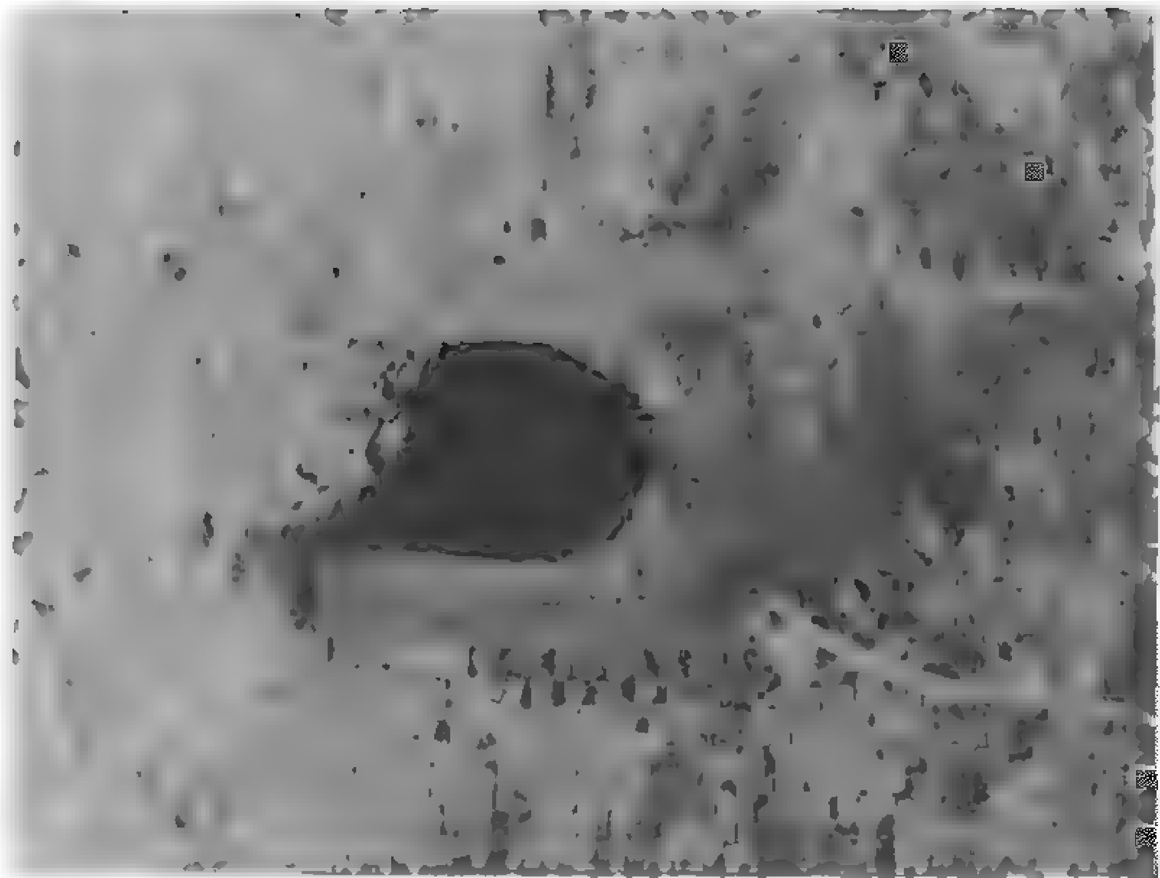
عکس شمارهٔ ۷۳ ـ دروازه اصلی قلعه رودخان .



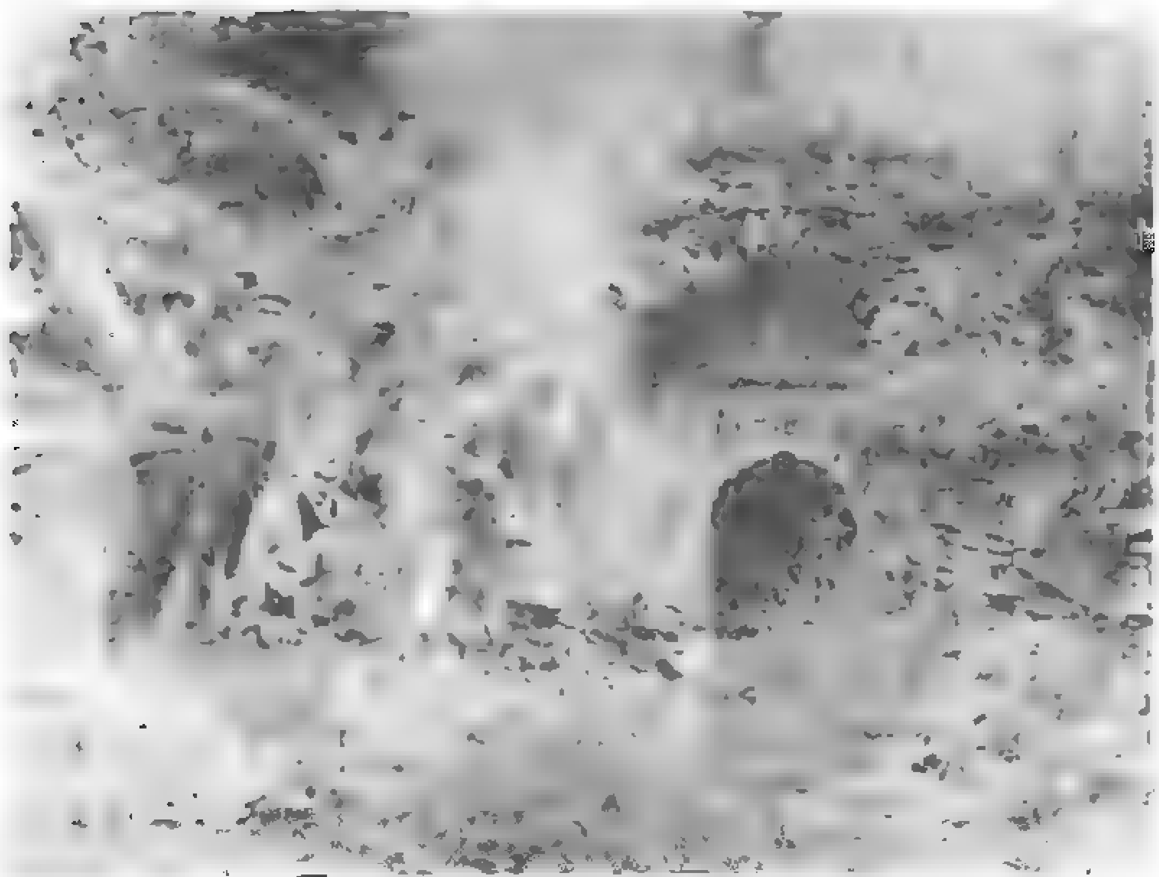
عکس شمارهٔ ۷۴ـ یکی ازبرجهای قلعه رودخان.



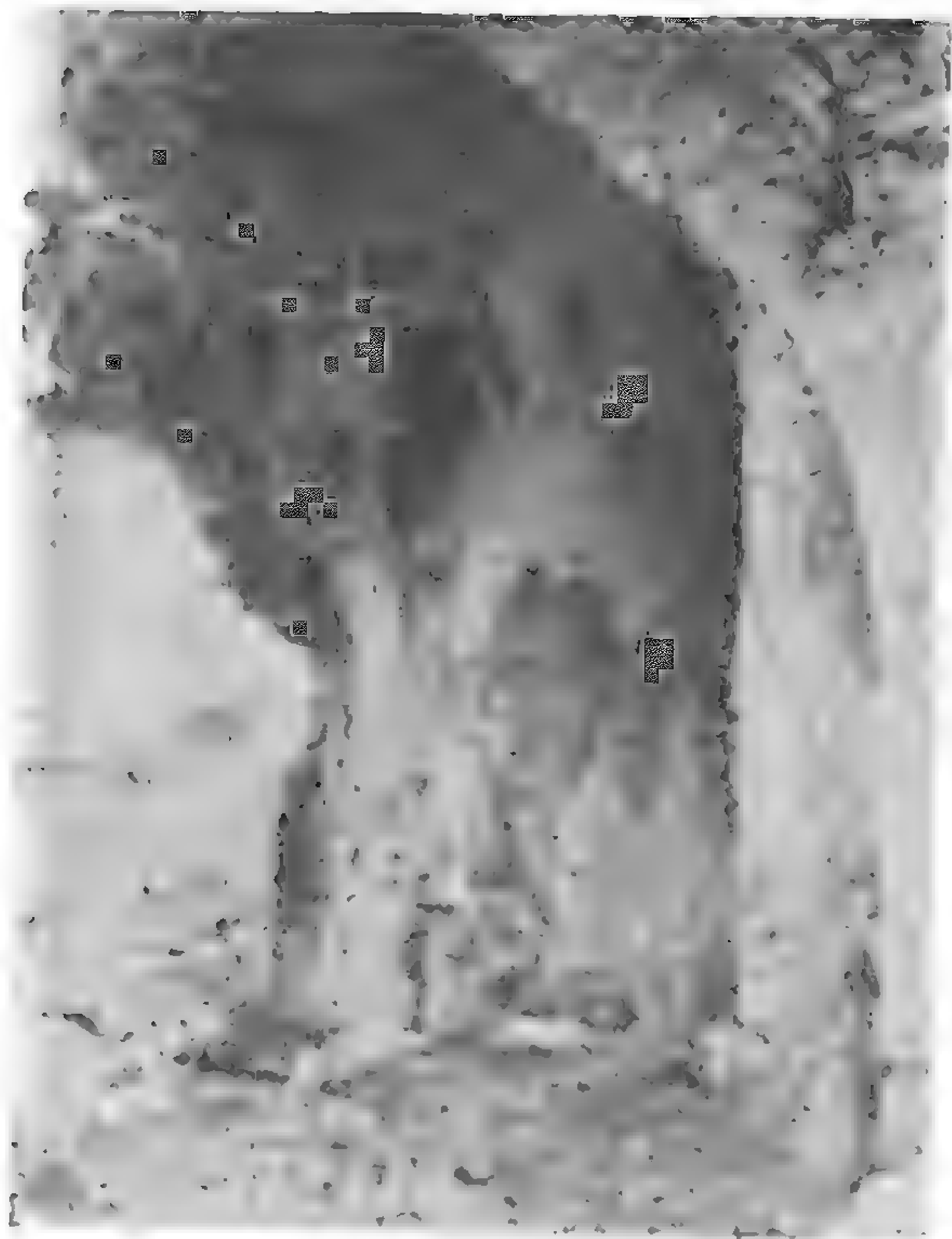
نقشه شمارهٔ ۷۵ ـ نقشهٔ برج سمت راست دروازهٔ قلعه رودخان



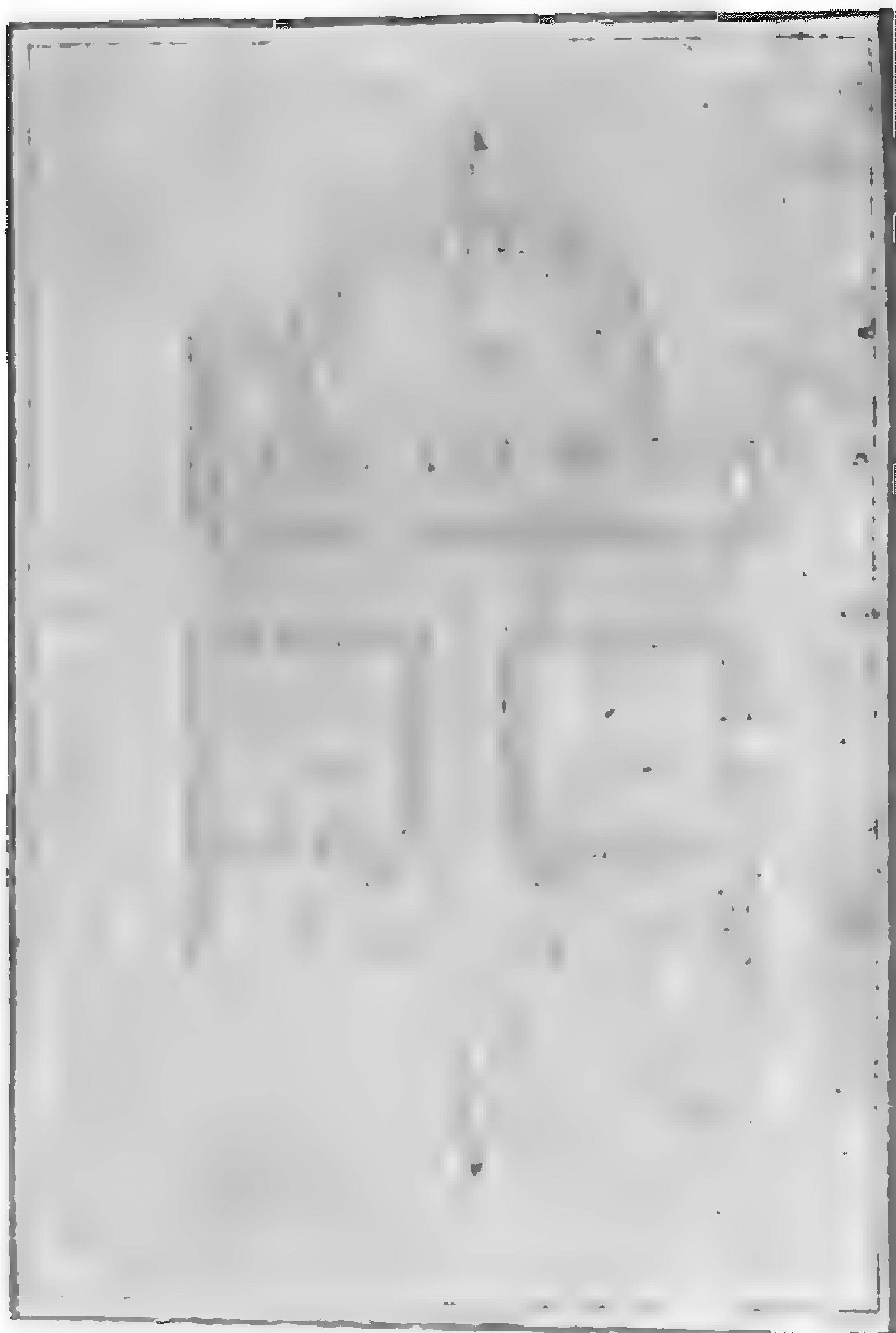
عکس شمارهٔ ۷۶ – مدخل اطاقی که دربالای برج سمت چپ دروازهٔ اصلی قلعه رودخان بنا شده است.



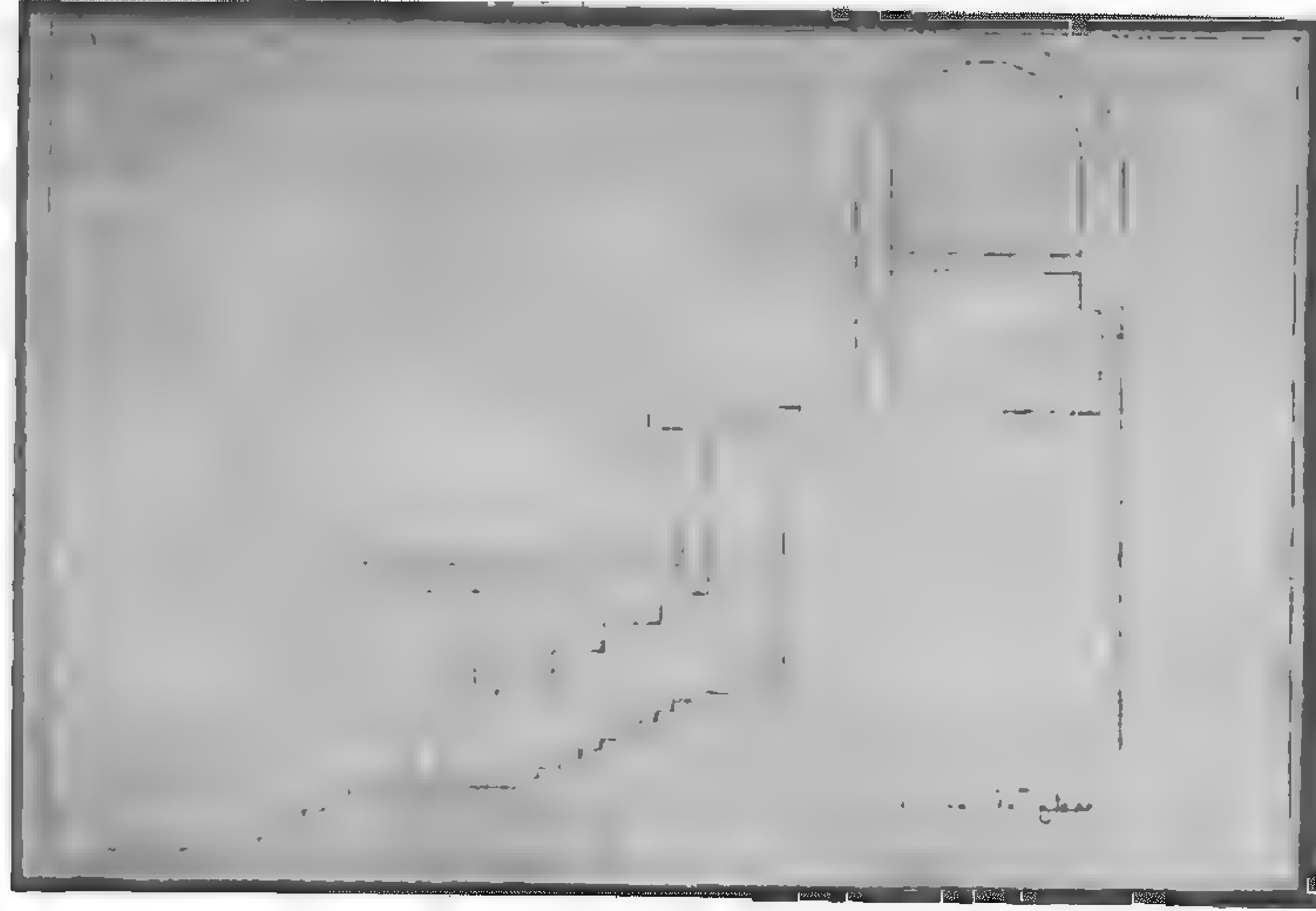
عکس شمارهٔ ۷۷ – مدخل اطاقی دربالای برج سمت راست دروازهٔ اصلی قلعه رودخان.



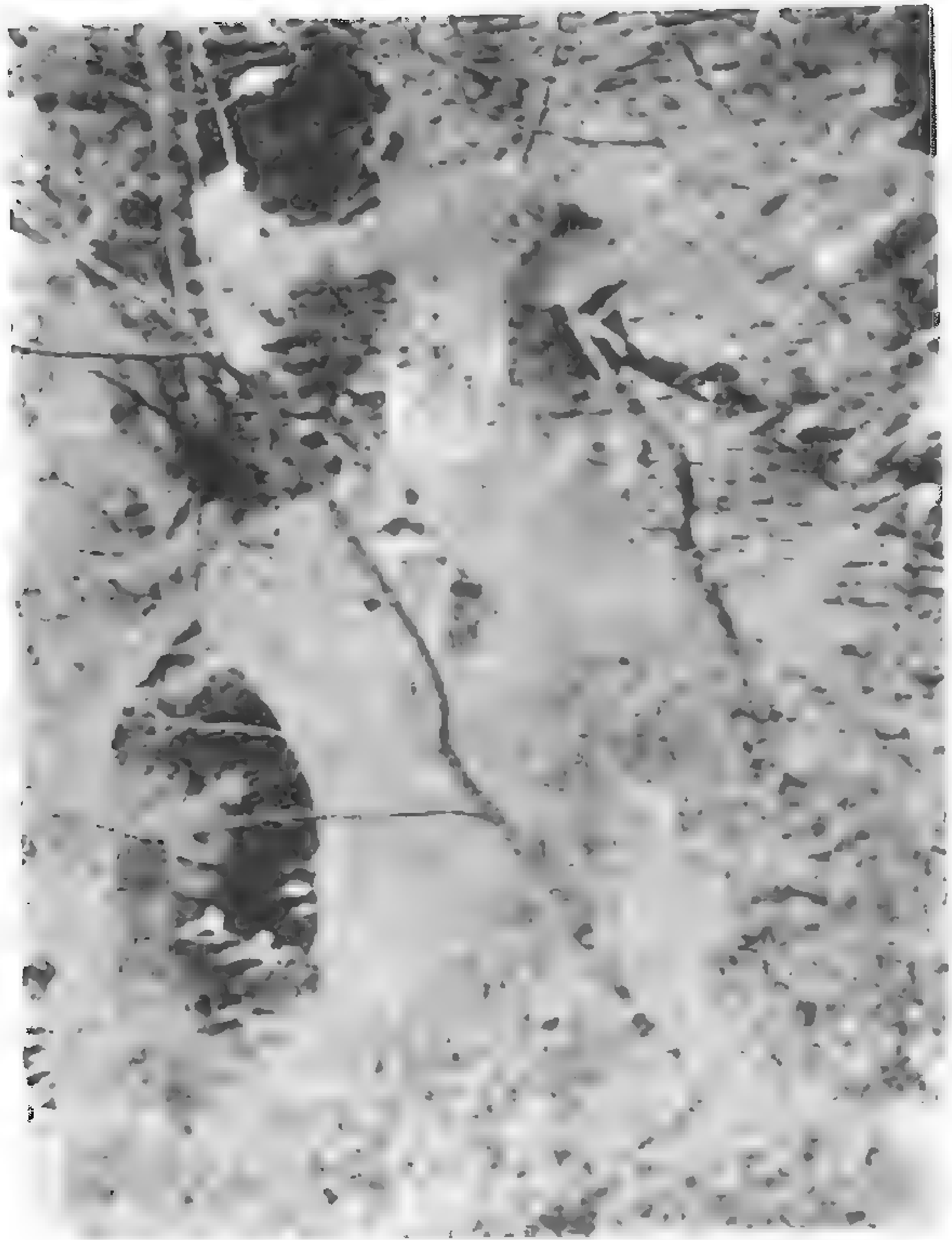
عکس شمارهٔ ۷۸ ـ هشتی میان دودروازهٔ اصلی رودخان.



نقشهٔ شمارهٔ ۷۹ ـ نقشهٔ شاه‌نشین قلعه رودخان ،



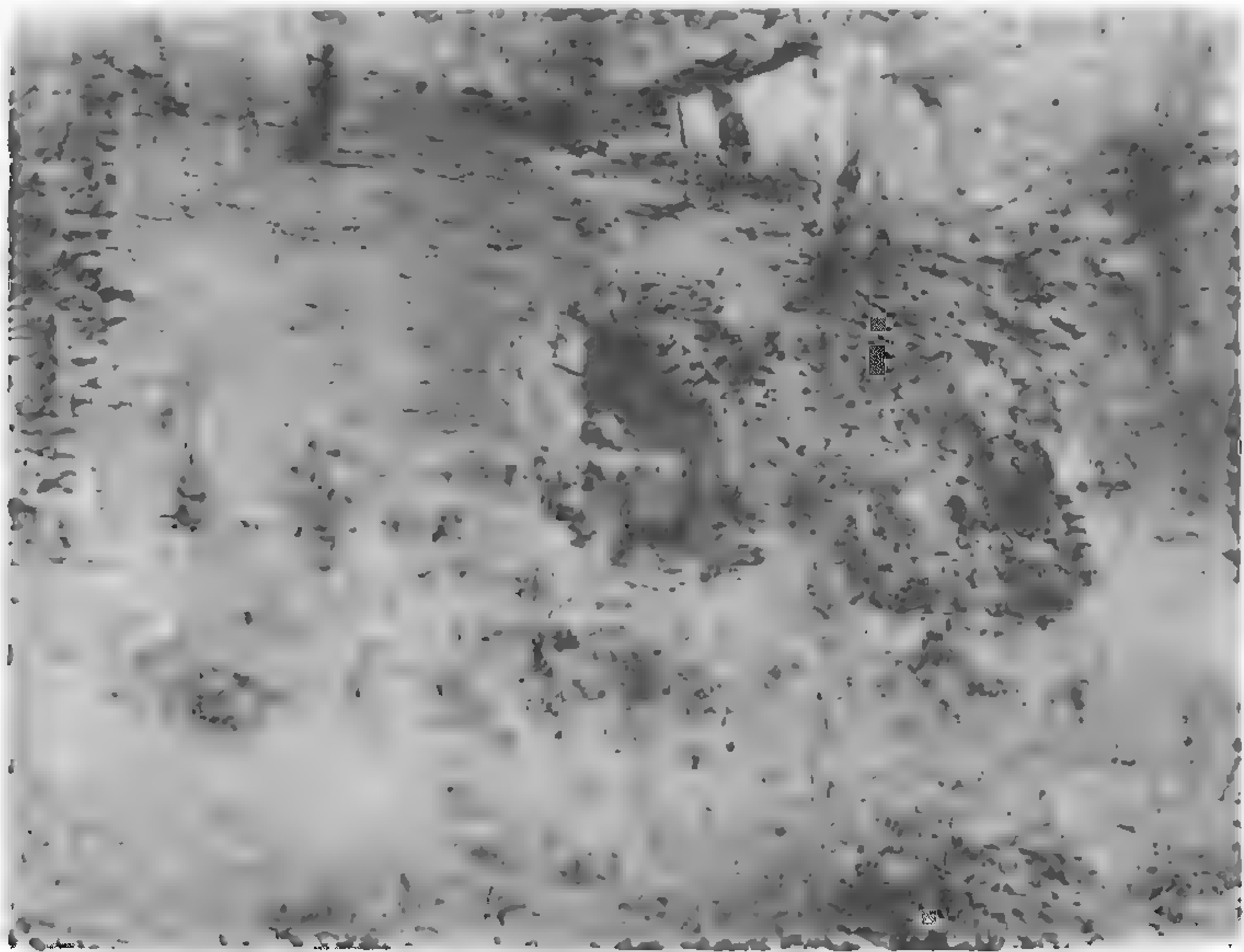
عکس شمارهٔ ۸۰ ـ برش عمودی از بناهای شاه‌نشین قلعه رودخان .



عکس شمارهٔ ۸۱ – قسمتی از دیوار جنوبی قلعه رودخان .



عکس شمارهٔ ۸۲ ـ یکی از سردرهائی که میان دوقسمت اصلی قلعه رودخان است .



عکس شمارهٔ ۸۳ قسمتی از دیوار شمالی قلعه رودخان.



عکس شمارهٔ ٨٤ – یکی از برجهای اصلی قلعه رودخان.



عکس شمارهٔ ۸۶ ـ طاقها و مزغل داخل یکی از برجهای قلعه رودخان



عکس شمارهٔ ۸۵ ـ زوایای داخلی بنا را درقلعه رودخان بدین ترتیب برای زدن طاق جمع کرده‌اند .



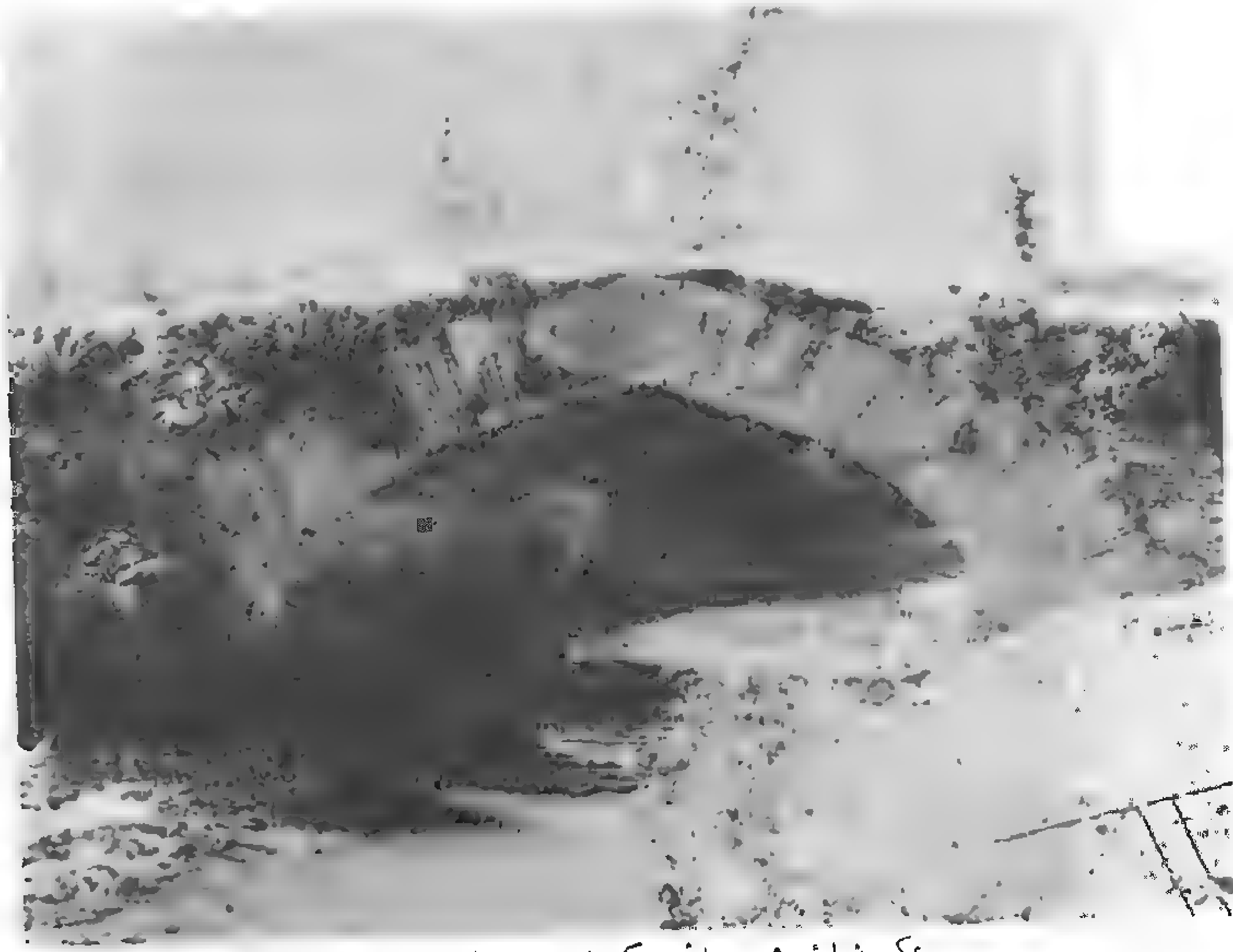
نقشهٔ شمارهٔ ۸۷ ـ نقشهٔ قلعه رودخان که طول آن درحدود پانصدمتر است



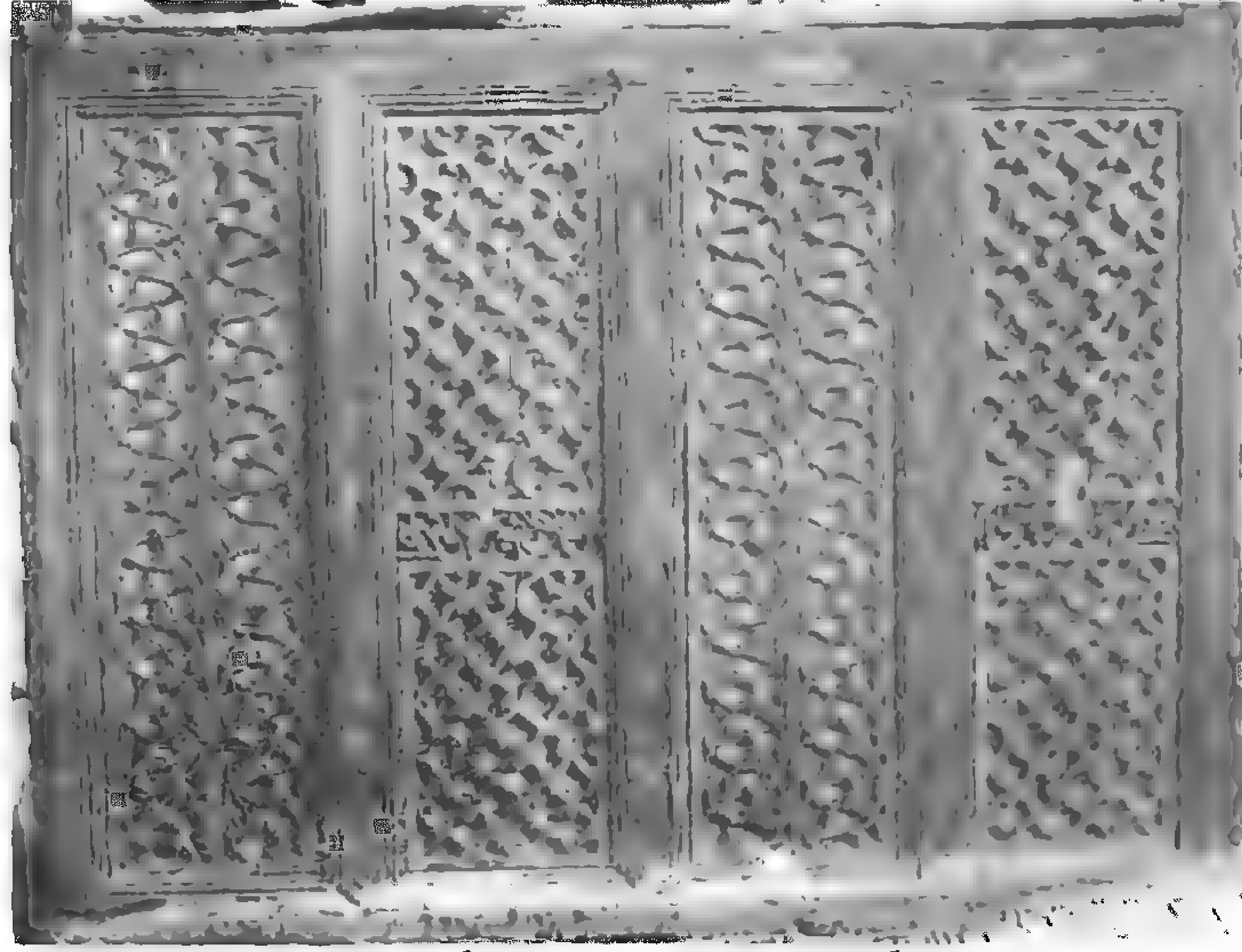
عکس شمارهٔ ۸۸ - بیر جلودار درشهر فومن .



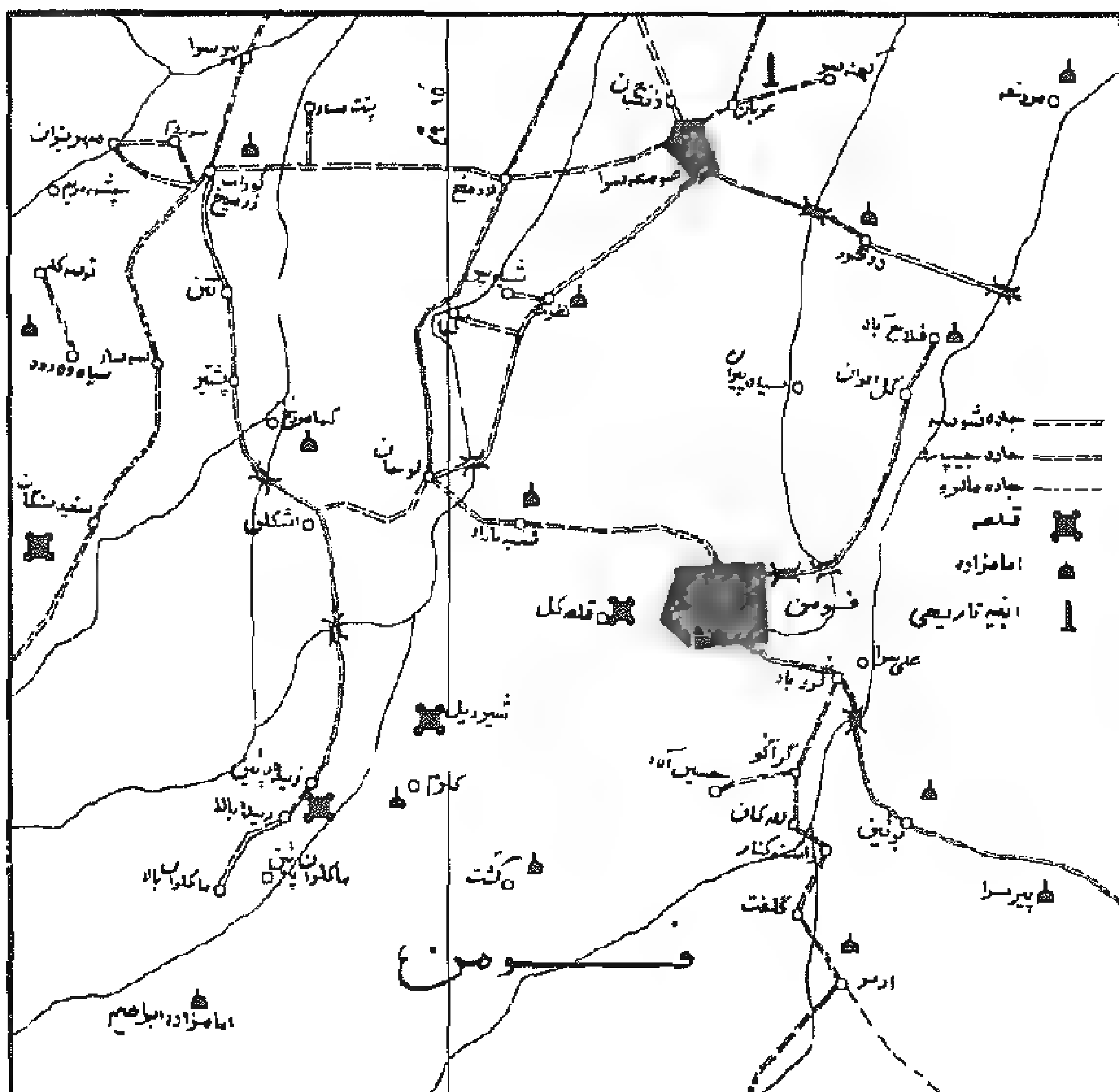
عکس شمارهٔ ۸۹ ــ بقعهٔ آقا سید عبدالله‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ کلرم فومن .



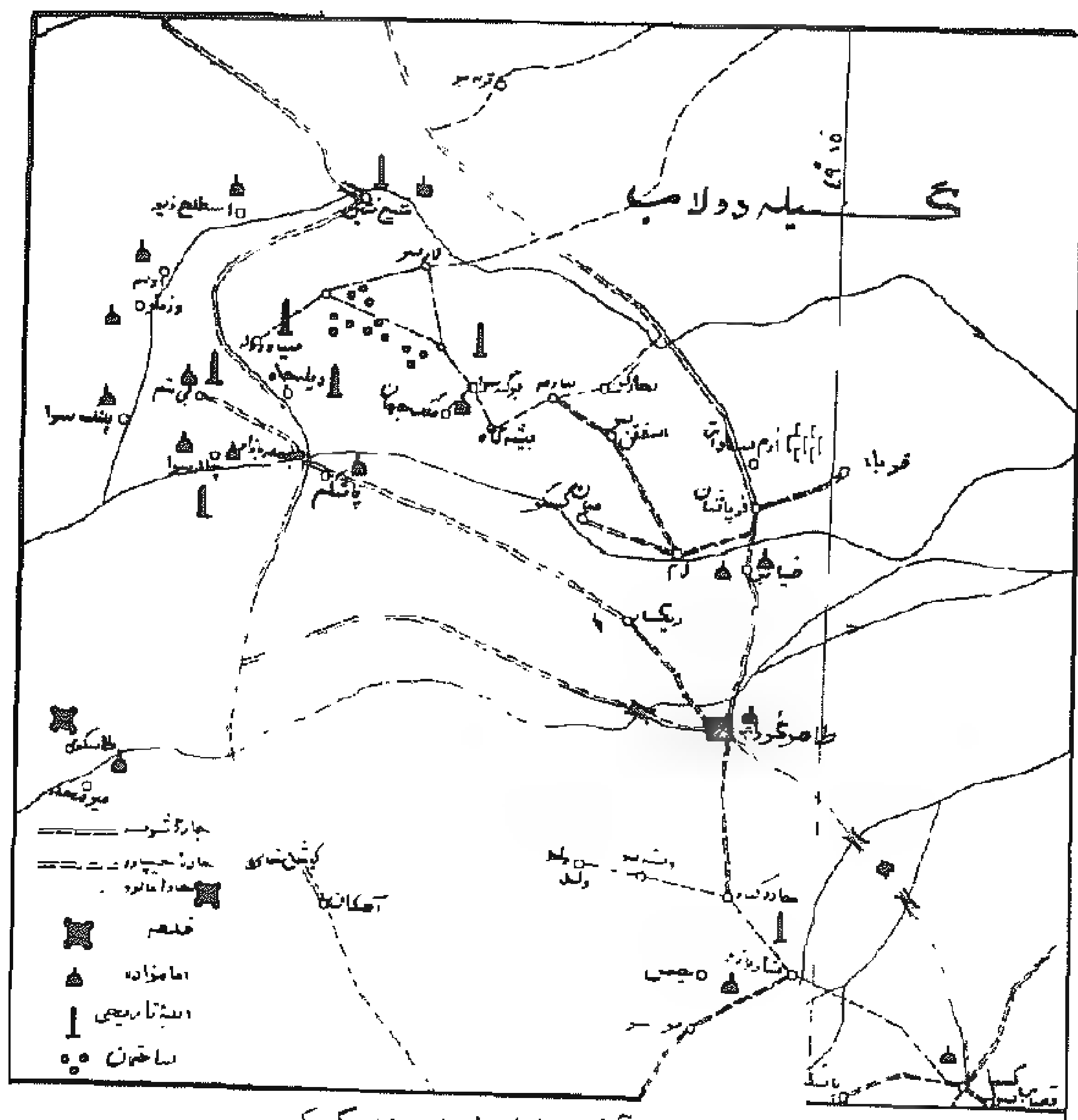
عکس شمارهٔ ۹۰ – دهانهٔ بزرگ پل پشتیر در اولمان فومن .



عکس شمارهٔ ۹۱ ـ صندوق زیارت دستخط در گشت فومن.



نقشهٔ شمارهٔ نه ـ آثار و بناهای تاریخی بخش فومن.



نقشهٔ شمارهٔ ده ـ آثار و بناهای تاریخی بخش گسکر.

بخش نهم

۱ ـ جغرافیای تاریخی گسکر

بخش گسکر درزمینی هموار ، در سی کیلومتری غرب رشت قرارگرفته ، و از شمال به تالش دولاب واز مشرق به مرداب انزلی و از جنوب به فومن واز مغرب به ماسال و شاندرمن محدود است . در ازای آن از اسپند در جنوب تاکیل‌چالان در شمال یك فرسنگ و نیم وازمرداب تا آهاك‌کوره در حد ماسال دوفرسنگ است . سابقاً یکی از بخشهای وسیع گیلان بوده و شامل زمینهای گسکر امروزی و خاك ماسال و شاندرمن و تالش دولاب می شده است .

صاحب حدودالعالم که کتاب خود را در سال ۳۷۲ قمری تألیف کرده است ، فهرستی از دهکده‌های آن سوی رودبان (= بیه‌پس) را در کتاب خود آورده است ، میان آنها به نامهای ، پیلمان شهر ، رشت ، تولم ، دولاب ، کهن‌رود برمی خوریم . (۱) مقدسی نیز در سال ۳۷۵ قمری ، جزءدهکده‌های گیلان ، دولاب وپیلمان‌شهر و کهن‌رود را نام‌می برد . (۲) ابوالفدا در سال ۷۴۱ قمری دولاب را از اقلیم چهارم می‌داند و پس از تعیین طول و عرض‌جغرافیائی آن‌می نویسد، کسانی که این محل رادیده اندمی گویندکه کسکر نامیده می‌شود. (وکسکر بفتح الکافین و سکون‌السین‌المهمله بینهما وفی الاخر راء مهملة) (۳) با توضیحی که ابوالفدا می‌دهد شکی باقی نمی‌ماندکه صاحب حدودالعالم ومقدسی نیزازدولاب بخش‌گسکر را اراده‌کرده‌اند.دمشقی متوفی در۷۲۷ ، در بیان ناحیهٔ گیلان ، نام این بخش را بدشکل «جسکر» یاد آورشده است . این خود دلیلی تواند بود که

(۱) حدودالعالم چاپ دانشگاه ص۱۴۹ (۲) احسن‌التقاسیم ص۳۵۵ (۳) تقویم‌البلدان ص ۴۲۸ و ۴۲۹ .

حرف اول این نام، گاف فارسی است که به شکل جیم معرّب شده ست.

فضل‌الله عمری متوفی ۷۴۲ می‌نویسد که حکمران گسکر باحکمران تولم از در دوستی در آمده‌اند، لشکریان ایشان بیشتر از لشکریان سایر بخشهای گیلان است. سرزمین ایشان بسیار وسیع و حاصلخیز است. غلات ومیوه و گاو و گوسفند فراوان عمل می آورند. از همسایگان کرد خود و فرآورده‌های آنان بسیار فایده می برند. مواد خوراکی در این بخش ارزانتر از سایر بخشهای گیلان است.

الئاریوس (Oléarius) دهکده های گسکر را به این شرح نام می برد: سیاه‌رود، گوراب، انزلی، دولاب، شال، روئه‌سرو (Ruc saru)، میان شهر.

کوك (Couk) که همراه سفیرشاهزاده گالیتسین (Ghalitzine) در سال ۱۱۵۹ قمری (= ۱۷۴٦ ـ ٤۷ میلادی) به ایران آمده است چنین می نویسد: این شهر (گسکر) و ناحیه‌ای به همین نام در قلمرو حکومت گیلان است. مدت زیادی نیست که نام این شهر، به سبب عمل آوردن ابریشم فراوان و پارچه های ابریشمین بر سر زبانها افتاده است. اما بر اثر ظلم حکام نادری مثل سایر نقاط به خرابی کشیده شده است. نزدیك این محل قلعه‌ای است که روسها ساخته اند تا حذو تهاجم همسایگان کوه نشین این ناحیه را بگیرند.

کلنل ترزل (Trezel) درسال ۱۲۲٤ قمری (= ۱۸۰۹ میلادی) دربارهٔ گسکر می نویسد. « در قصبهٔ گسکر چهارصد خانوار تالش ساکنند. تالشان گذشته از ناحیهٔ گسکر، کنار راه رشت به اردبیل نیز سکونت دارند و آقا محمد خان قاجار و جانشین او ـ فتحعلیشاه ـ نتوانستند ایشان را به انقیاد و طاعت خود درآورند، زیرا ایشان به رئیسی که از تیرهٔ خودشان نباشد، سر تسلیم فرود نمی آورند. قیام وسرکشیهای ایشان را شاه ایران اغلب نادیده گرفته‌است. درزمان فتحعلیشاه است که حدود گسکر به حدود کنونی آن تقلیل پیدا می کند

(۱) نخبة الدهر ص ۲۲٦.

وحاکم این بخش زیکسار رامرکز حکومت خود می‌کند. دهکده هائی‌که در زمینهای هموار قرار داشتند،به‌نام گیل‌گسکر ودهکده های‌کوهستانی همجوار راکه تالش نشین بود، تالش‌گسکر خواندند.(۱)

مرکز اصلی‌گسکر، طاهرگوراب است‌که در نه‌کیلومتری شمال غربی کسما وهفت‌کیلومتری مرداب انزلی،کنار رودخانهٔ خالکیب بناشده‌است. درزمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) جمعیت‌آن نهصدوهجده خانوار بوده‌است‌که تقریباً تمام گیلك وشیعی مذهب بوده‌اند. لهجهٔ گیلکی گسکر با لهجهٔ مردم رشت اختلاف زیاد دارد.(۲)

۴ـ بناها وآثار تاریخی گسکر
شهر قدیم گسکر = گوراب گسکر
در جنگل هفت دغنان(۳)

درجنگل هفت دغنان،کنار جادهٔ شاه‌عباسی‌که از طاهرگوراب به سیدـ سرفشاه می‌رفته است، آثار حمامها (عکس شمارهٔ ۹۲) وخانه هائی (عکس شمارهٔ ۹۳ و۹۴) وآثار دکانهائی‌که در یك امتداد بناشده بوده‌اند، دیده‌می‌شود. آثار باروئی ممتد و طولانی درمیان درختان جنگلی‌گاهی به چشم می‌خورد. سفال شکسته وآجرپاره‌های فراوان دراین‌قسمت ازجنگل برروی زمین‌ریخته است. پس‌از بازدید محل، راه بازگشت ما از جادهٔ شاه‌عباسی بود وچنان‌به‌نظر می‌رسیدکه‌کف این جاده دراین قسمتها آجرفرش داشته است.

برزمینی بلندگوری تنها دیده شد که نزد ساکنان دهکده های همجوار احترامی‌داشت وبه‌نام سیدخروسه (= ستی خروشه ؟) مشهوربود. (عکس‌شمارهٔ ۹۵) می‌گفتندکه این‌زن،خواهر امیره ساسان‌گسکری وهمسر سید شرفشاه بوده

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۵۵. (۲) گیلان رابینو ص۱۵۶. (۳) چماچار، ده از دهستان شاندرمن بخش‌ماسال شهرستان طوالش ۶ کیلومتری شمال‌شرقی بازارشاندرمن و۱۲ کیلومتری شمال شرقی ماسال، جنگل موسوم به هفتا خان (- هفت دغنان) در شمال خاوری این ده واقع‌است. دراین‌جنگل آثار ابنیهٔ بسیار قدیمی مشاهده می‌شود (فرهنگ‌جغرافیائی‌ایران)

است .کنار گور سیدخروسه دوپایهٔ ستون نقش‌دار،ازسنگ سفید آهکی افتاده بود . سنگ بزرگتر به‌ارتفاع سی‌ودو سانتیمتر وعرض قسمت پائین پایه چهل و نه وعرض قسمت بالا بیست و چهار سانتیمتر بود . (عکس شمارهٔ ۹۷) سنگهای تراشیدهٔ سیاه‌رنگ نیز در اینجا مشاهده شد . سنگ قبری‌بر مزار سیدخروسه بودکه شاید یکی دو ساعت قبل ازرسیدن ما به این محل ، شکسته بودند.این سنگ سرخ به‌طول چهل وشش وعرض بیست وچهار و قطر پنج سانتیمتر بود. کلماتی بر آن حك شده بود که خوانده نشد . (عکس شمارهٔ ۹۸) بـرسر همین مزار یکی دوکاشی به‌ابعاد نوزده سانتیمتر وقطر هفده میلی‌متر و آجری کوچك بـه ابعاد هیجده سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر ونیم وآجری بزرگ به‌ابعاد بیست وسه سانتیمتر وقطر پنج سانتیمتر ونیم دیده شد .

مصالح بنای حمامها دو نوع آجر بود . نوعی از آن بزرگتر وبه ابعاد بیست وسه سانتیمتر وقطر شش سانتیمتر و نوعی کوچکتر به‌ابعاد بیست‌سانتیمتر وقطرچهارسانتیمتر ونیم بود . ملاط آجرها گچ غربالی بود معروف است که راه زیر زمینی‌این‌محل به مناره بازار که درحدود بیست‌کیلومتر فاصله‌دارد متصل می‌شده است . محوطه ای که این آثار در آن دیده شد بیش از یك‌کیلو متر مربع نبود . رابینو در این محوطه ازپی آجری یادآور می‌شودکه بر رودخانهٔ‌کنگوله مازوجیه (بفتح‌کاف) ساخته بوده‌اند ومی‌نویسدکه نزدیك این خرابه‌ها ، دهی‌کوچك است که مجموع خانه‌های آن بیش‌از شش‌کلبهٔ محقر نیست وبه نام «اروس محله» خوانده می‌شود ودر یك کیلومتری مرداب تپهٔ‌کم ارتفاعی به‌نام «خروسه» ونزدیك‌این تپه‌قبرستانی .به‌نام «روسها قبرستان» است. این نامها یادآور اشغال‌گیلان به دست روسها در سالهای ۱۱۳۵ ـ ۱۱۴۷ قمری (= ۱۷۲۲ ـ ۱۷۳٤ میلادی) است . (۱)

اُلئاریوس (Olearius)می‌گوید ، شهر کوچك‌کسکر در چهار فرسخی کسما ودو فرسخی دریاست وبه نام «گوراب کسکر» معروف است . هنگامی که شاه

(۱) گیلان رابینو ص ۱۵۵ .

عباس از گیلان عبور می کرد، در همین محل، در خانهٔ شخصی، به نام خواجه محمود، پسرش ـ شاه صفی ـ چشم به جهان گشود . این خانه بعدها محل بست اهالی شده است.[۱]

حدود جنگل هفت دغنان و راه رسیدن به آن :

جنگل هفت دغنان از غرب متصل به بجارکن ،[۲] از شرق به سیاخاله سر و خمیران ،[۳] از شمال به دهکدهٔ سید شرفشاه و محلهٔ خشابر [۴] و از جنوب به بهمبر[۵] محدود می‌شود . راهی از ضیابر به جنگل هفت دغنان می‌رود . پس از طی سه کیلومتر سبك از ضیابر به بهمبر می‌رسیم . از بهمبر تا کورهٔ ذغال چهار کیلومتر فاصله است . از کورهٔ ذغال راه به دست چپ می پیچد و مستقیم تا پل آجری رودخانهٔ دلیك (بکسر دال) پیش می‌رود . فاصلهٔ کورهٔ ذغال تا سیدخروسه نیز سه کیلو متر است .

راه دیگر راه بجارکن و اسفند سر است . از ضیابر به اسفند سر، چهار کیلومتر ، از اسفندسر به بجارکن یك کیلومتر و از بجارکن به سید خروسه سه کیلومتر است . مزار سید خروسه بر کنار رودخانهٔ واویلاست که از شاندرمن سرچشمه می گیرد . داروغه رووار همدر جنگل هفت دغنان است که خودشعبه‌ای از رودخانهٔ واویلاست .

پل آجری رودخانهٔ دلیك
در جنگل هفت دغنان گسکر

این پل آجری بر سر راهی است که از هشت پر به مناره بازار و گوراب زرمخ واز آنجا به رودخانهٔ ماسوله که به نام گشت (بفتح گاف و کسر تاء) رودخان ماسوله معروف است می‌رود . طول پل دوازده متر و عرض آن سه متر و هشتاد سانتیمتر است سنگ‌چین پایه های دوطرف به ارتفاع دومتر از سنگ رودخانه و ساروج بنا شده است . مصالح اصلی پل ، آجری به ابعاد بیست ودو سانتیمتر وقطر چهار سانتیمتر ونیم است . قسمت آجری پل نیز ملاط ساروج دارد .(عکس شمارهٔ ۹۹)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۵٤ و ۱۵۵ . (۲) بکسر باء وفتح کاف . (۳) بضم خاء و کسر میم و سکون یاء . (٤) بضم خاء وفتح باء (۵) بفتح باء وهاء وسکون میم وفتح باء ثانی .

امامزاده سید محمد جان بن موسی‌الکاظم علیه السلام
در ضیابر گسکر

بنای آستانه از آجر و به ابعاد شش متر است. یك در ورودی و یك پنجرهٔ بزرگ چهار دهنه طرف جنوب، دو پنجره بزرگ چهار دهنه طرف غرب، یك در ورودی و یك پنجره بزرگ چهاردهنه طرف شمال دارد. بناگل سری است و ارتفاع زیادی از زمین ندارد. کف داخلی بنا گل و از حصیر مفروش است. درخت آزاد عظیمی درگوشهٔ جنوب شرقی است که چون نیمهٔ آن در بنا جای داشت، اندازه‌گیری نشد (عکس شمارهٔ ۱۰۰). ضریح امامزاده چوبی و بلندتر از ضریحهای معمولی است. گنبدی فلزی در وسط و چهار گلدسته در چهار گوشهٔ ضریح تعبیه شده‌است. این ضریح نظیر خیمه هائی است که در این محل روز عاشورا جزء دسته به‌حرکت درمی‌آورند. (عکس شمارهٔ ۱۰۱) مراسم علم بندی اول محرم و علم واچینی شب یازدهم یعنی عصر عاشوراست - روز عاشورا هم تعزیهٔ صحرای کربلا را برپا می‌کنند، یعنی از پائین محل ضیابر، عده‌ای در حدود صد و پنجاه‌تن بالباسهای اطرافیان حسین‌بن‌علیه‌السلام در صحرای کربلا و اسرا و خیمه‌ها به‌راه می‌افتند و تا منزل آیة‌الله ضیابری می‌روند و خیمه ها را در آنجا وامی‌چینند. قمه زنها که در حدود صد تن هستند، کفن به تن کرده قمه در دست به امامزاده می‌آیند و تا ظهر در آنجامی‌مانند. پس‌از اینکه مؤذن اذان ظهر راگفت قمه‌زنها نماز شهادت می‌خوانند و به‌احترام بقعه، دربقعه خون نمی‌ریزند. اماپس از بیرون رفتن از بقعه، یکباره قمه‌ها را برکله می زنند و خون از سرایشان جاری می‌شود. تورو کبچی در محل شفاداده می شوند. برای رفع میخچه، نمك و خزهٔ درخت آزاد امامزاده را می‌گیرند و در خاك دفن می کنند، وقتی نمك‌آب شد، میخچه هم از میان می رود.

سید مولاجان بن سید محمدجان بن‌موسی‌الکاظم‌علیه‌السلام

بقعهٔ این مرد طرف راست آب شاندرمن نزدیك آبادی است. بقعه‌ای محقر و جدیدالبناست.

سنگ قبری

در محلهٔ اروم (۱) سادات بهمبر (۲) گسکر

این سنگ از سنگهای آهکی سفید است و باپایهٔ ستونهائی که‌در جنگل هفت‌دغنان دیده شده، هم‌جنس است. این‌سنگ سرپاست‌وطول‌مقداری که‌ازخاك بیرون است به‌یك متر و نیم می رسد . عرض آن پنجاه و دو سانتیمتر است . در حاشیهٔ سنگ نام دوازده امام به چشم می‌خورد . بالای سنگ در وسط سنهٔ ۱۲۳٤ و زیر آن «کل‌شیی‌هالك‌الاوجهه» و پائین تر از آن « هذاالقبرالمرحوم المغفور ...» و نزدیك به قسمت پائین سنگ نام « کاس خ نم » روشن خوانده می شود . (عکس شمارهٔ ۱۰۲)

منارهٔ آجری

در مناره بازار (۳) گسکر

در پانصد متری بقعهٔ آقاسید زکی

این منارهٔ آجری بر سرراه دهکدهٔ جاده‌کنار به آبادی مناره بازار ، در طرف راست جاده بناشده‌است . تاریخ بنای‌آن‌معلوم نیست روایت محلی وقصه های سینه به سینه بانی آن‌را مردی به‌نام «چل‌گوش‌چمنی»(٤) می‌داند . مصالح ساختمانی آن ، آجر وملاط‌گچ وپائین مناره را تا دومتر ارتفاع باسیمان‌مرمت کرده‌اند . محیط دایرهٔ منار از سطح زمین نوزده متر وچون پس‌از تعمیر دری آهنی جلو مدخل آن‌گذاشته و قفل‌کرده بودند ، وضع داخلی آن معلوم نشد . در بالای مناره‌که فعلاً روی‌درخرابی دارد، تزئینی‌آجری‌دیده می‌شود وپائین‌تر

---

(۱) بضم‌الف . (۲) بفتح‌باء و هاء و سکون میم و فتح باء ثانی . (۳) ده ازدهستان مرکزی بخش صومعه‌سرا شهرستان‌فومن نه کیلومتر غرب‌صومعه‌سرا وپنج کیلومتر غرب‌راه صومعه‌سرا به طاهر گوراب ، برج قدیمی دارد که به‌نام برج «چهل کیس چمنی» معروف است . در ازمنهٔ قدیم ، بازار مهمی دراینجا بوده‌است (فرهنگ جغرافیائی ایران) (٤) چنین‌شخصی درتاریخ گیلان شناخته نشد ووجود خارجی نداشته است. این‌مرد ساخته و پرداخته ذهن مؤلف کتاب مستطاب سیدجلال‌الدین اشرف‌است. عجب‌تر اینکه درفرهنگ جغرافیائی نام‌او «چهل کیس» شده است .

از آن نیز در دو ردیف تزئین دارد . منظور از بنای این مناره بـرما پوشیده است ، چه روزی که تمام این صفحات جنگلی عظیم بوده است نه‌به‌کار راهنمائی می‌آمده و نه‌کسی‌می‌توانسته‌بربالای آن دیده‌بانی‌کند . اگر برای‌گیلان عجایب هفتگانه‌ای قائل شویم ، این مناره یکی از آنها توانداود. (عکس شمارهٔ ۱۰۳)

رابینو به نقل از خجکو (Ghodzko) می نویسد «در مناره بازار ، بر سر راه‌گسکر ، مندره‌ایست که بدنهٔ آن راکسی‌سوراخ کرده است . سر آن خراب و قسمتی از آن افتاده است . داخل مندر پلکانی دارد . احتمال دارد این منار را به منظور نگهبانی‌ساخته‌اند. ارتفاع آن به‌سی متر‌می رسد و معروف‌است‌که‌شخصی به نام چل‌گوش چمنی ، آن را بنا‌کرده‌است .» (۱)

بقعهٔ آقاسید زکی بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

بنای اصلی‌بقعه شامل اطاقی‌چوبین به‌طول ۵/۵ متروعرض چهارمتر است. صندوقی به طول ۱/۹۰ متروعرض ۱/۱۰ و ارتفاع ۱/۵۰ متر در وسط است‌که با انواع پارچه ها پوشانده شده است . ایوانی به طول هفت‌متر و عرض‌سه متر در حلو این اطاق است . طاق این ایوان بر پنج ستون چهار سوی چوبین استوار است ، ستونهاسرستون‌ندارند. سقف بقعه لمبه‌کوبی وسقف ایوان و اشان‌کشی ، بدون پی کوبی ولمبه‌کوبی است ، بام سراسر بنا حلب سر است . مسجدی نیز متصل‌به این بقعه است .

پردسر (۲) یا خشت پل (۳) بزرگ
نزدیك به دهکدهٔ مناره بازار

خشت پل بزرگ ، پل آجری بزرگی ، به طول شصت متر وعرض شش‌متر

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۶۷ . (۲) پردسر، ده ازدهستان مرکزی بخش صومعه‌سرا شهرستان فومن ۷ کیلومتری شمال غربی صومعه سرا و۳ کیلومتری غرب صومعه سرا به طاهر گوراب ، دو پل آجری روی رودخانهٔ مجور آبادی هست . در انقلاب جنگل جنگهای شدیدی دراین محل رخ داده است . (فرهنگ جغرافیائی ایران) پرد به ضم پ در گیلکی به معنی پل است وپردسر بکسر دال یعنی سرپل . (۳) خشت پل‌بفتح خاء وکسر تاء به‌معنی پل‌آجری‌است .

وارتفاع تقریبی‌نه متر است. رود تنیان[۱] وسیاوه رود وپلنگ رود، کمی بالاتر از این پل داخل یك بستر می‌شوند واز زیر این پل می‌گذرند وسپس به کول‌سرو مرداب انزلی می‌روند. این پل عظیم که امروز مانند پهلوان پیری است که بر اثر طول عمر نکس پیدا کرده ودست حوادث اورا بسر زمین زده، روزی سه دهانهٔ بزرگ داشته است. سیل‌سال ۱۳۱۷ دهانهٔ اول راکه طرف مناره بازاراست خراب‌کرد. ودوطاق دیگر را سیل سال ۱۳۳۶ از جای خود تکان داد ودر بستر آب انداخت. فعلاً روی پایه‌های اصلی، تخته پلی نصب‌کرده‌اند واز روی آن می‌گذرند. (عکسهای شمارهٔ ۱۰۴ و۱۰۵)

پردسر یا خشت پل کوچك
درسه کیلومتری کسما، در دهکدهٔ پاسکهٔ کسمای صومعه‌سرا

فاصلهٔ میان خشت پل بزرگ و خشت پل‌کوچك کمتر از دو کیلومتر است، خشت‌پل کوچك شامل پنج دهنهٔ کوچك و بزرگ آجری است. دوسیل‌بند دردوسمت راست آب دارد. پایهٔ هریك از این سیل‌بندها، آب‌بخش‌کن دارد. یکی از طاقهای اصلی آن فرو ریخته است. آبی که از زیر آن می‌گذرد دنباله ندارد ونشت آب بجارها و برنج‌کاریهاست. طول این پل ۲۵ متر وعرض آن ۴/۲۰ متر وارتفاع دهنه‌های بزرگ آن ازسطح آب ۵ متر است. (عکس شمارهٔ ۱۰۶)

این دوپل درمسیر راهی است‌که به دستور شاه عباس ساخته شده است. این راه از هشتپر به چهارراه رضوان ده وجنگل هفت دغنان وضیابر وطاهر-گوراب وجاده کنار ومناره بازار واز آنجا به خشت پل بزرگ وخشت پل‌کوچك کسما واز کسما به رشت می‌رود.

راههای فرعی دیگری از این راه اصلی منشعب می شده و به‌دهکده های آباد و پرجمعیت‌می‌رفته‌است. برسراین راهها نیز ازهمان‌دوران یا ادوار بعد پلهائی ساخته‌اند. پل‌کاز رودبار که دارای یك دهانهٔ اصلی و دو دهانهٔ فرعی درطرفین

---

(۱) بفتح تاء.

است از این گونه پلهاست. (عکس‌های شمارهٔ ۱۰۷ و ۱۰۸) پل کوچکی با یک دهانه نزدیک طاهرگوراب نیز جزء این دسته از پلهاست. (عکس شمارهٔ ۱۰۹)

باقی بناها و آثار تاریخی بخش گسکر

۱ – مزار آقا پیر بخشعلی در طاهرگوراب گسکر.

۲ – مزار آقا میرقوام در زیگسار گسکر.

۳ – پیرولی خان نزدیک مناره بازار.

٤ – بقعه‌ای در دهکدهٔ میان ده صومعه سرا.

۵ – دو مسجد نسبةً قدیمی در دهکدهٔ عربان صومعه سرا.

٦ – مزار آقا میرشده دین در صومعه‌سرا.

۷ – بقعهٔ دوگور در صومعه سرا.

۸ – دوپردان [1] برروی کهنه دغان [2] در لالم [3] در میرمحلهٔ گسکر.

---

(۱) دوپردان بضم پ به معنی دو پل است. (۲) به فتح دال بمعنی نهر بزرگ است. (۳) بکسر لام دوم.



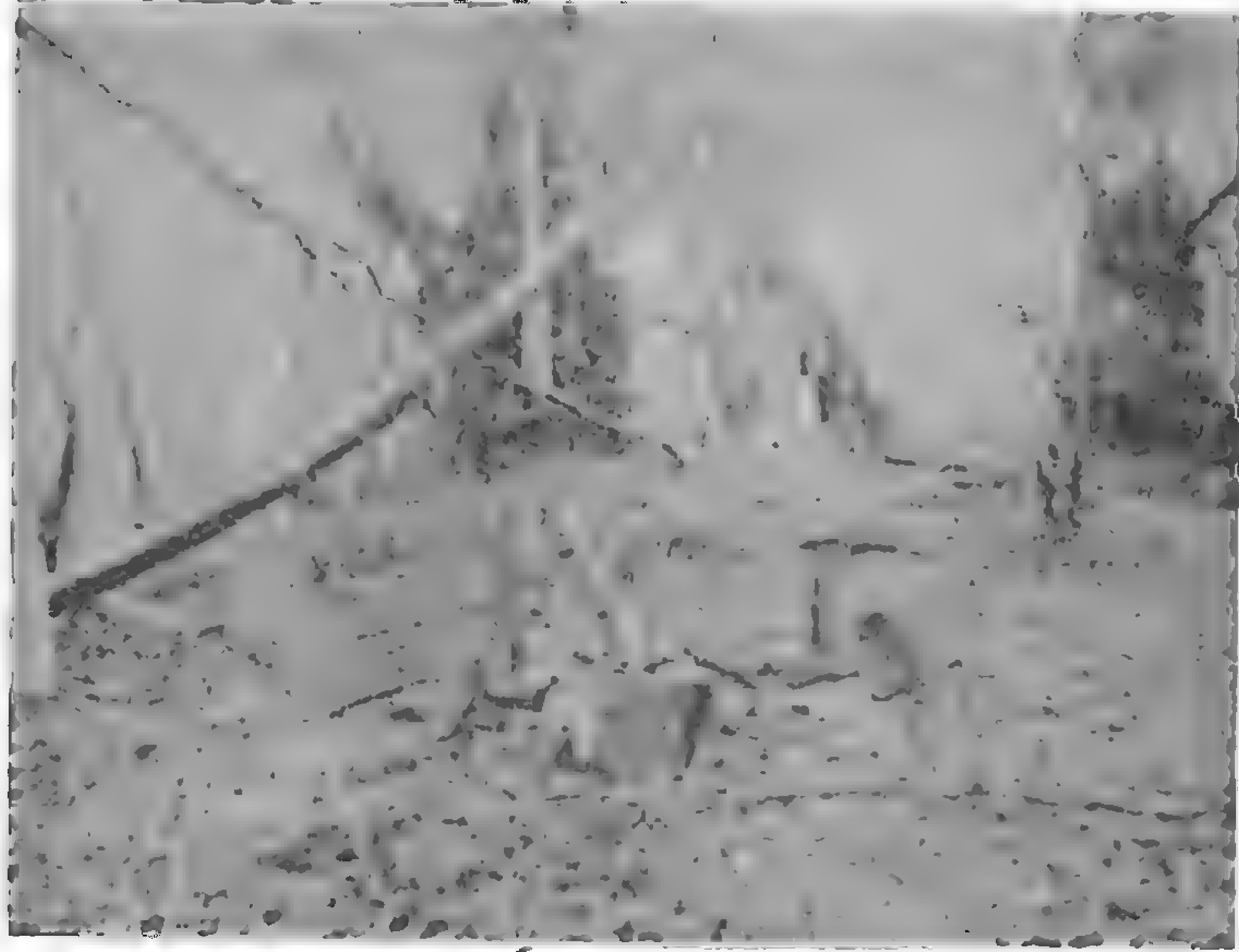
عکس شمارهٔ ۹۲ ـ قسمتی از بناهای شهر کسکر در جنگل هفت دغنان.



عکس شمارهٔ ۹۳ - آثار خانه‌های شهر کسکر در جنگل هفت‌دغنان.



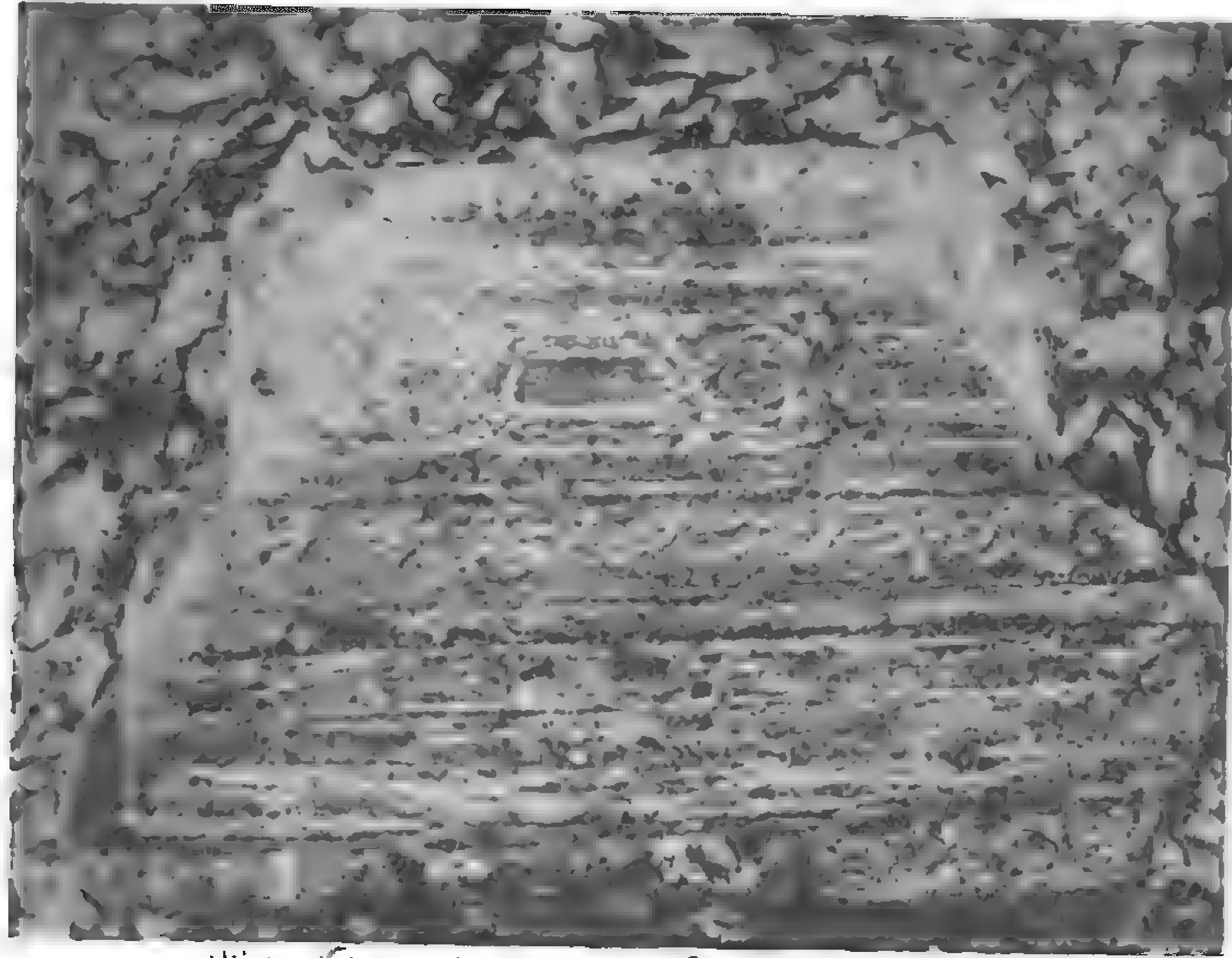
عکس شمارهٔ ۹٤ ـ آثار بناهای شهر گسکر در جنگل هفت دغنان.



عکس شمارهٔ ۹۵ ـ مقبرهٔ سیدخروسه درجنگل هفت دغنان.



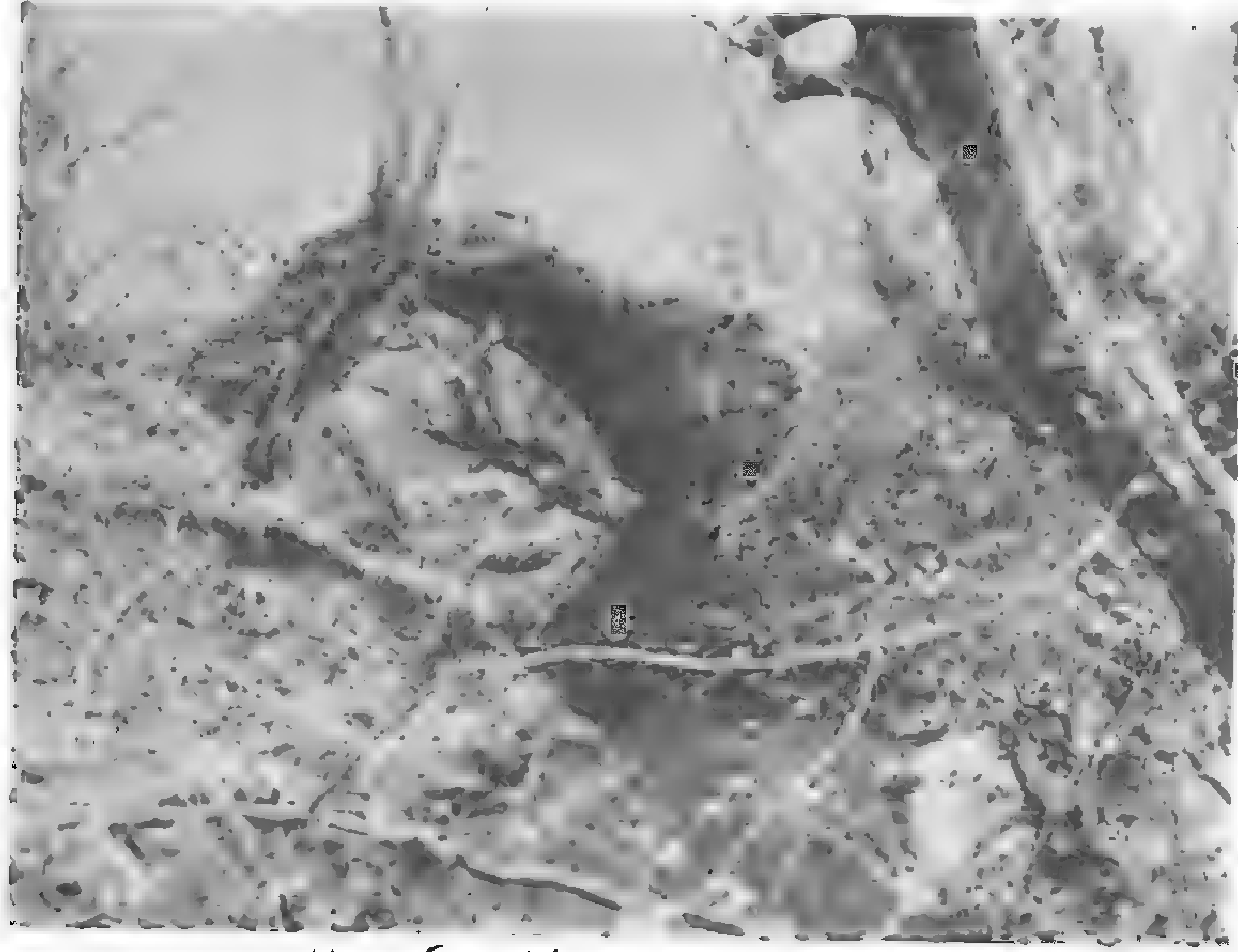
عکس شمارهٔ ۹۶ ـ پایهٔ ستونی برسر مزار سیدخروسه درجنگل هفت‌دغنان



عکس شمارهٔ ۹۷ - پایهٔ ستونی از سنگ سفید برسرمزار سیدخروصه درجنگل همت‌دغنان.



عکس شمارهٔ ۹۸ ـ سنگ مزار سیدخروسه درجنگل هفت دغنان .



عکس شمارهٔ ۹۹ ـ پل آجری برروی رودخانهٔ دالیك درجنگل هفت دغنان .



عکس شمارهٔ ۱۰۰ـ امامزاده سید محمدجان درضیابر گسکر.



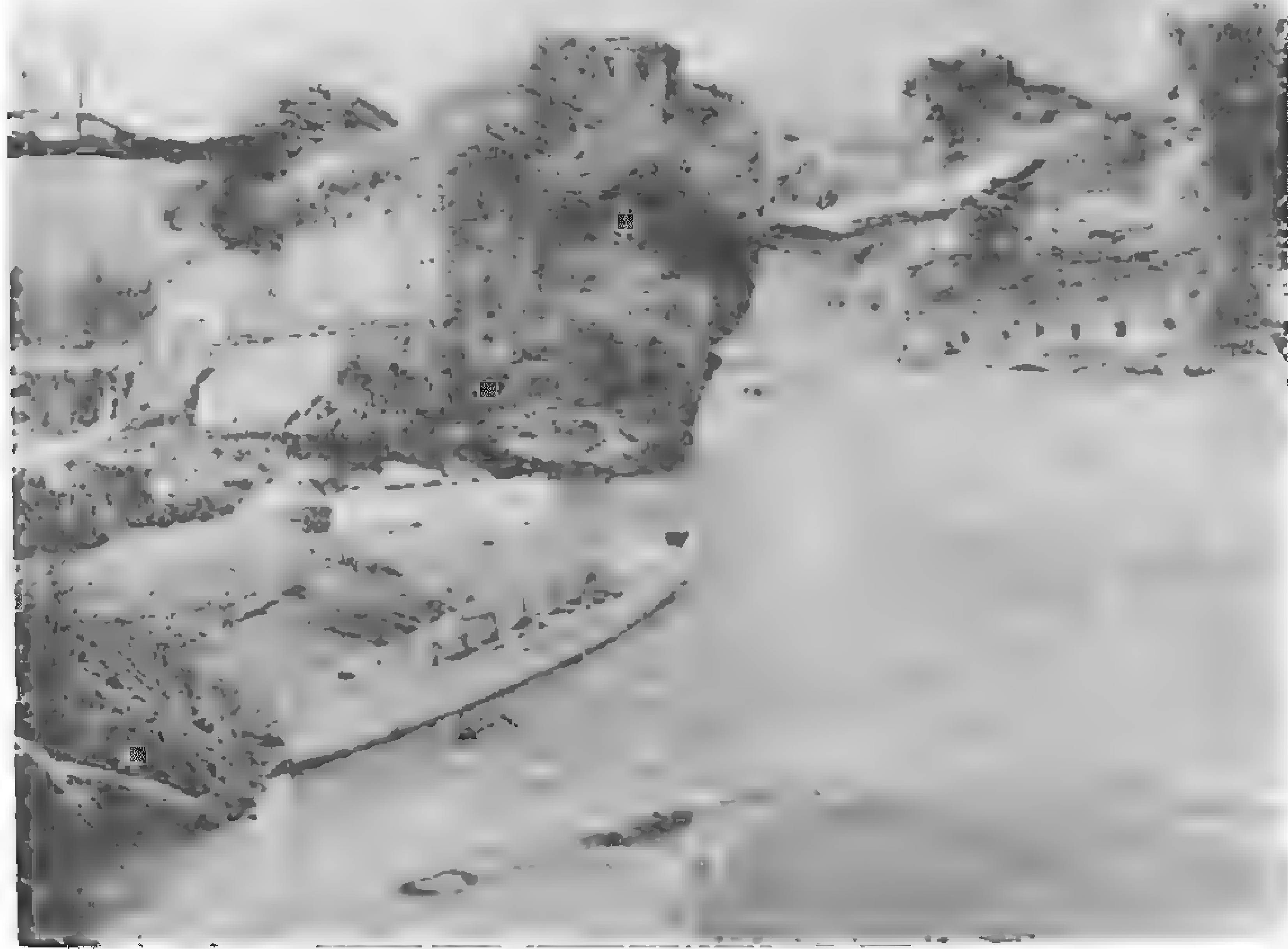
عکس شمارهٔ ۱۰۱- ضریح امامزاده سید محمدجان در ضیابر گسکر.



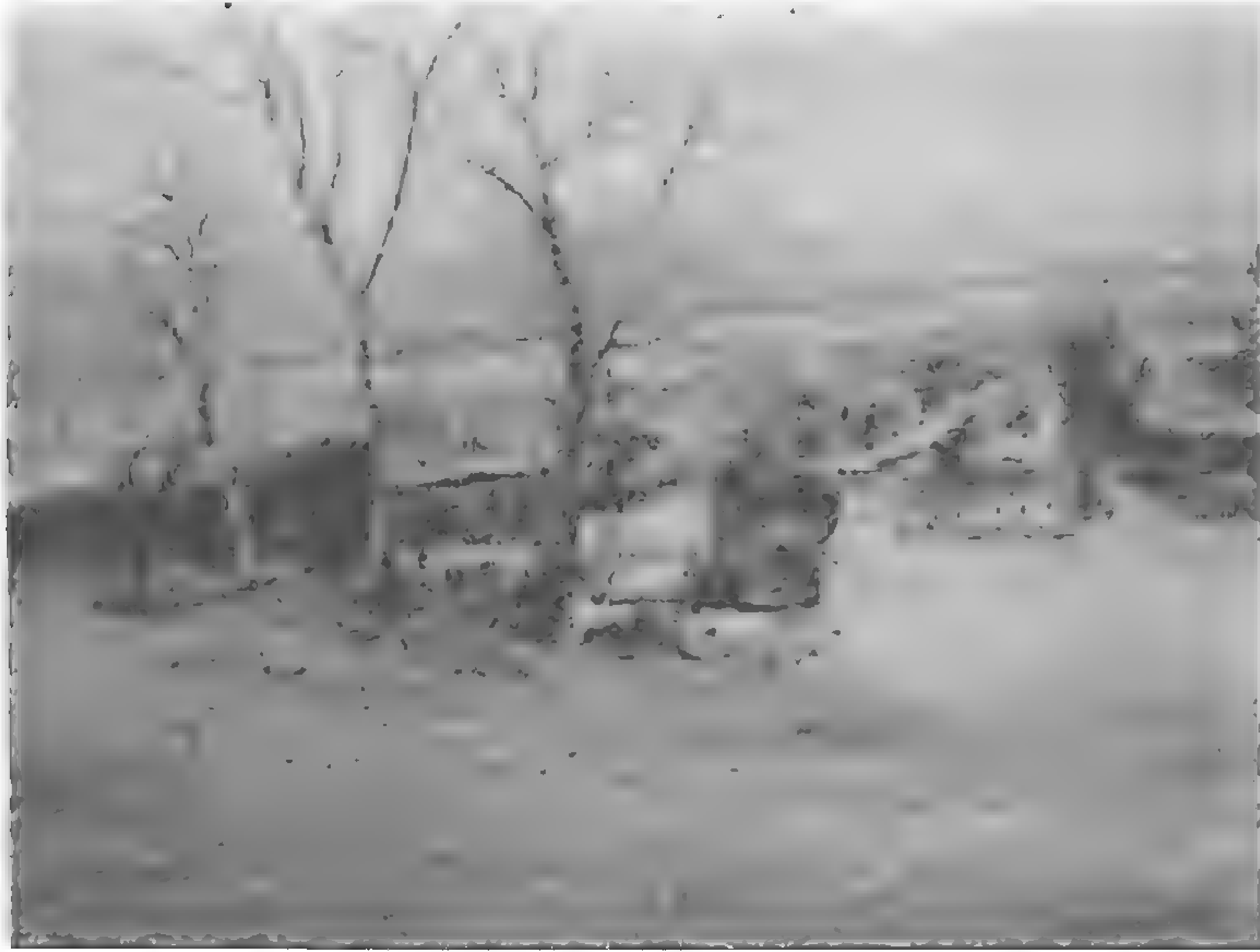
عکس شمارهٔ ۱۰۲ ـ سنگ قبری درمحلهٔ اروم سادات بهمبر .



عکس شمارهٔ ۱۰۳ــ منارهٔ آجری درمناره بدار کسکر.



عکس شمارهٔ ١٠٤ــ دهانهٔ اصلی پردسر با خشت پل بزرگ نزدیک مناره بازار کسکر



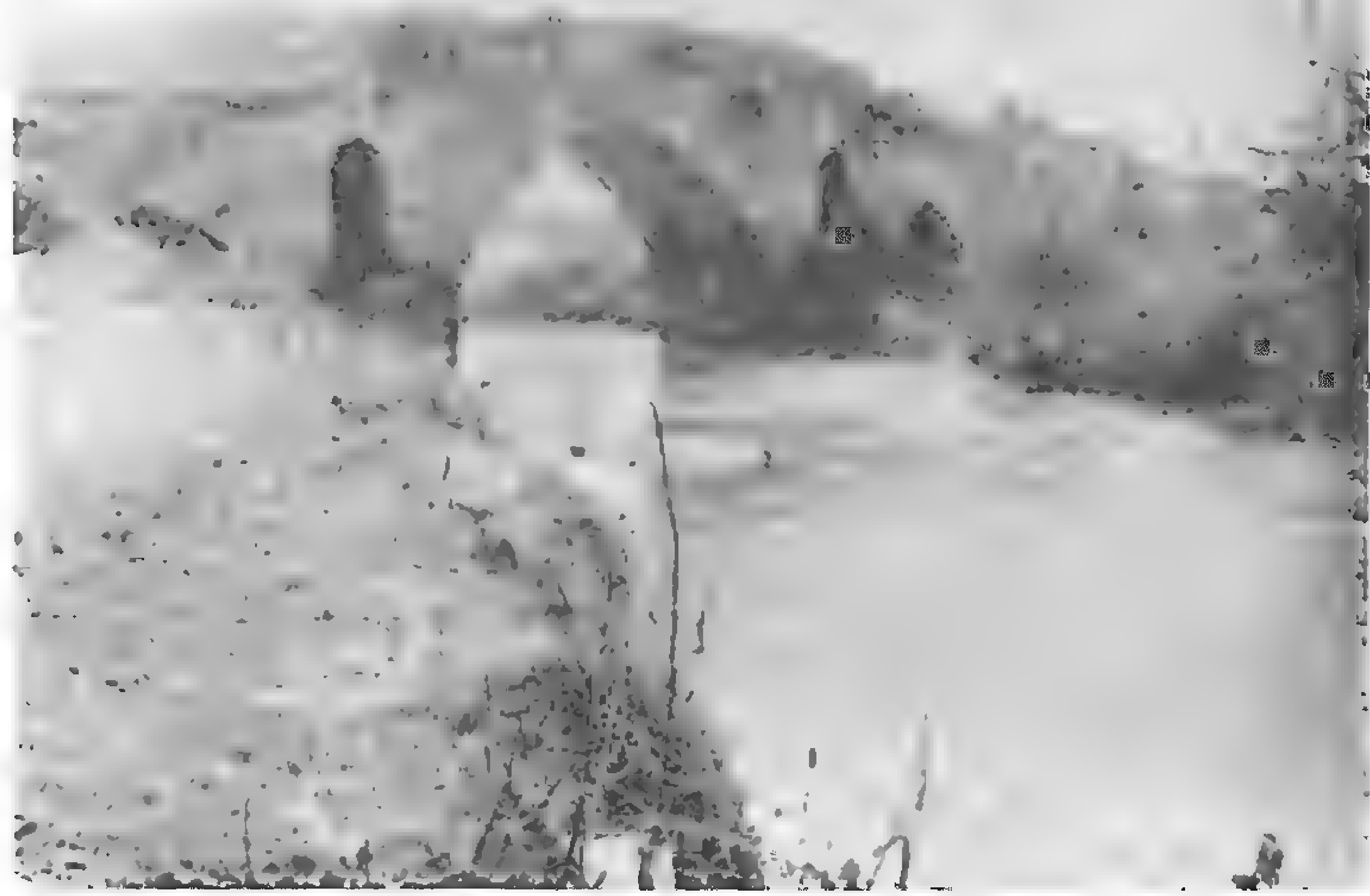
عکس شمارهٔ ۱۰۵ـ نمای دودهانهٔ باقی‌مانده از پردسر یاخشت‌پل بزرگ درمناره بازار کسکر.



عکس شمارهٔ ۱۰۶ـ پردس یا خشت‌پل کوچك در دهکدهٔ پاسکهٔ کما.



عکس شمارهٔ ۱۰۷ـ نمای جنوبی پل گاز رودبار .



عکس شمارهٔ ۱۰۸ـ نمای شمالی پل گاز رودبار .



عکس شمارهٔ ۱۰۹ــ پل کوچکی نزدیك طاهر گوراب .

بخش دهم

جغرافیای تاریخی شفت

شفت درجنوب غربی رشت است ، نیمی از آن دشت و نیمه‌ای کوهستانی است . از شمال به ورزل ، از مشرق به رودبار ، از جنوب به تارم و ازغرب به ماسوله و فومن محدود می‌شود .

صاحب مسالك الابصار شفت را موطن شیخ عبدالقادر گیلانی می‌داند و می‌نویسد ساکنان آن حنبلی مذهب‌اند . امیران شفت کم وبیش زیر لوای سلاطین فومن بوده‌اند .

خانان شفت غیر از چندتنی ازاهل سبزوار خراسان‌اند . پاره‌ای ایشان را از طایفه چگنی قزوین می‌دانند و می گویند که اینان با حیله و تزویری نظیر حیلهٔ حسن صباح اراضی این بخش را به دست آورده‌اند . طایفهٔ خانان را « پیاز مسلمان » می‌خوانند و می گویند که یکی از اجداد ایشان پیازی را دید که بربام گالی پوش خانه‌ای روئیده است . فریاد برآورد « بی‌شك خدائی وجود دارد . » و فوراً مسلمانی را برگزید . خانها هنوز (تا زمان رابینو ۱۳۳۱ قمری) حکومت را در دست دارند ، ولی نفوذ زیادی برساکنان محل ندارند.

سابقاً مرکزشفت به‌نام کوراب‌شفت خوانده می‌شد و نزدیك دهکدهٔ نصیر- محلهٔ امروزی قرار داشت. محل کوراب شفت در محل کوراکیش(= کوراب - کیش) است که خرابه‌های آن را جنگلی انبوه ازشمشاد پوشانده است.

مرکز مهم و محل اقامت خان شفت ، کمسار است که درسه کیلومتری جنوب تکرم (بکـرتاء وراء) قراردارد . در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) در مسجد و دوحمام‌خراب و دوبست‌باب‌خانه ، درمیان‌باغستانی‌سرسبزبرد و کنارهٔ

رودخانه لیفکو خندان داشته است . خانه‌های خان نشین آن روزی زیبا بوده است اما به علت اینکه خانان محل در رشت اقامت کرده‌اند خانه‌ها نیز روی در خرابی دارند . کمسار به چهار محله تقسیم می شود : ۱ ـ شیخان محله . ۲ ـ سرخان محلّه . ۳ ـ کمسار محلّه . ٤ ـ کوچك کمسار .

جمعیت شفت در زمان رابینو هزار و هفتصد و هشتاد و شش خانوار بوده‌است اکثر این جمعیت گیلك‌اند و غیر از چند تنی مابقی ییلاق و قشلاق ندارند . تعدادی گالش و تالش در دهکده‌های‌های ارتفاعات ساکن هستند و با تغییر فصل ییلاق و قشلاق می کنند . ساکنان دهکده‌های دشت به زبان گیلکی و مردم کوه‌نشین به زبان تالشی گفتگو می کنند . هردو گروه شیعی مذهبند . (۱)

بقعهٔ امامزاده ابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام (۲) در دهکدهٔ طالقان (۳) شفت

روستائیان اطراف ، برای این بقعه احترامی بیش از اندازه قائلند ، تا جائی که می گویند کسی را یارای آن نیست که دراین ده دزدی کند .حتی آقاجان ـ راهزن معروف ـ نیز بسیار پایند احترام به این امامزاده بود ! .

محمدعلی گیلك دربارهٔ دهکدهٔ طالقان و بقعهٔ آن می‌نویسد: « از آثار قدیمهٔ قریهٔ طالقان‌یکی بقعهٔ امامزاده‌ابراهیم است که‌درب‌های آن منبت‌کاری است . » (٤)

حسن شمس گیلانی می‌نویسد : « شرح حال امام زاده ابراهیم در دست نیست . ولی آنچه بین گیلانیان معروف است، این‌است که آن بزرگوار فرزند موسی‌بن‌جعفر علیهما‌السلام است .کرامات زیادی از آن سیدجلیل مشاهده‌شده . اطراف

(۱) گیلان رابینو ص ۱۹۷، ۱۹۸. (۲) از امامزاده تا بابارکاب شش کیلومتر و از بابارکاب تا چوبرشفت بیست و چهار کیلو متر است . (۳) طالقان ، ده از دهستان شفت بخش مرکزی شهرستان فومن ، سی و یك کیلومتری جنوب شرقی فومن و سی و دو کیلومتری جنوب شرقی شفت. زیارتگاهی به نام امامزاده ابراهیم برادر امام رضا علیه السلام دارد که در چهار کیلو متری جنوب این آبادی است و زیارتگاه قراء اطراف است . (فرهنگ جغرافیائی) . (٤) کتاب شیخ زاهد گیلانی ص ۱۱۳ .

این قصبه را کوههای مرتفع و جنگلها محاصره کرده است و این محل اکنون زیارتگاه قراء اطراف محسوب می گردد و هر ساله در اواخر بهار و اوائل تابستان که آب و هوای آن نقطه مساعد از برای زیارت می باشد ، اهالی رشت و سایر شهرها ، بدان صوب عزیمت می نمایند . » (۱)

بنای اصلی شامل مسجد و انباری درطرف جنوب که هر دو به طول هشت متراند . اطاق مستطیلی به طول دوازده و عرض هشت متر که صحن امامزاده است و ضریح در این اطاق است . اطاق متولی که میان کفش کن و این صحن است و آخرین قسمت شمالی کفش کن است . ضریح مشباك و از چوب آزاد ساخته شده است . طول آن ۲/۸۰ متر و عرض آن ۱/۵۲ متر و ارتفاع تا وسط سقف گهواره ای شکل مشبك ۱/۷۵ متر است . چهار ستون در چهارکنج ضریح بدون نظم و ترتیب قراردارد و دوسرتال بر آنها تکیه دارد . محفظهٔ خالی بالای ضریح که منتهی به گنبدی مدور می شود، بر این سرتالها ساخته شده است. مقطع دوستون چهارسو ومقطع دوتای دیگر دایره است .

حمالی سراسر بنا کشیده شده است که بر روی یکی از این ستونهای و پایه های سیمانی متکی است و واشانهای سقف بر این حمال تکیه دارند. سراسر سقف لمه کوبی و بام حلب سر است .

بقعهٔ امامزاده اسحق و خواهرش خیرالنساء
یا فاطمهٔ صغری فرزندان امام
موسی الکاظم علیه السلام

امامزاده اسحق در کوههای جنوبی شفت است . راه آن از شفت ـ ۸۰ ـ اُسماوندان (= عثماوندان) واحمد سرگوراب ونصیرمحله و کنجار (بفتح گاف) و کندم آرد و کبودسر (بفتح سین) وسوته و سبزدشت (بکسر زاء) وسیاپیل کنده می گذرد و به امامزاده می رسد .

بنای اصلی شامل اطاقی به شکل مربع مستطیل ، به طول ۹ متر و عرض

---

(۱) تاریخ علما وشعرای گیلان ص ۲۷ .

۷متراست . غیر از مسجدمجاور که طرف‌شرق بنا شده‌است. ضریح این‌خواهر و برادر که پهلوی یکدیگر به‌خاك سپرده شده‌اند در کنج جنوب‌غربی‌است . طول این ضریح مشبك ۲/۵۳ متر و عرض آن ۱/۳۷ متر و ارتفاع آن تا زیر گهواره طاق ضریح ، یك‌متر است .

سراسر سقف اطاق لمبه کوبی است ، اماقسمت بالای ضریح‌بازو گنبدی مدور روی آن ساخته‌اند وسراسر بام از بالا حلب‌پوش‌است .

در طرف غربی صحن ، سه ستون چهارسوی قطور و طرف شرقی چهار - ستون به‌همان قطر و روی تمام ستونها سرنالی چهارسو تکیه کرده است .

طول مسجد متصل به‌صحن ۹ متروعرض آن شش متراست وفاصلهٔ میان صحن و مسجد پنج لنگه ارسی چوبین و یك در ورودی میان ارسی دوم و ارسی سوم است . دیوارشرقی مسجد پنج‌لنگه ارسی است و سه پنجره به‌خارج دارد.

در ورودی صحن شمالی است و از کفش کنی وارد صحن می‌شود. دوشاخ کنج‌گاو (=گوزن) بر بالای دوستون‌نصب شده است وسنگ مرمری که‌شکل جای پائی بر آن است و معروف‌است که‌جای پای امامزاده اسحق است درصحن دیده می‌شود .

از فومن تا نصیرمحله بیست‌کیلومتر و از نصیرمحله تا امامزاده اسحق هیجده کیلومتر است .

مزار شاه درویشان
در تکرم (۱) شفت ، کنار رودخانهٔ پسیخان

بنائی چوبین وقدیمی‌است. ایوانی به ابعاد پنج متر طرف شمال‌است. جلو ایوان ، راهروئی به عرض یك متر است . دیوار های اصلی بنا، زگالی، سقفف سراسربنا ، واشان‌کشی ، لبهٔ آن یك پشته وبام سفال‌سراست . این بنا برسمت راست رودخانهٔ پسیخان‌وبربالای تپه‌ای‌مسلط به‌رودخانه ساخته‌شده‌است. اطراف آن‌گورستانی قدیمی‌است ودرختان آزادکهن‌سال براین مزار سایه‌انداخته‌اند .

---

(۱) به‌کسر تا وسکون کاف و کسر راء .

مزار شاهزاده احمد و قرآن نه منی آن
در چماچای (۱) شفت

برای رسیدن به مزار شاهزاده احمد باید از شفت به شالده وحاجی آباد وبزخندان (۲) وتکرم وجیرده وبیااوا وخرطوم وخلیلان وچماچا رفت. این راه ازدامنه وسرتپه‌هائی کوتاه که پاره‌ای از آنها جنگلی وبیشتر آنها به باغهای چای تبدیل شده‌اند می‌گذرد ومناظری بسیار دلپذیر دارد.

بنای بقعه ومسجد قدیمی آن را خراب کرده ونوسازی کرده بودند. ارسی های قدیمی بنارا در سقف بقعه به‌کار برده بودند. دو ستون لاچ لنگری بسیار ظریف میان ستونهای ایوان دیده می‌شد که قدمتی داشت.

رابینو این بقعه را به‌نام امامزاده نعمان می‌خواند وازقرآن کوفی قدیمی آن که درسال ۱۳۳۱ قمری دراین بقعه بوده و امروز نیز هست یاد می‌کند.(۳) اغلب قرآنهائی که در اینگونه بقاع بوده، ازمیان رفته است. خوشبختانه این قرآن، دراین گوشه محفوظ وسالم مانده است تنها سرلوحه وهفت صفحه ابتدای آن ویك صفحه از آخر افتاده است که فعلاً با خط خوش نسخ از نو نوشته وسپس شیرازه‌بندی و صحافی کرده اند. از جلد قدیمی آن اثری باقی نبود. مشخصات این قرآن کوفی معرب به قرار زیر است:

سر سوره‌ها مجدول و مطلاست و سر آیات گل وبته و مطلاست. طول صفحات ۳۶ سانتیمتر وعرض آنها سی‌سانتیمتر است. طول متن ۲۹ سانتیمتر و عرض آن ۲۴ سانتیمتر وهر صفحه شامل ۱۵ سطر است. قطر این قرآن بالغ برهفت سانتیمتر ونیم است. معروف است که وزن تمام قرآن نه من و وزن یك برگ آن نیز نه‌من است. احتمال می‌رود که نعمان تغییر شکلی از نه‌من باشد

بقعهٔ سید احمد وسید ابوالقاسم
در نهزم (٤) شفت

بنائی است آجری و قدیمی کرسی بلند که ارتفاع کرسی آن به دو متر

(۱) به ضم چ. (۲) به ضم باء وسکون راء وکسر زاء. (۳) گیلان رابینو ص ۲۰۳.
(٤) بکسر نون وضم زاء.

می‌رسد . طرف شرقی بنا ، ایوانی به طول ۱۲ متر و عرض چهار متر است . اطاقی که ضریح این دو تن در آن است مربع شکل وکنجهای آن تقریباً نیم دایره ودارای پنج ضلع اصلی است . طول وعرض این اطاق ۷ متر ودر وسط آن صندوقی ساده وقدیمی است که طاق آن گهواره ایست . سقف سراسر بنا لمبه ـ کوبی با درزپوش ساده ، لبهٔ بام سه پشته وبام سفال سر است . مأذنه‌ای چوبین درکنج جنوب‌غربی بناست که از راه‌پله‌ای جداگانه به‌بالای آن می‌روند. طرفین بنای اصلی بقعه دو اطاق است که در ورودی آنها در ایوان شرقی است وبه خارج نیز در و پنجره هائی دارند . در ورودی بقعه شمالی وجنوبی است که ابتدا وارد ایوان می‌شود وسپس به اطاق وسط ودو اطاق طرفین می‌رود . مدخل پلکان مأذنه جنوبی است . (عکس شمارهٔ ۱۱۰)

مزار سالوك (۱) معلم
در اللهوردی محلهٔ قشلاق شفت

اللهوردی محله نام چند در خانه است که کنار مزار سالوك معلم ساخته‌اند.
مزار سالوك معلم بر قلهٔ کوهی است که از فاصله ای بسیار دور نمایان است . ابوالقاسم نامی تاریخ سلطان سالوك معلم را نوشته است که بر آن زیاد اعتمادی نیست . (۲) بنابرگفتهٔ او سالوك معلم پسر وهب بن منبه ، از منسوبان پیغمبر علیه‌السلام بوده است . پس از فوت امام رضا علیه‌السلام در سال ۲۴۷ قمری ، سالوك درگیلان مقیم شد و در تارم به هفت هزار تالشی ودیلمی ملحق شد . مخالفان را پای قلعهٔ شمیران شکست داد واز راه ایمن آباد به کهدم درآمد . درکرکره پشته اردوگاه ساخت . این محل بعداً به لشکرگاه معروف شد . در آنجا سران طایفهٔ عماك مانند ملك عباس بن‌ملك شیرویه لاسکی وملك دولت‌بن ملك الماس سفید مزگی مطیع او شدند . ابوالقیس خارجی که در این‌وقت حاکم

---

(۱) در عربی صعلوك شده است و امروز سالك معلم گویند . (۲) این کتاب را نگارنده یافت ولی از عباراتی که رابینو از آن نقل کرده است نظیر کتاب شرح حال سیدجلال‌الدین اشرف وبحرالانساب ساختگی است .

گیلان بود ، لشکر کشید و فاتح شد و سالوك معلم سپس به کوهستان خیر سنگ (بفتح خاء) آمد ودر آنجا انزوا اختیار کرد و به عبادت پرداخت . در سال ۲۸۰ قمری فوت شد و در محلی که رزش نام داشت به خاك سپرده شد .(۱)

امروز مزار سالك معلم بر بالای بازوی کوهی به نام «خیر سنگ» است . بنای اصلی بقعه، زگالی است که میان آن صندوقی مشبك ساده است. در ورودی آن قبلی است. طاق سراسر بنا واشان کشی وازروی واشانها پل کوبی است وسراسر بنا حلب سر است .

بنای دیگری در جلگه ، نزدیك بقعهٔ سالوك معلم است و به‌نام بقعهٔ معلم معروف است . بنای اصلی زگالی است و طرف شمال آن ایوانی به عرض ۱۵۵ سانتیمتر دارد . در هر طرف جنوب و شمال بنا چهارستون چهارسو و هر طرف شرق و غرب آن پنج ستون است . سرستونها نسبةً قدیمی است . درورودی بقعه شمالی است. ابتدا به ایوان وارد می‌شود وسپس به بقعه می‌رود. صندوقی چوبین ساده در وسط بناست . سقف سراسر بنا واشان کشی و از روپل کوبی است .

قلعهٔ شاه بقال
درقریهٔ بداب (– بداو)

عبدالفتاح فومنی می‌نویسد که مردی سرشناس به نام شاه بقال در خدمت علی بیگ سلطان وزیر بیه‌پس بوده است.(۲) معلوم نیست که این قلعه‌را همین شاه بقال ساخته ، یاقلعه‌ای قدیمی دراین محل بوده و به‌نام‌خود خوانده است. تپه‌ای که آثار این قلعه بر آن است ، امروز به‌نام شاه‌خال معروف است(۳) وکنار نهری به همین نام است که ازمشرق قریهٔ بداب می‌گذرد . درختان قطور آزاد وجنگل کیش این محل را فراگرفته وکم و بیش آثار بنا را محو کرده است .

---

(۱) گیلان رابینو ص۲۰۳ و ۲۰۴ . (۲) گیلان رابینو ص۲۰۴و۲۰۵ (۳) درزمان‌رابینو سال ۱۳۳۱ قمری به نام «شاه‌بقال» معروف بوده است . (گیلان رابینو ص ۲۰۴) .

خرابه های چوبرو شاه نشین

کنار دهکده های چوبرو شاه‌نشین شفت

بر سر تپه‌ای طبیعی که ارتفاع آن از شالیزارهای اطراف بیش از هفتادمتر نیست وسطح بالای آن درحدود یك هکتار است ، روزی برقسمتی ازاین اراضی ساختمانهای قدیمی بوده‌است. درحدودنودسال پیش حسینقلی خان نامی از آجرهای این بنا ، بنائی دوطبقه برای خود بر بالای تپه ساخته است . این بنا تاامروز بر پای است . آجرهای بنای فعلی به ابعاد بیست و یك سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر است آثار سه‌چاه در بالای تپه بود که یکی از آنها تقریباً پرشده بود

قلعه کل

در چوبر شفت

این قلعه نزدیك کوه اربه‌لنگه [1] بر تپه‌ای مرتفع قرار داشته است بر این تپه‌آجر وسفال فراوان دیده می شود . فاصلهٔ قلعهٔ کل تاشاه‌نشین تقریباً یك کیلومتر است .

دیوار قدیمی اسکندکان (۲) (= اسکندرکل)

در شفت

در دو فرسخی جنوب امامزاده اسحق راهی است که به ییلاق روح عنبر و از آنجابه‌تارم می‌رود. این‌دیوار برسمت چپ یادرشرق این‌راه است . دیوار از سنگ یادر بنا شده وملاطی خاکستری رنگ دارد، درازای آن درحدود پانصد متر و ارتفاع آن تا چهارمتر است . می‌گویند تاریخ بنای آن به‌زمان اسکندر ذوالقرنین می رسد .

ساختمانهای حکومتی

درکمسار (۳) شفت

بیست باب ساختمان آجری با پنجره های ارسی و شیشه های رنگین که

---

(۱) بفتح الف وسکون راء وفتح باء . (۲) بکسر الف وسکون سین وفتح کاف و دال.در گیلان رابینو ص ۲۰۶ نام این دیو ر آمده است . (۳) بضم کاف . ده از دهستان شفت بخش‌مرکزی شهرستان فومن شانزده کیلو متری شرق فومن شش کیلو متری جنوب شرقی بازار رشت (فرهنگ جغرافیائی) .

نمودار هنر دوران قاجاری است در این دهکده هنوز برپاست . بیشتر آنها روی در خرابی دارد . رابینو نیز از این بناها یاد می‌کند و می نویسد صاحبان آنها به رشت رفته‌اند و خانه‌ها متروك افتاده است . [۱] معروف است که جد خاندان خانهای محلی شفت از چیکین منجیل آمده ونظیر حسن صباح به اندازهٔ پوست گاوی زمین از اهالی خواسته است . سپس پوست گاو راکشیده و دوال کرده بر سراسر اراضی کمسار کشیده و تصاحب کرده است .

سایر بنا ها و آثار تاریخی بخش شفت

۱ ـ بقعه آقاملاعلی در دهکدهٔ کمسار

۲ ـ بقعهٔ آقاعزیز درمیرسرای چوبر .

۳ ـ بقعهٔ حاجی علی‌آقا در دهکده چوبر

٤ ـ بقعهٔ آقا نورسه‌تن سرراه چوبر به دزاز .

٥ ـ بقعهٔ حاجی مؤمن در خرطوم .

٦ ـ بقعهٔ درویش جعفر در پشت‌سرای شفت .

۷ ـ بقعهٔ آقا ذل‌پیر [۲] در ذل پیران .

۸ ـ بقعهٔ پیرمختار در احمدسرگوراب .

۹ ـ بقعهٔ سلطان پیرحسن در پیرسرا (= مؤمن‌سرا) .

۱۰ ـ مسجد قدیمی کمسار .

۱۱ ـ گورستان قدیمی غیر اسلامی در ییلاق دگرد[۳] .

۱۲ ـ گورستان قدیمی اسلامی و غیراسلامی در سیا چپ .

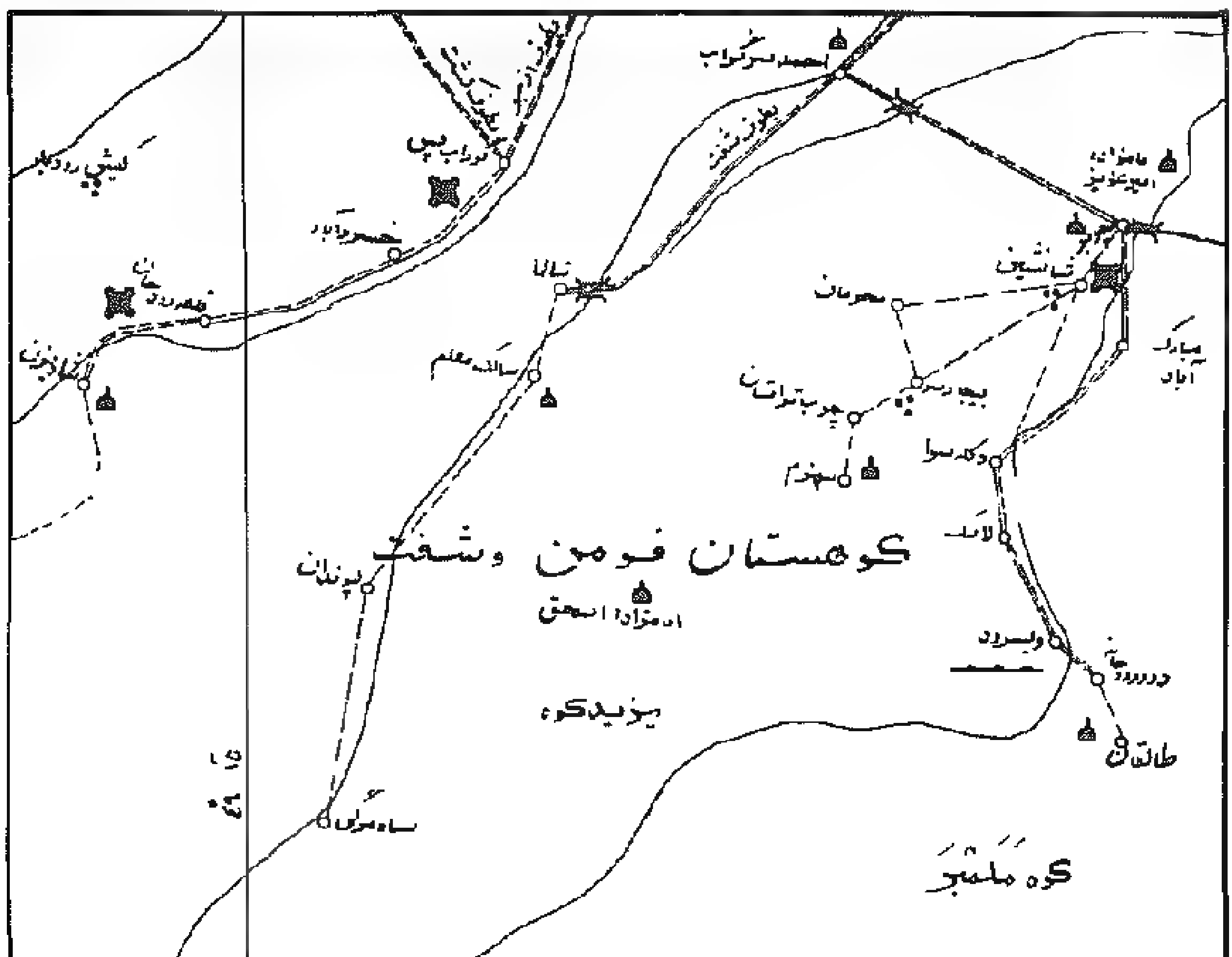
۱۳ ـ گورستان لاس پشت روبروی اسکندکن (= اسکندرکل) گورهای این گورستان از سنگ تراشیده است و سمت قبلی نیست .

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۹۸ . (۲) بضم‌ذال . (۳) بفتح دال و کاف .



عکس شمارهٔ ۱۱۰ـ بقعهٔ سید احمد و سید ابوالقاسم در نهزم شفت.



نقشهٔ شمارهٔ دوازده ـ آثار وبناهای تاریخی قسمت کوهستانی شفت و فومن

بخش یازدهم

۱ ـ جغرافیای تاریخی تولم

بخش تولم‌درشمال غربی شهر رشت است . از شمال به‌مرداب انزلی ، از غرب‌وجنوب به‌فومن، ازجنوب‌شرقی ومشرق به‌موازی محدود می‌شود . طول آن ازشرق به غرب ، سیزده کیلومتر وعرض‌آن ازشمال به جنوب نه کیلومتر است . دشتی است هموار، شامل جنگل و شالی‌زار ورودخانه‌های متعددی که سرچشمهٔ آنها در کوهستان فومن وشفت است ، ازمیان آن می گذرد .

صاحب مسالك‌الابصار می‌نویسد که سلطان‌تولم‌بر سلطان فومن، برتری و تسلط دارد. هزارسوار دارد که شجاعترین سربازان گیلان‌هستند. سربازانش‌در مقابل‌مغولان‌ایستادگی کردندوایشان‌را شکست‌دادند وبه‌همین‌جهت‌قدرت وتسلط او بیشتر شد .

ازسال هفتصد وشصت ونه قمری ، تولم جزئی ازخاك فومن‌شد . اما علت تغییر این تقسیم بندی برما روشن نیست .

عبدالفتاح حاصل‌یك‌سالهٔ شیلات‌تولم‌را درسال ۹۹۴ قمری مبلغ چهارصد تومان نوشته است. این مبلغ را علی‌بیك سلطان ، به امیره حمزه و پسران او سند داده‌بود. (۱)

درزمان رابینو (۱۳۳۱قمری) مرکز مهم‌تولم، هندخاله‌بود وخود این ناحیه جزء رشت‌به‌حساب‌می آمد . حاکم‌محلی این‌ناحیه، سردارمعتمدرشتی‌بود که‌دراین تاریخ‌بزرگترین مالك‌این نواحی‌بوده است . هندخاله دراین زمان ، درحدود دویست‌خانوار جمعیت‌داشت وبه‌سه محله‌تقسیم‌می‌شد : ۱ ـ پائین محله

---

(۱) تاریخ گیلان ص ۹۲ و۹۳ .

یا مازندران‌محله . ۲ ـ میان محله که دارای دو قسمت، یعنی سادات محله و شیخ محله بوده است. ۳ ـ صوفیان‌ده . (۱)

تقریباً تمام‌جمعیت تولم ، درطاعون‌سال ۱۲۴۶ قمری ، ازمیان رفت . از ازلاهیجان ومازندران ونواحی تالش‌نشین ، عده‌ای‌را بدانجا کوچاندند. جمعیت این‌بخش‌در زمان‌رابینو نسبةً زیاد بود . اینان اولاد واحفاد کسانی بودند که بدینجا آورده بودند . لهجهٔ‌ایشان، دهکده به دهکده فرق مـی کند وبا گیلکی موازی وفومن اختلاف‌دارد .

جمعه‌بازار تولم ، درهفده کیلومتری‌غرب رشت، برسرراه رشت‌به کسما، برکنارهٔ راست پیش‌رودبار، برپا می‌شود. محل‌بازار، زمین وسیعی است که به خاک‌فومن‌تعلق دارد. بازارهای‌دیگر تولم درسیاه درویشان وهندخاله‌است، اما روزمعین‌وثابتی ندارد.(۲)

۴ ـ بناها وآثار تاریخی تولم

دربخش‌تولم تاجائی که نگارنده‌مطالعه وبررسی کرد، بناهای تاریخی و آثارقابل ذکری ندارد . رابینو فهرستی از امامزاده‌ها ومزارهای این ناحیه تنظیم‌کرده است . اما پس از بازدید از محل ، معلوم شد بیشترآنها، درختان جنگلی کهنسال هستند .

مسجدآقا پیله‌قرآن
درصیقلان تولم

دراین‌مسجد گالی‌پوش قدیمی‌قرآنی باارزش‌ونسبةً قدیمی است که مردم به‌زیارت‌آن می‌روند . متولی این‌قرآن‌را به‌خانهٔ‌خودمنتقل کرده است.رابینو نیزذکری ازاین‌قرآن کرده است. (۳)

صفحات اول‌وآخر این‌قرآن افتاده وسایر اوراق آن، براثربه‌هم‌خوردن شیرازه پس وپیش ومشوّش است . درسر سوره ها ، نام سوره‌ها باکوفی رنگین

(۱) گیلان رابینو ص ۱۹۲ . (۲) گیلان رابینو ص ۱۹۳ . (۳) گیلان رابینو ص ۱۹۶ .

نوشته شده است . سر آیات، گل و بته‌های سبز و قرمز دارد . سراسر قرآن به‌خط کوفی است و اعلب کلمات منقوط و معرب‌اند. طول نوشتهٔ متن ۲۹ و عرض آن ۲۱ سانتیمتر است و هر صفحه ۱۷ سطر نوشته دارد. طول قرآن ۳۴ و عرض آن ۲۶/۵ سانتیمتر است. بسیار بجاست که مقامات مسؤول ، این قرآن را حریداری کنند و از رطوبت گیلان بیرون آورند و به وضع نابسامان آن، سر و سامانی بخشند .

مزار میر مؤذنان
در صوفیان ده هندخالهٔ تولم

آتش، بنای مزار را ازمیان برده بود و مشغول نوسازی آن بودند. رابینو از این بنا، یاد کرده است و می‌نویسد که متولی این مزار از نسل پیر محمد مؤذنان است و فرمانهائی در دست دارد که در یکی از آنها، آبادیهای زیر از رقبات موقوفات این مزار به‌حساب آمده است :

حوکی، سفیدلیه‌زار، کفته‌رود، تورخاله، نی‌زار، نمکاهان، بازکی‌پشت، لیه‌خاله نزدیك هندخاله .

یکی از فرمانها، مورخ محرم ۹۳۹ قمری است و مهر ابوالمظفر ، سلطان بیه‌پس را به‌شکل طغری ، باعبارات زیر دارد :

الله تعالی الحکیم المنّان المؤید القادر السلطان المطفر ابوالمظفر .

یکی دیگر از این فرمانها ، از شاه‌عباس دوم و مورخ ۱۰۵۲ قمری است.

دیگری از شاه طهماسب دوم و مورخ ۱۱۳۷ است و مهر فرندهٔ کل قوای امپراطوریس آن (Anne) را دارد . (۱) نگارنده دسترسی به این فرمانها پیدا نکرد .

چهل تنان
نزدیك مسجد بلا محلهٔ هند خالهٔ تولم

نزدیك این مزار که فقط درختی کهنسال پلت است، مسجدی قدیمی بوده که آن را خراب کرده و مسجدی تازه به‌جای آن ساخته بودند . جلو این مسجد

(۱) Commandant en chef de l' Impératrice Anne

(گیلان رابینو ص۱۹۵)

قبرستان قدیمی است . در این قبرستان ، بر سنگ ریشه‌داری که عمودی قرار داشت ، تاریخ ۱۲۳۲ بر بالای آن و عبارات زیر ، ذیل آن تاریخ حک شده بود :

«هوالباقی هذا قبر مرحوم مغفور ملك محمد ابن مشهدی حسن فی‌شهر محرم الحرام سنهٔ» برحاشیهٔ سنگ‌نام چهارده‌معصوم باخطی نزدیك به‌نسخ‌حك شده بود.(عکس شمارهٔ ۱۱۱)

این‌سنگ‌شباهت‌زیادی به‌سنگ‌قبری‌داشت که درمحلهٔ اروم‌سادات بهمبر دیده‌شده است‌وسابقاً از آن یاد کردیم .

بقعهٔ آقا سیدحسین
در دهکدهٔ لیف شاگرد تولم

بنای بقعه، بنائی گالی پوشی است ومسجد وبقعه زیریك سقف است. ۸ا ستون‌لاچ لنگری ظریف دراین‌بنا به‌کاررفته است.

بقعهٔ آقا درویش علی آقا
در دهکدهٔ لاکه‌سار تولم

بنائی است مربع از آجر کــه در میان آن سندوقی چوبین ساده است . سراسر بنا حلب سراست .

سایر بناها و آثار بخش تولم

۱ ــ بقعهٔ آقا سید ابراهیم در نوخالهٔ تولم .

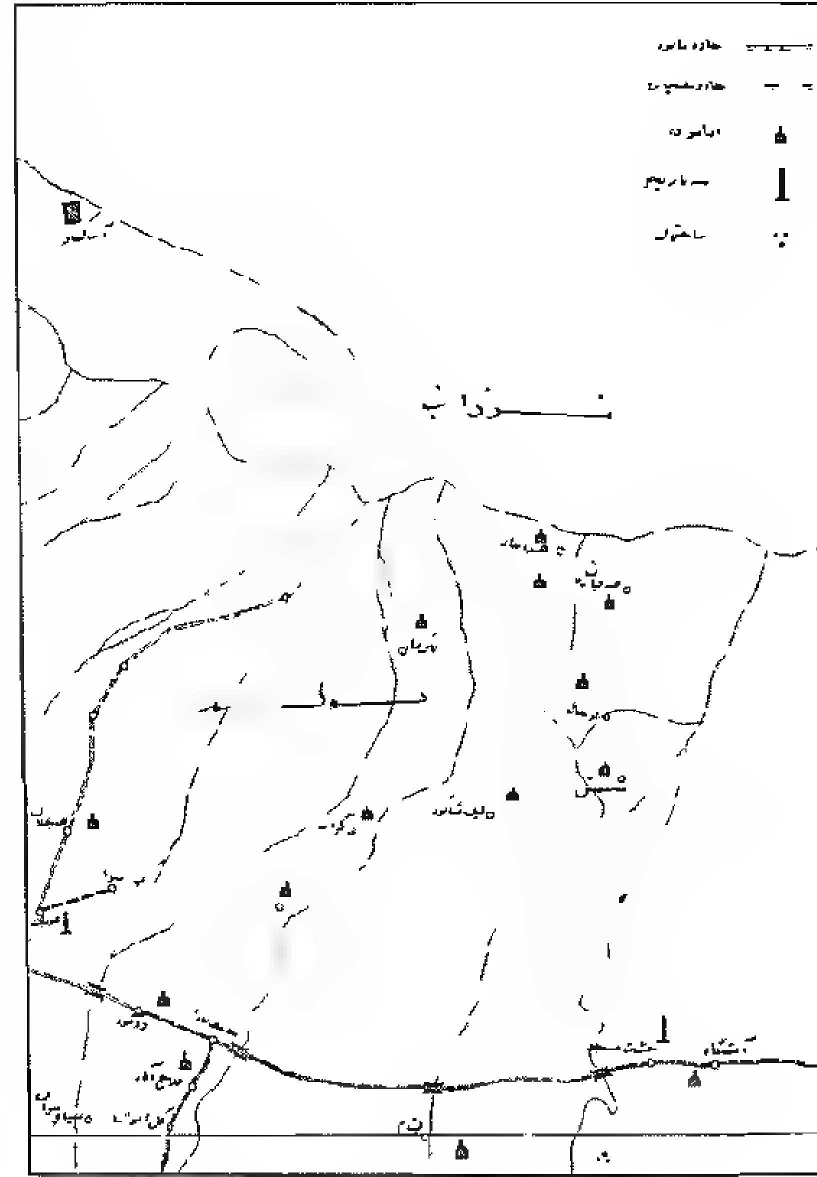
۲ ــ امامزاده یحیی درگوراب تولم .

۳ــ مسجد قــدیمی بالا محلهٔ هند خالهٔ تولم .(بتازگی آن را از نو ساخته اند) .

٤ــ مزار آقانعمن درسس‌مس[1] تولم. دراین‌مزارقرآن بزرگی‌است که نگارنده آن‌را ندید .

---

(۱) بکسرسین اول ودوم ومیم .



نقشهٔ شمارهٔ سیزده آثار و بناهای تاریخی بخش تولم.



عکس شمارهٔ ۱۱۱ـ سنگ قبری در گورستان چهل‌تنان نزدیک مسجد بالامحلهٔ هند خالهٔ تولم.

بخش دوازدهم

۱ ـ جغرافیای تاریخی بندرانزلی وچهار فریضه(۱)

بـــــــدرانــــــزــــی امروز، بندر اصلی ایران‌دردریای خزر است که‌در آخرین‌قسمت جنوب‌غربی این‌دریا بناشده است. این‌بندر بر دماغه‌ای از شن است که‌مرداب انزلی‌را ازدریای‌خزر جدا می کند. طول جغرافیائی این محل ۴۹ درجه و ۲۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه و عرض آن ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است.

گملین (Gmelin) درسال ۱۱۸۵هجری (= ۱۷۷۱میلادی) می‌نویسد: انزلی یا «زینزلی» چنانکه‌روسها می‌خوانند، به‌دو قسمت جدیدوقدیم تقسیم می‌شود. ساکنان شهرقدیم‌ایرانیان وارامنهٔ‌مقیم ایران بوده‌اندوشهر جدیدرا تجارروس وارامنه‌ای که تابع‌روسیه‌هستند ساکن‌شده‌اند. بیشتر خانه‌ها محقر و گالی پوشی است. جای تعجب است بندری که پنجاه سال ازعمر آن می گذرد، چنین بناهای محقری داشته‌باشد. این بناها گذشته‌ازضررهای‌مادی که به‌بارمی‌آورند، درمقابل‌رطوبت شدید این‌محل پایداری ندارند وصحت وسلامت ساکنان آنها مورد تهدیداست. شهرقدیم وجدیدیکی پس‌ازدیگری وکلیسای ارامنه‌میان آن دوقرار گرفته است. تعداداین بناهای‌محقر گالی‌پوشی به‌سیصد دستگاه‌می‌رسد. دربازاراینجا انواع متاعهای‌ایران و آستاراخان (= هشترخان) درمعرض‌فروش است. اجناس بازار انزلی بهتراز اجناس وازدهٔ بازار رشت‌است. بازار آن در امتدادساحل‌است ودکانها دردوطرف درامتداد یکدیگر بنا شده‌اند وکوچه‌های

---

(۱) فرزه بضم اول کنار رودخانه ودریاست که محل عبور کشتیها باشد. (برهان‌قاطع).

فراوانی این‌بازاررا قطع‌می کند . خلیج یامرداب انزلی ازریر انزلی‌شروع می‌شود ودوبازوی انزلی وغازیان دهانهٔ این‌خلیج‌را می‌بندد مردم این‌سرزمین ازقایق‌رانی وعمل‌آوردن نوغان، اعاشه می کنند.

ابت (Abbott) در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) در بارهٔ انزلی می‌نویسد «انزلی، تنهابندر دریای‌خزراست. جمعیت‌آن به‌سه‌هزارتن می‌رسد. قلعه‌واستحکاماتی ندارد، امادوازده‌عراده توپ‌دراین‌بندراست. کارخانهٔ توپ‌ریزی کوچك ومجهزی دارد . فعلاً مشغول ریختن ۲۴ توپ بلند شش پوندی‌هستند که‌قالبهای‌آن‌آماده بود. قوای نظامی این‌محل ازاین قرار است :

۱۵۰ توپچی ، ۵۰۰ تفنگچی تالش ، ۱۰۰ تفنگچی شفتی، ۱۰۰ تفنگچی استرآبادی و۲۵ تن بومی که‌سالیان درازاست مشغول خدمت‌اند. اخیراً چهل تفنگچی تنکابنی‌نیز به‌این‌عده افزوده شده‌اند .(۱)

مرداب انزلی‌ده تادوازده میل عرض وطول‌دارد. وقتی‌هواآرام است، آب از مرداب به‌دریا می‌رود . اما وقتی، بادتند بوزد ،آب از دهانه ، وارد مرداب می‌شود. رودخانه‌های زیادی‌به‌مرداب می‌ریزند . ازروسیه اجناسی بدین بندر واردمی‌شود وازاین بندرمال التجاره به‌روسیه‌می‌رود. واردات از روسیه‌موازی ۸۷۰۰۰ تومان (= ۴۳۲۰۰ پوند) است و صادرات ایران صد و بیست هزار تومان (= ۶۰ هزار پوند) است ، غیر از ابریشم که گمرك آن در شهر رشت پرداخت‌می‌شود . (۲)

مکنزی‌درسال۱۲۷۶قمری(=۱۸۵۹میلادی)، بندر انزلی‌را دیده‌ودربارهٔ آن‌چنین نوشته‌است :

انزلی دومحله‌داشت. محلهٔ‌قلعه‌بازار که محلهٔ‌آبادی بود، خانه‌های‌آن‌از آجربناشده وبام‌آنها سفال پوش بود . محلهٔ کهنه بازار که درامتداد مرداب ، تاسنگر درمغرب انزلی ادامه‌داشت. دراین‌محله سیصدوپنجاه وسه‌خانه بود که

---

(۱) از یادداشتهای ماشین شدهٔ ابت متعلق به آقای چنگیز شیخلی ص ۱۶ . (۲)همان یادداشتها ص ۱۷ .

پنجاه‌دستگاه‌آنها بامهای‌سفال‌پوش داشت ودارای‌صدوپنجاه دردکان، سه‌مسجد وسه‌تکیه ودوحمام بود.(۱)

رابینو درسال ۱۳۳۱ قمری می‌نویسد «تا اوایل‌قرن بیستم میلادی، انزلی قسمتی از تالش دولاب بود. این بندررا بادهکده‌هائی که برروی دماغهٔ شنی و نزدیك‌به انزلی‌بود، جدا کردند وبه‌نام انزلی وچهار فریضه خواندند.(۲) به‌دو علت‌بندر انزلی درزمان‌رابینو روبه پیشرفت بوده است: یکی اینکه کشتیهای بخاری‌روسی به‌این بندرآمدورفت داشته‌اند، دیگرراه انزلی به‌تهران‌ساخته‌و پرداخته شده‌بوده است. شمارهٔ خانه‌های انزلی دراین‌وقت‌به هزاروپانصد خانه می‌رسید که هفتصد دستگاه‌آنها گالی پوش ومابقی سفال‌پوش بوده‌است. جمعیت این‌شهر باخارجیان مقیم‌آن‌به هشت هزارنفر بالغ‌بوده است. در زمستان این جمعیت‌رو به‌فزونی می‌رفت، زیرا خلخالیان وکسان دیگربه دنبال‌کار به‌این بندر روی‌می‌آورده‌اند. اراضی انزلی‌ازشرق‌به‌غرب دو کیلومتر وعرض دماغهٔ شنی که این‌شهربرآن بناشده‌است ازپنج‌تا هفتصد متراست. دراین زمان‌شهر قدیم‌به‌نام کهنه‌آباد وشهرتازه به‌نام تازه‌آبادمعروف بوده است.(۳)هفتصد ونود دردکان، سه‌کاروانسرا، مغازه‌های فراوان، دومدرسه به‌طرح اروپائیان که یکی پسرانه ودیگری‌دخترانه بوده، هشت‌مکتب‌خانه، یك‌دستگاه‌مدرسهٔ‌روسی ویك دستگاه مدرسهٔ ارمنی وچهار مسجد داشته است. ده باب حمـام دراین‌شهر به نامهای‌زیر بوده است:

۱ـ حمام شاه یا سه شنبه ـ ۲ـ حمام بازار یاشنبه ـ ۳ـ حمام داروغه یا یکشنبه ـ ـ حمام حاجی‌میرزا زکی یا جمعه ـ ۵ ـ حمام عمید همایون ـ ۶ ـ حمام حاجی رضا علی اوف ـ ۷ ـ حمام مشهدی کاظم علی اوف ـ ۸ ـ حمام تازه آباد یا دوشنبه ـ ۹ ـ حمام پنجشنبه ـ ۱۰ ـ حمـام شاه کوچه یا چهارشنبه.(٤)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۳۵ (۲) گیلان رابینو ص ۱۳٤. (۳) گیلان رابینو ص ۱۳۳ـ۱۳۵. (٤) گیلان رابینو ص۱۳۶.

ساکنان انزلی :

مردم انزلی از نقاط مختلف ایران بدین شهر روی آورده‌اند. زبانشان گیلکی، فارسی و ترکی است و تمام شیعی مذهبند.

از طوایف قدیم این شهر طایفهٔ سرخی (= سرخه‌ای) وطایفهٔ استادمحمد-رضی را می‌توان نام برد. طایفهٔ استادمحمدرضی مسلك حیدری داشتند. از سرشناسان این طایفه طهماسب‌خان پسر قدم علی پسر کرم‌علی چوشقال را می‌توان ذکر کرد. این شخص در اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه به‌لقب خانی مفتخر شد. بیش از پنجاه خانوار از بازماندگان او در انزلی ورشت هستند. رئیس طایفهٔ ایشان در این وقت (سال ۱۳۳۱ هجری) میرزا عباس‌خان عمیدهمایون پسر میرزاعلی‌خان معین‌دیوان پسر میرزا رفیع‌خان پسر طهماسب خان است.

طایفهٔ سرخی (= سرخه‌ای) مسلك نعمتی دارند. می‌گویند اصلشان از آبادی سرخه، سه فرسنگی سمنان است. از این خاندان بیش از بیست خانوار شناخته شد.

اصل خانوادهٔ دریابیگی از بجنورد خراسان است. اینان را از آنجا به لنکران بردند. میرحسن خان طالش پسر میر مصطفی‌خان ایشان را پذیرائی کرد و این دو خانواده با یکدیگر پیوند پیدا کردند. سیدرضا پسر حاجی میر ابوطالب، قایق کوچك بادبانی داشت که نزدیك آمل کنده (عمل‌کنده) درخشك بجار لنگر می‌انداخت. سیدمزبور براثر سرمازدگی در آنجا مرد ودر همان‌جا به خاك سپرده شد. گور او امروز زیارتگاه است.(۱)

تیرهٔ مهاجر، ایرانیانی هستند که هنگام جنگ دوم ایران وروس بدینجا کوچانده شده‌اند. میرمحمدخان پسر میر قبادپسر میرعباس‌طالش از نواده‌های میرقراخان وملاعبدالله مجتهد ودویست تن دیگر که همراه اینان بودند وارد انزلی شدند ودهکدهٔ کلیور (بضم کاف وکسر واو) را به‌عنوان تیول داشته‌اند، تا از انزلی دفاع کنند. میرباقر که به‌جوانمردی شهرت داشت وپسر میرمحمد خان بود در

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۳۹.

کلیور بمرد. گور او نیز مورد احترام است و در آنجا برای برآورده شدن حاجات شمع می‌افروزند.

پسر دیگر میرمحمدخان، میرحسن، تعداد سربازانش از سی و پنج تن به ده تن تقلیل یافت.

تا سال ۱۳۲۶ هجری پسران او، میر یوسف خان ومیر اصلان خان و سایر افراد خانوادهٔ او سالیانه دویست و هفتاد و پنج تومان از دولت وقت حقوق داشتند.

طایفهٔ انزانی بازماندهٔ تفنگچیان انزان استراباد هستند که آنان را درسال ۱۲۳۰ هجری به اینجا آورده‌اند. دراول هفتاد تن بودند و تحت فرمان، جعفرقلی خان ومرتضی قلی خان، از نواده‌های حمزه سلطان انزان بودند.

ارامنه ــ درسال ۱۱۸۵ هجری گروهی از ارامنهٔ ایران به انزلی روی آوردند درزمان رابینو (سال ۱۳۳۱ هجری) فقط چهل و پنج خانوار ارمنی در آنجا بوده است کلیسای ایشان در اوایل دوران سلطنت ناصرالدین شاه به علت آتش‌سوزی خراب شد. (۱)

۴ ــ بناها و آثار تاریخی انزلی و چهار فریضه

شمس العماره

درشمال شهرداری فعلی بندرانزلی

قصر سلطنتی است که به‌دستور ناصرالدین‌شاه درسال ۱۲۸۸ قمری بنا شده است. این بنا پنج طبقه بوده ومقابل هرطبقه غلام‌گردشی داشته است. هانری‌رنه دالمانی دربارهٔ این بنا چنین می‌نویسد «در مقابل منزل ما، کاخ سلطنتی دیده می‌شود که برکنار دریا، سربرافراشته است. این کاخ مانند منزل ییلاقی بی‌نظم و ترتیبی است که شاه درموقع مسافرت به‌اروپا، درآن اقامت می‌کرد معماری که این کاخ را بناکرده، گویا یکی ازبتخانه‌های کشور آسمانی را دیده وخواسته است

(۱) گیلان رابینو ص ۱۴۰.

نمونهٔ آن را در این جا برپا نماید. طبقات متوالی آن هر قدر بالاتر رفته، از حیث آراستگی و جلوه بهتر شده است. بالاترین طبقه، محل استراحت شاه است. بدبختانه این عمارت براثر بی دقتی در شرف انهدام است و طولی نخواهد کشید که این رنگهای قرمز و آبی که هنگام تابش آفتاب جلوهٔ خصی به این کاخ می دهد، از رطوبت هوا ناپدید خواهد شد [۱]. (عکس شمارهٔ ۱۱۲)

درزمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) نیز این بنا روی درخرابی داشته است و باغ اطراف آن را مرکز قرنطینه کرده بودند. [۲] ازاین بنا امروز نشانی نیست.

منار فانوس دریائی
در محوطهٔ ادارهٔ بندر امروزی

در آخرین نقطهٔ شمال شهر انزلی، خسروخان، مناری از آجر ساخت، تا باروشن کردن چراغ بر بالای آن، راهنمای کشتیها باشد. ارتفاع این منار به سی وپنج ذرع می رسید. (عکس شمارهٔ ۱۱۳) پس ازسال ۱۲۹٤ قمری ، چراغ آن هرگز روشن نشد. بیست وچهار تومان، حقوق نگهبان وسیصدو بیست وهشت قران مخارج روشنائی آن تاسال ۱۳۲۷ قمری، درصورت مالیاتی گیلان دیده می شد. این منار درزمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) مانند سایر بناهای دولتی انزلی، روی در خرابی داشته است. [۳] این منار را درزمان حکومت رضاشاه پهلوی تعمیر کردند و مورد استفاده قرار دادند. این مناره امروز در محوطهٔ ادارهٔ بندر دیده می شود.

عمارت معتمدی یا معتمدیه
دربندر انزلی

این عمارت را میرزا عبدالوهاب خان معتمد الدوله ، درسال ۱۲۳۵ قمری ساخته است. اطراف آن باغ بزرگی بوده ودر زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) حاکم انزلی دراین عمارت اقامت داشته است . [٤]

---

(۱) سفرنامهٔ از خراسان تا بختیاری صفحات ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ . (۲) گیلان رابینو ص ۱۳۶ و ۱۳۷ . (۳) گیلان رابینو ص ۱۳۷. (٤) گیلان رابینو ص ۱۳۶ .

عمارت صدری
در بندر انزلی

این بنا قصر کوچکی است که درسفر اول ناصرالدین‌شاه به‌اروپا در سال ۱۲۸۸ قمری، به دستور میرزا حسین خان صدر اعظم ساخته شده است. این بنا درسال ۱۳۳۱ قمری درتصرف قنسول روسیه بود، ظاهراً آن‌را ازدولت ایران خریده بوده‌اند. (۱) امروز ازاین بنا اثری نیست.

توپخانه و دوبنای باستیان
در بندر انزلی

خسروخان گرجی درسال ۱۲۳۰ قمری حاکم گیلان شد وبناهای توپخانه وباستیانهارادرانزلی ساخت. (عکس شمارهٔ ۱۱٤) سپس اکبرخان بیگلربیگی بر وسعت آنها افزود. این دوبنا درسال ۱۳۳۱ قمری خراب وغیرقابل استفاده بود. (۲) درمحوطهٔ باستیان زنجیری آهنین است که درحدود چهارهزار وهشتصد من‌شاه یا بیست‌وهشت تن وزن‌دارد. روزی این زنجیر، برای بستن دهانهٔ مرداب انزلی به‌کار می‌رفته است. (۳) امروز گاراژ خادم و دکان شیرینی فروشی وخیابان، جای توپخانه وقورخانه راگرفته‌اند.

سه‌برج پنج ضلعی
درانزلی وغازیان

درسال ۱۲٦۰ قمری، درزمان سلطنت محمدشاه قاجار، میرزا ابراهیم‌خان مهندس تبریزی برای‌ساختن استحکامات وتهیهٔ مهمات به‌انزلی آمد. دوبرج پنج ضلعی درانزلی وبرج‌پنج ضلعی دیگری درغازیان بساخت وتوپهائی که درمحل تهیه کرده‌بود، برآنها نصب کرد. رابینو در سال ۱۳۳۱ قمری می‌نویسد «فعلاً اثری ازاین برجها نیست.» (٤)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱۳٦. (۲) همین کتاب ص ۱۳۷. (۳) همین کتاب حاشیهٔ ص ۱۳۷. (٤) گیلان رابینو ص ۱۳٤.

باغشاه
درجزیرهٔ میان پشته

احداث باغشاه در جزیرهٔ میان پشته به‌زمان خسروخان گرجی می‌رسد که درسال۱۲۳۰ قمری حاکم گیلان‌شد. دراین جزیره مرکزی‌برای باروت‌ـ کوبی‌نیز پایه‌گذاری‌شده بود . (۱)

مسجد جامع = مسجد خان
دربندرانزلی

مسجد خان و تکیهٔ متصل به‌آن را مرحوم محمد هاشم خان انزلی در اواخر زمان سلطنت محمد شاه قاجار ساخته است .(۲) فعلاً بجای این بنا مدرسه‌ای تازه بنا شده است .

آخرمسجد یامسجد استادمحمدرضا
دربندر انزلی

این‌مسجد، به‌دست طایفهٔ استاد محمدرضا بناشد . چون‌خرابی بدان راه یافته‌بود، عمید همایون‌آن‌را مرمت کرد. (۳)

باقی بناها وآثار تاریخی انزلی وچهار فریضه

۱ ـ تازه مسجد را مرحوم حـاجی سید شفیع آقای مجتهد بنا کرده است . (٤)

۲ ـ مسجد سرخی ، به‌دست طایفه‌ای به‌همین‌نام ساخته شده است.

۳ ـ مسجد گلشن . (۵)

٤ ـ مزار بشمن پیرو مسجد بشم ـ نزدیك مسجد بشم قبرستانی است که درآن‌مزار بشمن‌پیر پسر سید سرفشاه است . اهالی دهکدهٔ بشم در سال ۱۳۳۹ قمری‌می‌خواسته‌اندگنبد وبارگاهی برای‌این‌پیر بسازند. (٦)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۱٤۵ . (۲ و ۳ و ٤) همین کتاب ص ۱۳٦ . (۵) مسجد و حمام گلشن در نقاط دیگر گیلان و مازندران نیز دیده شده است . (٦) گیلان رابینو ص ۱٤۸ .

۵ ـ امامزاده آقاسید صالح درغازیان چهر فریضه.

۶ ـ بقعهٔ خانم حوریه در سوسر غازیان.

۷ ـ قبرستان قدیمی پیرعبید یا پیرعابد میان‌نور (۱) وکلیور. (۲)

نقشه شمارهٔ یازده ـ آثار وبناهای تاریخی زمینهای هموار وپست شفت.

---

(۱) بضم نون وکسر واو (۲) بضم کاف وکسر واو.



عکس شمارهٔ ۱۱۲ـ شمس‌العمارهٔ انزلی (= بندر انزلی) از گیلان رابینو عکس شمارهٔ ۳۳.



عکس شمارهٔ ۱۱۳ـ فانوس دریائی انزلی (= بندر انزلی)

عکس شمارهٔ ۱۲۳۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ سلطنتی گرفته شده است .



عکس شمارهٔ ۱۱۴ ـ یکی از باستیانهای انزلی (= بندر انزلی)

عکس شمارهٔ ۱۲۳۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین‌شاه درکتاخانهٔ سلطنتی گرفته شده است .

بخش سیزدهم

۱ ـ جغرافیای تاریخی موازی (ـ شهرستان رشت)

بخش موازی که زمینهای اطراف رشت جزء آن است، در وسط دشت گیلان واز شمال به دریای خزر ومرداب انزلی، ازمغرب به تولم وفومن، ازجنوب به ورزل وشفت ورودبار وازمغرب به رودخانهٔ سفید رود ولشتنشاه، محدود می‌شود. درازای آن از شمال به جنوب پنجاه کیلومتر و پهنای آن از شرق به غرب سی وهشت کیلومتر است.

درگذشته بخش فعلی موازی غیراز کهدم و کوچسفهان و خشك بجار به نام رشت خوانده می‌شد وحکمرانان مستقلی داشت.

کهدم سابقاً ناحیه‌ای جداگانه ومستقل بود وبحدودفعلی آن یکسان بود. حدّ رودبار ورحمت آباد، به آبادیهای کنار سفیدرود از منجیل تا گوکنه بوده است. محله‌ی زیر راگذشتگان دراین بخش یاد کرده‌اند : جشیجان (بفتح جیم)، رحمت آباد، گوکنه، کهدم، نقله‌بر، رودبار کهدم. مرکز مهم این ناحیه، گوراب کهدم بوده است که درسال ۸۸۰ قمری به دست سربازان سلطان محمد بیه پیش، به آتش کشیده شد.(۱)

ناحیهٔ قدیم کوچسفهان:

کوچسفهان که شامل خشك بجار ولشتنشاه بود، هنگام فتح گیلان بدست اولجایتو، بدست سربازان مغول غارت شد وسلطان این بخش ـ سالوك ـ که مردی شجاع بود، مجبور به تسلیم گردید.

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۱۵

آخرین سلطان خاندان اسمعیلوند ــ امیره مسعود بن نوپاشا بن سالوک بود که پدرش درسال ۷۶۷ قمری فوت شد و سید علی کیا به سرزمین او دست انداخت. کوچسفهان از این پس جزء قلمرو سادات لاهیجان شد. و سپس بر سر خاک کوچسفهان، میان سلاطین فومن و لاهیجان منازعاتی روی داد.

امیره اسحق به علت شافعی بودن اهالی، این سرزمین را جزء خاک بیه پس می دانست.

جنگهای زیادی درمحل کدوبن، میان لشکریان بیه پس و بیه پیش بر سر اراضی کوچسفهان روی داد. در سال ۹۴۵ قمری، خان احمدخان لاهیجی، کوچسفهان را جزء خاک بیه پیش آورد. این عمل دیری نپائید زیرا شاه طهماسب اورا دستگیر کرد و ابتدا در قلعهٔ قهقهه وسپس در قلعهٔ اصطخر پارس زندانی کرد.

اواخر سال ۹۴۵ کوچسفهان جزء خاک بیه پس شد حمدالله مستوفی (۷۴۰) بنای کوچسفهان را از اردشیر بابکان می داند.[۱] میرظهیر الدین ترکیب این نام را از دوجزء «کوچک» و «اصفهان» می داند[۲] درزمان عبدالفتاح فومنی کوراب جور جزء خاک کوچسفهان بوده است.[۳]

از کوچسفهان قدیم ومحل آن اطلاعی که داریم اینست که فعلاً نزدیک بازار کوچسفهان کنونی، محلی به نام «کهنه کوچسفهان» معروف است که می گویند دهکدهٔ بزرگی بوده‌اند. سربازان وجنگجویان کوچسفهان ازسایر لشکریان بیه پس بهتر و بالاتر بوده‌اند. عبدالفتاح فومنی دربیان وقایع سال ۹۴۲ می نویسد «لشم و سپاهی کوچسفهان برتمامی سپاه ولشام الکای بیه پس برحسب شوکت و استطاعت تفوق درجهان دارند.»[۴]

جمعیت بخش موازی درزمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) هیجده هزار و صد خانوار بوده است که تمام گیلک وشیعی مذهب بوده‌اند.[۵]

---

(۱) نزهةالقلوب ص ۱۶۳. (۲) تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ص ۴۷.
(۳) تاریخ گیلان ص ۱۰۱. (۴) تاریخ گیلان ص ۱۲. (۵) گیلان رابینو ص ۲۱۷.

بخش موازی شامل پانزده ناحیه به‌نامهای زیر است :

۱ ـ بجاریس. ۲ ـ دفیجاه. ۳ ـ کوراب‌جور. ٤ ـ قصبه. ٥ ـ خمام. ٦ ـ خشت‌بجار. ۷ ـ کهدم. ۸ ـ لات. ۹ ـ موازی. ۱۰ ـ ننک. ۱۱ ـ پسیخان. ۱۲ ـ رجاپیش. ۱۳ ـ سیاه رود کن. ١٤ ـ سوقه. ١٥ ـ ورزل.

۹ ـ جغرافیای تاریخی شهر رشت

شهر رشت تاجائی که خبرداریم، دردوران سلطنت نادرشاه مرکز حکومت سلسلهٔ تجسبی بوده است. این شهر درطول زندگی‌خود گرفتار زمین‌لرزه‌ها و آتش‌سوزیها مکررشده است. زمین لرزه‌هائی‌راکه مورخین یاد کرده‌اند در سالهای ۱۱۲۱ و ۱۱۲٥ و ۱۲۲۳ وچهارم ربیع‌الثانی ۱۲٦۰ قمری روی داده‌است آتش‌سوزیهای مهم‌سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۹۱ و ۱۱۹۳ و ۱۳۰٤ و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ قمری که قسمتی‌ازشهررا به‌توده‌ای خاکستر تبدیل کرده است. درآتش‌سوزی سال ۱۳۲۰ درحدودهزار دکان‌وده‌کاروانسرا ازمیان رفت. این‌شهررا لشکریان‌کریم خان‌زند به‌آتش کشیدند وسربازان آقا محمدحسن خان قاجار درسال ۱۱٦٥ هجری‌قمری عمارت کردند.

بل (J. Bell) درسال ۱۱۳۰ (= ۱۷۱۷ میلادی) این شهررا چنین‌توصیف کرده است :

شهررشت درزمینی‌هموار است که اطراف آن‌را جنگل فراگرفته است. فاصلهٔ آن از کناردریا یک روزه راه است. بناهای این‌شهر طوری است که به دهکدهٔ بزرگی بیشتر شباهت دارد. خانه‌ها برمحلهای خشک‌زمین هموار شهر ساخته‌شده‌اند. ظاهر خانه‌های‌این‌شهرمحقرتر ازسایر شهرهای‌ایران‌است. بامهای خانه‌ها شیب‌های تندداردو وبراثرزیادی بارندگی‌سفال‌پوش کرده‌اند. مردابها و باطلاقهای اطراف‌شهر، هوای‌شهررا خصوصاً درتابستان ناسالم کرده‌است. بااینکه همه‌چیز دراین‌شهر فراوان است، مردمانش نیم مرده به‌نظرمی رسند. صدای

قورباغه‌های مردابها هنگام‌شب مانع‌استراحت کامل است. [۱]

هنوی (Hanway) درسال ۱۱۵۲ هجری (= ۱۷٤٤ میلادی)، ازجنگلهای انبوه‌اطراف‌شهر وخرابی‌هوای آن شرحی‌می‌نویسد وسپس‌می‌گوید: ارامنه‌ای که ازخاك ترکیه برای‌خرید ابریشم‌به‌این‌شهر می‌آیند درفاصلهٔ یك روزه‌راه از شهر می‌مانند و کسان خود را برای خرید به شهر می‌فرستند. روسها مقداری از اراضی جنوبی شهررا تبر تراشی کرده‌اند، در این‌قسمت افق دیدما رشتهٔ کوههاست.

گملین (Gmelin) درسال ۱۱۸٦ هجری (= ۱۷۷۲ میلادی) می‌نویسد که پنجاه وانداسال است که‌رشت مرکز اصلی گیلان‌شده است. این‌شهر دردل جنگل بناشده بوده‌است‌وامروزبیشتردرختان آن‌را بریده‌اند. مقداری‌ازخانه‌های شهر ترتیب‌وتنظیمی‌دارد ولی‌بیشتراز یکدیگرجدا و بی‌نظم‌است. رشت‌بارو ودروازه ندارد. این‌شهربااینکه‌مرکز رقابت‌تجاری آسیا واروپاست وبازارهای آن‌رونق زیاد دارد، درخور آن‌نیست که‌آن‌را شهر تجاری‌بخوانیم. تعدادخانه‌های‌قسمت شرقی‌شهر به دوهزار درمی‌رسد وتمام ازآجر بنا شده‌است. ظ.هرخانهٔ خان‌از خانه‌های دیگر آراسته‌تر است. خانهٔ اوشامل بناهای متعددی‌است که اطراف حیاطی مربع شکل ساخته‌اند دراین حیاط باغچه‌ایست که حوض و فواره هائی دارد. اندرون عقب است و باغچه‌ای جداگانه دارد.

در زمان شاه عباس دوم وکریم‌خان و آقا محمد خان شهر رشت مرکز تجاری بود. کاروانها، ازهند وبخارا وترکیه و سایر کشور ها در این شهر بار می انداختندتا خرید ابریشم کنند وآن‌را به بنادر دریای مدیترانه یا خلیج فارس برسانند.

تجارت ابریشم که تاحدودسال ۱۲۷۷ (= ۱۸٦۰ میلادی) رونق‌داشت، شهررا براثرآمدورفت تجارگرفتارطاعون سال ۱۲٤٦ هجری (= ۱۸۳۰ میلادی) کرد.

---

1 – Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia, Glasgow 1863, vol i, pp. 133-135.

سپس درسال ۱۳۱۰ هجری (ـ۱۸۹۲ میلادی) با صدور برنج و فروش ابریشم شهررشت زندگی‌اوبنی پیدا کرد.

شهررشت درمیان دورودخانهٔ سیاه‌رود، درمشرق وگوهررود، درمغرب که هردوبه‌مرداب انزلی می‌ریزند، بناشده است. فاصلهٔ شهر تامرداب بیش‌از یـزده کیلومتر نیست. درزمان‌رابینو اطراف‌آن‌را جنگل‌فرا گرفته بودووسعت شهر محسوس نبود. بازارها قسمت‌اعظم مرکز شهررا اشغال کرده‌بود. کوچه‌ها تنگ وتاریک بود. خیابانهای عریض کم داشت وبتازگی بعضی ازآنهارا سنگ‌فرش کرده بودند.(۱)

گملین(Gmelin) درسال ۱۱۸۵ هجری (= ۱۷۷۲ میلادی) فهرستی از محلات وبناهای عمومی‌شهررشت نوشته است. محلات شامل: کیاب، خمیران ، چمارسرا، پاس‌کیا، استاسرا، بازار، صیقلان وزاهدان بوده‌است. مساجدشهراز این‌قرار بوده‌اند: جامع، صیقلان، کوچک، سفید، گوهر رودبار، ملّارجب‌علی ، جیرکیاب، چومارسرا، پاس‌کیا . تکیه‌های شهرشامل:

زاهدان، خمیران ، صیقلان ، بازار ، استاسرا ، کیاب، خمیران کیاب، نیلوان‌سرا، چومرسرا وپاس‌کیا بوده است.

فریزر (Fraser) درسال۱۲۳۸ قمری (=۱۸۲۲ میلادی) درشهر رشت بوده وبامیرزا محمدرضا که یکی ازشاگردانی بود که عباس میرزا ایشان‌را به انگلستان فرستاده بود و دو سال بود که از آنجا بازگشته بود ، ملاقات کرده است .

عباس‌میرزا نامبرده‌را درآن وقت به‌رشت فرستاده‌بود تازیرنظرمحمدرضا میرزا، استحکاماتی‌در گیلان بسازد. دراین‌وقت دوبرادر عباس‌میرزا، محمدرضا میرزا ـبیست‌ودوساله. حاکم گیلان وبرادردیگرش‌علی‌رضا میرزا. شانزده‌ساله. نایب‌الحکومه بود. فریزر بازاررشت‌را ازنظر دادوستد ورواج وتمرکز اجناس ستوده است .(۲)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۷۱ .   (۲) سفرنامهٔ فریزر بهانگلیسی ص ۱۳۶ .

آبت (Abbott) درسال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸٤۳ میلادی) ازراه پیربازار بهشهررشت وارد شده وازآنجا به کوچسفهان ولاهیجان رفته است.(۱)

مکنزی (Mackenzie) درسال ۱۲۷۵ قمری (= ۱۸۵۸ میلادی) شهر رشت رادیده وازصیقلان رودبار گذشته واز راهدارخانهٔ مقابل صیقلان رودبار یادکرده است.(۲) ملگنوف (melgounov) ازمحلات رشت بدین ترتیب نام برده است.

خمیران زاهدان، زاهدان ، دوبرادران، باغشاه ، نصیرآباد، چمارسرا، کیاب، بیستون، کرف آباد، عاشورکوچه، استادسرا، بازار، صیقلان ، سرخ بنده، آقاسیدکلان . ازپاره‌ای مزارات وبقاع این شهر، به شرح زیر یادکرده است : امامزاده آقا بادی‌الله ، آقاسید عباس وآقاسید اسمعیل، حضرت معصومه خواهر امامرضا علیه‌السلام، ولی بزرگوار، چله‌خانهٔ میر نظام‌الدین وسید فخرالدین . ازمساجد: مسجدسفید، مسجدمستوفی، مسجدحاجی سیدعلی‌هوسمی. وازمدارس: مدرسهٔ‌علی اکبر، مدرسهٔ حاجی اسمعیل خان ، مدرسهٔ مستوفی ، مدرسهٔ محمد کریم، مدرسهٔ حاجی‌کاظم، تعدادزیادی ازکاروانسرا هارا نیزنام برده است.(۳)

درزمان‌رابینو محلات‌شهررشت نامهای‌زیررا داشته اند :

زاهدان، محلهٔ‌بازار، خمیران، خمیران زاهدان ، استادسرا، کیاب، پاس کیا . (٤) خانه‌های‌شهر به‌شش‌هزار می‌رسد ومجموعاً سی‌هزارتن جمعیت شهر است، سه‌هزار وسیصد دکان ، بیست کاروانسرا برای مال‌التجاره وبیست و پنج کاروانسرا برای بارانداختن کاروانها، چهل‌مسجد، دوازده امامزاده ، سی‌وشش تکیه، شش‌مدرسه وسی‌وپنج باب حمام‌داشته است .(۵)

بناهای عمومی شهررشت

محلهای‌عمومی که دربازارشهر بوده‌است ازاین قرارند : میدان بزرگ،

---

(۱) یادداشتهای ماشین‌شدهٔ ابت متعلق‌به‌آقای چنگیز شیخلی ص ۹ . (۲) یادداشتهای ماشین‌شدهٔ مکنزی‌متعلق‌به‌آقای چنگیزشیخلی ص۹. (۳) متن‌سفرنامهٔ ملگنوف‌به‌روسی ص۲۱۱ - ۲۳۳ . (٤) محلهٔ پاس کیارا رابینو ازقلم انداخته است . (۵) گیلان رابینو ص ۷۲.

میدان کوچك، میدان داروغه، سبزمیدان که درغرب شهر درمیان خانه‌های ساکنان این شهر بود. سپهدار اعظم، نخستین بار که حاکم گیلان شدولقب ناصرالسلطنه داشت، سبزمیدان را به باغ‌ملی تبدیل کرد.

۲ ـ بناها و آثار تاریخی شهر رشت

عمارات دولتی وشخصی

عمارت دیوانخانه یاعمارت حکومتی

عمارت‌حکومتی شهررشت‌را ملیون درسال ۱۳۲۷ قمری آتش‌زدند. اندرون این‌عمارت، درزمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) ادارهٔ حکومتی بوده است. ازاین اندرون‌هم امروز اثری باقی نیست. محل‌عمارت دیوانخانه یا دارالحکومه، در میدان‌شهرداری، جای ادارهٔ پست وتلگراف وتلفن امروزی بوده است. حمّام شاهزاده، پهلوی استانداری، حمام قدیمی دارالحکومه است که‌امروز برقرار است. (عکس شمارهٔ ۱۱۵)

این کتیبه برسردرقدیم عمارت دیوانخانه بوده است:

خورشیدی‌و پیش‌تو نشستن نتوان جمشیدی و جام تو شکستن نتوان
معمار ازل‌که ساخت این در گفتا کین‌باب‌هدایت‌است‌بستن‌نتوان[۱]

عمارت ناصری

عمارت ناصری از بناهای دوران قاجاری است که به دست قاسم‌خان والی رشت ساخته شده بود. از این بنا، امروز اثری باقی نیست. (عکس شمارهٔ ۱۱۶)

عمارت میرزا محمدعلی خان امین دیوان

یکی ازبناهای زیبای‌شهر رشت منزل میرزا محمدعلی خان امین‌دیوان بوده‌است. گچ‌بریهاو پنجره‌های‌رنگین‌نورگیراطاقها بسیارظریف‌وپرکاربوده‌اند. ازاین‌بنا نیز امروزنشانی‌نیست. (عکس‌شمارهٔ ۱۱۷)

---

(۱)سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو ص ۶۹ .

عمارت امیرخان سردار

این عمارت را ابتدا نصرالسلطنه ساخته بود و امیرخان سردار از او خریداری کرد. و مدتها در اجارهٔ قنسولگری روس در شهر رشت بوده است. (عکس شمارهٔ ۱۱۸)

عمارت خلعت پوشان

عمارت کوچکی برسر راه تهران به‌رشت، نزدیك شهر رشت و درفاصلهٔ دو کیلومتری بجارپس بوده است. تشریف و نشان وحمایل ونظایر آنها که‌از تهران برای حکام گیلان فرستاده می‌شد، ابتدا به این‌خانه می‌آوردند و پس‌از انجام تشریفاتی، حاکم خلعت را به‌تن می کرد و یا نشان و حمایل را به‌خود می‌آویخت وسپس وارد شهرمی‌شد. از این بنا امروز نشانی نیست. رابینو نامی از این بنا برده است. (۱)

امروزهم درشهررشت، خانه‌های قدیمی زیبائی، آباد وبرقراراست. این خانه‌ها راکه پاره‌ای از آنها، دست به دست گشته‌اند، با نام صاحبان کنونی آنها یادآور می‌شویم :

۱ ــ خانهٔ سیدعلی آقامقیمی درخیابان گلستان. ۲ ــ خانهٔ سیداسماعیل حسینی ضابری در کوچهٔ امام‌جمعه. ۳ــ خانهٔ سردار معتمد که فعلاً دردست بازماندگان اوست. ٤ ــ خانهٔ یوسف‌خان سمیعی پهلوی بقعهٔ خواهرامام، کوچه لنگرانی. ۵ ــ خانهٔ یوسف‌خان کسمائی که سابقاً متعلق به سرهنگ صفار بود، درخیابان بیستون. ــ خانهٔ حاجی میرزا احمد ابریشمی که سابقاً متعلق به‌میرعباسقلی حاکمی بوده است، درمیدان صیقلان کوچه شاعری ۷ ــ خانهٔ ملك‌آذرمند نزدیك بانك سپه. ۸ ــ خانهٔ آقای بیگلربیگی، ۹ ــ خانه آقای تربیت که سابقاً متعلق به‌آقای مجتهدزاده بود. درمحلهٔ بادی‌الله (= بدیع‌الله) نرسیده به بقعهٔ آقا سیدعباس. ۱۰ ــ خانهٔ امین تذکره.

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۲۹.

برای نمونه، از چهاردستگاه، از این‌خانه‌ها که قدیمی‌تر بود و ارزش بیشتری داشت، عکسبرداری شد. دراینجا به‌شرح مختصری دربارهٔ آنها اکتفا می‌کند.

خانهٔ سیدعلی آقامقیمی
درخیابان گلستان شهررشت

قسمت اندرونی این خانه که شامل دوشاه‌نشین و یك شکم دریده است، موزه‌ای کوچك و با ارزش است، تاریخ بنای آن به‌صدودوسال پیش می‌رسد و بانی آن‌مرحوم حاجی‌سیدرضی مقیمی بوده است. برسراسرطاق‌بنا وبالای‌هلال طاقچه‌ها و برطرفین طاقچه‌ها ورفها گچ بری ظریفی کرده‌اند. (عکس شماره ۱۱۹و۱۲۰و۱۲۱) دررفها که طاق هلالی دارند ظروف چینی و بلور وبارفتن به شکلهای مختلف ورنگهای متفاوت چیده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۲۲) در شه‌نشین اصلی نه در ارسی است که‌آلات آن بسیار ظریف و رنگ شیشه‌های آن بسیار جالب است. (عکس شمارهٔ ۱۲۳) برچهارچوب ارسیها نقاشیهای ظریف وپرکار دیده می‌شود. بالای درهای ورودی شاه‌نشین، خفنگ هلالی باآلات‌ظریف و شیشه‌های رنگین است. درشکم دریده دوسربخاری گچ‌بری شرقی‌وغربی‌است. (عکس شماره ۱۲٤)

بین شکم‌دریده وشاه‌نشین دیگر سه در ارسی با سرطاق آنهاست که‌آنها نیز بسیار پرکار وظریف اند. درشاه‌نشین شمالی، درسربخاری گچ بری ظریف است. وچهار درشرقی‌وچهار درغربی دارد وسه درارسی آن به‌ایوان‌بازمی‌شود. درطرفین این ارسیها، دوجام‌آئینه را با قابهای گچ‌بری قرینه‌سازی کرده‌اند. در شه‌نشین اصلی،کارهای دستی‌قدیم گیلان‌نظیر ابریشم‌دوزی ومرواریددوزی فراوان است که هریك درنوع خود بی‌نظیراست. (عکس‌شمارهٔ۱۲۵)

خانهٔ سیداسمیل حسینی ضبابری
درکوچهٔ امام جمعهٔ شهررشت

خانه‌ای قدیمی است که در رفهای طالار اندرونی آن نه تابلوی بسیار

زیبای رنگ و روغنی است. این تابلوها تمثال پسران ودختران جوان است.

پسران تاج برسر و شمشیر بر کمر، روی قالیچه‌ای نشسته‌اند و برمتکا تکیه کرده‌اند. پشت سر دوتن ازایشان، درطرفین طاقچه‌دو گلدان با گل است. یکی از دختران بر تخت مرصع نشسته و بازی دردست دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۶) سه تن دیگر از دختران درحالات مختلف رقص نقاشی شده‌اند. و اطراف ایشان انواع میوه‌ها دیده‌می‌شود. یك تن از این دختران بر صندلی نشسته‌و کلاه‌فرنگی با پرهای رنگارنگ برسردارد. یك‌تن‌دیگر راست‌ایستاده و گلی دردست‌دارد.

در این طالار دوپنجرهٔ مشبك رنگین بسیار پرکار نیزهست. (عکسهای شمارهٔ ۱۲۷و۱۲۸) متصل به این طالار، اطاق کوچکی است که طاق آن‌را به مستطیلهای کوچك تقسیم کرده و داخل آنها را گلهای مختلف با رنگ‌وروغن نقاشی کرده‌اند. حاشیهٔ این نقشها گلهای‌درشت درمیان پرندگان است. (عکس شمارهٔ ۱۲۹)

خانهٔ‌سردار معتمدرشتی
درکوچهٔ سردار در شهر رشت

این خانه یکی از خانه‌های حکم‌نشین شهررشت است که تقریباً تمام قسمتهای آن برجی است. اندرون. شامل اطاقهای مختلف با گچ بریهای نسبةً زیباست (عکس شمارهٔ ۱۳۰) و سربخاریهای بسیار عظیم و پرکار دارد. (عکس شمارهٔ ۱۳۱) طالار کوچکی دراندرون است که‌به‌نام طالار دوتخت خوابی‌است. این طالار را باید یکی از ظرائف هنر قاجاری شهررشت دانست. حاشیهٔ رفها تمام گچ‌بری است و بالای‌رفها، مقرنسهای‌بسیارظریف‌است (عکس شمارهٔ ۱۳۲)

طاق این طالار، سراسر نقاشی است. درمیان گل وبته‌های بسیارظریف تمثال زنانی دیده می‌شود که موهای بالای پیشانی را یکسره تراشیده‌اند. فرشته‌ها که اطراف نقش‌وسط دیده می‌شوند، نیز جلوسرخود را تراشیده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۳۳) درهای دولتی این‌اطاق ظریف وبربائو و تنکه‌های بالا و پائین آنها نقاشیهای بسیار ظریف است. (عکس شمارهٔ ۱۳۴) سر بخاری این

اطاق بسیار ظریف گچبری شده است و ستونهای طرفین بخاری و سر بخاری لاچ لنگری مار پیچ است که این نوع تراش در ستونهای چوبی مساجد و امامزاده ها نیز دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۳۵)

خانهٔ حاجی میرزا احمد ابریشمی در میدان صیقلان شهر رشت

دوطالار این خانه، بسیار هنرمندانه تزئین شده است. یکی طالار آئینه است که آئینه کاری بسیار ظریفی دارد. (عکس شمارهٔ ۱۳۶ و ۱۳۷) دیگری را باید طالار چینی خانه نام کرد، زیرا در دیوارهای این اطاق، دوائری گچبری کرده و داخل آنها قابهای مرغی بسیار پرارزش قرار داده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۳۸). گیلوئی طاق این اطاق رف مانند است که به قسمتهای یک اندازه تقسیم شده و در هر یک کاسهٔ مرغی باارزشی گذاشته‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۳۹) به نظر بنده این طالار، در نوع خود بی‌نظیر است.

کلاه فرنگی باغ سردار محتشم

باغ محتشم با درختان آزاد کهن سال آن یکی از گوشه‌های زیبای شهر رشت است که فعلاً گردشگاه عمومی و باغ ملی است. سردار محتشم در کنار این باغ بنائی ساخته که تا امروز باقی است و خانهٔ فرماندار رشت است. این بنا سه طبقه است. در طبقهٔ اول و دوم آن دو اطاق و در طبقهٔ سوم یک اطاق به شکل کلاه فرنگی ساده است. (عکس شمارهٔ ۱۴۰) طرح بنا هشت ضلعی است که یکی از اضلاع آن به زائده‌ای مستطیل شکل منتهی شده است.

پلهای شهر رشت و اطراف آن

بر روی رودبار صیقلان یا سیاه رودبار که از شهر رشت می‌گذرد، شصت سال قبل شش پل ساخته بوده‌اند، بدین شرح: پل عراق، (عکس شمارهٔ ۱۴۱) پل حاجی محمد باقر، پل حاجی ملارفیع، در راه قزوین. پل کربلائی میرحسن، پل حاجی احتشام، پل معینی در راه لاهیجان.

بر روی گوهر رود که از کنار شهر می گذرد ، پل چمارسرا در راه فومن ، پل سلیمان داراب درجادهٔ سلیمان داراب . این دو پل را خسرو خان گرجی در ایّامی که حاکم گیلان بود ساخته است . از این پلها امروز اثری نیست. فقط پایه‌های آجری بعضی از آنها دراین دو رودخانه دیده می‌شود .

پل مدیریه
سر راه رشت به شفت

این پل آجری ، دو دهانهٔ بزرگ و یك دهانهٔ کوچك دارد. ارتفاع دهانهٔ وسط ازسطح آب، ۷/۹۰ متر است . عرض آن ۴/۹۰ متر و طول آن ٤٤ متر است . (عکس شمارهٔ ۱٤۲)

پل گوراب لیشاوندان
بر روی رودخانهٔ خوبك
میان جمعه بازار وشهر رشت

این پل آجری دارای یك طاق هلال شکسته بهارتفاع ۹ متر از سطح آب است. برbالای پایه‌های طرفین این دهانه دونیم طاق و در دوطرف پایه‌ها دوطاق کوچکتر است که دهانهٔ هر یك دومتر و نیم است . (عکس شمارهٔ ۱٤۳)

مساجد وتکایا وبقاع ومزارات شهر رشت

مسجد جامع
در محلهٔ بازار

مرحوم میرزا حسن خان اعتماد السلطنه می نویسد : «مسجدی که دررشت به‌اسم جامع معروف است، بعضی‌را عقیده اینست که حاجی جمال پدرهدایت الله خان رشتی، این مسجدرا بنا نموده ، برخی مادر هدایت اللّه خان‌را بانی مسجد می‌دانند. حق این است که به‌طور یقین بانی معلوم نیست . درهرصورت چون‌رو به خرابی نهاده ومحتاج به‌مرمت و تعمیر بود درسنهٔ ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ هجری قمری ، چندنفر از تجار رشت، به‌شراکت، بنای‌مرمّت آن را گذاشتند. به‌این معنی که بنای اول‌را یکباره منهدم‌ساخته، قدری بر طول وعرض مسجد افزودند واز نوبنا کردند . ولی این بنای مجدد ناتمام مانده وبانیها درگذشتند. این مسجدرا هم

مدرسه‌ای بوده که حالا به کلی خراب است» (۱) رابینو از این مسجد در سال ۱۳۳۱ هجری قمری نام می‌برد و از دو کتیبهٔ سنگی آن یاد می‌کند. (۲)

این مسجد که امروز در خیابان رضاشاه و پشت بازار زرگرهاست، بارها خراب شده است و از نو ساخته‌اند.

در حدود پنج‌سال پیش مسجد ناتمام طعمهٔ حریق شد و تا ده‌سال قبل به همین وضع بود، تا جمعی از بازرگانان به‌دستور آیة‌الله حاج محمود ضیابری تجدید بنا کردند وضمن خاك برداری چاه و حوضی قدیمی پیدا شد که امروز، از آن استفاده می‌شود.

این مسجد در سال ۱۳۸۳ قمری از نو ساخته شد. محراب کاشیکاری زیبای آن کار کاشی‌سازان اصفهانی است که کاشیها را پس از تهیه کردن، در محل آورده و نصب کرده‌اند. در ورودی مسجد شمالی است و کاشیکاری سردر آن نظیر کاشیکاری محراب مسجد است. در قسمت شمالی مسجد، بالاخانه‌ای مخصوص زنان است.

کتیبه‌ای سنگی در مسجد جامع رشت (۳)

یا معافی ـ بتاریخ غرّه شهر شوّال المکرم سنهٔ میمونهٔ توشقان ئیل ۱۲۳٤ باخبار مژدهٔ ورود شاهزادهٔ اعظم اکرم والا محمدرضا میرزا روحنافداه وحسب الاشارهٔ مقرب الخاقان معتمدالدوله وبندگان منجم باشی پایندگان وعموم کدخدایان بلدهٔ رشت برای دوام دولت سلطان السلاطین شاهنشاه ایران پناه فتحعلی شاه قاجار ارواح العالمین فداه بدعت عین مستحسنه از بابت تکالیف دیوانی بهراسم و رسم که بر محلات ثمنیهٔ رشت اطلاق می‌شود اهالی بلدان و جمیع ممالك محروسهٔ ایران از هر گونه این تکالیف معاف و بدعت خاص این بلد بود خاصه بطیب خاطر از کل محلات برداشته موقوف داشته‌ایم که اهالی شهر من بعد از این مرفه الحال بدعای ذات خجسته صفات ظل اللهی مشغول گردند و در این باب عهدنامهٔ مؤکد بلعن ابدی و بمهر همهٔ علما رسانیده بمرقوم برسانند به اهالی شهر سپردیم که چون کاغذجات

---

(۱) مرآت البلدان ص ۱۱۹ و ۱۲۰. (۲) گیلان رابینو ص ٧٤ و ٨٦. (۳) از این کتیبه امروز نشانی نیست

را دوامی بعلت مرور سنین وشهور نبوده که باندك مدتی قارئین این آیهٔ عظیم که در سلطنت عظمی وخلافت کبری بحیّز ظهور وصدور رسیده ازخاطرها محو میگشت لهذا برای دوام و بقای این مدعاکه الی قیام الساعة وساعة القیام مقروع سمع خاص وعام گردد خلاصهٔ مدعارا دراین صخرهٔ سمّاة مرقوم و بر دیوار مسجد جامع منصوب ساختیم تا ازتغییر وتبدیل مصون ماند توقع از مؤمنین ومقدسین آنکه چون بر مدعا واقف بشوند پادشاه اسلام پناه‌را بیاد ابدا دعا فرمایند ... بنده گر خدمت کند مز دش حق آقای اوست... چنانچه پس از آن تاریخ هرذی نفسی دوباره باعث بدعت صادرات ویا عوارضات گردد انشاءالله الرحمن بغضب حضرت الله وسخط جناب رسالت پناه وهمدرجهٔ قاتل سید الشهداء باشد . من بدّله من بعد ماسمعه فلعنة الله علیه الی یوم القیامة .(۱)

مسجد گلشن
درمیدان کوچك محلهٔ بازار

این مسجد ازمساجد خوب شهر رشت ویکی از بناهای تاریخی آن است که در میدان کوچك بنا شده است.(۲) مسجد اکنون نوسازی شده است. محراب بسیار بلند آن تازیر سقف وازسنگ مرمر سبز رگه‌دار است. بنای اصلی مسجد ۱۷/۶۰ متر طول و ۱۱/۶۰ متر عرض دارد، طرف شرق وشمال، بالاخانه‌مانندو غرفهٔ زنهاست. درطرفین دوپنجرهٔ بزرگ تقریباً تازیر سقف تعبیه شده است طرف شرق دروردی است که از کفش کن به مسجد واردمی‌شود ودری به آبدارخانه دارد . طرف غرب دری به اطاق خادم ودواشکاف، برای جای قرآن است. طرف شمال دودر است یکی به پله‌های بالاخانه ودیگری به قسمت زیر پله که انبار است می‌رود. طاق مسجد بسیار بلند و لمبه کوبی ظریف دارد. بام آن سفال سر است. ازارهٔ مسجد به ارتفاع یك متر سنگ مرمر سیاه وزرد رگه‌دار است .

سابقاً دارای کتیبه‌ای کاشی به خط نستعلیق مرحوم شیخ محمد فقیهی قزوینی

---

(۱) سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص ۶۵ و ۶۶ (۲) تاریخ علما وشعرای گیلان ص ۲۲ و ۲۳ .

متخلص به‌شیخ وصاحب دیوان شیخ است . دیوان اواخیراً بامقدمه‌ای ازمحمد علی انشائی به‌چاپ رسیده است.

مسجد کاسه فروشان یا مسجد آقا سیدحبیب‌الله تولمی ومدرسهٔ خرابهٔ حاجی‌علی‌اکبر درباز ار خرّازها

مسجدکاسه‌فروشان دربازار خرّازهاست ویکی‌از بزرگترین مساجد شهر رشت‌است . درپشت‌مسجد، مدرسه‌ای به‌نام مدرسهٔ مهدویه است که‌مرکز طلاب علوم دینی است وبا کوشش واقدام سید مهدی رودباری بناشده است.

قبرسیدمهدی‌رودباری‌متوفی سال۱۳٦۸ قمری فعلاً درقسمت شرقی‌مسجد کاسه‌فروشان است‌وسنگ‌مرمری باذکر اسلاف‌او تا حضرت‌خاتم‌النبیین برروی قبر اوست .

طول‌این‌مسجد ۱۸/۵ وعرض‌آن ۱٤متر است. باساختن سه‌فیلپای بزرگ وسط مسجدصحن مسجد را به‌چهار قسمت کرده‌اند . محیط هریك ازاین‌فیلپاها ۳/۲۵متر است. پایه‌های آنها هفت‌ردیف‌کاشی به‌رنگ سبزوسیاه است‌که ارتفاع آنهابه‌۱۰۸سانتیمترمی‌رسد . درقسمت‌شرقی مسجد محوطه‌ای به‌طول ۸/٦۰ و عرض ۷/۱۰متراست که بر دو فیلپای مدوّر متکی است وقسمت زنانهٔ مسجد را تشکیل می‌دهد .

درشمال این‌محوطه‌در ورودی‌آبدارخانه است. پنجره‌هائی به‌ابعادمختلف درجهات‌چهارگانهٔ مسجد تعبیه‌شده‌است. ازارهٔ مسجدرا به‌ارتفاع ۹۸ سانتیمتر کاشی گلدار دوران قاجاری‌چسبانده‌اند. بالای‌کفش کن‌مسجد، اطاقی‌برای‌خادم ساخته‌اند. این مسجدگلدسته‌ای آجری دارد. (عکس‌شمارهٔ ۱٤٤) .

مدرسهٔ مهدویه متصل به‌مسجد کاسه‌فروشان است که‌کتیبه‌ای برکاشی از سال۱۳٦۳ قمری‌دارد که پس ازتعریف علم وعلما واستنادبه‌آیات‌قرآن‌کریم و احادیث‌نبوی، شرائط ومقررات تحصیل دراین مدرسه‌را بیان‌کرده‌است. درآخر

عبارت عمل احمد ولد حاجی یوسف کاشی‌ساز رشتی کوی آفخرا دیده‌می‌شود.

مسجد زرگرها
دربازار زرگرهای رشت

بنای اصلی مسجدبه‌طول ۱۰/۵ وبه‌عرض ۴/۷۵ متراست. محرابی کاشیکاری تازه‌ساز داردکه در پائین آن عبارت «عمل احمد پوریوسف ۱۳۶۱ قمری» دیده می‌شود. این‌مسجد دودر ورودی شرقی‌وغربی‌دارد. نزدیك در ورودی‌شرقی‌مزار آقا میرمحمدشاه فرزند امام زین‌العابدین علیه السلام است . سقف بنای‌مسجد لمبه‌کوبی وبام آن سفال سر است.

بقعهٔ آفخرا
یامزار سید فخرالدین بن‌سید ابوالقاسم بن امام زین العابدین
درمحلهٔ آفخرای رشت

صندوق تخته‌ای‌ساده مزار به‌طول ۱/۶۵ وعرض۱/۲۴ متردر وسط اطاقی به ابعاد۸ × ۷/۹۰ متراست. درورودی‌جنوبی‌است‌وازحیاط به‌صحن می‌آید . هشت پنجره در جهات مختلف این اطاق است . سقف لمبه کوبی بربه‌بر و بام سفال سر است .

درطرف‌غربی بقعه مسجدی‌به‌طول سیزده وعرض هشت‌متراست. دوفیلپای مثمن القاعده دروسط مسجد است که محیط هریك ۲/۸۵ متراست .

کاشیهای قسمت پائین‌فیلپاها قدیمی وتقسیمات‌شطرنجی به‌رنگ‌سیاه‌وزرد دارد. کاشیهای‌داخل محراب که‌گل وبته‌دار است قدمتی دارد. ابعاد هردونوع کاشی چهارده سانتیمتر است. مسجد دارای کفش‌کن وآبدارخانه وحوضخانه و قسمت‌زنانه‌است. پنجره‌های‌متعدد بزرگ‌وکوچك‌درچهار ضلع‌بنا دیده‌می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۴۵)

بقعهٔ بابا ولی
در محلهٔ بازار

دراین‌مزار میرمحمدشاه مدفون است. رابینو، چند فرمان‌دردست‌متولی

این بقعه دیده است ومی نویسددریکی ازآنهارقبات موقوفهٔ این محل شرح داده شده است. تاریخ یکی ازآنها سال ۱۰٤۳ قمری و مهر شاه‌عباس دوم را داشته است.(۱)

ازمزاربابا ولی‌درمحلهٔ‌بازار رشت نشانی‌نیست ومعلوم‌نیست رابینو به‌کدام مزار اشاره کرده است. فعلاً درمحلهٔ بازار مسجدکوچکی به‌نام مسجد باباولی وجوددارد که درمحل‌تکیه‌سر میدان بزرگ است. طول بنای این‌مسجد ۹/۷۰ و عرض‌آن ۶/۵متر است. سمت‌جنوب‌آن حفاظی‌چوبین‌دارد. ازارهٔ مسجدکاشی‌سبز رنگ درهفت ردیف وبه‌بلندی ۱/۰۵ متراست. پنجره‌های متعددی دردیوارهای این‌بناست وطرف‌غرب دری از حوضخانه به‌مسجد دارد. سقف مسجد لمبه‌کوبی وبام سفال‌سر است.

مسجد ومدرسه و تکیهٔ حاجی محمدخان (۲)
در جیرکوچه یا حسن‌آباد محلهٔ بازار

مقداری از اراضی مسجد ومدرسه وتکیه‌در خیابان رضاشـــاه افتاد و مقداری از اراضی‌آنها صرف‌بنای‌بانك‌بازرگانی، کافه‌قنادی شرق، دوباب‌نانوائی، یك باب علافی ، یك باب سقط فروشی و یك باب دارو خانــه به نام داروخانهٔ گیلان شد.

درباقیمانده اراضی‌آن درسال ۱۳۳٤ شمسی، جمعی ازبازرگانان‌نیکوکار رشت تجدیدبناکردند وپس‌از دوسال مسجدی نوساز به‌جای مسجد قدیمی برپا کردند. بنای‌مسجد مربع‌شکل‌است وبردر تازه‌ساز آن آیاتی ازقرآن کریم‌حك کرده‌اند. سقف‌بنا لمبه‌کوبی وبام سفال‌سر است.

کتیبه‌ای سنگی درمسجد حاجی محمدخان درشهر رشت(۳)

در زمان خسرو دین پرور آموزگار
در قرانِ فرّخ کیهان خدای روزگار

---

(۱) گیلان رابینو ص ۸۶. (۲) حاجی محمدخان پدر مدیرالملك بوده است ، رابینو درکتاب گیلان خود ص۷۵و۸۶ ازاین بنا یادکرده‌است. (۳) ازاین کتیبه‌امروزنشانی‌نیست.

آسمان داد و دین، فتحعلی شه آنکه کرد
داد و دین را استوار از یاری پروردگار
پاک دین حاجی محمد خان که آمد از ازل
نیک روی و نیک رای و نیک خوی و نیک کار
دست او دلکش سحابی آفتاب آنرا مطر
بخت او فرّخ همائی آسمان آنرا مطار
چون بود از بهر فردوسش ثواب اندر ثواب
چون بود در ره یزدانش نثار اندر نثار
این همایون مدرسه وین نغز مسجد توأمان
بهر علم و بهر ایمان کرد در رشت استوار
در جهان ناپایداری دید افکند از خرد
طرح بنیادی کزو ماند بعالم یادگار
حجره اندر حجره آن را صانه‌الله خلدسان
صفه اندر صفه این را لوحش الله چرخ وار
هم مدرس اندر آن ادریس دانا از میان
هم مسبح اندر این جبریل فرّخ از کنار
الغرض چون از محمد زیور اتمام یافت
علم و ایمان در امان این همیون روزگار
منشی طبع صبا از بهر تاریخش نوشت
کز محمد شد بنای علم و ایمان آشکار (۱)

مدرسهٔ نایب الصدر

در بازار زرگشان نزدیک میدان کوچک (۲)

سبک بنای این مسجد خاص و عجیب است. سه طرف حیاط غیر از سمت

---

(۱) ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص ٦۸ و ٦۹. (۲) رابینو در کتاب گیلان ص ۸٦ این مدرسه را درمحلهٔ زاهدان آورده است.

در ورودی بنائی دو طبقهٔ چوبین است و حجرات طلاب در این دو طبقه جای دارد. در یکی از حجرات تحتانی این مدرسه، زمانی میرزا کوچك خان جنگلی طلبهٔ با تقوای آن زمان اقامت داشته است. کتیبه‌ای سنگی که اشعار زیر بر آن حك است بر سردر مدرسه تا امروز باقی است. (عکس شمارهٔ ۱۴۶)

هوالباقی

عمل کربلائی ولی قزوینی

جزای خیر بر این خیرخواه پاك نژاد
که این خراب شد از همّت کفش آباد

جهان حشمت و اجلال حاجی میرزا علی
که شاه نایب صدرش لقب زیاکی داد

چه دید مدرسهٔ جنب خانهٔ خود را
نمود ظلم فلك منهدم زسنگ عناد

پی حمایت شرع مبین ز کف کریم
فشاند سیم و زر آنقدر آن یگانه نژاد

که گشت غیرت تدریس خانهٔ ادریس
مر این خجسته مقامی که هست باب مراد

همین دو سه چاده باب دکه سهم از خود (؟)
پی مصارف موقوفه اش نمود زیاد

که تا بپاست مر این جاودان بنا باشد
همیشه خادم و طلاب و عابرانش شاد

غرض ز بخت فلك گشت بانی ثانی
چه این بنای مبارك دوباره شد ایجاد

زبان خامهٔ طغرل بنام تاریخش
سرود مدرسهٔ صدر باشد این بنیاد

کاتب ۱۲۰۸

بالای کتیبهٔ گچ‌بری این سردر عبارت زیر دیده می‌شود:
اتمام مدرسه صدریه غرّهٔ شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۱۲.

مسجد آقاشیخ جواد = مسجد ولی‌عصر

طول بنای مسجد ۱۶/۵ وعرض آن ۱۱ متراست . محراب گچ بری بسیار بدخطی دارد که آیاتی چند از قرآن کریم بر آن دیده می‌شود . وسط مسجد از شرق به‌غرب دوفیلپای هشت صنعی است که محیط هریك ۳/۱۰ متر است . طرفین هرفیلپادوستون ازچوب آزاد است . این مسجد غرفهٔ زنانه، آبدارخانه و کفش کن نیز دارد . درچهارجهت‌بنا، پنجره‌هائی به‌اندازه‌های مختلف‌است . سقف سراسر بنا لمبه کوبی بربه بروبام سفال‌سر است .

مزارسید ابوجعفر وتکیهٔ آن
در محلهٔ استادسرای رشت

این مزار که برسرتپه‌ای درمیان‌قبرستانی عمومی است ، از مزارات‌مهم شهر رشت است . قبرستان و مزار ، نزدیك عمارت حکومتی است . نزدیك یکی از درهای ورودی قبرستان ، برجی آجری هشت ضلعی است که بامی مخروطی دارد . اهالی می‌گویند، شخصی به‌نام «دیوسلطان» ازفرستادگان شاه‌عباس اول، در اینجا به‌خاك سپرده شده است . درمزار سیدابوجعفر کتیبه‌ای برتخته‌ایست که آن را قاب کرده و دریکی از بدنه‌های صندوق مزار جای داده‌اند . این کتیبه‌حاکی است که اینجا ، مدفن سیدابوجعفر ، پسرعموی پیغمبر و برادر رضاعی امام حسین علیه‌السلام است که صندوق مزار او به‌دستورحسام‌الدین، در زمان تولیت‌ملاشمس‌الدین ساخته شده است . خط کتیبه ازمحمد صوفی‌ومورخ ۱۰۰۹ قمری است . (۱)

عبدالفتاح فومنی،این‌مزاررا متعلق‌به‌استاد جعفر می‌داند.(۲)شاید محلهٔ استادسرا به‌نام این‌شخص معروف شده است .

میرظهیرالدین می‌نویسد که درمحلهٔ استادسرای‌رشت، کارکیا سیداحمد کیا، برادرکارکیاسیدناصرکیای‌لاهیجانی‌را دربیست وهفتم‌رجب سال۸۵۲قمری

---

(۱) گیلان رابینو ص ۷۶ (۲) تاریخ گیلان ص ۲۱۸ .

به‌خاک‌سپردند. بعید نیست که نامبرده درهمین گورستان قدیمی به خاک‌سپرده شده باشد.(۱)

کتیبهٔ‌صندوق سیدابوجعفر بامقداری فرسودگی وریختگی به‌شرح‌زیر به‌دست‌ما رسیده‌است:

. . . . . . سنه تسع و الف عام — این چنین صندوق نیکو شد تمام

از برای مرقد پاك کسی — کو بود سیّد ابو جعفر بنام

مصطفی را ابن عمّ زاده بود — مجتبی و مرتضی را شد غلام

شیر خورده با حسین بن علی — از دو پستان بتول نیکنام

نیست شکی اندرین‌قول ای عزیز — آنکه آرد شك جهنم شد مقام

. . . . برهمه کافر شدند — جمله را کرد او مسلمان بالتمام

[این‌مکان] بس شریف‌وبس‌لطیف — التجا گاه از برای خاص و عام

. . . . ت این مرد خدا — در نوشتن راست کی آید تمام

. . . . مردی ملا شمس دین — قاری قرآن بنا(؟) حتی سلام

کرد زیب مسجد مرد سلیم — راحما کن رحم در دار السلام(؟)

ساخت این صندوق را ازروی جدّ — حضرت استاد حسام الدین تمام

ساخت این اشعاررا از روی صدق — پیر ده محمود صوفی والسلام

۱۰۰۹ هجری

ازاین مزار و قبرستان قدیمی اطراف‌آن و گور دیوسلطان کوچکترین اثری نیست محل‌آن اراضی شهرداری کنونی بوده‌است.

مسجد امام الدوله و تکیهٔ دولت
در محلهٔ جیرباغ یا نقاره‌خانه (۲)

تکیهٔ‌دولت ومقداری از مسجد امام‌الدوله را هنگامی که اسمعیل خان سرابی (= قلعه بیگی) وسرتیپ محمدحسین خان آیرم شهردار رشت‌بودند

(۱) گیلان دراینو ص۷۶ . (۲) دراینو این‌مسجد وتکیه‌را درمحلهٔ استادسرا می‌داند . (گیلان دراینو ص ۸۶).

برای ایجاد خیابان گلستان، خراب کردند، مقداری از مسجد در دهنهٔ جیرباغ بدین شرح باقی است :

طول مسجد فعلی بیست متر وعرض آن نه متر است. دو در ورودی مسجد شمالی است وضلع شمال چهار پنجرهٔ بزرگ دارد. درضلع جنوب سه پنجرهٔ بزرگ سراسری تازیرطاق ویك در ویك پنجره به آبدارخانه دارد. غرفهٔ زنانه درضلع شرقی است ودر ورودی غرفه نیز دراین سمت است.درضلع جنوب، ایوانی به عرض یك متر بدون ستون است . سقف بنا لمبه کوبی با درزپوش خطدار و بام آن سفالسر است .

مسجد ومدرسهٔ حاجی حسن

درمحلهٔ صالح آباد که امروز به بازارچهٔ سبزمیدان معروف است (١)

بنائی سده که طول آن ١٢/٩٠ وعرضش ١٢/١٠ متراست.دوفیلپای هشت ضلعی دروسط بنسست. محرابش گچبری ومقرنسهای ساده دارد.در طرفین محراب یك پنجرهٔ کوچك ویك پنجرهٔ بزرگ است. سه پنجرهٔ بزرگ سراسری تازیر سقف درضلع شمالی است. در ورودی درضلع غربی است ودراین ضلع یك پنجرهٔ بزرگ ویك پنجرهٔ کوچك روبه حیاط است . درضلع شرقی، چهار در ویك پنجره، به طرف حیاط بازمی شود. سقف سراسر بنا لمبه کوبی و بام سفالسر است .

حیاط مدرسه، پشت مسجد وده حجرهٔ طلبه نشین دارد.

مسجد ومدرسه وتکیهٔ مستوفی

درمحلهٔ استادسرا درراه بجارکن

بنیان گذار این مسجد ومدرسه وتکیه،مرحوم میرزا محمد طاهر مستوفی است. سپس حاج شیخ مهدی لاکانی آن را تعمیر ومرمت کرده است. مسجد فعلی شامل بنائی است مستطیل شکل به طول ١٦/٧٠ متر وعرض ٨/٣٠ متر(عکس شمارهٔ ١٤٧) سه فیلپا دروسط بناست که مقطع دوعدد از آنها هشت ضلعی ومقطع دیگری

(١) رابینو این مسجدرا درمحلهٔ استادسرا می داند . گیلان رابینو ص ٨٦ .

مربع است. محرابی کاشی‌کاری با گچبری مقرنس‌ساده دارد. (عکس شمارهٔ ۱٤٨)
بربالا وطرفین محراب نوشته‌هائی است که شرح خواهیم‌داد.

طرفین محراب دو پنجره‌دارد که اطراف آنها نیز کتیبه‌هائی از کاشی دیده می‌شود (عکس شمارهٔ ۱٤٩ و ۱٥٠)

درطرف قبلی دری به کوچه است که از کوچه وارد قسمت زنانه می‌شود. در شرق نیز دو پنجرهٔ بزرگ تا زیر سقف ، به‌حیاط مسجد ودرشمال نیز دو پنجرهٔ بزرگ ویک‌در ورودی به‌حیاط مدرسه بازمی‌شود. از دردیگری از کفش کن به قسمت زنانه‌می‌روند. گلدستهٔ آجری نسبةً ظریفی بر گوشهٔ بنای این‌مسجداست (عکس شمارهٔ ۱٥۱) مدرسهٔ مستوفی در شمال همین مسجد ودارای‌شش حجره است. سقف‌سراسر بنا لمبه کوبی وبام سفال‌سراست.

کتیبهٔ بالای محراب مسجدمستوفی

میرزا محمدطاهر مستوفی فرخنده سرشت
ساخت این مسجد و مدرس سعادت دررشت
شد چو در عهد مهین فتحعلی شه برپا
عقل بنمود رقم کاین شده مانند بهشت
یا باقی ۱۲٤۲

کتیبهٔ داخل محراب ودو طرف آن

فی یوم‌جمعه من‌شهر شعبان المعظم سنهٔ ثلاث واربعین ومائتین بعدالالف‌من الهجرة النبویه صلوات‌الله علیهم اجمعین ۱۲٤۳ .

الله محمد علی‌فاطمه‌حسن‌حسین - ۱۲٤٤- یا حنّان یا باقی - الله‌لااله‌الا هوالحی‌تا وهوالعلی العظیم. پایان‌یافت فی ۱۲٤٤. درآخر کتیبه‌ها که به‌پنجرهٔ شرقی ختم می‌شود این عبارت دیده می شود . عمــل استاد محمد تقی کاشی‌پز قزوینی ۱۲٤٤ .

بر حاشیهٔ پنجرهٔ غربی‌محراب « شکیّات مجتهد العصر والزمانی جناب

حاجی‌سید محمدباقر سلّمه‌الله تعالی شانه» را به‌زبان فارسی بر کاشی نوشته‌اند که به‌نظر این بنده کاری عجیب و بی‌نظیر است.

تکیهٔ

محلهٔ استادسرا

به‌دستور سرلشکر عطاپور، هنگامی که‌شهردار رشت‌بود، به‌عنوان توسعهٔ معبر خراب کردند.

مسجد جیر کوچه

طول مسجد فعلی ۱۳/٦۰ وعرض آن ٤/٥ متر است محرابی تازه باکاشی سفید ورنگ‌وروغن‌ساخته‌اند. در دوطرف‌محراب دوپنجرهٔ بزرگ تا زیر طاق است. کفش کن وحوضخانه وغرفه‌ای برای‌زنان دارد. خانهٔ‌مجاور ضلع‌شمالی‌را خریداری کرده‌اند و قصد دارند سراسر مسجد را خراب‌کنند واز نومسجدی بزرگتر بسازند.

چله‌خانه ومرقد آقا میر نظام الدین (۱) بن امام علی النقی علیه‌السلام ومسجد متصل به‌آن درمحلهٔ چله‌خانهٔ شهر رشت

طول بنای اصلی‌بقعه ازداخل ٦/۷٥متر وعرض‌آن ۷/۲۰ و ۳/۸۰ متر است. درقسمت باریك‌بقعه، صندوقی به‌طول ۱۷٥ وعرض‌۹۳ وارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر بر مرقد میرنظام‌الدین قراردارد. برحاشیهٔ‌بالا وپائین‌صندوق، باخط نسخ‌متوسط، سورهٔ یس‌تاآخرحك شده است. سقف بقعه، لمبه کوبی بادرزپوشی خطدار پهن است. دو در ورودی طرف جنوب وغرب بناست. طرف‌شرق یك‌پنجره به‌طرف مسجددارد. درطرف‌شمال یك‌در ودوپنجرهٔ نورگیر دردوطرف در است. (عکس شمارهٔ ۱٥۲)

مسجد چله‌خانه:

---

(۱) شایدمیرنظام رشتی که‌عبدالفتاح نام‌اورا جزء ارباب‌صلاح واصحاب فلاح آورده است‌همین شخص باشد (تاریخ گیلان ص ۸۹).

مسجدی در شمال بقعه به‌طول ۱۴/۲۰ و عرض ۵/۹۰ متر است. باقی صحن مسجد به‌طول ۱۳/۴۵ و عرض ۶/۵ متر است. سقف مسجد نیز مانند سقف بقعه، لمبه کوبی با درزپوش پهن خط‌دار است. ازارهٔ مسجد به‌ارتفاع ۶۵ سانتیمتر کاشی کاری مورخ ۱۳۶۳ قمری و «عمل احمدپور یوسف درمحلهٔ آفخرای رشت» است. محراب مسجد گچ بری ساده حاشیهٔ آن آیهٔ نور تا آخر گچ بری شده‌است. دردوطرف بالای محراب بسمله تکرارشده‌است. دردو گوشهٔ محراب «یاحنّان» و «یا منّان» و وسط محراب «سبحان ربی الاعلی و بحمده. اللهم صل علی محمد و آل محمد» گچ بری است.

در ورودی شمالی و پنجره‌های این ضلع متصل به‌آن است. درطرف غرب یك پنجره به‌خیابان دارد. درطرف جنوب در ورودی بقعه و در ورودی انبار است. طرف شرق سه پنجرهٔ بزرگ و در ورودی کفش کن است. بام سراسر بنا سفال‌سر است و گلدسته‌ای آجری دربام دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۵۳) یك درخت آزاد کهنسال و یك درخت سمد (= نارون) درحیاط است. آرامگاه دکتر حشمت نیز درصحن همین حیاط است.

وجه تسمیه محلهٔ چله‌خانه ازاینجاست که چله‌خانهٔ میر نظام‌الدین تا سنوات اخیر درضلع شرقی این مسجد بودو بقایای آن دیده می‌شد. پس از تعمیر قبر دکتر حشمت و مسجد، آن آثار ازمیان رفت. بیشتر درویشان رشت درمحلهٔ چله‌خانه سکونت داشته‌اند. امروز نیز معصوم‌زادهٔ کیائی پیشوای فرقه‌ای از دراویش نعمت اللهی دراینجا ساکن است.

سنگ مزار مرحوم دکتر حشمت

«آرامگاه شهیدراه حرّیت واستقلال ایران مرحوم جنّت‌مکان خلدآشیان دکتر حشمت جنگلی طالقانی نوری الاصل همقدم ورفیق مرحوم میرزا کوچك خان جنگلی طاب ثراه بتاریخ چهارم اردیبهشت ۱۲۹۸.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما»

دکتر حشمت طبیبی حاذق بود، مجرّد آمد ومجرّد رفت. سدونهر حشمت رود را او ساخت درمحل قرق کارگزاری‌یعنی محل فعلی ادارهٔ ثبت، جائی که‌حوض ساخته‌شده‌است حلق‌آویز شد .

بقعهٔ دو برادران
درمحلهٔ خمیران صندوق عدالت رشت

قبری است به طول ٤٣٠ و عرض ٢٧٠ وارتفاع ٦٠ سانتیمتر در هوای آزاد . اطراف این مزار قبرستانی قدیمی بوده است که امروز اثری از آن باقی نیست .

تکیهٔ صیقلان ومزار آقا سیدگلان(١)
در محلهٔ صیقلان رشت

اطراف‌مزار آقا سید گلان قبرستانی قدیمی بود. مزار وقبرستان‌درفلکهٔ صیقلان افتاد وازمیان‌رفت. تکیه‌هم‌درغرب مسجد صیقلان هنوز برقرار است‌و اثرقابل‌ذکری ندارد.

مسجد صیقلان
درمحلهٔ صیقلان رشت

بنای اصلی‌مسجد ازداخل‌به‌طول ١٦/٤٠ وعرض ٩/٥٠ متر است.محرابی تازه‌ساز با دوستون رنگین در طرفین دارد . غرفهٔ زنان درضلع شمالی وزیر آن در ورودی اصلی مسجد است . درطرف غرب در ورودی به آبدارخانه وسه پنجرهٔ بزرگ است . درسمت جنوب دوپنجره در دوطرف محراب است که‌یکی ازآنها به‌کتابخانهٔ مثلث‌شکلی بازمی‌شود. سقف سراسربنا لمبه‌کوبی بادرزپوش خطدار وبام‌حلب سر است .

---

(١) رابینو درکتاب گیلان حود «آقا سید گَلان» (بفتح کاف) ذکر کرده است . (گیلان رابینو ص ٨٦) .

تکیهٔ آقا کوچك و پهلوان حسن
درمحلهٔ سرخ بنده

از این تکیه امروز اثری نیست وسراسر آن دکان شده است.

مسجد سرخ بنده (۱)
درمحلهٔ سرخ بندهٔ رشت

طول مسجد ۱۵/۶۰ وعرض آن ۹/۸۰ متر است. دوفیلپای آجری هشت ضلعی دروسط مسجداست. چهار ردیف کاشی به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر، برپائین فیلپاها چسبانده‌اند. محراب مسجد از سنگ مرمراست ودروسط «کلما دخل علیها زکریا المحراب» ودر گوشهٔ بالاسمت راست «الصلوة قربان کل تقی» سمت راست محراب: بسمله و آیهٔ نور تا «لنوره من یشاء» وسمت چپ بسمله سبحان الذی اسری تا هوالسمیع البصیر صدق‌الله العلی العظیم. الصلوة معراج المؤمن. ربّنا تقبّل منا انك انت سمیع علیم. وقف علی کریمی ۱۳۴۲.

در دوطرف محراب ازارهٔ سنگی به ارتفاع ۷۰ سانتیمتر ودر دوطرف ازاره، دو پنجرهٔ بزرگ تا زیر سقف است. قسمتی از سمت راست محراب کاشیکاری است. بر زمینهٔ آبی با خط سفید، بسمله و باخط نستعلیق اشعار زیر نوشته شده است:

این دکاکین که هست نه گانه   وقف شد ازبرای این خانه
تولیت با خسودم بود مادام   بعد با نجل پاك فرزانه
بازکوراست نسل بعدازنسل   تا نیفتد بدست بیگانه
گر نباشد ذکوری اندر بین   با اناث است حق پرستانه

کاشیکاری ازاحمد پورحاجی یوسف درسال ۱۳۳۲ است.

ازارهٔ دیوار داخلی واطراف فیلپاها، کاشی سبز گلدار است. در ورودی غربی است. درضلع شمالی سه پنجرهٔ بزرگ ودرضلع شرقی در ورودی از کفش کن

(۱) رابینو ازتکیهٔ سرخ بنده نیز یادمی کند که امروزاثری ازآن برجای نیست.

ودری دیگر به اطاقی که دراین سمت است باز می‌شود. سقف سراسر بنا لمبه کوبی خطدار است و بام سفال‌سر است .

مسجد حاجی مجتهد
درمحلهٔ صیقلان

این مسجد را به‌جای مسجد حاجی علی اکبر به تازگی ساخته‌اند . دری نسبةً ظـریف دارد . این دو بیت بر چهار چوب آن به خط نسخ حك شده است .

ای نام تو آرایش وعنوان کلام — وی یاد تو آرامش هر بی‌آرام
در حیّز امکان تصوّر هرگز — بی‌یاد تو آغاز نگیرد انجام

در کنج بالا ، طرف راست «عجلوا بالصلوة قبل الفوت» و طرف چپ «عجلوا بالتوبه قبل الموت» حك شده است.

دروسط قسمت خورشیدی در: ادخلوها بسلام آمنین .

وزیر آن این اشعار حك شده است :

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدائی

نروم جز بهمـان ره که توام راه نمائی

همه درگاه تو جویم همه ازفضل تو پویم

همه توحید تو گویم کـه بتوحید سزائی

هذا من فضل ربی. طرح وعمل ازعلی پیکانی خراسانی ۱۳۳۰ .

مسجد حاجی صمدخان
درمحلهٔ باقرآباد رشت

بنای اصلی مسجد تقریباً به‌شکل مربع به‌ابعاد ۱۴/۴۰ و ۱۲/۳۰ متر است . (عکس شمارهٔ ۱۵۴) چهارستون گچ‌بری دروسط مسجد است و گنبد مسجد بر آن متکی است. (عکس شمارهٔ ۱۵۵ و ۱۵۶) محرابی گچ بری بسیاربلند دراین مسجد است که تقریباً تازیرسقف می‌رسد. گچ‌بری آن نسبةً خوب است. (عکس شمارهٔ ۱۵۷) این آیات واشعار بر محراب گچ‌بری شده است:

بسمله نصرمن‌الله و فتح قریب. دروسط محراب سوراخ مدوری است که زیر آن‌چهار بیت شعرعربی برسنگ مرمری حك شده‌است که به‌علت بالا بودن خوانده نشد. تاریخ ١٣٣٤ در این سنگ دیده می‌شود:

برمحراب آیات و احادیث زیر گچبری شده‌است:

وان یکاد تا للعالمین و انما یعمر مساجدالله تا غفوررحیم و آیة الکرسی تا فیها خالدون والصلوة عمود الدین .

طرف چپ محراب این اشعار بر سنگ مرمری (عکس شمارۀ ١٥٨) حك شده است :

هو الله تعالی

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین

یارب این مسجد الاقصی است پدیدار آمد
یا که منظرگه موسی است در انظار آمد

بانیش کیست که بنمود مر این خانه بنا
الحق الحق که بر او مدح سزاوار آمد

بانیش عبد الصمد و صاحبش الله الصمد
اندرین خانه ملك خادم دربار آمد

پنج درب دگه بنا کرد بموقوفۀ او
در عوض جنّت فردوس خریدار آمد

پنج منزل ز پی دگه برای عزاست
زین سبب شافع او احمد مختار آمد

بین این مسجد و این دگه شود بعد بنا
هست موقوفه بدانید بطومار آمد

هر که بر توصیه بنمود عمل رحمت باد
بر مخالف ز ازل لعنت قهّار آمد

ذکر تسبیح و دعا گشت از این خانه بلند

سنهٔ الف چو در سیصد و سی چار آمد

شوقی ابن حسن این توصیه آورد بنظم

مغفرت بر گنهش حضرت ستّار آمد

برسمت راست محراب این کتیبه برسنگ خاکستری رنگی (عکس شمارهٔ ۱۵۹) حك شده است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الواقف علی الضمایر والصلوة علی محمد وآله خیر الاوایل والاواخر وبعد قال النبی اذا مات ابن آدم انقطع عمله الاثلث من صدقة جاریه اوعلم ینتفع او ولد صالح یستغفر له توفیق شامل حال گردید جناب آقای حاج صمدخان تاجرباشی شیروانی الاصل مقیم رشت دام اجلاله را بر اینکه وقف صحیح شرعی نمود تمامی مستغلات ذیل را برای مسجد جدید البناء خود من جمله یك باب کاروانسرای کاریخانه سمت قبلهٔ مسجد ارضاً واعیاناً باکافه متعلقات آن وهفت باب دکان که ابتدا ازکاروانسرای مزبور تادروازهٔ اول مسجد وپنج باب دکان از در اول مسجد که ابتدا ازدکان مسکونهٔ شیخ حسن تا دروازهٔ دویم مسجد و خانهٔ مسکونهٔ آقا سید حسن با تمام متعلقات آن که واقع است پشت پنج باب دکان مزبور ودو باب خانهٔ کالیپوشی محمد حسن ورمضانعلی عرابه‌چی ارضاً واعیاناً تاپشت خانهٔ مرحوم مشهدی حمید شیروانی بازمین خانهٔ مخروبهٔ سفالی وزمین بیاض سمت قبله پشت کاروانسرا تا برفچاه و خود برفچاه تاپشت خانهٔ مشهدی حمید که تمام اراضی واعیان مرقومه موقوفة[1] مسجد که عایدات هر ساله بعد از تعمیرات لازمهٔ موقوفه ومخارج مسجد از نفت وچراغ وحصیر وچکه گیری ودوراز[2] واجرت خادم حسب قرارداد باقتضای وقت صرف شود ومبلغ چهارده تومان هرماهه بامام راتب مسجد بدهند ودردهٔ عاشورا هرساله بهرمکانی که صلاح بدانند صرف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام شود وهرگاه بعداز این

---

(۱) فعلا ازاین رقبات فقط خانهٔ سیدحسن ودکانهای سمت شرق مسجد که کنارراه باقرآباد است، باقی است . مابقی رقبات را دیگران به‌نام خود ثبت کرده‌اند.

(۲) دوراز کردن یعنی سفالهای شکستهٔ بامرا عوض کردن.

مخارج از عایدات موقوفه زیاد آمد متولی ضبط نماید که درمخارج تعمیر مسجد دروقت حاجت صرف شود و درضمن انشاء وقف شرط شده که هرگاه مخارج مهمی برای مسجد لازم شد که عایدات موقوفه وفاء بآن نکرد متولی مأذونست که قطعهٔ از موقوفه راچه از اراضی وچه از اعیان بفروشد ودرمصرف مسجد صرف نماید و تولیت موقوفه مادام الحیات باخود واقف میباشد و بعد ازعمر طبیعی ایشان با جنابان آقا کربلائی پاشا رمضان اوف و آقای آقا کربلائی محمد باقی علی اوف تاجران بادکوبه مقیمین رشت می باشد و بعد ازعمر طبیعی متولیان معظم لهما بهر کس که تفویض نمودند مختارند وامام راتب به نظارت متدینین از رؤسا واهل محله بطناً بعد بطن ونسلاً بعد نسل بنحو مزبور بنظارت ناصرین درهر طبقه از رؤساء محلهٔ اطراف متولی مسجد میباشند که تعیین امام نمایند از اهل علم وتقوی وعایدات موقوفه را بنحو مزبور عمل نمایند الی ظهور امام زمان عجّل الله فرجه فمن بدّله بعدما سمعه فانما اثمه علی الذّین یبدلونه هرگاه برخلاف وصیّت عمل نمایند بلعنت خدا و نفرین رسول خدا گرفتار شوند کان ذلك فی شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۳٤۱.

دردو طرف محراب، دو پنجرهٔ بزرگ که بالای آنها هلال شکسته است به حیاط باز می شود. درطرف غرب شش پنجره و یك در بزرگ ورودی است. درطرف شمال چهار در ورودی به آبدارخانه واطاقی که قبر بانی مسجد یعنی حاجی صمدخان و پسرش ـ تیمور ـ در آنجاست. بالای این دو اطاق غرفهٔ زنانه است که پنج پنجرهٔ نورگیر دارد. درشرق وغرب غرفهٔ زنانه نیز دو پنجرهٔ نورگیر است. درطرف شرق نظیر سمت غرب شش پنجره و یك در ورودی بزرگ است.

بالای سرستونها، داخل دایرهٔ گنبد آیهٔ نور تا آخر ولااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله درانتهای آیه گچبری شده است. (عکس شمارهٔ ۱٦۰) دردایرهٔ کمربند گنبد، چهار پنجرهٔ نورگیر ویك در کوچك است. سراسر سقف لمبه کوبی خط دار پهن است.

درصحن مسجد منبری مشبك است که روبهمرفته کار ظریفی است. (عکس شمارهٔ ۱٦۱) این کتیبه بریك طرف منبر است.

بحسب الامر رستم رضاقلی زادهٔ باد کوبی ۱۳۳۵.

ودرطرف دیگر منبر :

عمل مشهدی حاجی بابا ولد کربلائی علی النقی باد کوبی.

چهارطرف مسجد حیاط وسیعی است که درختان متعدد و گلکاری منظمی دارد.

مسجد زرجوب
در محلهٔ زرجوب رشت

بنائی سادهٔ مستطیل شکل است. غرفه‌های زنانه در شرق وغرب داخل بناست زیر غرفهٔ غربی، حوضخانه و آبدارخانه وزیرغرفهٔ شرقی کفش کن ودر ورودی مسجد است.

محرابی ساده دارد که دو ستون، طرفین آن است. در دوطرف محراب دو پنجرهٔ بزرگ تا زیر سقف است ودرطرف شمال نیزسه پنجره دارد. ازارهٔ مسجد، از داخل پنج ردیف کاشی کاری است. ردیفهای وسط سفید وردیف بالا وپائین رنگین است. سقف سراسر بنا، لمبه کوبی وبام سفال سراست.

مسجد چهل تن خمیران
در محلهٔ خمیران رشت

طول بنا از داخل ده متر وعرض آن هشت متر ونیم است. دو فیلپای قطور هشت ضلعی در وسط مسجداست که محیط هریك ۳۱۸ سانتیمتر است وپایهٔ آنها تا یك متر کاشیکاری دوران قاجاری است. ازارهٔ داخلی بنا کاشیکاری تازه ومورخ ۱۳۵۳ قمری است. محرابی گچبری بدخط درمسجد است که برحاشیهٔ آن، انّ الله نورالسموات تا والله بکل شیئ علیم گچبری شده است. قسمت بالای محراب بسمله و این دو مصراع بردوطرف آن است:

روزیکه علی بکعبه آمد بوجود   ازبهر علی خدا در از کعبه گشود

طرف شمال مسجد، ایوانی چوبین بطول ۱٤ متر وعرض ٤٠ ١سانتیمتر ساخته‌اند که هشت ستون چهارسوی نازك بدون سرستون وسرنالی چهارسوی نازك دارد.

سقف ایوان پل کوبی است. طرف غربی صحن اصلی مسجد، دو پنجرهٔ بزرگ به خارج و طرف شرقی آن پنجره‌ای بزرگ به آبدارخانه و دری به کفش کن شرقی دارد. سقف صحن مسجد لمبه کوبی با درز پوش ساده و سراسر بنا سفال سر است. مأذنه‌ای کوچک آجری با بامی سفال پوش در بام بنا، دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۶۲)

مسجد شیخ زاهد
در محلهٔ خمیران زاهدان در شهر رشت

مسجدی مربع شکل به ابعاد ۱۲/۲۰ × ۱۲ متر است. تمام صحن با یک ستون چوبین هشت ضلعی و دو فیلپای آجری به سه قسمت تقسیم شده است. دو سر تال بر ستون و دو فیلپا متکی است. دو پنجرهٔ بزرگ سراسری در طرفین محراب و دو پنجرهٔ بزرگ سراسری در ضلع غربی که قسمت مردانه است و یک در ورودی و یک پنجرهٔ کوچک در قسمت زنانه دارد. در سمت شرقی کفش کن، در ورودی مسجد است. محراب مسجد سراسر کاشی آبی رنگ و بالای هلال محراب سنگی است که لا اله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله در عین ظرافت و با خطی خوش بر آن نقر شده است. گلدسته‌ای آجری بر بام مسجد دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۶۳)

مسجد آقا میر عیسی
در محلهٔ خمیران زاهدان

مسجد کوچکی است به طول ۱۰/۱۰ و عرض ۶/۴۰ متر. محرابی گچ بری ساده دارد که آیات هفده و هیجده سورهٔ توبه را از «ماکان للمشرکین تا یکونوا من المهتدین» گچبری کرده‌اند. غرفهٔ زنانه، بالاخانه مانند و در غرب بناست. زیر این قسمت آبدارخانه و در غرفه و در ورودی مسجداست. طرف جنوب، چهار پنجرهٔ بزرگ، در دو طرف محراب و در طرف مشرق یک پنجرهٔ نورگیر تعبیه شده است.

مسجد و تکیهٔ چهار برادران
در محلهٔ چهار برادران زاهدان

مسجد قدیمی و تکیه را خراب کرده اند و به جای آنها مسجدی به طول

۱۷/۸۰ و عرض ۱۰ متر، از آجرهای قدیمی ساخته‌اند. این بنا شامل غرفهٔ زنانه و کفش کن و اطاق خادم و آبدارخانه است.

مسجد و بقعهٔ سید ابوالقاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام در محلهٔ سید ابوالقاسم رشت

بنای اصلی بقعه به طول ۶/۶۵ و عرض ۴/۳۰ متر است و صندوقی ساده در وسط آن است. در ضلع جنوبی یک پنجره به عرض ۵۵ سانتیمتر و پنجره‌ای مشبک از کاشی سبز به طرف کوچه دارد. در ضلع غربی در ورودی است که از مسجد به بقعه می‌رود و دو پنجرهٔ کوچک در این ضلع است. در ضلع شمالی دو در ورودی و سه پنجره به مسجد دارد. در ورودی شرقی، از کفش کن است. در طرفین این کفش کن دو انبار است که در یکی از آنها شمع می‌افروزند. سقف بقعه لمبه کوبی با درزپوش خطدار است.

مسجد دارای دو قسمت است. قسمتی از آن در شمال بقعه به طول سیزده متر و عرض هشت متر و نیم که دارای دو فیلپای آجری مربع شکل به محیط دو متر است و قسمتی در غرب بقعه، به طول ۱۳/۷۰ و عرض ۴/۳۰ متر است. قسمتی از سقف مسجد لمبه کوبی با درزپوش پهن و قسمتی لمبه کوبی بدون درزپوش است. بام سراسر بنا سفال سر است. (عکس شمارهٔ ۱۶۴)

صندوق عدالت نزدیک مسجد میان تکیه در محلهٔ خمیران کیاب

در سال ۱۲۸۹ قمری، صندوقی برای نامه‌های عرض حال به شخص ناصرالدین شاه، نزدیک این مسجد نصب کردند.(۱) از آن تاریخ، مسجد میان تکیه به نام صندوق عدالت معروف شد. مسجد فعلاً به دکان تبدیل شده و محل صندوق هم دبستان داریوش امروزی است.

---

(۱) گیلان رابینو حاشیهٔ ص ۸۷

مسجد و تکیهٔ خمیران
درمحلهٔ خمیران شریفیه

مسجد کنونی بنائی ساده به‌طول ۱۱/۴۰ وعرض ۱۰/۲۰ متراست . محرابی با گچ‌بری مقرنس دارد . درضلع شرقی دری به آبدارخانه ودری به‌خانهٔ وقفی که پیشنمازدرآن ساکن است ودری به‌طرف حیاط دارد . درضلع شمالی دوپنجرهٔ بزرگ به‌طرف حیاط ودری به کفش کن دارد. درضلع غربی دوپنجرهٔ بزرگ به محوطهٔ باز جلومسجد دارد . قسمتی ازاراضی تکیه‌را عباس بالاجاه خریداری کرده وفعلاً هفت دردکان ودودستگاه‌عمارت دوطبقه ساخته است.

از مسجد و تکیهٔ بالا محلهٔ خمیران کیاب که رابینو ازآن یاد می‌کند اثری نیافتم .

مسجد ومدرسهٔ حاجی محمدکریم
درمحلهٔ کیاب رشت

بنائی است به‌طول ۱۷/۲۵ وعرض ۶/۷۰ متر، سه ستون دروسط بناست . بر این سه‌ستون،سرنالی است که واشانهای‌دوقسمت بنابرآن متکی هستند. محراب کاشیکاری آن کاراحمد پوریوسف‌مورخ ۱۳۶۲ قمری است. پنجره‌های مختلف و متعدد درچهارجهت بناست. غرفهٔ زنانه بالای کفش کن است. سقف بنا لمبه کوبی خطدار وبام‌سراسر بناسفال‌سراست. ازمدرسه‌چیزی برجای نیست مقداری از اراضی آن‌ساختمان‌وحیاطهای شخصی‌شده است.

مسجد لاکانی
درمحلهٔ سبزمیدان کیاب رشت

این‌مسجد که طرح ووضع‌قدیمی آن محفوظ مانده است به‌طول ۱۴/۳۰ و عرض ۱۲/۷۰ متراست. چهارفیلپا دروسط بناست که سرآنها مقرنس کاری است. در ورودی‌شرقی است‌وراه‌غرفه‌های زنانه نیزازهمین‌در است. ازدرورودی‌غربی، از کفش کن، به‌صحن‌مسجد می‌توان‌واردشد. اطاق‌خادم، ازصحن‌مسجد بالاتر و غرفه مانند است و تباری‌متصل به آن است. دوپنجره درطرف‌جنوب وسه پنجرهٔ

بزرگ به طرف شمال دارد . محرابی کاشیکاری دارد که کاشیهای آن نسبةً قدیمی‌است . سقف بنا لمبه کوبی خطدار بادرزپوش وسراسر بام سفال‌سر است . زیرمسجد دوباب دکان ومقابل آن نیز دراراضی تکیهٔ قدیمی دوباب دکان دیگر ساخته‌اند .

برج چمارسرا

کنارچشمه چمارسرا در محله‌چمارسرای کیاب

با اینکه بدین بنا نام برج داده‌اند ، هیچگونه شباهتی به‌برج ندارد . بنائی‌است آجری به‌طول ۲۹/۵ وعرض ۱۰/۳۰ متر. درضلع جنوبی‌آن پنج در باسرطاق آجری وقسمت اضافی‌متصل بدان‌طاقی بلندوآجری دارد. بالاخانه‌ای نیز در این سمت بنا شده است . بالای یکی از طاقها کتیبه‌ای کاشیکاری به این شرح است :

وضرب لنا مثلاً ونسی‌خلقه قال من‌یحی العظام وهی‌رمیم قل یحیها‌الذی انشاها اوّل‌مرّة وهوبکل خلق‌علیم[1] رجب ۱۳۳۵ .

هشت در، طرف شمال است که یکی ازآنها سردری دارد . این منزل قدیمی سردار امجد است که درواقعهٔ جنگل ازرشت فرار کرد واین بنا ناتمام ماند. (عکس‌شمارهٔ ۱۶۵)

مسجد چمارسرا

درمحلهٔ چمارسرای کیاب

بنائی است‌ساده‌به طول ۱۱/۲۰وعرض ۱۲/۶۵ باشش‌ستون دروسط. درورودی شمالی است‌وپنجره‌هائی‌درجهات مختلف‌دارد. محراب‌آن ازسنگ‌مرمر وتازه‌ساز است. سقف‌لمبه کوبی‌خطدار وبام‌سفال سر است. گلدستهٔ آجری‌زیبائی دارد که پس‌ازنقل‌آیاتی ازقرآن کریم این کتیبه برآن دیده می‌شود:

مشهدی صادق عطار ولد مرحوم‌کربلائی حسین ساکن چوماسرا ۲۱رجب ۱۳۳۶ . (عکس‌شمارهٔ ۱۶۶)

---

(۱) یس ۳۶ آیات ۷۸و۷۹ .

بقعهٔ دانای علی
درمحلهٔ چمارسرای کیاب

بقعه، امروز، درمیان خیابان چمارسراست. این مرد از نیکان ووارستگان بوده است ومردم اورا دانا خوانده‌اند. مرقدش دراطاقی به‌طول ۱۱/۸۰ و عرض ۵متر است. صندوق مزارش در کنج این اطاق به‌طول ۱۹۰وعرض ۱۰۵ وارتفاع ۶۵سانتیمتر وازچوب آزاد است. کفش کنی طرف راست در ورودی دارد سقف بنا لمبه کوبی وبام سفال‌سر است.(عکس شمارهٔ ۱۶۷)

تکیهٔ میر کوچه
درمحلهٔ کیاب شهررشت

ازتکیه نشانی نیست. جای آن نزدیك بقعهٔ دانای علی بوده است. امروز اراضی آن جزء خیابان رشتیان شده است.

مسجد حاجی قاسم خان
در کرف آباد محلهٔ کیاب

امروز نامی ازحاجی قاسم خان درمیان نیست ومسجد او به‌نام مسجد کرف‌آباد معروف است. مسجدی نسبتاً قدیمی است که طول آن با قسمت زنانه ۹/۷۵ و عرض آن ۷/۶۰ متر است. میان مسجد فیلپائی است که پنج در ارسی چوبی، فاصلهٔ دیوارتا فیلپارا پر کرده است. درضلع جنوبی سراسر چهارپنجره متصل بیکدیگر است ودرسایر جهات نیز پنجره‌هائی دارد. در ورودی شرقی ودرحیاط است. سه درطرف غربی است که یکی از آنها در ورودی است. ازدر دیگر به آبدارخانه واز در سوم به کفش کن می‌روند.

مسجد ملاعلی محمد وتکیهٔ آن
درمحلهٔ کیاب

از تکیه نشانی درجای نیست. مسجد بنائی ساده به‌طول ۸/۱۰ وعرض ۷/۸۰ است محرابی گچبری ساده دارد که آیهٔ نور تا «کل شیئٍ علیم» برآن گچبری شده است. قسمت شرقی بنا غرفه‌های زنانه است که بر سه ستون چوبین استوار است.

درضلع غربی پنجره‌ای به‌کوچه ودری به‌آبدارخانه است . درضلع جنوبی فقط پنجره‌ای به‌کوچه‌دارد. درضلع‌شمالی پنج‌پنجرهٔ بزرگ به‌خیابان ملاعلی‌محمد است. درضلع‌شرقی دری‌به کفش‌کن است. سقف‌لمبه‌کوبی‌با درزپوش‌پهن‌خطدار وبام‌آن‌سفال‌سر است . (عکس شمارهٔ ۱۶۸)

مزار آقا بی‌بی زینب
در محله کیاب رشت

درسال ۱۳۳۱ قمری درختی کهنسال دراین‌جا بود که‌زنان‌نازا حاجت‌خود از اومی‌خواستند.[۱] امروز به‌قبری کاشیکاری مبدّل شده است.

مسجد سمیع بزاز
در محله بیستون کیاب

این‌مسجد نزدیك منزل دکتر لقمان بود، براثر احداث خیابان بیستون یکسره ازمیان‌رفت. متولی با پولی که از شهرداری گرفت وبا کمکهای مادی که ساکنان محل کردند ، درضلع شمالی خیابان نزدیك منزل حاجی شیخ‌کاظم، مسجدی ساخت که فعلاً امام راتب‌هم دارد.

حمام پیرسرا
درمحلهٔ پیرسرای رشت

سردرحمام،کاشیکاری‌نسبةً ظریفی‌دارد. درهلال کوچك‌بالای‌سردر، بسمله و وان‌یکاد تا للعالمین . درهلال پائین «تمثال اعلیحضرت اقدس سلطان احمدشاه قاجار» ودرحاشیهٔ‌سه‌طرف سردر تمثال سلاطین‌قدیم ایران‌دیده‌می‌شود. این‌ابیات نیز دربالای این سردر خوانده‌شد:

هزاروسیصد وسی‌وچهار ازهجرت	گذشته‌بودکه‌شد که اختتام این‌حمّام
باشتراك‌سه‌بحرسخاسه صاحب‌فضل	سه‌کنز جود سه‌کان هنرسه نیکو نام
یکی ز دودهٔ احمد زدوحهٔ حیدر	که باقر است ورا نام باقری فرجام

(۱) گیلان دربینو ص ۷۶ و ۸۷ .

دو فخر حاج یکی بدحسن یك عبدالله — که هردو زبدهٔ عصرند وشهرهٔ ایام
اگر سؤال نمائی زنام معمارش — شدی بدست تقی‌ختم این خجسته مقام
ز وضع کاشی‌حمام اگر زمن خواهی — تمام کرد محمد پور یوسف نام

عمل مشهدی محمد والد مرحوم حاج یوسف کاشی‌ساز سنهٔ ۱۳۳٤. (عکس شمارهٔ ۱٦۹)

مسجد پیرسرا
درمحلهٔ پیرسرای رشت

بنائی است نسبةً قدیمی به‌طول ۱۱/۱۰ وعرض ۸/۵متر. فیلپائی در وسط مسجد است که قسمت پائین آن هشت ضلعی و به‌ارتفاع ۸۰ سانتیمتر وباقی مدوّر است. ازارهٔ مسجد کاشیکاری به‌ارتفاع ۸۰ سانتیمتر است. طرف غرب دری به حوضخانه وطرف شرق دری به کفش کن است. پنجره‌های متعدد کوچك وبزرگ در جهات مختلف است پهلوی محراب، دری بزرگ است که به‌اطاقی به طول ۶/۳۰ وعرض ٤/۹۰متر بازمی‌شود. دراین اطاق قبر ملارجبعلی مرد پیرسر است.

مسجد درویش مخلص وتکیه آن
درمحلهٔ کرف آباد

سراسر عرصه و اعیان این مسجد و تکیه در خیابان تازه و نیمه تمام دکتر سام افتاده است. قبر میره نیز در این خیابان افتاد و در مهر ماه ۱۳٤۵ خراب شد.

مسجد حاجی آباد
درمحلهٔ حاجی آباد درمقابل منزل سردارمعتمد

طول بنا ازخارج ۱۲/۹۰ وعرض آن ۱۹/۱۰متر است. در ورودی شمالی و ابتدا به کفش کن می‌رود. ازطرف شرق نیز دری به کفش کن دیگر دارد. درطرف غرب نیز در ورودی بزرگی دارد. دو فیلپای هشت ضلعی وسط مسجد است که سرتالی برآنها تکیه کرده‌است. درچهارجهت مسجد پنجره‌های متعدد ومختلف است. سقف لمبه کوبی خط دار وبام سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا سید ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام درمحلهٔ بادی‌الله(ـ بدیع‌الله) شهر رشت

اطاقی است به‌طول ۶/۳۸ وعرض ۳/۵۵ متر. صندوقی آهنین برمرقد است که‌ضریحی میله‌ای آهنین‌دارد. ازارهٔ داخل اطاق تا۷۲ سانتیمتر کاشیکاری‌و باقی سفیدکاری‌است. در گیلوئی، اشعار هفت‌بند محتشم «مرغ هوا وماهی‌دریا کباب شده بر کاشی نوشته شده است واین عبارت در آخر ابیات‌دیده می‌شود : بتاریخ دهم شهر ذی قعده ایت ایل سنهٔ ۱۳۴۰ بانی این کتیبه محمـد باقر حمامی فتح‌الله زاده .

یك‌در ورودی‌طرف غرب ودو درطرف‌جنوب دارد.پنجره‌هائی‌نیز درچهار جهت بنا دیده‌می‌شود. درطرف‌غربی، اطاقی متصل به‌صحن است که درازای آن عرض صحن وپهنای‌آن ۲/۲۸ متر است. ایوانی‌به طول ۱۰/۵ وعرض‌۳/۳۰ متر درجلو بناست. جلوایوان‌را آلت‌بندی‌کرده وشیشه انداخته‌اند.

حیاط کوچکی پهلوی بقعه‌است که بتازگی چند اطاق‌در آن بنا کرده‌اند ومدفن‌چندتن از بزرگان شهراست. ضریح قدیمی بقعه که ظرافتی‌داشت دراین حیاط بود. (عکس‌شمارهٔ ۱۷۰) دراین‌حیاط نیز شمایلی ازحسین‌بن‌علی‌علیه‌السلام برکاشی دیده‌می‌شد. (عکس شمارهٔ ۱۷۱)

سنگ‌قبری به‌این‌شرح درایوان است:

وفات مرحوم مغفور مشهدی امین‌ولد مرحوم کربلائی‌رستم فی شهررجب ۱۲۲۶ نشانه‌ها : مهروتسبیح وشانه ودو انگشتر وزیر اینها گلدان با گل است .

متصل به بقعه، مسجدی‌به‌نام‌مسجدآقاسید ابراهیم‌است.(۱) که اخیراً بنام‌مسجد اردبیلیها معروف‌شده است . طول این بنا ۱۱/۹۰متروعرض‌آن ۱۰متر است . دو فیلپای آجری دروسط‌مسجداست. درورودی‌مسجد طرف‌کوچهٔ سرداراست که‌به کفش کن‌و آبدارخانه‌می‌رود. در ورودی دیگری درطرف‌غربی‌است که ازحیاط وارد کفش کن‌مسجدمی‌شود. درشمال دوپنجرهٔ بزرگ تازیرسقف‌ودری به‌کفش‌ـ

(۱) رابینو محل این‌مسجدرا درمحلهٔ بدیع‌الله ذکر کرده است.

کن دارد که از کفش‌کن به‌خیابان بادی الله (= بدیع‌الله) می‌رود. پنجره‌های کوچك و بزرگ در سایر اضلاع بنا نیز هست. سقف لمبه کوبی و بام سفال سر است.

مسجدصفی (۱) — مسجد سفید — مسجدشهیدیه
درمحله مسجد صفی شهررشت

یکی ازمساجد قدیمی‌شهررشت مسجدصفی است. حسن‌بیك روملو، این مسجدرا مسجدسفید خوانده است ومی‌نویسد که شاه اسماعیل صفوی، هنگام فرار از اردبیل‌به گیلان، چندروزی‌را نزدیك‌این مسجد گذرانده است. نزدیك این‌مسجد، دکان‌جواهرفروشی‌میرنجم‌بود که دراین‌چندروز خدمت‌شاه‌اسماعیل را کرد. هنگامی که‌شاه اسماعیل به‌سلطنت رسید، میرنجم به لقب امیرالامرا مفتخرشد و به‌این مقام ارتقا پیدا کرد. بنا بر قول حسن‌بیك، می توان گفت که این‌مسجد قبل‌از جریان کشته‌شدن محمد باقرمیرزا پسربزرگ شاه‌عباس برپا بوده ونام‌آن مسجد سفید بوده است. احتمال می‌رود پس‌از کشته شدن محمدباقرمیرزا که معروف به‌شاه‌صفی بوده است، نام‌سفیدبه مرور زمان پس‌از قتل او درجوار این‌مسجد به‌صفی تبدیل شده باشد. جریان قتل‌شاه‌صفی ازاین قرار است:

«محمدباقرمیرزا پسر بزرگ شاه‌عباس که به‌صفی میرزا معروف‌بود، در روزچهارشنبهٔ ۱۲ ماه‌شوال سال۹۹۵هجری درمشهد، ازمادری چرکس به‌وجود آمد. شاه‌عباس یك سال‌بعد پادشاهی خراسان‌را بدو داد وابراهیم خان‌را لله‌و سرپرست او کرد.

درسال هزارهجری که‌صفی‌میرزا پنجساله‌بود،اورا به‌حکومت همدان و امیر الامرائی‌ولایات‌مغرب ایران‌تاسرحدبغداد منصوب کرد واغورلوسلطان‌بیات

---

(۱) مسجدصفی ازمساجد قدیمی است که شایدقدیمترین مسجدشهر رشت‌باشدشیخ‌صفی‌الدین هنگامی که گیلان جز برهای بوده، اینجا صومعه‌ای‌ساخت وصومعهٔ او کم کم به‌مسجد مبدل‌شد. (تاریخ‌علما وشعرای گیلان ص۲۲ و ۲۳)

را به‌وکالت ونیابت او گماشت.[۱] مردم‌ایران تاسال۱۰۲۲ هجـری، محمدباقر میرزارا ولیعهد وجانشین شاه‌عباس می‌دانستند. شاه‌عباس نیز باوی مانندجانشین خود رفتارمی‌کرد وهروقت که به‌سفرهای دراز وجنگهای پرخطر می‌رفت، او را همراه‌نمی‌برد وازمعرکه برکنار می‌داشت.[۲] درسال۱۰۲۳ هجری که شاه عباس‌به گرجستان لشکر کشیده بود، جمعی از«هرزه‌درایان‌خوشامدگووخوشامدگویان تقرّب جو» به‌شاه خبردادند که صفی‌میرزا نهانی بافرهاد بیك چرکس قوشچی، میرشکار، ودو غلام چرکس، ازبستگان مادر خود، سروسرّی‌دارد ودر صدد کشتن شاه است.[۳]

درهمان ایام، هنگامی که‌شاه‌عباس‌درفومن گیلان‌بود، باز یکی‌ازملازمان صفی‌میرزا که‌شغل‌جلوداری داشت وهمواره همراه شاهزاده‌بود، به او خبرداد که‌پسرش‌روزی درشهررشت باجمعی ازسرداران به‌شرابخواری نشسته ودرحال مستی گفته است: « وقت آن رسیده که رایات اقبال در عرصهٔ کون و مکان برافرازیم.»[٤]

پس ازآنکه‌اطرافیان، شاه‌عباس را نسبت به محمد باقر میرزا بدگمان کردند، دستورداد تا اوزون‌بهبود ـ غلامی‌چرکس ـ اورا بکشد.

این‌مرد بی‌درنگ همّت به‌انجام دادن‌آن مأموریت‌شوم گماشت، ودرروز دوشنبهٔ سوم محرم الحرام سال۱۰۲٤ هجری دریکی ازکوچه‌های رشت‌باصفی میرزاروبروشد.

ولیعهد تیره‌روز که ازگرمابه بیرون‌آمـده‌بود، سوار برقاطری به‌خانه می‌رفت و جز جلوداری که‌عنان قاطررا به‌دست داشت، کسی همراهش‌نبود.

بهبودبیك سرراه براو گرفت‌وگفت «صفی‌میرزاپیاده‌شو. قبلهٔ‌عالم‌خواسته است که توبمیری.» وبا دوخنجر کارش‌را تمام کـرد وشاهزاده بیجان برزمین غلتیده جسدش را به‌سوی مردابی نزدیك‌آنجا کشیدند وچهار ساعت تمام میان

---

(۱) زندگانی شاه‌عباس اول ج ۲ص ۱۷۰ و۱۷۱. (۲) همین‌کتاب ص۱۷۵. (۳) همین کتاب ص۱۷٦. (٤) همین کتاب ص۱۷۷.

آب و گل افتاده بود.(۱)

شاه‌عباس پس از کشتن صفی‌میرزا، چون به بیگناهی اوپی برد، از کرده پشیمان شد. برای اینکه نام پسر را جاوید سازد، دستور داد محلی را که شاهزاده در آنجا کشته شده بود، محصور کردند و در آنجا بقعه‌ای ساختند و شهیدیه نام نهادند و آنجارا بست و پناهگاه مقصران و مجرمان ساخت. برای نگاهداری «شهیدیه» و دستگیری از فقرا و تنگدستان در آن محل نیز موقوفاتی تعیین نمود و میرزا حسنعلی نام از معاریف اصفهان را متولی و نگاهبان آن بقعه کرد.(۲)

محل مردابی که جسد صفی میرزا را در آن انداختند، میان منزل کنونی آقای پیشوا و چاه معروف به چاه صفی است. فعلاً جزء حیاط مسجد و محصور به نردهٔ آهنین است.

چاه صفی یا چاه صاحب الزمان، چاهی است در این مسجد که مردم با چشم احترام بدان می‌نگرند. شبهای جمعه برسر این چاه می‌آیند و نامه هائی که برای حضرت قائم نوشته‌اند، در آن می‌اندازند. پس از انداختن نذور، درچاه، آب آنرا برای تبرك و ادامه سلامتی باخود می‌برند و می‌نوشند. مردم می‌گویند که شیخ صفی‌الدین اردبیلی به‌سبب قرابت با تاج‌الدین ابراهیم ملقب به‌شیخ‌زاهد گیلانی، به گیلان آمدوشد داشت. دراین‌محل چاهی کند، خانقاهی ساخت و چله نشست. کرامات و خوارق عادت به‌این‌چاه نسبت می‌دهند.

وضع فعلی مسجد:

بنای اصلی مسجد به‌طول ۲۳ و عرض یازده متر است. (عکس شمارهٔ ۱۷۲) سه فیلپا از شرق به‌غرب در وسط بناست که دوتای آنها گچ‌بری دارد. (عکس شمارهٔ ۱۷۳ و ۱۷٤ و ۱۷۵) محراب مسجد، سراسر گچ‌بری است و اطراف آن کاشیکاری

---

(۱) زندگانی شاه عباس اول ج ۲ ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

(۲) سفرنامهٔ اٹاریوس و تذکرهٔ نصرآبادی ص ۲۰. نصرآبادی صریحاً می‌نویسد: «... شهیدیه مکانی است که‌چون صفی‌میرزا به‌فرمودهٔ شاه‌عباس ماضی به‌قتل رسید، پادشاه موقوفات جهت آن مکان تعیین نمود. (نقل از زندگانی شاه‌عباس اول ج ۲ متن و حاشیه ص ۱۸۲.

که بر کاشیها بسمله وانما یعمر مساجدالله من آمن بالله تا فادخلوها بسلام آمنین. ودر گچ بریها، انما یعمر مساجد الله الی آخر الایه و آیة الکرسی تا «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من» گچ بری شده است. در وسط محراب سنهٔ ۱۲۴۴ و زیر آن بسمله واز دوطرف« انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» ووسط «افوض امری الی الله انّ الله بصیر بالعباد» گچ بری شده است. (عکس شمارهٔ ۱۷۶)

حاشیهٔ زیر طاق مسجد کاشیکاری است و بر کاشیها شکّیات «جناب مجتهد العصر والزمانی حاجی سید محمد باقر» نوشته شده است.

بر یکی از کاشیهای سمت راست محراب این عبارت دیده می‌شود:

تاریخ بنای جدید مسجد درسنهٔ ۱۳۴۴.

درسمت جنوب شش پنجرهٔ قدیمی ودو دربه انبار و آبدارخانه است. در طرف شرق ده پنجرهٔ تازه‌ساز است. درطرف شمال، سه پنجرهٔ سراسری بزرگ است و از در در ورودی که دردوطرف پنجره‌هاست به دو کفش کن می‌رود. در طرف غرب دو دربه آبدارخانه، یک در ودو پنجرهٔ متوسط به حیاط دارد. قسمتی از سمت غرب مسجد، غرفهٔ زنانه است که از حیاط پلکانی دارد.

بر هلال سردر ورودی مسجد، بسمله سبحان الذی تا المسجد الاقصی وو لایة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. عمل احمد ولد مرحوم حاجی یوسف کاشی ساز ۱۳۴۴.

مسجد و مدرسهٔ مستوفی

میان راسته مسگرها و خیابان مسجد صفی و بادی الله (= بدیع الله)

مدرسهٔ مستوفی بیست وپنج حجره کرسی بلند دارد که بیست وپنج تن طلبه درآن ساکن بود. علاوه بر حجره‌ها، محلی برای مدرّس و اطاق بزرگی برای کتابخانه دارد.

حیاط مدرسه بزرگ است وحوض وچاهی در وسط آن است. حاجی شیخ مهدی لاکانی این مدرسه را درسال ۱۳۶۸ قمری تعمیر ومرمّت کرده است. این

کتیبه درحیاط برسرمدخل قدیمی مسجد دیده می‌شود :

آخرین یادگار و آثار خیریهٔ فقید سعید جنّت‌مکان آیة الله آقای حاج شیخ مهدی لاکانی طاب‌الله ثراه ساختن مدرسهٔ مستوفی است که خود درتاریخ شروع بساختمان آن سروده .

برای تاریخ آن سرود مهدی (... - اساس این مدرسه به زهد و تقوی شده) .

مسجد مستوفی : ۱۳۶۸ قمری

مسجدمستوفی کرسی بلند ودرطول حیاط مدرسه بناشده است. طول فعلی آن ۱۶ وعرض آن ۱۲ متر است. دوفیلپای آجری هشت‌ضلعی که قسمت بالای آنها گچ‌بری مقرنس است در وسط شبستان است. درضلع شمالی پنج‌پنجرهٔ سراسری تا زیر سقف است که بالای آنها هلال است . درضلع جنوب چهارپنجره بزرگ و محرابی با کاشیهای قدیمی است . بر کاشیهای محراب با خط کوفی چهار گوشه «لااله الا الله» را نوشته‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۷۷) پشت محراب‌را درحیاط کاشیکاری کرده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۷۸) ازارهٔ مسجد واطراف پنجره ها کاشیکاری قدیمی است. سابقاً دوقسمت شرقی‌وغربی که امروز جداست، جزءشبستان مسجد بوده است . قسمت شرقی فعلاً کتابخانه وقسمت غربی محل سکونت مدرّس است . درقسمت شمالی مسجد بالای دیوار کتیبهٔ کوفی چهار گوشه که بر آن عبارات و کلمات لااله‌الاالله، محمد وعلی و نظایر آنها دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۷۹) هیچگونه تاریخی دراین‌مسجد دیده نشد.

مسجد بدیع‌الله (= بادی‌الله)
درمحلهٔ بدیع‌الله

صحن مسجدفعلی دارای دوقسمت‌ اصلی است: قسمت بزرگ، زیر گنبدمدوری است وقسمت دیگر باسه‌ستون بزرگ که دربالای هشت ضلعی ودروسط مدوّر ودر بالا چهار ضلعی‌هستند، جدا می‌شود. غرفهٔ زنانه، بالاخانه مانند ومتکی براین

ستونهاست، محراب مسجد گچ بری و کلمات زیر باخط نسخ بدی برمحراب گچ بری شده است :

یاالله، یاالله، یاقاضی الحاجات، یا کریم، یارحیم، بسمله وسورۀ «انا انزلناه» تا «حتی مطلع الفجر».

درضلع غربی، مدخل غرفۀ زنانه وپنج پنجرۀ نورگیر است . درضلع شمالی دوپنجرۀ بزرگ تا زیر سقف و در ورودی است که از کفش کن به صحن مسجد می روند. بالای کفش کن اطاق خادم است . درازارۀ داخلی مسجد چهار ردیف کاشی منقش آبی و سفید به ارتفاع ٦٥ سانتیمتر از کف و در پایۀ فیلپا ها ، سه ردیف کاشی به ارتفاع نیم متر چسبانده اند .

سقف سراسر مسجد لمبه کوبی خطدار و بام گنبد ومسجد حلب سر است . (عکس شمارۀ ۱۸۰)

قبر بدیع الله - بانی مسجد - در قسمت شمالی است واین عبارت بر صندوق آن دیده می شود: «احداث این مسجد ١٣٤٤ قمری» آبدارخانۀ مسجد در کفش کن شمالی است. چندپاره ستونهای سنگی لاچلنگری مارپیچ جلو مسجد افتاده است که معلوم نشد متعلق به چه بنائی بوده است .

مسجد حاجی سمیع
در محلۀ ساغری سازان

طول وعرض مسجد، غیراز محوطۀ زیر غرفۀ زنانه ۱۷/۲۰ × ۱۹/۳۰ متر است. صحن مسجد به چهار قسمت اصلی تقسیم شده است. میان قسمت اول ودوم شش فیلپا ومیان قسمت دوم وسوم نیز شش فیلپا ومیان قسمت سوم وچهارم سه فیلپا است . چهارفیلپا ، هشت ضلعی ، دوفیلپا شش ضلعی و باقی چهارضلعی است. در پایه های فیلپاهای چهار ضلعی شش ردیف کاشی سبزرنگ به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر وپائین چهار فیلپای دیگر، پنج ردیف کاشی گلدار به ارتفاع ۸۸ سانتیمتر است وپایه های فیلپاهای هشت ضلعی کاشیکاری ندارد. غرفۀ زنانه طرف غرب است واز

حوضخانه و کفش کن می گذریم و به صحن مسجد می رسیم. در ورودی دیگری در طرف شرق است. اطراف بنا پنجره های متعدد دارد. دو محراب ساده طرف قبلی مسجد است. سقف سراسر بنا لمبه کوبی بادرز پوش خط دار و بام سفال سر است.
این مسجد، مدرسه ای قدیمی سمت جنوب داشت که طلاب علوم قدیمی در آن درس می خواندند و ساکن بودند. یکی دو تن از پزشکان قدیمی نیز در این مدرسه مطب داشتند. این مدرسه موقوفات زیادی درحدود شش هزار قوطی برنج داشته که فعلاً از رقبات این موقوفات نشانی نیست و به جای مدرسهٔ قدیمی هم دبیرستان دخترانهٔ شاهدخت بنا شده است. این مسجد و مدرس را مرحوم حاجی سمیع خان رشتی بنا کرد.

بقعهٔ آقا سیدعباس و آقا سید اسماعیل
فرزندان امام موسی الکاظم علیه السلام
درمحلهٔ ساغری سازان شهر رشت

مزار این دو برادر در اطاقی به طول ۷/۹۰ و عرض ۳/۹۰ متر پهلوی یکدیگر است. ضریحی مشبک چوبین به طول دو متر و عرض ۱/۷۰ و ارتفاع ۱/٤۰ متر که بالای آن گهواره ایست، مرقد را پوشانده است. در ورودی شمالی است و خود صحن دو در غربی و دو در شرقی دارد که از آنها می توان به اطاقهـی اطراف صحن رفت. سقف صحن لمبه کوبی است و بالای ضریح را محفظه ای هشت ضلعی از سقف درآورده اند. بام سراسر بنا سفال سر است. در ورودی بقعه دو لنگه و از چوب آزاد است. ارتفاع هر لنگه ۱۸٦ و عرض آن ٥۲ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۸۱)

بر بائوی چپ لنگهٔ سمت راست بسمله و آیة الکرسی تا « وماخلفهم ولا» بر بائوی راست لنگهٔ سمت راست از «یحیطون بشیئ» تا «فمن یکفر» بر بائوی راست لنگهٔ سمت چپ از «بالطاغوت» تا « والذین کفروا » بر بائوی چپ لنگهٔ سمت چپ از «اولیائهم» تا «فیها خالدون» ودر آخر این حاشیه این عبارات دیده

می‌شود: کتبه عبدالله‌بن محمد مؤمن سفره‌چی باشی علی‌بن موسی ۱۲۴۳.[۱]

بر تنکه‌های بالاوپائین هردو لنگه کنده‌کاری بسیارظریف است . (عکس شمارهٔ ۱۸۲) و دردو تنکهٔ وسط دو سرو، با نقوش بسیار ظریف در اطراف آن، کنده کاری شده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۸۳)

برپاسار بالای لنگهٔ سمت‌راست : از لطف تو هیچ‌بنده نومید نشد.

برپاسار پائین‌آن : مقبول توجز مقبل جاوید نشد .

برپاسار پائین‌آن زیرسرو وسمت راست : لطفت بکدام ذره پیوست دمی .

۱۲۴۳

برپاسار پائین لنگهٔ سمت راست : کان ذره به از هزار خورشید نشد .

برپاسار بالای لنگهٔ سمت‌چپ : دردیده تنگ‌مور نورست از تو

برپاسار پائین‌آن، بالای‌سرو: درپای‌ضعیف پشه‌زوراست ازتو

برپاسار پائین زیرسرو : ذات تو سزاست مرخداوندی را

برپاسار پائین لنگهٔ سمت چپ : هروصف که ناسزاست دور است ازتو

بر گوشهٔ‌چپ بالای‌لنگهٔ‌سمت‌راست : سیداسمعیل.

بر گوشهٔ راست بالای لنگهٔ سمت‌چپ: سید عباس .

درورودی بقعه درمسجدی‌است که غیر ازضلع شمالی، ازاره‌سه‌ضلع‌دیگر آن‌را به‌ارتفاع ۹۶ سانتیمتر کاشیکاری کرده‌اند . ابعاد این کاشیها ۴۹ × ۳۱ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۱۸۴) ودوکاشی‌را ازطول روی‌هم‌قرارداده‌اند . بالا وپائین‌کاشیها، قرنیسهائی‌متصل به‌خود کاشی‌است. این‌کاشیها نقوش برجستهٔ دارد وبانی امرخیر وکاشی‌ساز آن بریك‌کاشی بدین‌شرح معرفی شده‌اند :

بانی امرخیر این‌کاشیهای هزاره‌آقای‌آقا مشهدی سلیمان کریم اوف از همهٔ‌آقایان التماس‌دعا داریم‌عمل‌مشهدی‌محمدکاشی‌ساز ولدمرحوم حاجی‌یوسف بتاریخ۱۵ شهررمضان ائیلان‌ئیل ۱۳۳۵ .

---

(۱) رابینو نام‌این‌شخص‌را «عبدبن‌محمد مؤمن‌سفره‌چی‌باشی علی‌بن‌موسی الرضا» خوانده‌است.
(گیلان‌رابینو ص ۷۵)

طول این‌مسجد ۱۳/۹۰ وعرض آن ۶/۳۰ متراست. بنارا از درازا با قرار دادن سه ستون چوبی، به دو قسمت کرده‌اند.

درمحراب گچ‌بری این‌مسجد عبارات وکلمات‌زیر دیده‌می‌شود:

افوض امری الی‌الله انّ‌الله بصیرٌ بالعباد ـ یـا رفیع الدرجات ـ یا قاضی الحاجات ـ انا فتحنا لك‌فتحاً مبیناً . (عکس شمارهٔ ۱۸۵)

بالای کاشیهای ازارهٔ دیوار با گچ‌بری متوسطی این‌آیات واحادیث را گچ بری کرده‌اند:

انما یعمر مساجد الی‌آخرالآیه ـ آیةالکرسی الی‌آخرالآیه ـ آیهٔ نور الی‌آخرالآیه ـ الصلوة عمود الدین وان قبلت قبلت ماسویها وان ردت ردت‌ما سویها ـ لا اله الا الله محمدرسول الله علی ولی‌الله. سقف‌بنا لمبه‌کوبی‌خطدارو سراسر بنا سفـال‌سر است.

حمام‌حاجی محمد جعفر حج‌فروش
در بازار ساغری‌سازان شهررشت

سردر این حمام نسبةً قدیمی وکار مشهدی یوسف کاشی‌ساز پدرمشهدی محمد ومشهدی احمد است که پس ازپدر به‌کاشی‌سازی اشتغال داشته‌اند.

در دو طرف سردر، کاشیهای گل و بته‌دار رنگین و بالا، صحنهٔ جنگ رستم با دیو سفید و زیرآن مناظری از باغ و بوستان و خانه و افراد مختلفی دیده می‌شود.

بر بالای صحنهٔ جنگ رستم «عمل مشهدی یوسف کاشی‌ساز بتاریخ بارس ئیل ۱۳۰۸ وسمت‌راست قسمت پائین نیز عین این عبارت دیده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۸۶)

مسجد ساغری سازان
درمحلهٔ ساغری‌سازان شهررشت

مسجدساغری‌سازان‌ازمساجد قدیمی‌شهررشت است. کتیبهٔ گلدستهٔ‌مسجد حاکی است که‌این‌مسجددر ربیع الثانی‌سال ۱۲۰٤به دستور حاجی علی تاجر

شیروانی بنا شده است.(۱)

بعدها آقای سیدرضی رودباری ـ امام مسجد آن را مرمت کرده است.

این مسجد به طول ۱۸ متر و عرض ۱۱/۶۰ متر است. هشت فیلپا در دو ردیف درصحن مسجد است. پایهٔ فیلپاها پنج ردیف کاشی به ارتفاع ۹۵ سانتیمتر دارد. محیط قسمت پائین فیلپاها که هشت ضلعی و کاشیکاری است ۲۶۰ سانتیمتر است. ارتفاع کاشیکاری داخل محراب ۱۰۵ سانتیمتر وارتفاع کاشیکاری ازارهٔ مسجد ۸۰ سانتیمتر است.

محرابی دارد که با خط بسیار بدی بسمله و آیهٔ نور وصلوات بر رسول خدا و آل او و نامهای پنج تن و نصرٌ من‌الله وفتح قریب را گچ بری کرده‌اند.

پنجره‌های بزرگ و کوچک درچهارضلع بنا دیده‌می‌شود. و مسجد شامل کفش کن و آبدارخانه وقسمت زنانه است. (عکس شمارهٔ ۱۸۷)

کمر گلدستهٔ آجری این مسجد، کتیبه‌ای کاشی‌است که به خط نستعلیق ازچپ به‌راست آیهٔ نوررا نوشته‌بوده‌اند. مقداری ازاین کتیبه فعلاً زیر سیمان کاری رفته‌است.

کتیبهٔ گلدستهٔ مسجد برسنگ مرمرسفیدی به ابعاد ۴۰×۳۰ سانتیمتر در بدنهٔ گلدسته درمیان سیمان‌کاری نصب است واین عبارات بر آن حک شده‌است:

هوالله تعالی شأنه العزیز وقف‌مؤبد نمود این گلدسته‌را خیر الحاج حاجی ملا علی تاجرشیروانی بتاریخ شهر ربیع الثانی سنهٔ بارس ئیل ۱۲۰۴ تا ثواب آن در یوم لاینفع مال ولابنون الا من اتی الله بقلب سلیم عاید او گردد اللهم اغفرله و لوالدیه بحرمة محمد وآله الطاهرین المعصومین (۲) (عکس شمارهٔ ۱۸۸)

مسجد سوخته تکیه
درمحلهٔ سوخته تکیه رشت

مسجدفعلی به‌طول ۱۲/۵ وعرض ۱۲/۲۰ متر است. ساختمان قدیمی را

---

(۱) رابینو درص ۷۵ و ۸۷ گیلان خود ازاین کتیبه یاد کرده است. (۲) رابینو در سفر نامهٔ مازندران واستراباد ص ۷۰ این کتیبه را آورده‌است

خراب کرده‌اند و به‌جای آن ساختمانی نوساز با آجر و سنگ مرمر و سنگ سیاه ساخته‌اند. بنای فعلی شامل قسمت زنانه و کفش کن و حوض خانه و آبدارخانه است (۱)

بقعهٔ خواهر امام (۲)
درمحلهٔ خواهر امام رشت

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی وطول هرضلع آن ۳/۳۰ متر است. چهار در، درچهار جهت اصلی دارد. ازدرهای شرقی وغربی، به دوایوان شرقی وغربی واز درشمالی به‌مسجد می‌روند. درجنوبی، در ورودی اصلی بقعه است که ازایوانی بسیارمجلل وبلند به‌صحن بقعه‌می‌رود. درمیان چهارضلع دیگر طاقنما مانندی بنا کرده‌اند. صندوق وضریح چوبین را درسال ۱۳۴۳ شمسی به ضریحی آهنین بدل کرده‌اند وشیشه‌های سبز رنگ، در آلات آهنی ضریح، نصب کرده‌اند.

ازداخل، بردور گنبد که سقف اصلی بقعه‌است باخط نستعلیق سفید برزمینهٔ آبی، آیات ومطالب زیر را گچ بری کرده‌اند:

بسمله، آیة‌الکرسی تا فیها خالدون صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله نبی الکریم وصدق علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین ونحن علی ذلك من الشاهدین بامرمبارك حضرت والا اسعد ابوالنصرمیرزا حسام‌السلطنه این بنده محمد میرزا تحریر نمودم باهتمام میرزا ... عباد قاجار مسعودی عمل حاجی علامحسین سنهٔ ۱۳۰۶. (عکس شمارهٔ ۱۸۹)

ایوان جلو بقعه به طول بیست متر وعرض ۴/۵ متر است، دروسط این ایوان سرسرائی است که از زیر آن به طرف در اصلی بقعه می‌روند. طول این سرسرا ۸/۶۰ وعرض آن ۴/۳۲ متراست. سقف ایوان وسرسرا، لمبه کوبی بادرزپوش خط‌داراست. چهارستون عظیم، جلو ایوان است که فواصل آنها ۴/۹۰ متر ومحیط دایرهٔ هریك ازآنها ۱/۴۰ متر است. (عکس شمارهٔ ۱۹۰ و ۱۹۱)

---

(۱) رابینو [illegible] بقعه را جزء محلهٔ زاهدان ضبط کرده است. (۲) گیلان رابینو ص ۷۵ و ۸۸

سردر ورودی حیاط بقعهٔ خواهر امام، از آجرهای لعابدار چیده شده و این ابیات بر کاشیهای سردر است:

یارب بنای کیست مر این طاق بی نظیر
کز رفعتش سپهر معلق بود قصیر
بر میدهد بهشت نشان جدول درش (؟)
شنگرف آفتاب فلك سوده بر حریر
ماهش اگر بطوف بیاید بپای خویش
دست ادب ز بام سپهرش کشد بزیر
در حیرتم که بانی این آستانه کیست
کز آب خضر کرده گلش را ملك خمیر
ماناکه هست باعث این طاق واین بنای
در این بهشت بقعه که خاکش بودعبیر
سلمان روزگار شریعتمدار دهر
کز اوج عرش بگذردش پایهٔ سریر
تاریخ این بنای که چون ضوء آفتاب
تا روز رستخیز نباشد خلل پذیر
پرسیدم از خرد که چه باشد بلوح نور
با آب زر نوشت باسقاط یا صفیر
نامه باب معنی بجرم قلم بکش (؟) ۱۲۹۰
روزی که مرغ و مور کشد از جگر صفیر

(عکس شمارهٔ ۱۹۲)

کتیبهٔ سنگی بر سمت چپ در ورودی بقعهٔ خواهر امام

السلطان ابن السلطان ابن السلطان ناصرالدین شاه قاجـار ـ یا حفیظ یا حافظ ـ پوشیده نماند که سرکار اقدس همیون این فـرمانرا بخواهش جناب فخرالعلماء والمجتهدین حاجی ملارفیع مرحمت فرمودند ـ آنکه چون شکرانهٔ فضل و کرم والا نعم خداوند بی‌مثل ونظیر الذی لیس له شریك ولا وزیر خوان نعمتش در بسیط زمین گسترانیده وسایهٔ رحمتش وجود سلاطین بافرّ وتمکین را زیب سریر سلطنت گردانیده دیهیم سلطنت‌را بوجود همیون ما مزّین فرمود و تخت خلافت‌را بقدوم‌مبارك گلشن نمود همواره‌خاطرخورشید اشراق‌شاهنشاهی بآرایش بلاد وعباد متعلق‌است ورأی‌پادشاهـی‌را دررعایت رعیّت و ولایت توجه مطلق پیوسته‌همّت ملوکانه بر آن داشته‌ایم که سایهٔ‌رحمت برکافهٔ عباد بگسترانیم وعامّهٔ انام‌را به نعمت ورفاهیت بپرورانیم تا ملك ازشمول عاطفت‌آراسته‌تر از گلشن گردد ودیدهٔ ایام بفروغ معدلت‌خدیوانه روشن‌شود ووضیع وشریف‌رعیّت را دعاگوئی بقای این دولت واستدامت این‌شوکت ورد زبان آیـد ازجمله از قراریکه بعرض مقیمان عتبهٔ خلافت کبری رسیده بواسطهٔ مالیاتی که بدکاکین خبازی‌دارالمرز رشت از دیوان اعلی جممست اهالی‌آنجا درخانه های خود از پختن نان ممنوعند واز این رهگذر سکنه وعابرین از غریب وبومی بعلّت قلت نان نوعی‌عسرت و تنگی‌واقع می‌شود محض‌مرحمت شاهانه ازهده السنه اوی‌ئیل وما بعدها برای‌حصول دعای‌دولت وتوسعهٔ‌معیشت اهالی ازقرار این همیون توقیع مالیات‌دیوانی‌دکاکین‌خبّازی دارالمرزرشت‌را به‌تخفیف‌ابدی مقرّر وصنف مزبوررا ازتکالیف دیوانی‌معاف ومسلم فرمودیم که‌ازاین به‌بعد هر کس‌بخواهد دکان خبّازی در هرجا بگشاید و نان در خانه‌های خود پخته در بازار بفروشد واحدی‌قادر براذیّت وآزارآنها نبوده‌باشد مقررآنکه‌سلاطین‌خجسته‌آئین‌دولت علیه واخلاف واعقاب خلافت‌عظمی ازقرارهمین‌فرمان قضاجریان معمول داشته ابدالدهر دیناری وحبّهٔ‌مالیات وعوارض وصادر برخباز بلدهٔ رشت وارد نیاورند وخلافـ آن‌را مخالفـرضای‌خدا شمارند مقرّرآنکه عالیجاهان رفیعجایگاهان

حکام ومباشرین حال واستقبال گیلان حسب المقرر معمول داشته همه ساله بخرج گیلان مجری دانند ـ الحمدالله که اتمام این سنگ بسعی سلالة السادات العظام آقا میرابوطالب تاجر رشتی درقزوین خلدآئین انجام گرفت ـ کتبهٔ ملك محمد قزوینی فی شهر شعبان ۱۲۷۲ . [۱](عکس شمارهٔ ۱۹۳)

مسجد خواهر امام

در محلهٔ خواهر امام(۲)

این مسجد که سابقاً به مسجد لاله‌شوی[۳] معروف بود، روی درخرابی داشت، حاجی شیخ مهدی لاکانی آن‌را مرمت کرد. بنای اصلی مسجد به‌طول ۲۳/۵ وعرض ۱۲/۵ متر است . محرابی ساده دارد، ازارهٔ مسجد وصفه‌ها، به ارتفاع ۹۸ سانتیمتر کاشی گذارده است. هشت فیلپا که دردو ردیف قرار گرفته‌اند، سطح مسجد را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند. محیط پای فیلپاها ۳/۸۰ متر است وتا ارتفاع ۹۸ سانتیمتر کاشیکاری است . نقش کاشیها ،گلدان و گل‌زنبق است. درضلع شرقی و غربی مسجد غرفه‌هائی برای زنان است که هرغرفه متکی بردو فیلپاست . در ورودی از کفش کن شرقی است . درضلع جنوبی، دری به بقعهٔ مسجد ودری به صحن خواهر امام دارد واز در دیگری می‌توان به ایوان پشت حرم رفت . پنجره‌های متعدد کوچك وبزرگ در اضلاع مختلف بناست .

مسجد محمد آباد

درمحلی معروف به یهودی تپه درشهر رشت

بنای اصلی مسجد به‌طول ۱۱/۵ و عرض ۷/۶۰ متر است . دروسط هشت ستون چوبی دریك ردیف، صحن مسجدرا به‌دو قسمت اصلی تقسیم می کند محرابی با گچ بری ساده دارد که پاره‌ای ازاسماء حسنی نظیر یامنان یاسبحان یا دیان یا رحمان وعبارت افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد گچ بری شده است.

---

(۱) این کتیبه‌را رابینو درسفرنامهٔ مازندران واسترآباد صفحات ۶۶ و۶۷ و۶۸ با اختلافاتی آورده است .

(۲) رابینو محل مسجدرا درمحلهٔ زرجوب زاهدان ذکر کرده است(گیلان ص ۷۵ و۸۸) .

(۳) مزار لاله‌شوی (تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۱۷۵)

ساختمان مسجد دوطبقه است و در زیر، حوضخانه و انبار واطاق متولی است . پنجره هائی به اندازه های مختلف در اضلاع چهارگانهٔ مسجد دیده می‌شود .

سنگ مزار مگردیچ پسر خواجه آودیس

کلیسای قدیمی ارامنهٔ شهر رشت درمحلهٔ بازار، سرای قزوینیان بود فعلاً در خیابان سعدی کلیسائی نو ساخته‌اند . (عکس شمارهٔ ۱۹٤) درکلیسای جدید که اراضی مدرسهٔ قدیم ارامنه است ، سنگ قبری نسبةً قدیمی که به خط ارمنی مطالبی بر آن نوشته‌اند که ترجمهٔ آن از این قرار است:

بنیان گذار این مدرسه به نام انوشیروان و مگردیچ اورتانیان است .

آودیس وزنش وپسرش مگردیچ دراینجا مدفونند .مگردیچ در۱۱ اکتبر ۱۹۱۱ درسن ٦۱ سالگی فوت شد وزنش مریم در ۲۰ فوریه ۱۹۱۸ درسن ۵۵ سالگی ومگردیچ در ۲۰ اکتبر ۱۹۰۵ درسن بیست سالگی فوت شد بنیان گذار مدرسه درسال فوت پسرخواجه آودیس یعنی مگردیچ حیات داشته ومدرسه را به نام او نام گذاری کرده است.

آثار و بناهای تاریخی بخش موازی

بقعهٔ سید هارون بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ آتشگاه موازی

بنای اصلی بقعه به طول ۹۰ر٤ وعرض ۵۰ر۳ متر است. صندوقی مشبك درشت به طول ۱/۷۰ وعرض ۸۸ و ارتفاع ۱۰۰ سانتیمتر ، مرقد را دراین اطاق پوشانده است . از در شرقی بقعه، به مسجد و ازدرشمالی، به کفش کن می‌توان رفت .

بقعهٔ سید یعقوب بن امام موسی الکاظم علیه السلام درگوراب آقا سید یعقوب

بنای اصلی بقعه به طول ۱۹/۵ و عرض ٦/۷۰ متر است. ضریحی تخته‌ای قدیمی از چوب آزاد به‌طول ۱۸۵ وعرض ۱۲۰ و ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر بر مزار

است. ضلع شرقی، یک‌درورودی با دوپنجره وضلع شمالی یك در ورودی باچهار پنجره دارد. سقف سراسر بنا لمبه کوبی و بام حلب سر است. درخت آزاد بزرگی به محیط دایرهٔ ۸٫۵ متر نزدیك بنای بقعه است.

بقعهٔ آقامیرعظیم بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ گوراب موازی

بنای اصلی بقعه به‌طول ۹/۳۰ وعرض ۷ متر است. صندوقی نسبةً قدیمی به طول ۱۷۰ و عرض ۱۱۰ و ارتفاع ۱۲۵ سانتیمتر که بالای آن گهواره ایست نزدیك به دیوار شرقی، برروی قبر است. پنجره هائی به اندازه های مختلف در سه ضلع بناست. سقف واشان کشی، بدون پل‌کوبی و لمبه‌کوبی است. مسجد متصل به بقعه‌را خراب‌کرده بودند و نوسازی می کردند. اطراف بقعه پنج اصله درخت کیش وچندین اصله درخت آزاد قدیمی بود.

آقاپیر سنبل در دهکدهٔ پلکومی(۱) موازی

بنای قدیمی‌را خراب‌کرده بودند و به‌جای‌آن بنائی نوساز به‌طول ۶٫۹۰ وعرض ۴٫۲۰ ساخته بودند. مسجدی در غرب بقعه بود که طول داخلی آن ۱۱ متر وعرض آن ۶/۹۰ متر بود. برکاشی‌های متفرق و نامنظم محراب «وان یکاد» و «نصر من‌الله و فتح قریب» و «ولایة علی‌بن ابی‌طالب‌الخ» دیده می‌شد. دوستون چوبین قدیمی وسط مسجد بود که صحن مسجد را در طول به دوقسمت می کرد. سقف لمبه کوبی و بام آن حلب‌سر بود.

بقعهٔ آقا پیرسید معروف به پیل (۲) بقعه در پیشه‌ور موازی

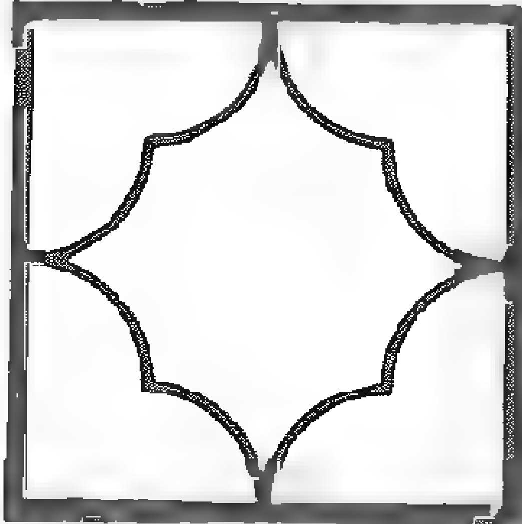
در اطاقی به طول ۳/۸۰ و عرض ٤ متر، صندوقی چوبین به طول ۱۹۰ و عرض ۱۰۰ و ارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر است. چهار طرف بنا، ایوان وستونهای چهارسو دارد. دودرخت آزاد کهنسال درمحوطهٔ قبرستان بقعه است.

---

(۱) بفتح پ وسکون لام. (۲) پیل درگیلکی به معنی بزرگ است.

آقا پیر صالح
در دهکدهٔ میشاوندان موازی

بنای اصلی بقعه از داخل به‌طول ۵/۵۰ وعرض ۴/۷۵ متر است . صندوقی



شکل شمارهٔ ۳

مشبّک به طول ۱۸۵سانتیمتروعرض۱۳۰ وارتفاع ۱۲۸سانتیمتر دروسط بناست که طرح نگارآن درشکل نشان داده شده است. (شکل شمارهٔ۳) مسجدی متصل به‌بقعه‌است که به دوقسمت زنانه ومردانه تقسیم شده‌است، طول خارجی مسجد با بنای بقعه ۲۹/۲۰ متر است . پنجره‌هائی به اندازه های مختلف در دیوارهای مسجد وبقعه دیده می‌شود. درخت آزادکهنسالی درمحوطهٔ بقعه است که‌محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۶/۵ متر است . مراسم علم بندی دراین بقعه اول محرم ومراسم علم واچینی بیست‌وهشتم صفر یعنی روز قتل امام حسن علیه‌السلام برپا می شود .

بقعهٔ سید ابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ لاکان موازی

طول بنای اصلی بقعه ۱۸/۵ وعرض آن ۹/۶۰ متر است. ضریح بقعه‌طرف غربی اطاق است . سقف بقعه سراسر لمبه‌کوبی و بام حلب سر است. درقبرستان وسیع اطراف بقعه هفت اصله درخت آزاد کهنسال دیده می‌شود.

بقعهٔ سلیمان داراب (۱)
در دهکدهٔ سلیمان داراب موازی

بنای اصلی بقعه بربلندی است ودرحدود دومتر ونیم ازکف جاده وسطح زمین‌های اطراف‌ارتفاع دارد. طول‌داخلی آن ۷متر وعرض آن ۵/۴۵ متراست.

---

(۱) درگیلان رابینو ص۲۴۱ نیز ازاین بقعه یاد شده است .

مصالح اصلی بنا، آجر است. قسمت داخلی اطاق را سفیدکرده‌اند. ارسی بزرگ قدیمی در طرف جنوب و ارسی کوچکتری درطرف غربی است. ارسی دیگری، طرف‌شرق است‌که به‌اطاق مجاور بازمی‌شود . در ورودی کنده‌کاری بسیارظریف داشته‌که درحدود ٤٥سال پیش به سرقت رفته است. صندوقی باکنده‌کاری بسیار ظریف نزدیك به ضلع شمالی است. طول آن ۲٦۰ وعرض آن ۱۱۲ وارتفاع آن ۹۰ سانتیمتر است و بر پایهٔ چوبینی نصب شده‌که ارتفاع آن ٤۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۹٥) حاشیهٔ بالا و پائین صندوق سراسر سورهٔ یس با خط بسیار خوشی حك شده است. (عکس‌شمارهٔ ۱۹٦) دربدنهٔ شمالی صندوق دوکتیبه طرف راست وچپ آن داشته‌که اوایل بهمن‌ماه سال ۱۳٤٦ به‌سرقت رفته است . چهار طرف بقعه ایوان وغلام‌گردش دارد. سقف بقعه لمبه‌کوبی و بام سفال سر است.

کتیبهٔ صندوق را رابینو درسفرنامهٔ مازندران و استراباد خود بدین‌شرح آورده است :

کتیبهٔ صندوق مقبرهٔ پیر سلیمان (۱)
در سلیمان داراب رشت

قدامر بجعل‌هذا الصندوق‌المبارك السلطان‌العادل‌الکامل قدوة‌الامراء‌العظام امین‌الخواقین‌الفخام‌المختص‌بعواطف‌الله‌الملك‌العلام‌المؤید‌بتأییدات‌الملك‌المنّان سرافرازسلطان خلدالله‌تعالی ظلال سعادته ورفعته وجلالته‌وعظمته‌واقباله‌العالی للمرقدالمعطر والقبر المنور الشیخ الفاضل السالك الکامل المرحوم المغفور المبرور زبدة المشایخ پیر سلیمان بن حمزه دارابی الرشتی جعله‌الله تعالی من‌الآمنین الفائزین الذین لاخوف‌علیهم ولاهم‌یحزنون فی‌ذیحجه‌سنة‌ثلث‌وخمسین وتسعمایه‌تقبّل‌الله‌تعالی من‌السلطان العادل مدّظله العالی هذه‌المبرات‌والخیرات و رزقه یوم‌القیامة المراتب‌العظمی والدرجات الکبری خلّدالله ظلال عظمته و سعادته وجلالته فی‌الدنیا علی ما یهواه ویتمنی وضاعفته الحسنات .

---

(۱) سفرنامهٔ‌مازندران واستراباد ص۷۰و۷۱ . رابینو درسطر اول کتیبه‌«الکامل» را «العارف» خوانده است .

از پیر سلیمان بن حمزهٔ دارابی رشتی خبری نداریم . اما نام سر افراز سلطان که به دستور او صندوق مقبرهٔ سلیمان داراب را ساخته‌اند ، یك‌بار در تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی در وقایع سال ۹٤۵ بدین شرح آمده است .

« در اثنای این حالت (یعنی هرج‌ومرج ولایت بیه پس) حکم‌شاه‌طهماسب به خان احمد رسید که الکای بیه پس را متصرف شده ، باج و خراج که مظفر سلطان ، هر ساله می‌داده ، روانه نماید . خان‌احمدخان ـ والی‌بیه‌پیش‌گیلان ـ در باب تسخیر و تصرف‌مملکت‌بیه‌پس درحرکت‌آمده ، بتاریخ‌هفدهم‌جمادی‌الاول سنهٔ خمس واربعین وتسعمایه ، سرافراز سلطان چپك را سردار لشکربیه‌پیش نموده ، با بیست هزارکس پیاده وسواره ، به قصد جنگ و جدال بر سر امیره سلطان محمد وپسرش به بیه‌پس فرستاده ، در سیاه رودبار رشت ، تقارب‌فریقین دست داده ، جنگ عظیم اتفاق افتاد . سلطان محمد و پسرش امیره شهنشاه در معرکهٔ جنگ ومیدان نام و ننگ به ضرب تفنگ به قتل رسیدند .»(۱)

از نوشتهٔ عبدالفتاح بر می‌آیدکه سلطان‌سرافراز چپك در جمادی‌الاولی سنهٔ ۹٤۵ سردار قشونی بوده که به بیه‌پس آمده است . صندوق سلیمان داراب که به دستور او ساخته شده است مورخ ذیحجهٔ سال ۹۵۳ است . اگر تمام‌شدن کار صندوق در غرّهٔ ذیحجه باشد ، فاصلهٔ مابین مأموریت نظامی او وتاریخ‌اتمام صندوق ، در حدود هشت سال و شش ماه و سیزده روز می‌شود و مسلماً در این فاصله سرافراز سلطان بر شهر رشت حکومت‌کامل داشته است .

نکتهٔ دیگرکه ازکتیبهٔ صندوق بر می‌آید اینست که‌سرافراز سلطان‌تنها سپه‌سالار نبوده ، بلکه سلطان عادل‌کامل وقدوهٔ امرا وامین خواقین و نظایرآن بوده است .(۲)

قبر میرزاکوچك‌خان جنگلی در قسمت شرقی بقعهٔ سلیمان داراب است واطراف آن را دیواری کوتاه مدورکشیده‌اند . چون سنگ قبر اورا با سیمان

---

(۱) تاریخ گیلان ص ۱۸ و ۱۹ . (۲) نقل از مقالهٔ مرحوم سعید نفیسی . در مجلهٔ فرهنگ سال سوم از ص ۳۵۹ به بعد .

پوشانده بودند مطالب آن خوانده نشد. اطراف قبر او سه اصله درخت آزاد کهنسال ودرختان دیگر است .

قبر میرزا حسین خان کسمائی ، طرف شمال شرقی بقعه ، نزدیك در ورودی است .

امامزاده اسماعیل وامامزاده ابراهیم ابنان امام علی‌النقی علیه‌السلام معروف به آقا دو برادران در دهکدهٔ آجی ویشهٔ موازی

بنای‌اصلی بقعه‌تقریباً مربع‌شکل وبه ابعاد ۴/۵ × ۴/۱۰ متراست.صندوق بقعه در وسط بنا و به طول ۲۱۰ و عرض ۱۲۴ و ارتفاع ۱۶۰ سانتیمتر است که قسمت بالای بدنه‌های آن مشبّك وطاق آن گهواره‌ایست . جلو بنا ایوانی است که هشت عدد ستون چهارسو دارد . راهروئی در شمال بقعه و مسجدی متصل به راهروست . سقف بنا لمبه‌کوبی و بام حلب سر است . هشت اصله درخت آزاد کهنسال در حیاط ومحوطهٔ قبرستان بقعه است .

خانه و باغ عمیدالملك در دهکدهٔ بوسار موازی

در شمال رشت ، بر سر جادهٔ پیر بازار ، خانه وباغی است که به نام «باغ عمیدالملك» معروف است .(۱)

کارخانهٔ ریسندگی امین‌الضرب در دهکدهٔ بوسار موازی

رابینو از این بنا وکارخانه یادکرده است(۲) ولی نگارنده در بوسار اثری از آن نیافت .

تپهٔ شال‌کوه در دهکدهٔ شال‌کوه موازی

عبدالفتاح فومنی محل این تپه را در شرق رودخانهٔ سیاه رودبار تعیین کرده است .(۳) شال‌کوه ، دهکدهٔ کوچکی در راه خمام است .

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۳۹ . (۲) و (۳) گیلان رابینو ص ۲۳۹ .

بقعهٔ آقا پیر حسن
در خوناچاه موازی

بنائی است آجری به طول ۸/۲۰ و عرض ٤متر. صندوق بقعه نزدیك به دیوار شرقی و به‌طول ۱۹۰ وعرض ۱۰۵ وارتفاع ۱۱۰سانتیمتر است. بالای‌صندوق طرح کلاه درویشی دارد. در ورودی بقعه شرقی است و از طرف شمال مسجدی آجری، متصل به‌بقعه‌است که‌یازده متر طول وهشت‌متر عرض دارد. پنجره‌هائی به اندازه‌های مختلف دردیوارهای بقعه ومسجد است.

آقا دو برادران
در لچه‌گوراب (۱) موازی

این بقعه برسرراه رشت به لاهیجان در کنار راه است. بنای بقعه زیاد قدیمی به‌نظر نیامد. مولانا آقاحان ملقب به شمس گیلانی (۱۲۵۳-۱۳۵۳قمری) در بیست وششم محرّم درگذشت و درقبرستان این بقعه به خاك سپرده شد(۲). رابینو نیز ازاین بقعه یادکرده است(۳).

بقعهٔ آقا سید ابوجعفر و آقا سید ابراهیم ابنان علی‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
معروف به تازه بقعه
در دهکدهٔ تازه بقعه موازی

شامل اطاقی به‌طول ۷/۸۰ وعرض ۳/٦۵ متراست. صندوقی چوبین مشبّك لوزی نسبةً قدیمی بطاقی‌گهواره‌ای برمرقد این‌دوبرادر است. مسجدی درطرف غربی‌بقعه ومتصل به‌آن‌است، سقف‌بقعه ومسجد، واشان کشی وبام هردوحلب‌سر است. مراسم علم بندی روز اول محرّم و مراسم علم واچینی، شب یاردهم و گاهی شب سیزدهم محرم برپا می‌شود. در بقعه چند سنگ سیاه، نظیر احجار ساقطهٔ سماوی است که برای رفع جوش صورت و چشم درد به صورت و چشم می‌مالند. این سنگهارا درمیان دو انگشت شصت می‌گیرند ونیّتی می کنند اگر

---

(۱) بضم لام. (۲) تاریخ علما وشعرای گیلان ص٦۷ (۳) گیلان رابینو ص۲٤۰.

حرکت کرد، می‌گویند نیّت بر آورده می‌شود.

بقعهٔ آقاسیدعلی کیائی نوهٔ موسی بن جعفر علیه‌السلام
در شیرکوه(۱) تمل(۲) موازی

بنای اصلی بقعه اطاقی است مربع که از آجر بنا شده است و چهار در ورودی درچهار جهت اصلی دارد. ضریحی مشبّك چوبین مرقدرا پوشانده است. چهار طرف بنا ایوان دارد. سقف از داخل لمبه‌کوبی و بام حلب سراست.

بقعهٔ درویش محمد
در خشك بجار خمام

بنائی است هشت ضلعی که طول هریك از اضلاع آن ۲/۸۰ متر است. در هریك از اضلاع دری وبالای آن خفنگی مشبّك نورگیر جای داده شده است. ایوانی هشت ضلعی، اطراف بناست‌که لبه‌ای یك پشته دارد. سقف بنا و ایوان، واشان کشی و بام‌آن حلب‌سر وسفال‌سر است (عکس شماره ۱۹۷) زیر ایوان در مقابل هر ضلع دوطاق برای امانت‌گذاشتن اجساد ساخته‌اند.

بقعهٔ آقا سید پیر نوهٔ امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در بلس‌کله(۳) چوکام خمام

بنای اصلی بقعه اطاقی کوچك است و در وسط صندوقی چوبین مرقد را پوشانده است. در ورودی بقعه شرقی است وازطرف غرب متصل به‌مسجد است. سقف سراسر بقعه و مسجد لمبه‌کوبی است. مراسم علم بندی اول محرّم و علم واچینی دربیست‌وهشتم صفر برپا می‌شود. دراین‌صفحات معمولاً علم بقاع‌متبرك را تا بیست و هشتم صفر نگاه می‌دارند ولی علم تکیه‌ها و مساجد را سوم محرم وامی‌چینند.

---

(۱) بکسر راء. (۲) بفتح تاء و کسر میم. (۱) بفتح باء و لام وکاف.

بقعهٔ آقا سید زکریا و آقا سیدعبدالله ابنان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ بسته‌دیم خشك بجار خمام

بنای اصلی بقعه اطاقی است به طول ۵/۹٤ وعرض ٤ متر. صندوقی مشبّك قدیمی در وسط اطاق است که طول آن ۳۷٤ وعرض آن ۱۰۰ و ارتفاع آن۱۳۲ سانتیمتر است. این صندوق طاقی‌گهواره‌ای مشبّك چوبین دارد گنبد مانندی هشت‌ضلعی درطاق اطاق بالای ضریح تعبیه شده است. داخل اضلاع گنبد «وان یکاد» تا آخر ونامهای پنج تن دیده می‌شودکه فواصل آنهارا آئینه‌کاری کرده‌اند. درچهار جهت اصلی چهار در ورودی است که بالای آنها خفنگی نصب کرده‌اند. چهارطرف بقعه ایوان است و درهر ایوان هشت ستون چهارسو باسرستونهای قدیمی است. مراسم علم بندی دراین بقعه أول محرم و مراسم علم واچینی عصر سیزدهم محرم برپا می‌شود.

علم این بقعه بسیر قدیمی است وکنده‌کاریهای ظریف دارد. قسمت‌بالای علم بسمله و «انافتحنا» تا «ماتأخر». پائین آن این آیات وعبارات است.

لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار

ای چرخ غافلی‌که چه بیدادکردهٔ

وزکین‌چها .. (ازهفت بند محتشم کاشانی)

یادیّن یامنّان یاحنّان یا برهان

بسمله قل هوالله احد الخ نصر من‌الله وفتح قریب

بسمله اذا جاء نصرالله والفتح الخ

یا محمد (چهاربار تکرار شده است)

نامهای دوازده امام و پائین آنها باز ابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی.

بسمله الله لااله الا هوالحی الخ حسن محمد وزیر اینها باز ابیاتی از هفت بند محتشم را حك کرده‌اند شاید این علم ازپرکارترین علم‌هائی باشد که درصفحات گیلان باقی مانده است.

هفت سنگ قبر
در دهکدهٔ امیربکندهٔ خشك بجار خمام

* سنگ شمارهٔ یك به طول ۱۰۲ وعرض ۵۵ وقطر ۲۵سانتیمتر . نوشته‌های آن خوانده نشد . بر بدنهٔ سنگ نگارهای بسیار زیبا و پرکار است(عکس شماره ۱۹۸ و ۱۹۹) .

* سنگ شمارهٔ دو به طول ۱۳۰ و عرض ٦۵ وقطر ۳۲ سانتیمتر. پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین ترتیب خوانده شد: الحمدلله المتوحد بالعظم والکبریا... العزة والجبروت ... (عکس شمارهٔ ۲۰۰) .

* سنگ شمارهٔ سه به طول ۱۱۰ وعرض ۷۰ وقطر ۳۱ سانتیمتر که فعلاً جلو مسجد است، نقش ونگار ونوشته‌هائی داشته‌که‌کم وبیش ازمیان رفته‌است.

* سنگ شمارهٔ چهار به طول ۷٤ وقطر ۲۷ که یك‌پهلو داخل خاك بود و عرض آن اندازه‌گیری نشد . مطالب ونقوشی بر آن حك بوده است.

* سنگ شمارهٔ پنج فعلاً شکسته و غیرقابل اندازه گیری وخواندن بود.

* سنگ شمارهٔ شش به طول ۸۵ وعرض۲۵ وقطر ٤۹ سانتیمتر که‌مطالب ونقوش آن تشخیص داده نمی‌شود .

* سنگ شماره هفت به طول ۱۱۵ وعرض ۵۰ وقطر ۲۹ سانتیمتر که‌این مطالب بر آن خوانده می‌شود :

بر چهار حاشیهٔ بالای سنگ نام چهارده معصوم به‌این شرح : اللهمّ صل علی‌النبی والوصی والبتول والسبطین الخ . پائین سنگ : قال امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام ... (عکس شمارهٔ ۲۰۱)

بقعهٔ درویش علی
در خشك بجار خمام بخش مُوازی

بنای اصلی اطاقی است مربع، به ابعاد ۳/۹۰ متر . درهر ضلع یك در و در دو طرف آنها ، دو پنجره وبالای درها و پنجره‌ها خفنگ نصب شده است . چهار طرف بقعه ، ایوان وجلو ایوانها ستونهای چهارسو بدون سرستون است. سقف بقعه وایوانها لمبه کوبی وبام حلب‌سر است .

امامزاده حسن
در خمام موازی

بنای بقعه اطاقی‌است به طول ۹/۱۳ وعرض ۷/۱۰ متر . صندوقی تخته‌ای که بالای آن مشبّك و به شکل منشور مربع‌القاعده است به طول ۱۹۷ وعرض ۱۲۳ و ارتفاع ۱۲۰ در وسط اطاق است. در ورودی طرف قبلی است و در سایر اضلاع پنجره‌هائی به اندازه‌های مختلف تعبیه شده است. مسجدی متصل به‌بقعه است که ابعاد آن ۱۲ × ۱۱/۵ متر است . ازارهٔ داخلی مسجد را شش ردیف کاشی سبز رنگ به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر پوشانده است . کاشیهای محراب گلدار است وبالای آنها گچ بری ساده است. طرف شمالی مسجد قسمت زنانه و شامل دو طبقه است . درها و پنجره هائی به ابعاد مختلف در اضلاع مسجد نصب شده است.کتیبه‌ای از آیات کلام‌الله مجید بر دیوارهای جنوبی وغربی است وتاریخ ۱۳٤۸ هجری قمری در این کتیبه دیده می‌شود. سقف سراسر بنا لمبه کوبی با درزپوش‌خطدار است. (عکس‌شمارهٔ ۲۰۲) رابینو نیز ازاین‌بقعه‌نام‌برده‌است.(۱)

بقعهٔ آقا بابا حسن
در محلهٔ سربنار کل چوکام خمام

شامل اطاقی ساده است که در آن صندوقی چوبین ، نزدیك ضلع جنوبی بر پایه‌ای‌کاشیکاری نصب شده است. مسجد در شرق بقعه و متصل به آن است . سقف بقعه و مسجد لمبه کوبی است . دو درخت آزاد کهنسال در حیاط بقعه است . محیط دایرهٔ یکی‌از آنها ٤۸۰ ودیگری ٤٤۰ سانتیمتر است. رابینو نیز از این بنا یاد کرده است.(۲)

بقعهٔ سید زکریا
در میان محلهٔ شیجان (۳) خمام

بنائی‌است‌ساده با ضریح‌چوبین‌مشبّك که‌بالای آن به‌شکل‌هرم‌مربع‌القاعده است. در ضلع شرقی بقعه سه باب ارسی با حاشیه‌های رنگین تعبیه شده است.

---

(۱) گیلان‌رابینوص ۲۳٤. (۲) گیلان‌رابینو ص۲۳۵. (۳) بکسرشین‌وسکون‌یاء.

ضلع شمالی بقعه متّصل به مسجد است و در ضلع شرقی مسجد نیز شش باب ارسی نظیر ارسیهای بقعه دیده می‌شود.

بقعهٔ شاهزاده اسمعیل و شاهزاده احمد ابنان امام موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به آقا دو برادران در دهکدهٔ برمچه (= بر مسجد) خمام

بنای بقعه اطاقی است به طول ۶ و عرض ۵ متر. صندوقی چوبین مشبك به طول ۲۱۰ وعرض ۱۷۵ وارتفاع ۱۲۴، باطاقی گهواره‌ای، دروسط اطاق است. بر این صندوق یادگاری مورخ ۱۲۹۲ دیده شد. مسجدی متصل به بقعه است. طول بنای مسجد با بقعه ۲۰/۲۵ متر است در اضلاع بقعه ومسجد پنجره‌هائی به ابعاد مختلف دیده می‌شود.

زیارت دستخط علی بن ابی طالب علیه‌السلام در دهکدهٔ کیجای کهدم موازی

در کیجای کهدم قرآنی است که می گویند به خط علی بن ابی‌طالب‌است. عبدالفتاح‌در وقایع‌سال ۹۹۸ قمری از این‌قرآن یاد کرده است وچنین‌می نویسد:

« شاه جمشیدخان ازعالم‌غفلت‌ونادانی وساده‌لوحی، منصب وکالت خودرا به کامران میرزای کهدمی ... رجوع نمود و در حکم وکالت قید نموده بود که چون همواره میانهٔ ما وکامران میرزا الفت روحانی ومؤانست جسمانی‌بوده ... بناءً علی هذا منصب جلیل‌المراتب وکالت‌را من‌حیث‌الانفراد والاستقلال به‌برادر جانی و مصاحب روحانی میرزاکامران شفقت فرمودیم ومقرّر نمودیم که اختیار ملکی ومالی ولشام وسپاهی مملکت بیه‌پس در دست او بوده تا هزار تومان از مال سرکار اینجانب را به مهر خود، به هر کس که خواهد واراده داشته باشد بدهد ... و مال وجهات ووجوهات الکای تولم را علاوهٔ رسم‌الوکاله نموده، به اقطاع و انعام همه سالهٔ او مقرّر نمودیم که سرکار وکالت پناه معظم الیه ضبط نمایند و کامران بی‌ایمان استحکام عهود و مواثیق را به قرآن مجید حمید که دستخط مبارك وعنوان طراز صحیفهٔ ولایت ونسخهٔ دیباچهٔ امامت اسدالله‌الغالب

امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌افضل‌الصلوات واکمل‌التحیّات بود ودرقریهٔ کیجای کهدم می‌باشد ، از روی تأکید ایمان و تسدید بنیان عهد و پیمان ... از برای شاه جمشیدخان قسم یاد نموده بود ...» رابینو نیز از این قرآن یاد کرده است.[1] نگارنده این قرآن را ندید.

بقعهٔ امامزاده هاشم بن محمدبن عبدالله بن حمزة بن محمد حنفیة بن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام نزدیك سراوان کهدم

بقعهٔ امامزاده هاشم ، در دو کیلومتری سراوان وسی‌ودو کیلومتری جنوب رشت ، بر سر راه رشت به قزوین ، بر روی تپه‌ای که صد و پنجاه متر ارتفاع دارد بنا شده است .

ایستویك (Eastwick) می‌نویسد که بنای این امامزاده را منوچهر خان معتمدالدوله ساخت وبعدها مکرر این محل را نیز تعمیر کرد.[2]

احتمال می‌رود که این بقعه بنائی قدیمی داشته ومنوچهرخان معتمدالدوله بوسازی کرده است. بنای منوچهرخان نیز دیری نپائید . درجنگ اول جهانی، روسها در تپهٔ بالای امامزاده ، مهمات و قورخانه داشتند . بر اثر احتراق این مـــواد ، بنا وصندوق وســـایر آثار امامزاده ازمیان رفت. بنای فعلی به امر رضاشـــاه پهلوی ساخته شده است . گویا طرح قدیمی بنا را در تعمیر حفظ کرده‌اند. صحن اصلی تقریباً مربع وبه ابعاد ۱۳٫۵ × ۲۵٫۵ متر است. صندوق وضریح در وسط این اطاق است. در ورودی شمالی است وابتدا به کفش‌کنی به طول ۵/۱۳ وعرض ۲/۵ متر وارد می‌شود . مقابل این کفش کن، در ضلع جنوبی، ایوانی به همین عرض و طول است که جلو آن را آلت بندی کرده و شیشه انداخته‌اند . نظیر این ایوان در ضلع شرقی نیز دیده می‌شود . دو طرف ضلع شرقی دو اطاق کوچك به ابعاد ۲٫۵ متر است . طرف غربی ، مسجدی به طول

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۳۷ . (۲) ایستویك ج۱ سال ۱۸۶۱ میلادی صفحات ۳۲۶ و ۳۲۷ به نقل از گیلان رابینو ص ۲۳۷ و ۲۳۸ .

۸/۸۰ وعرض ٤/٥ متر ساخته شده که متصل به بنای بقعه است. سقف بقعه، بالای ضریح گنبدی شکل و باقی سقف لمبه کوبی است . دیوار های داخلی سفید کاری است و آیاتی از قرآن کریم به‌خط نسخ بر بالای دیوار نوشته‌اند . ازاره و کف بنا ، کاشیکاری است . بام سراسر بنا ، غیر از گنبد ، سفال‌سر است .

کاروانسرای لات
در سراوان کهدم موازی

این کاروانسرا را منوچهرخان معتمدالدوله درسال۱۲٤٦قمری بناکرده است.[1] حیاط آن مربع شکل و هر ضلع آن ۲۷ متر است و در هر ضلع هفت صفه دارد. در کنجهای اضلاع شمالی وجنوبی ، صفه‌مانندی‌است که‌راه به‌مال‌بند زمستانی دارد. پشت تمام صفه‌ها ، غیر از در ورودی وقسمت شه‌نشین ، مال‌بند زمستانی‌است. سردر کاروانسرا ، صفهٔ وسط ضلع شرقی است . عرض در ورودی، سه متر و قطر فضای زیر گنبد که از در ورودی به این فضا وارد می‌شود سیزده متراست. پلکان بام، طرف چپ در ورودی است وشامل شانزده پلهٔ ۲۵سانتیمتری است. مصالح دیوارها وطاق صفه‌ها وطاق مال‌بند آجرهائی به ابعاد ۲۲ و قطر چهار سانتیمتر است. طول وعرض خارجی بنا پنجاه متر تمام است.

در غرب‌کاروانسرا ، کوهی نسبةً مرتفع به نام «قلعه‌کوه» است . احتمال دارد محل قدیمی قلعهٔ‌کوهدم باشد والعلم عندالله .

بقعهٔ آکاشاه (= عکاشه)
در دهکدهٔ رود بردهٔ سنگر

بنای اصلی بقعه اطاقی است به طول ۳/٥٦ و عرض ۲/۹٥ متر . صندوقی مشبّك در وسط اطاق ، به‌طول ۷۸۰ وعرض ۸٥ وارتفاع ۸۰ سانتیمتر بر پایه‌ای از سنگ و گچ نصب شده است. سه‌ضلع‌جنوبی وشمالی وغربی در ورودی دارد. چهار طرف بنا ، ایوان است . ایوان غربی به طول ۸/۲۰ و عرض ۲/۷٥ متر . ایوان شرقی به همان طول و به‌عرض ٤/٥ متر ، ایوان شمالی به طول ۹/٥۰ و

---
(۱) گیلان رابینو ص ۲۳۸ .

عرض ۱/۸۰ متر وایوان جنوبی به همان طول و به عرض ۱/۵ متر است. جلوهر ایوان هفت ستون با سرستونهای ظریف است. سقف ایوانها وبقعه، واشن‌کشی وبام‌سفال‌سر است. در ایوان‌شرقی ، بالای‌در ورودی ، بر چوب‌زیرسری‌واشانها، لعنت نامه‌ای به این شرح دیده می‌شود :

تقدیم نمود عالیشان معلّی مکان سلالة النجبائی آقا محمـد حسین خلف مرحمت وغفران پناه آقا محمدتقی کهدمی وبعد اقرارنمود که مادام حیوة‌خود ملك رود بردهٔ پائین محله‌را باجاره‌ندهند اگر بخواهند بدهند زیاده بر یکسال ندهند لعنت خدا برخود وبرادر خود بطناً بعد بطن اگر خلاف تقریر خود ... بعد اگر خود یااولاد خود بتقریر خود صادق نباشیم ازقول خدا بیرون ازقول شیطان داخل لهذا نیّت عالیشان مزبور چنین است چنانچه تقدیر گردش فلکی نشود از دست اولاد مزبور ملك مذکوررا متصرف دیگری بشود لعنت خدا ... براو وهفتاد پشت او اگر بخواهند بکنند وهمچنان لعنت خدا برمن وبراولاد من اگر ضمانت دیگری‌را بکنند اگردونفری مشکلی داشته باشند بیایند پیش من ویااولاد من بقدر مقدور وجهی به‌او بدهند وضمانت نکنند هرکس این توقع را ازمن یااولاد من بکنند لعنت ونفرین رسول خدا برآن کس اگرتوقع بکنند وهمچنین هرچه ملکی که پدرم خریداری نموده است وقف است برای اولاد ذکور بطناً بعد بطن سنهٔ ۱۲۲۸ هرکس این را سیاه بکند بلعنت خدا گرفتار شود . همچنان که هرکس دوباره آن را تعمیر بکند و ننویسد بلعنت خدا گرفتار شود سنهٔ ۱۲۲۸ .

برهمین زیرسری ، تاریخ اتمام بقعه درسال ۹۲۰ قمری دیده می‌شود که موافق اودئیل ترکی بوده‌است ، ولی سبك عبارات ونامهائی که درمتن آمده است متعلق به‌این زمان نیست . احتمال دارد کسانی که این بقعه‌را درسال ۱۳۱۹ قمری تعمیر کرده اند ، تاریخ قبلی را در اینجا آورده باشند . این شرح نیز مانند لعنت نامهٔ قبلی بامرکب سیاه برروی چوب نوشته شده‌است :

هوالله تعالی شأنه

بتاریخ ۹۲۰ شهر ذیقعدةالحرام تمام شد ساختن بقعهٔ متبرکه آشیخ علی بن آقا کاشاه رضی‌الله عنه بحسب الامر عالیجاهان مقرب الحضرة علیه آقامهدی ولی آقا ارباب آقامشهدی صفرعلی کدخدای رود برده بتوسط دونفر نجار اشرف‌الزوار کربلائی محمد واستادحسن ولدان غفران پناه استاد اسماعیل نجار شفتی‌الاصل باتمام رسانیده شد زحمت زیادی کشیدند خدای متعال بیامرزد پدر و مادر اشخاصی که باعث ساختن این بقعه متبرکه شده‌اند خداوند اجر آخرت کرامت نماید بخودشان بپدر و مادرشان غرض نقش کزماها بماند که دنیارا نمی‌بینم بقائی کاتب‌الحروف ملارضاعلی ولد مرحوم تقی ساکن قریهٔ رودبردهٔ کهدم التحریر یوم سه‌شنبه ۹۲۰ ذیقعدةالحرام هذهالسنه اودئیل هرکه خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنهکارم سنهٔ ۱۳۱۹ هرکه سیاه نماید این خط‌را خدا سیاه کند رویش‌را .

سنگ قبری از مرمر سفید در ایوان بقعه است واین عبارات بر آن حک شده است : وفات مرحومه مبروره ام سلمه خانم بنت کربلائی محمد فی شهر ذی‌الحجةالحرام ۱۲۲۷ نشانها : تسبیح ومهر ودوانگشتر : درحاشیه :

ای خاک تیره دلبر مارا عزیز دار

کاین نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ .

اطراف بقعه محوطه‌ای بسیار بزرگ ومصفاست که درختان آزاد زیادی در آن دیده می‌شود. پنج اصله ازاین درختان بسیار کهنسال بود . مردم ناحیهٔ سنگر ، به‌این بقعه زیاد علاقه دارند واز دور و نزدیک به‌زیارت می‌آیند روز سیزده فروردین دراین زمین پهناور جائی برای نشستن نیست .

بقعهٔ آقا سید عبدالله بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام

معروف به آقا سیاه پوش

در طالم سه شنبه سنگر

بنای اصلی بقعه اطاقی‌است به‌طول چهارمتر وعرض ۳/۷۰متر . صندوقی

تخته‌ای باطاق گهواره‌ای مشبّك ، به‌طول ۱۸۰ وعرض ۷۵ وارتفاع ۹۰سانتیمتر مرقدرا پوشانده است . در ورودی شرقی است . چهار طرف ایوان، باعرضهای مختلف است . درهرایوان هشت ستون چهارسوی پخ زده دیده می‌شود . سقف بقعه لمبه کوبی وسقف ایوان واشان کشی بدون لمبه کوبی وپل کوبی وسراسر بنا سفال سراست . برعلم قدیمی بقعه آیات وعبارات : نصرمن‌الله وفتح قریب ـ یاعلی مدد ـ الله محمد علی خوانده شد . مراسم علم بندی پنجم محرم ومراسم علم واچینی روز سیزدهم محرّم برپا می‌شود .

قطعه ای قاب کرده ، به خط محمد شفیع تبریزی به این شرح در بقعه دیده شد :

الله محمد علی فاطمـه الحسن الحسین علی محمد موسی علی محمد علی حسن محمد مرویست که هر که هرروز وقت صبح ودروقت دیدن‌هرماه نو باین اسماء مبارکه نظر نماید آن روز و آن ماه را خوش می گـذراند کتبه العبد محمد شفیع‌التبریزی ۱۲۰۶ . (۱)

درحیاط بقعه یك‌اصله درخت آزاد ویك‌اصله درخت سمد (ـ نارون) کهنسال دیده‌می‌شود .

مسجد جامع امشه
دردهکدهٔ امشهٔ سنگر

طول مسجد چهارده متر وعرض آن چهار متراست . دردو بازوی شرقی وغربی دوغرفه، مخصوص زنان‌است . طرف شمال پنج پنجره مشبّك چهارضلعی چوبین (عکس شمارهٔ ۲۰۳) است که میان هردو پنجره یك‌طاقچه است . بالای پنجره‌ها وطاقچه‌ها ، رفهائی است که طاق بلند دارد . طرف جنوب ، درطرفین محراب ، دودر ورودی ازایوان مسجداست که فواصل‌آنهاطاقچه وبالای هردر وهرطاقچه رفی بنا شده‌است .

درچهارضلع مسجد ، درزیرطاق کتیبهٔ گچ بری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی

(۱) رقم صفر ازمعمول بزرگتراست وعدد ۵ نیز خوانده می‌شود .

است . بالای محراب نصر من‌الله وفتح قریب و انافتحنا لك فتحاً مبیناً و ١٢٨١ ازراست به‌چپ وازچپ به‌راست گچ‌بری شده‌است. داخل محراب ، چهارردیف کاشیکاری‌است . سقف‌سراسر صحن مسجد لمبه کوبی‌است .

ایوان مسجد به‌طول ١٨/٧٠ وعرض ٤/٥ متر وجلوآن هشت ستون‌قطور چوبی‌است که محیط دایرهٔ هریك ٨٠ سانتیمتر است . طرف عربی ستونها ، فیلپاهای آجری هشت ضلعی‌است که محیط هریك ٢٨٥ سانتیمتراست .

طرفین ایوان ، غرفه شاه‌نشین مانندی دارد . طاق ایوان واشان کشی و لبهٔ آن دوپشته وبام بنا سفال‌سراست . (عکس شمارهٔ ٢٠٤)

این کتیبه درضلع شمالی ایوان دیده‌شد:

این مسجد عالی که نمایان وجلی است

آبادی آن ز حاجی میرزا مهدی است

تـاریخ بناش از خرد جستم گفت

درسال هزارو سیصد از هجـری است .

طرفین ایوان دودر ورودی‌دارد .

علمی قدیمی دراین مسجداست که بربالای تیغهٔ وسط آن « یاشاه شهید یاامام حسین ١١١٠ » نقر شده‌است . برپایهٔ این‌تیغه که شکل‌سرو دارد ، آیات زیر باخط خوش‌نسخ نقرشده‌است : بسمله اذاجاء نصرالله تاانه‌كان توابا . بردو طرف‌علم دوسر اژدهاست که کاری بسیار ظریف‌است . (عکس‌شمارهٔ ٢٠٥)

امشه عمارت و باغ سیمبر
در دهکدهٔ امشهٔ سنگر

باغ سیمبر ازچهار خیابان شمالی جنوبی که طرفین آن را درختان‌آزاد کاشته‌اند به‌وجودآمده‌است. درختان آزاد این‌باغ نظیر درختان آزاد باغ‌محتشم رشت‌است ویکی ازمناظر زیبای بخش موازی ودهکـدهٔ امشه‌است . در انتهای خیابان‌وسط که عرض آن بیشتراست، خرابه‌های خانهٔ سردارمعتمد دیده‌می‌شود . (عکس شمارهٔ ٢٠٦)

این اشعار روی زمینه‌های آبی و قهوه‌ای باخط خوش نستعلیق بر طاق ایوان نوشته شده بود:

که شد باعث خلقت ممکنات	محمد رسول همه کاینات
وجودی که مانند او هیچکس	. . . .
پدید آورد آسمان و زمین	خداوند یکتای جان آفرین
قدیم است وحی وعلیم وصمد	رحیم است ورحمن وفرد واحد
که بنمود مارا عطا عقل و هوش	خداوند روزی ده عیب پوش

به علت خرابی طاق ابیات مقدم و مؤخر بر آنچه نقـل شده است پیدا نشد.

بقعهٔ آقاسیدشریف از نوادگان موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ آقا سید شریف از دهکده‌های ورزلات موازی

طول بنای اصلی بقعه ازخارج ۱۱/۸۰ وعرض آن ۸/۳۰ متر است. دو در ورودی در اضلاع جنوبی وغربی است، وپنجره هـائی به‌اندازه‌های مختلف در دیوارهای بنادیده می شود. ایوان غربی به‌طول ۱۲/۷۰ وعرض ۳/۸۰ متر است که جلو آن ده ستون چهارسوی چوبین است. درفواصل ستونها، درلبهٔ ایوان، نردهٔ دستک صراحی است. ایوان جنوبی به‌عرض ۹۰ سانتیمتر ودارای هشت ستون چهارسوست. سقف بقعه وایوان، لمبه کوبی، خطدار است.

درپانزده متری این بنا، بنای دیگری است که می گویند سیدولی بن آقا سید شریف در اینجا به خاك سپرده شده است. بنای اصلی این بقعه به‌طول ۹/۶۰ و عرض ۷/۴۰ متر است. ضریحی مشبك مرقد اورا پوشانده است.

در دیوارهای بنا، پنجره هائی به‌اندازه‌های مختلف دیده می‌شود. سقف ایوانها وبقعه لمبه کوبی است. زوارکشی این بقعه‌ها روزجمعه است. مراسم علم‌بندی اول محرّم ومراسم علم‌واچینی بیست‌وهشتم صفر برپا می‌شود.

بازار فلك ده (۱)
در دهكدهٔ فلك‌ده از دهكده‌های ورزل موازی

درسال ۱۲۶۱ قمری، محمدرضاقزوینی كه معروف به كل(۲) محمدرضابود این بازاررا دراین‌دهكده ساخته است(۳)

بقعهٔ آقاسید محمد شاه بن موسی‌الكاظم علیه‌السلام
دردهكدهٔ گراكوی كوچسفهان

اطاقی‌است به‌طول ۵/۸۰ وعرض ۴/۴۰ متر. صندوقی تخته‌ای به‌طول ۱۸۰ وعرض۹۵ وارتفاع ۱۵۰سانتیمترباطاق گهواره‌ای مرقدرا پوشانده است. درهای ورودی طرف قبلی و طرف شرقی است. پنجره هائی به اندازه های متفاوت در دیوارهای بقعه است . مسجدی‌متصل به‌بقعه است كه طول آن باطول بقعه‌جمعاً ۱۴/۹۰ مترمی‌شود.

الماس كل
در دهكدهٔ كنار سر كوچسفهان

این تپه كه از خاك دستی تشكیـل شده است ، احتمال دارد اثری تاریخی باشد .

بقعهٔ سیدمعصوم‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام
در پائین محلهٔ پشكه (۴) درجنوب دهكده‌های
خشت مسجد و ویشكا ، كنار رودخانهٔ گیشه دمرده

اطاقی به‌طول ۴/۸۵ وعرض ۳/۷۰ متر است . صندوقی كه قسمتی از آن مشبّك وقسمتی تخته ایست به‌طول دومتر وعرض۹۰ وارتفاع ۱۴۰سانتیمترمرقد را پوشانده است . مسجدی ازطرف‌شرق متصل به بقعه است كه طول آن ۱۳/۵ و عرض آن ۴متراست. درورودی‌مسجد جنوبی است. سقف سراسربنا لمبه كوبی و بام حلبسراست. درمحوطهٔ بقعه چنداصله‌درخت آزاد است كه محیط تنهٔ یكی

---

(۱) بفتح فاء وكسر لام (۲) بكسر لام صفت مقدم است و به معنی كچل است .
(۳) گیلان رابینو ص ۲۴۷ . (۴) بفتح پ .

از آنها ۴/۵ متر است . در بالا محلهٔ پشکه بقعهٔ دیگری به نام آقا سید محمد است که مزار او در کنار مسجدی است که طول آن ۱۱/۵ و عرض آن ۵/۸۰ متر است .

بقعه آقا سید احمد و آقا سید محمد ابنان امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به‌دو برادران در دهکدهٔ هندوانه پردسر کوچسفهان

اطاقی است به طول چهار متر و عرض ۳/۷۰ متر . صندوقی مرقد این دو برادر را پوشانده است . در ورودی شرقی و از در شمالی به مسجد متصل به به بقعه می‌روند .

مزار پیر موسی در دهکدهٔ پیر موسی درشرق بازار کوچسفهان

عبدالفتاح فومنی از مزار پیر موسی یاد کرده است . (۱) در فرهنگ جغرافیائی ایران آمده است « این مزار درده پیرموسی از دهستان‌حومهٔ بخش کوچسفهان شهرستان رشت دو کیلومتری‌جنوب شرقی کوچسفهان ودو کیلو ـ متری‌مشرق راه مالرو عمومی است . گذشته از این مزار ، آثار ابنیهٔ‌قدیمی از قبیل‌آجر وسفال درنواحی این‌ده زیاد است. نگارنده ازمرقد پیرموسی نشانی نیافت . مسجدی در این آبادی بدین نام است که طول آن ۱۷/۸۰ و عرض آن ۵/۲۰ متر است . در ضلع شرقی چهار باب ارسی قدیمی تعبیه شده است ودر سه ضلع دیگردرو‌پنجره‌ای نیست . رابینو نیز از این‌مزار به‌نقل ازعبدالفتاح یاد کرده است. (۲)

بقعهٔ آقاسیدقاسم‌بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ چولاب کوچسفهان

بنای اصلی بقعه مربع‌شکل‌ودرهر‌ضلع، یك در ورودی دروسط‌ودو‌پنجرهٔ بزرگ طرفین آن است . عرض در ورودی کمی کمتر از عرض پنجره‌هاست .

(۱) تاریخ گیلان ص ۶۵ .   (۲) گیلان رابینو ص۲۳۲ .

بالای پنجره‌ها و در ورودی خفنگی باهلالی‌شکسته است که تمام‌آنها از خارج تخته کوبی شده است . (عکس شمارهٔ ۲۰۷)

صحن بقعه، بنائی جداگانه داخل این بنای مربع شکل است . این‌بنا ، ازخارج مربع وازداخل هشت ضلعی‌است . درچهار ضلع که درچهارجهت اصلی قرار می گیرند چهار در ورودی است. (عکس‌شمارهٔ ۲۰۸) وبالای هردر ورودی یك‌پنجره باطاقی‌هلال‌شکسته گچ‌بری شده‌است. درچهارضلع دیگر، چهارصفه است که پائین آنها به‌ارتفاع یك‌متر درشش‌ردیف کاشیکاری گل وبته‌دار دوران قاجاری است وبالای‌آنها گچ‌بری مقرنس است. درقسمتی از ازاره، این عبارت نوشته شده است «بانی این‌کارخیرمشهدی میرزا ابراهیم ولدمرحوم خان‌عموی متولی» بالای چهارچوب درها وزیر مقرنس صفه‌ها قصیده‌ای لایقرء است‌که با بسمله شروع‌می‌شود وبیت اول‌آن کم وبیش بدین‌ترتیب‌است :

در جهان هر کس که برخوردار از کردار شد

نی توان گفتن که‌هر کس محرم اسرارشد(؟)

وآخر ابیات نصرمن‌الله وفتح‌قریب وتاریخ ۱۲۸۲ روشن خوانده می‌شود.

دورکنبد، ازداخل بسمله وابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی است وآخر آنها «عمل استادمحمدهاشم‌خلف داود واستاد نجفعلی واستاد محمدقلی‌تحریرا فی‌سنهٔ ۱۲۸٤» .

ضریح‌مشبکی، وسط این بنای هشت‌ضلعی، مرقدرا پوشانده است . طول آن۳متروعرض۲/۱۰ وارتفاع۱/۸۰متراست. (عکس‌شمارهٔ۲۰۹) مراسم علم‌بندی دراین‌بقعه اول محرّم ومراسم‌علم‌واچینی سیزدهم‌محرم برپا می‌شود. سبك بنای این‌بقعه باسبك بنای بقعهٔ میرشمس‌الدین درشهر لاهیجان یکی‌است.

بقعهٔ سیداحمدبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در گیلوای کوچسفهان

بنای اصلی بقعه‌از داخل هشت‌ضلعی‌که طول اضلاع یکی‌در میان ۲/۱۰و ۲/۲۰ متر است .

در اضلاعی که درچهار جهت اصلی قرار می گیرند ، چهار در ورودی ودر اضلاع دیگر یك طاقچه ویك رف است . بالای درجنوبی ودرشرقی، پنجره‌های مشبك چوبی است. واشانهای سقف برحمالی مستحکم متکی است. روی واشانها، پل کوبی بادرزپوش خطدار است . بردیوار داخلی بقعه دوبیت از اشعار هفت بند محتشم، باخط خوش نستعلیق گچ بری شده است .

ضریحی مشبك چوبین، وسط بنای هشت ضلعی است. طول آن ۲/۳۵ وعرض ۱/۴۰ وارتفاع ۱/۸۰ متر است. درلبه‌های بالای ضریح ، جای روشن کردن شمع است. اطراف بنای اصلی ایوانی به عرض یك متر است .

خارج بقعه گچ بریهای نسبةً ظریف دارد وابیاتی ازهفت بند محتشم را در سه دیوار بقعه، بالای گچ بریها باخط نستعلیق گچ بری کرده‌اند. در گچ بریهای شرقی وشمالی شیر وخرگوش ودرمقابل آنها ، دوخرس چوب به‌دست ودوپرنده دیده می شود . در گچ بریهای دیگر شیر و گاو باپرندگان مختلف واسلیمی‌های ظریف است. (عکس شمارهٔ ۲۱۰) گچ بریها رنگین وخوشنما است.

متصل به‌دیوار شمالی بقعه، مسجدی است که طول آن ۱۶ وعرض آن ۶/۸۰ متر است . طرف شرقی مسجد ، ده در ارسی قدیمی است . طرف غرب از سه‌در ورودی مستقیماً به صحن مسجد می توان رفت . از در ورودی دیگر ، ابتدا به کفش کن و سپس به‌صحن می‌روند لبهٔ بنای آن‌دو پشته وبام وپره‌ها ، حلب‌سر وبام اصلی مسجد ، سفال‌سر است. (عکس شمارهٔ ۲۱۱) برسنگ مرمری به ابعاد ۲۵ × ۲۷ سانتیمتر که درمسجد بود، این اشعار وعبارات نوشته شده بود :

افسوس که روح در بدن نیست مرا	آن بلبل مست درچمن نیست مرا
یاران و برادران مرا یاد کنید	رفتم سفری که آمدن نیست مرا

وفات مرحوم مغفور میرزا محمد طاهر ولد کربلائی محمدبیك گیلوائی تاریخ هیجدهم محرم ۱۲۴۰ .

این لعنت نامه برسنگ خاکستری رنگی درمسجد دیده شد:

هوالله تعالی شأنه

چون درقریهٔ گیلوا بجهت تزویج نمودن مبلغی خطیری ازمردم میگرفتند لهذا مسلمین در مشقت بودند جناب اقدس باری سبب ساخته جناب آخوند ملاحسن بن محمد وکهف الحاج حاجی عابدین صیقلانی خواهش نمودند ازاعیان قریه عالیشانان مشهدی خانجان ومیرزا رضا قلی و مشهدی میرزا قاسم و آقا اسمعیل که رفع آن بدعت رذیله نمایند حضرات مشارٌالیه قبول نمودند لعنت نامهٔ مبسوطی نوشتند چنانچه بعدالیوم الی یوم القیامه احدی از ایشان واولاد ایشان ازاین بابت دیناری ازاحدی مطالبه نمایند بلعنت ونفرین خدا و رسول و ائمه علیهم السلام گرفتار باشند و لعنت نامه نزد علمای بلد سپرده اند تا عندالحاجه حجت باشد من بدله من ماسمعه فلعنت الیه ۱۲۵۵ (عکس شماره ۲۱۲)

بقعهٔ آقا سید علی اکبربن موسی الکاظم علیه السلام
در دهکدهٔ گرباس ده کوچسفهان

بقعه اطاقی است به ابعاد ۴/۱۰ مترودارای دری شرقی ودری شمالی است. صندوقی مشبك چوبین وسط اطاق است. طول آن ۱۸۸ وعرض آن ۱۵۰ وارتفاع ۱۸۵ سانتیمتر است. چهارطرف بنا ایوان است. هر طرف ایوان هشت ستون چهارسو بدون سرستون است، فواصل ستونها، تکائل تخته‌ایست. سقف بقعه و ایوان لمبه کوبی با درز پوش خط دار، لبه بام ایوانها یك پشته وبام سراسر بنا حلب سر است.

بقعهٔ آقا سیدرضی بن امام موسی الکاظم
در هشکوای (۱) کوچسفهان

بنای اصلی بقعه به ابعاد ۷/۹۰×۷/۸۰ متر است. صندوقی در وسط به طول ۲۰۹ وعرض ۱۲۸ و ارتفاع ۱۴۰ که بالای آن گهواره‌ای نوك تیز است، در ورودی جنوبی وطرف شمال دری به مسجد دارد. پنجره هائی به اندازه‌های مختلف درسایر دیوارهای بنادیده می‌شود. سقف لمبه کوبی وبام حلب سراست. طول مسجد با بقعه به ۲۰ متر می‌رسد.

---

(۱) بفتح ها وسکون شین و کسرکاف.

مرغانه پرد

بر نهر نورود در لاله دشت کوچسفهان

مصالح پل آجرهائی به ابعاد ۱۸×۱۸×٤ سانتیمتر و ۲۳×۲۱×٤ سانتیمتر است . درازای پل بیست متر و عرض آن ۳/۹۰ متر و ارتفاع آن از سرتیزی هلال شکسته تا سطح آب ۹۰ر۳ متر است . رابینو نیز از این پل یاد کرده است[۱] و در فرهنگ جغرافیائی ایران، ذیل نام دهکدهٔ لاله دشت نیز نام این پل را ذکر کرده‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۱۳)

خشت مسجد و مرقد آقا سید دانیال بن موسی الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ خشت مسجد کوچسفهان

خشت مسجد ، مسجدی است آجری، به طول داخلی ۱۹/۱۰ و عرض ۶/۲۰ متر. درهای‌ورودی مسجد شمالی‌وغربی است، پنجره هائی به اندازه های متفاوت در دیوار های مسجد تعبیه شده است . مرقد سید دانیال در یك طرف مسجد است ضریح آن مشبك وروی صندوقی نسبةً قدیمی است. طول آن ۲۵۰ وعرض ۱۶۵ وارتفاع ۱۵۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۱٤) غرفهٔ زنانه درطرف شمال مسجد وزیر آن شش ستون چوب آزاد قطوراست مسجد شامل حوضخانه و انبار وکفش‌کن نیز هست .

سنگ مرمر کوچکی در این مسجد دیده شدکه عبارات زیر برآن حك شده بود :

تاریخ وفات مرحومه رحمة بی‌بی بنت حاجی هادی ملکی یوم چهارشنبه ربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۲۳ نشانها : تسبیح، مهر، شانه، دو عدد انگشتر و دلوازه . و بیت معروف «ای خاك تیره» الخ برآن حك است . (عکس شماره ۲۱۵)

بقعهٔ آقا سید قاسم‌بن امام موسی‌الکاظم

در دهکدهٔ رودکل کوچسفهان

بنای بقعه متصل به مسجد است . طول و عرض بقعه ۷/۹۰×۶/۹۰ متر

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۳۲

است . صندوقی مشبّك طرف شمال این اطاق است که طول آن ۱٦٥ و عرض آن ۱۰۰ و ارتفاع آن ۱۳۰ سانتیمتر و طاق آن گهواره ایست . در دیوار شمالی سه در ورودی است که به مسجد راه دارد . پنجره هائی به اندازه های مختلف در دیوار های دیگر تعبیه شده است. سقف سراسر بنا لمبه کوبی است .

باقی بناها و آثار تاریخی بخش موازی

۱ــ آقا میرخلیل نزدیك سد سنگر در شاه‌آغاچی موازی.

۲ــ آقاسیدحسن « « « «

۳ــ آقا سیدمحمود « « « «

٤ــ آقا سیدرضا « « « «

٥ــ پل آجری خراب سرراه امشه و سنگر .

٦ــ بقعهٔ آقا میرکریم نزدیك آقا پیرسنبل در دهکدهٔ پلکومی موازی.

۷ــ عباس مزار نزدیك آقا میرکریم در دهکدهٔ پلکومی موازی.

۸ــ مسجد قدیمی توران سرا .

۹ــ آقا پیرحسن درمیشاوندان موازی (گیلان رابینو ص ۲٤۱)

۱۰ــ آقاخوبان در بجاربنه موازی (گیلان رابینو ص ۲۳۹)

۱۱ــ باغ معینی درشال کوه[1] علیا دربخش موازی (گیلان رابینو ص ۲۳۹)

۱۲ــ باغ شاه در محل خلواش که امروزی نزدیك شهر رشت بوده است . (گیلان رابینو ص ۲٤۰)

۱۳ــ مسجد غربا دردهکدهٔ جعفرآباد دافچاه ناحیهٔ خمام بخش موازی . (گیلان رابینو ص ۲۳۰)

۱٤ــ انجیله پرد(۲) درجعفرآباد دافچاه ناحیهٔ خمام بخش موازی .

۱٥ــ امامزاده سید ابوجعفر در دهکدهٔ دافچاه خمام موازی.

۱٦ــ آقا میر سلطان در دهکدهٔ دافچاه خمام موازی .

---

(۱) شال کوه دهکدهٔ کوچکی برسر راه خمام است. (۲) بضم پ به معنی پل است.

۱۷ـ کاخ ناصر الملك نایب‌السلطنه در چوکام خمام .

۱۸ـ آثار خرابه‌های یهودی محله خمام .

۱۹ـ بقعهٔ نوشر در بخش خمام .

۲۰ـ بقعهٔ امیر سلطان در دافچاه خمام موازی .

۲۱ـ مسجد حاجی سمیع در دافچاه خمام موازی .

۲۲ـ سیده خورشید در خواجان خمام .

۲۳ـ آقا سید قاسم در نسیبه خمام .

۲٤ـ آقا پیر در مرزدشت خمام .

۲۵ـ سید اسمعیل در لات خمام .

۲٦ـ سید معصوم در کته‌سر[1] خمام .

۲۷ـ میر خورشید وسید زکریا درکلاچای[2] خمام .

۲۸ـ آقا پیرمحمد در فشتکه خمام .

۲۹ـ حاجی شهدا درکویشای خمام .

۳۰ـ بقعهٔ آقا سید یحیی وخشت مسجد در دهکدهٔ اشکیک خمام .

۳۱ـ بقعهٔ آقا سید ابراهیم بن‌امام‌موسی‌الکاظم در دهکدهٔ شیشه‌گوراب ، خشك بجار خمام .

۳۲ـ بقعه آقا سید پیر در محلهٔ میان‌کل (= بلس‌کله) چوکام خمام .

۳۳ ـ بقعهٔ سید فقرا درخاجکین خمام.

۳٤ ـ عمارت خاصهٔ امیره رستم در کوهدم که به دست جمال الدین احمد سوزانده شد . (تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیر الدین چاپ نگارنده ص ۳۸۱) .

۳۵ ـ مزار آقا سیدان ومسجدآن دراراضی دهکدهٔ رودبردهٔ سنگر.

۳٦ـ بقعهٔ آقاسید احمدبن امام موسی‌الکاظم دردهکدهٔ سرابندان‌سنگر.

---

(۱) بفتح کاف و سین . (۲) بضم کاف .

سابقاً درخت کیش کهنسالی بود وامروز بنائی نوساز جای آن‌را گرفته است .

۳۷ ـ بقعهٔ آقا سید هاشم بن موسی بن جعفر علیه السلام در ورازگاه سنگر کهدم .

۳۸ ـ مسجد ومزار اجاق در کیله پردسر سنگر .

۳۹ ـ آقاپیران = آقا پیرمحمدعلی در دهکدهٔ دلچهٔ[۱] سنگر .

٤۰ ـ مزار نارنجان در کوی چاه (= کوچاه)[۲] لات (گیلان رابینو ص ۲۳۸) .

٤۱ ـ زیارتگاه استاد بادله و سفید مسجد در تمن[۳] لات . (گیلان رابینو ص ۲۳۸) .

٤۲ ـ خشت مسجددر دهکدهٔ خشت‌مسجد پسیخان موازی. (گیلان‌رابینو ص ۲٤۳) .

٤۳ ـ زیارتگاه نوشان در فُشتم[٤] رجاپیش موازی .

٤٤ ـ بقعهٔ سیدکاظم درچولاب رجاپیش موازی . (گیلان‌رابینوص۲٤٥)

٤٥ ـ بقعهٔ آقا سیدمستوفی‌در اراضی رودبارکی وچالك[٥] ازدهکده‌های رجاپیش موازی. (گیلان‌رابینو ص۲٤٥).

٤٦ ـ تازه بقعه درخشکارونداں از دهکده‌های رجاپیش موازی. (گیلان رابینو ص ۲٤٤) .

٤۷ ـ بقعهٔ آقاسید ناصر در دهکدهٔ کتاك[٦] لاهیجان از دهکده های رجاپیش‌موازی. (گیلان رابینوص ۲٤٤)

٤۸ ـ مساجد وتکایاو کاروانسرا وپل پیربازار ازدهکده‌های سیاه‌رودخان موازی . (گیلان‌رابینو ص ۲٤٦)

٤۹ ـ بقعهٔسید سلیمان در دهکدهٔ لاشهٔ کوچسفهان .

٥۰ ـ بقعه‌ای در ماشك کوچسفهان .

---

(۱) بفتح‌دال ولام . (۲) بفتح کاف و کسر واو . (۳) بفتح تاء ومیم . (٤) بضم فاء وتاء . (٥) بکسر لام . (٦) بکسر کاف وتاء .



عکس شمارهٔ ۱۱۵ ـ عمارت دیوانی شهر رشت که ناصرالدین‌شاه در آن منزل کرده است. عکس شمارهٔ ۱۲۱۹۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ سلطنتی گرفته شده است.



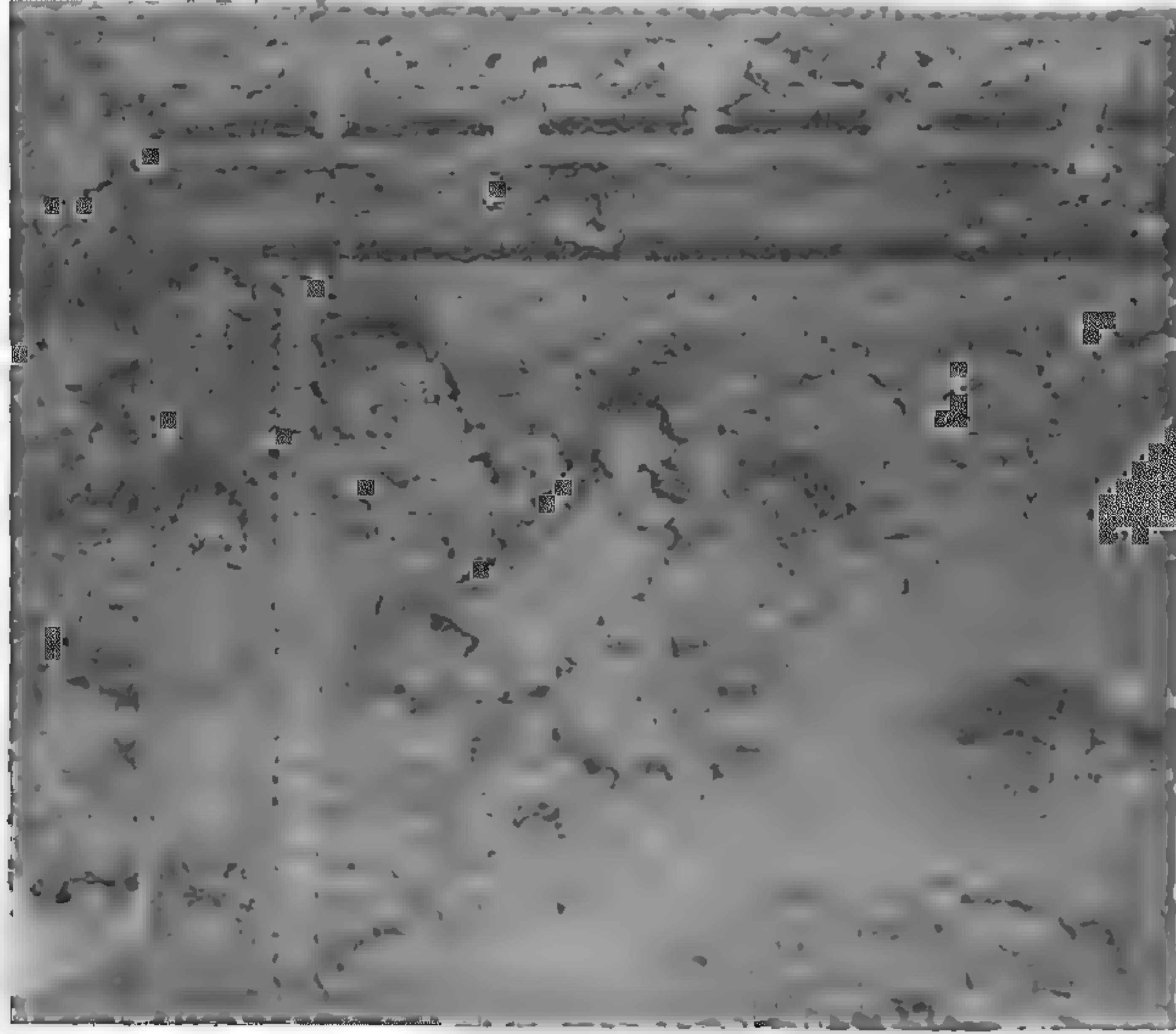
عکس شمارهٔ ۱۱۶ ـ عمارت ناصری در بیرون شهر رشت که از بنا های قاسم‌خان والی است . عکس شمارهٔ ۱۲۲۰۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ سلطنتی گرفته‌شده است .



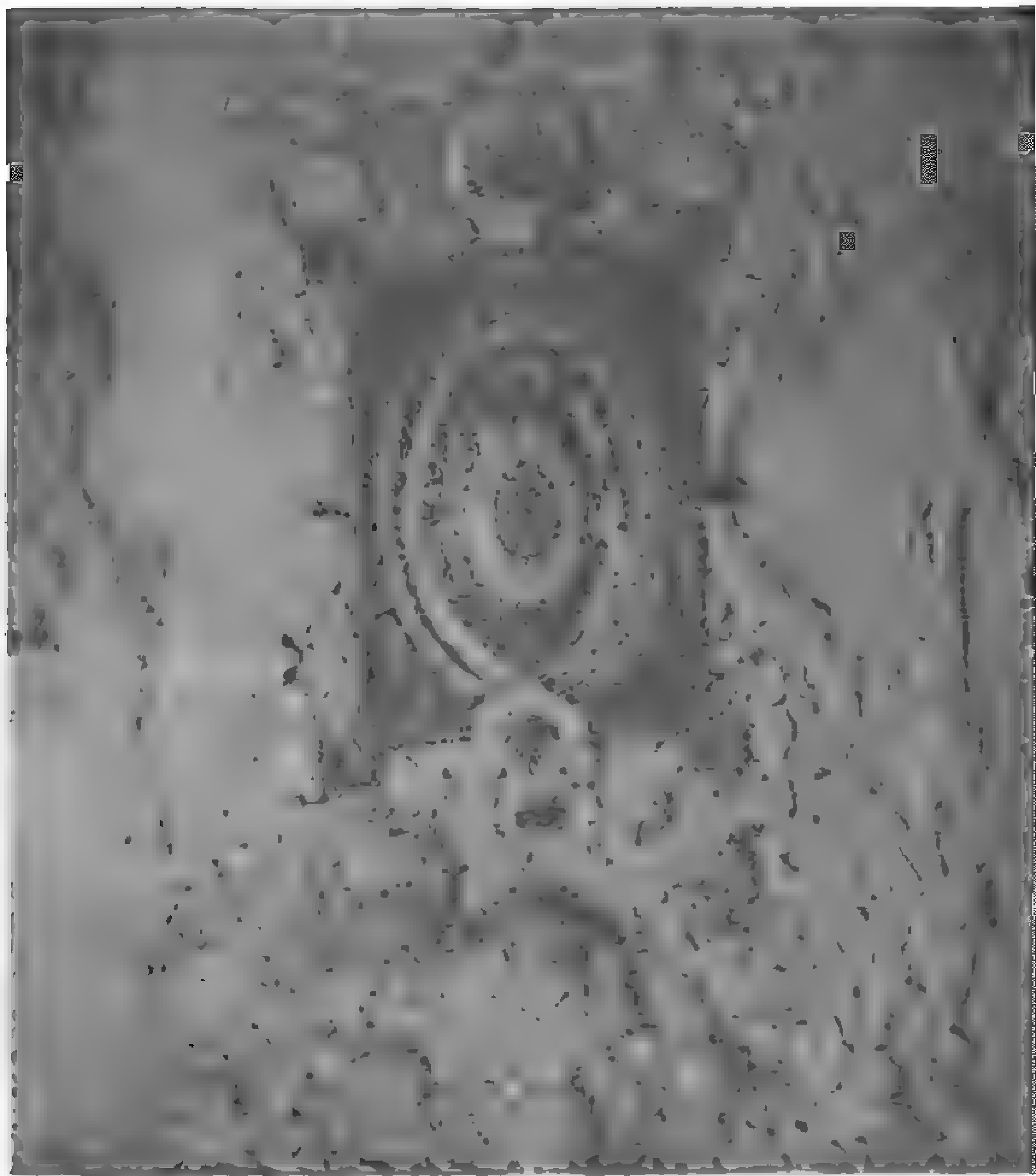
عکس شمارهٔ ۱۱۷ ـ خانهٔ میرزا محمدعلی‌خان امین‌دیوان درشهر رشت .
عکس شمارهٔ ۱۲۱۹۵ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ سلطنتی گرفته شده‌است .



عکس‌شمارهٔ ۱۱۸ـ عمارت امیرخان سردار که از نصرالسلطنه خریداری کرده است.
عکس‌شمارهٔ ۹۸۰۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که ازآلبوم ناصرالدین‌شاه درکتابخانهٔ سلطنتی گرفته شده است.



عکس شمارهٔ ۱۱۹ــ قسمتی از گچ‌بریهای طاق طالار منزل میرزا علی‌آقا مقیمی درشهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۲۰ ـ گچ بری وسط طاق طالار منزل میرزا علی آقا مقیمی درشهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۲۱ـ گچ بری قسمتی ازطاق طالار منزل میرزا علی مقیمی درشهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۲۲ ــ یکی از رفهای طالار منزل میرزا علی مقیمی درشهر رشت .

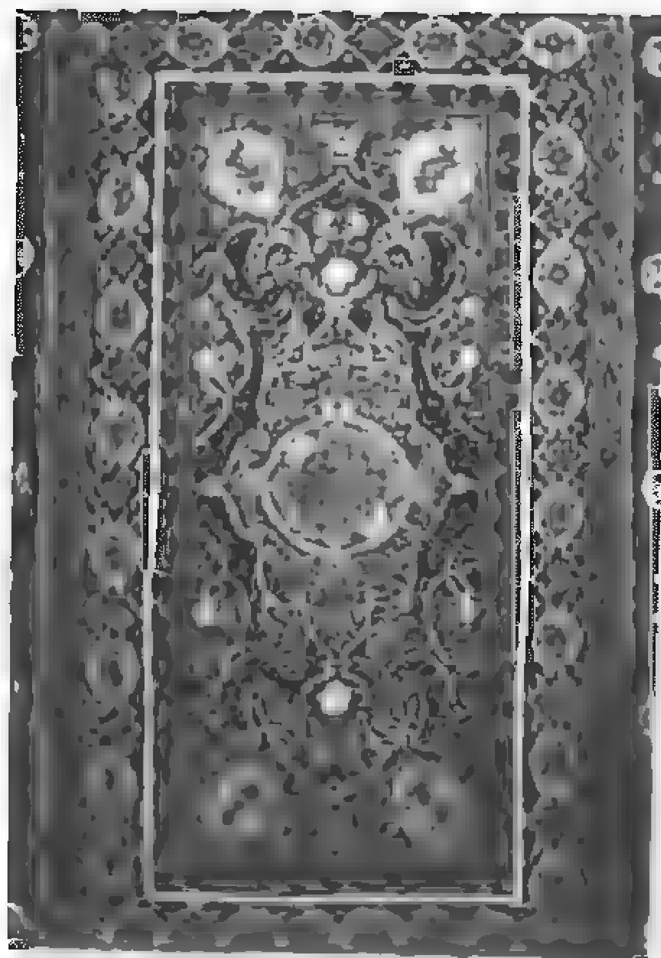


عکس شمارهٔ ۱۲۳ - پنجره‌های ارسی منزل میرزاعلی‌آقامقیمی در شهر رشت.

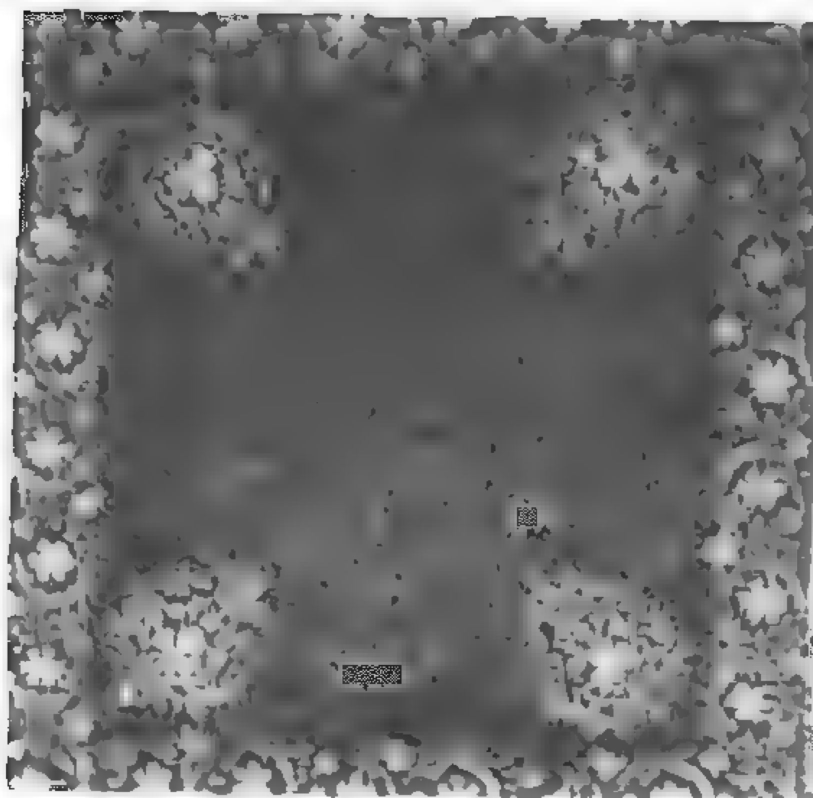


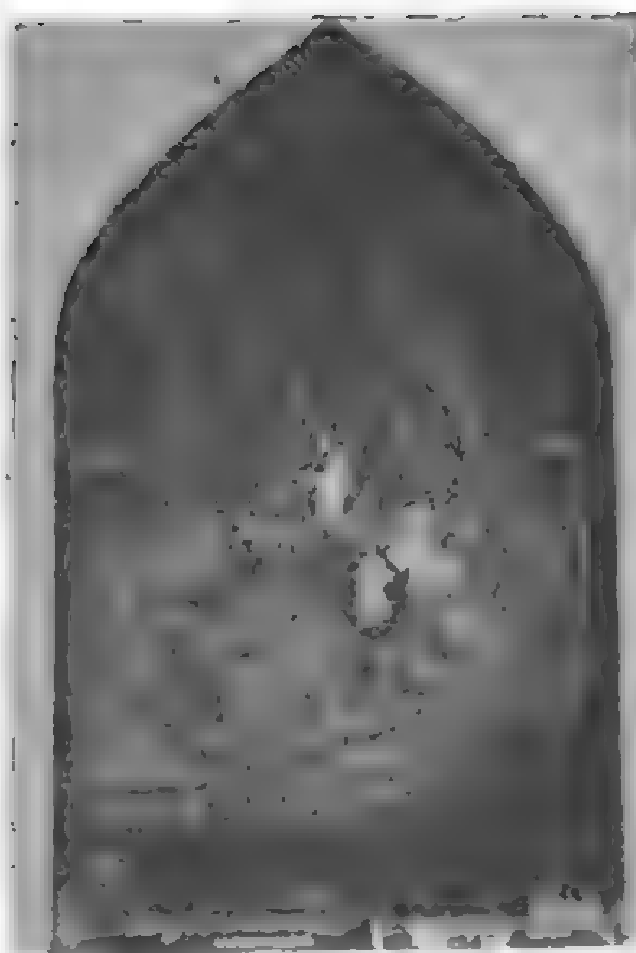


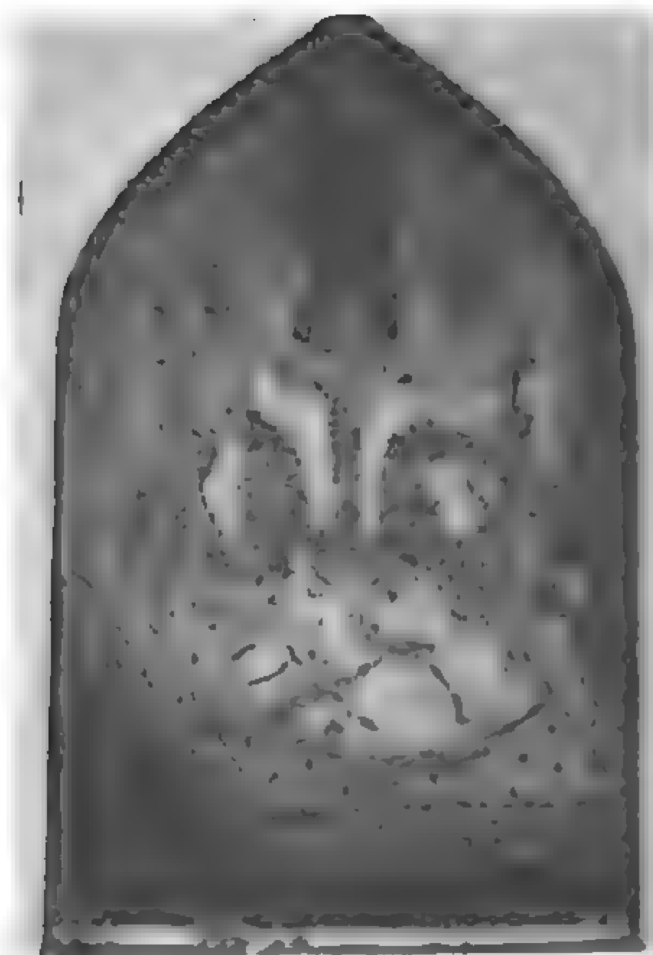
عکس شمارهٔ ۱۲۴ - یکی از سربخاریهای شکم دریدهٔ میان دو طالار منزل میرزا علی آقا مقیمی درشهر رشت .



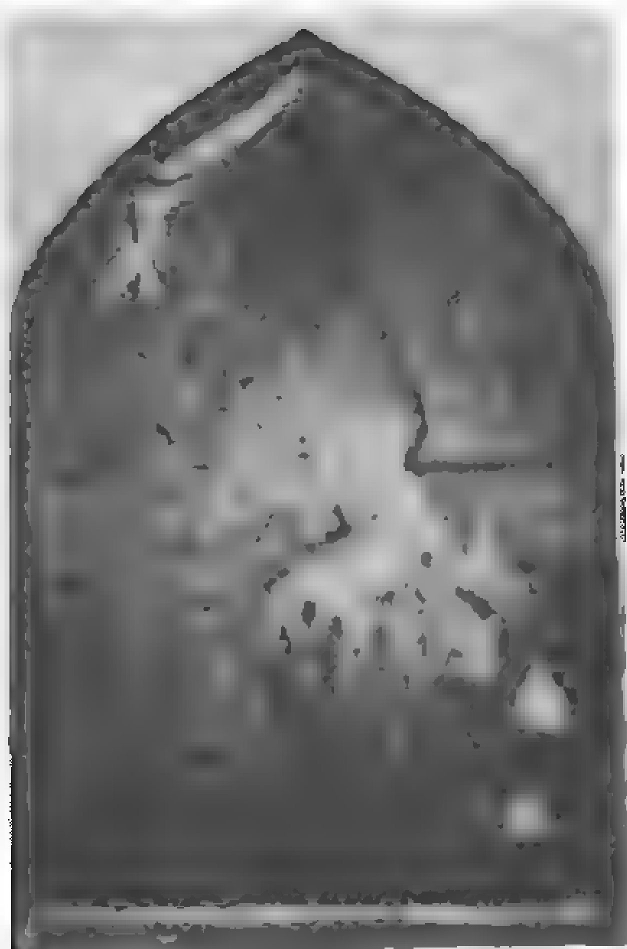
عکس شماره ۱۲۵ ـ از کارهای دستی گیلان که درمنزل میرزاعلی آقامقیمی درشهر رشت است.

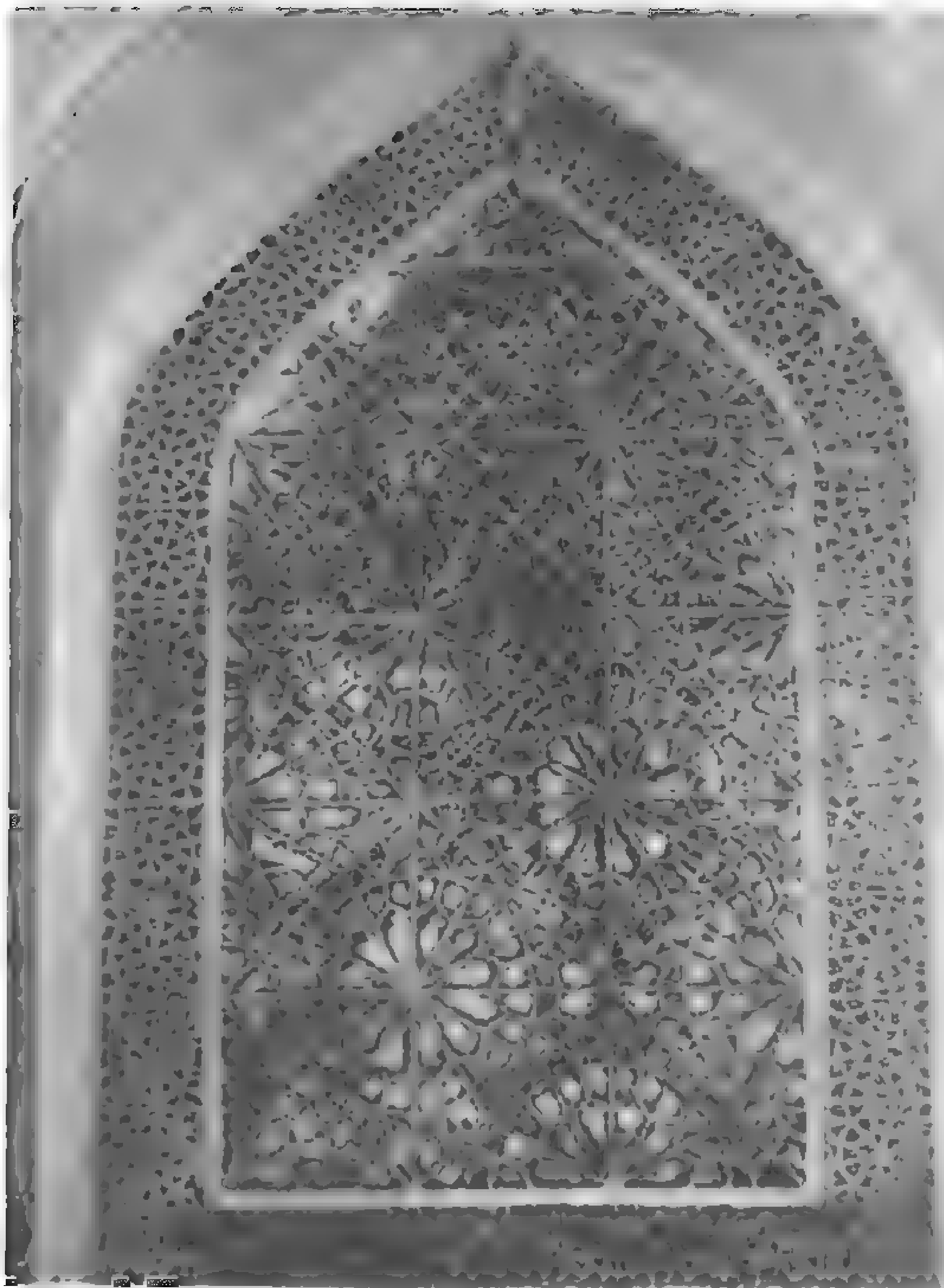




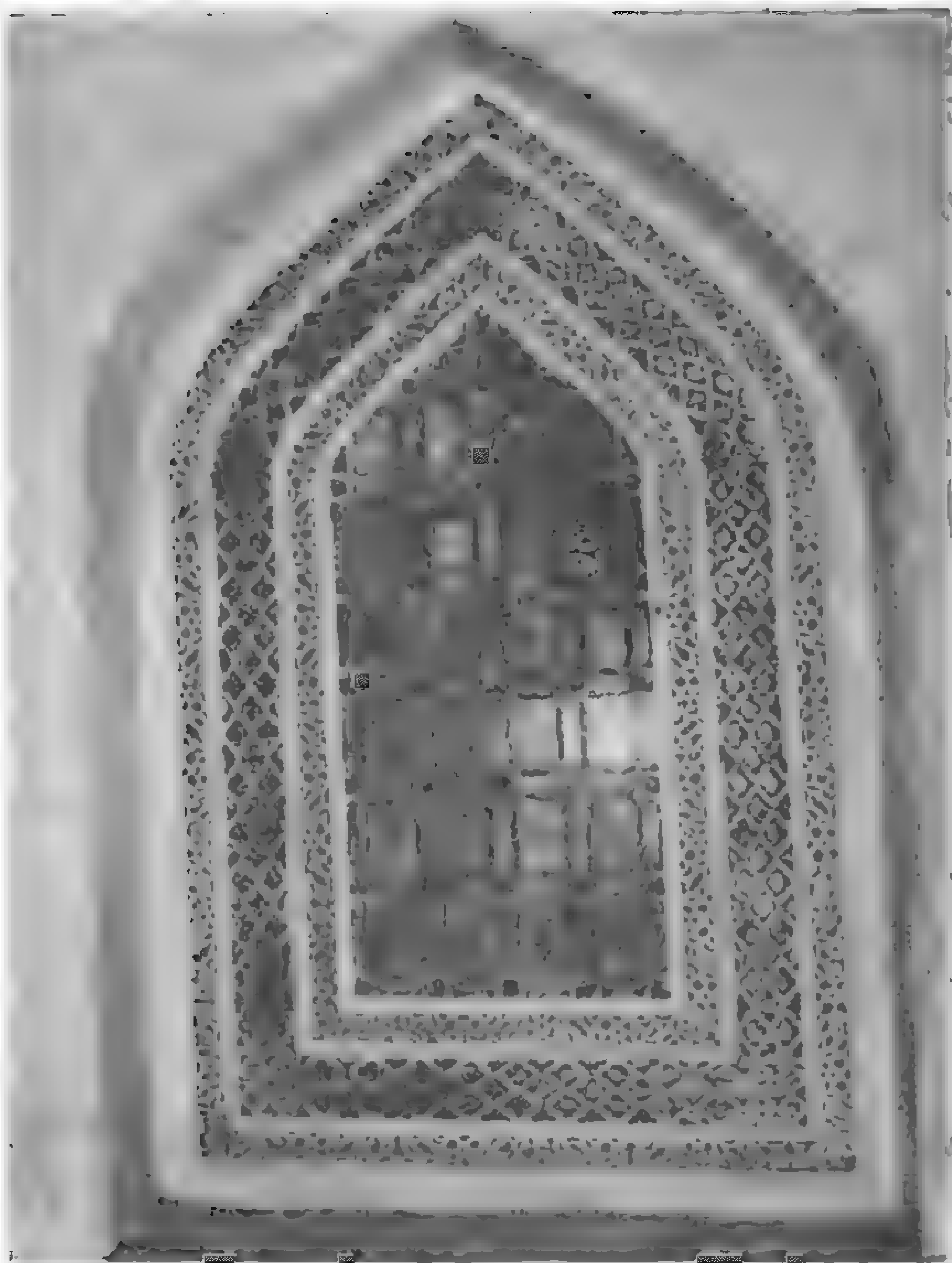


عکس شمارهٔ ۱۲۶ ـ نقاشیهای رفهای تالار اندرونی منزل سید اسمعیل حسینی ضیابری در شهر رشت.

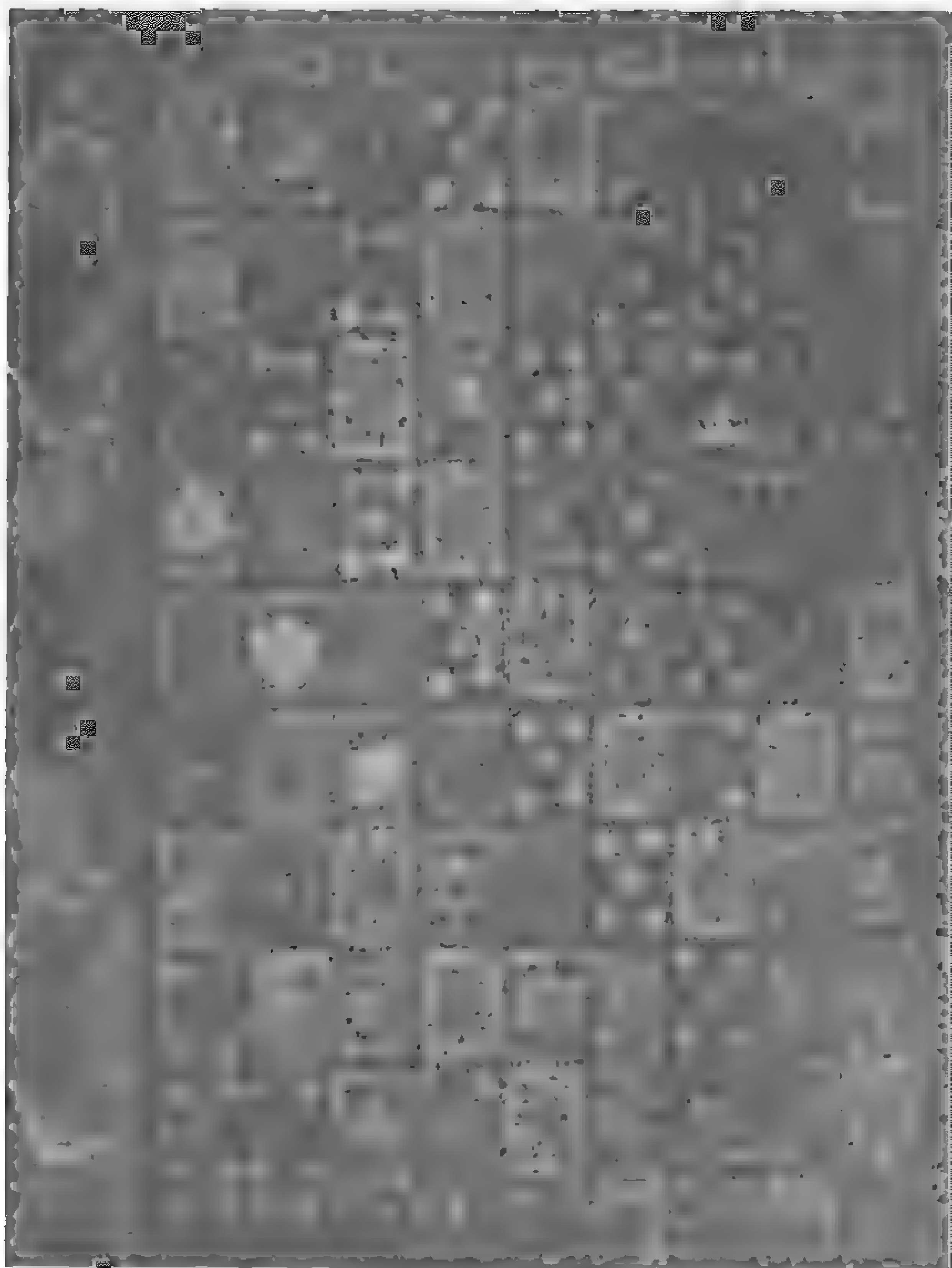




عکس شمارهٔ ۱۲۷ـ یکی از پنجره های طالار منزل سید اسمعیل حسینی ضیابری درشهر رشت .



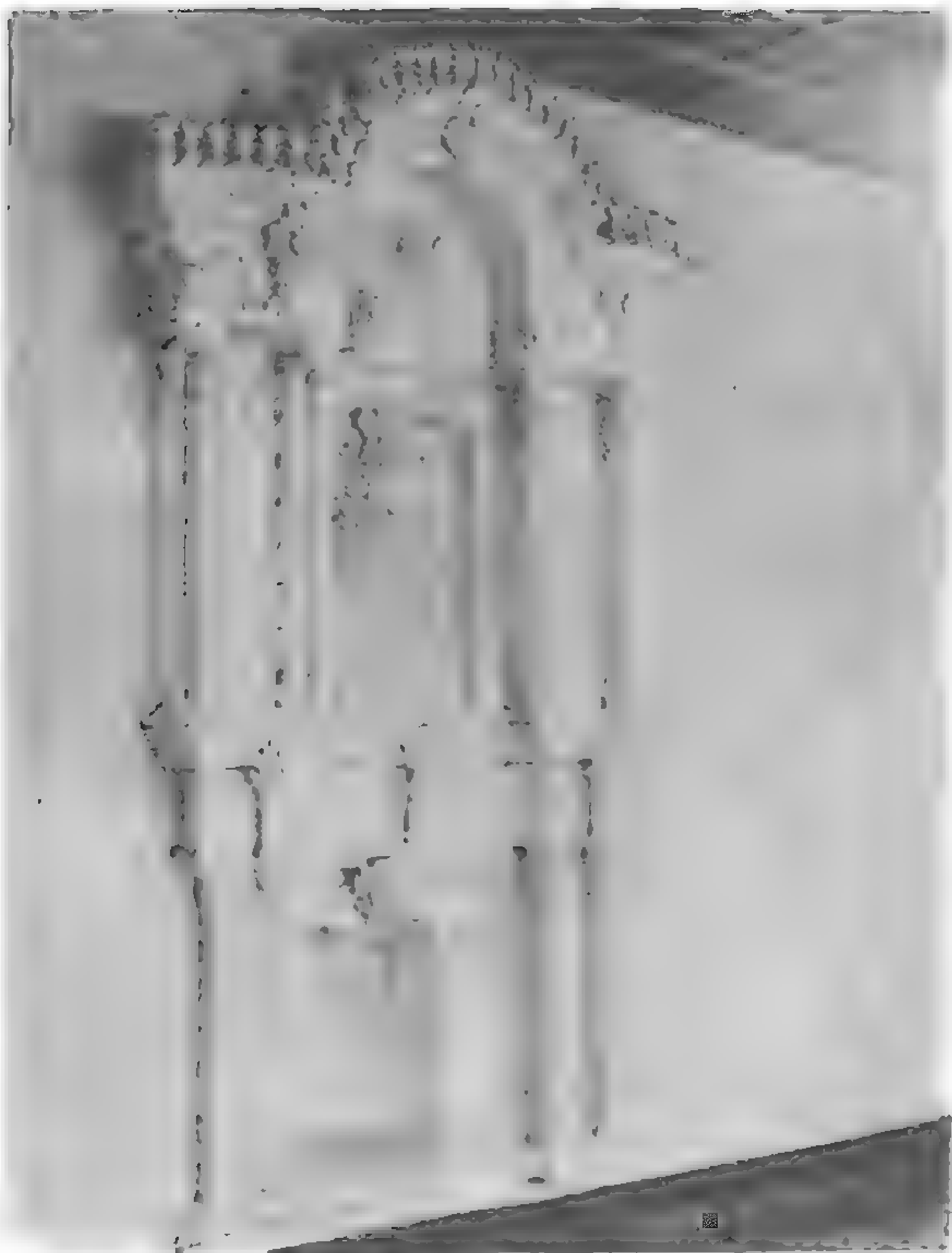
عکس شمارهٔ ۱۲۸ - یکی از پنجره‌های طالار کوچک منزل سید اسمعیل حسینی ضیابری در شهر رشت.



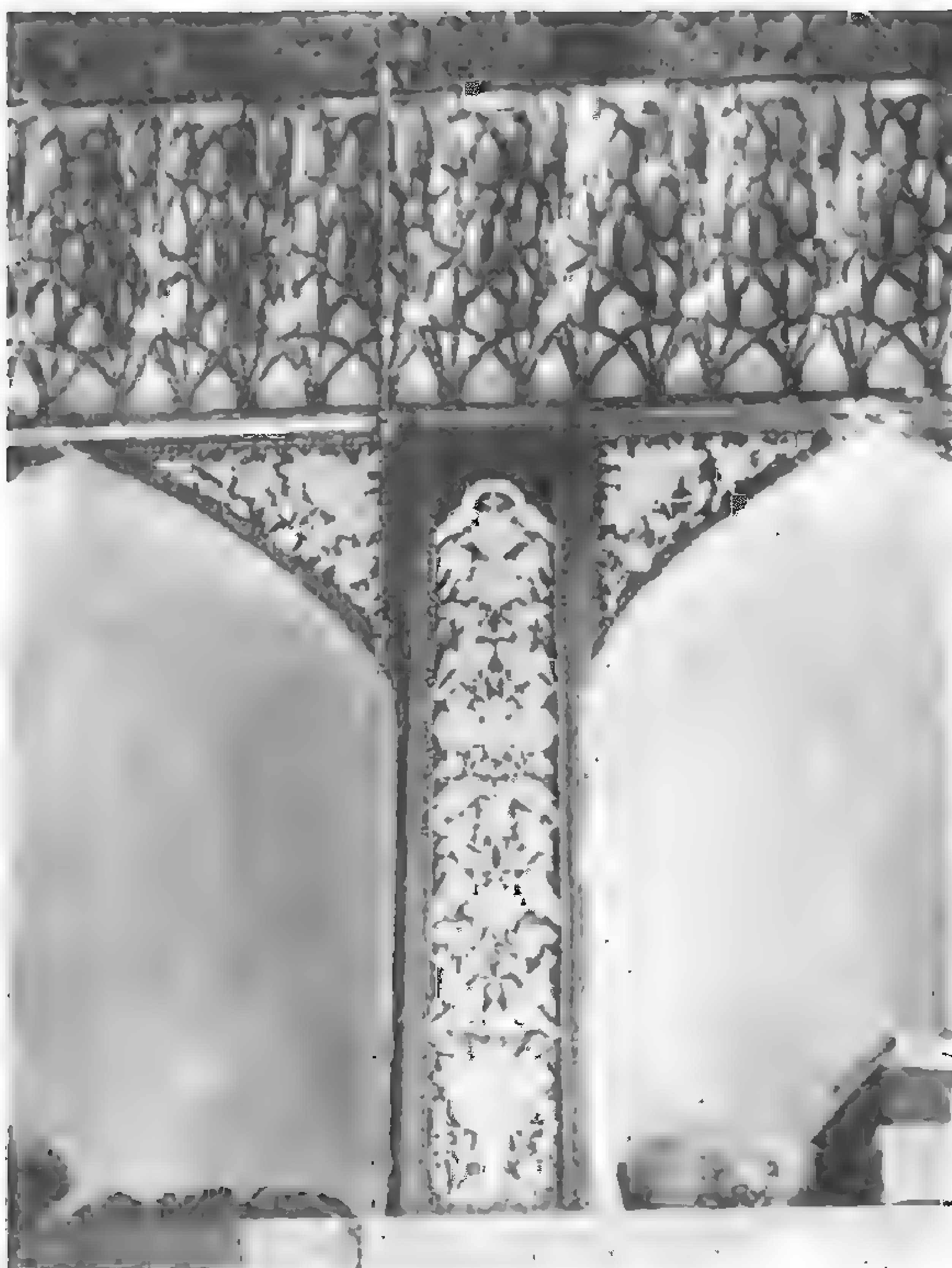
عکس شمارهٔ ۱۲۹ ـ نقاشی سقف اطاق کوچک متصل به طالار منزل سید اسمعیل حسینی ضیائی در شهر رشت.



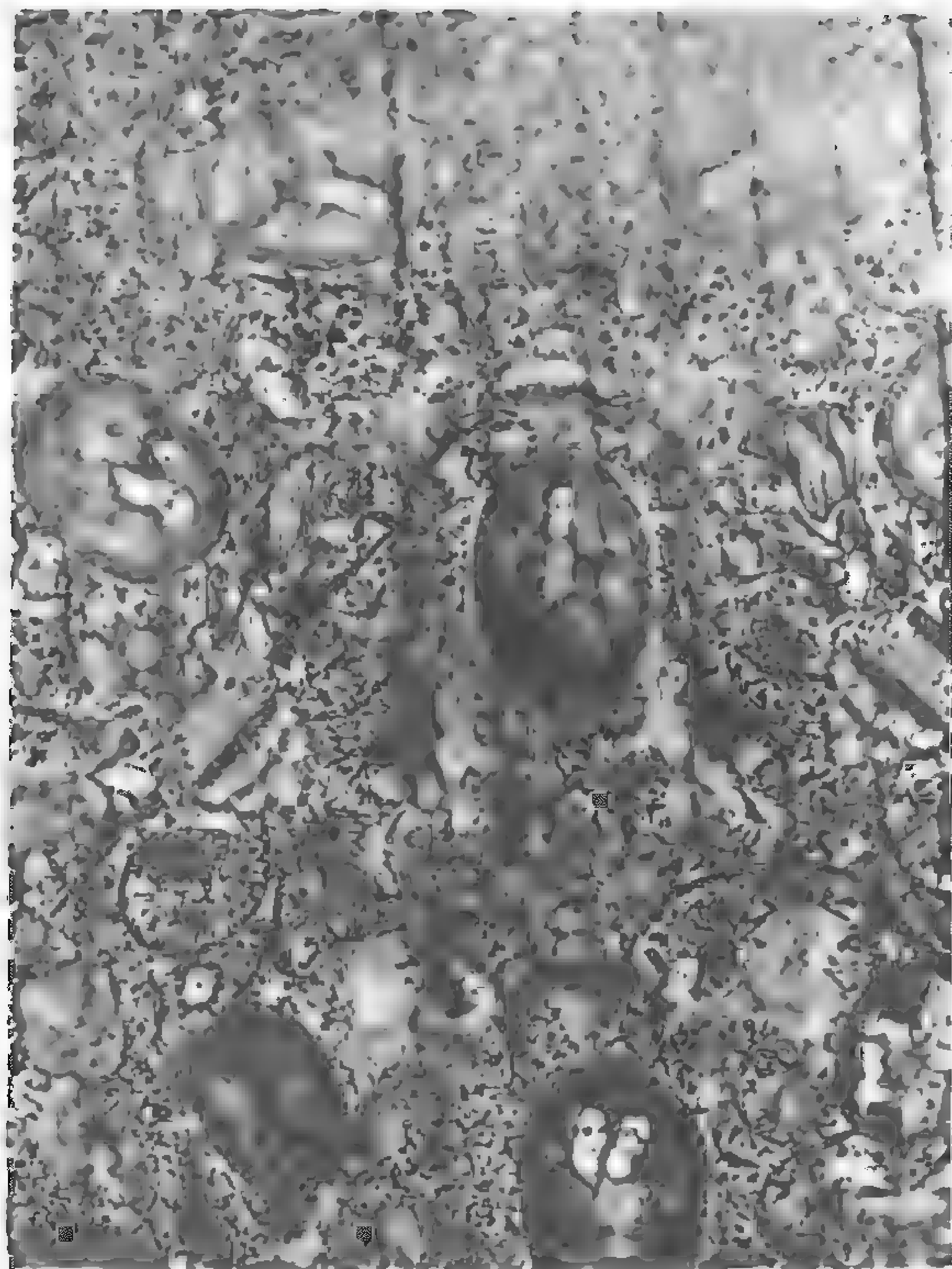
عکس شمارهٔ ۱۳۰ ـ نمونه‌ای از ستونها و گچ بریهای منزل سردار در شهر رشت .



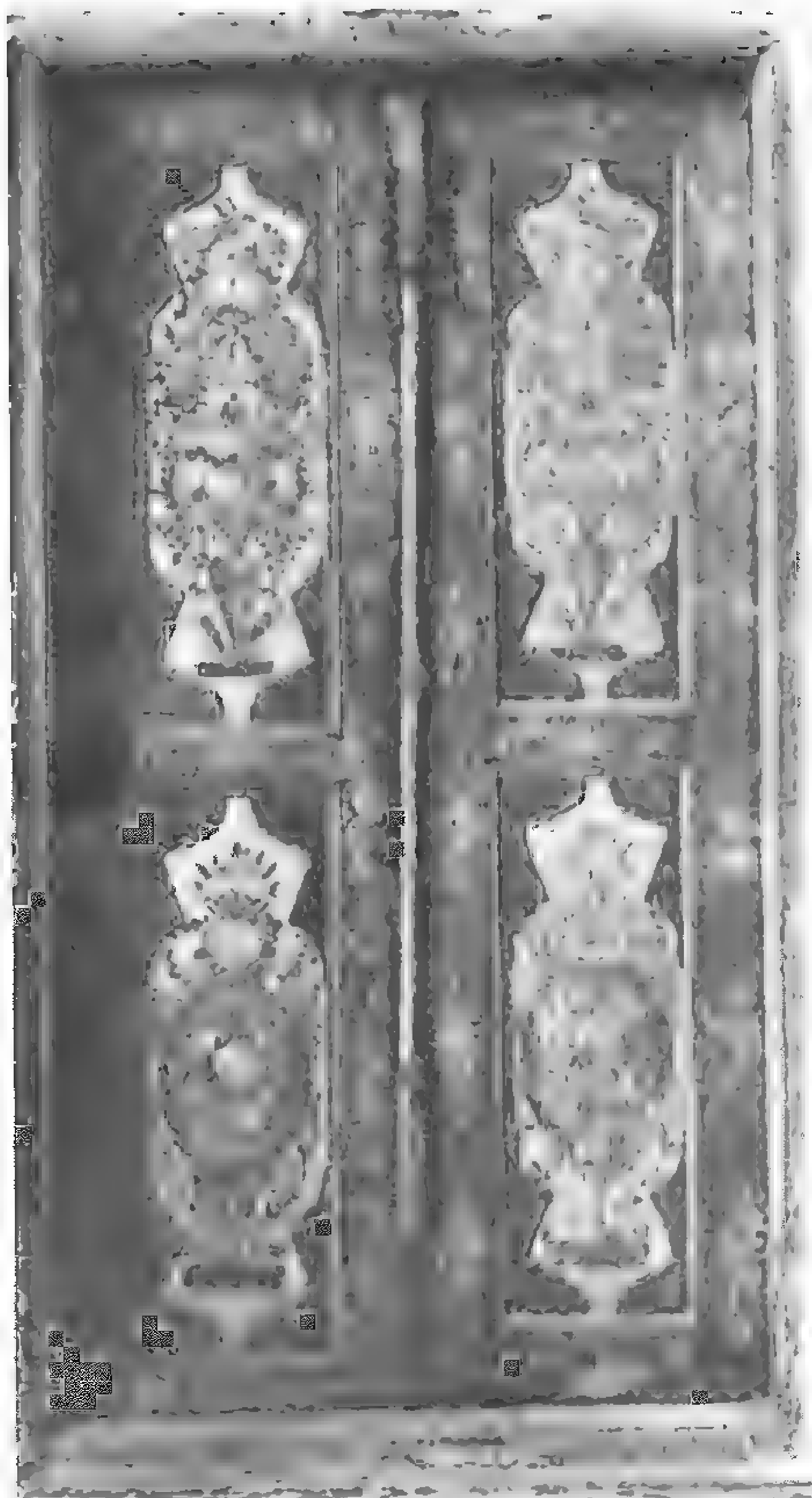
عکس شمارهٔ ۱۳۱ ـ یکی از سربخاریهای اطاق بزرگ منزل سردار در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۳۲ – گچ بری دوطرف رفها و مقرنس‌کاری بالای آنها در طالار در تخت‌خوابی منزل سردار در شهر رشت.



عکس شمارهٔ ۱۳۳ ـ نقاشی سقف تالار دو تختخوابی منزل سردار درشهرداشت .



عکس شمارهٔ ۱۳٤ـ یکی از درهای تالار دو تختخوابی اندرونی منزل سردار در شهر رشت .



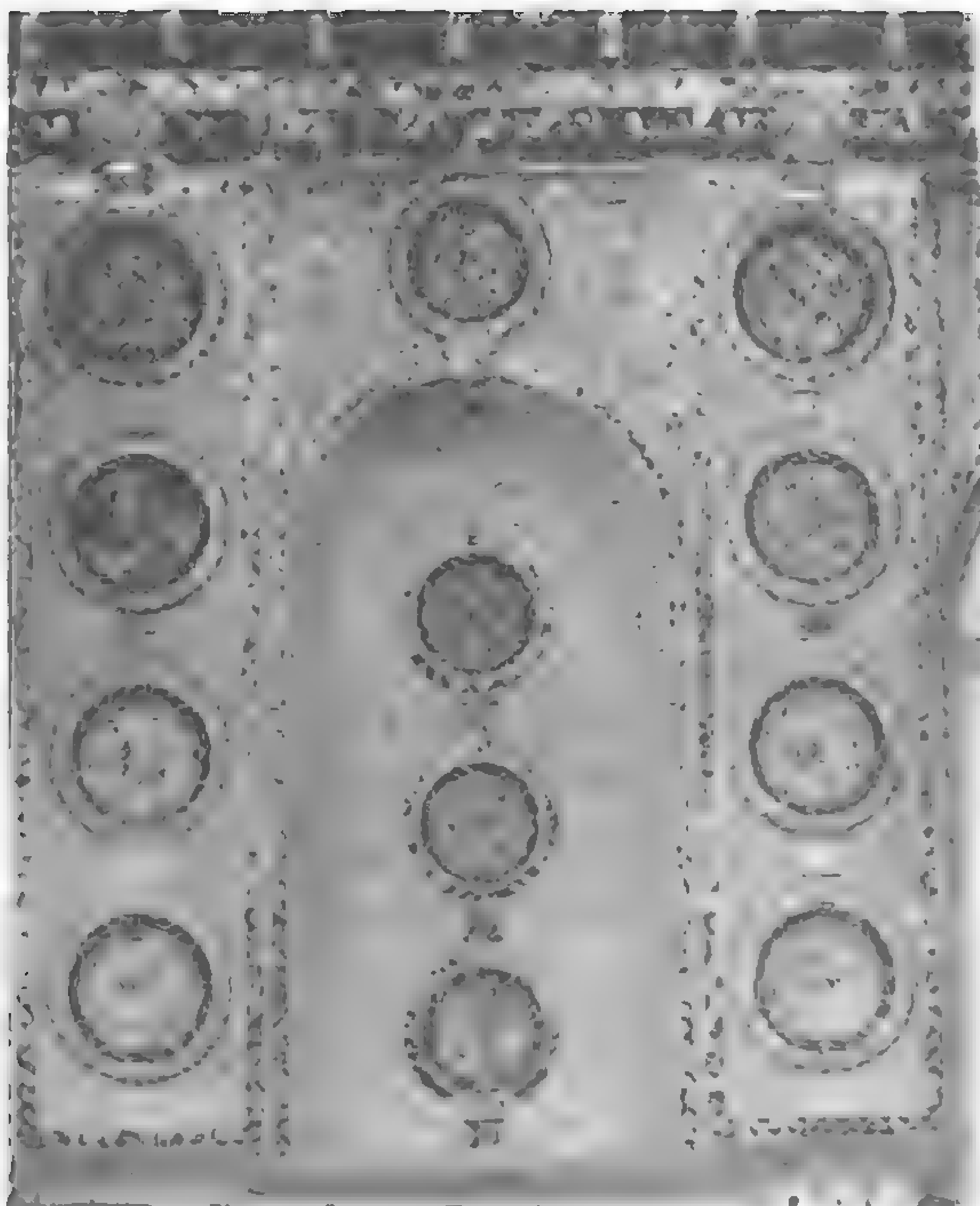
عکس شمارهٔ ۱۳۵ – گچ‌بری سربخاری تالار دو تخت‌خوابی در اندرونی منزل سردار در شهر رشت .



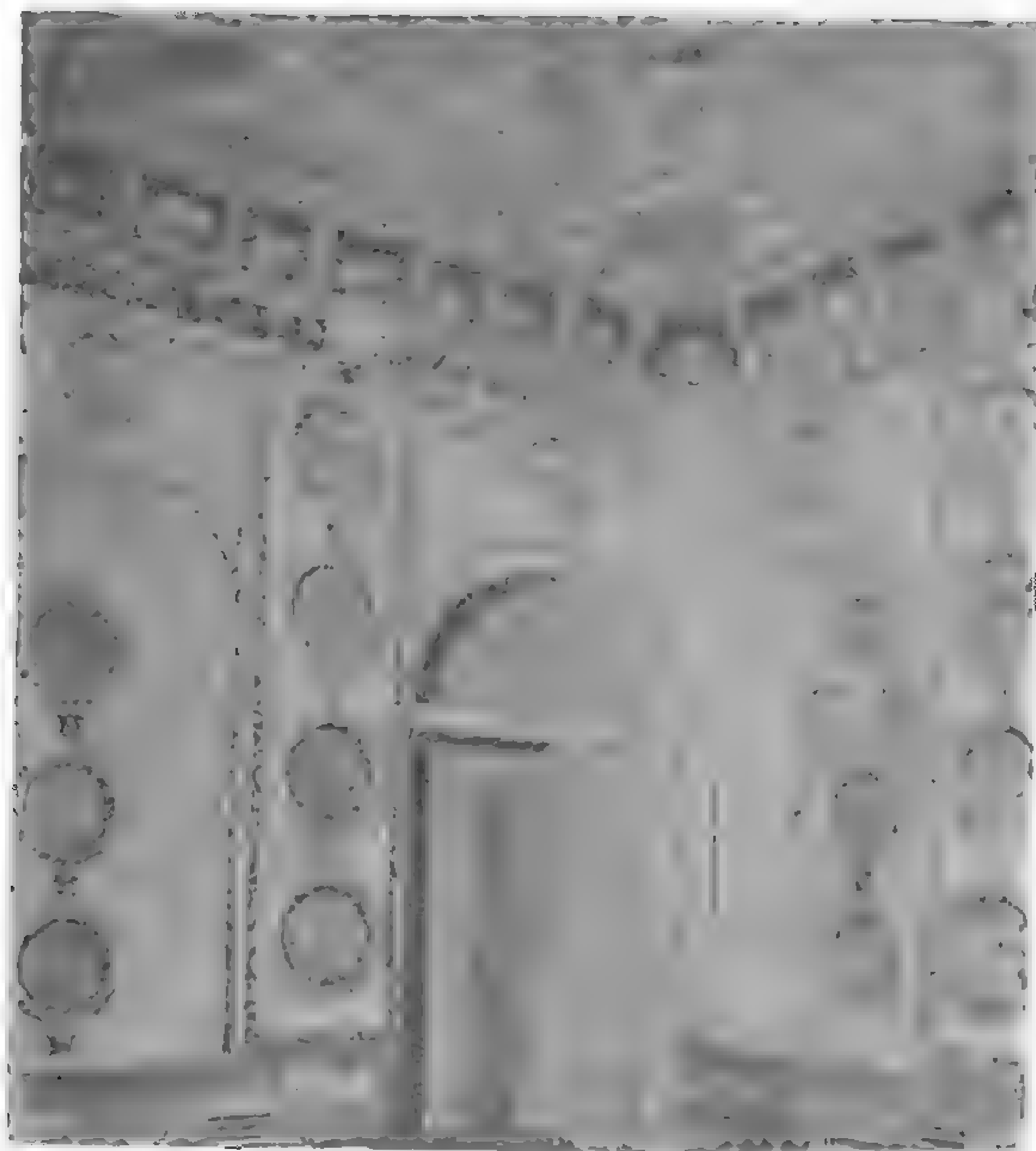
عکس شمارهٔ ۱۳۶ – دیوار وسقف تالار آئینه درمنزل حاجی میرزا احمد ابریشمی درشهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۳۷ ـ قسمتی از تالار آئینه در منزل حاجی میرزا احمد ابریشمی در شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۳۸ ـ دیوار تالارچینی خانه در منزل حاجی‌میرزا احمد ابریشمی درشهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۳۹ - گیلوئی طاق تالار چینی خانه در منزل حاجی میرزا احمد ابریشمی در شهر رشت.



عکس شمارهٔ ۱۴۰ـ کلاه فرنگی باغ سردار معتمد که فعلاً خانهٔ فرماندار رشت است

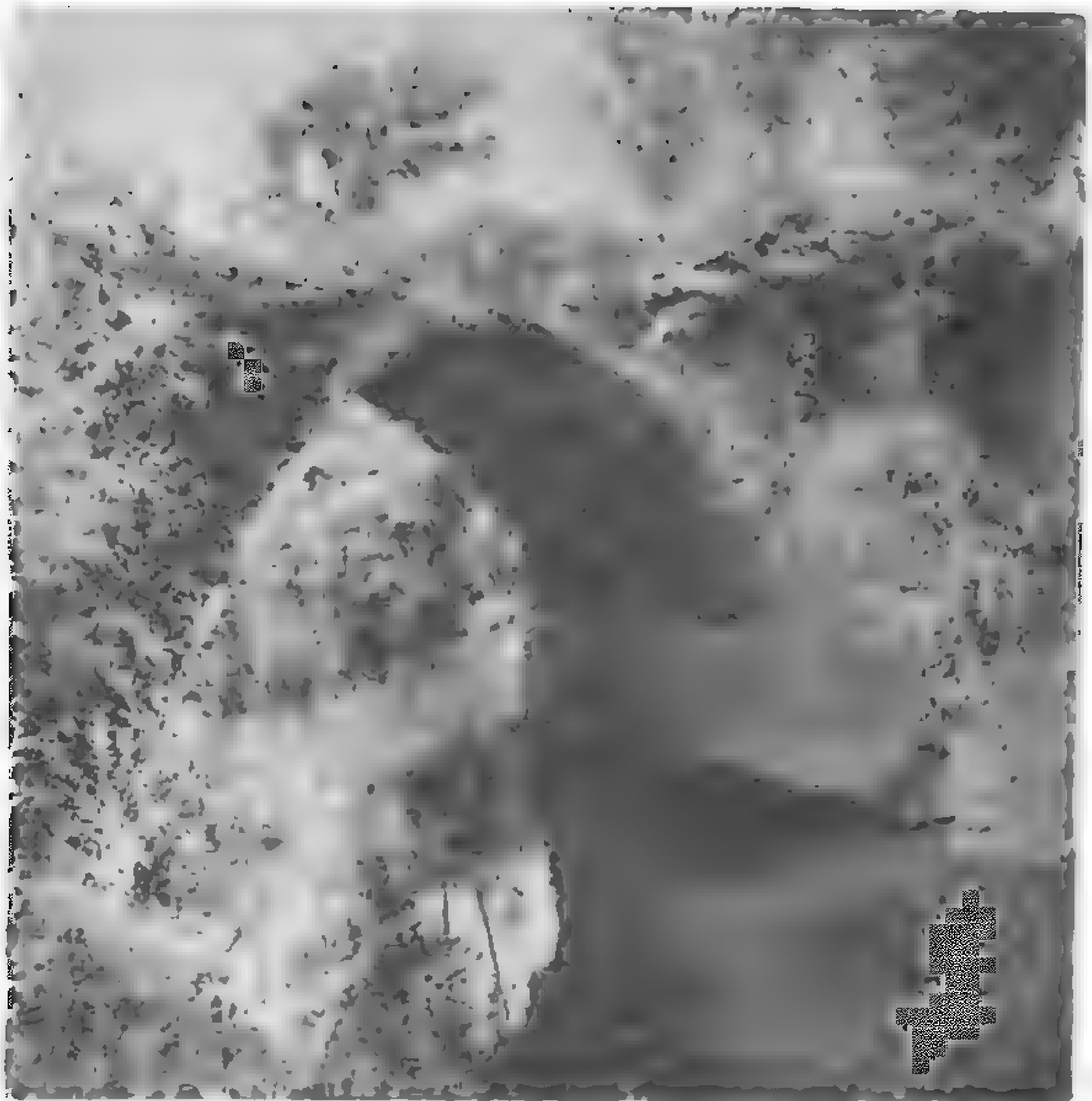


عکس شمارهٔ ۱۴۱ــ پل عراق .

عکس شمارهٔ ۱۵۹۸۰ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران که از آلبوم ناصرالدین شاه در کتابخانهٔ سلطنتی گرفته شده است .



عکس شمارهٔ ١٤٢ ـ پل‌هدیریه سرراه شفت نزدیك بشهر رشت .



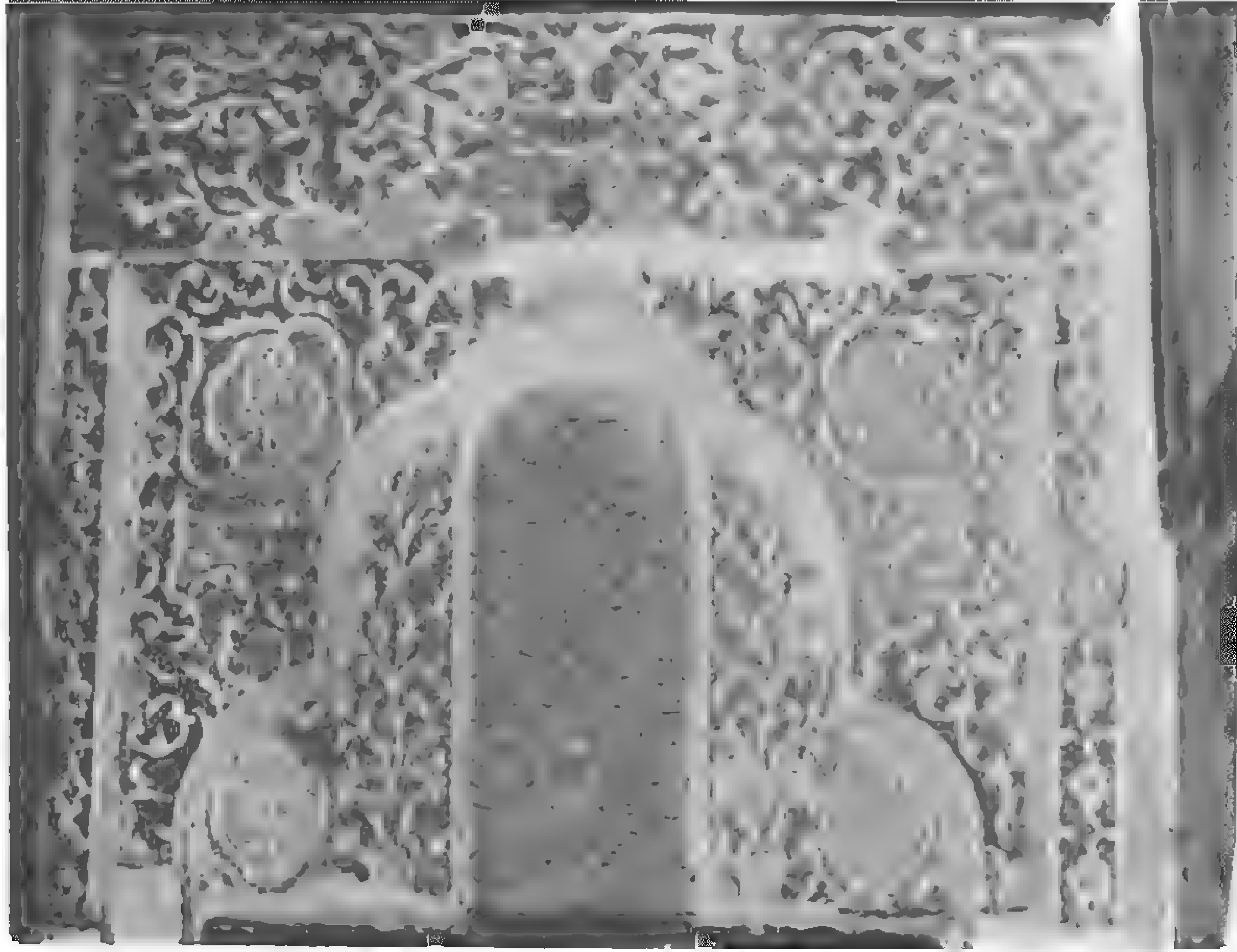
عکس شمارهٔ ۱۴۳ـ پل ایشاوندان در راه جمعه بازار به شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۴۴ ـ گلدستهٔ مسجد کاسه فروشان در شهر رشت.



عکس شمارهٔ ۱۴۵ ـ نمائی از بقعهٔ آقاسید فخرالدین معروف به بقعهٔ آدافخرا در محلهٔ آدخرای شهر رشت .



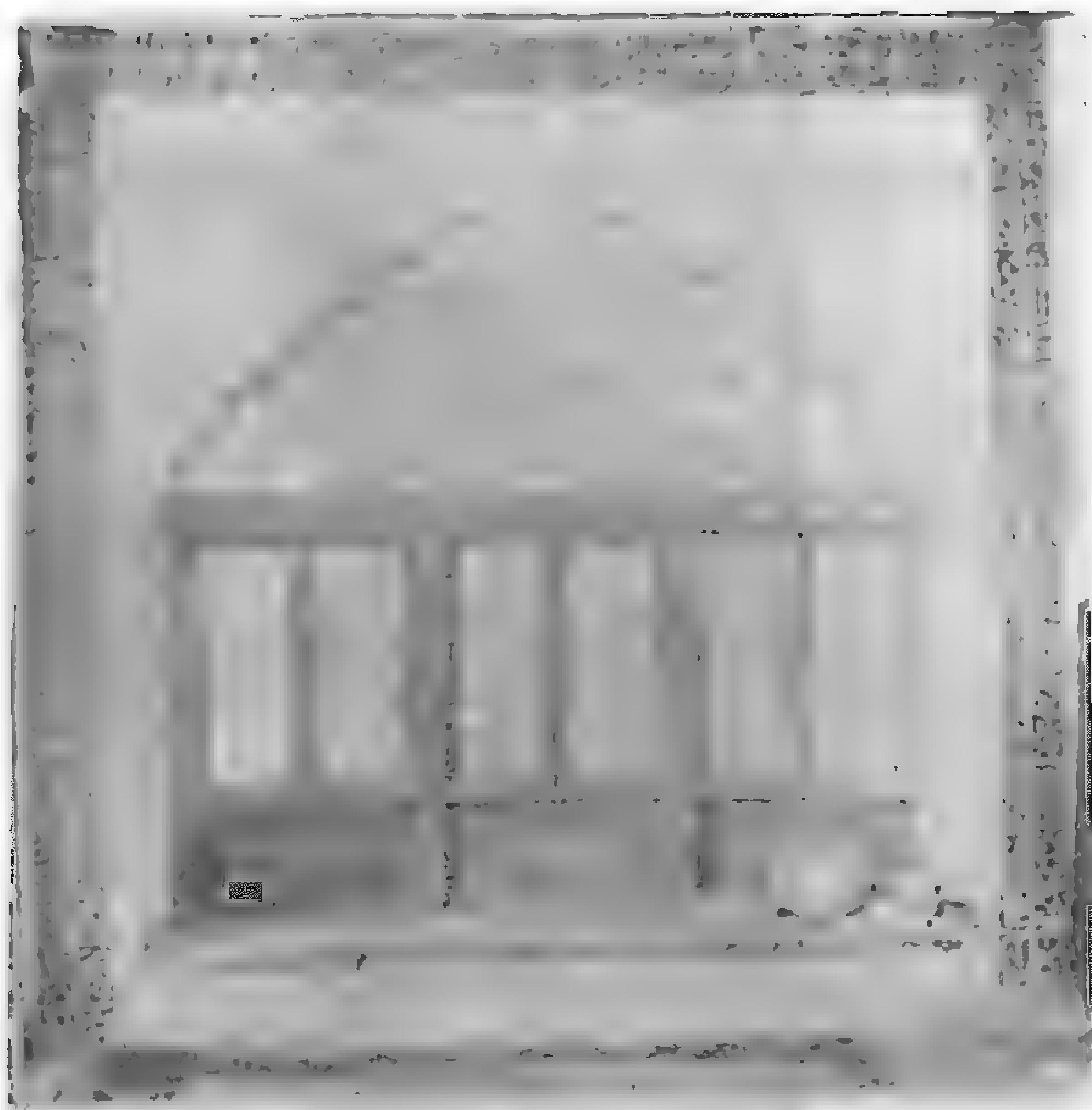
عکس شمارهٔ ۱۴۶ کتیبهٔ بالای مدخل مدرسهٔ نایب‌الصدر معروف به مدرسهٔ حیدریه در بازار زرگشان نزدیک میدان کوچک در شهر رشت



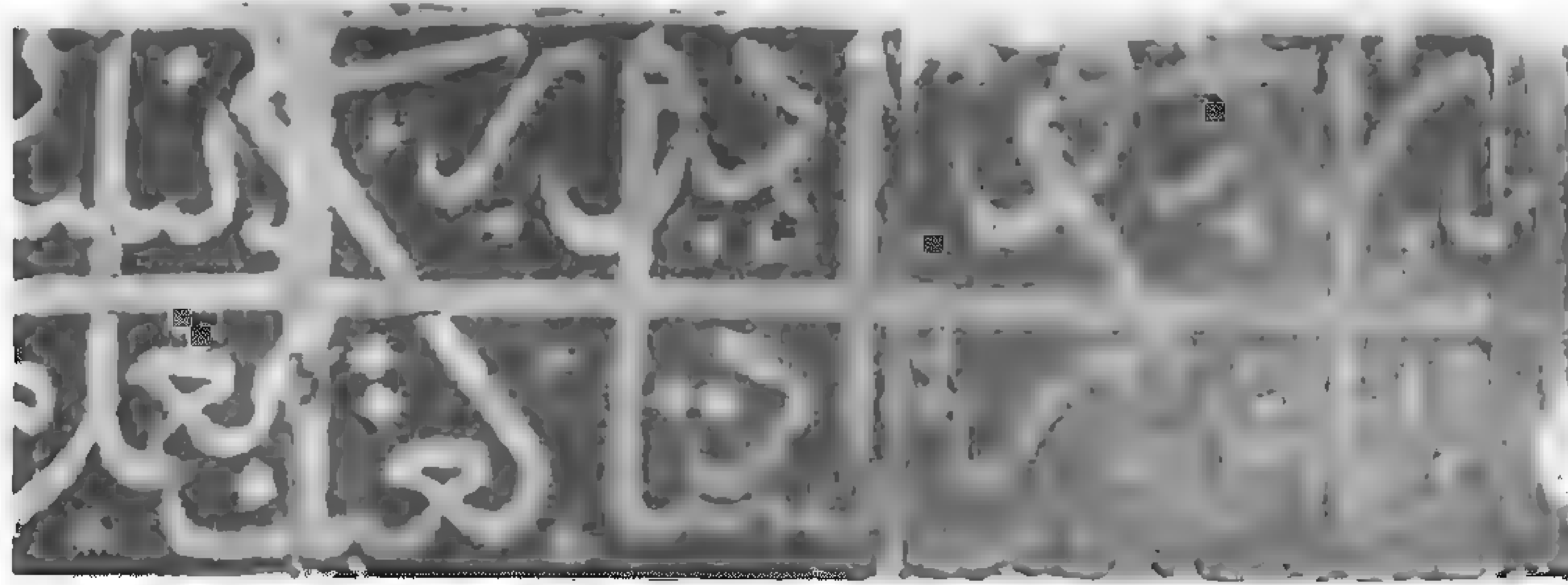
عکس شمارهٔ ۱۴۷ ـ مسجد مستوفی با لاکانی در محلهٔ استادسرا در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۴۸ــ محراب مسجد مستوفی و کاشیکاریهای آن در محلهٔ استادسرا در شهر رشت.



عکس شمارهٔ ۱۴۹ - یکی از پنجره‌های مسجد مستوفی با کتیبه کاشیکاری اطراف آن در محلهٔ استاد سرای شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۵۰ ـ نمونه‌ای از خط کتیبه های مسجد مستوفی در محلهٔ استادسرای شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۵۱ ـ گلدستهٔ مسجد مستوفی در محلهٔ استادسرا در راه بجارکن .



عکس شمارهٔ ۱۵۲   نمای عمومی چله‌خانهٔ آقا میرنظام‌الدین در محلهٔ چمه‌خانهٔ شهر رشت



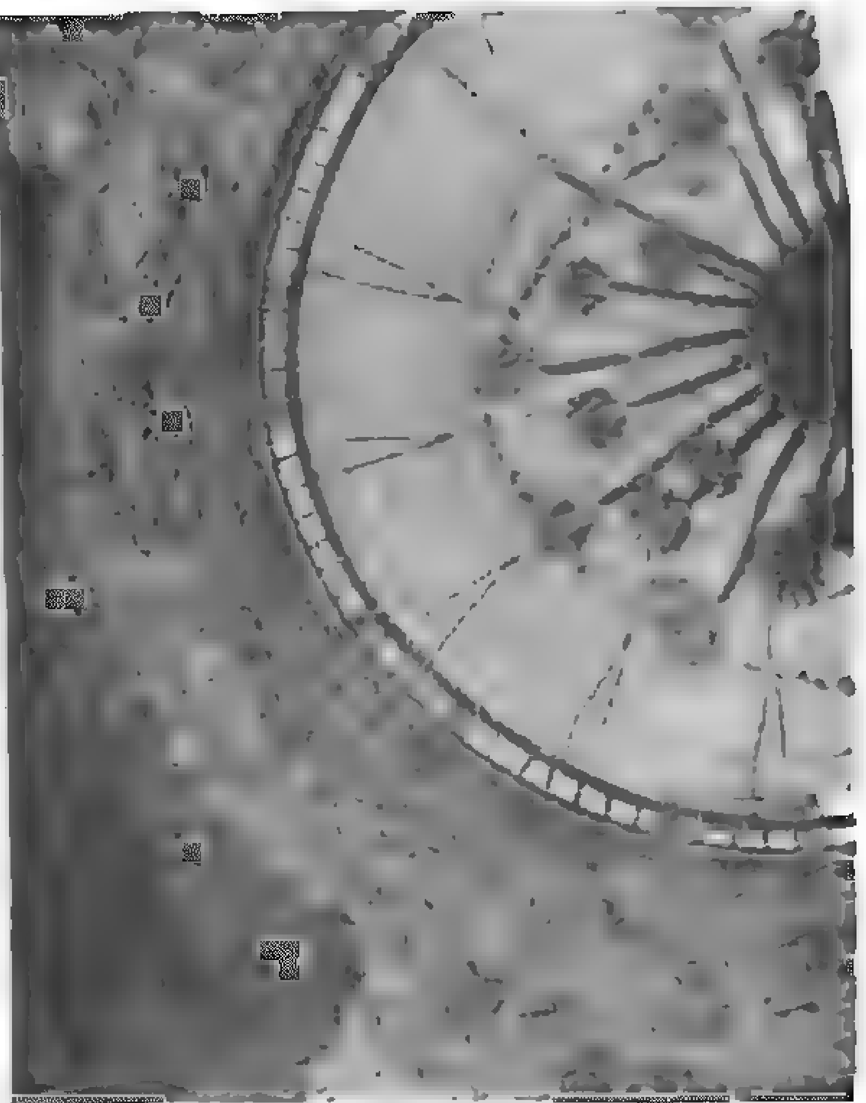
عکس شمارهٔ ۱۵۳ ـ گلدستهٔ چله خانهٔ آقا میر نظام الدین در محلهٔ چله خانهٔ شهر رشت .



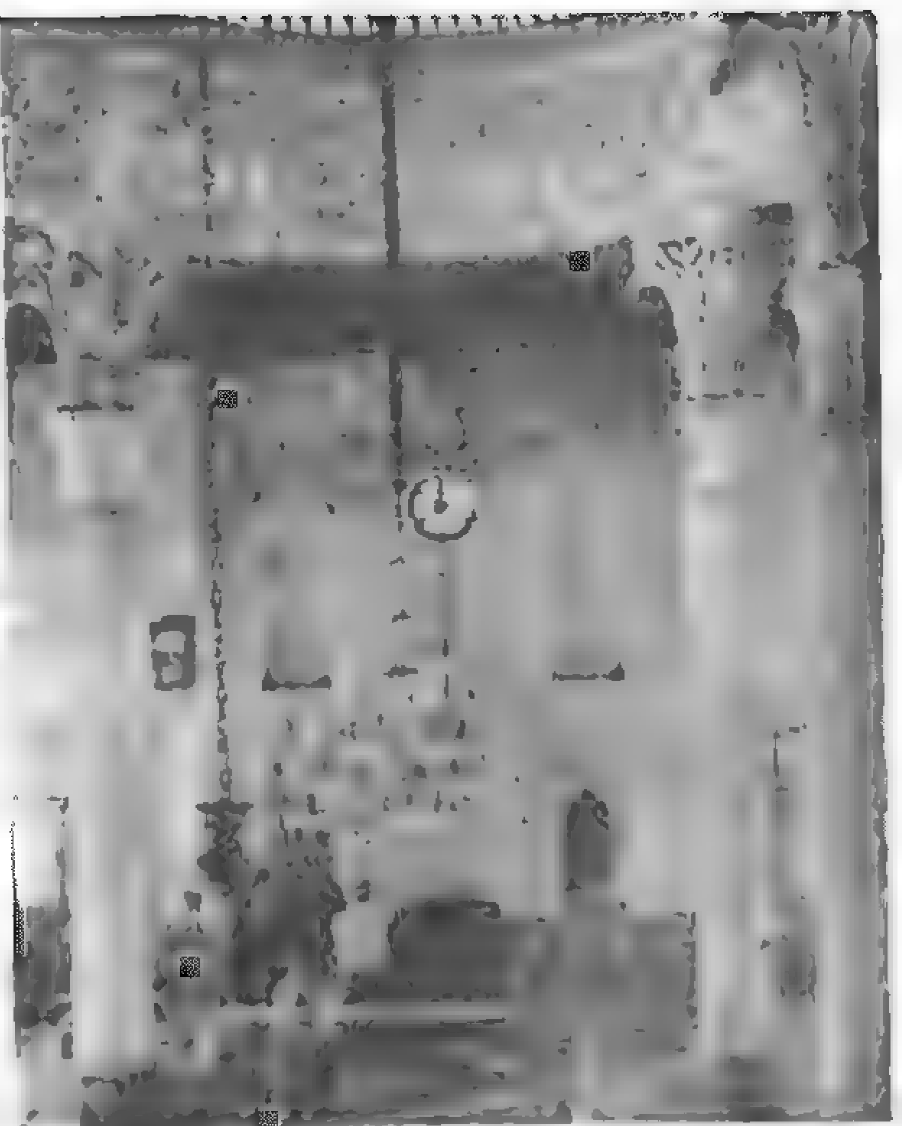
عکس شمارهٔ ۱۵۴ ـ نمای عمومی مسجد حاجی صمدخان در محلهٔ اقر آباد شهر رشت .



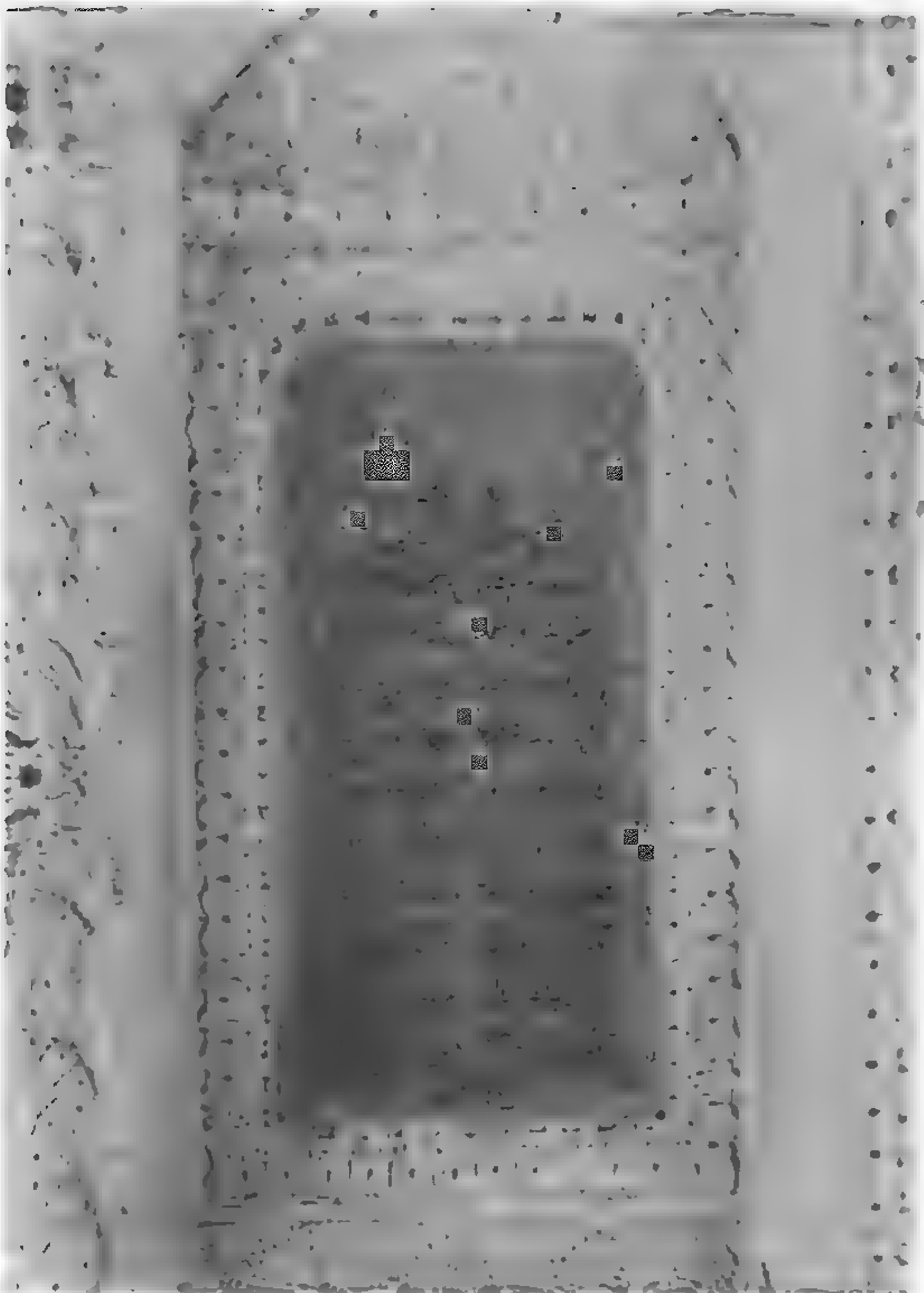
عکس شمارهٔ ۱۵۵ – گچ‌بری داخل گنبد مسجد صدخان در محلهٔ باقرآباد شهر رشت



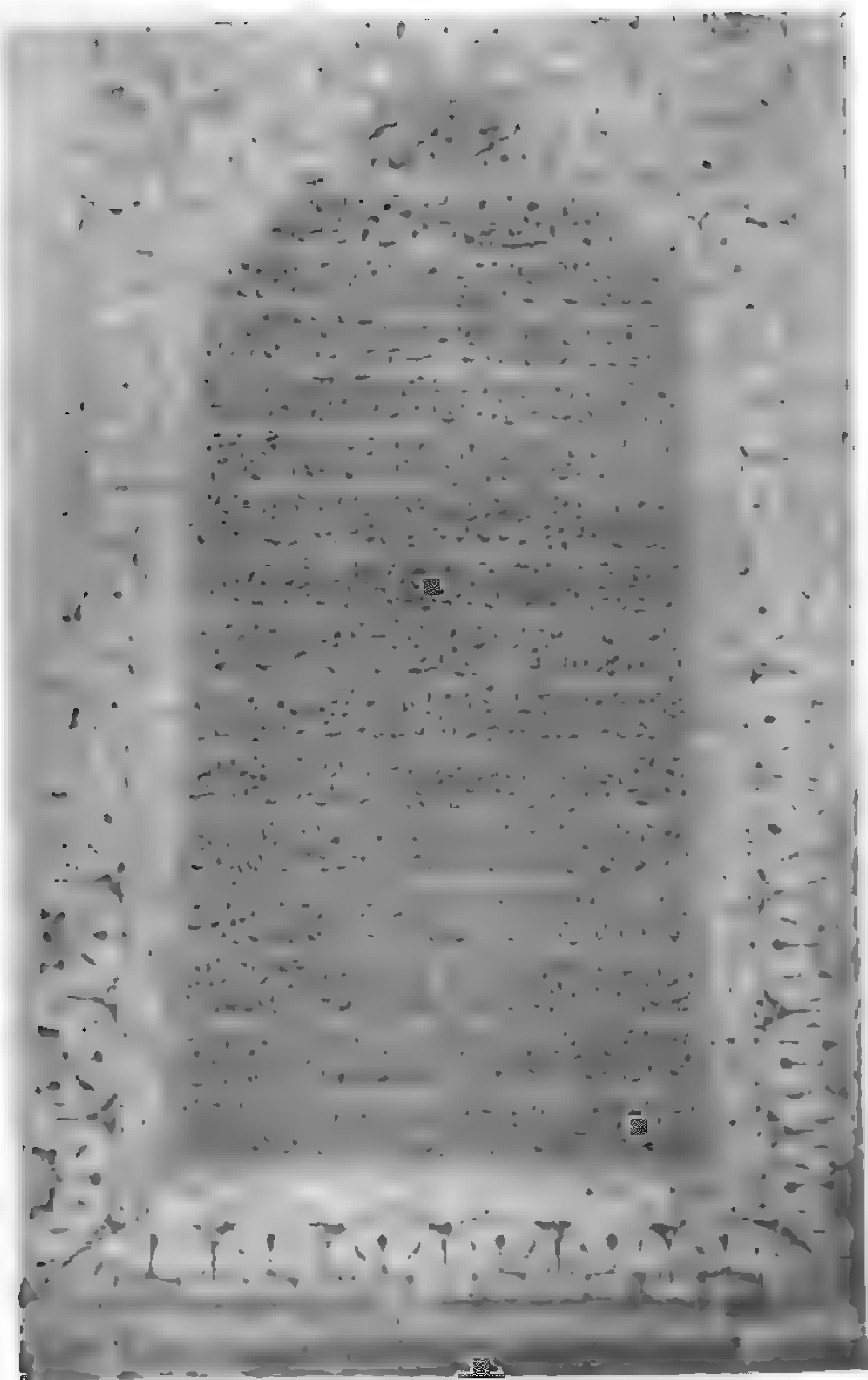
عکس‌شمارهٔ ۱۵۶ ـ نمای داخلی گنبد مسجدحاجی صمدخان درمحلهٔ باقرآباد شهررشت .



عکس شمارهٔ ۱۵۷ ـ محراب و ستونهای مسجد حاجی صمدخان در محلهٔ باقر آباد شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۵۸ ـ کتیبهٔ سمت چپ محراب مسجد حاجی صمد خان در محلهٔ باقر آباد شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۵۹ ـ صورت رقبات موقوفات مسجد حاجی صمد خان بر سمت راست محراب مسجد در محلهٔ باقر آباد شهر رشت .



عکس‌شمار: ۱۶۰ – گچ‌بریهای داخل گنبد و سر ستونهای مسجد حاجی صمدخان در محلهٔ باقرآباد در شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۶۱ ـ منبر ظریف مشبک کاری مسجد حاجی صمد خان در محلهٔ باقر آباد شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۲ ـ مسجد چهلتن خمیران در محلهٔ خمیران شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۳ ـ مسجد شیخ زاهد در محلهٔ خمیران راهدان در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۴ ـ بقعهٔ سید ابوالقاسم در محلهٔ سیدابوالقاسم در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۵ ـ برج چهارسرا در محلهٔ چهار سرای شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۶۶ ـ گلدستهٔ مسجد چهارسرا در محلهٔ چهارسرای کباب در شهر رشت



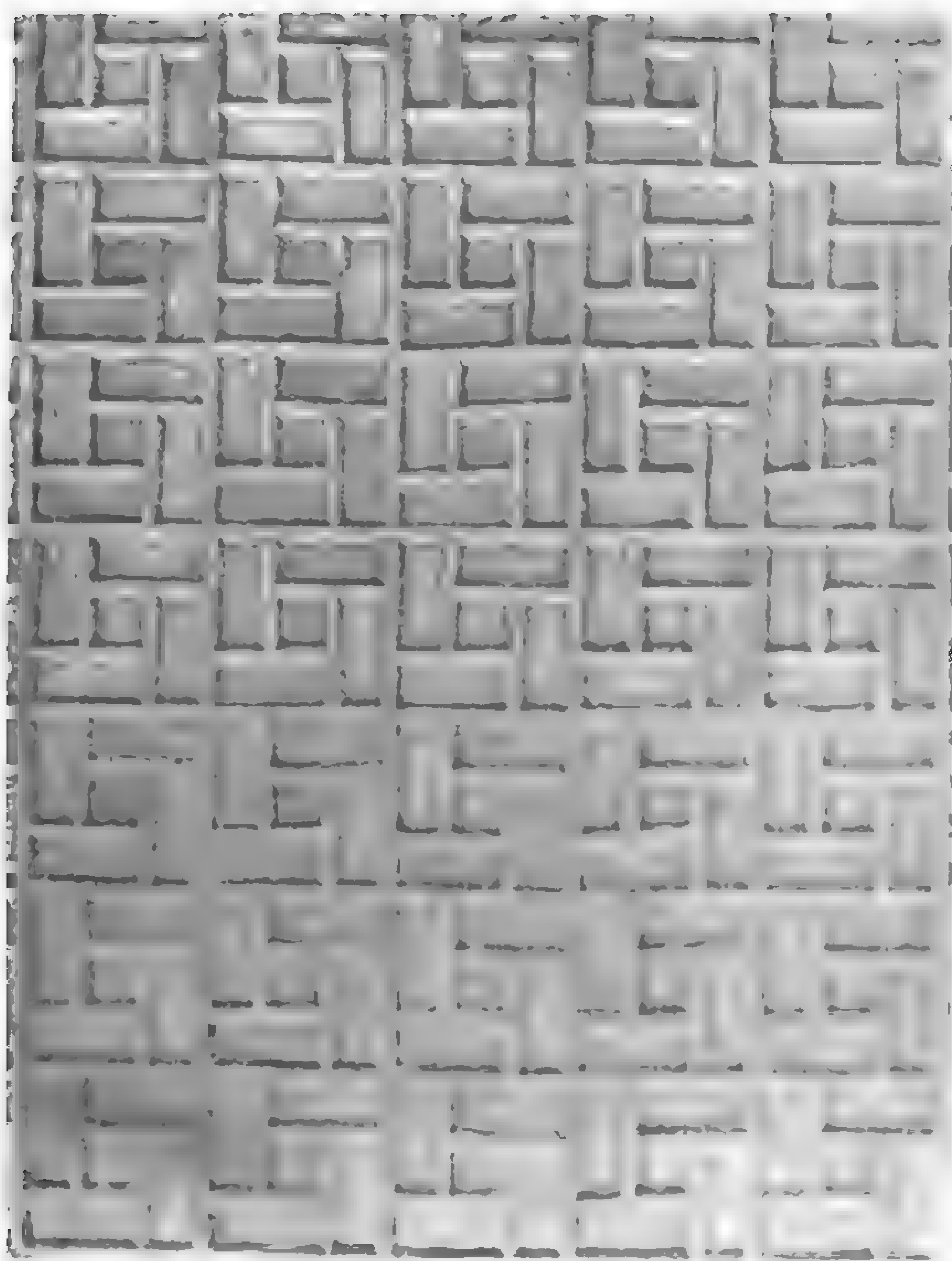
عکس شمارهٔ ۱۶۷ – بقعهٔ دانای علی در محلهٔ چمارسرای کیاب در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۸ــ مسجد ملاعلی محمد در محلهٔ کیاب در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۶۹ ـ حمام پیرسرا در محلهٔ پیرسرای شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۷۰ ـ قسمتی از صندوق قدیمی بقعهٔ آقاسید ابراهیم در محلهٔ بدیع الله در شهر رشت .



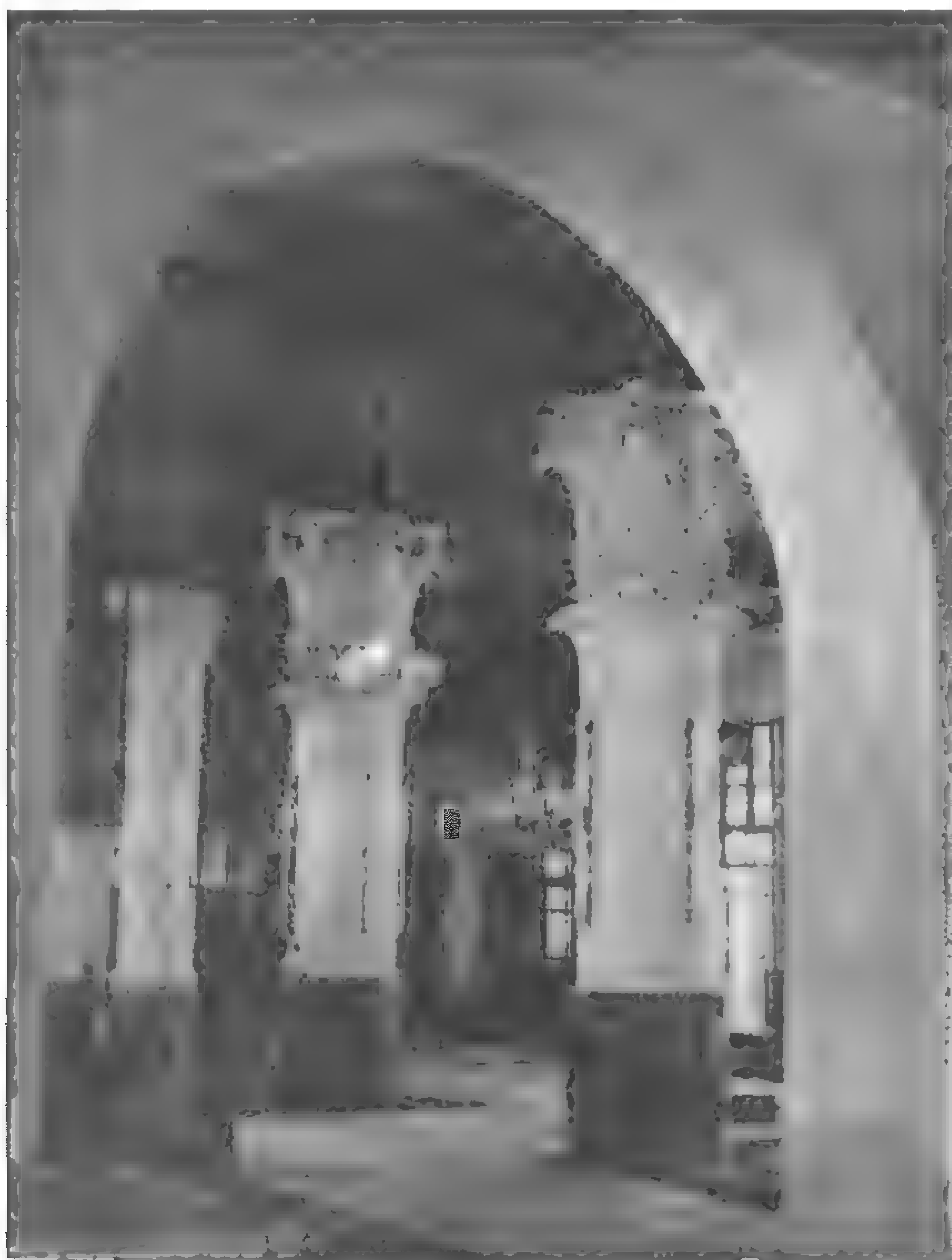
عکس شمارهٔ ۱۷۱ - نمونه‌ای از کاشیکاری حیاط بقعهٔ آقا سید ابراهیم در محلهٔ بدیع‌الله در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۷۲ - نمای شمالی مسجد صفی در محلهٔ مسجد صفی در شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۷۳ - نمای داخلی مسجد صفی از دیدگاه شرقی و فیلپاهای گچ بری آن در محلهٔ مسجد صفی درشهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۷۴ - نمای داخلی مسجد صفی از دیدگاه جنوب شرقی و فیلپاهای گچ بری آن در محلهٔ مسجد صفی در شهر رشت .



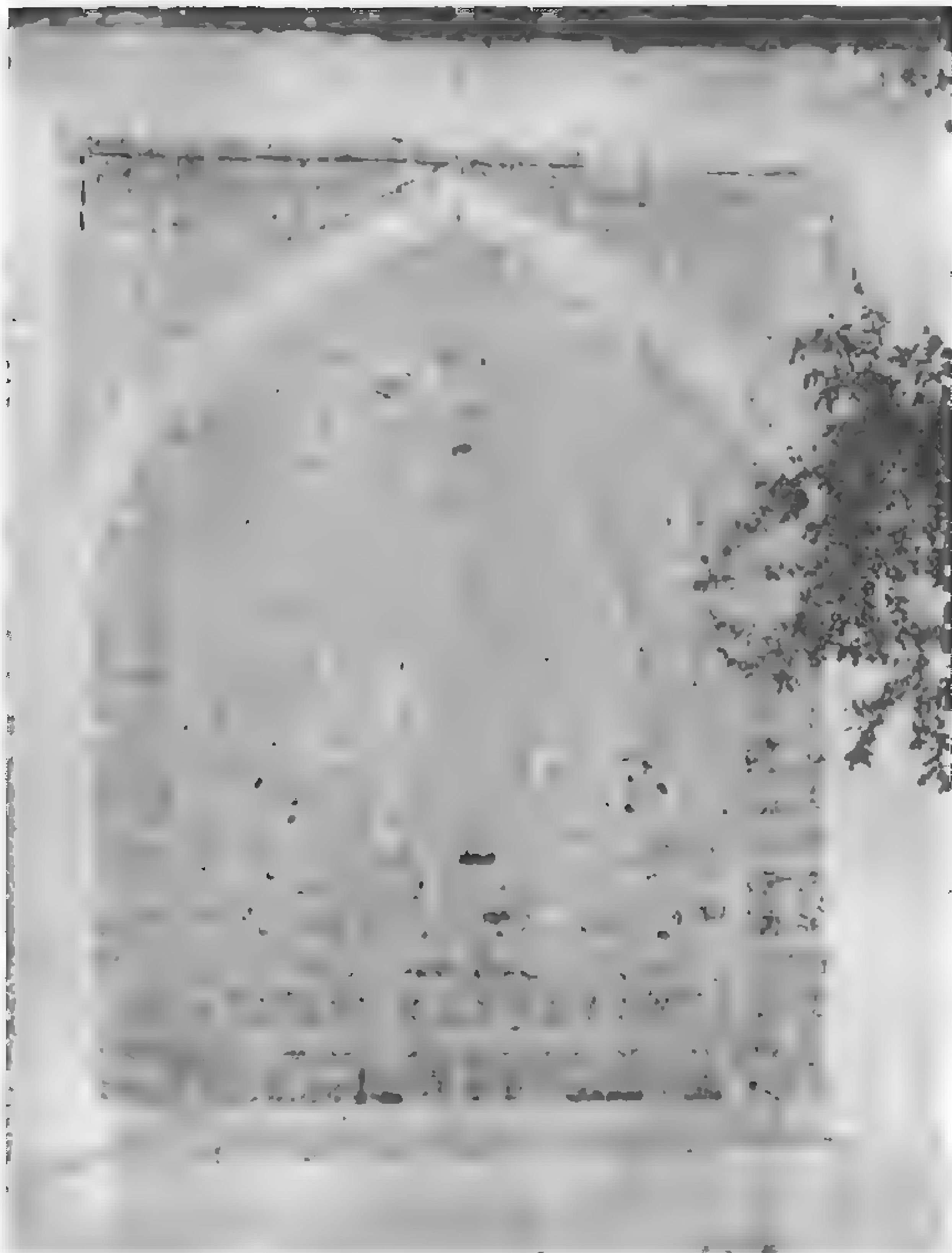
عکس شمارهٔ ۱۷۵ - یکی از سرستونهای مسجد صفی در محلهٔ مسجد صفی در شهر رشت .



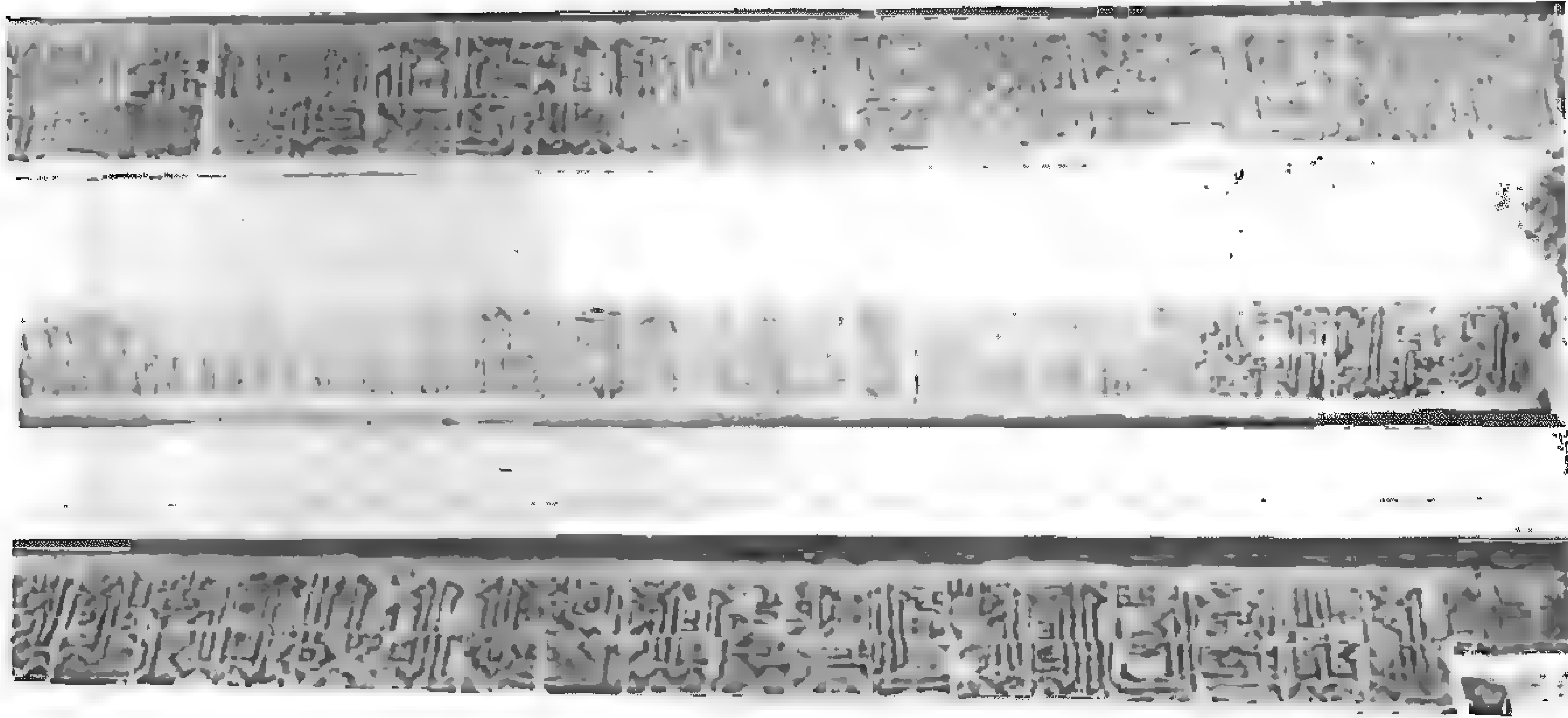
عکس شمارهٔ ۱۷۹ - محراب مسجد صفی در محلهٔ مسجد صفی در شهر رشت .



عکس شمارهٔ ۱۷۷ ـ کتیبهٔ کوفی چهار گوشه بر محراب مسجد مدرسهٔ مستوفی در راسته مسگرها در شهر رشت .



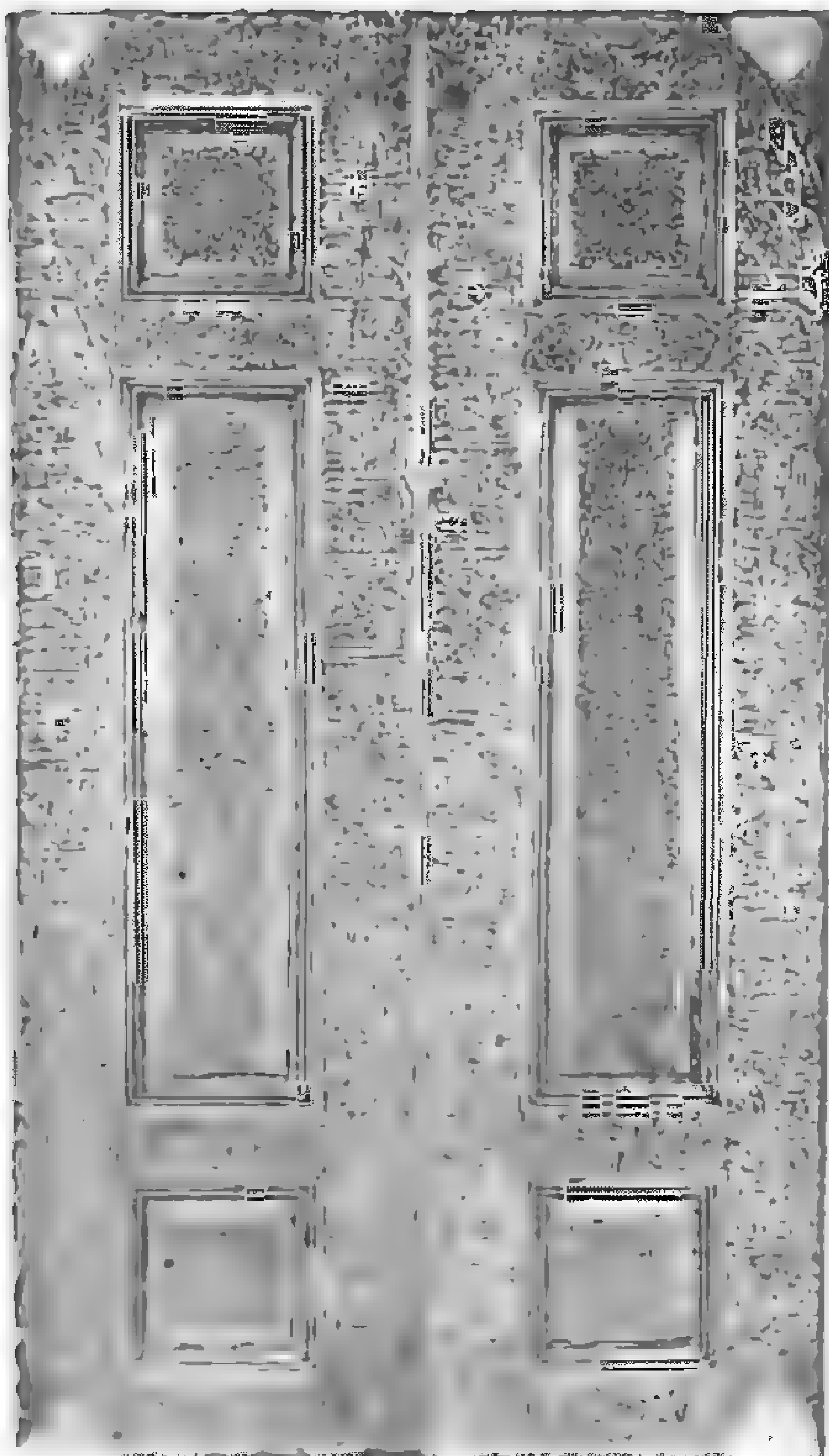
عکس شمارهٔ ۱۷۸ ـ کاشیکاری پشت محراب در حیاط مدرسهٔ مستوفی در راستهٔ مسگرها در شهر رشت



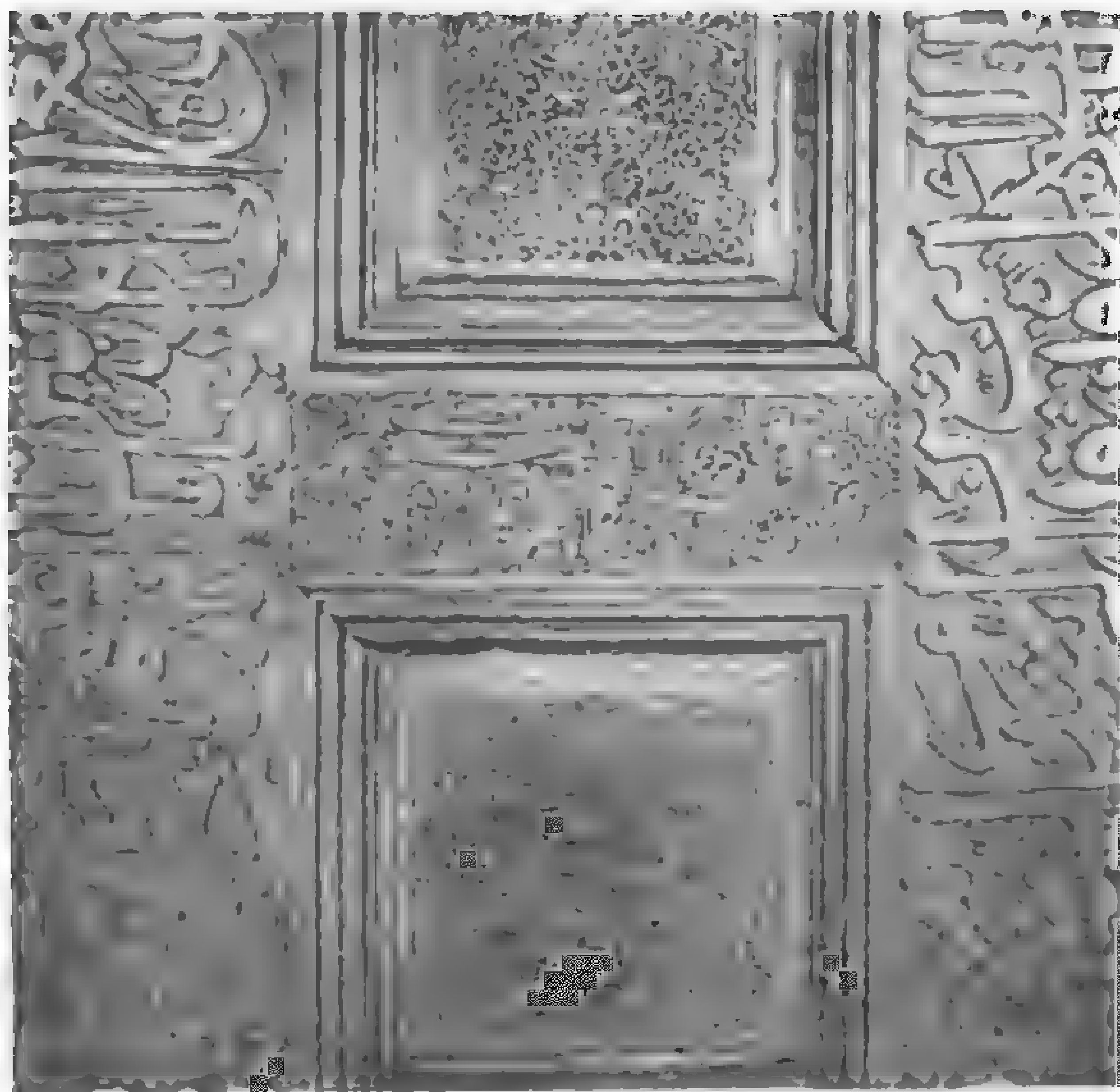
عکس شمارهٔ ۱۷۹ – نمونه‌ای از کتیبهٔ کوفی چهارگوشه بربالای دیوارهای داخل مسجد مدرسهٔ مستوفی درراستهٔ مسگرها درشهر رشت



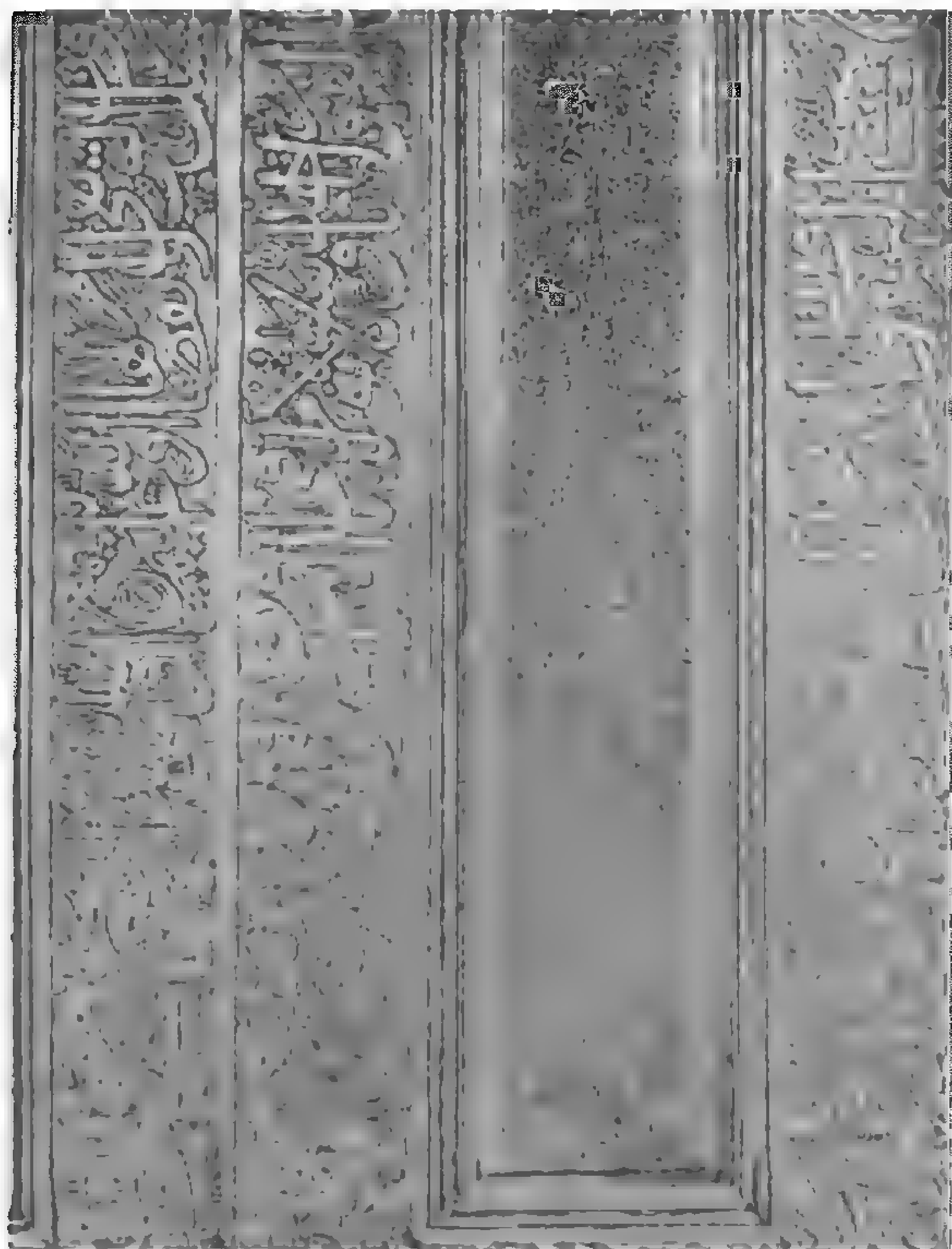
عکس شمارهٔ ۱۸۰ - مسجد بدیع‌الله در محلهٔ بدیع‌الله در شهر رشت



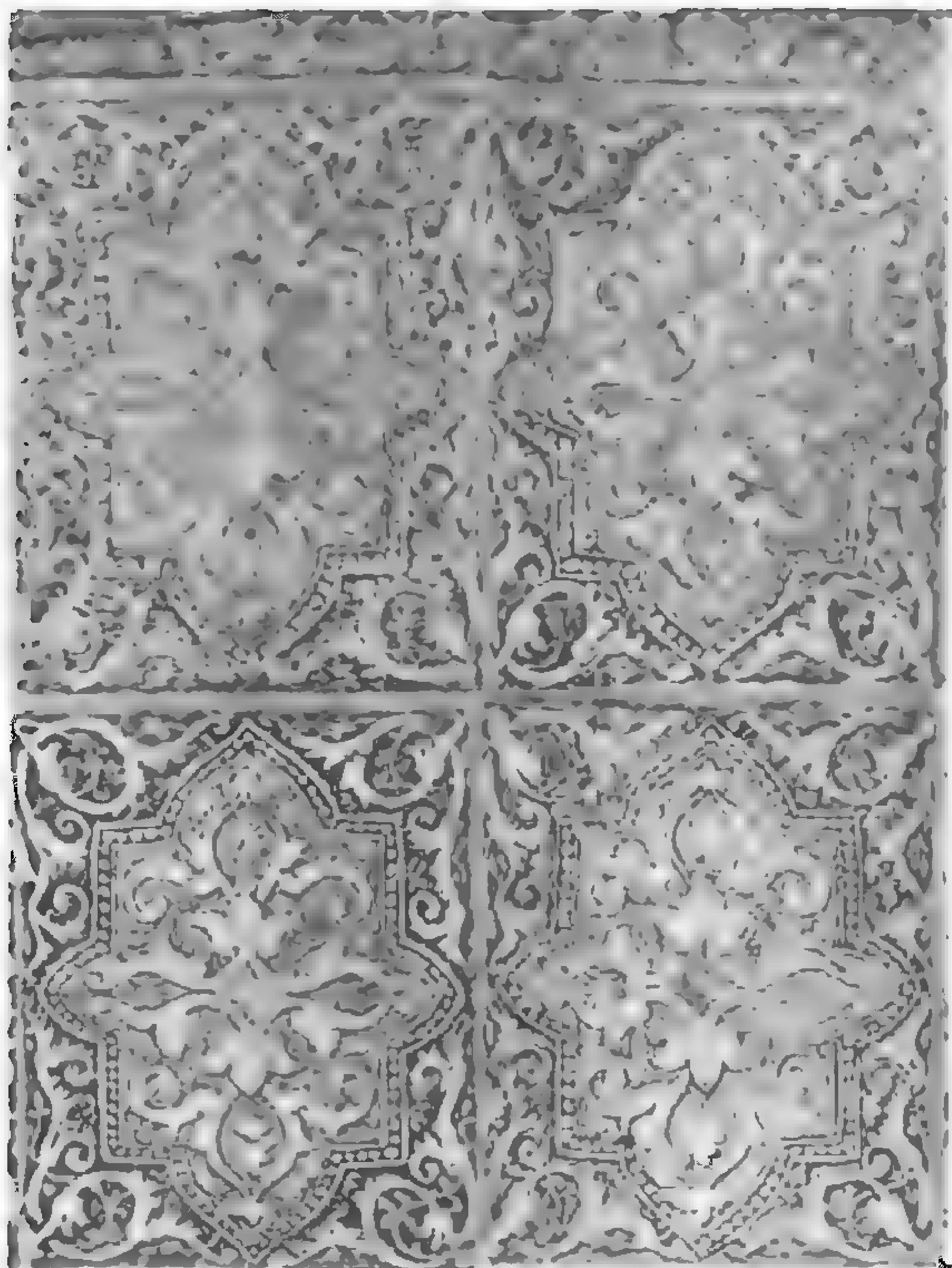
عکس شمارهٔ ۱۸۱ ـ در ورودی بقعهٔ سیدعباس وسید اسمعیل درمحلهٔ سغری‌سازان شهررشت



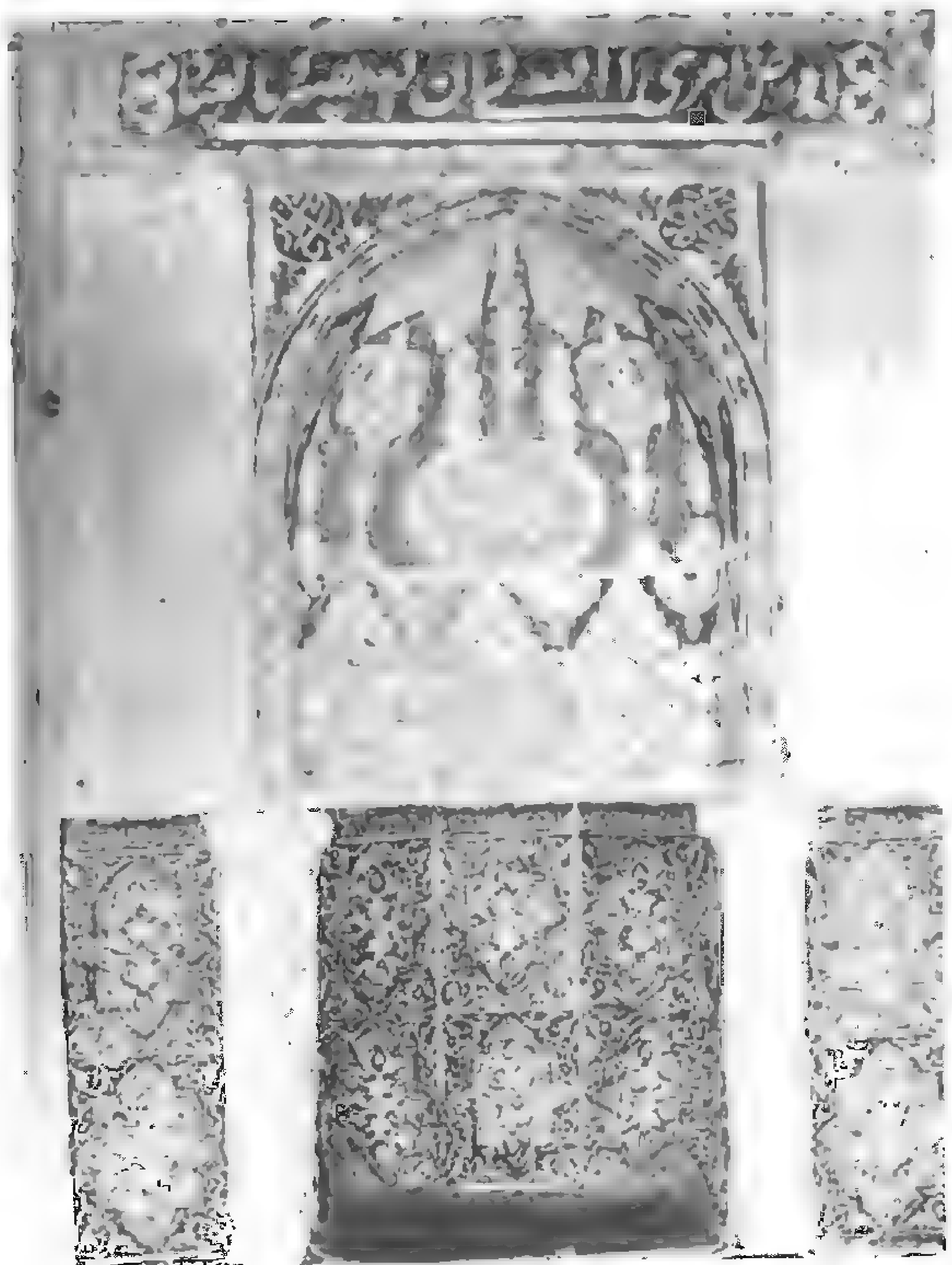
عکس شمارهٔ ۱۸۲ – منبت کاریهای ظریف در ورودی بقعهٔ سیدعباس وسیداسمعیل در محلهٔ ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸۳ – نقش سرو و آیاتی از کلام‌الله مجید بر در ورودی بقعهٔ سید عباس و سید اسمعیل در محلهٔ ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸٤ ـ کاشیهای ازارهٔ مسجد بقعهٔ سید عباس وسید اسمعیل در محلهٔ
ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸۵ محراب مسجد بقعهٔ سید عباس وسیداسمعیل در محلهٔ ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸۶ ــ سردر حمام حاجی‌محمد حج‌فروش در بازار ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸۷ ـ نمای عمومی و گلدستهٔ مسجد ساغری‌سازان در محلهٔ ساغری‌سازان شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۸۸ ـ گلدستهٔ مسجد ساعری سازان در محلهٔ ساعری‌سازان شهر رشت

عکس شمارهٔ ۱۸۹ - کتیبهٔ داخلی گنبد بقعهٔ خواهر امام در محلهٔ خواهر امام شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۹۰ ـ بنای بقعهٔ خواهر امام در شهر رشت . فیلم شمارهٔ ۱۲۲۰۹ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران
که از آلبوم ناصرالدین عکسبرداری شده است



عکس شمارهٔ ۱۹۱ ــ نمای جنوبی بقعهٔ خواهرامام در محلهٔ خواهر امام شهر رشت



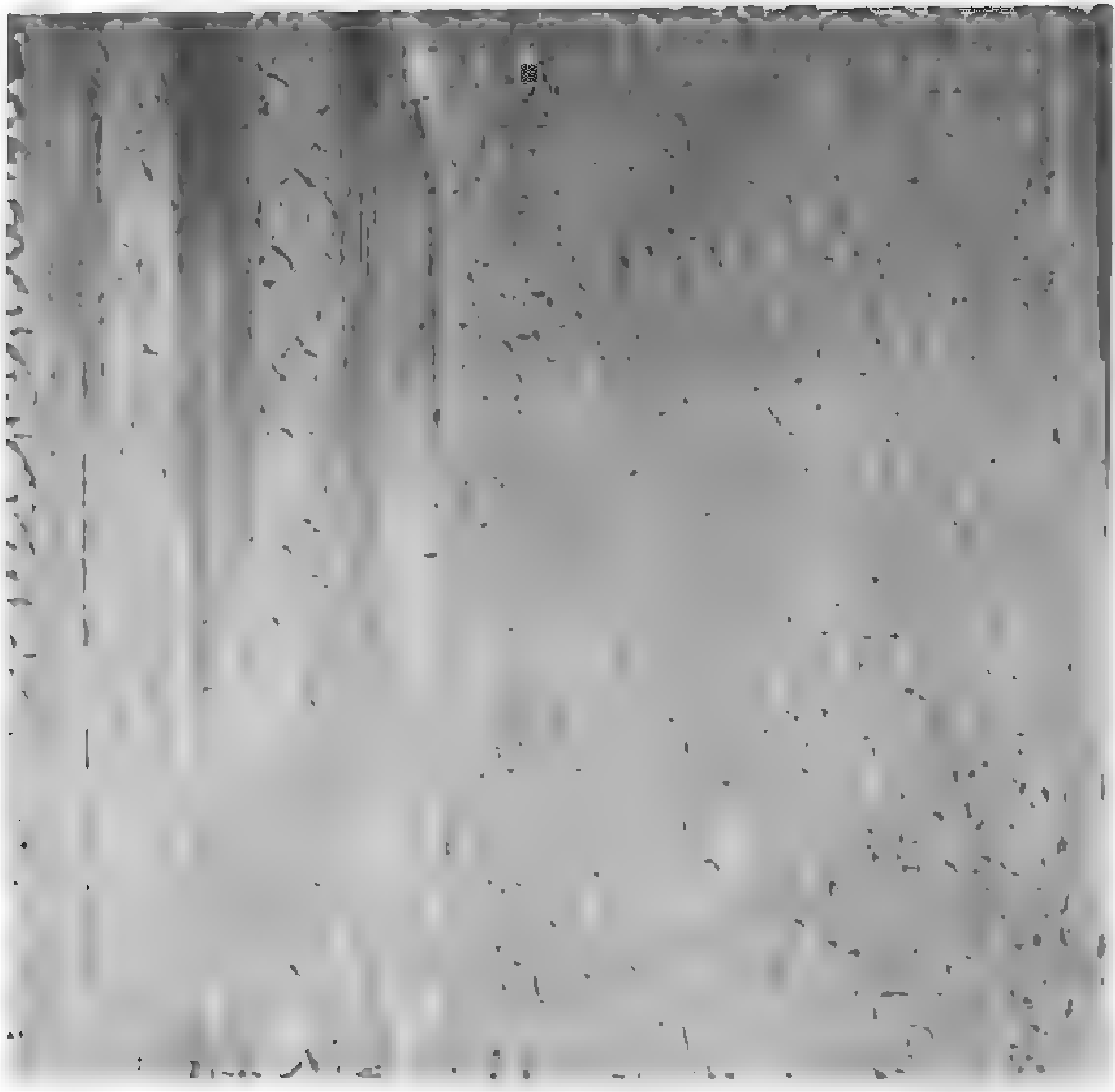
عکس شمارهٔ ۱۹۲ – سردر ورودی بقعهٔ خواهر امام که رو به حیاط بقعه است در محلهٔ خواهر امام شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۹۳ ـ کتیبهٔ طرف چپ در ورودی جنوبی بقعهٔ خواهر امام که در آن ناصرالدین شاه خبازان را از مالیات معاف داشته است در محلهٔ خواهر امام شهر رشت



عکس شمارهٔ ۱۹۴ - کلیسای ارامنه درخیابان سعدی شهررشت



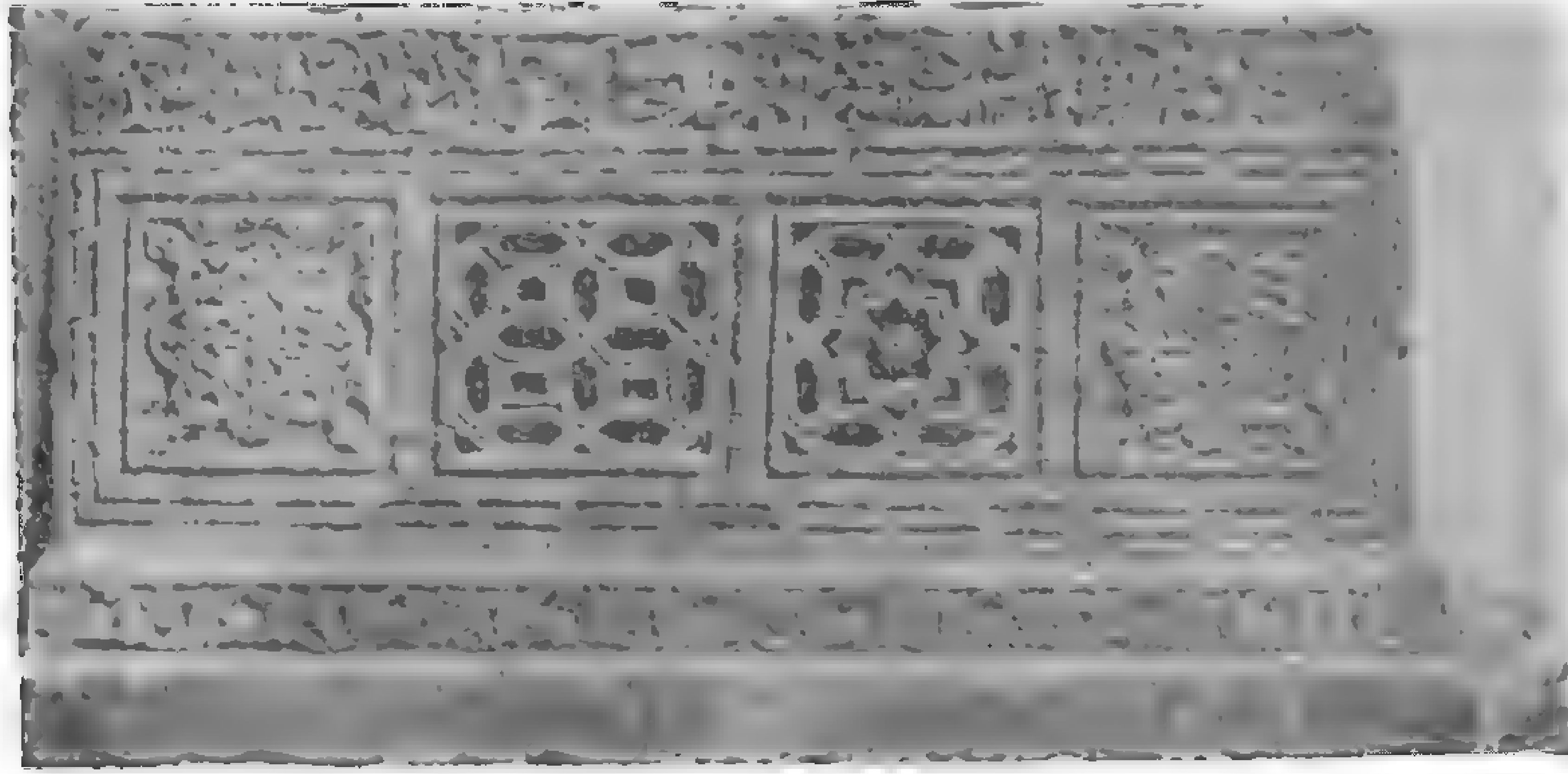
عکس شمارهٔ ۱۹۵ ـ منبت‌کاری صندوق سلیمان داراب در دهکدهٔ سلیمان داراب هوزی .



عکس شمارهٔ ۱۹۶ـ کتیبه ومنبت‌کاری صندوق سلیمان داراب در دهکدهٔ سلیمان داراب‌ه‌واری .



عکس شمارهٔ ۱۹۷ ـ بقعهٔ درویش‌محمد در حشك بجار حمام موازی.



عکس شمارهٔ ۱۹۸ ـ سنگ شماره یك از هفت سنگ قبر در دهکدهٔ امیر بکندهٔ خشك بجار خمام موازی



عکس شمارهٔ ۱۹۹ ـ نمای دیگر از سنگ شماره یك از هفت‌سنگ قبر در دهکدهٔ امیر مکادهٔ خشك بجارحمام.



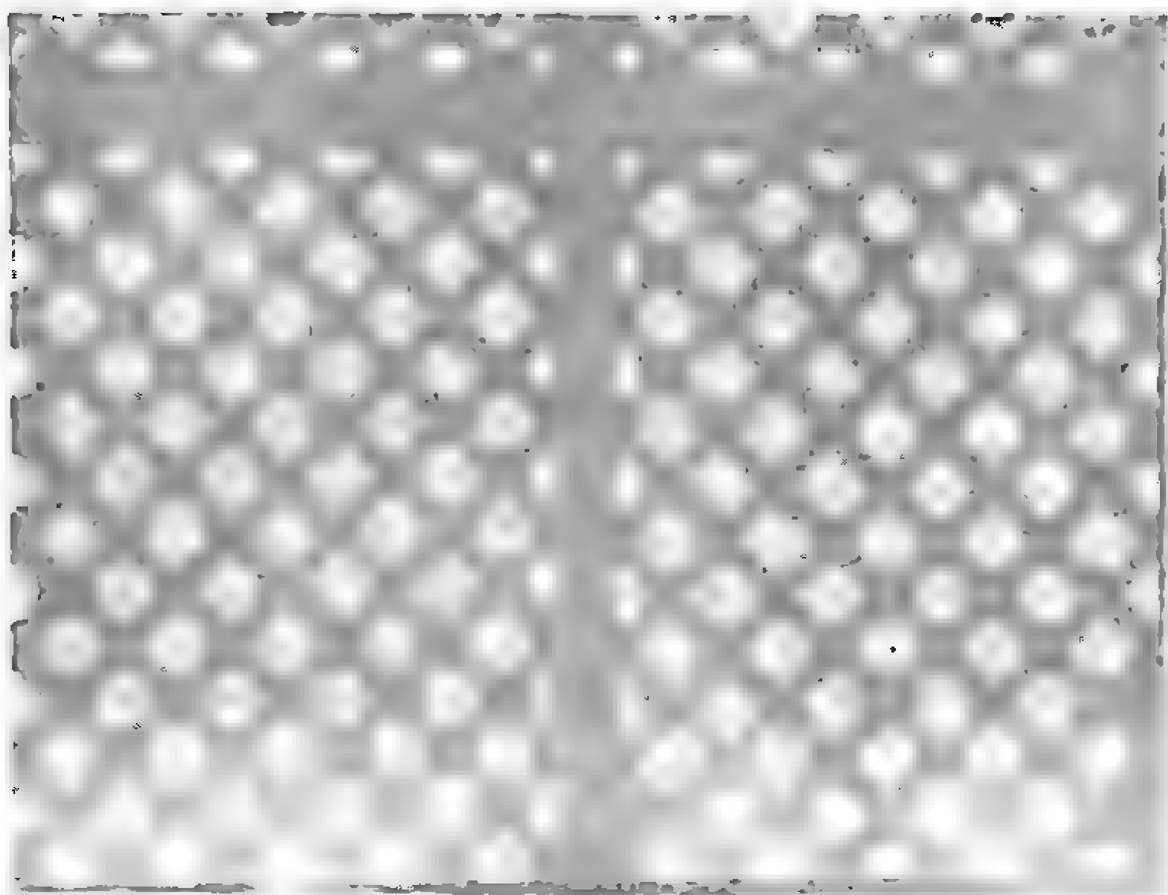
عکس شمارهٔ ۲۰۰ ـ سنگ شمارهٔ دو از هفت سنگ قبر در دهکدهٔ امیر بکنده خشک بجار خمام .



عکس شمارهٔ ۲۰۱ ـ سنگ شمارهٔ هفت از هفت سنگ قبر در دهکدهٔ امیر بکنده خشک بجار خمام .



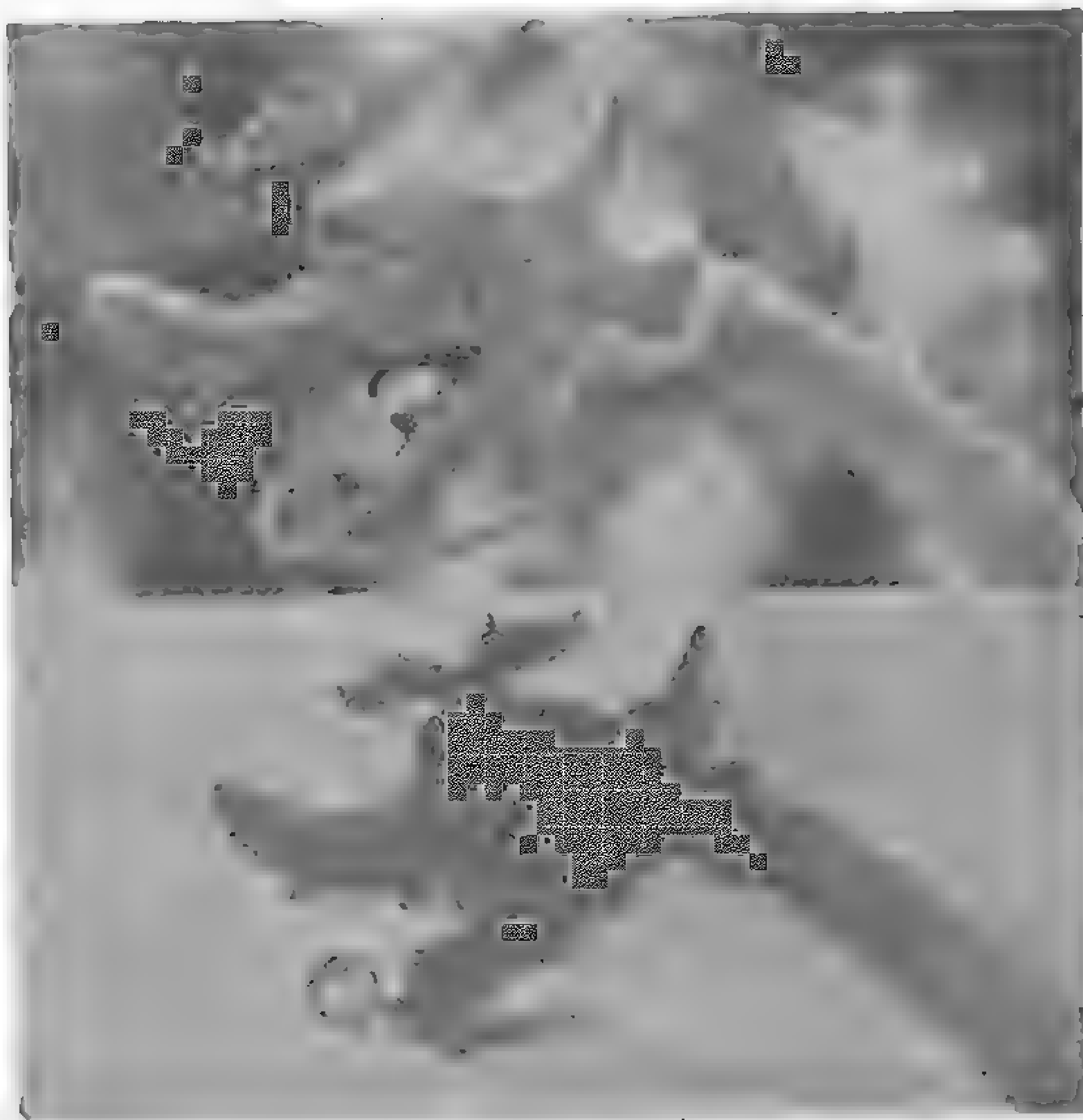
عکس شمارهٔ ۲۰۲ ـ بقعهٔ امامزاده حسن در دهکدهٔ خمام موازی .



عکس شمارهٔ ۲۰۳ ـ یکی از پنجره‌های مشبک چوبین مسجد جامع امشه در دهکدهٔ امشهٔ سنگر .



عکس شمارهٔ ۲۰۴ ـ مسجد جامع امشه در دهکدهٔ امشهٔ سنگر .



عکس شمارهٔ ۲۰۵ ـ اژدهای علم مسجد جامع امشه در دهکدهٔ امشهٔ سنگر

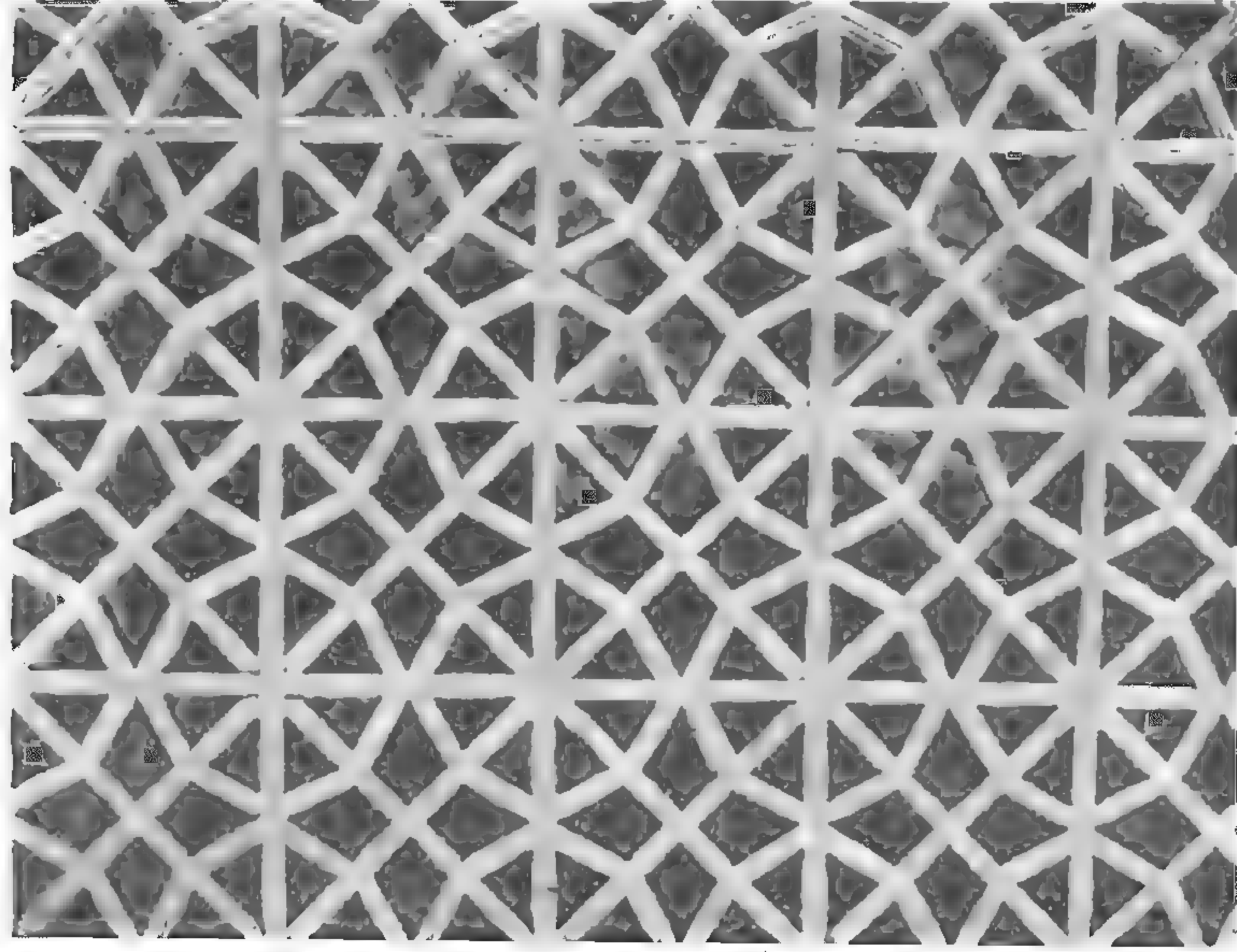


عکس شمارهٔ ۲۰۶ ـ خرابه‌های منزل سردار معتمد درباغ سیمر امشه در دهکدهٔ امشه‌شنگر.

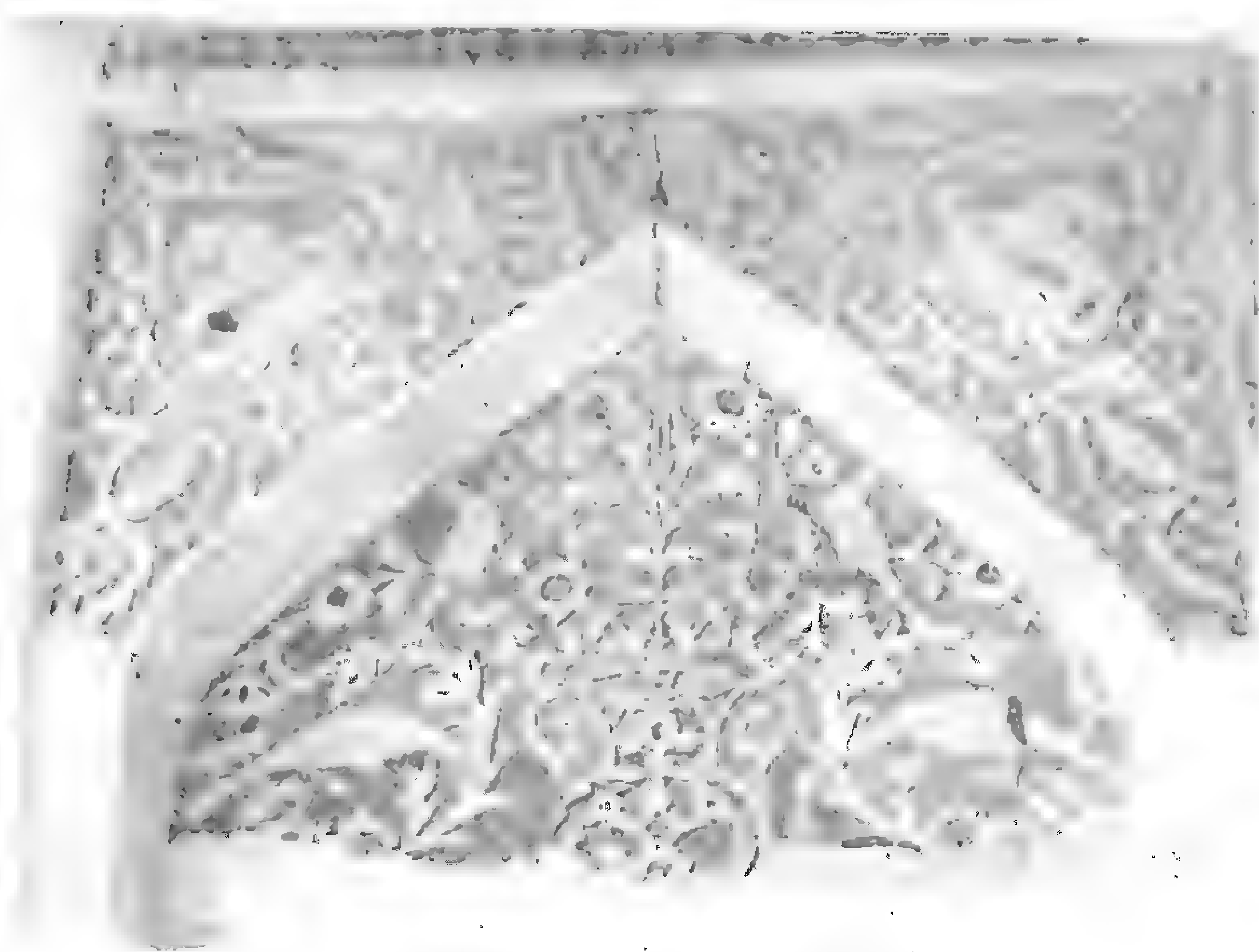


عکس شمارهٔ ۲۰۷ ـ بقعهٔ امامزاده قاسم در دهکدهٔ چولاب کوجسفهان مواری .

عکس شمارهٔ ۲۰۸ ـ یکی از درهای ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم در دهکدهٔ چولاب کوچسفهان مواری .



عکس شمارهٔ ۲۰۹ ضریح امامزاده قاسم در دهکدهٔ چولاب کوچصفهان موازی .



عکس شمارهٔ ۲۱۰ - قسمتی از گچ‌بریهای امامزاده سید احمد در دهکدهٔ گیلوای کوچسفهان موازی.



عکس شمارهٔ ۲۱۱ – بقعه و مسجد امامزاده احمد در دهکدهٔ گیلوای کوچـفهان ـوازی.



عکس شمارهٔ ۲۱۲ ـ لعنت‌نامه‌ای در امامزاده احمد در دهکدهٔ گیدوای کوچسفهان موازی .



عکس شمارهٔ ۲۱۳ ـ مرغانه پرد بر نهر نورود در لاله دشت کوچصفهان موازی .

عکس شمارهٔ ۲۱۴ ـ مشبک‌کاری ضریح سید دانیال در دهکدهٔ خشت‌مسجد کوچسفهان موازی .



عکس شمارهٔ ۲۱۵ ـ سنگ قبری از مرمر در دهکدهٔ خشت مسجد کوچسفهان موازی.

بخش چهاردهم

۱ـ جغرافیای تاریخی لشتنشاه

بخش لشتنشاه ، در کنار دریای خزر است، ازمشرق به‌لاهیجان وازجنوب وغرب به‌بخش موازی محدود می‌شود . شعب مصب سفیدرود، دراین خاک است و خاک لشتنشاه ازرسوبات این رودخانه به‌وجود آمده است.

پیش ازدوران سلطنت سادات کیائی ، لشتنشاه جزئی از خاک کوچسفهان بود. هنگامی که سیدعلی کیا ، سلطان لاهیجان شد ، مردم شیعی مذهب زیدی لشتنشاه، ازاودرخواست کردند که خاک لشتنشاه‌را به‌قلمرو حکومت‌خودبیفزاید وایشان‌را ازدست امیر مسعودبن توپاشابن سالوک که پدرش حاکم کوچسفهان بود ودرسال۷۶۸ فوت شده بود، رها کند.(۱) سیدعلی کیا لشکری آراست و به کوچسفهان رفت وآنجارا بگرفت.

درسال۷۸۲ خاک لشتنشاه داخل‌حکومت پاشیجا بود وتخت‌آن‌ملک‌گوراب پاشیجا بود.(۲)

درسال ۹۱۳ که شاه اسمعیل اول به‌گیلان آمد، به‌وساطت شیخ‌نجم‌رشتی- امیر الامرای‌دربار- بناشد که‌خان‌احمدخان، اراضی‌لشتنشاه‌را به‌امیرحسام‌الدین فومنی واگذارد . خان احمدخان، این حکم را نپذیرفت و اظهار می‌داشت که نمی‌خواهد مردم شیعی مذهب را به دست اهل سنّت بسپارد . سال دیگر ، امیر حسام‌الدین، قصد داشت که مردم لشتنشاه‌را به‌رشت منتقل کند. ساکنان‌لشتنشاه که ازاین امرخبردارشدند، اهل وعیال خودرابه‌رودسر بردند، تا باتصمیم‌امیر-

---

(۱) تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین چاپ‌نگارنده ص ۴۵، ۴۶ (۲) همین کتاب ص ۹۶ .

حسام‌الدین مخالفت کرده باشند.

درسال ۱۰۰۳، شاه عباس پس‌ازطغیانی که درلشتنشاه‌شد. امر کرد تااهالی را قتل‌عام کنند. درویش محمدخان روملو- حاکم‌لاهیجان - سه روز به‌ایشان مهلت داد، تا آن محل‌را ترك کنند وپس از سه‌روز، هر که در آنجا بود کشت و سربازانش هرچه دیدند، به‌غارت بردند.

افراددوطایفهٔ اژدر وچیك (= اژدهابندوچیك‌بند) برسرمقام‌وکیل‌السلطنه وصاحب اختیاری به‌پیش رقیب یکدیگر بودند و تا سال ۱۰۲۱ که بهزاد بیك وزیرگیلان، ایشان رابه‌سیلاخور کوچ داد، جنگهای خونینی می کردند.[1]

براثر بدی آب وهوای سیلاخور، این دوطایفه، درآنجا ازمیان رفتند و کسانی که دوباره به‌لشتنشاه بازگشتند، ازدم تیغ گذشتند وسرزمین ایشان‌جزء املاك خالصه شد. این دو طایفه که سیصد سال دراین خاك زندگی می کردند، اصلشان معلوم نیست از کجاست.

در سال ۱۰۳۸ پس از شورش وطغیان غریب‌شاه، ساکنان لشتنشاه مجبور شدند به‌اسارت سربازان سلطان تن دردهند.

هنگامی که خسروخان حاکم‌گیلان بود، بیشتر اراضی لشتنشاه‌را به‌ثمن بخس، خریداری کرد. نایب‌الحکومهٔ آنجا که ارمنی جدید الاسلامی به نام «قسم خان شیروانی» بود، به‌پایتخت آمد تا ازاو به فتحعلیشاه شکایت برد. در بازگشت به گیلان، به‌امر خسروخان کشته شد. شاه، املاك خسروخان‌رامصادره کرد وباز خاك لشتنشاه جزء املاك شاهی به‌حساب آمد. درحدود هفتادسال‌پیش بشرایطی به‌رعایا واگذار شد.

مرکز اصلی‌لشتنشاه، دهکدهٔ جورشر (بفتح شین)است که درزمان‌رابینو (۱۳۳۱ قمری) بازار وحمام ومسجد جامع داشته است و به‌سه محلهٔ زیر تقسیم می‌شده: بالامحله- مروان کلایه - محلهٔ سربازار. ساکنان این بخش گیلك و شیعی مذهبند[2].

(۱) تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۱۵۳-۱۵۶. (۲) گیلان رابینو ص ۲۴۹-۲۵۱.

راه کوچسفهان به جورشر ازدهکده‌های: جوربجار کل- هندوانه‌پردسر- کنارسر- لیموچاوگفشه می‌گذرد.

جمعیت لشتنشاه درزمان رابینو هزارو ششصدو نودودو خانواربوده‌است. دراین بخش، چهل‌وچهار دهکده بوده، که بیشتر آنها بعداً جزء بخش لاهیجان به‌حساب آمده است. (۱)

۴- بناها و آثار تاریخی بخش لشتنشاه

بقعهٔ آقا سید محمدرضا بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در جورشر لشتنشاه

بنای اصلی بقعه، هشت‌ضلعی است. چهارضلع ازاین هشت ضلعی‌که مقابل جهات اصلی قرار می‌گیرند، بلندتر وچهار ضلع دیگر آن کوتاه‌تر است. طول ضلع بزرگتر ۳/۷۰ متر وطول ضلع کوچکتر ۹۵سانتیمتر است. محل اتصال دو ضلع کوچك وبزرگ، دیواره‌ای به‌طول ۲۳ سانتیمتر است که با ضلع بزرگتر موازی است. (عکس شمارهٔ ۲۱۶) ضریحی مشبّك دروسط وصندوقی چوبین میان آن است. آلات‌ضریح رابسیار ظریف تراشیده‌اند وطرحهای‌آن‌بسیار زیباست. (عکس شمارهٔ ۲۱۷) طول آن ۲۸۵ وعرض آن دویست وارتفاع آن ۱۲۰سانتیمتر است. ودر ورودی کوچکی دارد. (عکس شمارهٔ۲۱۸) طاق ضریح به‌شکل‌منشور مستطیل‌القاعدهٔ ناقص‌است وتمام‌آن نیز مشبّك است. چهاردر ورودی در چهار جهت اصلی قرار داده‌اند. یکی از آنها فعلا دری نداشت ودرگاه مانند بود. طاق درگاهها هلال شکسته است وبالای هریك پنجره‌ای مشبّك چوبین است.

درداخل بنا، ازاره‌ای درپنج ردیف کاشی قاجاری گل و بلبل دار به ارتفاع ۸۲ سانتیمتر بردیوار نصب شده است. سقف بقعه ازداخل گنبدی و مدور، و از خارج سراسر بقعه‌وایوانها سفال‌سر ست. گلدسته‌ای آجری که‌روی آن سیمان کاری است، ازبام سفالین بنا سر بیرون آورده است (عکس شمارهٔ ۲۱۹) اطراف بنای اصلی ایوان است. ایوانی که در اصلی بقعه (عکس‌شمارهٔ ۲۲۰) درآن باز

---

(۱) گیلان‌رابینو ص ۲۵۳.

می‌شود، با درنظر گرفتن دوعرض ایوانهای شمالی وجنوبی به‌طول ۱۵ متر و به عرض ۳/۹۰ متر است. طول ایوان قبلی تاانحنای پشت بنا، ۱۲/۳۵متر و عرض آن ۲/۳۰ متر است.

جلو ایوان اصلی که در ورودی بقعه درآن است، دوازده ستون چهارسو باسرستون و مجموع ستونهای سه‌ایوان دیگر بالغ بربیست‌عدد ستون چهارسو باسرستون است. طرف شمال دیوار اصلی بقعه ، دری کوچك برای بالا رفتن به گلدسته است. سقف ایوانها تمام لمبه‌کوبی خطدار است. سنگ قبر کوچکی درصحن بقعه به‌این شرح دیده شد:

تاریخ وفات مرحوم کربلائی علی حسن‌ابن آقامحمدکاظم ۱۲٤۸

در میان‌کاشی‌های ازارهٔصحن، این‌کاشی مزار دیده شد:

وفات مرحومه زینب سلطان بنت مرحوم مشهدی آقاجان قزوینی عیال براره مشهور میرزامحمد تحریرا فی‌صفرالمظفر ئیلان ئیل ۱۳۲۳ .

برسنگ مرمر دیگری به‌طول ٤۰سانتیمتر و عرض ۲۲ سانتیمتر با خط نستعلیق خوشی این‌عبارات دیده شد:

وفات‌مرحوم میرمحمدکاظم ولدمرحوم میرسیدعلی‌الحسینی ۱۲۳۰ نشانها: مهر، تسبیح. شانه، رحل، قلمدان ودوانگشتر .

بنای بقعهٔ آقا سیدمحمدرضا قدیمی است،ولی تاریخی که قدمت آن را نشان‌دهد، درخود بنا دیده نشد. رابینو می‌نویسد بنای این‌محل متبرك درسال ۱۰۵۵ هجری قمری یعنی در دوران سلطنت شاه‌عباس دوم تمام شده است. ماده تاریخ بالای درورودی، این‌تاریخ‌را نشان می‌دهد.(۱) ازقرار اظهار اهالی این سردر خراب شده است وسردر جدیدتری به‌جای آن بناکرده‌اند. ازماده تاریخ اثری‌نبود. متولی بقعه دوبیت شعر بالای سردرراکه مصراع آخرآن‌ماده‌تاریخ است چنین به‌خاطر داشت:

---

(۱) گیلان رابینو ص۲۵۱ .

دروازهٔ ساقی[۱] که نمایان وجلی است

آبادی آن ز سرنوشت ازلی است

تاریخ بنایش زخرد جستم گفت

این طاق جلی زیمن عباسقلی است

مصراع ماده‌تاریخ باسال ۱۰۵۵ هجری قمری که رابینو بدان اشاره کرده، برابر است.

کلمه «ساقی» درمصراع اول، اشاره به‌ساقی مزار است که نام قدیمی محل بقعهٔ سیدمحمدرضا بوده است. عبدالفتاح از «صحرای ساقی مزار لشتنشاه» نام می‌برد.[۲] رابینو می‌نویسد این محل به‌نام «ساقی‌مزار» شهرت داشته‌است وسید ظهیرالدین نیز این نام‌را در تاریخ گیلان ودیلمستان آورده است.[۳] اما نگارنده درتاریخ سیدظهیرالدین نام ساقی‌مزار را نیافت.

تکیهٔ مجاور بقعهٔ آقا سید محمدرضا

رابینو از تکیهٔ مجاور بقعه یاد کرده‌است ومی‌نویسد که دراین تکیه جسد میرزاعلیخان امین‌الدوله مدفون است.[٤] مرحوم میرزاعلیخان امین‌الدوله که سالهای آخرعمر خودرا درلشتنشاه درتبعید به‌سر می‌برد، دربیست‌ودوم صفر سال ۱۳۲۲، درعمارتی که خود درلشتنشاه ساخته بود، در گذشت ودرتکیهٔ بقعه به‌خاك سپرده شد. قبراوامروز دراطاقی به‌طول ٥/٤٠ متروعرض ٥/٥٠ متر ومفروش به‌قالی است. سنگ قبر او سنگ‌مرمری است به‌طول ۱٤۰ وعرض ۷۹ سانتیمتر واین اشعار باخط خوش نستعلیق برآن حك شده است.

هوالحی‌الذی لایموت

خرد حیران زکار چرخ ودانا رو بفکرت شد

که دایم درپی جورو جفا با اهل غیرت شد

---

(۱) اشاره به «ساقی‌مزار» است. (۲) تاریخ گیلان ص ۲۲٦. (۳) و (٤) گیلان رابینو ص ۲٥۱.

بدنیا دل نبست اهل خرد زیراکه این دنیا

وفا با کس نکرد وراحت او عین زحمت شد

سراسرمهر او کین، شادیش غم، شهداو حنظل

غنایش مسکنت، سودش زیان، عزّش مذلّت شد

یگانه گوهر دانش ، امین دولت ایـران

ز دنیا رخت بربست و مسافر سوی جنت شد

زفوت او سبب گر دوستان پرسند می‌گوئیم

که دولت خواهی وملت‌پرستی این‌دوعلت‌شد

ز دولت خواهی وملت پرستی آن مهین دانا

نیاسودی، ولیکن حاصلش زورنج ومحنت‌شد

درین ماتم فلك گر خون ببارد می سزد زیرا

که بیرون از جهان، اهل‌خرد ، اهل فتوت شد

نشسته بر کناری اشك ریزان عارف و عامی

شده پر خون دل دولت، شکسته پشت ملّت شد

چو در ماه صفر کرد او اجابت دعوت حق‌را

پیمبر میزبانش در مقام قرب عزّت شد

پی تاریخ صدری خون فشاند از دیده و گفتا

امین الدوله و اویلا سوی گلزار جنّت شد

۲۲ صفر ۱۳۲۲

درهمین‌اطاق ، پائین پای‌میرزاعلی خان امین‌الدوله ، مدفن محسن خان امین‌الدوله است . برقبر اوسنگ مرمری به‌طول ۱۱۸ وعرض۶۰ سانتیمترقرار داده واین‌ابیات‌را بر آن حك کرده‌اند :

هوالحی الذی لایموت

دریغا رفت از این دار دنیا / امین الدوله مرد راد والا
رئوف با ذلی ، مرد کریمی / که دادی بینوایان را هدایا
پدر بودش امین الدوله کاو بود / مهین صدر اجل بی‌مثل و همتا
وطن پرور مهی ، آزاده مردی / که شد زو پایهٔ مشروطه برپا
وزیر فاضل و فرزانه محسن / که فردوس برینش گشت مأوا
هزار وسیصد وشصت ونه ازسال / ز هجرت بود رفت از دار دنیا
هزار وسیصد وبیست و نه آنگاه / ز سال شمسی این‌چون شدهویدا
بسوی جنّت المأوا روان شد / بد آمرزیده در دنیا وعقبی
روانش باد دائم شاد وخرّم / ز الطاف خدای فرد یکتا

درحاشیهٔ همین‌سنگ این عبارات حك شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی بنبی عربی ورسول‌مدنی۔ واخیه اسدالله‌مسمی‌بعلی۔ وبزهراء بتول وبام ولدتها۔ وبسبطیه وشبلیه همانجل زکی۔ وبسجاد وبالباقر والصادق‌حقا۔ و بموسی‌وعلی‌ونقی‌ونقی۔وبذی‌العسکر والحجة القائم‌بالحق‌الذی۔یضرب بالسیف بحکم ازلی ـوعلیهم صلواتی وسلامی ماألف ـ بنهار ولیال وغداة وعشی .

بردیوار جنوبی وشرقی دوعکس از مرحوم میرزا علی‌خان امین الدوله و دوعکس از مرحوم میرزا محسن‌خان امین الدوله وقابی چوبین به‌طول ۴۵ و عرض ۳۵ سانتیمتر دیده می‌شود . در این قاب هشت بیت اشعار زیر باخط نستعلیق بسیار خوش درحاشیه‌بندی‌اکلیل ورنگ‌آبی نوشته شده است :

هو الحی الذی لایموت

عدیم المثل علی بن محمد / امین الدوله آن دستور اعظم
بعقل دوربین و طینت پاك / که اندر ذات پاکش بود مدغم
سزاگر خوانمش لقمان گیتی / رواگر گویمش سلمان عالم

ز تأئیدات یزدان خامهٔ او	بحلّ مشکلات دهر ملهم
بعهد او بنای ظلم مهدوم	بعصر او اساس عدل محکم
بسالی هفت درلشت نشا ماند	بسجن اندر اسیر محنت وغم
بسن شصت واند آنگاه پیچید	قضا طومار عمر وی چو برهم
وقار از بهر تاریخ وفاتش	بحسرت گفت آه ای صدراعظم

۱۳۲۲

عمارت حکومتی لشتنشاه

رابینو یادی ازعمارت حکومتی لشتنشاه کرده‌است ومی‌نویسد «خرابه‌ها وآثار خندق آن باقی است.»(۱) ازخرابه‌ها و آثار خندق این‌عمارت هیچگونه نشانی برجای نبود ومحل آن‌را نیز نمی‌دانستند.

عمارت‌میرزا علی‌خان امین الدوله

مرحوم میرزا علی خان امین الدوله ، در سالهای آخر عمر خود که در لشتنشاه‌درتبعید به‌سر می‌برد ، عمارتی برای خود ساخته‌است .(۲) عمارت او در باغی بزرگ که اطراف آن خندقی دارد و درختان آزادآن دیدنی است ، تا امروزباقی است . (عکس شمارهٔ ۲۲۱) یك‌دستگاه‌عمارت دیگر نیز دراین باغ دیده می شود .

مسجد جامع
درجورشر لشتنشاه

مسجد جامع جورشر ، بنائی مرتفع است که ازآجر ساخته شده است . طول‌مسجد بیست وعرض آن چهارده متر است . در شرق وغرب مسجد دوغرفهٔ چوبین برای زنان ساخته‌اند . عرض این دوقسمت ٤/٥ متر وطول آن به‌اندازهٔ عرض مسجد یعنی چهارده متر است . طرف شمال مسجد ، درامتداد دوقسمت

(۱) گیلان رابینو ۲۵۱ .   (۲) گیلان رابینو ص۲۵۱. رابینو می‌نویسد که امین‌الدوله درسال ۱۳۲۱قمری دراین عمارت فوت شده‌است . درصورتی که امین‌الدوله ، چنانکه‌سنگ قبر او حاکی است ، در۲۲صفرسال ۱۳۲۲ فوت شده است .

زنانه‌راهروئی‌چوبین به‌عرص ۹۰ سانتیمتراست که جلو آن نردهٔ دستك صراحی است ودوقسمت‌مجزای زنانه‌را به‌یکدیگر متّصل می کند.

سقف مسجد بردوسر نال اصلی‌متکی است. این دو سر نال برچهار ستون چوبین ملند لاچ لنگری قرارداده شده است. ستونها برروی چهارپایهٔ آجری مستطیل شکل به‌طول ۳۸ وعرض ۳۳ سانتیمتر نهاده شده است. بالای ستونها باریکتر ازقسمت‌پائین آنهاست. (عکس شمارهٔ ۲۲۲).

درطرف‌جنوب مسجد، دو ارسی باشیشه‌های رنگین تعبیه‌شده است.

در طرف شمال، دو ارسی با شیشه های رنگین و دَرِ ورودی مسجد به ارتفاع ۲/۴۰ وعرض ۱/۸۸ متر است که ازکفش کن وارد صحن مسجد می‌شود.

طرف‌غرب، در ورودی زنانه است ویك پنجرهٔ کوچك نورگیر دارد.

درغرفهٔ زنانه درطرف شرقی دوارسی باشیشه‌های رنگین زیباست. ودر طرف‌غربی یك‌در ورودی‌ویك‌پنجره است.

درطرف‌شمال درراهروی چوبین میان‌دوقسمت زنانه،دو ارسی‌باشیشه‌های رنگین ویك‌پنجره ویك‌در ورودی به گلدسته است. طرف جنوب قسمت شرقی بالاخانهٔ زنانه یك ارسی با شیشه‌های رنگین ودرطرف جنوب قسمت غربی آن یك پنجره تعبیه شده است.

محراب مسجد سفیدکاری ساده ومنبرچوبین وساده‌ای‌کنارمحراب است. سنگ مرمری برطرف‌چپ محراب به‌طول ۷۵ وعرض ۲۴ سانتیمتر بردیوار نصب شده است. این‌اشعار باخط نستعلیق برآن‌حك شده است:

خسرو دوران محمد خان که عدل و داد وی
اهل عالم را بسوی درگه حق رهنماست

میر اسمعیل عالیشان والا مرتبت
آنکه جدّ امجدش خلق دو کون را پیشواست

بر امید قصر مافیها عیون جاریه
کان نکو مسکن مقام عشرت اهل وفاست

ساخت این فرخنده مسجد را بدین نوعی که هست
بالحقیقت منتخب طرحی وعجایب دلگشاست

ای عزیزان با ادب گام اندرین مأوا نهید
زانکه این دلکش بنا منظور الطاف خداست

بهر تاریخ بنایش اسف (کذا)[1] ازروی یقین
گفت الحق معبد ارباب دین مصطفست[2]

(عکس شمارهٔ ۲۲۳) ۱۲۰۶

شانزده عددکاشی به‌ابعاد ۵۱×۲۵ سانتیمتر باخط خوش نستعلیق درشرح و تاریخ تعمیر مسجد، بالای‌سردر ورودی بوده است که در تعمیرات بعدی آنها را جمع کرده بوده‌اند، اخیراً قصد دارند، دوباره آنهارا به‌جای خودنصب کنند. بریکی از آنها این تاریخ دیده شد.

هزارو سیصدو هجده زهجرت نبویست.

برسردرورودی حیاط مسجد (عکس شماره ۲۲٤) کتیبه‌ای سنگی‌است که اشعار زیررا باخط خوش نستعلیق برآن حك‌کرده‌اند:

من یکن فی‌الحد اجری فهو بالسعد قرین
یعبد الله تعالی شأنه فی کل حین

و متی یملك من دنیا ولی المسلمین
و جری من فیض جوده ابحرللوافدین

و غدا یعمر بیتا لآله العالمین
انت یاذ المجدار ّخ ذلك القول المتین

زد بهاعدة ابواب الجنان اجمعین
مسجداً اسس للتقوی بـاعمار الامین

۱۳۱۸

(۱) شاید: آصف. (۲) ماده تاریخ باتاریخی که بارقم زیر آن نوشته شده‌است یك‌سال اختلاف دارد یعنی ماده تاریخ معادل ۱۲۰۵ هجری قمری می‌شود.

چنانکه از کتیبهٔ کاشی نیز پیداست، مسجد وسر در آن درسال ۱۳۱۸ هجری قمری مرمّت شده است .

بقعهٔ آقاسید عبدالله بن موسی الکاظم علیه السلام در بالاجورشر لشتنشاه

بنای اصلی بقعه به‌طول ۷ و عرض ۳/٤۰ متر است . در ورودی آن، طرف جنوب است. پنجره‌ای نورگیر طرف شرق است، درطرف غرب، دری است که ازصحن به‌مسجد می‌رود. ضریحی چوبین مشبك به‌طول ۲۲۰ وعرض ۱۰۰ وارتفاع ۱۲۵ سانتیمتر مرقد را پوشانده است. طاق ضریح نیز مشبّك ومسطح است،سقف بقعه لمبه کوبی بادرزپوش خطدار است، مسجد درغرب بقعه ومتصل به آن است. طول آن ۱۳/۵ وعرض آن ٤/۵۰ متر است.طرف شمال مسجد، پانزده لنگه‌ارسی قدیمی‌است. طرف غرب، اطاق کوچکی، برای آبدارخانه است.سقف‌لمبه کوبی است . عرض درزپوشها، به‌اندازهٔ عرض یك لمبه است. (عکس شمارهٔ ۲۲۵)

بقعهٔ میرشاه محمود بن امام موسی الکاظم در دهکدهٔ شیخان گفشه لشتنشاه

بنای اصلی بقعه به طول ٤/۵۰ و عرض ۳/۷۵ متر است . ضریحی چوبین مشبّك دروسط اطاق به‌طول ۲۸۵ و عرض ۱۹۵ و ارتفاع ۱۷۰ سانتیمتر ، باطاقی مشبك ومسطح، مرقد را پوشانده است . در ورودی درایوان شمالی است و بالای آن خفنگی نورگیر مشبّك است. پنجره هائی مشبّك چوبین نیزدرسایردیوار-های بنا دیده می‌شود .

برصندوق مزار کتیبه‌ای باخطی بد میان نسخ ونستعلیق این‌عبارات حك شده است «نادعلیاً مظهر العجایب یاسر خفی یانور جلی ادرکنی عمل استاد علی اصغر من شهور سنهٔ ۱۲٤۰» سقف بقعه واشان کشی و پل کوبی با درز پوش زده است .

در ورودی بقعه دو لتی است ، هر لنگهٔ آن به طول ۱۶۵ و عرض ٤۷ سانتیمتر است . این عبارت در تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت‌راست خوانده‌می‌شود :

الله مفتح الابواب الله ولیّاً لتوفیق .

بیت زیربر تنکهٔبالای لنگه سمت‌چپ حك‌شده است :

هر کسی کو بادب دست برین در ننهد

بیشك از پای درافتد بیقین سر بنهد (عکس شمارهٔ ٢٢٦)

چهارطرف بقعه، ایوانهائی به‌عرضهای مختلف‌است درایوان‌شمالی‌شش ستون چوبین است که دو عدد از آنها لاچ لنگری است . سه ایوان دیگر ستونهای چوبین ساده دارد . چوب علم ، لاچ لنگری و جای آن در ایوان شرقی است . مراسم علم بندی دراین بقعه ، اول‌محرم و مراسم علم واچینی‌عصر بیست وهشتم‌صفر برپا می‌شود.

مسجدقدیمی، با نه لنگه ارسی ویك در ورودی نزدیك بنای‌بقعه است .

درخت‌آزاد کهنسالی درمحوطهٔمیان مسجد وبقعه است .

بقعهٔآقا سید محمد یمنی بن امام موسی الکاظم
دردهکدهٔ لیچای (١)لشتنشاه

بنای اصلی بقعه اطاقی‌است به‌ابعاد ٥/٢٠ متر. ضریحی چوبین مشبك به طول ٢٠٠ عرض ١٠٨ وارتفاع ١١٠ سانتیمتر ، باطاقی به‌شکل منشور مستطیل القاعدهٔ ناقص ، دروسط بناست . سه‌در ورودی، درجهات شرقی وغربی وجنوبی بناست. بالای‌آنها خفنگهای مشبك نورگیر است. سقف بنا لمبه کوبی وبام‌آن حلب‌سر است .

برقسمت بالای سطوح داخلی دیوار ، اشعری از هفت بند محتشم ودر سایر قسمتهای دیوار ، عبارات زیر پراکنده وبی‌نظم بارنگ و روغن نوشته شده است .

انا مدینة العلم وعلی بابها ـ یا باعبدالله اغثنی ـ اللهم صلّ‌علی محمد و آل محمد ـ الحق مع علی وعلی مع الحق ـ در مدیحش مدایح مطلق ـ زهق الباطل است وجاء الحق ـ انا فتحنا لك فتحناً مبیناً ـ یا امیرالمؤمنین علی ـ

(١) بکسر لام .

عمل مشهدی آقاجان ولدمرحوم استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی ۱۳۴۴ .

چهارطرف بقعه ، ایوانهائی به‌عرضهای متفاوت است . داخل ایوانها، بر سطوح خارجی دیوارهای بقعه، صحنه‌های زیر نقاشی‌شده است :

صحنهٔ جنگ کربلا ـ لیلی وعلی‌اکبر ـ گهوارهٔ علی‌اصغر ـ اجسادشهدا سرحسین بن علی ـ پل‌صراط ـ حضرت‌قاسم ـ حکیم‌بن طفیل ملعون ـ نامه‌آوردن عرب واتمام حجت به‌حسین‌بن علی ـ معراج رفتن پیغمبر ـ ابوالفضل العباس.

بر پایه‌های جلو ایوانهانیز صحنه‌هائی دیده می‌شود. هرپایه‌را کسی بانی شده و اجرت نقاش‌را داده است . بریکی از آنها عبارت زیردیده می‌شود : بانی کربلائی ابراهیم ولدعلی‌لیچائی. (عکس‌شمارهٔ ۲۲۷)

بقعهٔ آقا سید امیر کیا
درده‌کدهٔ ولم لشتنشاه

دراطاقی به طول ۴/۶۰ وعرض ۳/۴۰ متر که سه در ورودی جنوبی و شرقی وغربی دارد، صندوقی تخته‌ایست به‌طول آن ۱۹۰ وعرض ۱۰۵ وارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر . ایوانهائی درچهارطرف بناست که‌جلوهرایوان، چهارپایهٔ آجری‌است ومیان‌هردوپایه ، ستونی‌چوبین چهارسوست . لبهٔ‌پائین ایوانها ، تکائل‌دارد . سقف ایوانها و بقعه ، لمبه کوبی وبام‌آنها سفال‌سر است : (عکس شمارهٔ ۲۲۸) در ورودی شرقی بقعه، دولتی است. برتنکهٔ‌بالای لنگه‌های‌چپ وراست این‌مطالب حك شده است :

الله مفتّح الابواب‌الجنّة والرضوان ـ عمل احمدبن ابراهیم کوکه‌عاقبت بخیرباد محمود زرگر .

برتنکهٔ پائین لنگه‌های چپ وراست این‌عبارات‌خوانده می‌شود:

هذا المرقد المنور مشهدخواجه جانبازبن شرف‌الدوله فی‌ذی‌الحجه‌سنة سبع وعشرین وثمانمائه .

برتنکهٔ وسط کنده‌کاری گل وبته‌های ظریف وپرکار دیده می‌شود .

احتمال‌دارداین‌خواجه جانباز ، برادر کوچك امیره‌جهان‌بن امیره‌شرف‌

الدوله و نوهٔ امیره‌پهلوان ناصروند باشد که از امیران لاهیجان بوده‌اند . امیره شرف‌الدوله، دختر سالوك اسمعیل وندرا به‌زنی‌داشت. این زن‌تا جائی که‌می‌دانیم پسری به‌نام امیره جهن و دختری به‌نام تی‌تی‌طاوس بزاد. این‌دختر همسر امیره نوپ‌شاه‌بن امیره محمدبن امیره‌پهلوان شد. امیره شرف‌الدوله سلطنت لاهیجان را به‌پسرش ـ امیره‌جهان ـ داد و خود به‌عزم زیارت کعبه تا تبریز رفت و آنجا بیمارشد وبازگشت ودرلاهیجان بمرد . سال‌مرگ اورا درست نمی‌دانیم . سید ظهیرالدین این‌وقایع‌را درفواصل سالهای ۷۶۳ و۷۵۶ذکر کرده است. اگر فوت امیره شرف‌الدوله‌را درسال۷۶۶ ودراین سال‌خواجه جانبازرا بیست‌ساله‌بدانیم، درسال۸۲۷ که سال‌فوت اوست، هشتاد و یك‌سال داشته است وچنین‌امری متحمل الوقوع است . والعلم عندالله.

عجیب اینجاست، باآنکه بردر این‌بنا با خط‌جلی‌نوشته‌اند که قبرخواجه جانبازبن شرف الدوله دراینجاست ، مردم این مزاررا مرقد سید امیر کیائی می دانند .

بقعهٔ آقا سید مهدی بن آقاسید محمد رضا بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ استلك (ـ سلك) (۱) لشتنشاه

بنای اصلی‌بقعه اطاقی است به‌طول ۴/۸۰ وعرض۳/۶۰ متر که به‌مسجدی متصل‌است.سه‌در ورودی درسه‌جهت جنوب وشرق وشمال دارد . رفها وطاقچه های متعدد درسطوح دیوارهای داخلی بناست . صندوقی‌چوبین دروسط است که اطراف آن‌ضریحی مشبّك‌چوبین به‌طول۲۱۵ و عرض ۱۱۸ وارتفاع ۱۵۰سانتی‌متر ساخته‌اند . بالای ضریح مشبّك و گهواره ایست .

سقف بقعه واشان کشی وازرو پل کوبی بادرز پوش زده است. در شمالی بقعه به راهروئی باز می شود که با چند پله به پاگرد راهرو می رسد.مقابل

(۱) استلك بکسر الف وفتح ت و لام وسلك بفتح سین ولام هردوبه‌معنی استخر کوچك‌است.

پلکان و راهرو ، اطاقی برای عزبا ساخته‌اند در شمال این راهرو ، در ورودی مسجد است . طول مسجد ۹ متر وعرض آن ۵/۵۰ متراست . طرف شرقی مسجد، شش‌لنگه ارسی قدیمی است . درجهات دیگرمسجد ، طاقچه‌ها ورفهای متعدد است . سقف‌مسجد واشان کشی ولمبه‌کوبی است.

زیر مسجد محلهائی برای آبدارخانه و انبار است . (عکس‌شمارهٔ ۲۲۹) علمی‌قدیمی وظریف وپرکار وعجیب دراین‌بقعه بود . (عکس‌شمارهٔ ۲۳۰)

خرابه‌های بلوچ واژدها وچپك

خرابه‌های بلوچ واژدها نزدیك به امیلدان ودرشمال این‌دهکده است ، خرابه‌های‌چپك درجنوب‌همین دهکده‌است. (۱)

بقعهٔ آقا سید محمد سمرقندی
در بالا محلهٔ گفشهٔ لشتنشاه(۲)

دراطاقی به ابعاد ۳/۸۰متر ، صندوقی مشبّك به‌طول ۱۹۵ وعرض ۱۳۰ و ارتفاع ۱۴۰ سانتیمتر ، مرقد را پوشانده است . در ورودی بقعه قبلی است و از ایوان وارد بقعه می‌شود . بالای سطوح دیوارهای داخلی ، ابیاتی از هفت‌بند محتشم وزیر آنها گلهائی نقاشی‌شده است دوپنجرهٔمشبّك درشرق وغرب‌بقعه است. سقف‌بقعه واشان کشی وپل کوبی ، بادرزپوش زده است . چهارطرف بقعه ، ایوانهائی باعرضهای‌مختلف است. جلو ایوانها ستونهای چهارسوی ساده است . برسطوح‌خارجی دیوار بقعه،نقاشیهائی بوده‌است که فعلا روی‌در خرابی دارد . سقف‌ایوانها، واشن کشی وبام‌سراسر بنا حلب‌سر است

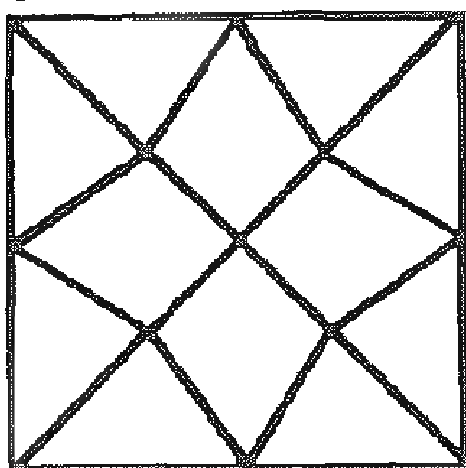
بقعهٔ آقاسید علی کیا بن موسی الکاظم علیه‌السلام(۳)
در دهکدهٔ اژدها بلوچ لشتنشاه

بنای اصلی‌بقعه هشت‌ضلعی وطول هرضلع آن دومتراست . دو در ورودی

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۵۴ . (۲) رابینو محل بقعه‌را در محلهٔ شیخان گفشه می‌داند (گیلان رابینو ص ۲۵۵) (۳) رابینو محل بقعه‌را در دهکدهٔ «ازدهالو» نوشته ومدفون را به‌نام‌آقاسیدعلی یاد می‌کند واورا ازخاندان کیا نمی‌داند. (گیلان رابینو ص ۲۵۵)

باخفنگی بالای هر یك، در دوضلــع قبلی وشمالی است ودو پنجرهٔ نور گیر در اضلاع شرقی وغربی است. درچهارضلع دیگر که یکی درمیان، بین این اضلاع



(شکل شمارهٔ ٤)

قرار می گیرند ، صفه ای پنج ضلعی باطاقی مدوّر است . (عکس شمارهٔ ۲۳۱) صندوقی چوبین دروسط و ضریحی مشبّك چوبین به طول ۲٤۰ وعرض ۱۸۵ وارتفاع صدسانتیمتر صندوق را احاطه کرده است . (عکس شمارهٔ ۲۳۲) بالای ضریح، گهواره‌ای ومشبّك است که درشکل شمارهٔ ٤ نشان داده شده است . سقف بنارا به‌طرح هشت‌ضلعی لمبه‌کوبی کرده‌اند وازوسط سقف بالای ضریح گنبد مانندی درآورده اند .

بنا ازخارج چهار ضلعی است وچهارطرف آن ایوان است . ایوانها به‌طول ۱۰/۳۰ وعرض دومتر است . هر ایوان ده ستون چهارسو باسرستونهای قدیمی دارد . لبهٔ پائین ایوانها تکائل است . ازارهٔ ایوانها و ازارهٔ داخل بقعه ، کاشیهای رنگین به طول ۳۲ و عرض ٢٤ سانتیمتر است که نقش دو پرنده و گل و بته بر آنهاست . (عکس شمارهٔ ۲۳۳)

بالا وپائین کاشیها، قرنیسی به عرض ده سانتیمتر نصب است . بر یکی از آنها این جمله دیده‌می‌شود : رقم مشهدی‌محمد نقاش ولدحاجی‌یوسف ۱۳۲۰ . بام بقعه وایوانها سابقاً سفال‌سر بوده است، اخیراً حلب‌سر کرده بودند. لبهٔ بام سابقاً دوپشته بود، بعدازحلب کوبی، سه پشته شده‌است.

عَلمی قدیمی وظریف وپر کاروعجیب که‌طرفین آن‌دو اژدها داشت‌وقسمت وسط آن نا می‌شد دراین بقعه دیده شد . (عکس شمارهٔ ۲۳٤ و ۲۳۵) .

سنگ‌مرمری به‌طول ۳۰ وعرض ۲۵ سانتیمتر دراین بقعهٔ دیده‌شد که این عبارات بر آن حك‌شده بود:

وفات مرحوم میر عبدالرحیم بن عالیشأن آقا میر محمد تقی ۱۲۳۰ .
نشانها : دو پرنده و یك سرو .

بقعهٔ سید حمزه
در تاچای (= توچا) لشتنشاه

بنای اصلی بقعه به ابعاد ۵/۲۵ × ۵/۴۰ متر و ضریحی مشبّك چوبین به طول ۲۱۳ و عرض ۱۴۲ و ارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر که بالای آن منشور مستطیل القاعدهٔ ناقص است در وسط بناست . سه در، در جهات جنوب و شرق و غرب دارد. بالای هر یك از درهای شرقی و غربی خفنگی تعبیه شده است. چهارطرف بنا ، ایوان است . ایوان شرقی نه ستون دارد که دو عدد وسط آنها لاج لنگری مارپیچ و لاج لنگری شکسته است . یکی از این ستونها ، رنگین است . در میان ستونهای سمت جنوب نیز دو ستون لاج لنگری است که یکی از آنها رنگین است. لبه های پائین ایوانها، تکائل دارد. سقف لمبه کوبی و بام حلب سر است. رابینو نیز ازاین بقعه یاد کرده است. (۱)

بقعهٔ سید صالح بن امام موسی الکاظم
در دهکدهٔ خشك رود لشتنشاه

بنای اصلی بقعه به طول ۴/۳۰ و عرض ۳/۸۰ متر که صندوقی چوبین در وسط بناست و ضریحی چوبین مشبّك با نگارهای لوزی شکل صندوق را احاطه کرده است. طاق ضریح گهواره ای و مشبّك است. در ورودی جنوبی است و طرف شرق یك پنجرهٔ مشبك و طرف غرب پنجره ای کوچك نور گیر دارد. چهار طرف بنا، ایوان، باستونهای ساده چهارسوست . لبهٔ پائین ایوانها تکائل دارد. لبهٔ بام یك پشته وایوانها و بقعه سفال سر است . رابینو از بقعه ای به نام آقا سید حسن در دهکدهٔ خشك رود یاد می کند در محل تحقیق شد چنین بقعه ای وجود نداشت. (۲)

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۵۶ . (۲) گیلان رابینو ص ۲۵۵ .

باقی بناها و آثار تاریخی بخش لشتنشاه

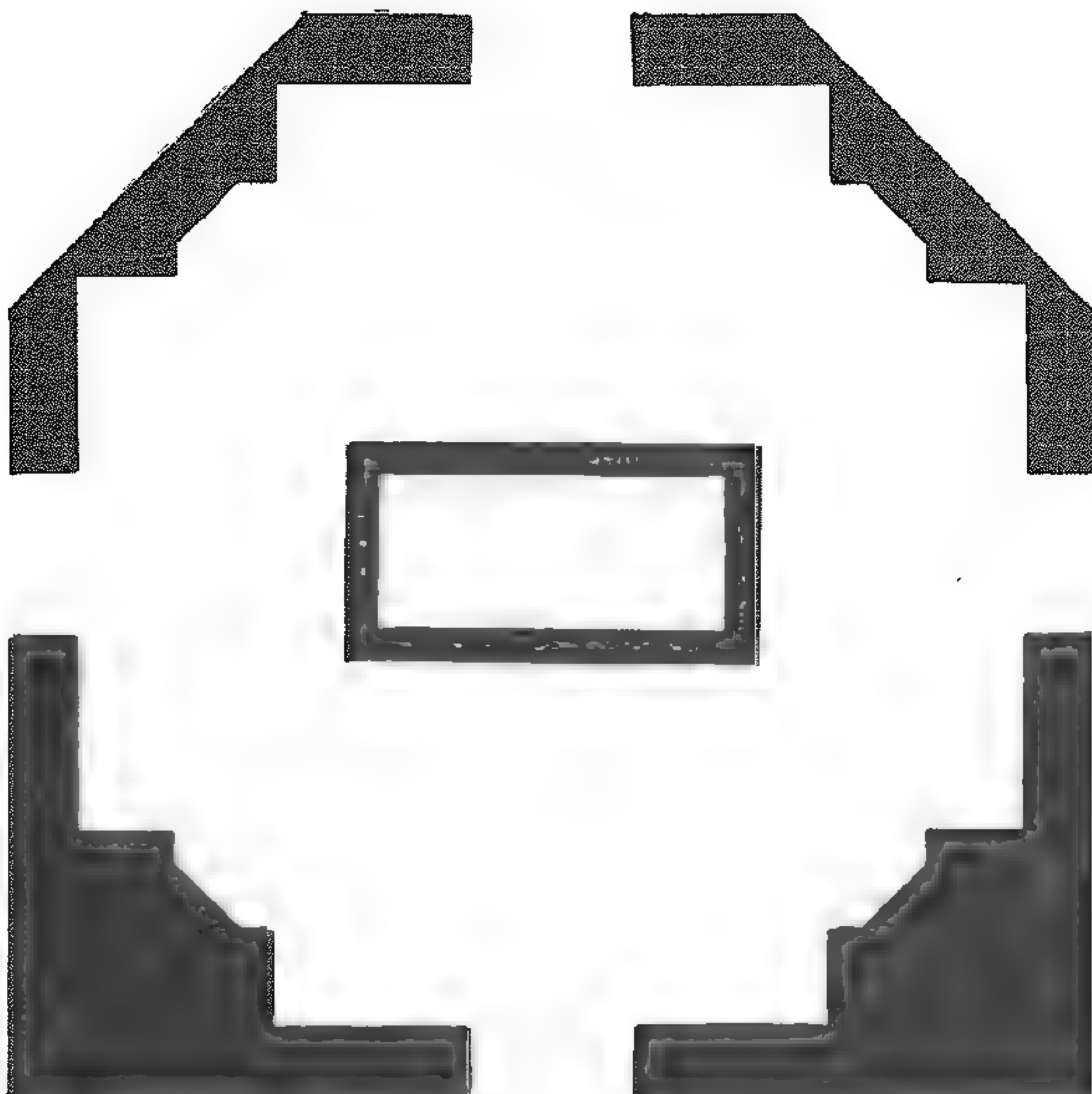
۱ ـ بقعهٔ آقا پیر ملاحاجی و سید محمدبن زین‌العابدین حسینی تنکابنی دردهکدهٔ نوده لشتنشاه .

۲ ـ بقعهٔ لاله‌گفشه در دهکدهٔ لاله‌گفشهٔ لشتنشاه . درحیاط بقعه درخت آزادی کهنسال بود که‌محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۶/۵ متر بود.

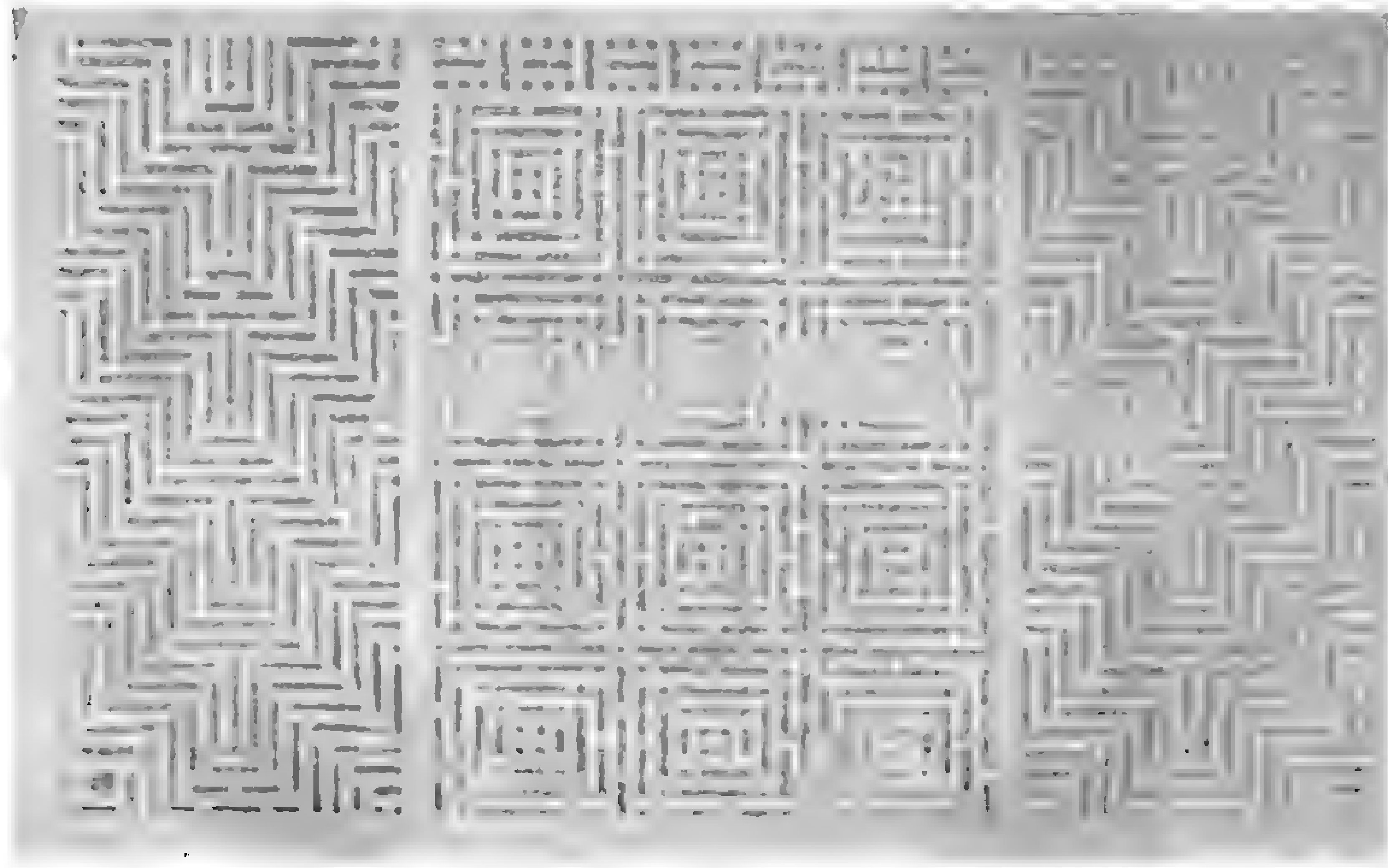
۳ ـ بقعهٔ آقا شیخ‌سلیمان در دهکدهٔ‌لاشای‌لشتنشاه .

۴ ـ بقعهٔ آقا سید حسن در بالا محلهٔ جور شر لشتنشاه (گیلان رابینو ص ۲۵۱) .

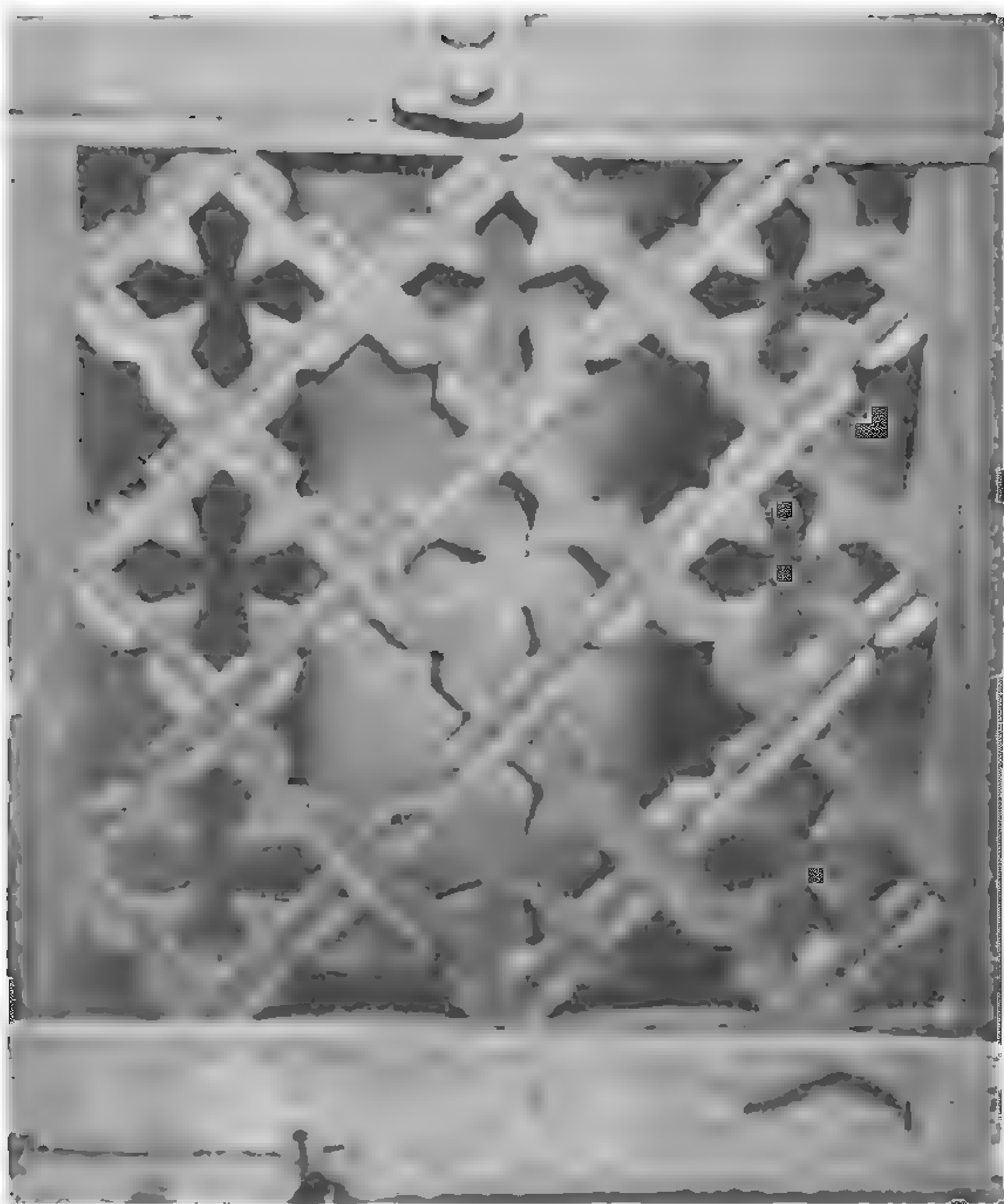




عکس شمارهٔ ۲۱۶ـ کروکی بنای بقعهٔ آقاسید محمدرضا در دهکدهٔ جورشر لشتنشاه



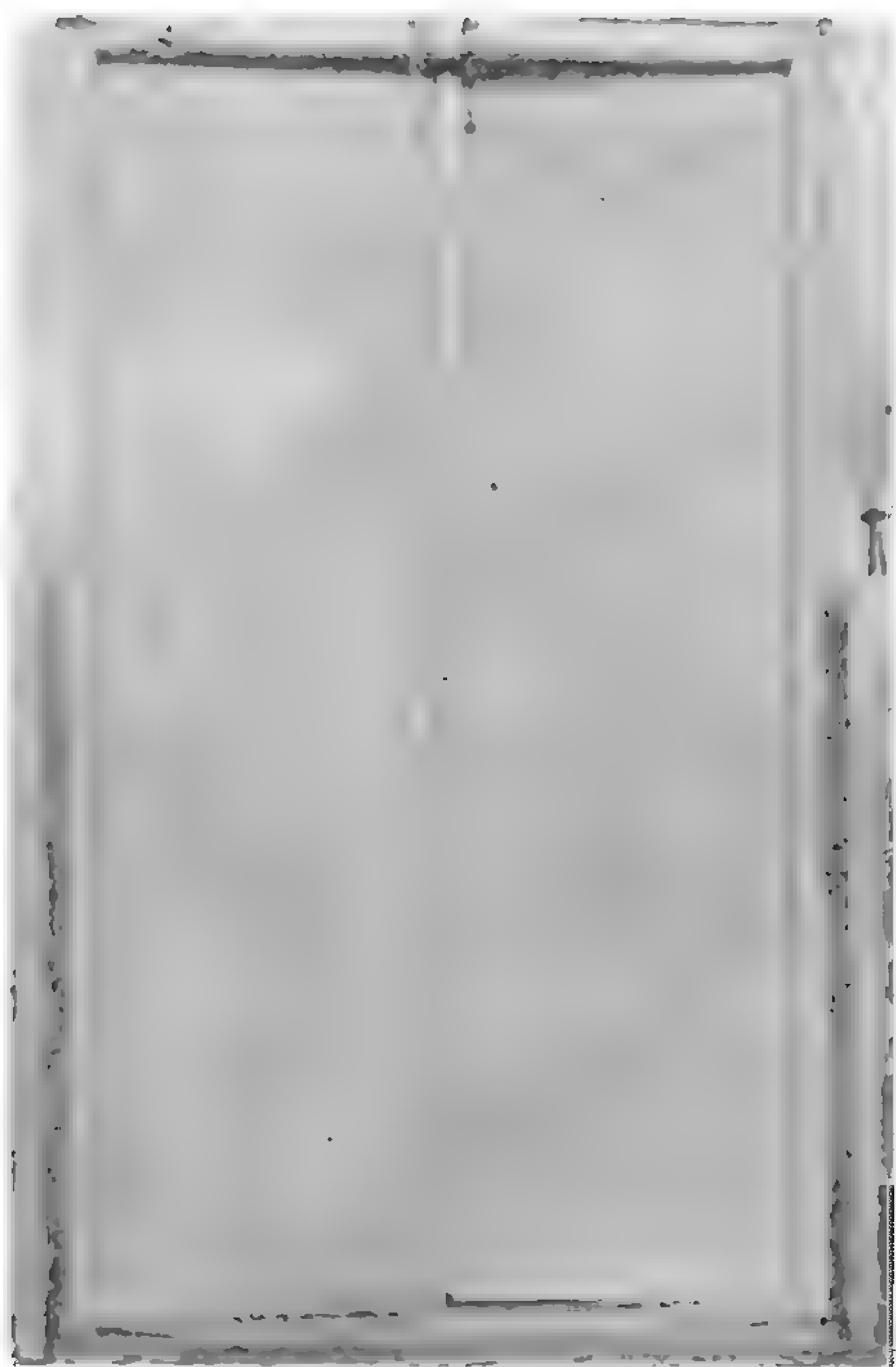
عکس شمارهٔ ۲۱۷– قسمتی از ضریح بقعهٔ آقا سیدمحمدرضا در دهکدهٔ جور شرلشتنشاه



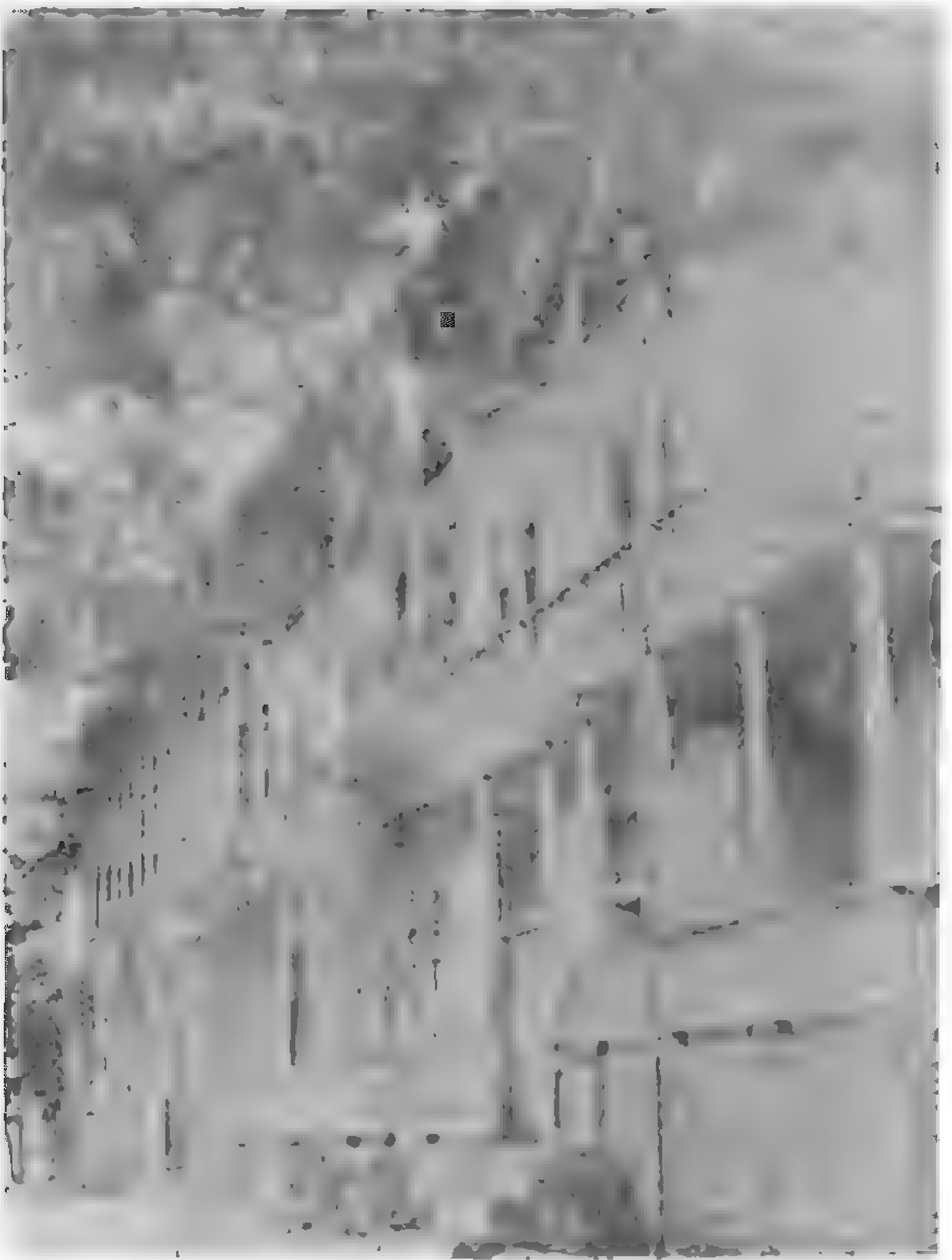
عکس شمارهٔ ۲۱۸ـ مشبک‌کاری در کوچک ضریح آقا سید محمدرضا در دهکدهٔ جورشر لشتنشاء



عکس شمارهٔ ۲۱۹ــ بقعهٔ آقا سیدمحمدرضا در دهکدهٔ جورشر لشتنشاه که سابقاً معروف به شالی‌مزار بوده است.



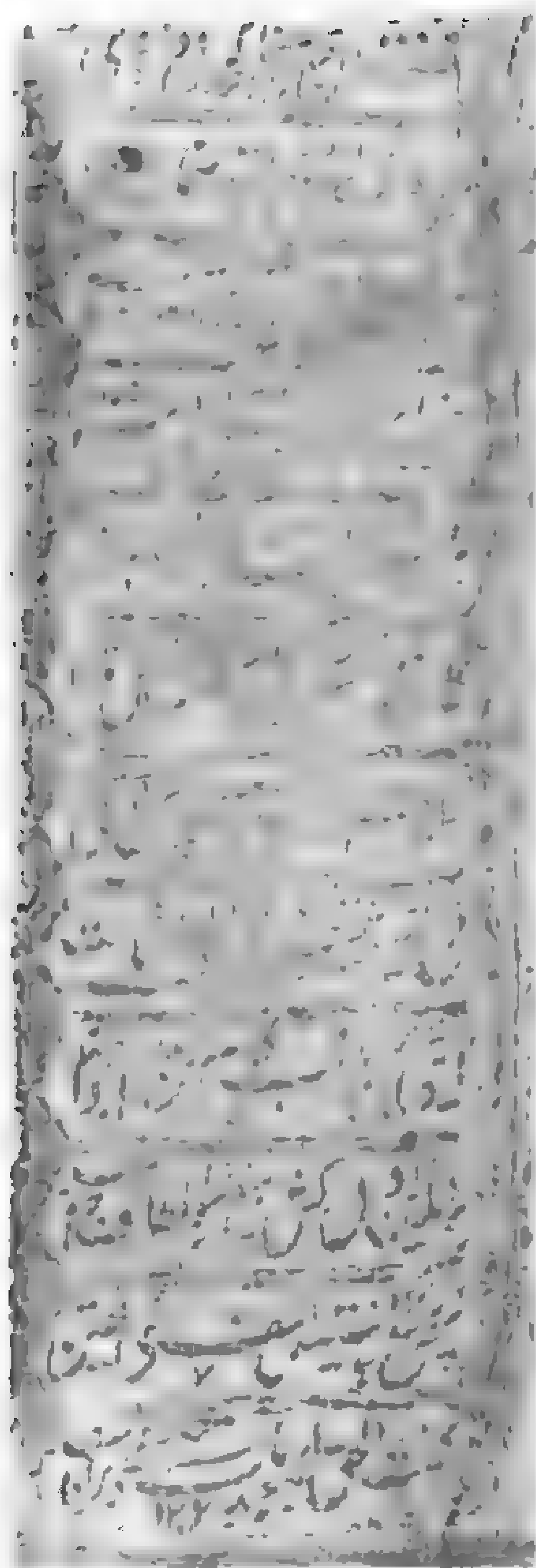
عکس شمارهٔ ۲۲۰ – در ورودی بقعهٔ آقا سید محمدرضا در دهکدهٔ جورشر لشتنشاء.



عکس شمارهٔ ۲۲۱ ـ خانهٔ میرزا علی‌خان امین‌الدوله در جورشر اشتنشاه که فعلاً در دست بازماندگان اوست.



عکس شمارهٔ ۲۲۲ - ستونهای چوبین و قسمت داخلی مسجد جامع حورشر لشتنشاه .



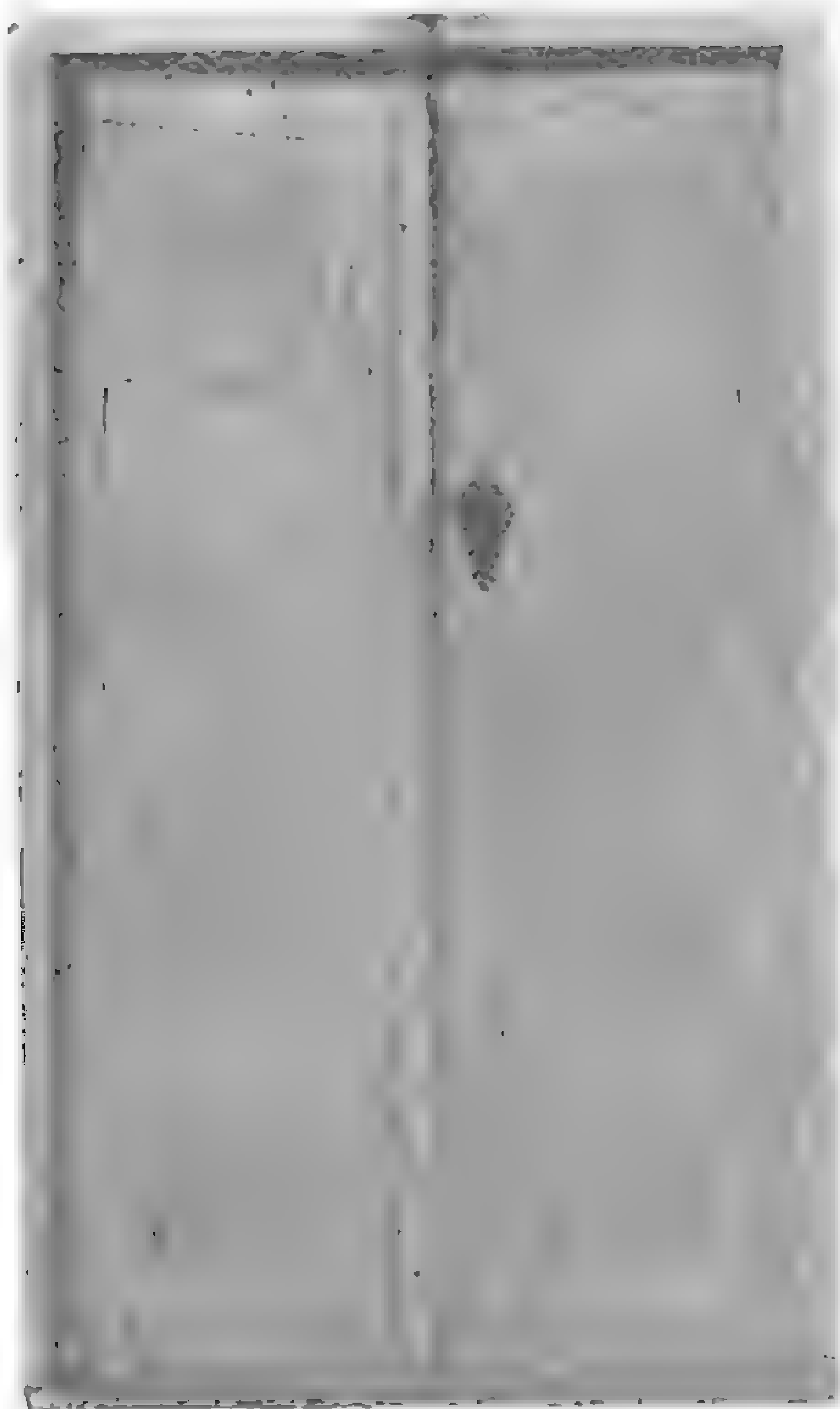
عکس شمارهٔ ۲۲۳ـ کتیبه‌ای برسنگ درطرف چپ محراب مسجد جامع جورشر لشتنشاه .



۲۲٤ـ سردر ورودی مسجد جامع جورشر اشتشاه .



عکس شمارهٔ ۲۲۵ ـ بقعهٔ آقا سیدعبدالله در بالاجورشر لشتنشاه .



عکس شمارهٔ ۲۲۶ - درورودی بقعهٔ میرشاه‌محمود در شیخان گفشهٔ لشتنشاء.



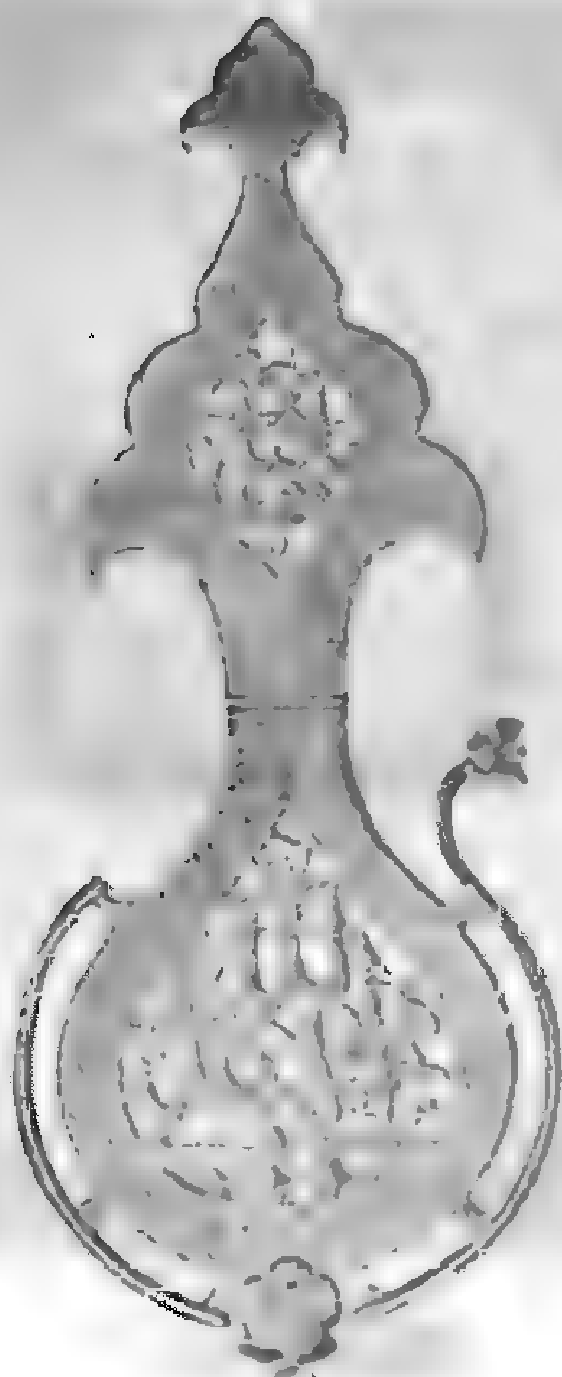
عکس شمارهٔ ۲۲۷ ــ بقعهٔ آقا سیدمحمد یمنی بن امام موسی‌الکاظم در دهکدهٔ لیچای لشتنشاء .



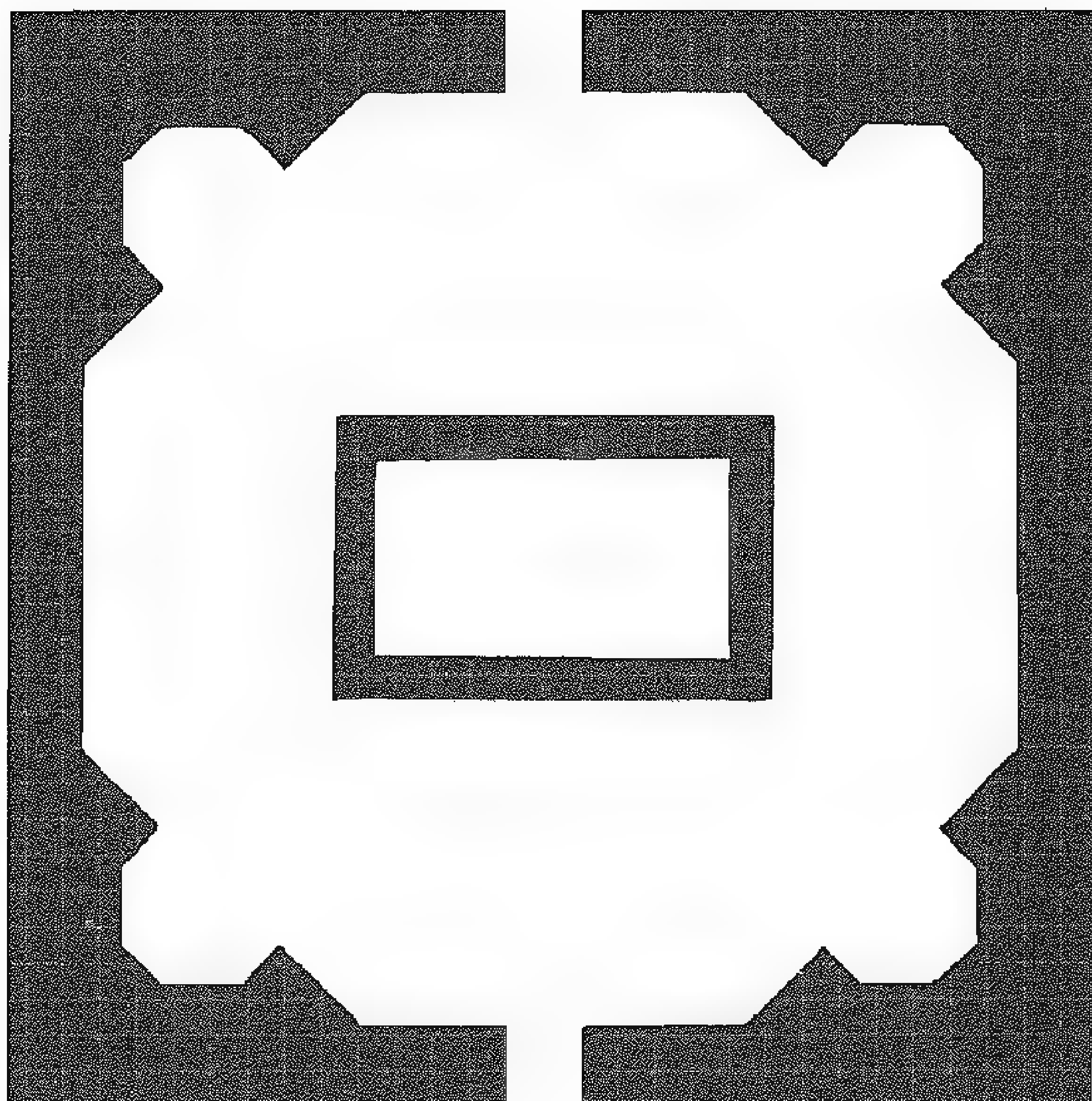
عکس شمارهٔ ۲۲۸ ـ بقعهٔ آقاسید امیر کیادر دهکدهٔ ولم لشتنشاء .



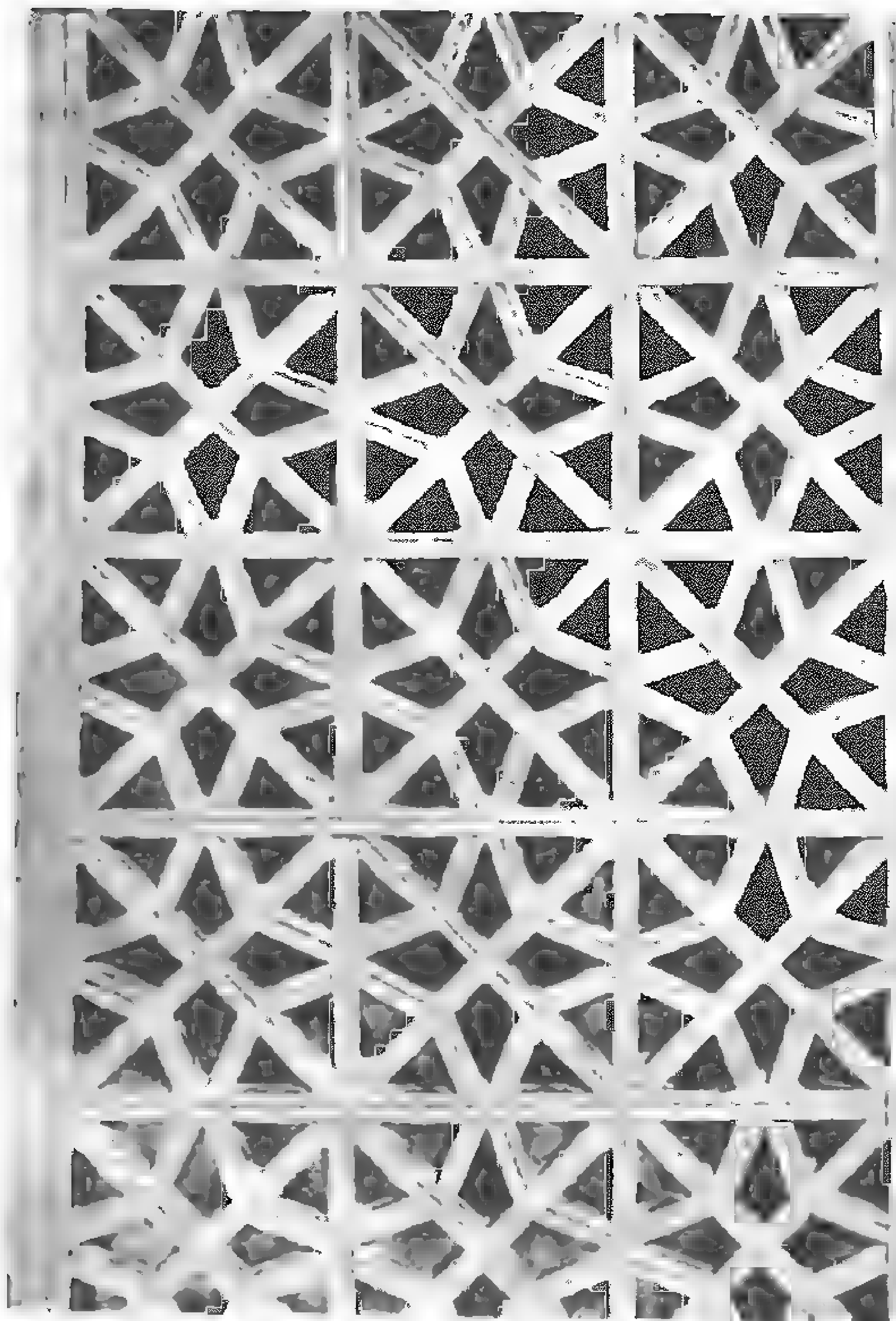
عکس شمارهٔ ۲۲۹ ـ مسجد و بقعهٔ آقاسیدمهدی در استلک (= سلک) لشتنشاء :



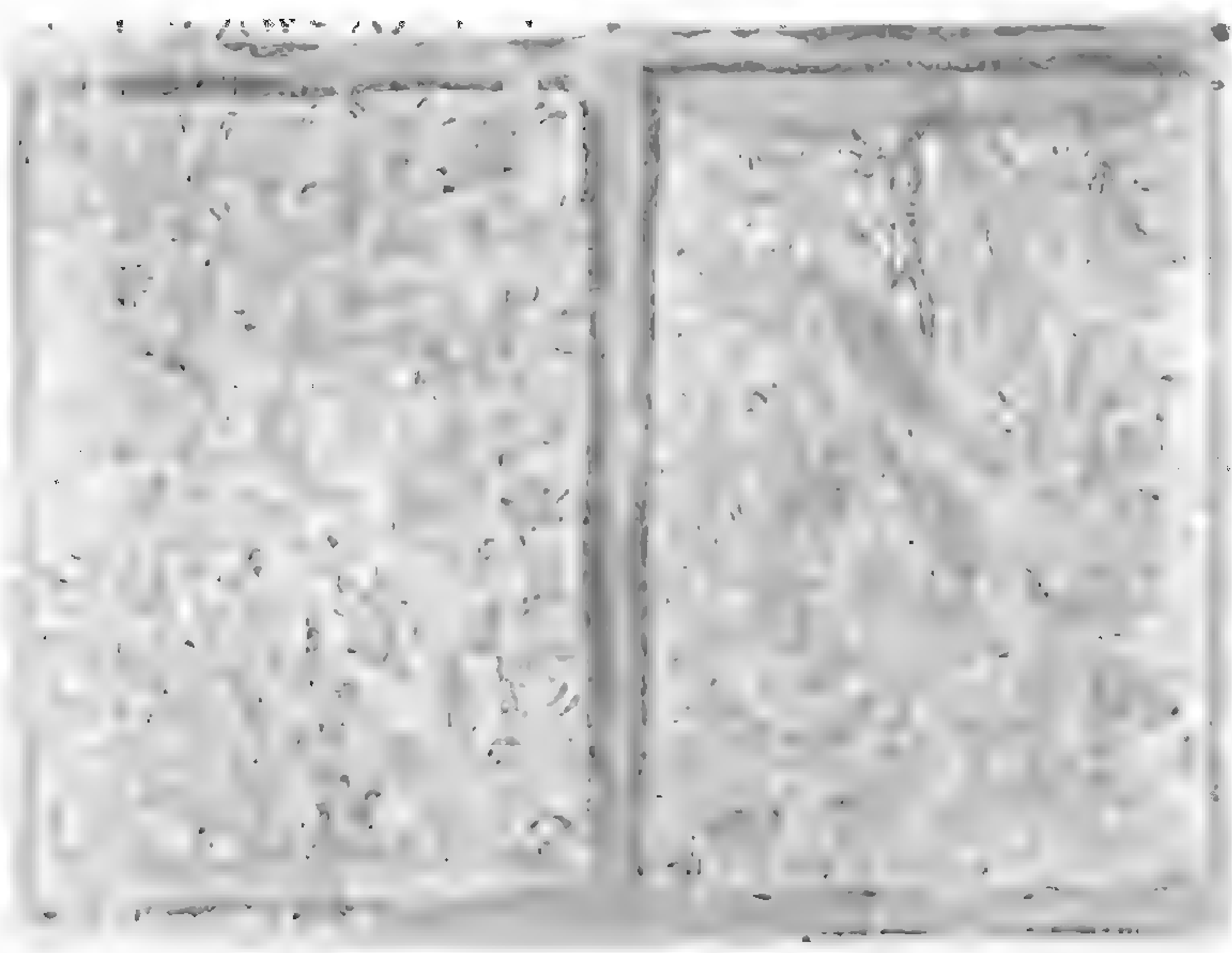
عکس شمارهٔ ۲۳۰ ـ علم بقعهٔ آقا سیدمهدی در استلک (= سلک) لشتنشاء .



عکس شمارهٔ ۲۳۱ ـ کروکی بقعهٔ آقا سیدعلی کیا در دهکدهٔ اژدها بلوچ لشتنشاه .



عکس شمارهٔ ۲۳۲ ـ ضریح مشبک بقعهٔ آقاسیدعلی کیا در دهکدهٔ اژدها بلوچ لشتنشاه .



عکس شمارهٔ ۲۳۳ – کاشیهای ازارهٔ بقعهٔ سیدعلی کیا در دهکدهٔ اژدها بلوچ لشت‌نشاء .



عکس شمارهٔ ۲۳۴ ـ اژدهای علم بقعهٔ سیدعلی کیا در دهکدهٔ اژدها بلوچ اشتهارد.



عکس شمارهٔ ۲۳۵ قسمت وسط علم بقعهٔ سیدعلی کیا در دهکدهٔ اژدهابلوچ اشکنشاه.

هنگام فرودین که رساند زما درود
بر مرغزار دیلم و طرف‌سفید رود؟
«ملک‌الشعرای بهار»

بخش پانزدهم

۱- جغرافیای تاریخی رودبار ورحمت آباد

رودبار یکی از نواحی شمالی قزوین است که معمولاً به نام « خشک رودبار» یا «رودبار محمد زمان خانی» خوانده می‌شود. رودبار مورد بحث به نام «زیتون رودبار» یا «پیلده رودبار» معروف است و شهرستانی است بر کنارهٔ چپ سفید رود که از شمال به کهدم و از غرب به شفت وازجنوب به رودخانهٔ قزل - اوزن و تارم زنجان محدود می‌شود ودیهای رحمت آباددرمشرق آن قرارمی‌گیرد. راه رشت به قزوین ازمیان این شهرستان می‌گذرد. فاصلهٔ منجیل تا سفید کتله که دودهکدهٔ طرفین این شهرستان است پنجاه ودو کیلومتر است. مرکز این شهرستان، شهر رودبار است که درشانزده کیلومتری منجیل، در کناررودخانهٔ سفیدرود ومیان درختان بلند زیتون بنا شده است. تپه‌ها و کوههای کنارسفید رود، ازمنجیل تا امامزاده هاشم به ارتفاع صد و بیست تا سیصد وشصت متر است. آبادیهای این شهرستان روی تپه‌ها و لبه‌های رودخانهٔ سفیدرودساخته‌شده‌اند.

رابینوجمعیت شهرستان‌رودبار رادرسال ۱۳۳۱قمری‌هشتصد خانوار نوشته است و مرکب از سه طایفه می‌داند: ۱- طایفهٔ عمار یاسر که در بیلده رودبار و سرخن ساکنند. ۲- طایفهٔ برامکه که خود راازنسل برمک می‌دانند، دردهکدهٔ کبته نشسته‌اند. ۳- طایفهٔ حاتمی که از نسل عدی‌بن حاتم‌اند. ساکنان این

شهرستان به تاتی و کردی و تالشی سخن می گویند.

رود بار به سه ناحیه تقسیم می‌شده است : ۱ـ رحمت آباد درشمال . ۲ ـ رودبارو پیلده درجنوب.۳ـسید ظهیرالدین در تاریخ گیلان ودیلمستان‌ازناحیهٔ جشیجان که‌نزدیك کوهستان تالش کهدم بوده است ، نام می‌برد . رابینو حدود این ناحیه را نتوانسته است تعیین کند.(۱)

رحمت آباد

رحمت آباد که امروز جزء حوزهٔ رودبار است ، مقابل شهرستان رودبار و دریای کوه دلفك است .نیمی از خاك آن دشت ونیم دیگر کوهستانی استو و از شمال به سفیدرود وسیاهکل ، ازمشرق‌به دیلمان و کوه دلفك ، از جنوب به عمارلو و از مغرب به سفیدرود محدود می‌شود . طول‌آن از جنوب به‌شمال پنجاه وچهار کیلومتر و از شرق به‌غرب هفده کیلومتر است .

هنگامی که کهدم‌ناحیه‌ای‌جداگانه و مستقلو زیر لوای خاندان نوزوند بود، رحمت آباد قسمتی از آن به شمار بود .زمانی که رحمت‌آباد از رودبار کهدم جدا بود ، گاهی‌جزء خاك دیلمان وگاهی جزءحساب لاهجان بود.اواخر سلطنت سلسلهٔ قاجار ،حکومت‌این ناحیه را به‌یکی ازافرادخاندان حاجی‌سمیع دادند .حاکم دررشت زندگی می کرد ودرمحل نایب‌الحکومه‌ای‌داشت .

جمعیت این ناحیه درسال۱۲۷۶ قمری که مکنزی(Mackenzie)به‌حساب آورده است ، پانصد و نود و چهار خانوار بوده‌اند . با سرشماری کمی قبل از زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) جمعیت این ناحیه به هزارو دویست وچهل خانوار رسید . بومیان شیعی مذهبند وزبانشان تاتی است . شاید کردهای ساکن این نحیه راشاه عباس بدین جاکوچانده باشد .

مرکزناحیهٔرحمت‌آباد، دهکدهٔ « کلشتر یا کلشدر(۲)» است که‌دریازده فرسنگی رشت ودو کیلومتری منجیل است . درکتب ملگنوف شرح‌مفصلی در

(۱) گیلان دا بینو ۲۱۰. (۲) بکسر کاف و فتح دال

پارهٔ رودبار دیده می‌شود (۱) .

۴- بناها و آثار تاریخی شهرستان رودبار ورحمت آباد

کاروانسرای پشته با آب انبار و حمام آن
در خاك رستم آباد رود بار

چون کاروانسرا و آب انبار و حمام برپشته‌ای که از زمین اطراف در حدود پنج متر ارتفاع دارد ، بنا شده است ، به نام کاروانسرای پشته شناخته می‌شود. از کاروانسرا که روزی جای آسایش کاروانیان بوده است ، اثری جز چهار دیواری برآمده‌ای برجای نیست .تقریباً تمام آجرهای آن را کنده‌و برده‌اند. کاروانسرا مربع شکل بوده وهریك ازاضلاع آن به چهل متر می رسیده است.

درشمال کاروانسرا، آب انباری است که هنوز سردرو پلکان آن بر جای است و تا پنج سال پیش ازآب آن استفاده می‌شده است . (عکس شمارهٔ ۲۳۶) انبار آن به‌شکل‌مکعب مستطیل و درازای آن از شمال به‌جنوب است‌وهواکشی از طرف شمال باطاقی هلالی دارد .

در شمال غربی کاروانسرا،حمامی است که طول آن از خارج دوازده‌متر وعرض آن هشت متر است . این حمام شامل دهلیز ، سربینه ، گرمخانـه ، دو خزانهٔ آب سردو گرم ، تابخانه ونوره خانه است. بنای اصلی حمام از سنگ و آهك و سردر ورودی آن با آجر چیده شده‌است . طرف شمال شرقی آب‌انبار، انبار مانندی است که طاق آن هلالی است .

آجرهائی که در این بنا به کاررفته است به ابعاد ۲۲ و قطر کمی بیشتر از چهار سانتیمتر است . این بنا قاجاری است واحتمال دارد که از مستحدثات منوچهرخان معتمدالدوله باشد . زیرا کاروانسرای سراوان که در فاصلهٔ یك منزلی اینجاست ، به امر اوبنا شده‌است .

آثار بنائی قدیمی درلشکرگاه
نزدیك دهکده دوگاههٔ رودبار

در شمال دهکدهٔ دوگاهه ، محلی به نام لشکرگاه است که درآنجا آثاری

---

(۱) ملگنوف صفحات ۲۴۵-۲۶۳.

از بنائی قدیمی دیده می‌شود . خچکو (Ghodzeko) درسال ۱۲۵۵ قمری(= ۱۸۳۹میلادی) در حوالی این محل دست به حفاری زده واشیاء زیر راازگورها یافته است :

۱ــ چهار انگشتری سنگی که بریکی از آنها نقش سری بود که‌موهارا به شیوهٔ ساسانیان پیچیده بودند و خط پهلوی نیز بر آن دیده می‌شد . بردومی نقش گاو نری‌بود که سر انسان‌داشت وموهای‌سر او نیز مانندنقش‌انگشتری‌اول بود . برسومی وچهارمی شیری خوابیده بود.

۲ــ جامی زردرنگ مانند آنچه ایرانیان به ترك اسب‌می‌بندند وبا آن آب می‌خورند . بسیاری از باقی مانده‌های اسلحه و اشیاء مسین که بر اثر زنگ‌خوردگی شکل اصلی خود را از دست داده‌بودند.

۳ــ بیل کوچك مسین که‌کارگران می‌گفتند ، قاشق گبرهاست . دانه‌های عقیق به بزرگی وشکل زیتون که دو طرف آن را سوراخ کرده‌بودند.

خچکو خیلی ازگورها را شکافته‌ودیده است که‌پیش‌ازاو به‌خیال گنج‌یابی آنها را کنده بوده‌اند(۱) .

بقعهٔ امامزادگان ابوالحسن وابوالفضل پسران امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ فیلده رودبار.

ابعاد بنای اصلی بقعه که مربع شکل است ، ۳۵۰ سانتیمتر است . چهار کنج طاق‌را باچهار گوشوارپر کرده و طاق‌مدوری براین چهار دیواری‌زده‌اند سه صندوق آلت کاری که داخل آلت‌ها را تخته‌های ظریف و خوش‌تراش کار کرده‌اند برروی این‌سه مزار است. هرسه صندوق‌برپایه‌های کاشی خشتی‌است. طول آنها ۱۴۵ وعرض ۵۸ وارتفاع ۴۳ سانتیمتر است .

پنجرهٔ چوبین مشبك پرکاری به طول ۹۶ و عرض ۶۱ سانتیمتر در ضلع غربی‌بنا برای روشن ساختن بقعه نصب شده است. در بقعه شرقی است و در دو لنگه‌ای قدیم آن را که کنده‌کاری ظریفی داشته،درزمان‌رضاشاه‌به‌موزهٔ ایران باستان در تهران آورده‌اند . رابینو کتیبهٔ این در را چنین نقل کرده است :

---

(۱) تاریخ گیلان خچکو ص۳۳ و ۳۴ وگیلان رابینو حاشیهٔ ص ۲۱۰.

گشاده باد بدولت همیشه این درگاه   بحق اشهد أن لااله الاالله

شکرها کردم که این درگه میسر شدمرا   دیده روشن از سجود خاك آدم شدمرا [۱]

این در ورودی در رواقی باز می‌شود که طول آن یازده متر و عرض آن ۴۱۵ سانتیمتر است. جلو این رواق ایوانی به همان طول و به عرض ۳۲۰ سانتیمتر بنا شده است. (عکس شمارهٔ ۲۳۷) این ایوان دری دارد که در فضای جلو این در چند بن اصله درختان چنار قدیمی و یك اصله درخت زبان گنجشك است. محیط تنهٔ چنار سمت راست در ورودی شمالی شش متر و چنار سمت چپ آن که اطاق مانندی است هشت متر است. چهار اصله چنار دیگر که در این محوطه است کوچکتر از اینهاست.

در رواق بقعه، سمت راست در ورودی سنگی مرمری زرد رنگ به عرض ۳۳ سانتیمتر و طول آنچه که فعلاً از خاك بیرون است، نود سانتیمتر است. این عبارت بر آن دیده می‌شود:

السلطان بن السلطان شاه منصور تغمده‌الله تعالی بغفرانه و اسکنه بحبوحة جنانه ابن عالیجاهی اقبال دستگاهی شاه ملك آقا ارفع‌الله تعالی شانه قد توفی فی‌التاریخ احدی عشرین شهر محرم‌الحرام و تاریخ سال وفاتش در این کلمات مندرج است « صد حیف نماند شاه منصور » [۲]

زیر گل، تنگ دل، ای غنچهٔ خندان چونی

بی تو ما غرقه بخونیم تو بی ما چونی [۳]

سلك جمعیت ما بی تو ز هم بگسسته است

ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی [۴]

مطالب بالا، غیر از ماده تاریخ در حاشیهٔ راست و بالا و چپ سنگ نوشته شده است. ماده تاریخ زیر حاشیهٔ بالاست. بر رویهٔ سنگ در زمینهٔ گل و بته های

---

(۱) سفرنامه مازندران واسترآباد رابینو ص ۷۱. (۲) جمع حروف این مصراع به حساب جمل معادل ۱۰۲۹ است. (۳) این بیت قافیه ندارد. (۴) مطالب بالارا رابینو در سفرنامهٔ مازندران و استرآباد ص ۷۲ با اغلاطی چند واسقاط یکی دو کلمه و جمله نقل کرده است.

اسلیمی نقشهای زیر دیده می‌شود: خنجر ، رحل وقرآنی برآن ، کمر شمشیر و حمایل . یکی دو نقش آن شناخته نشد . (عکس شمارهٔ ۲۳۸)

سنگ مرمر دیگری در سمت چپ در ورودی به دیوار نصب شده است که عرض آن ۳۴ سانتیمتر وطول آنچه که از خاك بیرون است ۹۲ سانتیمتر است. این عبارات برآن حك است :

هذا المرقدالمنور لسلسلةالنجیبةالسلطان العبد بدیع‌الزمان‌میرزاتغمده الله تعالی بغفرانه واسکنه بحبوحة جنته قد توفی فی‌خامس شهر جمادی‌الاولی وتاریخ وفات از این ابیات مستخرج است.

چون بدیع‌الزمان پاك سرشت رفت و این دهر بی ثبات بهشت
سال فوتش ز عقل چون جستم گفت میدانش از سرای بهشت [1]
بلبلی‌خون‌جگرخوردو گلی‌حاصل‌کرد باد غیرت بصدش حال پریشان‌دل‌کرد
طوطئی‌رابهوای شکری دل خوش‌بود ناگهان‌سیل‌فنا نقد عمل‌باطل کرد [2]

تمام مطالب بالا ، غیرازمصراع چهارم دو بیت اول برحاشیهٔ سمت‌راست وبالا وچپ سنگ حك است. مصراع چهارم که ماده تاریخ است ، زیر حاشیهٔ بالا حك شده است. نقشهائی که بر روی این‌سنگ‌است : رحل با قرآنی روی آن ، مشعل ، شمشیر ، یکی دو نقش آن شناخته نشد (عکس شمارهٔ ۲۳۹)

سنگ قبر دیگری از مرمر ، طرف دست چپ در ورودی ونزدیك به در کفش‌کن جنوبی است. عرض آن ۳۸ وطول آنچه که از خاك بیرون است ۱۵۱ سانتیمتر است. این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

تاریخ وفات مرحمت و غفران پناه رضوان دستگاه میرزا رحیم‌خان ولد

---

(۱) حروف «از سرای بهشت» معادل ۹۸۶ است. (۲) این دو بیت در دیوان حافظ به تصحیح مرحوم قزوینی چنین آمده است : بلبلی خون‌دلی‌خورد و گلی حاصل کرد ـ بادغیرت بصدش خار پریشان دل کرد طوطیی‌را به خیال شکری دل خوش بود ـ ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد . مطالب این سنگ را رابینو در سفرنامهٔ مازندران واسترابادص۷۱و۷۲ با اغلاط وانداختن یکی دو جمله نقل کرده است ودر کتاب گیلان خود از این دو سنگ یاد می‌کند . (گیلان رابینو ص ۲۱٤) .

مرحوم میرزا اکبیرخان در روز شنبهٔ بیستم‌شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۰۸۰ ثمانین‌والف حق تعالی از تقصیراتش درگذشته غریق رحمت خویشتن کناد بحق محمدو آله الامجاد. نقشها از پائین به‌بالا: گلدان، خنجر، رحل، دوانگشتر، کمر شمشیر و حمایل.

دوسنگ دردوطرف درورودی ایوان شرقی است. بریکی از آنها فقط عبارت هذاالمرقدالمنور والتربة المعطر خوانده می‌شود باقی نوشته ها زیر گچ است. برسنگ سمت‌راست: وفات‌مرحومه مغفوره کلثوم خانم بنت مرحوم‌میر قاسم ۱۲۵۰. نقشها: دوانگشتر. تسبیح، دلوازه.

رابینو درسفرنامهٔ مازندران واستراباد ازسنگ‌قبردیگری یاد کرده است که امروز دراین بقعه‌نیست‌و بر آن نوشته بوده است:

شاهرخ بیمثال نیک خصال	آن‌بلنداختر حمیده حصال[1]
درهزار و دویست ازهجرت	غرق گردید او بآب زلال[2]

میان‌سنگهای قبورمحوطهٔ امامزاده سنگی تراشیده به شکل بز بوده‌است. نظیراین سنگ نیزدرهیرو آباد خلخال دیده شده است. تا بیست سال پیش این سنگ برجای بود، به خیالی‌که داخل آن گنج است سروتن آن‌راشکستند و ازمیان‌بردند. گویا با آدابی‌که انجام‌می‌داده‌اند،این سنگهارابرای‌امطاربه‌کار می‌برده‌اند.

قرآنهای بقعهٔ فیلده

دوقرآن بزرگ‌خطی‌در بقعهٔ فیلده است. قرآن کوچکتر به عرض ۲۴/۲ وطول ۳۵/۱ وقطراوراق آن ۱۵ سانتیمتراست. سرلوحه ویکی دوصفحهٔ اول آن افتاده‌است. سرسوره‌ها وسرآیات وسراحزاب آن درحاشیه تمام مطلاست سرسوره‌هاتمام مجدول وسرآیات وسراحزاب تمام گل وبته‌ایست که‌درآن آب‌ـ

۱ـ این بیت قافیه ندارد. ۲ـ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینوص ۷۱.

طلاکار کرده‌اند . سراسر قرآن به خط ثلث خوش نوشته شده و زیر هر کلمه با فارسی بسیار کهن معنی شده است . ازجلد قدیمی آن اثری نیست اخیراً آن راصحافی کرده وجلد تازه‌ای برای آن درست کرده‌اند . عبارات زیر در صفحهٔ اول آن که قبل از سرلوحهٔ قدیمی بوده است دیده می‌شود :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى انزل القران على سبعة احرف كلها . تنزيل من حكيم حميد .

وقفت صفوة المخدرات السيده ، لايده ، لعفيفه الرفيعه الجليله الكريمه الحسيبه .. شجرة السلطنة والخلافة والاجلال پرى سلطان بنت السلطان بن السلطان المغفور المبرور المنتقل الى جوار رحمة ربه غفور السلطان محمد اسكنه الله الملك الشكور بحبايح الجنة . . . و القصور و هى المهد العليا للسلطان العادل الكامل .. الشامل عدله السلطان بن السلطان بن السلطان . . اميره اسحق وقاه الله الملك الخلاق من . الافاق نيلاً لثواب الله . . وذخراً ليوم لاينفع مال و لابنون الامن اتى الله بقلب سليم على المشهد المنور المعطر والمرقد المعظم . . . . المطهر للسيد الامام الفاضل الهمام الفاصل بين الحق و الباطل السيد الشهيد سيدعليكيا بن السيد الجيد السيد امير ضاعف الله تعالى مراتب حسناته . فعلى سكان هذا المشهد و مجاوريه ان يقروه ويستعملوه ليصل الثواب الى الواقفة عاجلاً و آجلاً وقفاً مؤبداً وحبساً مخلداً بحيث لايباع و هو خير الوارثين فمن بدّله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم . تحريراً فى غرة جمادى الاول سنة احدى تسعمائه .

قرآن دیگر را میرمحمد باقر فیل دهی وقف کرده است و وقفنامه را در صفحهٔ اول چنین نوشته‌اند :

بسم الله الرحمن الرحيم بدرستی که وقف مؤبد وحبس مخلد نمود این کلام مجید ربانی را عالیحضرت سلالة السادات میرمحمد باقر ولد مرحوم میر محمدقاسم فیل دهی ازبرای والدین و برادر مرحوم خود بر کافهٔ مؤمنین آن‌که قابلیت واهلیت تلاوت وقراءت آن داشته باشند تلاوت و قراءت بارواح خود و

والدین مرحومین و برادر مرحوم عالیحضرت مشار الیه عاید گردیده در یوم لاینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم دستگیر ایشان گردد حیث لایباع و لا یوهب و لا یشتری و لا یرهن و لا یمهر و لا یؤدع و لا یترک بطاق النسیان فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه وقفاً عاماً صحیحاً شرعیاً و تولیت این کلام الله را بارشد و اعلم و اورع اولاد خود تفویض نموده که بدون اذن متولی نقل به محل و مکانی ننموده بجای خود بر قرار باشد فکان ذلک فی عاشر شهر شوال المکرم من شهور سنه ۱۱۹٤ .

اندازهٔ این قرآن به شرح زیر است:

طول اوراق ۴۱/۳ وعرض ۲۹/۸ و قطر بدون جلد ۷/۶ سانتیمتر است. این قرآن نیز مانند قرآن دیگر ترجمه‌ای بسیار شیوا وروان وکهنه دارد .

از متن وقفنامهٔ اول معلوم می‌شود که پری سلطان ـ دختر سلطان محمد قرآن را وقف مرقد سیدعلی کیا بن امیر کیا نموده است . معلوم نیست چگونه این قرآن به بقعهٔ فیلده رسیده است.

عمارت حسین خان
در پیلده رودبار

عبدالفتاح از این عمارت یاد کرده است. امروز پس از تحقیق معلوم شد اثری از آن باقی نیست[۱] .

۳ـ بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ رحمت آباد
بقعهٔ سیدان
در دهکدهٔ رحمت آباد

این بقعه که به امامزاده محمد نیز معروف است بنائی سادهٔ چوبین است ودر محل معروف بوده اصالتی ندارد. زیرا بقعه به نام محمد کالش نیز خوانده می‌شد.

آقای زرینی اظهار داشتند که مدفون در این بقعه، کالش و گوسفنددار پیر عالمین بوده است . دهکدهٔ پیر عالمین که خرابه‌های آن بر جای است .

(۱) تاریخ گیلان عبدالفتاح چاپ درن ص ۲۰۸ .

دهکده‌ای قدیمی بوده است، چه در غاری نزدیک این دهکده زنبیلی یافته اند که در آن زنبیل سند معامله‌ای بوده است. در این سند، بیجار پوران، میان دو تن از ساکنان دهکدهٔ پیرعالمین به‌نام غریب خانم وسید حمزه معامله شده‌است وپول را توزین کرده ورد وبدل کرده‌اند.

مقابل پیر عالمین درجوار سنگ معروف به «پیاله سنگ» قبرستان قدیمی اسلامی است.

قلعهٔ مازو دشت
در تنگهٔ رودخانهٔ دگا

در تنگهٔ رودخانهٔ دگا، قلعه‌ای به نام مازودشت است که یک بدنهٔ آن از سنگ، و بدنهٔ دیگر آن از آجر چیده شده است ، در این تنگه چشمهٔ بزرگی است که از زمین می جوشد . سابقاً این چشمه را چشمه‌جان می خوانده اند و معروف است که شخصی به نام «جن» در اینجا حکمروائی داشته که اسکندر مقدونی اورا شکست داده است[۱] .

قلعهٔ لارچاك

درحوالی درهٔ دگا برسر قلهٔ مرتفعی قلعه‌ایست که با آجر بنا شده است و سابقاً معروف به «قلعه‌جن» بوده است. می گویند این قلعه از بناهای همین جن پادشاه این محل است.

قلعه کول و قلعهٔ چهل گزچال
نزدیك دهکدهٔ شیر کوه رحمت آباد

برای رسیدن به شیرکوه ، از جادهٔ رحمت آباد به توتکابن و از آنجا به شیرکوه باید رفت در چهارکیلومتری این آبادی بر بالای ارتفاعات، دو قلعه خرابهٔ قدیمی است که اولی به نام «قلعه کول» و دومی به نام « چهل گزچال »

---

(۱) رابینو می نویسد در شش کیلومتری پائین پل منجیل قلعه ای بر بالای صخره ای در میان سه رود بنا شده است. در فاصلهٔ کمی در جنوب قلعه ، خرابهٔ پلی است. اولئاریوس می گوید که این پل به دست اسکندر مقدونی خراب شد (گیلان رابینو حاشیهٔ ص ۲۱۰) ممکن است این داستان محلی که سینه به سینه نقل شده است با این نقل تاریخی اولئاریوس قابل تطبیق باشد.

خوانده می‌شود. رابینو نیز ازاین دوقلعه نام برده است[۱].

چراغعلی تپه = تپهٔ مارلیك
نزدیك دهکدهٔ نسفی(۲) در درهٔ گوهررود

گوهررود یکی از شاخه‌های سمت راست سفیدرود است که ازسرچشمه تا مصب آن پانزده کیلومتر راه است . این دره که آب گوهر رود ازمیان آن می گذرد به نظر من یکی از زیباترین دره های کوهستان البرز است. در دل این دره دو نقطهٔ مرتفع است که یکی به نام «چراغعلی تپه» و دیگری به نام «پیلاقلا» یعنی قلعهٔ بزرگ معروف است. در سالهای ۱۳٤۰ و ۱۳۴۱ هیئتی‌علمی به ریاست آقای دکتر عزت‌الله نگهبان در چراغعلی تپه که بعداً به نام تپهٔ مارلیك خوانده‌شد اقدام به‌حفاری نمودند و آثاری بس‌گرانبها به‌دست‌آوردند. آثار این تمدن باستانی که هنوز درست شناخته نشده است به‌نام تمدن مارلیك معروف‌شد. رئیس هیأت‌کتابی به‌نام «گزارش مقدماتی حفریات مارلیك‌چراغعلی تپه» به همکاری ادارهٔ کل باستانشناسی و مؤسسهٔ باستانشناسی دانشگاه تهران درسال ۱۳۴۲ منتشر نمود . خوانندگان برای اطلاع بیشتری از کار این هیأت می توانند به‌آن مراجعه کنند. چراغعلی تپه به‌شماره ۴۲۶جزء بناهای‌تاریخی ایران ثبت شده است.

قلعهٔ گورمیرزا(۳) – قلعهٔ طاهر میرزا
درمیان آب سفیدرود مقابل دهکدهٔ لویه

درمیان آب سفیدرود ، نزدیك به ساحل راست ، سنگ مسطحی از آب سر برآورده است. قسمت بالای سنگ برجسته‌تر است وسطح کمتری دارد.اما قسمت پائین آن نسبتاً مسطح وصاف است. برحاشیهٔ غربی سنگ دیواری‌آجری به ارتفاع ۱۵۰ سانتیمتر برجاست . در این ضلع ، پس از قسمت برآمدگی ، پیشرفتگی خلیج مانندی‌که تا میان سنگ ادامه دارد ، دیده می‌شود. بر حاشیهٔ

---

(۱) گیلان رابینو ص ۲۷۳ . (۲) در گیلان و دیلمستان سید ظهیر الدین‌مرعشی تصحیح کارسه ص ٤۳۵ نام این دهکده نسبی ضبط شده است وامروز به اشتباه « مر» می‌نویسند . (۳) بضم کاف وفتح واو

شرقی سنگ نیزدیواری از آجر به‌ارتفاع حاشیهٔ غربی دیده می‌شود. درقسمت جنوبی سنگ ، چهار قسمت جداگانهٔ برج مانند و جرز مانند دیده می‌شود که ارتفاع آنها درحدود دومتراست. پس از این چهار قسمت، دیوار شرقی یکسره ومتصل به هم است ودرپوزهٔ شمالی به برجی ختم می‌شود. (عکس شمارهٔ ۲۴۰) در ساحل شرقی رودخانه پایهٔ آجری دیگری دیده می شود . احتمال می رود پایهٔ تخته پل این قلعه بوده است آجرهائی که در این بنا به‌کار رفته است به ابعاد ۳۲ و قطر ۸/۵ سانتیمتر است. رابینو این محل را به نام «قزقلعه» خوانده و در بارهٔ آن می نویسد 'درشش کیلومتری پائین پل منجیل قلعه‌ای بر بالای صخره‌ای که درمیان آب سفیدرود است بنا شده است. این قلعه به نام قز قلعه (= قلعه دختر) معروف‌است. درفاصلهٔ کمی درجنوب این‌قلعه، خرابه‌های پلی باقی‌است. اولئاریوس (Olëarius) می گوید که این پل‌به دست اسکندر مقدونی خراب‌شده است . (۱)

دروازهٔ قلعهٔ حرزویل
پشت دهکدهٔ حرزویل(۲)رحمت آباد

این دروازه از سنگ و گچ بنا شده است. دهانهٔ دروازه سه متر وارتفاع دیوار چپ آن که بر بالای بلندی ساخته شده است ، ۳/۵ متر است و دو سکو در طرفین آن است. معروف است که این دروازه‌مدخل‌قلعهٔ حرزویل‌بوده‌است، ولی نباید این‌مطلب صحیح باشد ، چه در طرفین دروازه دیواری نیست تا مانع ورود مهاجمین‌باشد.چنانکه از متن کتیبه برمی آید یکی ازسلاطین‌وحکمرانان محلی به نام محمد و کدخدایان محل، بانی این کارخیر شده‌اند و'ین دروازه را بنا کرده‌اند ومحل بست برای‌مجرمین و گناهکاران‌ساخته‌اند! زیر کتیبه‌دندانهٔ دروره. این قسمت ازآیة‌الکرسی خوانده می‌شود : خلفهم ولایحیطون بشیئ من علمه الا . . . و زیر آن کتیبهٔ کوچکی از سنگ است که این اشعار سست

(۱) گیلان رابینو ص ۲۱۰ . (۲) نام این آبادی در متون تاریخی‌محلی با خاء معجمه و حاء مهمله هر دو آمده است و امروز به‌اشتباه با هاء هوز می‌نویسند .

بر آن با خط بد نستعلیق حک شده است : (عکس شمارهٔ ۲۳۱)

بعون خداوند حی بصیر ملك الملوکی محمد کبیر
دگر کدخدایان به احترام شدند باعث همچنین کار خیر
که سازند طاقی در این آستان که اهل گنه ز شود دستگیر
دو صد لعنت حضرت دادگر دگر لعنت خلق برنا و پیر
بآن حاکم و کدخدا و ملاك تمام رعیت صغیر و کبیر
که چون مجرم اینجا شود ملتجی بآزار و جبراً دهندش گیر
پی سال تاریخ طاقش بدم هزار و نود گفت عقل حقیر

سردابهای طرف راست
دروازهٔ حرزویل

متصل به دیوار راست دروازه ، سردابی در بسته به طول ۹ و عرض ۶ متر از سنگ و گچ بنا شده است . زیر دست این سرداب ، سردابهای متعدد، یکی بر بالای دیگری در دو سه ردیف در دامنهٔ تپه تاکنار نهر ده،از سنگ و گچ بنا شده‌اند که در نوع خود در این صفحات نظیر ندارند . دهانه‌ها وعمق آنها با یکدیگر اختلاف دارد .

قلعهٔ حرزویل
بر بالای کوه در دامنهٔ چپ رودخانهٔ حرزویل

در ارتفاعی که بیشتر از صد متر نیست ، در دامنهٔ چپ رودخانهٔ حرزویل، آثار قلعه‌ای قدیمی ازسنگ وگچ است. دیوارهای آن فرو ریخته‌وشکل‌اصلی قلعه نمایان نیست. این‌قلعه ممکن‌است قلعهٔ دفاعی دهکدهٔ حرزویل بوده‌باشد.

بقعهٔ آقا سید محمود مرندی
نزدیك دروازهٔ حرزویل کنار نهر دهکده

بنای بقعه چهار ضلعی وبام آن کاهگلی است. در ورودی آن رو به‌جنوب ودو لنگه است این ابیات برآنها حک شده است :

این در بشادکامی و دولت خجسته باد بر دوستان گشاده و بر خصم بسته‌باد

تا سیر ماه [و] زهره بدین بام اخضر است　　دولت درین سرا و سعادت بدین در است
(عکس شمارهٔ ۲۴۲ و ۲۴۳)

عرض وطول داخلی بنا پنج متر و سقف آن بر چهار ستون اصلی که در چهار کنج بناست بر پاست. مرقد سید محمود مرندی در وسط و به طول دو متر وعرض یك متر وارتفاع ۹۲ سانتیمتر وتمام آن کاشی کاری است. بر روی مرقد، سنگ مرمر سفید رنگ کوچکی به طول ۳۰ و عرض ۲۲ سانتیمتر است. این عبارات با خط نستعلیق بر آن حك شده است. (عکس شمارهٔ ۲۴۴)

بنای گنبد حضرت قدوة الاولیاء وبرهان الاتقیاء سلطان سید حاجی محمود مرندی نوّرالله مرقده بخیر جاریه نتیجة السلاطین الاعظم امیره تی تی بنت المرحوم امیره سلطان محمد خان حاتمی نسب حاکم الکای کهدم فی تاریخ ثامن شهر رجب المرجب ثمانه و تسعین و تسعمایه امیره تی تی معظمهٔ مذکوره فی حین حیاتها بجهة خود سردابهٔ که در جوف آستانه واقع است ترتیب داده لعنت خدا وسخط رسول برکسی باد که بعد مماتها دخل بیجا ونامشروع در آن نموده تغییر و تبدیلی بقواعد وقوانین آن راه دهد اخراجات گنبد مذکور مبلغ پنجاه تومان تبریزی رحمةالله علیها و علی آبائها واجدادها المکرمین المعظمین. (عکس شمارهٔ ۲۴۵)

سرداب امیره تی تی دختر امیره سلطان محمدخان حاکم کهدم تا امروز بر جای است وسنگ قبر او نیز تا امروز باقی است.

برکنار سرداب امیره تی تی سنگ مرمر سفید رنگ یك پارچه به طول ۱۴۳ و عرض ۴۸/۵ و قطر ۷ سانتیمتر است که آن را به سی قسمت تقسیم کرده واین پانزده بیت را به خط خوش نستعلیق در قسمتهای سی گانه حك کرده اند:

جهان دانش و دین بحر مکرمت تی تی　　که قاصر است ز وصفش زبان کلك و بیان
ز رشك جود دل پاك و دست فیاضش　　فتاده چین برج یم، خراش در دل کان
ز فر سلطنت و از علو منزلت است　　خدیجه پایه و بلقیس قدر و رودندی شان(؟)
نسب ز حاتم طی دارد و بود بحسب　　نهال عصمتی از گلشن محمد خان

بسال نهصدو تسعین و ثامن[۱] از هجرت ... بعون لطف خداوند قادر سبحان
درین مکان فرح بخش کز شرافت و فیض ... شکسته رونق فردوس و روضهٔ رضوان
تمام کرد چنین گنبدی که در رفعت ... گذشته پایهٔ قدرش ز گنبد کیوان
شده ز قد بلندش قصیر دست خلل ... که جا بزاویهٔ امن کرده‌است و امان
کند جمال منور ز نور این گنبد ... بروز مهر منیر و بشب مه تابان
در استقامت‌واوصاف چهار رکنش‌عقل ... چه نغز گفته که‌هر رکن رکنی از ایمان
بظاهر ار چه بود جفت طاقهایش لیث ... چو طاق گنبد خضر است‌طاق‌در دوران
فتد ز رشك وحسد در دلش شکاف شکاف ... رسد خبر چو ز وصفش بگنبد حرمان[۲]
ز جود و همت شاهانه قبر بابا را ... بداد زیب و بپوشاند خلعت الوان
الهی از کرم و لطف خویشتن اورا ... به‌کام خاطر و بر آرزوی دل برسان
بصدق راقم ابیات و ناظم تاریخ ... سگ علی ولی ، بی‌ریا ، مرادی دان

سنگ مرقد امیره تی‌تی

بر بالای سرداب امیره‌تی‌تی ، درکنج شمال غربی بنای بقعهٔ سیدمحمود مرندی ،سنگ‌قبر امیره تی‌تی است که سنگ مرمری سفید ویکپارچه است و قسمتی از آن داخل دیوار شمالی رفته است . برروبهٔ سنگ،صلوات کبیر و در حاشیه وبدنه‌های دیگر سنگ، ادعیهٔ مختلف حك شده‌است . برروبهٔ سنگ با خط ریز نستعلیق نوشته است : سنگ سردابهٔ نتیجة السلاطین امیره تی‌تی بنت‌المرحوم سلطان محمد خان حاتمی ح، کم کهدم.

سنگ قبر دیگری در همین بقعه

سنگ قبر مرمر دیگری به طول ۱۷۷/۵وعرض۳۰ و ارتفاع ۲۰ سانتیمتر دراین بقعه است .

مطالب زیر بر رویهٔ این سنگ است :

در حاشیه با خط نسخ‌صلوات کبیرو پس از آن آیه الکرسی ناهوالعلی

---

(۱) گویا شاعر در تنگنای وزن گرفتار شده وچنین مصراعی ساخته است. منظور او سال ثمان وتسعین و تسعمائه یعنی ۹۹۸ است . (۲) ظاهراً با هاء هوز است .

العظیم و پس از آن: کل شیئ هالك الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون اللهم اغفر و ارحم.
بر حاشیهٔ داخلی با خط ستعلیق این ابیات حك شده است :

نور اعیان ملك ابوالقاسم (۱)	که نبودش بحسن شبه و مثال
شد بخلد برین بفصل ربیع	تا که از امر قادر متعال
ساخت اصحاب را غمین و ملول	کرد احباب را پریشان حال
مرد و زن در فراق او دارند	دامن از خون دیده مالا مال
باد روحش غریق رحمت حق	بحق مصطفی و عترت و آل
خواهی ارسال فوت او دانی	بشنو از من ز روی استدلال
برون چو ز مصرع ثانی	«مهر گیتی نهاد رو بزوال» (۲)

در سطور وسط با خط نسخ «ادعلی تا یا علی و یا علی» و دنبالهٔ آن با خط نستعلیق :

هر که آمد بجهان اهل فنا خواهد بود
آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

هذا سنه ۹۹۵ نقشهای سنگ : رحل و قرآن و سجاده و مهر و امامزاده‌ای با گنبد . بر بدنهٔ سنگ که بیرون است اشعاری باقافیه و وزن «ابوالقاسم چراغ اهل بینش» در وصف نامبرده حك کرده‌اند که مطالب آن تکراری است .

سنگ قبر دیگری به طول ۱۰۶ و عرض ۳۲/۵ و قطر ۲۹ سانتیمتر در این بقعه است که مطالب زیر بر آن حك شده است .

صلوات کبیر به خط نسخ، دردوحاشیهٔ سنگ و درمتن هیجده مصراع به خط نستعلیق که مصراع تاریخ آن بدین شکل است : ربیع اول والف و چهار بدتاریخ.

سنگ مرمر کوچکی در این بقعه است که این مطالب بر آن حك شده است: هذه التربة المرحوم المغفور محمد علی ابن المرحوم محمدامین زاویه

---

(۱) رابینو امیره تی‌تی را همسر شاه قاسم می‌داند . احتمال دارد شاه قاسم همین ملك قاسم باشد که در بقعهٔ سید محمود مرندی به خاك سپرده شده است (۲) شمارهٔ این حروف به حساب جمل غیر از حرف «ر» معادل ۹۹۵ هجری است .

سنه ۱۰۵۷ .

سنگ قبر دیگری به طول ۹۰ وعرض ۳۳ وقطر ۱۷ سانتیمتر در این بقعه است که در حاشیهٔ آن صلوات کبیر و درمتن ظاهراً سه بیت شعر است که در شش مربع جداگانه حك شده است . این ابیات خوانده نشد . (عکس شمارهٔ ۲۴۶) در یك سر سنگ این دو بیت که مقداری از آن ریخته است ، به ترتیب زیر خوانده شد :

در نهصدوچار وپنج و هشتاد ... از هجرت . . . . . پیمبر

. . . است یقین که تابدانی ... تاریخ چنان سایه گستر

مزار امامزاده ابراهیم بن امام زین العابدین علیه‌السلام
در دامنهٔ کوه مشرف بردهکده حرزویل رحمت آباد

بنائی است چهار گوشه که ابعاد داخلی آن ۳۲۰ سانتیمتر است . چهار گوشهٔ بنا رابا چهار گوشوار جمع کرده وگنبدی بر آن زده‌اند. صندوقی ساده بر مزار امامزاده است . اخیراً باسیمان تعمیرات زیادی در آن کرده‌اند .(عکس شمارهٔ ۲۴۷) را بینو نیز از این امامزاده یادی کرده است .(۱)

باقی آثار وبناهای تاریخی رودبار و رحمت آباد

۱ـ بقعهٔ قاضی بن قاضی در نولاب برهٔ رشت‌رودبار نزدیك امامزاده ابراهیم رشت .

۲ـ بقعهٔ آقا. سید حسن درشغال توسه (=شیخعلی توسه) رحمت آباد (گیلان رابینو ص ۲۳۷) بنائی قابل مطالعه نبود .

۳ـ بقعهٔ امام زاده حسن در شیمام رستم آباد رودبار . بنائی قابل بررسی نبود .

٤ـ زیارت شیخ جابر انصاری دردهکدهٔ پیری رستم‌آباد رودبار.موتتایث (Monteith) می‌نویسد که از آب زیارت جای‌در هشتصد متری رودبار و هفت کیلومتری منجیل گذشته است . (گیلان رابینو ص ۲۱۲)

---

(۱) تاریخ گیلان رابینو : ۲۷۵.

۵ ـ بقعه‌های بابا ملااسدالله ـ پیر سید جلال الـدین ـ سید محمد در دارستان رودبار . این بقاع قابل بررسی نبودند .

۶ ـ بقعهٔ شیخ مفید در دهکدهٔ دارستان رودبار . (فرهنگ جغرافیائی ایران ، ذیل نام دهکدهٔ دارستان)

۷ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ دوگاههٔ رودبار (فرهنگ جغرافیائی ایران ، ذیل نام دهکدهٔ دوگاهه)

۸ ـ بقایای بنائی قدیمی وحمام و زیر زمین در مرتع سینه خانی از مراتع دهکدهٔ کوشك ، بالای دهکدهٔ فیلده رودبار . (فرهنگ جغرافیائی ایران، ذیل نام دهکدهٔ کوشك)

۹ ـ آب انبار حاجی میرزا آقا جان در شهر رودبار . اراضی آن تبدیل به سینما شده است .

۱۰ ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شاهوای رودبار .

۱۱ـ قلعهٔ تارم در علی آباد پیده رودبار . علی آباد امروز دهکده‌ایست نزدیك سد سفیدرود ، بر کنار یکی از شاخه های چپ رودخانهٔ سفید رود . در تاریخ خانی آمده است که قلعهٔ تارم نزدیك جشیجان وعلی آباد بوده است. (گیلان رابینو ص ۲۱۴)

۱۲ ـ گنبد زرد یا قبور سلاطین دردهکدهٔ کلشدر [۱] (ــ کاشتر) رحمت آباد . رابینو از چنین گنبدی یاد کرده است ، درمحل پس از تحقیق بنده چیزی نیافتم .

۱۳ـ بقعهٔ‌ای دردهکدهٔ کیاباد رودبار.

۱٤ـ قلعهٔ کلایه ، نزدیك دهکدهٔ کلایهٔ رحمت آباد (گیلان رابینوص ۲۷٤).

۱۵ـ دیز کوه . یاد آور نام قلعه‌ای قدیمی است . نزدیك آبی است که

---

(۱) بکسر کاف و لام و فتح دال

از ییلاق هزارمرز سرازیر می‌شود و با تاریك رودیکی می‌شود . سپس به اسکلك می‌آید و به سفید رود می‌پیوندد.

۱۶- بقعهٔ شاه شهیدان ، پائین کوه دلفك است . از راه گلن کش [۱] به ناوه و از ناوه به جنگل لیاجان و نورالعرش و شاه شهیدان می‌رود . بقعه‌ای جدید لبناست و قابل بررسی نبود .

۱۷- بقعهٔ میان چدکاسر [۲] و چرّهٔ [۳] رحمت آباد .

۱۸ - بقاع دهکده‌های سیدان و رودخانه .

۱۹- بقاع دهکده‌های کولی دهن و مخشر [٤].

۲۰ بقعهٔ دهکدهٔ پرهٔ [۵] رحمت آباد .

۲۱ - بقعه‌ای در دهکدهٔ آغوزبن رحمت آباد .

۲۲- امامزاده انجیلك و بقعهٔ دیگری در دهکدهٔ کلشتر [٦] رحمت آباد.

محلهای زیر گورستانهای قدیمی و آثار زیر خاکی دارند

۱- شیرکوه ۲-سندس [۷] ۳- رشی [۸] ٤- پشتهان [۹] ۵ - سله‌چان [۱۰] ٦-خرشك [۱۱] ۷-شهران [۱۲] ۸-حلیمه‌جان ۹-کلس فروش [۱۳] ۱۰-وله‌جار [۱۴] ۱۱- انارکول ۱۲- خاسه کول ۱۳ - کلایه [۱۵] ۱٤ - کیاباد تخت ۱۵ - قشلاق ۱٦ - نسفی [۱٦] ۱۷-شاه‌جان کول ۱۸- فتلك [۱۷] ۱۹-فیشم [۱۸] ۲۰-گورتیم و سلطان بری ۲۱ - آغوزبن ۲۲ - خیاو ۲۳-کلدیان ۲٤- رزکا [۱۹] ۲۵ - ویایه ۲٦-کلشتر ۲۷ تلابر ۲۸-گلدورز [۲۰] ۲۹-داك‌دره ۳۰- حرزمویل ۳۱- کبته [۲۱] ۳۲-کلاس [۲۲] ۳۳- شاهوا ۳٤- براگوره ۳۵ -گرده پشته جزء شهر بجار است ۳٦- چلکاسر [۲۳] .

---

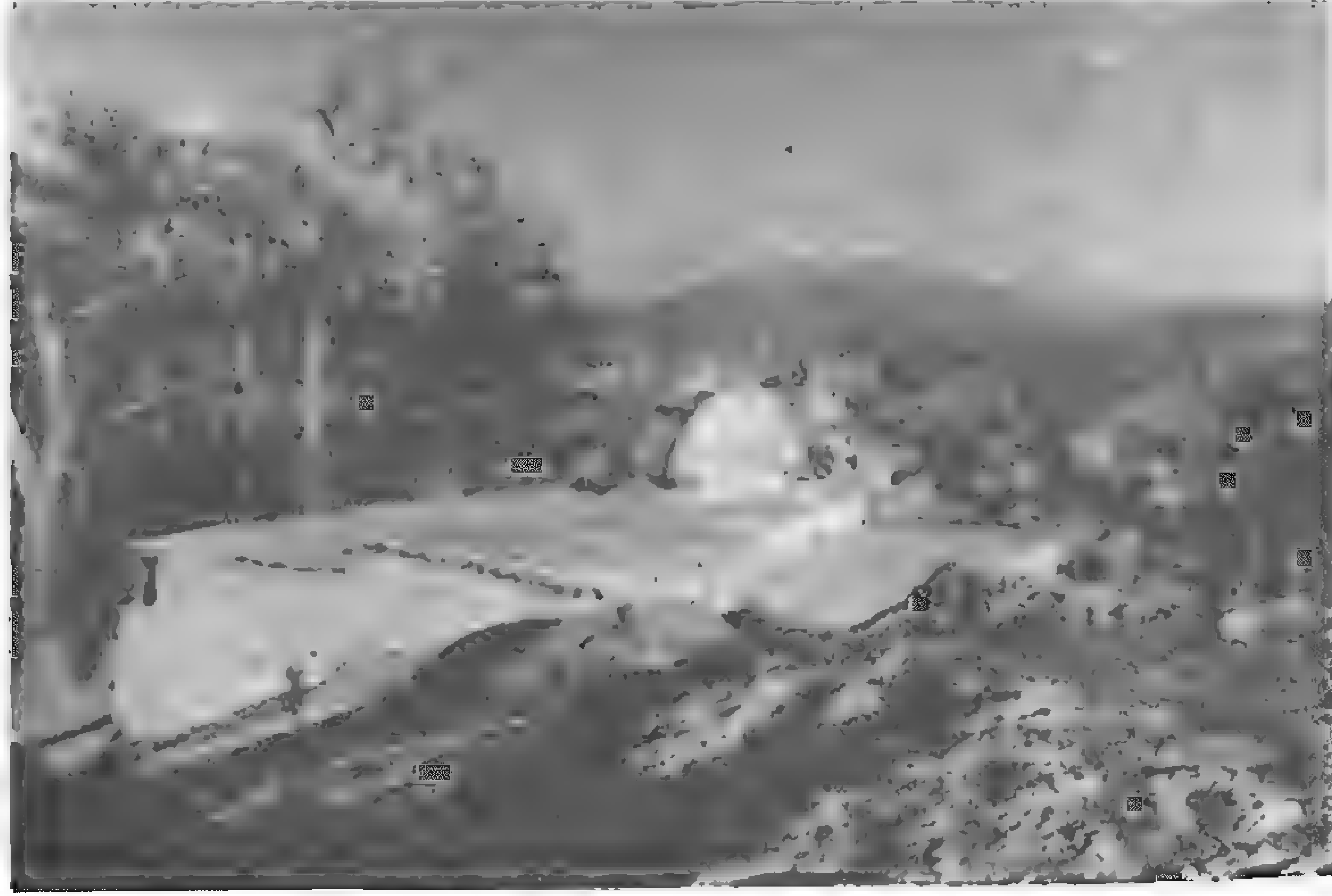
۱ بفتح کاف ولام وکاف . ۲- بکسر چ و فتح سین ۳-بضم چ وتشدید و کسر راء . ٤- بضم میم و فتح شین. ۵- بفتح پ . ٦ بکسر کاف ولام وفتح تاء. ۷- بکسر سین و دال. ۸- بفتح راء. ۹- بضم پ وفتح تاء . ۱۰- بکسر سین ولام. ۱۱- بکسر خاء ور ء. ۱۲- بفتح شین. ۱۳- ضم کاف و کسر لام و فاء . ۱٤- بفتح واو. ۱۵- بفتح کاف. ۱٦- بکسر نون . در تاریخ گیلان ودیلمستان سپی، امروز نصفی نویسند. ۱۷- بفتح فاء و کسر تاء. ۱۸- بکسر شین. ۱۹- بکسر راء. ۲۰- بکسر کاف وفتح واو . ۲۱ - بفتح کاف و باء ۲۲ - بکسر کاف. ۲۳- بکسر چ .

بناها و آثار تاریخی ثبت شده

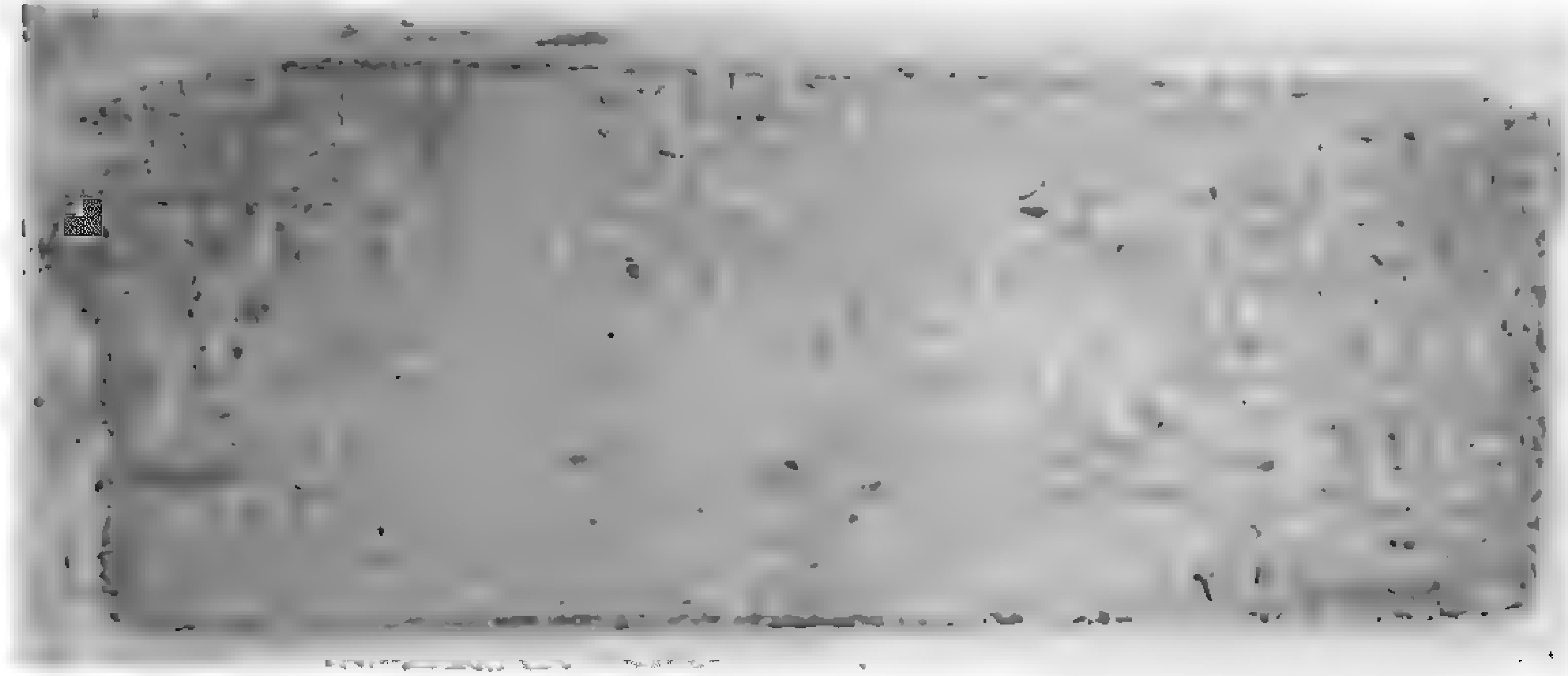
۱ـ ساختمان تپهٔ خاسه کول نزدیك دهکدهٔ خاسه کول رحمت آباد .
۲ـ کرده کول نزدیك دهکدهٔ چرّه رحمت آباد .
۳ـ کلشی تپه میان دهکده های دفراز ورشی رحمت آباد .
٤ـ چراغعلی تپه در نسفی رحمت آباد .



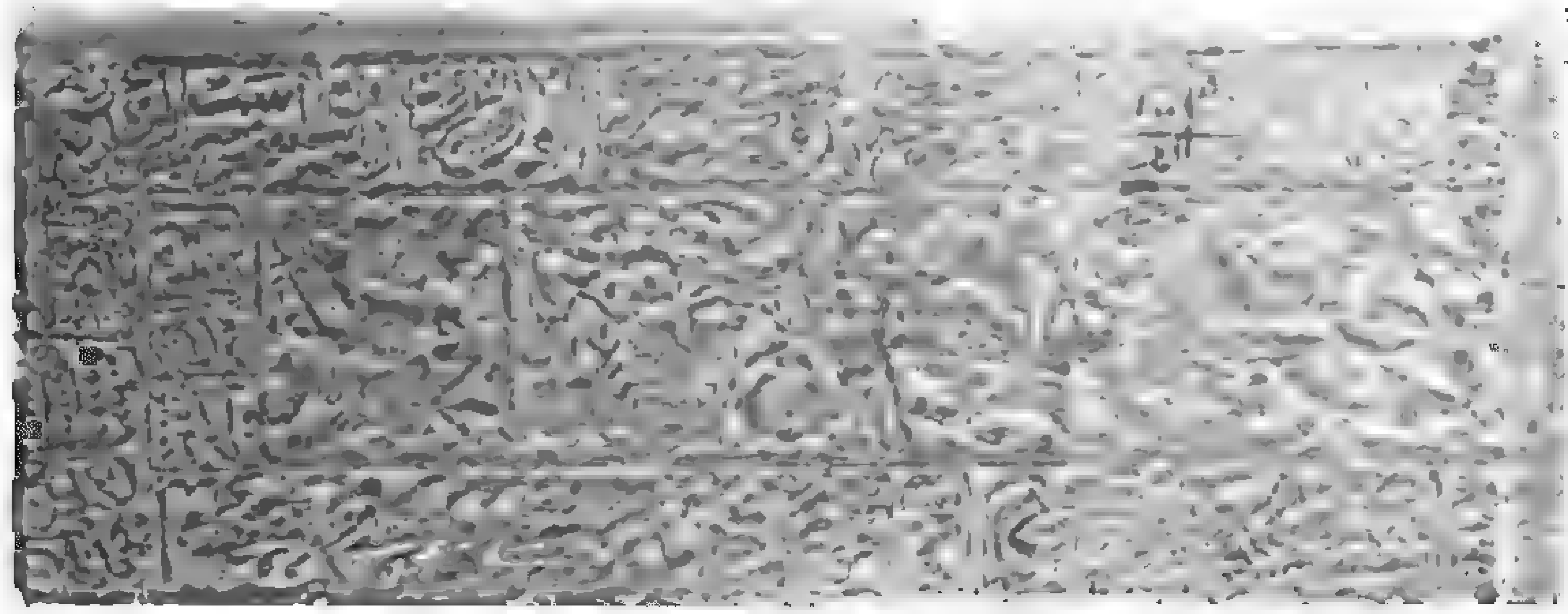
عکس شمارهٔ ۲۳۶ ـ سردر آب انبار کاروانسرای پشته.



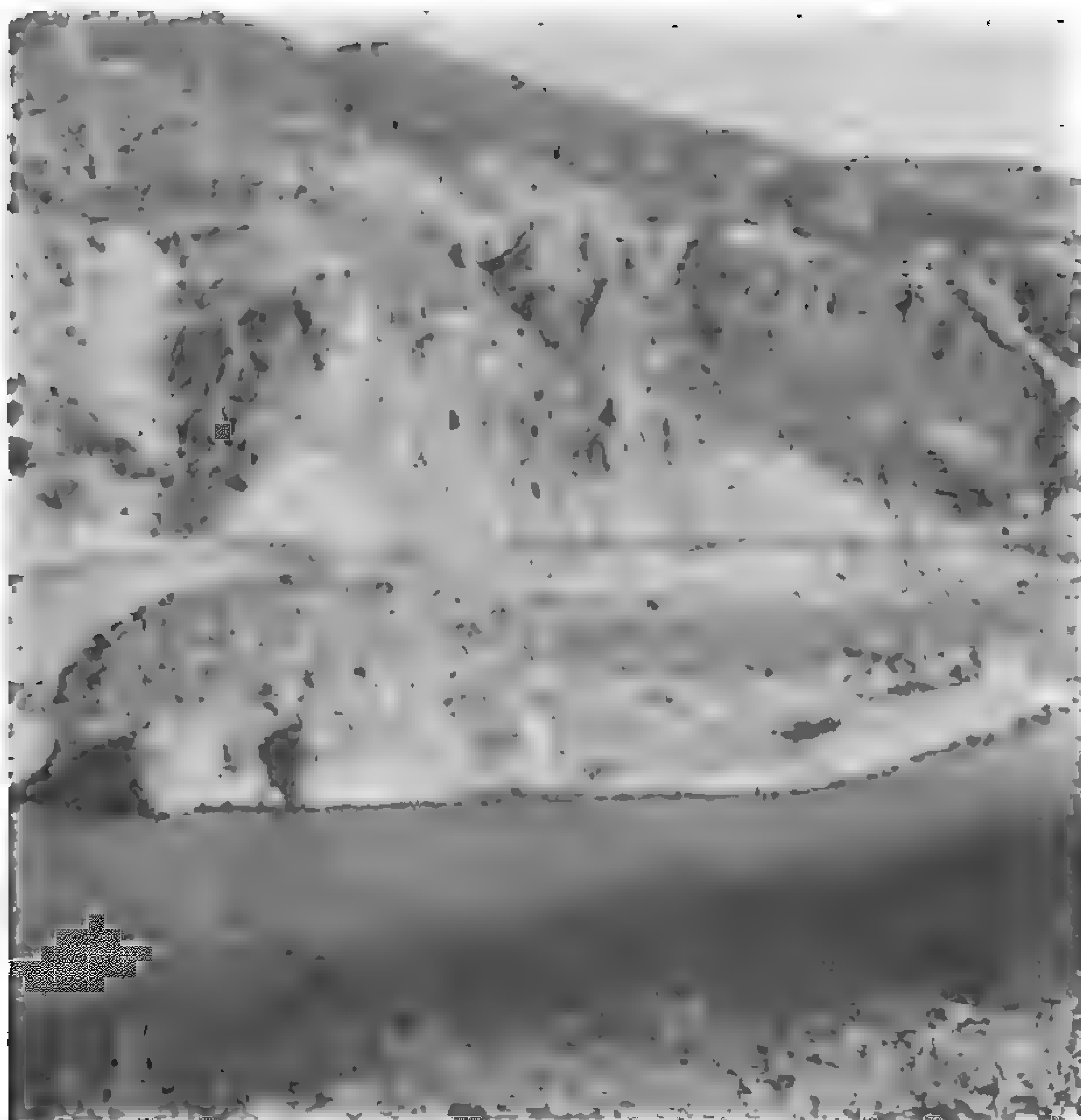
عکس شمارهٔ ۲۳۷ ـ بقعهٔ دهکدهٔ فیلده رودبار .



عکس شمارهٔ ۲۳۸ سنگ قبر شاه منصور در بقعهٔ دهکدهٔ فیلده رودبار .



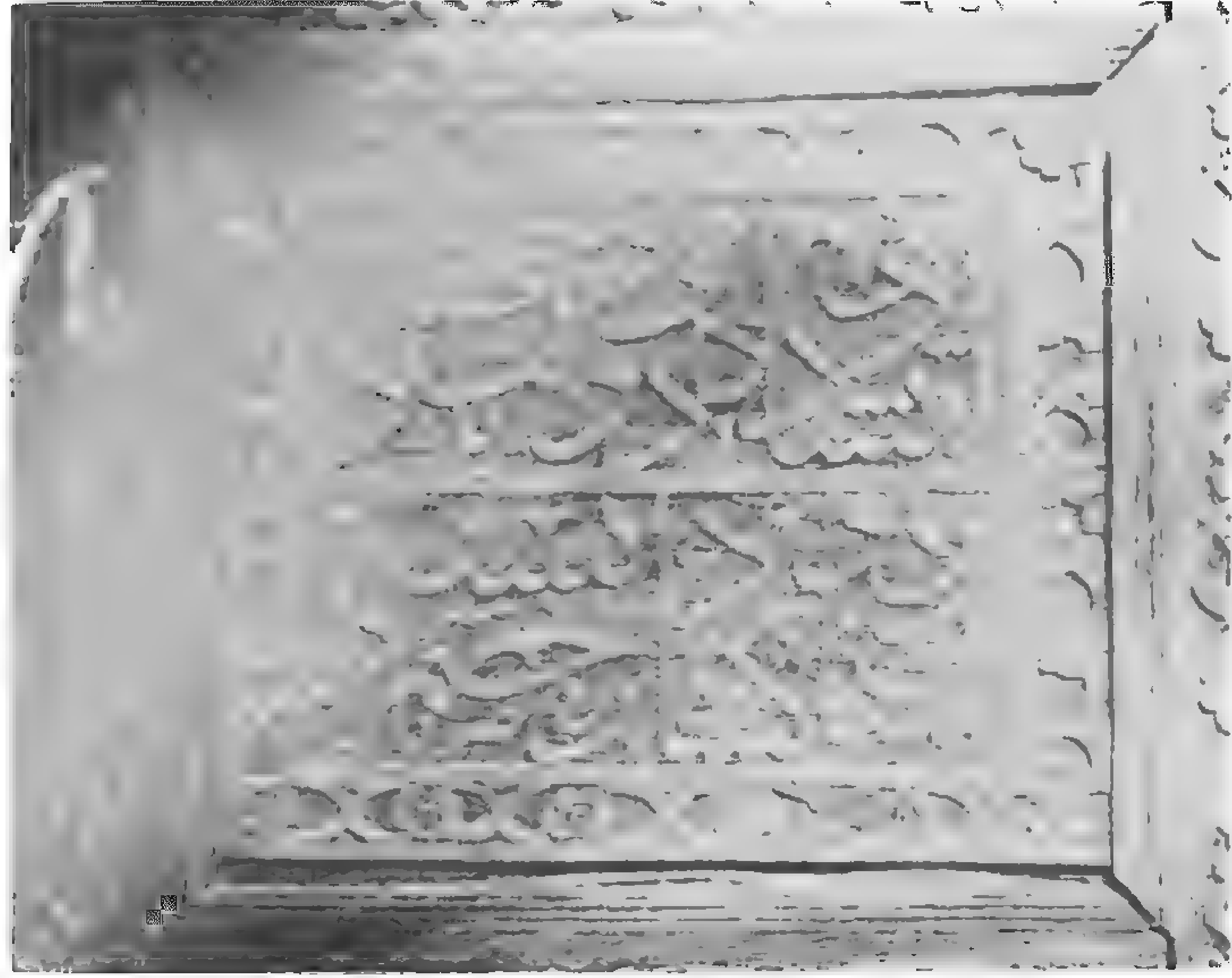
ـ ۱عکس شمارهٔ ۲۳۹ ـ سنگ قبر بدیع‌الزمان میرزا در بقعهٔ دهکده فیلده رودبار .



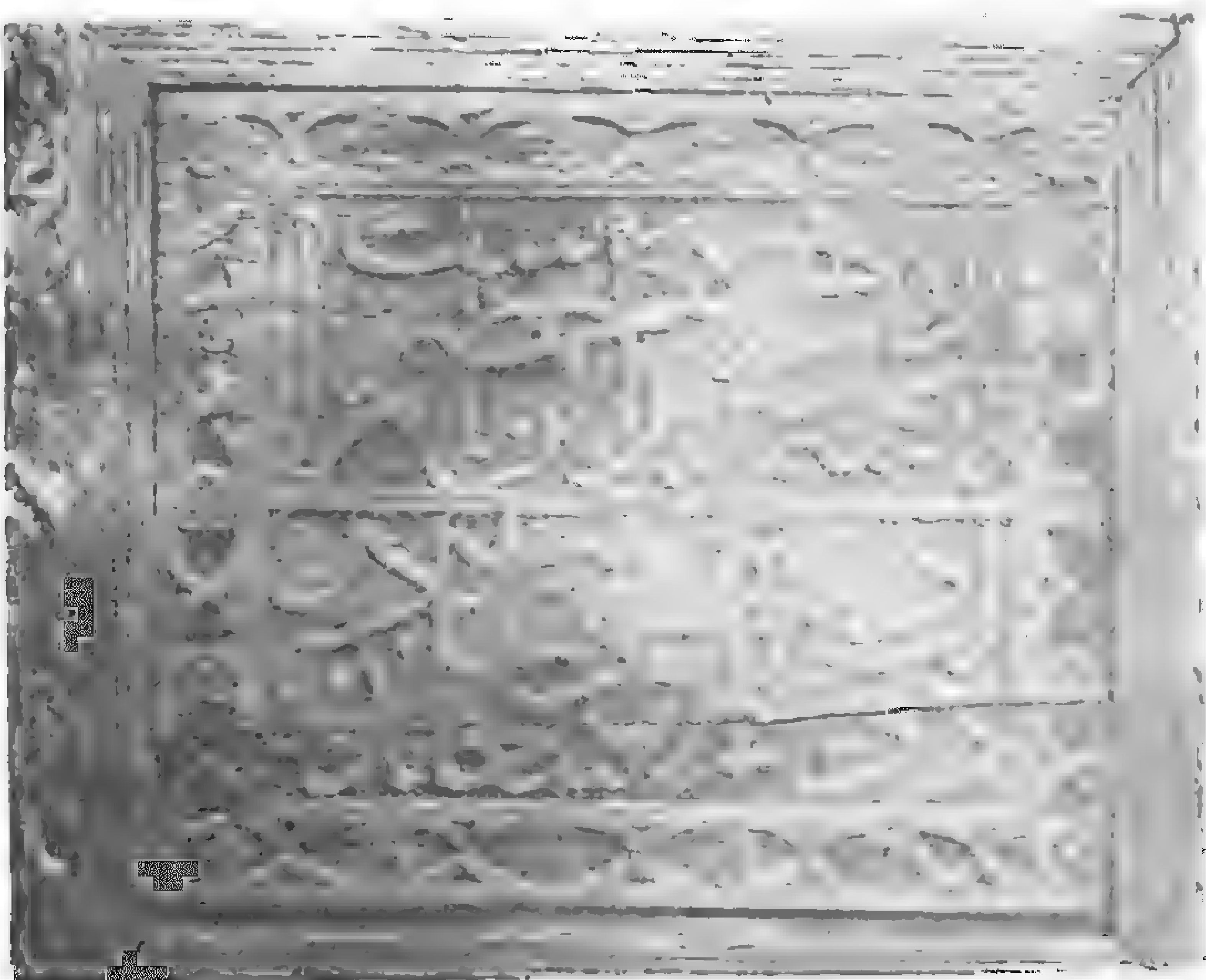
عکس شمارهٔ ۲٤٠ ـ قلعهٔ گور میرزا در میان آب سفید رود



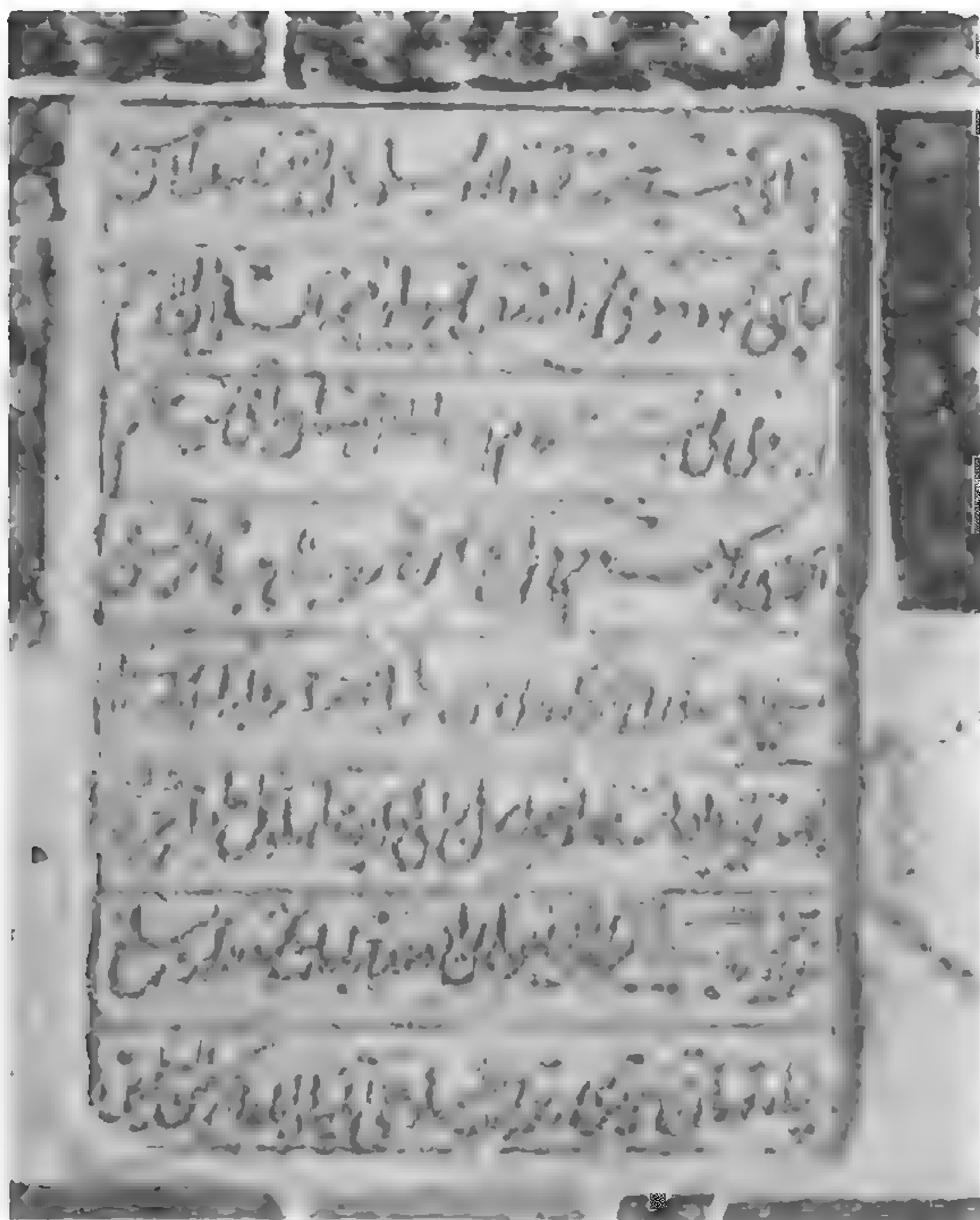
عکس شمارۀ ٢٤١ـ دروازۀ حرزویل که محل بست مجرمان بوده است



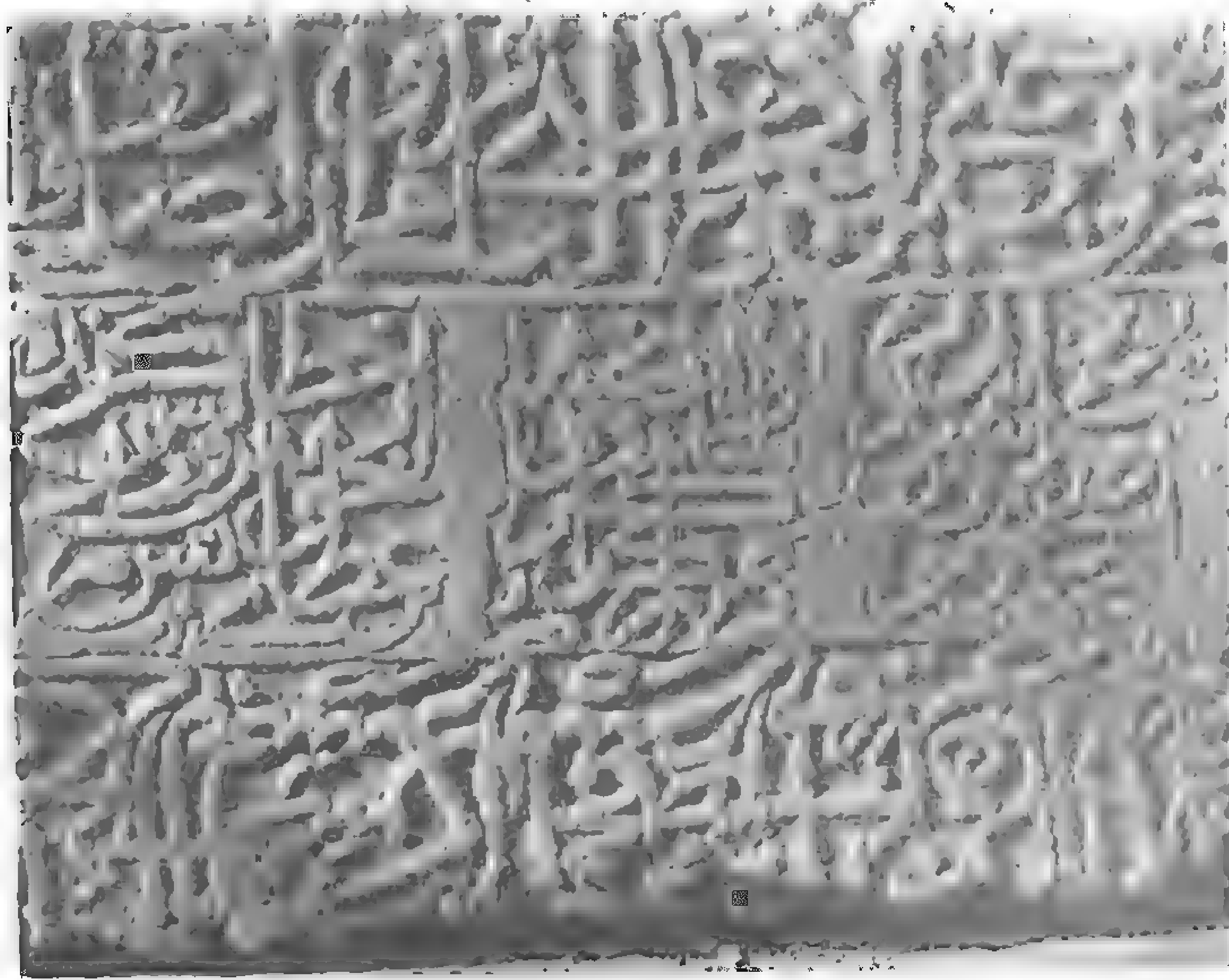
عکس شمارهٔ ۲۴۲ ـ کتیبه لنگه سمت راست در ورودی بقعهٔ سید محمود مرندی در دهکدهٔ حرزویل .



عکس شمارهٔ ۲۴۳ ـ کتیبهٔ لنگهٔ سمت‌چپ در ورودی بقعه سیدمحمود مرندی در دهکدهٔ حرزویل ·



عکس شمارهٔ: ۲۴ کتیبه ی برسنگ مرمر مرقد سیدمحمود مرعشی در دهکدهٔ جرزوین



عکس شمارهٔ ۲۴۵ ـ سنگ قبری در بقعهٔ سیدمحمود مرندی در دهکدهٔ حرزول.



عکس شمارهٔ ۲۴۶ - بقعهٔ امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ حرزویل



عکس شمارهٔ ۲۴۷ ــ مقبرهٔ زرین تاج درقبرستان بالامحلهٔ منجین .

بخش شانزدهم

۱ـ جغرافیای تاریخی عمارلو

ناحیهٔ عمارلو بردوساحل رودخانهٔ شاهرود ودرمشرق ملتقای این رودخانه با قزل اوزن قرار گرفته است. کوههای دیلمان در شمال و کوههای قزوین در جنوب آن است . چون هوای ساحل رودخانه و دهکده های کم ارتفاع آن در تابستان زیاد گرم است ، ساکنان این دهکده‌ها به دامنه‌های کوه‌پناه می‌برند. این ناحیه از شمال به دیلمان ورحمت‌آباد ، ازغرب به‌تارم و ازجنوب‌به‌قزوین واز شرق به رودبار محمد زمان خانی واز شمال‌شرقی به‌اشکور محدودمی‌شود.

نام عمارلو قدیمی نیست . این نام از زمانی بر سر زبانها افتاد که نادر طایفه‌ای از کردان را که‌به‌این‌نام شهرت داشتند ، بدینجا کوچاند.شایدخرگام نام قدیمی این ناحیه بوده است. خرگام در ادوار مختلف قسمتی از تارم یا رودبار یا دیلمان به حساب آمده است .

در زمان‌رابینو (۱۳۳۱قمری) خانان‌پیرکوه وخانان‌جیرین ده از سران قوم بوده‌اند . نصرالله خان سرهنگ پسر عبدالله‌خان بیچانلو ـ[۱] خان جیرین ده ــ ومحمدسلیم‌خان‌پسرمحمدکاظم‌خان‌ــ خان‌پیرکوه‌ــ بوده‌اند.اینان می‌گویند که بازماندگان حسن نامی هستند که با سید جلال‌الدین اشرف به گیلان آمده است.[۲]

۱ـ Beychānlu ۲ـ اگر نادر پس‌ازسال ۱۱۰۰ قمری‌ایشان را بدینجا کوچانده چگونه پدر انشان با سید جلال‌الدین اشرف که در آمدن خود او به گیلان گفتگوست بدینجا آمده‌اند ؟

مرکز اصلی عمارلو منجیل است که در ۳۹۳ متر ارتفاع از سطح دریا بنا شده است. این آبادی بر ساحل راست سفید رود و از محل التقای شاهرود و سفید رود دور نیست و در زمان رابینو، دویست و هفتاد خانوار در آن ساکن بوده‌اند.

جمعیت ناحیهٔ عمارلو راکردان و ترکان تشکیل می‌دهند. کردها از طایفهٔ رشوندند که تیره‌ای از ایل ببه هستند که در سلیمانیه سکونت دارند. شاه‌عباس اول ایشان را بدین‌جا کوچانده است. طایفهٔ عمارلو که نادر ایشان را بدین مکان آورد، کم‌کم کردان رشوند را از دهکده هائی که ساکن بودند بیرون راندند. کردان رشوند، فعلاً ساکن ناوه، کلیشم، لایه و کاکوستان ودهکده‌های دیگر هستند ودر رودبار محمد زمان خانی در دهکده‌های زیر دیده می‌شوند:

شهرستان، بهرام‌آباد، کیاکلایه، حسن‌آباد، ده دوشاب.

در زمان رابینو رئیس طایفهٔ رشوند، حسینعلی خان پسر محمد علی‌خان پسر محمد زمان خان بود وپسرش ـ محمدعلی‌خان ـ به‌ساعدنظام‌شهرت داشت.

تیرهٔ دیگری که وضع ایلی ندارد و به‌طایفهٔ رشوند بستگی دارد، تیرهٔ سیاهکلی است که بیشتر آنان گله‌دار هستند.

عمارلوها، دهکده های عمارلو و رودبار بابا منصوری را اشغال کرده‌اند وبه تیره های جداگانه به این ترتیب تقسیم می‌شوند:

تیرهٔ قبه‌کرانلو در دیارجان، تیرهٔ استاجان‌لو در پیرکوه، تیرهٔ بیچانلو در جیرین ده، تیرهٔ شمخانلو در خرگام و انبو.

در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) در حدود دو هزار چادر غیاثوند و چگنی و رشوند در فاصلهٔ میان لوشان و منجیل برپا می‌شده است.

زبان اهالی ترکی و کردی است و زبان فارسی را نیز می‌دانند، اما به زبان گیلکی کمتر سخن می‌گویند. خاك ایشان به دو ناحیهٔ خرگام و فاراب تقسیم می‌شود.

مذهب بیشتر اهالی شیعهٔ اثنی عشری است و کردان بیشتر اهل حق اند. در میان اهالی بومی کم و بیش معتقدان به مذهب اسماعیلی هم هست. این ناحیه در زمان رابینو دو هزار و صد خانوار داشته است.

۴ـ آثار و بناهای تاریخی ناحیه‌های خرگام و فاراب عمارلو.

قبرستان قدیمی بالا محلهٔ منجیل
بر ساحل چپ رودخانهٔ منجیل

بر سنگهای بزرگ این قبرستان، تاریخی دیده نشد. از نوع خطی که بر آنهاست شاید بتوان گفت مقدم بر اوایل قرن دهم هجری نیست. بر سنگ سیاه‌عظیمی که به‌طول ۱۹۰ وعرض ۸۰ وقطر ۳۵ سانتیمتر بود این‌عبارات خوانده می‌شد: یاالله یا محمد یا علی هذا القبر السعید علیخان بن ولیخان.

بر سنگ‌دیگری که شکسته‌است، این‌عبارت‌است: هذاالقبرشاه‌سلطان...

بر سنگ دیگری چنین حك است: وفات مرحوم حیدرعلی ولد مرحوم علی دادبیك. نقوشی که بر آن حك است: شانه و مهر و تسبیح وسرو وبلبل و اژدها.

سردابی بزرگ سنگی در این قبرستان

در قسمتهای پائین قبرستان قدیمی منجیل سردابی است که طاق آن از سنگهای یك پارچه به طول سه متر و قطر ۳۷ سانتیمتر بنا شده است. دیوار این سرداب نیز از سنگ است. طول آنها ۳۶۰ وعرض آنها ۲۲۰ و قطر آنها ۲۸ سانتیمتر است. بر سنگهای داخلی کلمات، الله ومحمد وعلی به‌اشکال‌مختلف دیده می‌شود.

بنائی هشت ضلعی به نام مقبرهٔ زرین تاج

دراین قبرستان قدیمی بنائی هشت ضلعی آجری است. آجرهای بنا به‌ابعاد ۲۰وقطر ۵سانتیمتر است. اضلاع خارجی بنا هریك ۲۱۶ سانتیمتراست وارتفاع آنها از روی پایهٔ سنگی دو متر است. سقف بنا دو گنبد دارد. گنبد زیرین با

آجر بنا شده است. داخل بنا از سنگ وگچ است که روی آن را با گچ سفید کرده‌اند، عرض اضلاع داخلی ۱۵۲ سانتیمتر است. سر گنبد بالائی وزیری هر دو خراب شده ، اما کمربند گنبد بالائی باقی است. در بنا شرقی است وارتفاع آن از پایهٔ سنگی ۱۵۰ وعرض آن ۸۳ سانتیمتر است . (عکس شمارهٔ ۲۴۷)

بقعهٔ امامزاده سلیمان معروف به امامزاده طاهر بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در پائین محلهٔ منجیل

این بقعه بنائی است چهارضلعی‌از سنگ و گچ کداخیراً آن را با سیمان تعمیر کرده‌اند .

پل منجیل

پائین آبادی منجیل بر رودخانهٔ سفید رود

پل بستن بر آب سفید رود ، به علت آب فراوان وسیلاب‌آن ، مشکل و پرخرج است . الئاریوس (Olearius) در سال ۱۰٤۸ قمری (— ۱٦۳۸ میلادی) می‌نویسد که پلی با شش پایه که درهر پایه، اطاقی وآشپزخانه‌ای بود وپلکانی برای رفتن به اطاقها داشت ، بر روی آب سفید رود بنا کرده بودند . گنجایش اطاقها به قدری بودکه تمام افراد یك‌کاروان را جای می‌داد.

هنوی (Hanway) که راه رشت به قزوین را طی‌کرده ، با قایق از آب سفید رود گذشته است و این خود نشانی است که در زمان او پلی بر روی این رودخانه نبوده است ، یا پل‌آن خراب وقابل عبور نبوده است.

ماژور دارسی تد (Major d' Arcy Todd) در سال ۱۲۵۳ قمری (= ۱۸۳۷ میلادی) می‌نویسد که پل منجیل هفت دهانه داشت و متعلق به دوران صفویه بود. قسمتی از این پل در زمان سلطنت نادرشاه خراب شده بود ودرحدودچهل سال قبل از سفر دارسی، سلیمان خان قاجار ــ حاکم‌سابق‌گیلان ــ آن‌رامرمت کرده بود. این مرد را دارسی درسال۱۲٤۷ قمری (— ۱۸۳۱ میلادی) ملاقات کرده است . دو هلال طاق دو دهانه را آب برده بود ، با تخته آن را پوشانده

و راه عبور ومرور راگشاده بودند.

میان سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۷۷ قمری ، حاجی ملا رفیع شریعتمدار که امام جمعهٔ گیلان بود ، پلی تازه بساخت. این پل از عجایب هنر معمری بود، اما در سال ۱۳۱۶ قمری ، سیلی این پل را از جای کند. این پل هنگام سفر ناصرالدین شاه به گیلان برجای بوده است.(۱)(عکس شماره ۲۴۸)سپس کمپانی روسی ، پلی از آهن برپایه‌های پل قدیمی بنا کرد که تا زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) برپا بوده است.(۲)

پل لوشان

بر روی رودخانهٔ شاهرود نزدیك دهکدهٔ لوشان

این پل آجری محکم و زیبا بر پنج پایهٔ اصلی استوار است . طرح بنا قدیمی است اما تاریخ بنای آن زیاد روشن نیست. رابینو می‌نویسد «پل لوشان ، بنائی زیبا از آجر وسنگ است که شامل دو دهانهٔ بزرگ و یك دهانهٔ کوچك است ودر زمان خسروخان بنا شده است.»(۳)در صورتیکه این پل از قدیم چهار دهانه داشته وتمام آن از آجر بوده است . عکسی که هنگام سفر ناصرالدین شاه به گیلان از این پل گرفته‌اند، گواهی صادق است.(عکس شمارهٔ ۲۴۹)شاید بعدها که پل رو به خرابی رفته است ، آن را با سنگ تعمیر کرده‌اند . (عکس شمارهٔ ۲۵۰)صاحب طرائق الحقایق می‌نویسد که پل شاهرود بر نیمهٔ راه حرزان به منجیل است . مجموع این راه پنج فرسنگ است .(۴) صاحب طرائق در سال ۱۳۱۴ قمری یعنی یك سال پس از کشته‌شدن ناصرالدین شاه از روی این پل گذشته است.

راه قدیم گیلان

راه قدیم گیلان از مسیر امروزی نبوده‌است. این راه از آقابابا به مزرعه‌ای

---

۱ ـ مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ۱۷۰ به نقل از سفرنامهٔ گیلان   ۲ ـ گیلان رابینو ص ۲٦٤ .   ۳ـ گیلان رابینو ص ۲٦۲ .   ٤ـ طرائق الحقایق ص ٦۰۳ .

می‌رفت که چاپارخانه و کاروانسرائی داشت و یك فرسخی آقابابا بود. از اینجا به کتل خرزان می‌رسید. وسط کتل دهکده‌ای به‌نام اسماعیل‌آباد بود که تا مزرعه یك فرسخ فاصله داشت. سپس از دهکدهٔ خرزان می‌گذشت. میان اسماعیل‌آباد وخرزان آبادی کوچك دیگری بوده است. دهکدهٔ خرزان چاپارخانه و کاروانسرا داشت. ازخرزان تا منجیل پنج‌فرسخ راه است و بر سر راه آبادی کوچك‌منداب بوده است.[۱] کاروانسرا وحمام‌خرزان‌را حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه ساخته است.[۲]

راهی که روسها ساخته‌اند از مزرعه‌ای که در یك فرسنگی آقاباباست جدا می‌شود وبه درهٔ ملاعلی می‌رود و بالاتر از منجیل در دهکدهٔ پاچنار با راه خرزان یکی می‌شود.[۳]

بقعهٔ امامزاده حمزة بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لوشان فاراب عمارلو

بنای اصلی بقعه از سنگ وگچ است. طرح بنا چهارگوشه و بر بام آن گنبدی‌کاشی کاری است. در شمال بقعه قبرستان وسیعی است. سنگهای‌قبور آن تمام مرمر و نقشهائی دیدنی و جالب بر آنهاست. تاریخ پاره‌ای از آنها مقدم بر سال ۱۲۰۰ هجری قمری است.

بقعهٔ امامزاده محمد حنفیة بن‌علی علیه‌السلام وهاشم بن محمد حنفیه و ابوالقاسم حمزة بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ بیورزن فاراب عمارلو

متن بنا از سنگ وگچ ونمای آن آجر است. طرح بنا هشت‌ضلعی است. اندازهٔ هرضلع ازداخل ۲۴۰ سانتیمتر و از خارج ٤٦٠ سانتیمتر است و عمق طاقنماهای آنها نیم‌متر است. ایوانی مقابل در ورودی است که طولش ٥ متر وعرض آن ۳/٥ متر است. این ایوان به کفش کنی ختم می شود که طول آن ۲/۷۰ وعرض آن ۲ متراست. در دیوار های حرم پنجره های ظریف‌مشبك‌دیده

۱- طرائق الحقایق ص ۶۰۱و۶۰۲. ۲ و ۳ - طرائق الحقایق ص ۶۰۲.

می‌شود . سه‌صندوق ساده دروسط است و ضریحی مشبك چوبین آنها را احاطه کرده است. درخت‌کهنسال سروی جنگلی در جلو بنای بقعه است . (عکس شماره ۲۵۱)

پل آجری انبو
بر روی رودخانهٔ شاهرود
در بخش فاراب عمارلو

دهکدهٔ انبو برساحل راست شاهرود ، برکنار یکی از شعب این رودخانه است و به دومحلهٔ بالا وپائین تقسیم می‌شود. این پل بررودخانهٔ شاهرود در راه قدیم‌قزوین به اشکور ودیلمان بنا شده است. این‌راه ازقزوین به‌گردنهٔ کماسار ودهکدهٔ چنارك و پل انبو و قهوه خانهٔ سیاه آب می‌رود . راه دست راست از قهوه خانه به‌اشکور وراه دست چپ به‌دیلمان می‌رود.

دهکدهٔ انبو از دیهای قدیمی این ناحیه است. رشید الدین فضل الله در شرح‌حال حسن صباح می‌نویسد «ازقزوین به‌راه بیره وانبوه به‌دیلمان آمد»(۱) سید ظهیرالدین نیز ازاین دهکده نام می‌برد آنجا که می‌نویسد « نماز عصریه ر. ازلمسر سوار شده وبه تعجیل براندند وچون راه دور ودراز بود و به قلل جبل برف بسیار، نماز شام را به قریهٔ انبوه رسیدند» (۲) صاحب برهان قاطع می‌نویسد «انبوه ... نام قصبه‌ای است در بالای کوهی از مضافات دیلمان » در فرهنگ‌جغرافیائی نیز از این دهکده یاد شده است ومی نویسد : پل‌آن‌قدیمی است .

قلعه خرابه‌ای به‌نام قلکی‌سر
در دهکدهٔ کلیشم از بلوك فاراب عمارلو

از دیلمان که به سر دو راهی انبو می‌رویم طرف‌دست‌راست برسر کوهی منفرد ، قلعه‌ای ازسنگ‌وگچ دیده می‌شود‌که ظاهراً ازبناهای اسماعیلیان‌است

---

(۱) جامع‌التواریخ ص ۱۰٤. (۲) تاریخ چاپ گیلان نگارنده ص ۳۸۷

(عکس شمارهٔ ۲۵۲) از دیوارها و باروی قلعه آثار زیادی بر جای نیست و طرح اصلی آن از میان رفته است. درپاره‌ای جاها ارتفاع دیوار به یك مترونیم می‌رسد . (عکس شمارهٔ ۲۵۳ و ۲۵٤)

چند سال قبل آلتی صندلی مانند که از مفرغ بود از این قلعه بیرون آوردند .

باقی بناها و آثار تاریخی
ناحیهٔ فاراب و خرگام عمارلو

۱ـ امامزاده طیب وطاهر در پاکده باگنبدی ازکاشی سبز .

۲ـ امامزاده محمد در تکیهٔ جیرین ده .

۳ـ شاه‌نشین و شاهمیرکلا ، دو محل کوهستانی نزدیك دهکدهٔ انبو ، در این دو محل آثار آبادیهای قدیمی است .

۴ـ کافر قلعه ، قلعه خرابه‌ایست نزدیك جیرین ده فاراب عمارلو .

۵ـ خرابه‌های ابنیهٔ قدیمی در اراضی مزرعه چارشا نزدیك دهکدهٔ ناش از بلوك خرگام عمارلو .

۶ـ بقعهٔ شاه شهیدان در دهکدهٔ شهیدان زیر کوه دلفك .

۷ـ بقعهٔ دهکدهٔ شاده‌سر .

۸ـ کافرکوه نزدیك دهکدهٔ تاله‌کوه از بلوك خرگام عمارلو ، آثار قلعه خرابه‌ای دارد .

۹ـ قلعه خرابه‌ای معروف به نقاره کوه نزدیك دهکدهٔ کشکش ، از بلوك خرگام عمارلو . این قلعه میان دهکدهٔ کشکش وصیقلده است.

۱۰ـ بابا ملحودی گور نزدیك دهکدهٔ کلیشم از بلوك فاراب عمارلو. ظاهراً یکی ازگورهای سران اسماعیلیان است .

۱۱ـ قبورگبری و آثارخرابه های قدیمی و قلعه‌های کهن نزدیك دهکدهٔ ویه از بلوك فاراب عمارلو .

۱۲ـ قلعهٔ نادری و تپهٔ آن میان چمل وسرمل از بلوك خرگام عمارلو .

۱۳ـ کافر قلعه در پاك ده از بلوك فاراب عمارلو .

۱٤ـ قلعهٔ یکونوم نزدیك دهکدهٔ یکونوم از بلوك فاراب عمارلو .

۱۵ـ چله خانه و درم خانی میان یکونوم و دهکدهٔ وبه از بلوك فاراب عمارلو .

۱٦ـ زرگر دکان،غارمانندی‌است که‌در سنگ تراشیده‌اند نزدیك دهکدهٔ پاك‌ده از بلوك فاراب عمارلو .

۱۷ـ بقعه آینه‌ده (=اینه‌دی) ازبلوك فاراب عمارلو .

۱۸ـ مسجدی بربالای‌کوه نزدیك دهکدهٔ داماش عمارلو .

۱۹ـ خرابه‌ها و آثار تپله و سفال قدیمی در چراکوه نرسیده به دهکدهٔ کلیشم .

۲۰ـ قلعه چمارود نزدیك محله بالای انبواز بلوك فاراب عمارلو .

۲۱ـ قلعهٔ گنجاك بالای قلعه چمارود نزدیك دهکدهٔ انبواز بلوك فاراب عمارلو .

۲۲ـ قلعهٔ دگاسر سمت راست رودخانهٔ شاهرود وبرج نگهبانی آن سمت چپ آب نزدیك دهکدهٔ دگاسراز بلوك فاراب عمارلو .

۲٤ـ قلعهٔ کلاسی نزدیك دهکدهٔ ناوه ازبلوك فاراب عمارلو .

۲۵ـ قلعهٔ جیرین ده نزدیك دهکدهٔ جیرین ده ازبلوك فاراب عمارلو .

۲٦ـ قزقلعه نزدیك دهکدهٔ سنگه رود ازبلوك فاراب عمارلو .

۲۷ـ قلعهٔ اسکابن واسلابار نزدیك دهکدهٔ اسکابن ازبلوك فاراب عمارلو .

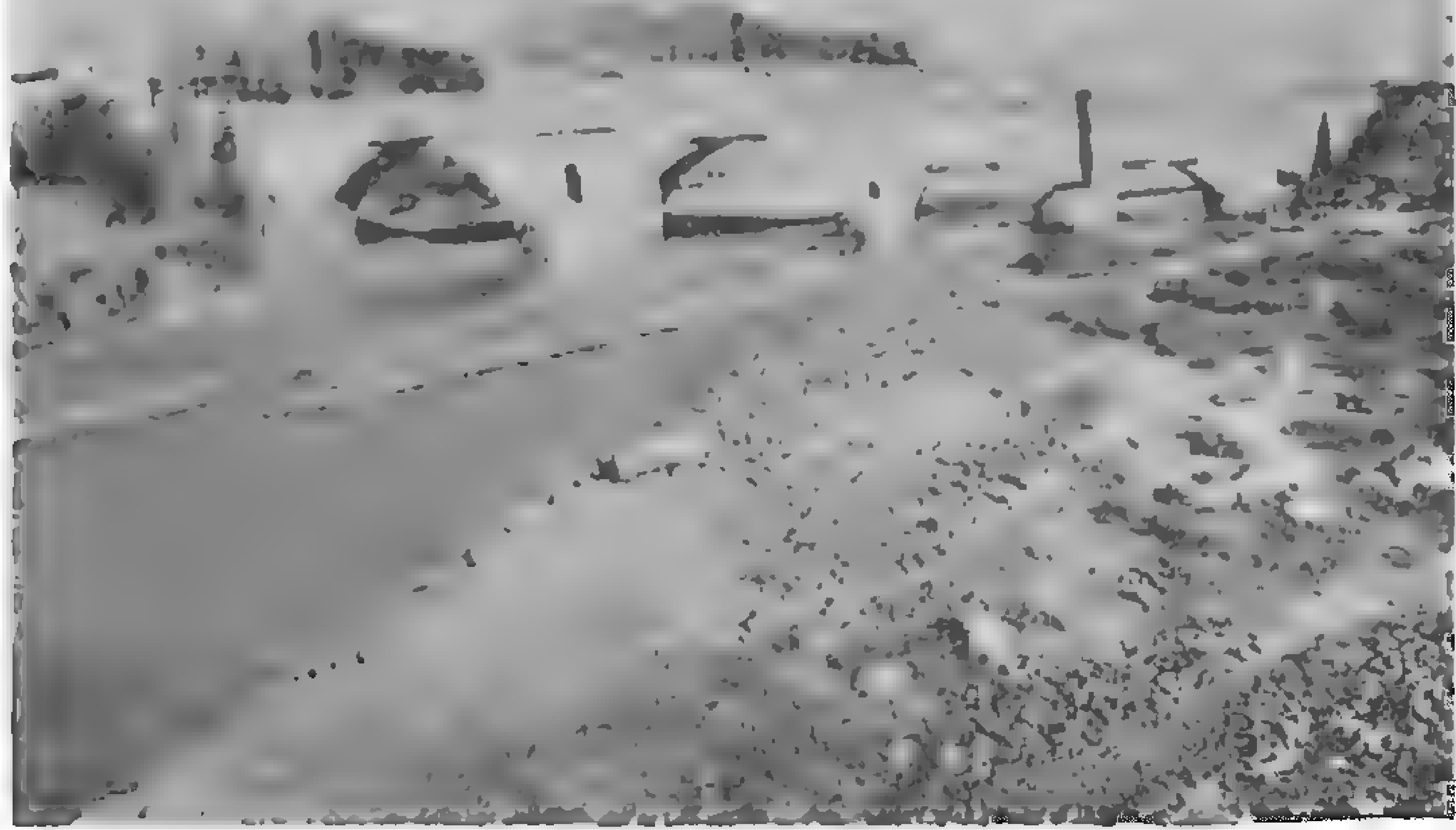


عکس شمارهٔ ۸٤۸ـ عکس پلمنجیل ازآلبوم ناصرالدین‌شاه که زیرآن نوشته‌اند ازشدت باد بهترازاین ممکن نبود عکس برداشت .

عکس شمارهٔ ۱۲۱۸۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .



عکس شمارهٔ ۲۴۹ـ عکس پل اوشان هنگام سفر ناصرالدین‌شاه به گیلان که از البوم ناصرالدین‌شاه نقل شده است
این عکس بشمارهٔ ۱۲۱۸۱ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران است .



عکس شمارهٔ ۲۵۰ ـ پل اوشان در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی .



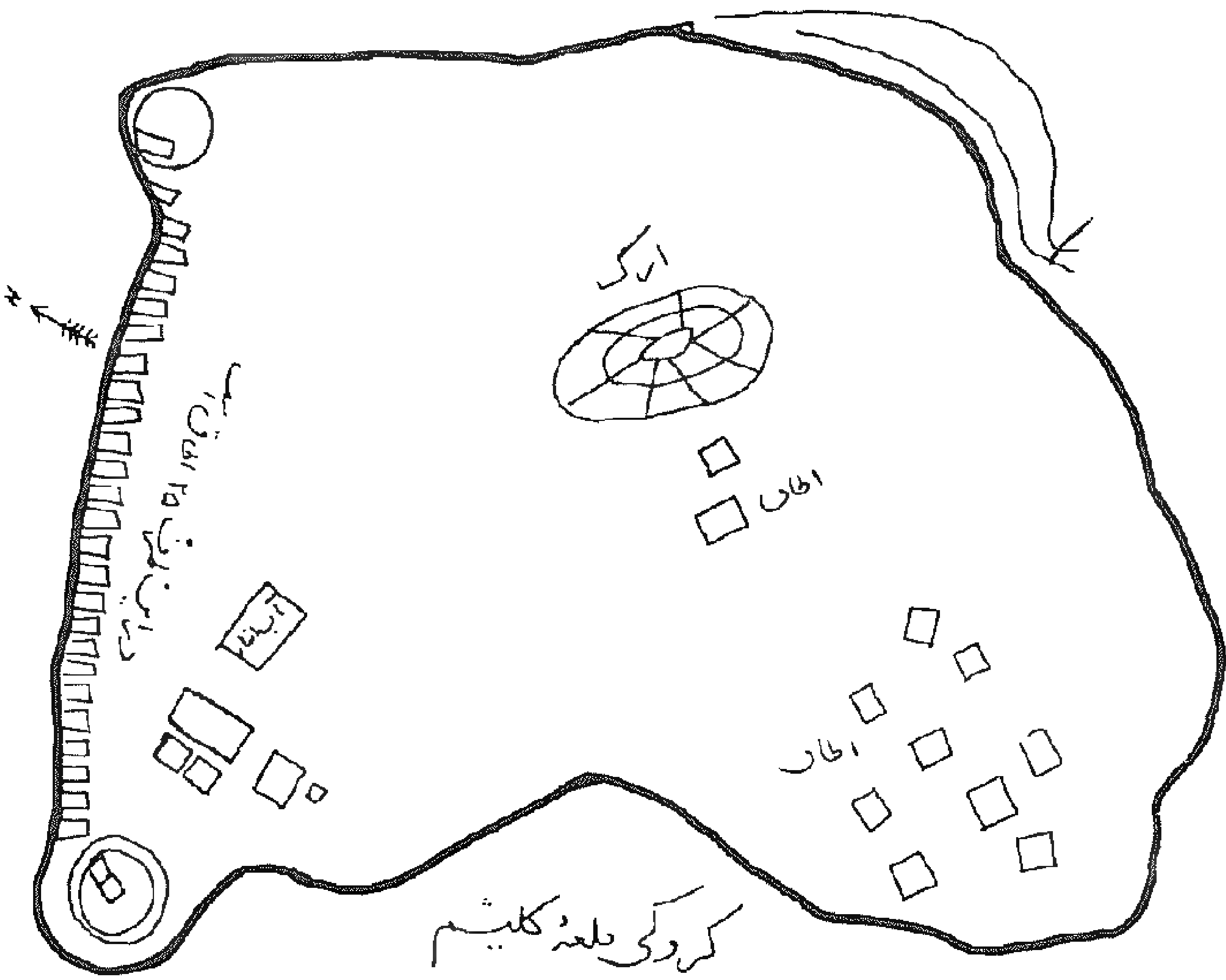
عکس شمارهٔ ۲۵۱ــ بقعهٔ امامزاده محمد حنفیه و هاشم‌بن محمد حنفیه و حمزة‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ بیورزن فاراب عمارلو .



عکس شمارهٔ ۲۵۲ـ کوهی که قلعهٔ «قلکی‌سر» کلیشم بر آن بنا شده است



عکس شمارهٔ ۲۵۳- پاره‌ای از دیوار غربی قلعهٔ «قلکی‌سر» کلیشم.



عکس شمارهٔ ۲۵۴ ـ کروکی قلعهٔ دولتکی سره کلشم

تصحیحات ـ اضافات ـ تعلیقات

صفحه/سطر

۱ /۱۰ ـ نهرهائی که قبل از تأسیسات جدید سدسفیدرود وسد تاریك رود از رودخانۀسفیدرودجدامی‌شده‌اند به‌نامهای زیرمعروف‌بودند:۱ـخمام‌رود۲ـ سالارجو۳ـکیاجو۴ـنورود۵ـ کیشه‌دمرده ۶ـ تش‌رود۷ـحشمت رود ۸ـ توشاجوب ۹ـ سالك ده ۱۰ میرزا جو ۱۱ـ گل‌رود ۱۲ـ علی بکنده ۱۳ـ سیاه ورس .

۲ /۱۱ ـ روبنج با باء منقوط چنانکه در اغلب کتب جغرافیائی قدیم آمده‌است ظاهراً باید رونبج با باء منقوط باشد . زیرا همین کلمه بعدها رویان شده است .

۸ /۱۱ ـ کهدم که امروز باضم دال تلفظ می‌کنندو به‌کهدمات جمع می‌بندند، درزمان‌عبدالفتاح فومنی مؤلف تاریخ‌گیلان به فتح دال تلفظ می‌شده است زیرااین مؤلف درذکر حال کامران میرزا این‌کلمه را بامحکم و عدم وغم وستم ودیدم و سرم و قسم قافیه آورده است . (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی چاپ نگارنده ص ۸۸)

۱۲ /۲۴ ـ کفی خزناً بدفنك ثم‌انی صحیح است . کلمات درچاپ ریخته وپس و پیش شده است .

۱۳ /۱ ـ در اصل : وکانت فی حیوتك لی‌عظات

۲۰ /۲۱ ـ تربیت اشتباه چاپی است وتربت صحیح آنست .

صفحه/سطر

۳۶ /۹ ـ خشمانادان صحیح است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۵۴)

۳۹ /۳ ـ سرراه آستارا به ازلی صحیح است .

۴۶ /۶ ـ قوشه‌جد صحیح است . در زبان تالشی به معنی « یك جفت سید » است .

۷۱ /سطراول‌حاشیه والیوم الاخر صحیح است .

۸۴ /۹ ـ خشابر باباء منقوط صحیح است .

۹۲ /۳ ـ دربیلاق چروده ، درمحلی به نام دیان سرصحیح است .

۹۲ /۱۲ ـ خوشابر همان خشابر بضم خاء معجمه است که در صفحات پیش یاد شده است .

۹۲ /۲۲ سنگ نوشته‌ای صحیح است .

۱۱۸/۲۰ ـ آقاسید مهرعلی صحیح است .

۱۲۰/۹ ـ ودوطرف دیگربهن تراست صحیح است .

۱۳۳/۱۵ـ عبدالفتاح فومنی درتاریخ گیلان می‌نویسد که خیرالنسا بیگم همسر امیره‌دباج فومنی‌درسل ۹۳۸ قمری درماسوله فوت‌شد ودر گورستان خاندان‌صفویه دراردبیل به خاك سپرده شد. دهکدهٔ واقعه دشت فومن که مالیات آن هزارسکهٔ طلا درسال بود وقف مزار اودراردبیل شد . این دهکده دردوکیلومتری صومعه سرا تا امروز به‌جای‌است .

۱۳۸/۱ ـ خط خوش نسخ برآن حك شده است صحیح است .

۱۳۹/۲۱ـ حاکم بیه پس بوده است صحیح است .

۱۵۴/۳ ـ امیرقتلغشاه‌قصدگرفتن فومنات راداشت وازراه خلخال بدین جاحمله کرد . مردم فومن وتولم متحد شدند وحمله آوردند و قشون مقول شکست‌خورد وخود قتلغشاه کشته شد .

۱۵۵/۲ ـ فوهن غلط چاپی وفومن صحیح است .

۱۶۴/۲ ـ موبین غلط چاپی وچوبین صحیح است .

صفحه/سطر

۵/۱۹۱ ـ قبل ازرسیدن‌ما به‌این محل صحیح‌است .

۱۰/۱۹۳ـ این ضریح نظیرخمیه‌هائی است صحیح است .

۲۴/۱۹۳ـ نزدیك آبادی، منظورآبادی ضیابرگسکراست .

۱۶/۲۱۷ـ آقای محمد علی گیلك در بارهٔ درهای بقعهٔ امامزاده ابراهیم شفت نوشته‌اند که منبت‌کاری‌است . ازدرهای منبت کاری اثری نیست،

۲۰/۲۲۹ ـ دربارهٔ مسجد قدیمی هندخاله تولم درص ۲۲۸ توضیح مختصری داده شده است .

۲۳۹/ حاشیهٔ شمارهٔ یك ـ بضم نون وکسرواوصحیح است .

۱۳/۲۴۷ـ سید ظهیرالدین ازمسجد پاس‌کیا درشهررشت ، درذکراحوال سیدعلی کیاومخالفت وباامیره محمدرشتی‌ومغلوب‌وکشته‌شدن‌سادات‌می‌نویسد، وقتی خبر شکست سادات به سیدعلی کیا رسید به‌رشت‌آمد ودرمسجد پاس‌کیا فرود آمد واین جریان درسال ۷۹۱ قمری بوده‌است (تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ص ۸۱) گملین نیز در سال ۱۱۸۵ قمری درذکرمساجد رشت ازاین مسجدیاد کرده است .

۶/۲۴۸ ـ خمیران زاهدان به حالت مضاف و مضاف‌الیه صحیح است .

۱۷/۲۵۴ـ مسجد جامع رشت را مرحوم میرزا حسن خان اعتماد السلطنه به نام جامع گیلان خوانده ودرمرآت البلدان ج ۴ ص ۱۱۹ و ۱۲۰ شرحی دربارهٔ آن نوشته‌است .

۲۲/۲۵۳ـ روبه خرابی نهاده است صحیح است .

۱۸/۲۵۶ـ به‌مسجد وارد می‌شود صحیح است .

۱/۲۵۷ ـ وصاحب دیوان شیخ بوده‌است صحیح است .

۱۶/۲۶۰ـ هم‌مسبح اندراین‌جبریل فرخ از کنارصحیح است .

۲۶۷/ حاشیهٔ ص۲۶۷ مربوط به ۲۶۶ است .

۶/۲۹۳ ـ بنای اصلی بقعه صحیح است .

صفحه/سطر

۱۸/۲۹۴ــ ماده تاریخ سردربقعهٔ خواهر امام « باسقاط یاء صغیر » است که اگر یاء را اسقاط کنیم « صغر » می‌شود ومجموع این حروف معادل ۱۲۹۰ قمری‌است .

۱/۳۰۱ ــ سرافرازصحیح است .

۱۷/۳۰۵ــ یادیّان یامنّان یاحنّان یا برهان صحیح است .

۵/۳۰۹ ــ صاحب طرائق‌الحقایق درسال۱۳۱۴قمری به‌رشت‌آمده و از امامزاده هاشم یاد کرده است (طرائق‌الحقایق ص ۶۰۳)

۲۲/۴۲۶ــ اثری نبودصحیح است .

۱۵/۴۲۹ــ موسی وعلی‌وتقی‌ونقی صحیح‌است .

۴/۴۶۳ ــ اعتمدالسلطنه از چاپار خانهٔ رستم آباد یاد کرده‌است که امروز اثری از آن برجای نیست (مرآت‌البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ۱۷۰)

۱۶/۴۶۴ــ اعتمادالسلطنه ازکاروانسرای فیلده نیز یادکرده است . نگارنده آن را نیافت . (مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۹ و ص ۱۷۰) همچنین ازآثار عمارت و قلعهٔ میان فیلده و دهکدهٔ لاکه ذکری می کند که نگارنده آنهارا ندید .

۲/۴۷۱ ــ محلهای زیر اطراف چراغعلی تپه هستند وآثار زیرخاکی دارند :
۱ــ در سینه‌های کوه دهکدهٔ قشلاق ۲ ــ درکاچه سرای جازن کول ۳ــ در دهکدهٔ زینب بجار۴ــ درلاله بجار ۵ــ درسی سرك ۶ــ درزینب بجار (مزرعهٔ برنج‌کاری است) ۷ــ دردوره بجار ۸ــ درکشان بجار .

۱۸/۴۷۷ــ آقا سیدحسن صحیح است .

اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته‌است

آبدارخانه : قسمتی از بنای مساجد شهرهاست که در آن چای و قهوه تهیه می‌کنند

آزاد : از درختان جنگلی است و به نام علمی Zelkova Crenata Desf خوانده می‌شود . این درخت به علت بلندی و مستقیم بودن آن مورد احترام است .

ارسی : پنجره‌هائی است که معمولاً شیشه‌های آنها رنگین است و در دو شیار از پائین به بالا و بالعکس حرکت می‌کند .

ازاره : قسمت پائین دیوار بنا که از سنگ یا آجر می‌چینند یا روی آن را کاشی کاری می‌کنند . ارتفاع این قسمت بیش از یک متر نیست .

ایوان کتابی : ایوانی بسیار کم عرض را گویند .

بائو : دو تختهٔ قطور دو طرف لنگهٔ در را گویند .

بلوط — **مازو** : از درختان جنگلی است و به نام علمی Quercus Iberica Stev. — Quercus Sessiliflora, Sm . خوانده می‌شود . عظمت این درخت مورد ستایش جنگل نشینان است .

بن نال : بکسر باء ، چوبی قطور و چهار نبش که لبهٔ ایوان می‌گذارند و ستونها را روی آن قرار می‌دهند .

پاسار : تخته‌های قطور بالا و وسط و پائین لنگهٔ در .

پاگرد : فضائی که در محل تغییر سمت پلکان است .

پره : پیش آمدگی لبهٔ بام از چهار جهت تا مانع رسیدن باران به دیوارها شود

پشته برای اینکه بتوانند لبهٔ بام را بیشتر پیش آورند ، معمولاً پره (یعنی قسمت

پیش آمدگی) را طبقه طبقه می‌کنند تا این لبه جلوتر آید و بیشتر مانع رسیدن باران به دیوارها شود . هریك ازاین طبقات رایك پشته گویند .

پل کوبی : کوبیدن تخته‌هائی به قطر سه وعرض بیست سانتیمتر وطول دومتر یا بیشتر بربالای واشانها که تیرهای سقف است .

تربه : بضم تاء ، این کلمه همان کلمهٔ تربت عربی است ، درصفحات تالش نشین وترك نشین به معنی مزار ومرقد به کارمی‌رود .

تکائل : بفتح تاء و کسر همزه ، نوعی نردهٔ حلوایوان است که از تخته‌هائی بهارتفاع نیم متر وعرض بیست سانتیمتر وقطر یك سانتیمتر ، میان دوچوب اصلی که درطول ایوان است قرارمی‌دهند .

تنکه : بضم تاء ونون ، تخته‌هائی صاف که معمولاً لبه‌های آن پخ است ودرمیان پاسار وپائوی لنگهٔ درقرارمی‌گیرد . پاسار تخته‌های قطور بالا و وسط و پائین لنگه در وپائو تخته‌های قطور طرفین آن است .

تور : درزبان گیلکی به معنی خل ودیوانه است .

چکه‌گیری : عمل تعویض تخته‌ها یا سفالها یا کلی بام تا مانع آب چکه سقف شود .

حلب پوش : بناهائی را گویند که بام آنها از آهن سفید پوشانده شده است .

حمال : چوبی بسیار قطور که وسط بناهائی که عرض زیاددارند می‌کشند و تیرهای سقف دوطرف بنارا روی آن قرارمی‌دهند .

حوضخانه : قسمتی از بناهای مساجد شهر که محل وضو گرفتن است .

خفنگ : بفتح خاء و فاء ، پنجره‌های مشبك یا شیشه‌دار که بالای درها نصب می‌شود تا نور کافی به داخل بنا برسد .

دچین : دربخشهای تالش نشین به معنی پل کوبی مناطق گیلك نشین است و آن تخته‌های بلندی است که روی واشانها (= تیرهای سقف) می‌کوبند .

درزپوش : تخته‌های نازك وبلندی که روی درزهای لمبه (= تخته‌های پهن و

بلندی‌که روی واشاتها می‌کوبند) میخ کوب می کنند تا درز آنها پیدا نباشد .

درزپوش خط‌دار : نوعی درزپوش است که لبه‌های آن را با نوعی رنده خط‌دار کرده‌اند .

درزپوش خط‌دارپهن ـ تخته‌هائی‌که درز تخته‌های لمبه‌را می‌پوشانند واز درزـ پوشهای معمولی پهن تر است .

دستك تكائل : نوعی نردهٔ جلو ایوان است که از تخته ودستکهائی که میان آنهاست می‌سازند .

دستك‌صراحی : نردهٔ جلو ایوان که از چوبهای عمودی خراطی شده ساخته شده است .

دش دیوار : بفتح دال ، دراصطلاح محلی اسالم به دیواری گویندکه با سنگ وگل چیده‌اند .

دلوازه : سنگی صاف وکبود رنگ وبیضی شکل است که دختران وزنان جلو سینه می‌آویزند . درپاره‌ای نقاط ، این سنگ‌را بینکی گویند .

دماسا : بفتح دال ، دراصطلاح محلی گرگان رود به معنی طاقهای لمبه کوبی شده است .

دوراز کردن : عمل تعویض‌سفالهای شکستهٔ بام .

دولتی : دراصل‌دولختی وبه معنی درهای دولنگه است .

رف : محفظه‌ای بالای طاقچه‌ها که معمولا ظروف چینی‌در آن می‌گذاشتند .

زگالی : بنائی که‌استخوان بندی‌آن‌از چوب است وسپس داخل چوبهای‌دیوار را با گل پرمی کنند .

زوارکشی : بفتح زاء و تشدید واو ، آمدن زائران به محلهای متبرک در روزهای معین .

زیرسری : تیری بلند ،گرد یا چهارنبش که زیرسر تیرهای سقف بدروی‌دیوار قرار می‌دهند .

زینبیه : درصفحات تالش‌نشین و ترك‌نشین به‌معنی مسجد زنانه است .

ستون چهارسو : ستونهای چوبین‌که چهارنبش کرده‌اند.

ستون چهارسوی یخ زده : ستونی‌که چهارنبش است و تیزی نبشهارا تراشیده و زده‌اند .

سرستون : قسمتی‌ازستون‌که به‌اشکال مختلف‌ازچوب می‌سازند و بربالای‌ستونها نصب می‌کنند وسرتال‌را روی آن تکیه می‌دهند .

سرتال : تیربلندی که چهارنبش کرده‌اند وروی ستونها قرار می‌دهند .

سفال‌سر : بنائی راگویند که بام‌آن را از سفال سرخ ناو مانند پوشانده‌اند .

سمد ــ سمت ، بفتح سین ومیم ــ **اوجا** : از درختان جنگلی است که در فضای اطراف امامزاده‌ها دیده می‌شود . این درخت به‌نام علمی Ulmus Procera Salish شناخته شده است .

سنگ بادبر : بضم باء دوم ، سنگهائی که با ضرب پتك بشکل مکعب مستطیل درآورده‌اند .

شاه نشین : قسمت بالای تالارکه معمولا سطح آن را کمی بالاتر از کف تالار می‌ساختند .

شکم دریده : راهروی عریض میان دوتالار دربناهای مسکونی دوران قاجار .

عباسیه : در اصطلاح مناطق ترك نشین و تالش نشین مسجد مردانه را گویند .

علم : بفتح عین ولام ، چوب بلندی به ارتفاع پنج شش مترکه سرآن پنجه‌ای برنجین می‌گذارند و پارچه‌های رنگین قیمتی به‌چوب می‌بندند .

علم‌بندی : عمل بستن پارچه‌های رنگین وبا ارزش به بدنهٔ چوبین علم‌که درروز معین وباآدابی مخصوص انجام می‌شود .

علم‌واچینی : عمل باز کردن پارچه‌های رنگین وقیمتی‌از چوبهٔ علم‌که آن‌نیز آدابی دارد ودر روز معین انجام می‌شود .

غلام‌گردش : ایوانی به‌عرض یك‌متر یا کمی بیشتر که درچهار طرف بناساخته‌اند.

فیلپا : ستونهای مدوّر که قطر آنها در حدود هفتاد هشتاد سانتیمتر است و در وسط بناهای عریض دریك ردیف می‌سازند وحمّال را بر آنها می‌گذارند

قرنیس : سنگ یا کاشی که به عرض ده بیست سانتیمتراست وپائین دیوارها در امتداد کف به دیوار می‌چسبانند .

قرینه‌سازی : نظیر وهمانند ساختن شکل یا نقش یاطرحی دربنا

کبچی : کسی که عضلات صورت اوبراثر رطوبت یا سرماخوردگی یاعلل‌دیگر جمع شده ودهانش کج شده است

کرسی‌بلند : بناهائی که‌ازسطح زمین درحدود یك متر بالاتر می‌سازندوگاهی زیر آنها را خالی می‌گذارند تارطوبت به بالا نفوذنکند .

کفش‌کن : قسمتی‌ازبنای مساجد شهر یا امامزاده‌ها که پیش از درورودی‌است.

کلاه درویشی : گنبدهای شش‌ضلعی یا هشت ضلعی نوك تیز .

کلهه : بضم‌کاف ، نوعی برشی سرستون است که بسیار ظریف وزیباست .

کنوس : از درختان جنگلی است کـه به نام علمی Mespilus Germanica L. شناخته شده است و به‌فارسی از گیل گوئیم .

کیش : شمشاد جنگلی است که به نام‌علمی Buxus Sempervirens L. معروف است وبسیار مورد تعظیم وتکریم است . درباره‌ای نقاط وقتی به زیارت امامزاده‌ها می‌روند ، شاخهٔ کوچکی از این درخت را با خود می‌برندو به نرده و ستون ایوان امامزاده ها می‌زنند .

گالی پوشی : بناهائی‌که بام‌آنها راباگالی‌یالیق‌که نوعی‌پیزر است‌پوشانده‌اند.

گاو پهلو : برجهای توپر که متصل به دیوارقلعه می‌سازند تا مانع فرو ریختن دیوار شود .

گل‌سری : بکسرگاف و لام ، بناهائی که کف آنها با سطح زمین هم‌تراز است .

گنج گاو : بکسر جیم ، گاو کوهی یا گوزن است که شاخ آن درامامزاده‌ها یا بر بدنهٔ درختان جنگلی صحن امامزاده‌ها دیده می‌شود .

گنگ : بضم کاف ، تنبوشه‌های باریك و بلند که بیشتر برای لوله کشی آب به کارمی‌برده‌اند .

گیلوئی : برآمدگی یا فرورفتگی یا ابزار کاری حاشیهٔ بالای دیوار که متصل به‌سقف است .

لاچ‌لنگری : ستون‌چوبین گرد یا چهار نبش که بر بدنهٔ آن کنده‌کاری داشته‌باشد.

لاچ‌لنگری حصیری : نوعی‌کنده‌کاری بر سطح ستونهای چوبین که چون بافت حصیر یکی ازرو یکی از زیر است .

لاچ لنگری شکسته : نوعی کنده کاری برستونهای چوبین که به‌شکل هفت و هشت است .

لاچ لنگری مارپیچ : نوعی کنده کاری برستونهای چوبین گرد که به شکل مارپیچ است .

لت پوش : بکسر تاء ، بنائی که بام‌آن‌از تخته پاره‌هائی‌به‌طول‌سی‌چهل‌سانتیمتر وعرض ده پانزده سانتیمتر پوشانده شده است .

لمبه‌کوبی : کوبیدن تخته‌هائی به‌پهنای بیست سانتیمتر وطول دومتر یـابیشتر به تیرهای سقف بنا که واشان می‌خوانند .

لمبه‌کوبی‌بربه‌بر : نوعی‌کوبیدن تخته به‌تیرهای سقف‌اطاق به‌طوری‌که لبه‌های آنها‌بسیارجزم وچسبیده باشد .

مال‌بند : دالان مانندی که پشت صفه‌های‌کاروانسراست وچهارپایان بارکش را درآن جای می‌دهند .

مخ‌لمه : بکسر میم وفتح‌لام ومیم دوم، دراصطلاح محلی‌گرگان‌رود به‌بامی‌گویند که باتخته‌هائی به‌طول سه‌چهارمتر موازی یکدیگر به‌طرح شیروانی

کوبیده باشند.

نگار : = شمسه : گل اصلی نقشها و تزئینات و مشبك کاری ومنبت کاری و نظائر آنها .

واشان : تیرهای سقف که معمولاً در صفحات گیلان چهار نبش می تراشند و در فواصل کمتر از یك متر قرار می دهند .

واشان کشی : عمل قراردادن تیرهای سقف موازی یکدیگر با فواصل معین . در تهران این عمل را «تیربندی» گویند .

فهرست نامهای کسان، جایها، خاندانها
تیره‌ها و کتابها

آ ـ الف

الف

ج

خ

د

س

ق

ل

ن

پایان بخش اول از مجلد اول‌کتاب ازآستارا تا استارباد .

(جلد اول)

